

ابعاد حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری

فهرست تحقیق

فهرست تحقیق	۲
چکیده	۷
مقدمه	۸
اهمیت و ضرورت انجام پروژه	۱۶
پیشینه تحقیق	۱۸
بخش اول: کلیات فناوری و سرمایه‌گذاری	۱۹
فصل اول: کلیات فناوری	۱۹
مبحث اول: مفهوم و ارکان فناوری	۱۹
مبحث دوم: اوصاف فناوری	۲۵
مبحث سوم: انتقال فناوری	۲۷
گفتار اول: مفهوم انتقال فناوری	۲۷
گفتار دوم: روش‌های پیاده‌سازی انتقال فناوری	۳۵
گفتار سوم: شیوه‌های انتقال فناوری	۴۰
مبحث چهارم: فناوری ارتباطات و اطلاعات	۴۲
گفتار اول: مفهوم و ویژگی‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات	۴۲
گفتار دوم: فناوری ارتباطات و اطلاعات در کشور چین	۴۴
مبحث پنجم: نتیجه‌گیری فصل و پیشنهادات در کاربست عملی موضوع تحقیق	۴۸
فصل دوم: کلیات سرمایه‌گذاری	۵۰
مبحث اول: مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی	۵۰
مبحث دوم: پذیرش و الزامات اجرایی سرمایه‌گذاری خارجی	۵۷

۶۳	مبحث سوم: انواع سرمایه‌گذاری خارجی
۶۳	گفتار اول: سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم
۶۶	گفتار دوم: سرمایه‌گذاری مشترک
۶۶	قسمت اول: مفهوم سرمایه‌گذاری مشترک
۷۴	قسمت دوم: انواع سرمایه‌گذاری مشترک
۷۴	بند اول: جوینت ونچر شرکتی
۸۱	بند دوم: جوینت ونچر قراردادی و غیرشرکتی
۸۸	قسمت سوم: تعهدات ناشی از سرمایه‌گذاری مشترک
۹۸	قسمت چهارم: خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک
۱۰۰	بند اول: خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی
۱۰۷	بند دوم: خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی
۱۰۷	۱. خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی به دلیل انقضاء مدت یا انجام موضوع آن
۱۰۹	۲. خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی با توافق طرفین
۱۱۰	۳. حق فسخ سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی به دلیل عدم ایفا یا نقض اساسی تعهدات
۱۱۴	۴. خاتمه قهری سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی
۱۱۵	۵. فسخ سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی توسط دولت میزبان
۱۱۸	۶. فسخ سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی توسط سرمایه‌گذار
۱۱۹	۷. خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی به دلیل قوه قاهره
۱۲۴	قسمت پنجم: حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک
۱۲۴	بند اول: لزوم پیش‌بینی سیستم حل اختلاف در قرارداد
۱۲۷	بند دوم: روش‌های حل اختلاف در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک
۱۴۶	مبحث چهارم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات فصل در کاربست عملی موضوع تحقیق

بخش دوم: سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری در نظام حقوقی ایران	۱۵۱
فصل اول: قانون اساسی	۱۵۱
مبحث اول: ثبت شعبه و تأسیس شرکت توسط سرمایه‌گذار خارجی در پرتوی اصل ۸۱	۱۵۱
مبحث دوم: تصویب قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک توسط مجلس در پرتوی اصل ۷۷ و ۱۲۵	۱۵۵
مبحث سوم: داوری دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک در پرتوی اصل ۱۳۹	۱۵۸
مبحث چهارم: نتیجه‌گیری فصل و پیشنهادات در کاربست عملی موضوع تحقیق	۱۶۴
فصل دوم: قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی	۱۶۷
مبحث اول: تعریف سرمایه‌گذار خارجی	۱۶۹
مبحث دوم: تعریف سرمایه‌گذاری خارجی و لزوم تأسیس یک بنگاه اقتصادی و اهداف آن	۱۷۲
مبحث سوم: انواع سرمایه و پذیرش فناوری به‌عنوان سرمایه خارجی	۱۷۵
مبحث چهارم: تأسیس طرح سرمایه‌گذاری مشترک در قالب مشارکت مدنی	۱۹۳
مبحث پنجم: مراحل و مدت زمان صدور مجوز سرمایه‌گذاری خارجی	۱۹۹
مبحث ششم: حل‌وفصل اختلافات در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی	۲۰۳
فصل سوم: قانون راجع به ثبت شرکت‌ها و قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی	۲۱۱
مبحث اول: ثبت شعبه شرکت خارجی در ایران	۲۲۶
مبحث دوم: فعالیت‌های مجاز و قانونی شعبه شرکت خارجی در ایران	۲۳۷
مبحث سوم: درصد مشارکت شرکت خارجی در شرکت سرمایه‌گذاری مشترک	۲۴۵
فصل چهارم: قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران	۲۵۱
بخش سوم: سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری در نظام حقوقی چین	۲۵۶
فصل اول: کلیات و مفاهیم اصلی سرمایه‌گذاری در نظام حقوقی چین	۲۶۰
مبحث اول: کلیات نظام حقوقی و سرمایه‌گذاری خارجی در نظام حقوقی چین	۲۶۰
مبحث دوم: بررسی مهم‌ترین مفاد قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین	۲۶۴

گفتار اول: اصل رفتار ملی	۲۶۵
گفتار دوم: فهرست منفی سرمایه‌گذاری خارجی و رفتار برابر و غیر تبعیض آمیز	۲۶۶
گفتار سوم: مفهوم سرمایه‌گذار خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی	۲۷۰
گفتار چهارم: حمایت از حقوق مالکیت فکری	۲۷۱
گفتار پنجم: تشویق به نوآوری و سرمایه‌گذاری در مناطق خاص	۲۷۵
گفتار ششم: روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کشور چین	۲۷۹
گفتار هفتم: الزامات اولیه برای سرمایه‌گذاری خارجی در چین	۲۸۲
گفتار هشتم: مزایای سرمایه‌گذاری در چین طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی	۲۸۷
گفتار نهم: تعهدات سرمایه‌گذار طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی	۲۹۰
بخش چهارم: نتایج و راه‌حل‌های حقوقی جهت کاربست سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری	
فی‌مابین ایران و چین	۲۹۳
۱. ساختار مالکیت مشترک	۲۹۸
۲. تعیین دقیق فناوری موضوع سرمایه‌گذاری مشترک	۳۰۲
۳. پیاده‌سازی قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک	۳۰۹
۴. تأسیس شرکت مشترک سرمایه‌گذاری (بنگاه اقتصادی)	۳۱۵
۵. تعهدات قراردادی طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک	۳۱۹
۶. تقسیم سود و مسئولیت‌ها در طرح سرمایه‌گذاری مشترک	۳۳۰
۷. تمرکز بر پروژه‌های استراتژیک فناورانه در طرح سرمایه‌گذاری مشترک	۳۳۱
۸. تصویب قوانین و مقررات حمایتی و تسهیلاتی در ایران با هدف حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ..	۳۳۴
منابع	۳۳۹
پیوست‌ها	۳۴۵
نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۸۳۲۴۰	۳۴۵

نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۸۵۱۱۴	۳۴۶
قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی	۳۴۸
آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی	۳۵۷
قانون راجع به ثبت شرکت‌ها	۳۶۹
قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران	۳۷۴
قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین	۳۷۸

چکیده

با رعایت بند ب ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی که مشارکت مدنی را به‌عنوان یکی از روش‌های سرمایه‌گذاری به رسمیت شناخته است، انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی و بر پایه حقوق و تعهدات مشارکت مدنی علاوه بر ایجاد یک چارچوب قراردادی منعطف و رعایت عرف تجاری بین‌المللی، می‌تواند با بهره‌مندی از تأسیس یک شرکت سهامی خاص یا شرکت با مسئولیت محدود در مناطق آزاد تجاری ایران به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی که مشمول حمایت‌های خاص موردنیاز سرمایه‌گذاران خارجی است، راه‌حل مناسبی جهت پیاده‌سازی طرح سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری ارائه نماید و گامی هماهنگ با قوانین بنیادین و اصول کلی حقوقی نیز فراهم نماید. در این راستا، نظر به آنکه اکنون طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در دنیا مشتمل بر مجموعه‌ای قراردادهای و معاملات هستند که متضمن حقوق سرمایه‌گذاری، مالکیت فکری و مالی هستند و از طرف دیگر نظر به اینکه تأسیس یک شخصیت حقوقی می‌تواند هدف کنترل مشترک سرمایه‌گذاری، جلوگیری از مسئولیت تضامنی طرفین، همچنین تسهیم سود و زیان میان شرکا را فراهم نماید؛ طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک ترکیبی، یعنی ترکیبی از قراردادهای و تأسیس یک شخصیت حقوقی، راه‌حل مناسبی است. تحقیق پیشرو در تلاش است بر اساس رویکرد تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با تأکید بر منابع قانونی دو کشور و با هدف بررسی چارچوب‌های قانونی سرمایه‌گذاری فی‌مابین ایران و چین و با نگاهی پژوهشی، یک ماهیت حقوقی بهینه و مستقل برای انجام این سرمایه‌گذاری مشترک میان دو کشور ارائه نماید و چالش‌های حقوقی مدل‌های مختلف سرمایه‌گذاری مشترک را بررسی کرده و به بیان الزامات حقوقی اجرای هر مدل سرمایه‌گذاری مشترک بپردازد تا از این طریق پژوهشی جامع در این باره صورت گرفته باشد و طرف‌های ایرانی، به طور خاص، دستگاه‌های کشوری یا عمومی غیر کشوری بتوانند با توسل به نتایج این پژوهش طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک مناسبی با چین منعقد نمایند.

مقدمه

انتقال فناوری^۱ فرایندی است که از طریق آن دانش، مهارت‌ها و ظرفیت‌های علمی و فنی تحت مالکیت یک دولت (زین‌پس تحت عنوان دولت انتقال‌دهنده فناوری یا دولت سرمایه فرست) به دولت متقاضی (زین‌پس تحت عنوان دولت انتقال‌گیرنده فناوری یا دولت سرمایه‌پذیر) در قالب روش‌های انتقال فناوری از جمله طرح سرمایه‌گذاری مشترک انتقال پیدا می‌نماید و دولت‌های متقاضی معمولاً دولت‌های در حال توسعه‌ای هستند که با هدف تسریع حرکت اقتصاد خود به سوی توسعه، ایجاد اشتغال و تحقق سرمایه‌گذاری خارجی اقدام به جذب فناوری می‌نمایند.

انتقال فناوری یکی از موضوعاتی است که در قرن اخیر برای پیشرفت و توسعه از اهمیت اساسی برخوردار است و نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه دارد. یکی از دلایل اصلی اهمیت انتقال فناوری، نیاز به تسریع نوآوری برای حل مشکلاتی نظیر تغییرات اقتصادی و صنعتی است. این فرایند زمان و هزینه‌های توسعه فناوری‌های جدید را کاهش داده و به تجاری‌سازی سریع‌تر دستاوردهای علمی کمک می‌کند. همچنین انتقال فناوری می‌تواند به پیشرفت اقتصادی کمک کند. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی فناوری‌های نوین را توسعه می‌دهند و از طریق انتقال آن‌ها به شرکت‌های خصوصی یا سایر دولت‌ها، درآمدهای قابل توجهی از حق اختراع‌ها کسب کرده و این منابع را مجدداً در تحقیقات و پروژه‌های علمی سرمایه‌گذاری می‌کنند که در نهایت باعث رشد اقتصادی محلی و افزایش اشتغال می‌شود. این همکاری‌ها در سطح جهانی به توسعه محصولات جدید، بهبود زنجیره‌های تأمین و افزایش بازدهی تولید کمک می‌کند. به‌طور کلی، اهمیت انتقال فناوری نه تنها در رشد اقتصادی و اشتغال، بلکه در بهبود کیفیت زندگی و حل مشکلات اساسی جهانی نمایان است. امروزه نهادهای علمی و صنعتی به دنبال توسعه سیستم‌های همکاری گسترده‌تر برای به اشتراک گذاشتن نوآوری‌ها و بهبود کارایی این فرایند هستند که نمونه‌هایی از آن‌ها در سال‌های اخیر در مؤسسات بزرگ علمی و تحقیقاتی دیده شده است.^۲

^۱Technology

^۲Alkhazaleh, R., Mykoniatis, K., & Alahmer, A., "The Success of Technology Transfer in the Industry 4.0 Era: A Systematic Literature Review", Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity, 8(4), 2022, pp. 7-18.

انتقال فناوری بین دولت‌های مختلف، به دلیل تحقق سرریز فناوری^۲، گامی مهم در راستای تجاری‌سازی فناوری و گسترش زمینه‌های توسعه کشورها است. این فرایند به کشورهای سرمایه‌پذیر کمک می‌کند تا با بهره‌برداری از نوآوری‌ها و فناوری‌های توسعه‌یافته در کشورهای دیگر، به بهبود ساختار اقتصادی و توسعه پایدار دست یابند. سرریز فناوری معمولاً از طریق همکاری‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تبادل دانش و اطلاعات انجام می‌شود و یکی از فرایندهای کلیدی در انتقال فناوری بین کشورهاست که به نوبه خود تأثیرات عمیق و مثبتی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. این فرایند به کشورهای پذیرنده این امکان را می‌دهد که به سرعت از نوآوری‌ها و تکنولوژی‌های توسعه‌یافته در کشورهای دیگر بهره‌برداری کنند که به نوبه خود می‌تواند به افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری آن‌ها منجر شود. از آنجاکه کشورها با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی متعددی مواجه‌اند، سرریز فناوری می‌تواند نقش مهمی در بهبود شرایط زندگی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار ایفا کند. علاوه بر این، سرریز فناوری به کاهش شکاف‌های تکنولوژیکی بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه کمک می‌کند و با ایجاد فرصت‌های یادگیری، می‌تواند به ارتقای ظرفیت جذب فناوری در کشورهای پذیرنده منجر شود. این ظرفیت شامل آموزش نیروی کار، بهبود زیرساخت‌ها و ایجاد اکوسیستم‌های نوآوری است که همه به توسعه فناوری محلی و ملی کمک می‌کند؛ بنابراین، سرریز فناوری نه تنها به تسهیل انتقال فناوری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به شکل‌گیری یک محیط اقتصادی پویا و نوآورانه منجر شود که در آن کشورهای در حال توسعه بتوانند به طور مؤثری به رشد و توسعه خود ادامه دهند.^۴

تمامی کشورهای دنیا به فناوری به عنوان یک عامل مهم برای حرکت به سمت توسعه نیاز دارند و حتی کشورهای صاحب فناوری نیز برای دستیابی به بازارهای جهانی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی به منظور انتقال فناوری رو آورده‌اند؛ چرا که دیگر معیار توسعه‌یافتگی کشورهای دنیا صرفاً بر مبنای اقتصادی متکی نیست و توسعه‌یافتگی با ظرفیت‌های فناورانه فکری و عملی سنجیده می‌شود.^۵ این فرایند فقط به مبادله اقتصادی

^۲Technology Spillover

^۴Urata, S., & Baek, Y. "Technology spillover and absorptive capacity of firms and countries", ADBI Working Paper Series No. 1323, Asian Development Bank Institute. <https://www.adb.org/publications/technology-spillover-and-absorptive-capacity-firms-and-countries>

^۵ زهتابجیان، محمد حسین، ناصری گیگلو، علی، انتقال تکنولوژی، سالنامه عصر مدیریت، بهار ۱۳۸۹، سال چهارم، شماره چهاردهم، ص ۱۱۲.

محدود نمی‌شود، بلکه به خلق و گسترش ظرفیت‌های فناورانه در کشورهای در حال توسعه نیز کمک می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که فناوری به عنوان یک ابزار کلیدی در ایجاد رقابت پذیری بین‌المللی عمل می‌کند و در عین حال، به کشورهای توسعه یافته این امکان را می‌دهد تا از استعدادها و منابع بومی کشورهای در حال توسعه بهره‌برداری کنند. همچنین، بررسی‌های انجام شده توسط سازمان‌های مختلف مانند بانک جهانی نشان می‌دهد که انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به شکل‌گیری توانمندی‌های فناورانه در کشورهای میزبان کمک کند و به رشد اقتصادی این کشورها کمک نماید. در این راستا، استراتژی‌های مختلفی برای بهره‌برداری از انتقال فناوری وجود دارد. به عنوان مثال، کشورهایی که قوانین حمایت از مالکیت فکری قوی‌تری دارند، معمولاً بیشتر از سرمایه‌گذاری‌های خارجی بهره‌مند می‌شوند، زیرا این قوانین به دولت‌های دیگر این اطمینان را می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها در این کشورها امن خواهد بود. در نتیجه، تقویت ظرفیت‌های تحقیق و توسعه داخلی در کشورهای در حال توسعه و افزایش رقابت پذیری آن‌ها به عنوان یک شرط اساسی برای بهره‌برداری مؤثر از فناوری‌های منتقل شده مورد تأکید قرار می‌گیرد. این تحولات در واقع بیانگر یک تغییر اساسی در پارادایم توسعه است که در آن، فناوری به عنوان یکی از ارکان اصلی به حساب می‌آید و توسعه پایدار تنها از طریق به کارگیری مؤثر این فناوری‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای جذب آن‌ها امکان پذیر است. در همین راستا، سازمان‌های بین‌المللی همچون کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل^۶، سازمان جهانی تجارت^۷ و سازمان جهانی مالکیت فکری^۸ و غیره نیز به منظور به رسمیت شناختن انتقال فناوری، اقدامات و مقرره‌گذاری‌های حمایت‌گرایانه را انجام داده‌اند.

هم‌زمان با رشد صنعت فناوری ارتباطات و اطلاعات^۹، طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک^{۱۰} به منظور پیش‌بینی سازوکاری با هدف اصلی انتقال فناوری طراحی شده‌اند که در کنار این هدف اصلی در نظر دارند که اهداف فرعی دیگر از جمله تجمیع و تأمین آورده‌های مالی و غیرمالی به خصوص دانش فنی، کاهش خطرات سرمایه‌گذاری از طریق مشارکت دوجانبه کشورها و تقسیم سود و زیان دوجانبه و در نهایت انتقال فناوری بین دولت‌های مختلف به نحوی که دولت انتقال‌گیرنده فناوری به صورت کامل قادر به پیاده‌سازی عملی فناوری باشد و فناوری در آن کشور نهادینه و سرریز شود، را محقق سازند. همچنین، انتقال فناوری علاوه بر اینکه به

^۶UNCTAD: United Nations Conference on Trade and Development

^۷World Trade Organization

^۸World Intellectual Property Organization

^۹Information and Communications Technology (ICT)

^{۱۰}Joint venture

تجميع آورده‌های مالی و غیرمالی نیازمند است، پیاده‌سازی مؤثر آن نیازمند سرریز فناوری، تخصص و دانش فنی است که این لزوم باید از طریق یک همکاری بلندمدت میان انتقال‌دهنده فناوری و انتقال‌گیرنده فناوری صورت پذیرد؛ طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک و ویژگی‌های مناسب آن، پاسخگوی این نیاز خواهد بود. سرمایه‌گذاری مشترک که برخی آن را مشارکت انعطاف‌پذیر تجاری نیز می‌نامند، مشارکتی انعطاف‌پذیر جهت انجام امور تجاری خاص و معین است که در قالب شرکتی^{۱۱} و واجد شخصیت حقوقی یا قراردادی^{۱۲} یا ترکیبی از این دو مورد، معمولاً همراه با تأسیس شخصیت حقوقی، تلاش می‌کند که علاوه بر تجميع آورده‌های مادی و غیرمادی طرفین مشارکت، ادغام تجارب و دانش فنی، دستیابی به اهداف مشترک، کنترل مشترک بر مشارکت، مدیریت ریسک‌ها و در نهایت تقسیم مسئولیت‌ها را نیز به همراه داشته باشد به‌نحوی که در حوزه انتقال فناوری، کشور سرمایه‌پذیر، در نهایت توانایی واقعی پیاده‌سازی فناوری را داشته باشد و کشور سرمایه فرست نیز در طول مدت مشارکت، با هدف کسب سود و مشارکت، تعهدات خود را نیز ایفا نماید. در همین راستا، مزیت طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک نیز در مشارکت دوجانبه طرفین است، به صورتی که کشور انتقال‌دهنده فناوری مجاب می‌شود که در انتقال فناوری به‌صورت واقعی نقش مؤثر داشته باشد؛ چرا که هر چه انتقال فناوری واقعی‌تر تحقق پیدا نماید، سود و منفعت طرف انتقال‌دهنده فناوری نیز بیشتر محقق می‌شود و برعکس، اگر انتقال‌دهنده فناوری به تعهدات خود عمل نکند، مشارکت با شکست و ضرر مواجه می‌شود که به نفع ایشان نیست.

نظر به آنکه معمولاً طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در کشورهای سرمایه‌پذیر پیاده‌سازی می‌شود، باید قوانین و قالب‌های حقوقی آن کشور برای پیاده‌سازی این مشارکت انعطاف‌پذیر مورد واکاوی قرار گیرد و همچنین لازم است که مقررات خاص کشور سرمایه فرست را نیز در حوزه انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری مورد واکاوی قرار داد. باتوجه به اینکه ایران در سال‌های اخیر با اجرای سیاست‌های بلندمدت نوآورانه به یکی از کشورهای پیشرفته علم و فناوری تبدیل شده است؛ تلاش نموده است که زمینه‌های برقراری روابط انتقال فناوری با کشورهای توسعه‌یافته را فراهم نماید. مضاف بر این، مستند بر سند برنامه همکاری‌های جامع فی‌مابین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران، با به‌رسمیت‌شناختن مشترکات فرهنگی، چندجانبه‌گرایی، حمایت از حق ملت‌ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و مدل توسعه بومی خود و با داشتن روابط عمیق و دوستانه از زمان برقراری روابط دیپلماتیک در ۱۹۷۱، زمینه‌های مساعد برای همکاری در حوزه‌های

^{۱۱}Incorporated or Equity

^{۱۲}Contractual

انرژی، زیرساختی، علوم و فناوری و غیره، فراهم شده است و می‌توان در راستای این سند و با ایجاد طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه فناوری، گامی مؤثر جهت تحقق اراده مشترک دو کشور فراهم نمود. همچنین در سال ۲۰۱۹، قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین^۳ به تصویب رسید و چارچوبی اساسی را برای نظام حقوقی جدید چین به‌منظور سرمایه‌گذاری خارجی تعیین نمود. در خصوص روابط سرمایه‌گذاری با کشور چین، موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در سال ۱۳۸۳ مصوب گردید که می‌تواند زمینه‌های قانونی لازم را جهت انجام طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با چین را فراهم نماید.

تجربه نشان می‌دهد استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، انتقال مؤثر و جهش فناوری را در پی نداشته است و برای انتقال مؤثر فناوری، باید ظرفیت‌های جذب آن در کشور ایجاد شود. وجود ظرفیت‌های علمی و فنی لازم برای جذب دانش بنیادین و عملیاتی و وجود نهادهای لازم برای ایجاد ظرفیت و جذب دانش از خارجیان از الزامات انتقال فناوری در سرمایه‌گذاری خارجی است. همچنین تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد ورود سرمایه خارجی در این کشورها مبتنی بر انتخاب و تعیین شروط برای انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی این کشورها بوده است. سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین که به‌عنوان یک توافق راهبردی در فروردین ۱۴۰۰ به امضا رسید، نمادی از تلاش دو کشور برای گسترش روابط در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی است. این سند که به‌عنوان «برنامه همکاری‌های جامع ایران و چین» شناخته می‌شود، چارچوبی برای تحقق شراکت جامع راهبردی میان دو کشور ارائه می‌دهد. این توافق بر اساس منافع مشترک دو کشور، تمرکز بر مقابله با تحریم‌ها و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه هر طرف تدوین شده است.

در ایران، قوانین مختلفی برای جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد که هرکدام به‌نوعی شرایط و ضوابط خاصی را برای سرمایه‌گذاران خارجی تعیین می‌کنند. مهم‌ترین قوانین و مقررات مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی به شرح زیر است:

- قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (مصوب ۱۳۸۰)

^۳Foreign Investment Law of the People's Republic of China

این قانون یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین قوانین در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. هدف آن جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، فراهم‌سازی محیطی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و کاهش موانع است. بر اساس این قانون، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با تضمین‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی و حمایت از حقوق مالکیت، در ایران فعالیت کنند.

- آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (مصوب ۱۳۸۱)
این آیین‌نامه به‌عنوان تکمیل‌کننده قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی است و شرایط اجرایی آن را مشخص می‌کند. این آیین‌نامه شامل مقرراتی درباره تأسیس و فعالیت شرکت‌های خارجی، تسهیلات مالیاتی، تضمین‌های دولتی و فرایندهای اداری است.

- قانون اجازه تأسیس شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی (مصوب ۱۳۸۱)
این قانون به شرکت‌های خارجی اجازه می‌دهد که در ایران شعبه یا نمایندگی تأسیس کنند. طبق این قانون، شرکت‌های خارجی می‌توانند به‌طور قانونی در ایران حضور پیدا کنند و فعالیت‌های تجاری خود را انجام دهند.

- قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور (مصوب ۱۳۹۰)
این قانون به‌ویژه در جهت ایجاد تسهیلات برای سرمایه‌گذاران خارجی در بخش‌های تولیدی و خدماتی است که تلاش می‌کند از ظرفیت‌های داخلی کشور برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کند. این قوانین و آیین‌نامه‌ها به‌طور کلی هدف خود را جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد محیطی امن و شفاف برای سرمایه‌گذاران و تقویت بخش‌های مختلف اقتصادی ایران قرار داده‌اند.

- قانون تجارت (مصوب ۱۳۰۳)
قانون تجارت ایران، اولین قانون جامع در زمینه تجارت است که در تاریخ ۱۳۰۳ به تصویب رسید. این قانون چارچوب قانونی برای معاملات تجاری، شرکت‌ها، قراردادهای تجاری، سفته‌ها، چک‌ها، ورشکستگی و دیگر مسائل مرتبط با تجارت را تعیین می‌کند. همچنین، این قانون اصول اساسی برای

فعالیت‌های تجاری و حقوق و تکالیف تجار را مشخص کرده است. برخی از مواد این قانون در سال‌های بعد اصلاح شده‌اند.

- قانون اصلاح موادی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷)

این اصلاحیه، در سال ۱۳۴۷ به منظور بازنگری و به‌روزرسانی برخی از مواد قانون تجارت تصویب شد. این اصلاحیه عمدتاً به بهبود وضعیت شرکت‌های تجاری، نحوه تشکیل و ثبت شرکت‌ها و تنظیم روابط تجاری پرداخته است.

بنابراین به منظور جذب بهینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پیشنهاد می‌شود:

- برداشت و درک صحیحی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان مدیران و سیاست‌گذاران کشور ایجاد شود؛ به نحوی که به سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان ابزار انتقال فناوری نگریسته شود و نه ابزاری برای تأمین مالی.
- برای بهره‌گیری از اصلی‌ترین کارکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یعنی انتقال فناوری، ظرفیت‌های جذب فناوری از خارج کشور ایجاد شود.
- سیاست‌های انتقال فناوری باید به گونه‌ای طراحی شوند که با سیاست‌های صنعتی و فناورانه کشور هم‌خوانی داشته باشند و دستاوردهای شرکت‌های داخلی در مقابل رقبای خارجی محفوظ بماند.
- با الگوبرداری از کشورهای موفق همچون اتحادیه اروپا، ملاحظات فرااقتصادی (به ویژه ملاحظات سیاسی و امنیتی) در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی جدی گرفته شوند.

در این پژوهش به منظور واکاوی دقیق ابعاد حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری در صنعت ICT، در بخش اول به منظور آشنایی با مفاهیم کلی فناوری و سرمایه‌گذاری، کلیات فناوری و سرمایه‌گذاری مشترک مورد واکاوی قرار خواهد گرفت و سپس در بخش دوم با هدف آشنایی با مقررات و قوانین خاص جمهوری اسلامی ایران در راستای پژوهش حاضر، سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری در پرتوی قوانین و مقررات ایران مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. پس از بررسی نظام حقوقی ایران، جهت آشنایی با مقررات و قوانین خاص چین و همچنین رویکرد حقوقی این کشور نسبت به طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک به منظور انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری مشترک در پرتوی قوانین و مقررات جمهوری

خلق چین مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. در نهایت، نظر به اینکه این تحقیق در تلاش است رویکردی صرفاً تحقیقاتی نداشته باشد و راهکارهای عملیاتی و کاربردی پیاده‌سازی این طرح را فی‌مابین ایران و چین بررسی نماید، کاربست حقوقی سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری فی‌مابین ایران و چین مورد تحقیق قرار خواهد گرفت و با رویکردی کاربردی نتیجه این تحقیق را بررسی خواهد کرد.

اهمیت و ضرورت انجام پروژه

پیاده‌سازی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک به منظور انتقال فناوری به طور خاص در صنعت ICT، تأثیر مستقیمی در زمینه کاهش هزینه‌ها، ارتقای سطح زندگی مردم، بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش سطح رفاه عمومی، رشد اقتصادی، و افزایش اشتغال دارد و می‌تواند به طور فزاینده‌ای برای توسعه صنایع جدید، احیاء صنایع موجود، رشد و یا ارتقاء مزیت رقابتی شرکت‌های صنعتی مفید واقع شوند. علاوه بر این، پیاده‌سازی این طرح‌ها، باعث می‌شود که طرف چینی (سرمایه‌گذار) در منافع و ریسک‌های مشارکت سهیم باشد و به طور مستقیم در جهت موفقیت آن تلاش نماید که برای رویارویی شرکت‌ها و دستگاه‌های کشوری با رقبای نیرومند داخلی و خارجی تجهیز به منابعی که موجب سرعت و بهبود در تعامل و مبادلات شرکت می‌شود، ضرورت دارد. لازم به ذکر است که استفاده از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط شرکت‌ها تنها زمانی موجه جلوه می‌نماید که سودآوری و بهره‌وری را افزایش دهد که این مهم از مجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک محقق می‌گردد. در ایران، با توجه به اینکه کشور ما خواهان عضویت در سازمان تجارت جهانی است و این امر محتمل به نظر می‌رسد، دستگاه‌ها و شرکت‌های داخلی باید از هم اکنون خود را آماده رقابت با شرکت‌های خارجی نمایند.

در رابطه با ضرورت موضوع در کشور ما، تأکید کشور در مورد استفاده و گسترش به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات است؛ به‌طوری‌که در بند پ ماده ۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۴ در جهت ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری، کلیه دستگاه‌های اجرایی با هماهنگی با کشور موظف هستند که اقدامات لازم را در جهت ایجاد اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فناوری برای آموزش و انتقال فن و فناوری (تکنولوژی) برای نیروهای ایرانی، تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی برای جلوگیری از اعمال تبعیض‌های ناروا علیه صادرات ایران با رعایت مصالح کشور اعمال نمایند. همچنین، از

^۴ این بند مقرر نموده است که: «جهت تأمین حداقل دو و هشت دهم (۸/۲) واحد درصد از رشد هشت درصد (۸٪) اقتصاد از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری به میزان متوسط سالانه بیست و یک و چهاردهم درصد (۴۱/۲۱٪) در طول سالهای اجرایی برنامه، کلیه دستگاه‌های اجرایی با هماهنگی با دولت اقدامات زیر را به‌عمل آورند. مسئولیت اجراء بر عهده دولت می‌باشد: اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فناوری و توسعه بازارهای صادراتی (کالایی و کشوری) خدمات فنی و مهندسی و کالاهای ایرانی، اعزام نیروی کار، جذب اساتید و متخصصان برای آموزش و انتقال فن و فناوری (تکنولوژی) برای نیروهای ایرانی، تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی برای جلوگیری از اعمال تبعیض‌های ناروا علیه صادرات ایران با رعایت مصالح کشور»

حیث اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات، قابل مشاهده است که قانون‌گذار در قانون مذکور، بخشی مجزا را به این امر اختصاص داده است و با تأکید بر این صنعت، تلاش کرده است که خط‌مشی توسعه و پیشرفت را در این حوزه قانون‌گذاری نماید.

با توجه به اینکه کشور در سال‌های اخیر با اجرای سیاست‌های بلندمدت نوآورانه به یکی از کشورهای پیشرفته علم و فناوری تبدیل شده است؛ تلاش نموده است با پیش‌بینی قوانین خاص در حوزه فناوری و همچنین سرمایه‌گذاری مشترک زمینه برقراری انتقال فناوری به کشورهای فناوری پذیر را فراهم نماید. مضاف بر این، مستند بر سند برنامه همکاری‌های جامع فی‌مابین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران، با به رسمیت شناختن مشترکات فرهنگی، چندجانبه‌گرایی، حمایت از حق ملت‌ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و مدل توسعه بومی خود و با داشتن روابط عمیق و دوستانه از زمان برقراری روابط دیپلماتیک در ۱۹۷۱، زمینه‌های مساعد برای همکاری در حوزه‌های انرژی، زیرساخت، منتم علوم و فناوری و غیره، فراهم شده است و می‌توان در راستای این سند و با ایجاد طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه فناوری، گامی مؤثر جهت تحقق اراده مشترک دو کشور فراهم نمود.

براین اساس این تحقیق در پی بررسی حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک به منظور انتقال فناوری به طور خاص در صنعت ICT است؛ چرا که لزوم توسعه و انتقال فناوری بر اساس قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و همچنین نیاز به دریافت فناوری‌های خاص ICT از کشورهای پیشرفته از یک سو و نیاز دستگاه‌های کشوری به طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترکی که بتواند علاوه بر تضمین دریافت و پیاده‌سازی فناوری، مصالح عمومی کشور را پیش‌بینی نماید، از سوی دیگر، انجام این پژوهش را مقتضی می‌نماید. در این راستا، طرح پژوهشی پیشرو در تلاش است بر اساس رویکرد تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با تأکید بر منابع قانونی دو کشور و با هدف بررسی چارچوب‌های قانونی سرمایه‌گذاری فی‌مابین ایران و چین و با نگاهی پژوهشی، با واکاوی حقوقی مفاهیم سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری در صنعت ICT، یک ماهیت حقوقی بهینه و مستقل برای انجام این سرمایه‌گذاری مشترک میان دو کشور ارائه نماید و چالش‌های حقوقی مدل‌های مختلف سرمایه‌گذاری مشترک را بررسی کرده و به بیان الزامات حقوقی اجرای هر مدل سرمایه‌گذاری مشترک بپردازد تا دستگاه‌های اجرایی و حتی شرکت‌های خصوصی، با تدقیق این پژوهش بتوانند با انواع مدل‌های سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه انتقال

فناوری آشنا شوند و ویژگی و مزایا آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نمایند و در نهایت با دریافت صحیح فناوری، بتوانند اقدامات لازم را جهت توسعه کشور انجام دهند.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش حقوقی که به صورت جامع و مانع ابعاد حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری در صنعت ICT را بررسی نماید، تدوین و چاپ نگشته است. با این حال تلاش‌های جداگانه برای بررسی سرمایه‌گذاری مشترک و همچنین انتقال فناوری صورت گرفته است که با وجود شباهت‌های ابتدایی، با اهداف این پژوهش متفاوت‌اند. برای مثال در مقاله «انتقال فناوری و جایگاه آن در سرمایه‌گذاری خارجی» چاپ شده در فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، شماره ۱۷ و سال ۱۳۹۷، نویسنده محترم، دکتر بهروز اخلاقی از اساتید برجسته حقوق تجارت بین‌الملل، تلاش کرده است که بر اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای انتقال فناوری تأکید داشته باشند؛ در حالی که در پژوهش حاضر هدف این است که طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک را که با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متفاوت است، بررسی نمود و از این حیث این پژوهش با مقاله مذکور متفاوت است؛ اگرچه از حیث بررسی مفهوم انتقال فناوری دارای شباهت‌هایی هستند. همچنین در مقاله «بررسی تطبیقی ساختار حقوقی جوینت ونچر بین‌المللی» چاپ شده در مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۳ و سال ۱۳۸۶ و مقاله «آثار اقتصادی و بسترهای قانونی برای تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک (جوینت ونچر)» چاپ شده در ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰ و سال ۱۳۹۰، نویسندگان تلاش کرده‌اند که قالب‌های شرکتی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک را بررسی نمایند. در حالی که پژوهش حاضر در تلاش است که مستند بر حقوق ایران و همچنین قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، قانون تجارت و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن، قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون مدنی مصوب و لایحه تجارت ۱۳۸۴ کشور جمهوری اسلامی ایران، با نگاهی نوآورانه پژوهشی را به سرانجام برساند که با بررسی تمامی قوانین موجود، طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه انتقال فناوری اطلاعات و ارتباطات را واکاوی کند.

بخش اول: کلیات فناوری و سرمایه‌گذاری

باتوجه به اینکه درک مفاهیم اصلی این تحقیق، نیازمند طرح بخشی تحت عنوان کلیات است؛ در این بخش در ابتدا و در فصل اول کلیات فناوری از جمله مفهوم، ارکان، اوصاف فناوری، مفهوم انتقال فناوری و فناوری ارتباطات و اطلاعات و در فصل دوم کلیات سرمایه‌گذاری خارجی از جمله مفهوم و اوصاف سرمایه‌گذاری خارجی، پذیرش و الزامات اجرایی سرمایه‌گذاری خارجی، انواع سرمایه‌گذاری خارجی شامل سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم و در نهایت مبانی سرمایه‌گذاری مشترک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول: کلیات فناوری

در این فصل، با بررسی مفهوم و ارکان فناوری، اوصاف فناوری، انتقال فناوری و فناوری ارتباطات و اطلاعات، کلیات موردنیاز جهت واکاوی این پژوهش مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت در مبحث آخر این فصل، نتیجه‌گیری این فصل و پیشنهادها در کاربست عملی تحقیق بررسی ابعاد حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری در صنعت ICT مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

مبحث اول: مفهوم و ارکان فناوری

فناوری به عنوان یک نمایشگر از تفکر و اندیشه انسانی شناخته می‌شود؛ تفکری که از طریق آن، بشر توانسته است با بهره‌گیری از دانش و مهارت‌های خود، ظرفیت‌هایی را به وجود آورد که به حل مسائل پیچیده و متنوع زندگی کمک می‌کند. این مسائل شامل چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که همواره انسان‌ها با آن‌ها مواجه هستند. به عبارت دیگر، فناوری نه تنها ابزاری برای بهبود شرایط زندگی محسوب می‌شود، بلکه به عنوان عاملی کلیدی در پیشرفت و توسعه جوامع انسانی عمل می‌کند. ماهیت پویای فناوری باعث شده است که تعریف آن به صورت متنوعی ارائه شود و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. این امر به دلیل تغییرات سریع و مداوم در فناوری، نیازها و خواسته‌های بشر، و همچنین پیشرفت‌های علمی و صنعتی است. از آنجاکه فناوری به سرعت در حال تحول است، تعاریف آن نیز باید باتوجه به شرایط جدید و نیازهای مختلف روزآمد شود. فناوری ذاتاً یک مفهوم انتزاعی است، به این معنا که تفسیر آن به طور مستقیم وابسته به زمینه‌های خاص و معیارهای دقیق هر صنعت است. برای مثال، تعریفی که در صنعت داروسازی از فناوری ارائه می‌شود ممکن است با تعریفی که در صنعت اطلاعات و ارتباطات وجود دارد، تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشد.

در این راستا، برای درک بهتر فناوری، باید توجه ویژه‌ای به ویژگی‌ها و الزامات هر صنعت خاص داشت. از سوی دیگر، فناوری به دلیل تنوع و چندگانگی خود، باتوجه‌به رشته‌های مختلف علمی و صنعتی، دچار تغییرات و تحولات متعددی شده است. این تنوع منجر به ارائه تعاریف گوناگون از فناوری در صنایع مختلف می‌شود. برای مثال، در زمینه مهندسی، فناوری ممکن است به معنای به‌کارگیری اصول علمی برای طراحی و ساخت سیستم‌های پیچیده باشد، درحالی‌که در زمینه علوم اجتماعی، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تسهیل ارتباطات و بهبود زندگی اجتماعی تعبیر شود. به‌منظور درک بهتر مفهوم فناوری، در ادامه به برخی از تعاریف متداول آن می‌پردازیم. طبق یکی از تعاریف، فناوری به‌عنوان ترکیبی از عناصر فیزیکی و ظرفیت‌های ذهنی انسان توصیف می‌شود. در این تعریف، فناوری به طور مستقیم با مفاهیم و مقولات مهمی مانند دانش، تجربه، داده‌ها، تحقیقات و توسعه ارتباط دارد. این ارتباط نشان‌دهنده آن است که فناوری تنها به ابزارهای فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه به دانش و توانایی‌های انسان در استفاده از این ابزارها نیز بستگی دارد. فناوری با دستیابی به نتایج مشخص و مطلوب جهت حل چالش‌های انسانی و بهبود فرایندها و مهارت‌های معین، به وجود می‌آید. این تعریف بر این نکته تأکید دارد که موفقیت فناوری در حل مسائل و چالش‌ها، نیازمند همکاری بین دانش علمی و تجربیات عملی است. به‌عبارت‌دیگر، ایجاد فناوری‌های جدید نیازمند یک فرایند خلاقانه و علمی است که در آن اندیشه‌های نو و مفاهیم علمی به شکل عملی و کاربردی درآیند. در نگاهی دیگر، فناوری به‌عنوان مجموعه‌ای از دانش نظری، عملی و مهارت‌هایی که شرکت‌ها و سازمان‌ها برای توسعه و تولید کالاها و خدمات خود از آن بهره می‌برند، تعریف می‌شود. در این تعریف، فناوری به‌عنوان ابزاری برای بهبود فرایندهای تولید و ارائه خدمات شناخته می‌شود که می‌تواند به ارتقای کیفیت و افزایش بهره‌وری کمک کند. این تعریف بر جنبه‌های عملی فناوری تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه فناوری می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا در بازارهای رقابتی موفق باشند. به‌این ترتیب، فناوری نه‌تنها به‌عنوان یک مجموعه ابزار، بلکه به‌عنوان یک عنصر کلیدی در استراتژی‌های کسب‌وکار و توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. به‌طورکلی، فناوری یک مفهوم چندبعدی و پویاست که تحت تأثیر تفکر و اندیشه انسانی شکل می‌گیرد. این مفهوم نه‌تنها ابزارها و فرایندهای فیزیکی را شامل می‌شود، بلکه به دانش و توانایی‌های ذهنی انسان نیز وابسته است. باتوجه‌به تنوع و پیچیدگی فناوری، تفسیر آن باید به‌صورت دقیق و باتوجه‌به معیارهای هر صنعت

خاص انجام شود. با در نظر گرفتن این تعاریف و ابعاد مختلف فناوری، می توان درک بهتری از نقش و اهمیت آن در زندگی روزمره و توسعه جوامع بشری پیدا کرد.^{۱۵}

از یک دیدگاه دیگر، فناوری به عنوان یک روش علمی تعریف می شود که به منظور دستیابی به اهداف عملی و واقعی در نظر گرفته شده است. این روش شامل استفاده سیستماتیک از انواع مختلف دانش های سازمان یافته است که به حل مسائل و چالش های عملی، به ویژه در زمینه های صنعت و تجارت، کمک می کند. به همین دلیل، فناوری و علم از یکدیگر متمایز هستند. علم به طور عمده به دانسته های نظری و تئوریک بشری مربوط می شود، در حالی که فناوری به نحوی طراحی شده است که بتواند این دانش های تئوریک و تجربی را به طور عملی به کار گیرد. به بیان دیگر، علم و فناوری هر دو نوعی از دانستن به شمار می آیند، اما در نوع و ماهیت آن ها تفاوت های اساسی وجود دارد. علم در تلاش است تا به سؤالات بنیادی و عمیق پاسخ دهد، به ویژه سؤالاتی که به چرایی پدیده ها مربوط می شود. در مقابل، فناوری تمرکز خود را بر این می گذارد که چگونه می توان از این دانش های علمی برای حل مسائل و بهبود فرایندها بهره برد. به همین ترتیب، می توان گفت که علم بیشتر از جنبه دانایی برخوردار است، در حالی که فناوری به توانایی ها و مهارت هایی مربوط می شود که انسان ها برای به کارگیری این دانش در عمل به آن نیاز دارند.^{۱۶}

برای درک عمیق تر و جامع تر مفهوم فناوری، ضروری است که به این نکته توجه کنیم که فناوری از دو جزء اصلی تشکیل شده است: جزء اول، عنصر فیزیکی است که شامل محصولات، سخت افزارها، تجهیزات، نقشه ها، و فرایندهای مختلف می شود. این بخش از فناوری به جنبه های ملموس و قابل مشاهده آن اشاره دارد. به عنوان مثال، در صنعت تولید، تجهیزات و ماشین آلاتی که برای ساخت محصولات به کار می روند، نمونه هایی از این عنصر فیزیکی به شمار می آیند. این عناصر فیزیکی نه تنها شامل اشیاء و تجهیزات می شوند، بلکه همچنین شامل سیستم ها و فرایندهایی هستند که به تولید و ارائه خدمات کمک می کنند. این عنصر فیزیکی شامل ابزارهایی است که در انجام کارهای روزمره و صنعتی به کار می روند. به عنوان مثال، در صنعت خودروسازی، خط تولید، روبات های صنعتی و دستگاه های کنترل کیفیت همگی جزء عناصر فیزیکی هستند. این ابزارها و تجهیزات می توانند به بهبود کارایی و کاهش هزینه های تولید کمک کنند. این سیستم ها نه تنها بر روی تولید

^{۱۵} Arthur, W. B., *The nature of technology: What it is and how it evolves*, Free Press, 2009, pp. 40-67.

^{۱۶} انتظاری، یعقوب، کنترل بهینه نظام ملی نوآوری تکنولوژیک، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، بهار ۱۳۷۵، شماره سیزده و چهارده، ص

تأثیر می‌گذارند، بلکه به شکل‌گیری فرهنگ سازمانی و نحوه تعامل افراد در یک محیط کار نیز تأثیرگذارند. از سوی دیگر، جزء دوم فناوری، عنصر اطلاعاتی است که شامل تکنیک‌ها، روش‌ها، دانش فنی، و مهارت‌هایی است که برای به‌کارگیری و مدیریت صحیح عنصر فیزیکی نیاز است. این دانش می‌تواند شامل کارهای ماهر و غیرماهر، مدیریت بازاریابی، کنترل تولید، و قابلیت اطمینان کیفیت باشد. به عبارت دیگر، عنصر اطلاعاتی به جنبه‌های غیرملموس فناوری اشاره دارد که به انسان‌ها این امکان را می‌دهد تا از عناصر فیزیکی به بهترین شکل ممکن استفاده کنند. این عنصر اطلاعاتی نه تنها شامل دانش‌های فنی و تخصصی است، بلکه همچنین به مهارت‌های مدیریتی و انسانی مرتبط می‌شود. برای مثال، یک مدیر تولید نیاز دارد تا با فرایندهای تولید آشنا باشد و بتواند کارمندان را به درستی هدایت کند. به همین ترتیب، تکنیک‌های بازاریابی و استراتژی‌های فروش برای موفقیت یک محصول در بازار اهمیت فراوانی دارند فناوری تنها به ابزارها و تجهیزات محدود نمی‌شود؛ بلکه به مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌هایی اشاره دارد که به کاربرد مؤثر این ابزارها و تجهیزات کمک می‌کند. در این راستا، می‌توان گفت که فناوری نه تنها به تولید ابزارهای جدید محدود نمی‌شود، بلکه شامل فرایندهایی است که به ایجاد و بهبود این ابزارها کمک می‌کند.

علم به عنوان بنیان نظری فناوری، به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چرا و چگونه این ابزارها کار می‌کنند. در واقع دانش و اطلاعات در توسعه فناوری و نقش آن در بهبود کیفیت و کارایی در صنایع و اقتصاد جهانی بسیار حائز اهمیت هستند. این امر نشان می‌دهد که فناوری به شدت به علم وابسته است و بر عکس، پیشرفت در علم می‌تواند به پیشرفت‌های فناوری منجر شود. به طور کلی، این دیدگاه چندبعدی به فناوری به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چگونه علم و دانش به صورت یکپارچه در فرایندهای تولید و خدمات به کار می‌روند؛ بنابراین، فناوری به عنوان یک سیستم پیچیده که شامل عناصر فیزیکی و اطلاعاتی است، به ایجاد و بهبود روش‌ها و محصولات در دنیای امروز کمک می‌کند و نقش بسزایی در پیشرفت جوامع ایفا می‌نماید. این سیستم به ما امکان می‌دهد تا نه تنها به تولید کالاها و خدمات جدید بپردازیم، بلکه به صورت مستمر فرایندهای موجود را بهبود بخشیم و به چالش‌های جدید پاسخ دهیم. در نهایت، با توجه به تغییرات سریع و مداوم در دنیای فناوری، درک عمیق از این عناصر و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر برای موفقیت در هر صنعتی ضروری است.^{۱۷}

^{۱۷}Dahlman, C. J., & Aubert, J. E., *China and the knowledge economy: Seizing the 21st century*, World Bank Publications, 2001, pp. 45-53.

فناوری به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی، نیاز به درک عمیق و طبقه‌بندی دقیق دارد. یکی از جنبه‌های مهم در بررسی فناوری، طبقه‌بندی آن است که در فرایندهای انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری مشترک اهمیت بالایی دارد. این طبقه‌بندی به ما کمک می‌کند تا به طور واضح‌تری درک کنیم که چگونه فناوری‌ها به دو شکل مختلف وجود دارند و هر کدام چگونه در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کنند. طبق یک دسته‌بندی رایج، فناوری به دو طبقه اصلی تقسیم می‌شود: فناوری بیگانه و فناوری اجتماعی. فناوری بیگانه، این نوع فناوری شامل دانش، ظرفیت‌ها و روش‌های کاربردی است که معمولاً به صورت یک راز و دانش فنی موجود هستند. به عبارتی دیگر، فناوری بیگانه به دانشی اشاره دارد که تنها در دست یک گروه یا کشور خاص قرار دارد و به سختی در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. این طبقه از فناوری معمولاً در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک مورد همکاری قرار می‌گیرد و به واسطه آن، کشور سرمایه فرست می‌تواند دانش و فناوری خود را به کشور سرمایه‌پذیر منتقل کند. این نوع انتقال فناوری می‌تواند شامل تکنیک‌های تولید، فرایندهای مدیریتی، و یا حتی نوآوری‌های خاص باشد که برای استفاده در کشور سرمایه‌پذیر نیاز به آموزش و تطبیق دارند. در مقابل، فناوری اجتماعی به نوعی از فناوری اشاره دارد که ویژگی عمومی دارد و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. این نوع فناوری معمولاً برای انتقال آن نیازی به معاملات خاص یا تنظیم قراردادهای پیچیده در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک نیست. فناوری اجتماعی معمولاً در جامعه به طور گسترده‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند شامل فناوری‌های ساده و مؤثر باشد که به راحتی قابل انتشار و استفاده هستند. برای مثال، تکنولوژی‌های ارتباطی مانند اینترنت و نرم‌افزارهای متن‌باز نمونه‌هایی از فناوری اجتماعی به شمار می‌آیند که به راحتی در دسترس عموم قرار دارند و بدون نیاز به محدودیت‌های خاص به اشتراک گذاشته می‌شوند. این طبقه‌بندی فناوری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی به شدت تأثیرگذار است. فناوری بیگانه ممکن است به عنوان ابزاری برای ایجاد مزیت رقابتی در بازار جهانی عمل کند، در حالی که فناوری اجتماعی به توسعه و بهبود زندگی روزمره مردم کمک می‌کند. شناخت دقیق این دو نوع فناوری می‌تواند به سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران کمک کند تا تصمیمات بهتری در مورد سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری بگیرند و در نهایت به رشد و توسعه پایدار در جوامع کمک کند.^{۱۸}

^{۱۸}Dunning, J. H., & De la Torre, S. M. M. P, *Innovation, technology and the economy*, Edward Elgar Publishing, 2004, pp. 120-132.

به‌طورکلی فناوری شامل چهار رکن اصلی از جمله تکنیک‌ها و شیوه‌های خاص، دانش، سازماندهی و نحوه تولید است. با تحقق تمامی این موارد است که فناوری به‌صورت کامل قابل اجرا و انتقال می‌شود. این ارکان به طور درهم‌تنیده و متقابل با یکدیگر ارتباط دارند و هر یک برای تحقق و انتقال مؤثر فناوری به‌ویژه در زمینه‌های صنعتی و تجاری، حیاتی هستند.

تکنیک‌ها و روش‌های خاص به معنای فرایندهای عملیاتی هستند که برای دستیابی به یک هدف مشخص در تولید یا ارائه خدمات استفاده می‌شوند. این روش‌ها می‌توانند شامل مهارت‌های دستی، تکنیک‌های طراحی، و ابزارهای مورد استفاده در تولید محصولات باشند. در واقع، این بخش از فناوری به نوآوری و بهینه‌سازی فرایندها مرتبط است و درعین حال به استفاده مؤثر از منابع کمک می‌کند. دانش، به‌ویژه در دنیای امروزی که به‌سرعت در حال تغییر است، یک عنصر کلیدی در فناوری محسوب می‌شود. این دانش شامل اطلاعات نظری و عملی است که افراد و سازمان‌ها برای حل مشکلات و بهبود فرایندها به آن نیاز دارند. به‌عنوان مثال، دانش فنی و تخصصی در زمینه‌های مختلف می‌تواند به بهبود کیفیت تولید، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری منجر شود. سازماندهی به این معنا است که چگونه دانش و روش‌های خاص فناوری باید جمع‌آوری و مرتب شوند تا بتوانند به طور مؤثر به محصول نهایی تبدیل شوند. این فرایند شامل طراحی ساختارهای سازمانی، تعریف وظایف و مسئولیت‌ها، و ایجاد سیستم‌های ارتباطی کارآمد است. اگر سازماندهی به‌درستی انجام نشود، ممکن است حتی بهترین تکنیک‌ها و دانش‌ها نیز نتوانند به نتیجه مطلوب دست یابند. به‌عبارت دیگر، سازماندهی می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان دانش و تولید عمل کند. نهایتاً، فرایند تولید به عملیاتی اشاره دارد که در آن تکنیک‌ها، دانش و سازماندهی با هم ترکیب می‌شوند تا محصول نهایی ایجاد شود. این فرایند ممکن است شامل مراحل متعددی از جمله تحقیق و توسعه، طراحی، تولید، و بازاریابی باشد. در این مرحله، همه ارکان فناوری به طور هم‌زمان عمل می‌کنند تا یک محصول یا خدمت با کیفیت بالا به بازار عرضه شود. از آنجاکه این موارد در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند، عدم وجود هر یک از آن‌ها می‌تواند منجر به شکست در تحقق اهداف فناوری شود. به‌عنوان مثال، اگر دانش کافی برای استفاده از تکنیک‌های خاص وجود نداشته باشد، سازماندهی و تولید نمی‌تواند به‌درستی صورت گیرد. به همین ترتیب، اگر سازماندهی ناکارآمد باشد، حتی بهترین ایده‌ها و روش‌ها نیز نمی‌توانند به محصول نهایی تبدیل شوند.

اگرچه فناوری شامل دانش است، اما از هم جدا هستند. فناوری به عملی ساختن دانش و تبدیل آن به کاربردهای عملی اشاره دارد. به عبارتی، فناوری یک سیستم است که از دانش برای تولید و نوآوری استفاده

می‌کند. تبدیل ایده‌های انتزاعی به کاربردهای مشخص، نشان‌دهنده این است که دانش در قلب فرایند فناوری قرار دارد و بدون آن، نمی‌توان انتظار داشت که فناوری به‌درستی پیاده‌سازی و منتقل شود. با به‌کارگیری مؤثر این ارکان و فهم دقیق‌تر از ارتباط آن‌ها، کشورها می‌توانند از مزایای فناوری بهره‌مند شوند و به توسعه پایدار و جامع دست یابند؛ بنابراین، توجه به سرمایه‌گذاری در فناوری و ارتقاء دانش و مهارت‌های مرتبط، امری ضروری است که می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روی آینده جوامع داشته باشد. در نهایت، برای درک بهتر و بهره‌برداری از فناوری، باید درک عمیق‌تری از چگونگی به‌کارگیری و تعاملات میان آن‌ها داشته باشیم و با استفاده از تجربیات و دانش‌های موجود در این زمینه، به سمت یک آینده بهتر گام برداریم.^{۱۹}

مبحث دوم: اوصاف فناوری

فناوری به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور، دارای ویژگی‌ها و اوصاف خاصی است که شناخت آن‌ها به درک بهتر از اهمیت فناوری در دنیای مدرن کمک می‌کند. در اینجا، ویژگی‌های اصلی فناوری به تفصیل توضیح داده می‌شود:

۱- غیرمادی بودن: فناوری به طور بنیادی یک پدیده غیرمادی محسوب می‌شود. این بدان معناست که فناوری خود به‌تنهایی یک کالا نیست، بلکه شامل دانش، مهارت‌ها و فرایندهای مرتبط با تولید و کاربرد آن است. به‌عنوان مثال، نرم‌افزارها و الگوریتم‌ها که در دنیای دیجیتال اهمیت زیادی دارند، عموماً قابل لمس نیستند؛ اما تأثیرات عمیقی بر زندگی روزمره ما دارند. به همین دلیل، فناوری نیازمند یک نظام حمایتی حقوقی جامع است که شامل حقوق مالکیت معنوی و حفاظت از اختراعات باشد. این نظام حمایتی می‌تواند تضمین کند که نوآوران و مخترعان از سرمایه‌گذاری‌های خود محافظت شوند و انگیزه‌ای برای ادامه تحقیق و توسعه داشته باشند.

۲- سرمایه‌ای بودن: فناوری نه تنها یک محصول مصرفی نیست، بلکه به‌عنوان یک دارایی سرمایه‌ای در نظر گرفته می‌شود و به این معنا است که فناوری به‌عنوان یک دارایی و سرمایه ارزشمند برای تولید محصولات مدنظر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی که به تولید کالاهای مختلف کمک می‌کنند، نمونه‌ای از فناوری به‌عنوان سرمایه هستند. همچنین، فناوری به‌عنوان یک شکل از سرمایه

^{۱۹}Gopalakrishnan, S., Santoro, M. D., "Distinguishing Between Knowledge Transfer and Technology Transfer Activities: The Role of Key Organizational Factors", IEEE Transaction on Engineering Management, vol.51(1),2004 , pp. 57-59.

غیرنقدی می‌تواند در طرح‌های سرمایه‌گذاری به کار گرفته شود و به راحتی قابل انتقال است که این امر اهمیت آن را در روابط تجاری و اقتصادی دوچندان می‌کند.

۳- تحول پذیری: فناوری به طور مداوم در حال تغییر و تحول است. این تغییرات نه تنها در محتوا، بلکه در شکل فناوری‌ها نیز مشاهده می‌شود. این ویژگی سبب می‌شود که طرفین درگیر در انتقال فناوری از طریق تمهیدات حقوقی و قراردادی به دنبال بهبود و پیشرفت‌های فناوری باشند. به عنوان مثال، در صنایع فناوری اطلاعات و ارتباطات، هر روز شاهد ظهور فناوری‌های جدید و به‌روزشدن فناوری‌های موجود هستیم. این تحول‌پذیری همچنین به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که با استفاده از فناوری‌های نوین، بهبودهای چشمگیری در کارایی و کیفیت محصولات و خدمات خود ایجاد کنند.

۵- غیرقطعی بودن: به دلیل پیچیده بودن ساختار فناوری، راهکاری که در نهایت توسط فناوری مورد استفاده به دست می‌آید، یک راهکار قطعی نیست و به همین دلیل است که دولت‌ها به منظور استفاده از فناوری، استفاده از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک را که بر پایه تقسیم سود و زیان بنا می‌شود، ملاک قرار می‌دهند تا در صورتی که در نهایت فناوری به نتیجه مطلوب منتهی نشود، ریسک‌های پروژه مشترک تقسیم گردد. برای مثال، در پروژه‌های فناوری اطلاعات، پیش‌بینی موفقیت نهایی یک پروژه ممکن است دشوار باشد و همین امر طرفین قرارداد را به سمت همکاری مشترک و تقسیم خطرات سرمایه‌گذاری سوق می‌دهد. این نوع همکاری می‌تواند به ایجاد اعتماد میان طرفین و کاهش ریسک‌های مالی منجر شود.

۶- وجهه فراملی داشتن: فناوری نمی‌تواند به یک جامعه خاص محدود شود. در دنیای کنونی، هر کسی که منابع مالی و مهارت‌های لازم برای بهره‌برداری از فناوری را داشته باشد، می‌تواند به آن دسترسی پیدا کند. به عنوان مثال، فناوری‌های نوین مانند اینترنت و ارتباطات ماهواره‌ای به افراد و شرکت‌ها در نقاط مختلف دنیا این امکان را می‌دهد که بدون محدودیت‌های جغرافیایی، به اطلاعات و منابع جهانی دسترسی پیدا کنند. این ویژگی به فناوری این قابلیت را می‌دهد که از مرزهای جغرافیایی عبور کند و به عنوان یک عامل جهانی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح شود.

۷- انتقال‌پذیری: فناوری ذاتاً قابل واگذاری و انتقال است. این ویژگی، فناوری را به یک دارایی تجاری با ارزش ویژه تبدیل می‌کند. برای مثال، قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، قراردادهای لیسانس و انتقال فناوری می‌تواند به شرکت‌ها این امکان را بدهد که از نوآوری‌های دیگران بهره‌برداری کنند و آن‌ها را به بازارهای جدید معرفی

نمایند. اما برای این انتقال، نیاز به سازوکارهای جامع و دقیقی است که تضمین کند فرایند انتقال به درستی انجام می‌شود و حقوق طرفین رعایت می‌شود. این سازوکارها می‌تواند شامل قراردادهای حقوقی، توافق‌نامه‌های محرمانگی و توافقات لیسانس باشد که همه آن‌ها به نوعی به ساختارهای قانونی مرتبط هستند.

۲۰

با توجه به ویژگی‌های فوق، فناوری نه تنها به عنوان یک ابزار، بلکه به عنوان یک سرمایه و عامل تحول در جوامع مختلف به شمار می‌آید. شناخت و درک این ویژگی‌ها به دولت‌ها، شرکت‌ها و افراد کمک می‌کند تا از فناوری به بهترین نحو بهره‌برداری کنند و در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گیرند.

مبحث سوم: انتقال فناوری

گفتار اول: مفهوم انتقال فناوری

پس از شناخت مفهوم و اوصاف فناوری، درک مفهوم انتقال فناوری به طور قابل توجهی ساده‌تر می‌شود. انتقال فناوری به فرایندی اشاره دارد که طی آن دانش، مهارت‌ها، و تکنیک‌های لازم برای تولید و بهره‌برداری از یک فناوری خاص از یک طرف به طرف دیگر منتقل می‌شود. این فرایند در ابتدا تنها به معنای انتقال دانش فنی بود، به گونه‌ای که کشور یا شرکتی که فناوری را دریافت می‌کرد، قادر به تولید یک محصول خاص یا ارائه یک خدمت مشخص می‌شد و در گذشته، انتقال فناوری عمدتاً به معنای انتقال دانش علمی و فنی به طور مستقیم و بدون توجه به دیگر ابعاد مربوط به آن بود. این روش می‌توانست به طور بالقوه به ایجاد ظرفیت‌های تولیدی در کشور انتقال‌گیرنده منجر شود. با این حال، این رویکرد صرفاً بر اساس انتقال دانش فنی محدود بود و در بسیاری از موارد، به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب، نیازهای بازار، و عدم توانایی در استفاده مؤثر از این دانش، نتایج مطلوب به دست نمی‌آمد. به عبارت دیگر، درحالی که دانش فنی ممکن بود منتقل شود، بسیاری از کشورها و شرکت‌ها قادر به استفاده از آن در عمل و به صورت مؤثر نبودند. در عصر جدید، مفهوم انتقال فناوری به طور گسترده‌تری تعریف شده است و به فرایندی پیچیده‌تر و چندبعدی تبدیل شده است. در این عصر، انتقال فناوری دیگر فقط به انتقال دانش فنی محدود نمی‌شود. برای تحقق اهداف واقعی انتقال فناوری،

^۱Reisman, A., "Transfer of Technologies: A Cross-disciplinary Taxonomy", The International Journal of Management Science, vol.33(3), 2006, pp.189-202.

نیاز است که این انتقال به گونه‌ای انجام شود که به توسعه و توانمندسازی ظرفیت‌های داخلی کشورها منجر گردد. در این راستا، چندین عنصر کلیدی به مفهوم انتقال فناوری اضافه شده است:

- کارشناسی و مشاوره: انتقال فناوری در عصر جدید نیازمند مشاوره و کارشناسی‌های تخصصی است. این مشاوره‌ها می‌توانند شامل ارزیابی نیازهای بازار، تطبیق فناوری با شرایط محلی و ارائه راهکارهای اجرایی برای پیاده‌سازی فناوری باشند. این امر به کشورها کمک می‌کند تا بهتر بتوانند از فناوری‌های جدید بهره‌برداری کنند.

- توسعه و بومی‌سازی: یکی از اهداف اصلی انتقال فناوری در عصر حاضر، توسعه و بومی‌سازی فناوری‌هاست. به این معنی که کشور انتقال‌گیرنده نه تنها باید قادر به استفاده از فناوری باشد، بلکه باید بتواند آن را با توجه به نیازها و شرایط خاص خود، بهبود دهد و بومی‌سازی کند. این بومی‌سازی به افزایش کارایی و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی کمک می‌کند.

- تولید مستقل: در عصر جدید، انتقال فناوری باید به گونه‌ای باشد که کشورها بتوانند به تولید مستقل فناوری‌ها دست یابند. این به معنای این است که کشورها باید به توانایی‌های تحقیق و توسعه (R&D) دست یابند تا بتوانند فناوری‌های جدیدی را تولید کنند و نه تنها وابسته به انتقال فناوری از دیگر کشورها باشند. این امر موجب تقویت خودکفایی و افزایش قدرت رقابتی کشورها می‌شود.

- سرریز فناوری: به عنوان بخشی از فرایند انتقال فناوری، سلسله‌مراتب تولید و بهره‌برداری از فناوری‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این به معنای آن است که کشورها باید قادر به ایجاد یک زنجیره تأمین قوی و کارآمد باشند که شامل مراحل مختلف طراحی، توسعه، تولید، و بازاریابی محصولات باشد. این زنجیره تأمین می‌تواند به ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی کمک کند.

به طور کلی، مفهوم انتقال فناوری در عصر حاضر باید به گونه‌ای توسعه یابد که نه تنها به انتقال دانش فنی محدود نباشد، بلکه به تقویت ظرفیت‌های داخلی، توسعه پایدار، و ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری منجر شود. این تغییر در رویکرد به انتقال فناوری می‌تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند تا از فناوری‌های جدید بهره‌مند شوند و به سمت رشد و توسعه پایدار حرکت کنند.^{۲۱}

^{۲۱}Teece, D. J., "Enhanced Versus Lateral Technology Transfer: A Framework for Analysis." Research Policy, 35(4), pp. 510-520.

طبق یک نگاه، انتقال فناوری جریان‌ی مستمر است که در قالب‌های ساختاریافته حقوقی منجر به این می‌شود در آن دولت انتقال‌گیرنده از ارزش‌های بالقوه فناوری استفاده می‌نماید و در این تعریف هدف نهایی انتقال، استفاده و پیاده‌سازی روش‌های و دانش‌های فناوری است؛ در واقع تبدیل ارزش‌های بالقوه به ارزش‌های بالفعل. هدف نهایی این فرایند، بهره‌برداری از فناوری و استفاده از آن به شکلی است که منجر به بهبود و پیشرفت در تولید محصولات و خدمات شود. انتقال فناوری یک فرایند پویا و مستمر است که نمی‌توان آن را به یک اقدام یک‌باره محدود کرد. این جریان نیاز به برنامه‌ریزی، مدیریت و سازوکارهای حقوقی دارد که به دولت انتقال‌گیرنده اجازه می‌دهد تا به طور مؤثر از ارزش‌های بالقوه فناوری بهره‌برداری کند. این سازوکارهای حقوقی شامل توافق‌نامه‌های قانونی، حق مالکیت معنوی، و قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری می‌شود که برای محافظت از حقوق طرفین و تسهیل فرایند انتقال ضروری هستند. یکی دیگر از اهداف اصلی انتقال فناوری، تبدیل ارزش‌های بالقوه فناوری به ارزش‌های بالفعل است. این به این معناست که دولت انتقال‌گیرنده باید قادر به استفاده مؤثر از فناوری منتقل شده باشد تا به رشد اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری دست یابد. به‌عنوان مثال، یک کشور ممکن است فناوری‌های نوین در حوزه‌های کشاورزی، پزشکی، یا فناوری اطلاعات را دریافت کند. برای اینکه این فناوری‌ها به ارزش‌های بالفعل تبدیل شوند، باید زیرساخت‌های لازم، نیروی کار آموزش‌دیده و سیستم‌های مدیریتی مناسب فراهم شود. سازوکارهای حقوقی در انتقال فناوری بسیار مهم هستند. این سازوکارها نه تنها به تسهیل فرایند انتقال کمک می‌کنند، بلکه همچنین از حقوق طرفین درگیر محافظت می‌نمایند. به‌عنوان مثال، در قراردادهای انتقال فناوری، شرایط استفاده، مسئولیت‌ها و حقوق مربوط به مالکیت معنوی به‌وضوح مشخص می‌شود. این شفافیت می‌تواند به کاهش اختلافات و بهبود همکاری‌ها بین طرفین کمک کند. به طور خلاصه، انتقال فناوری یک جریان مستمر و ساختاریافته است که نیازمند مدیریت مؤثر و سازوکارهای حقوقی مناسب برای تبدیل ارزش‌های بالقوه به ارزش‌های بالفعل است. این فرایند می‌تواند به دولت‌ها و سازمان‌ها کمک کند تا از فناوری‌های نوین بهره‌برداری کرده و به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابند.^{۲۲}

انتقال فناوری به‌عنوان یک فرایند کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای پیشرفته، نقشی اساسی ایفا می‌کند. این فرایند باید به معرفی روش‌های نوین و بهبود روش‌های

^{۲۲}Bennett, D., "Innovative Technology Transfer Framework Linked to Trade for UNIDO Action", UNIDO and the World Summit on Sustainable the Worl Development, United Nations Industrial Development Organization, Vienna, 2002.

موجود منجر شود و در نهایت موجب توسعه و ایجاد دانش فنی جدید گردد. برای اینکه یک دولت انتقال‌گیرنده بتواند زیرساخت‌های بازار خود را بر اساس فناوری دریافتی به طور واقعی توسعه دهد، نیاز به ایجاد شرایط مناسب و بهره‌گیری از قابلیت‌های محلی دارد. این شامل سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه مهارت‌های نیروی کار، به وجود آوردن محیط‌های تحقیق و توسعه مؤثر و ترویج فرهنگ نوآوری است. انتقال فناوری نه تنها به معنای جابه‌جایی ابزار و ماشین‌آلات است، بلکه به انتقال دانش، تجربیات و فناوری‌های مرتبط نیز اشاره دارد. این فرایند به‌ویژه به دانش و تخصص‌های فنی نیازمند است، زیرا انتقال تنها شامل جابه‌جایی فناوری نیست، بلکه شامل انتقال دانش، مهندسی و نیروهای فنی نیز می‌شود. به عبارت دیگر، توانایی جذب و به‌کارگیری فناوری جدید در یک کشور به سطح آموزش و تخصص‌های موجود در آن بستگی دارد. انتقال فناوری می‌تواند به دو صورت اصلی صورت گیرد: انتقال عمودی و انتقال افقی.

- انتقال عمودی

در انتقال عمودی که همچنین به عنوان انتقال تحقیق و توسعه شناخته می‌شود، اطلاعات فنی و یافته‌های تحقیقات کاربردی به مرحله توسعه و طراحی مهندسی منتقل می‌شود. در این فرایند، معمولاً تحقیقات اولیه در یک کشور انجام می‌گیرد و سپس نتایج آن به کشور دیگر منتقل می‌شود. این نوع انتقال به‌ویژه در صنایعی مانند فناوری اطلاعات، داروسازی و انرژی‌های تجدیدپذیر اهمیت دارد. پس از این مرحله، با تجاری‌سازی فناوری، فرایند تولید آغاز می‌گردد. به منظور تسهیل این نوع انتقال، وجود نهادهای پژوهشی و دانشگاه‌ها که به عنوان پل ارتباطی بین صنعت و علم عمل می‌کنند، ضروری است. این نهادها می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی، دانش فنی را به نیروی کار محلی منتقل کنند. همچنین، ایجاد همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های تحقیق و توسعه می‌تواند به تسریع این فرایند کمک کند.

- انتقال افقی

در انتقال افقی، فناوری از یک سطح توانمندی در یک دولت به همان سطح توانمندی در دولت دیگر منتقل می‌شود. این نوع انتقال معمولاً برای کشورهایی که به دنبال به‌روزرسانی و ارتقاء فناوری‌های موجود خود هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این حالت، هرچه سطح انتقال‌گیرنده فناوری بالاتر باشد، جذب و به‌کارگیری آن به صورت مؤثرتری انجام می‌شود. این نوع انتقال به‌ویژه در بخش‌هایی مانند صنایع خودروسازی، الکترونیک و خدمات مالی مشاهده می‌شود. در اینجا، دولت‌ها می‌توانند با ایجاد توافق‌نامه‌های

دوجانبه و چندجانبه، شرایط لازم برای انتقال فناوری را فراهم کنند. همچنین، این نوع انتقال نیازمند توجه به مسائل حقوقی و مالکیت معنوی است، زیرا ممکن است در این فرایند چالش‌هایی در زمینه حقوق استفاده و مالکیت فناوری‌ها ایجاد شود. باوجود مزایای قابل توجه انتقال فناوری، این فرایند با چالش‌های متعددی نیز روبروست. از جمله این چالش‌ها می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی، نداشتن زیرساخت‌های مناسب، عدم تطابق قوانین و مقررات و همچنین ضعف در حمایت از نوآوری اشاره کرد.

به‌منظور غلبه بر این چالش‌ها، کشورها باید:

- تقویت زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی: سرمایه‌گذاری در سیستم‌های آموزشی و پژوهشی به‌عنوان پایه‌ای برای انتقال موفق فناوری ضروری است. این کار شامل تقویت دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و مراکز نوآوری می‌شود.

- توسعه همکاری‌های بین‌المللی: کشورهای انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده باید همکاری‌های نزدیکی را برقرار کنند تا اطلاعات و تجربیات لازم برای انتقال موفق فناوری به اشتراک گذاشته شود.

- ایجاد سیاست‌های حمایتی: دولت‌ها باید سیاست‌های حمایتی مؤثری را برای ترویج نوآوری و جذب فناوری‌های جدید تدوین کنند. این سیاست‌ها می‌تواند شامل مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، تسهیل دسترسی به بازار و حمایت از استارت‌آپ‌ها باشد.

- توجه به مسائل فرهنگی: درک فرهنگ‌های مختلف و ایجاد یک محیط مناسب برای پذیرش فناوری جدید می‌تواند به موفقیت این فرایند کمک کند.

در نهایت، موفقیت انتقال فناوری به تعامل بین عوامل مختلف، از جمله دولت‌ها، بخش خصوصی، نهادهای علمی و جامعه بستگی دارد. توجه به نکات فرهنگی و ساختاری در هر دو نوع انتقال می‌تواند به افزایش موفقیت و کارایی این فرایندها کمک کند و در نهایت به توسعه پایدار و ارتقاء سطح زندگی در جوامع مختلف منجر شود.^{۲۳}

تعریفی که کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل درباره انتقال فناوری ارائه کرده است، به فرایندی اشاره دارد که طی آن دانش فنی و روش‌های عملی به‌صورت سیستماتیک و ساختارمند از یک کشور به کشوری دیگر منتقل می‌شود. هدف از این انتقال، دستیابی به اهداف مشخصی است که معمولاً شامل بهبود

^{۲۳} زهتابجیان، محمد حسین، ناصری گیگلو، علی، انتقال تکنولوژی، سالنامه عصر مدیریت، بهار ۱۳۸۹، سال چهارم، شماره چهاردهم، ص ۱۱۳.

توانمندی‌های فنی، توسعه اقتصادی و تقویت ظرفیت‌های صنعتی در کشور دریافت‌کننده فناوری است. این انتقال زمانی معنا و ارزش واقعی پیدا می‌کند که فناوری منتقل شده در کشور دریافت‌کننده به طور کامل جذب و بومی‌سازی شود. به عبارت دیگر، فناوری باید چنان در ساختارهای فنی و عملیاتی کشور انتقال‌گیرنده جای گیرد که بتواند به صورت مستقل از آن بهره‌برداری کند و در صورت نیاز، تغییرات و تطبیقات لازم را بر اساس شرایط بومی انجام دهد. فرایند انتقال موفق فناوری نیازمند توجه به برخی معیارهای اساسی است که تحقق آن‌ها تضمین‌کننده تأثیرگذاری و پایداری این انتقال خواهد بود. یکی از مهم‌ترین این معیارها، اشتغال نیروی انسانی محلی در پروژه‌های مرتبط با انتقال فناوری است. مشارکت فعال نیروی کار بومی باید به نحوی باشد که در پایان فرایند انتقال، تمامی افراد شاغل در پروژه، به مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای مدیریت و استفاده مستقل از فناوری دست یابند. این امر مستلزم ارائه فرصت‌های آموزشی مناسب برای نیروی انسانی بومی است، به گونه‌ای که دوره‌های تخصصی و مهارتی بر اساس توافقات از پیش تعیین شده اجرا شود. هدف این آموزش‌ها، توانمندسازی افراد برای بهره‌برداری عملی از فناوری و ارتقاء دانش فنی آن‌ها است. علاوه بر این، عناصر فیزیکی فناوری نیز باید به طور کامل به کشور دریافت‌کننده منتقل شوند. این عناصر شامل ماشین‌آلات، تجهیزات و تمامی کالاهای و ابزارهای مرتبط است که به استفاده از فناوری کمک می‌کنند. قرارگرفتن این تجهیزات در اختیار کشور انتقال‌گیرنده از ملزومات ضروری انتقال موفق فناوری است. همچنین، فناوری باید به نحوی توسعه یابد که قابلیت گسترش و استفاده توسط سایر شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در کشور دریافت‌کننده را داشته باشد. این گسترش نه تنها به افزایش بهره‌وری و توسعه صنعتی کمک می‌کند، بلکه موجب می‌شود که فناوری به یک بخش جدایی‌ناپذیر از ساختار اقتصادی و تولیدی کشور تبدیل شود. به طور کلی، انتقال فناوری موفق زمانی محقق می‌شود که کشور دریافت‌کننده بتواند این دانش و ابزار را به صورت مستقل در راستای اهداف خود به کار گیرد و از آن برای توسعه پایدار و تقویت جایگاه اقتصادی و فنی خود استفاده کند. این فرایند، اگر به درستی طراحی و اجرا شود، نه تنها شکاف‌های فناوریانه میان کشورها را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز همکاری‌های عمیق‌تر بین‌المللی و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای پیشرفت و نوآوری می‌شود.^{۲۴}

^{۲۴}<https://unctad.org/system/files/official-document/psiteiidtd28.en.pdf>

ماهیت انتقال فناوری صرفاً به معنای جریان یا واگذاری فناوری از یک کشور به کشور دیگر محدود نمی‌شود. بلکه، این مفهوم شامل انتقال فناوری به گونه‌ای است که شرایط لازم برای تحقق اهداف مشخص شده را فراهم سازد. برخلاف تصور عمومی، انتقال فناوری تنها یک رویداد ساده یا محدود به فروش یا اجاره ابزارهای فنی نیست، بلکه فرایندی جامع و چندوجهی است. این فرایند به کشورهایی که از لحاظ توسعه صنعتی در جایگاه مناسبی قرار ندارند، امکان می‌دهد از نوآوری‌ها و دستاوردهای فکری کشورهای پیشرفته بهره‌مند شوند. از طریق این فرایند، آن‌ها می‌توانند تجهیزات، دانش فنی و فرایندهای ساختارمند را دریافت کنند و برای ارتقای سطح فناوری خود به کار گیرند. این دانش فنی ممکن است طیف گسترده‌ای را شامل شود؛ از یک ایده نوآورانه تا یک محصول نهایی یا فرایند کامل؛ بنابراین، انتقال فناوری به معنای انتقال دانش تخصصی و نظام‌مندی است که برای تولید یک کالا، اجرای یک فرایند، یا ارائه یک خدمت ضروری است. این مفهوم بر تمایز میان انتقال فناوری و معاملات صرف تجاری تأکید می‌ورزد. خرید یا اجاره تجهیزات، ماشین‌آلات، یا خطوط تولید، اگر تنها به افزایش ظرفیت‌های تولیدی منجر شود، در دسته معاملات تجاری فناوری جای می‌گیرد و نمی‌تواند معادل انتقال فناوری باشد. انتقال واقعی فناوری زمانی رخ می‌دهد که فناوری به همراه تمامی عناصر و ابعاد آن از کشور مبدأ به محیط جدیدی منتقل شود و در آن محیط نه تنها نصب و راه‌اندازی شود، بلکه به طور کامل تطبیق، پیاده‌سازی و جذب گردد. این روند مستلزم مراحل مختلف و پیچیده‌ای است که به فهم دقیق، تسلط و بهره‌برداری بهینه از فناوری نیاز دارد. به همین دلیل، جذب فناوری یکی از اجزای اصلی و ضروری در موفقیت فرایند انتقال فناوری محسوب می‌شود. جذب فناوری به معنای فراهم‌آوری زیرساخت‌ها، مهارت‌ها، و منابع لازم برای پذیرش فناوری و انطباق آن با نیازها و شرایط کشور دریافت‌کننده است. برخی اندیشمندان حتی جذب فناوری را هدف اصلی و نهایی انتقال فناوری می‌دانند. چرا که تنها در این مرحله است که فناوری به طور کامل در ساختارهای اقتصادی، صنعتی و فنی کشور مقصد ادغام شده و قابلیت بهره‌برداری مستقل پیدا می‌کند. بدین ترتیب، انتقال فناوری فرایندی چندمرحله‌ای و پویا به شمار می‌رود که از انتقال اولیه آغاز شده و با جذب، تطبیق و بهره‌برداری مستقل به پایان می‌رسد، و نهایتاً به رشد پایدار فناوری در کشور مقصد منجر می‌شود.

در نظام حقوقی، انتقال به معنای انتقال قطعی و نهایی حق بر یک موضوع، چه مادی و چه غیرمادی، از فردی به فرد دیگر تعریف می‌شود. به‌طور کلی و در معنای وسیع‌تر، انتقال فناوری به مفهوم جابه‌جایی فناوری از یک محل به محل دیگر است. در این فرایند، فناوری که حاصل شرایط و زیرساخت‌های اقتصادی پیشرفته است،

وارد ساختار تولیدی کشورهایی می‌شود که از نظر توسعه‌یافتگی در سطح پایین‌تری قرار دارند. این انتقال، زمینه‌ساز بهره‌برداری این کشورها از دانش و ابزارهای پیشرفته‌ای می‌شود که می‌توانند مسیر رشد و توسعه را برای آن‌ها هموار سازند.^۵ از منظر حقوقی، مفهوم انتقال به معنای جابه‌جایی یک حق یا تعهد از یک طرف به طرف دیگر است. این جابه‌جایی می‌تواند شامل حقوق مادی یا غیرمادی باشد و با رضایت دو طرف و در قالب یک توافق صورت گیرد. در همین راستا، انتقال فناوری به عنوان یکی از مصادیق انتقال حقوق در سیستم حقوقی ایران قابل بررسی است. بر اساس اصول حقوقی ایران و مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، فناوری به عنوان یک دارایی غیرمادی می‌تواند به صورت تجاری یا غیرتجاری به دیگران منتقل شود. اگرچه اصطلاح انتقال فناوری در ابتدا بیشتر در حوزه تجارت و اقتصاد مطرح بود، اما امروزه این مفهوم مرزهای اقتصادی را پشت سر گذاشته و وارد قلمرو حقوق شده است. از دیدگاه حقوقی، انتقال فناوری به معنای ایجاد یک رابطه قراردادی است که از طریق آن فناوری، اعم از دانش فنی، اختراعات، یا طرح‌های صنعتی، به شخص یا نهادی دیگر منتقل می‌شود. این فرایند می‌تواند شامل انتقال موقت یا دائمی حقوق و تعهدات مرتبط با فناوری باشد. باتوجه به اصول کلی حقوق ایران، انتقال فناوری نوعی قرارداد یا عقد محسوب می‌شود. برای این که این مفهوم را در چارچوب حقوقی تحلیل کنیم، می‌توان آن را به وضوح در ماده ۱۰ قانون مدنی جای داد. این ماده بر پایه اصل آزادی قراردادهای استوار است و تصریح می‌کند که طرفین یک قرارداد می‌توانند با رعایت قوانین جاری و بدون نیاز به وجود قالب خاصی، شرایط و موضوعات توافق خود را مشخص کنند. به همین دلیل، قراردادهای انتقال فناوری نیز می‌توانند تحت این اصل و با احترام به قواعد حقوقی حاکم تنظیم شوند. اما انتقال فناوری تنها به تنظیم یک قرارداد محدود نمی‌شود. این فرایند شامل جنبه‌های متعددی است که نیازمند حمایت قانونی و سازوکارهای دقیق حقوقی است. در این راستا، انتقال فناوری به مراحل مختلف قانونی نیاز دارد که شامل ثبت اختراعات، حفاظت از طرح‌های صنعتی، و استفاده از ابزارهای حقوقی دیگر برای حفظ حقوق مالکیت فکری است. این مراحل تضمین می‌کنند که حقوق مرتبط با فناوری در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی محافظت شده و انتقال به صورت قانونی و پایدار انجام شود. علاوه بر این، انتقال فناوری به معنای ارائه دانش فنی، تجهیزات، یا روش‌های عملی نیست، بلکه شامل انتقال تمامی حقوق مالکیت فکری مرتبط با فناوری نیز است. این حقوق می‌تواند شامل اختراعات، علائم تجاری، دانش محرمانه، یا دیگر جنبه‌های فکری

^{۲۰} امین ناصری، محمدرضا، نامدار زنگنه، سودابه، بررسی و اندازه‌گیری نقش توانمندسازی سازمانی بر اثر بخشی انتقال تکنولوژی در بنگاههای ایرانی، نشریه علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، بهار ۱۳۸۷، شماره یک، صص ۵-۱.

مرتبط باشد. برای موفقیت در این انتقال، وجود یک نظام حقوقی دقیق که تمامی ابعاد فناوری و حقوق مرتبط با آن را در برگیرد، ضروری است. در نهایت، انتقال فناوری را می‌توان نوعی مشارکت حقوقی و اقتصادی دانست که نه تنها به توسعه فناوری در کشور دریافت‌کننده کمک می‌کند، بلکه باعث تقویت همکاری‌های بین‌المللی و گسترش شبکه‌های نوآوری می‌شود. به همین دلیل، ایجاد چارچوب‌های حقوقی شفاف و جامع برای مدیریت این فرایند اهمیت ویژه‌ای دارد.

گفتار دوم: روش‌های پیاده‌سازی انتقال فناوری

به‌منظور شناخت بهتر انتقال فناوری، لازم است که در این گفتار، روش‌های پیاده‌سازی انتقال فناوری مورد اشاره قرار گیرد. منظور از روش‌های انتقال فناوری مجموعه‌ای از اقداماتی ازپیش‌تعیین‌شده است که از طریق آن فناوری از کشور انتقال‌دهنده به کشور انتقال‌گیرنده منتقل می‌شود. لازم به ذکر است که این اقدامات، اعمالی هستند که معمولاً پیش از تحقق انتقال فناوری مورد انجام قرار می‌گیرند تا فرایند فراگیر انتقال فناوری به‌صورت واقعی صورت بگیرد.

طبق یک رویکرد ساده، فناوری از طریق سه شیوه منتقل می‌گردد. اول، در مواردی که ماهیت فناوری ساده و غیرپیچیده باشد و نیازی به تعیین دقیق دانش فنی نباشد، فناوری از طریق انتقال ماشین‌آلات و کالاهای مبتنی بر فناوری منتقل می‌شود؛ یعنی در این روش تأکید بر انتقال محصول فناورانه است و نیازی به انتقال دقیق دانش فنی و روش‌های خاص فناورانه نیست. البته همان‌طور که سابقاً مورد بررسی قرار گرفت، امروزه این روش پیاده‌سازی انتقال فناوری دیگر با تعاریف دقیق و علمی انتقال فناوری مطابقت ندارد و صرف انتقال تجهیزات یا کالا و خدمات از کشوری به کشور دیگر از مصادیق امروزی انتقال فناوری نیست؛ بلکه زیر مجموعه معاملات تجاری قرار می‌گیرد. دوم، در مواردی که فناوری موضوع انتقال برای انجام پروژه‌های ساده موردنیاز است و در این روش تحقق محصول فناورانه خاصی در نهایت مورد تأکید نیست؛ در این روش ممکن است که صرفاً دانش مربوط به فناوری منتقل شود. در نهایت و سومین روش متداول و امروزی انتقال فناوری، انتقال فناوری از طریق انتقال کامل دانش فنی، اسرار تجاری، نیروهای متخصص، حق اختراع و اطلاعات حقوق مالکیت فکری از طریق سرمایه‌گذاری است.

از روش‌های مدرن و جدید پیاده‌سازی انتقال فناوری، روشی مرحله‌ای است که در آن با اجرای و پیاده‌سازی شش مرحله، فناوری به صورت کامل منتقل می‌شود و نیاز است که به منظور تبدیل ارزش‌های بالقوه فناوری به ارزش‌های بالفعل در کشور انتقال‌گیرنده، از ابتدا این مراحل بررسی و پیاده‌سازی شوند.^{۲۶}

مرحله ۱: کشف فرصت‌های بالقوه فناورانه

در این مرحله، کشور متقاضی فرصت‌ها و فناوری‌های ارزشمندی را شناسایی می‌کند که می‌توانند به ارتقای توانمندی‌های اقتصادی و صنعتی آن کمک کنند. یکی از نکات کلیدی برای اجرای موفق این مرحله، ارزیابی دقیق منابع مورد نیاز از سوی دولت سرمایه‌پذیر است. این ارزیابی اطمینان می‌دهد که شرایط پذیرش فناوری به طور مناسب و بر اساس نیازمندی‌های کشور صورت گیرد. اجرای مرحله اول شامل تأیید فناوری‌های شناسایی شده است. در این فرایند، مدیران ارشد سازمان‌ها باید معیارهای مشخصی را برای بررسی و ارزیابی فناوری‌ها تعیین کنند. این معیارها باید به طور دقیق و شفاف تعریف شوند تا اطمینان حاصل شود که فناوری‌های شناسایی شده با اهداف استراتژیک کشور همخوانی دارند و قابلیت پیاده‌سازی در محیط داخلی را دارند. در این مرحله، ارزیابی مالی پروژه نیز بسیار حائز اهمیت است. بازدهی مالی فناوری‌ها و پروژه‌های پیشنهادی باید به دقت بررسی شود. این ارزیابی مالی به تعیین توجیه‌پذیری اقتصادی و توانایی فناوری‌ها برای ایجاد ارزش افزوده در کشور سرمایه‌پذیر کمک می‌کند. توجه به این موضوع، تضمین می‌کند که منابع سرمایه‌گذاری به صورت بهینه و کارآمد تخصیص داده شوند و فناوری‌هایی که بیشترین بازدهی مالی را دارند، در اولویت قرار گیرند. در نهایت، این مرحله به عنوان گام اولیه‌ای برای تضمین موفقیت پروژه‌ها عمل می‌کند و پایه‌گذاری مناسبی برای مراحل بعدی است. با انجام دقیق این ارزیابی‌ها و تأیید فناوری‌های مناسب، کشور متقاضی می‌تواند اطمینان حاصل کند که فناوری‌های انتخاب شده به درستی با نیازها و ظرفیت‌های داخلی تطبیق یافته‌اند و زمینه برای بهره‌برداری بهینه از آن‌ها فراهم شده است.

مرحله ۲: طرح تجاری سازمان‌یافته فناوری

این مرحله بر شناسایی و انتخاب دقیق فناوری متمرکز است و به عنوان یکی از اساسی‌ترین بخش‌های فرایند اجرایی شناخته می‌شود. اهمیت ویژه این مرحله از آن جهت است که نه تنها تناسب فناوری با اهداف و اولویت‌های استراتژیک پروژه را مشخص می‌کند، بلکه جنبه‌های مدیریت فناوری و واکنش بازار به آن را نیز

Ķālnins, H. J-R., Jarohnovich, N., "System Thinking Approach in Solving Problems of Technology Transfer Process", Procedia - Social and Behavioral Sciences, vol. 195, 2015, pp. 783-789.

به طور کامل تحلیل می‌کند. این تحلیل‌ها به تصمیم‌گیری‌های بعدی جهت می‌دهند و زمینه‌ساز موفقیت پروژه هستند. برای پیشبرد این مرحله، انجام یک مطالعه جامع و همه‌جانبه در مورد جنبه‌های مختلف طرح سرمایه‌گذاری ضروری است. این مطالعه باید به گونه‌ای طراحی شود که تمام عوامل مؤثر بر اجرای فناوری، از جمله منابع مورد نیاز، زیرساخت‌ها، پیش‌بینی‌های مالی، و تحلیل بازدهی را شامل شود. یکی از اقدامات کلیدی در این مرحله، تدوین مشخصات فنی دقیق و واضح است. این مشخصات، پایه و اساس تمامی فعالیت‌های بعدی، از جمله ارزیابی‌ها و مذاکرات، را تشکیل می‌دهند. اجرای موفق این مرحله از اهمیت حیاتی برخوردار است، زیرا به عنوان گام نهایی پیش از آغاز مذاکرات رسمی عمل می‌کند. هرگونه اشتباه یا نقص در این مرحله می‌تواند به آسیب‌های جدی به پروژه و حتی متوقف شدن آن منجر شود؛ بنابراین، دقت و تلاش مضاعف برای تکمیل صحیح این مرحله ضروری است. در این مرحله، تمامی ایرادات و نقدهایی که در مراحل قبلی مطرح شده‌اند، بادقت مورد بررسی قرار می‌گیرند تا نقاط ضعف شناسایی شده و رفع شوند. همچنین، فناوری‌های مختلفی که در طول فرایند پیشنهاد شده‌اند، ارزیابی می‌شوند تا قابلیت‌ها، مزایا، و چالش‌های هر یک مشخص شود. این ارزیابی به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا فناوری‌ای را انتخاب کنند که نه تنها بهترین تطابق را با اهداف پروژه داشته باشد، بلکه از پتانسیل لازم برای عملکرد بهینه در محیط اجرایی برخوردار باشد. افزون بر این، واکنش احتمالی بازار به فناوری مورد نظر و همچنین روندهای موجود در حوزه فناوری باید به دقت تحلیل شوند. این تحلیل‌ها به تصمیم‌گیری در خصوص استراتژی‌های ورود به بازار، مدیریت تغییرات، و تضمین موفقیت اجرای پروژه کمک می‌کنند. در نهایت، این مرحله بستری برای آماده‌سازی همه‌جانبه پروژه است و تضمین می‌کند که تمامی جوانب فناوری انتخاب شده، اعم از فنی، اقتصادی، و اجرایی، با نیازهای پروژه و شرایط محیطی آن همخوانی داشته باشند. این رویکرد جامع به جلوگیری از مشکلات احتمالی در مراحل بعدی و به حداکثر رساندن شانس موفقیت پروژه کمک شایانی می‌کند.

مرحله ۳: مذاکره

در این مرحله، مذاکرات مربوط به انتقال فناوری میان دولت سرمایه‌پذیر و دولت صاحب فناوری انجام می‌گیرد. در این فرایند، طرفین باید در مورد مزایا و منافع متقابل پروژه به توافق برسند. مهم‌ترین نکته در این مرحله، حصول توافق در خصوص نحوه بهره‌برداری و سودآوری هر یک از طرفین است. نتیجه این مرحله منجر به عملی‌سازی قرارداد انتقال فناوری می‌شود. زمانی که مذاکرات در تمامی سطوح رضایت‌بخش و به

توافق رسیده باشد، مراحل اجرایی آغاز می‌گردد. این شامل توافقاتی جامع و دقیق در زمینه انتقال فناوری، ارائه دانش فنی، حقوق مالکیت فکری، و همچنین تعهدات مالی است. در این مرحله، نیاز به بررسی دقیق مسائلی مانند حفاظت از مالکیت معنوی بسیار حیاتی است. چرا که انتقال فناوری شامل حقوق مالکیت فکری همچون حق ثبت اختراع، علائم تجاری، و دیگر دارایی‌های غیرمادی می‌شود. همچنین، مقررات و تعهدات مالی نظیر نحوه تقسیم درآمدها، هزینه‌ها، و نحوه سرمایه‌گذاری نیز باید به طور کامل و دقیق مورد بررسی قرار گیرند. در نهایت، موفقیت این مرحله به ایجاد یک توافق متوازن و شفاف بستگی دارد که به هر دو طرف اطمینان دهد منافع آنها به درستی تأمین شده و زمینه برای توسعه فناوری فراهم شده است. با انجام این مذاکرات، قرارداد انتقال فناوری به طور جامع و مؤثر شکل می‌گیرد و پروژه در مراحل بعدی به مرحله عملیاتی می‌رسد.

مرحله ۴: پیاده‌سازی پروژه انتقال فناوری

این مرحله به طراحی و پیاده‌سازی پروژه انتقال فناوری مربوط می‌شود. ایجاد یک ساختار سازمانی - شرکتی مناسب و کارآمد یکی از ارکان کلیدی برای تحقق موفقیت‌آمیز انتقال فناوری است. در این مرحله، باید تمرکز ویژه‌ای بر شناسایی تغییرات سازمانی که نیاز به پذیرش فناوری دارند، صورت گیرد. بدین منظور، ساختار سازمانی - شرکتی باید به گونه‌ای طراحی شود که توانایی مدیریت دانش جدید و هم‌راستایی با فناوری‌های نوین را فراهم آورد. در اینجا، همکاری مؤثر میان کارکنان کشور صاحب فناوری و کارکنان کشور متقاضی فناوری اهمیت ویژه‌ای دارد. ایجاد روابط مستحکم و مشارکتی بین این دو گروه، نقش بسزایی در تسهیل انتقال دانش و فناوری ایفا می‌کند. به ویژه، باید تلاش شود تا دانش فنی و تجربیات کشور صاحب فناوری به طور مؤثری به کشور متقاضی منتقل شود. در این مرحله، تصویب طرح اجرایی پروژه نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. عوامل کلیدی همچون کفایت روش‌های آموزشی، طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثر، و فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم برای پیاده‌سازی فناوری باید به دقت بررسی شوند. این عوامل تضمین می‌کنند که زیرساخت‌های لازم، ظرفیت انسانی، و توانمندی‌های آموزشی به طور کامل برای پذیرش فناوری جدید آماده شده‌اند. اجرای موفق این مرحله نیازمند ارزیابی مستمر و بازنگری فرایندها و شیوه‌های مدیریتی است. تمرکز بر توسعه و تقویت مهارت‌های نیروی انسانی، ایجاد بستر مناسب برای همکاری، و تأمین زیرساخت‌های فناورانه، از جمله عواملی هستند که در این مرحله باید به آنها توجه ویژه شود. در نهایت، پیاده‌سازی صحیح این مرحله، پایه‌ای برای موفقیت پروژه انتقال فناوری خواهد بود.

مرحله ۵: مدیریت پروژه

در این مرحله، تعیین فرایند یا فناوری موردنیاز برای اجرای موفقیت‌آمیز انتقال فناوری از اهمیت بالایی برخوردار است. کشور متقاضی فناوری باید افرادی را که می‌توانند در اجرای طرح نقش مؤثری داشته باشند، شناسایی و مدیریت کند. این افراد ممکن است شامل متخصصان فنی، مدیران پروژه، یا تیم‌های مشاوره‌ای باشند که قادر به هدایت و هماهنگی فرایند انتقال فناوری هستند. در این مرحله، اهداف و فعالیت‌های مشخص شده در طرح انتقال فناوری مورد بررسی قرار می‌گیرند. شناسایی موانع و چالش‌هایی که می‌توانند روند اجرای پروژه را مختل کنند، یکی از اقدامات حیاتی این مرحله است. این موانع ممکن است شامل مشکلات مدیریتی، کمبود منابع مالی، ناتوانی در آموزش نیروی انسانی، یا ناهماهنگی بین تیم‌های مختلف باشد. هدف اصلی از مدیریت پروژه در این مرحله، اطمینان از اجرای موفقیت‌آمیز طرح انتقال فناوری است. با تمرکز بر شناسایی و رفع موانع، تضمین منابع موردنیاز، و مدیریت مؤثر افراد و تیم‌ها، امکان بهبود روند پیشبرد پروژه فراهم می‌شود. به این ترتیب، اجرای صحیح این مرحله، موفقیت پروژه را در مراحل بعدی تضمین می‌کند.

مرحله ۶: ارزیابی تأثیر انتقال فناوری

مرحله ششم به ارزیابی تأثیر انتقال فناوری اختصاص دارد. این مرحله به دلیل طولانی بودن دوره‌های پروژه‌های انتقال فناوری، فرایندی پیچیده و دشوار است. ضروری است که کشور متقاضی فناوری ساختار سازمانی - شرکتی مشخصی برای ارزیابی فرایند انتقال فناوری ایجاد کند. این ساختار باید از طریق تدوین دستورالعمل‌ها و سازوکارهایی برای دوره پس از انتقال فناوری، به نظارت و ارزیابی مستمر کمک کند. موفقیت فرایند انتقال فناوری به اثربخشی و تعهد مدیریت به اجرای آن بستگی دارد. ارزیابی تأثیر فناوری باید به طور مداوم و با بررسی شاخص‌های مختلفی از جمله بازده مالی، بهبود فرایندهای تولید، تقویت ظرفیت‌های انسانی، و بهینه‌سازی زیرساخت‌ها انجام شود. مدیریت باید اطمینان حاصل کند که فناوری به طور مؤثر به کشور متقاضی منتقل شده و در طولانی مدت از آن بهره‌برداری بهینه صورت می‌گیرد. در نهایت، هرچند پیروی از تمامی مراحل فرایند انتقال فناوری مطلوب است، اما لزوماً ضروری نیست که این مراحل به ترتیب و به صورت کامل در همه پروژه‌ها اجرا شوند. در پروژه‌های کوچک‌تر با ریسک کمتر، ممکن است برخی مراحل بدون هیچ گونه خطری به طور کامل طی شوند. در این مواقع، مدیریت باید باتوجه به شرایط و نیازهای پروژه، تصمیم‌گیری انجام دهد و مدل‌های مناسب را برای اجرای فرایند انتقال فناوری انتخاب کند.

موفقیت در فرایند انتقال فناوری مستلزم جدیت و مهارت‌های مدیریتی است که بتواند مراحل و مدل‌های مختلف را به طور صحیح و مؤثر اجرا کند. هرچند ممکن است به نظر برسد که این فرایندها منجر به بروکراسی و پیچیدگی می‌شوند، اما در واقع، پیروی از دستورالعمل‌ها و روش‌ها به دستیابی به نتایج مطلوب کمک می‌کند. انتخاب مدل‌های متناسب با نیازهای خاص هر پروژه، کلید اصلی موفقیت است. هر پروژه‌ای نیازمند رویکردی خاص و ویژه است و تنها با اتخاذ مدل‌های مناسب می‌توان به نتایج پایدار و مؤثر دست یافت.

گفتار سوم: شیوه‌های انتقال فناوری

منظور از شیوه‌های انتقال فناوری، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی فنی و حقوقی است که از طریق آن فناوری موردنیاز در اختیار دولت سرمایه‌پذیر قرار می‌گیرد. شایع‌ترین شیوه انتقال فناوری که امروزه به اصلی‌ترین شیوه انتقال فناوری از کشورهای صاحب فناوری به کشورهای متقاضی فناوری تبدیل شده است، شیوه انتقال قراردادی است. برای انجام این شیوه، مدل‌های قراردادی متنوعی در دنیا وجود دارد. از جمله این مدل‌های قراردادی می‌توان به انتقال فناوری از طریق قراردادهای امتیازی، قراردادهای خدماتی، قراردادهای مشارکت در تولید، بیع متقابل و در نهایت سرمایه‌گذاری اشاره نمود. یکی از مدل‌های جذب فناوری که سابقه زیادی در دنیا دارد، مدل سرمایه‌گذاری مشترک خارجی است که کار تحقیقی حاضر در صدد بررسی آن قرار دارد. در ادامه به برخی از رایج‌ترین شیوه‌های انتقال فناوری اشاره می‌شود.

انتقال فناوری از طریق لیسانس:^{۲۷}

در این شیوه، دولت متقاضی امتیاز تولید محصول یا خدمت خاصی را از کشور دیگر دریافت می‌نماید. در این شیوه، معمولاً مبلغی تحت عنوان حق امتیاز توسط دولت متقاضی در وجه دولت صاحب فناوری پرداخت می‌شود و معمولاً لیسانس فناوری از طریق ایجاد حق استفاده از حق اختراع، دانش فنی، علامت تجاری، طرح صنعتی به کشور متقاضی منتقل می‌شود. در این شیوه، طرفین مشارکت خاصی را با یکدیگر شروع نمی‌نمایند و صرفاً حق استفاده از فناوری از دولت صاحب فناوری به دولت متقاضی منتقل می‌گردد.

انتقال فناوری از طریق اخذ:^{۲۸}

^{۲۷}Licensing
^{۲۸}Acquisition

در این شیوه، فناوری توسط دولت متقاضی اخذ می‌شود؛ یعنی مالکیت تمام حقوق مربوط به فناوری به کشور متقاضی منتقل می‌شود و در این مسیر، تمامی شیوه‌ها، ظرفیت‌ها و دانش فنی فناوری به صورت کامل منتقل می‌شود و رابطه مشارکتی فی‌مابین طرفین برقرار نمی‌شود.

انتقال فناوری از طریق آموزش^{۲۹}

در این شیوه، متخصصان فناوری از سمت کشور صاحب فناوری برای کشور متقاضی فراهم می‌شوند و نیروهای متخصص کشور صاحب فناوری به منظور انتقال فناوری و آموزش در اختیار دولت متقاضی قرار می‌گیرد و از این طریق فناوری مدنظر را در کشور خود آموزش می‌دهد.

انتقال فناوری از طریق بیع متقابل:

در این شیوه، دولت صاحب فناوری موافقت می‌کند تا امکانات تولیدی لازم را برای کشور متقاضی فناوری فراهم کند. به عبارت دیگر، دولت صاحب فناوری سرمایه‌گذاری اولیه را انجام داده و پس از تولید محصولات، از این محصولات به عنوان بازپرداخت اصل سرمایه و سود خود استفاده می‌کند. مهم‌ترین انگیزه دولت صاحب فناوری برای استفاده از قرارداد بیع متقابل، بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی ارزان‌قیمت در کشور متقاضی فناوری است. این کشورها معمولاً از نیروی کار ماهر و منابع طبیعی فراوانی برخوردارند که می‌توانند هزینه‌های تولید را به طور قابل توجهی کاهش دهند و درعین حال، دسترسی به منابع انسانی و طبیعی خود را افزایش دهند. در مقابل، انگیزه اصلی برای دولت متقاضی فناوری، دستیابی به فناوری صنعتی و به کارگیری مؤثر منابع انسانی و طبیعی خود است. این کشورها با استفاده از دانش و فناوری‌های پیشرفته، توانایی‌های تولیدی خود را افزایش داده و بهره‌وری از منابع انسانی و طبیعی خود را به حداکثر می‌رسانند. به این ترتیب، بیع متقابل به روشی تبدیل می‌شود که ضمن تأمین منافع هر دو طرف، موجب تقویت توان صنعتی و اقتصادی کشور متقاضی فناوری می‌گردد. این روش به توسعه زیرساخت‌ها و توانمندی‌های صنعتی کشور کمک می‌کند و زمینه را برای بهره‌برداری بیشتر از فناوری‌های جدید فراهم می‌آورد.

انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری:

در این شیوه انتقال فناوری، دولت صاحب فناوری و دولت متقاضی فناوری، در خصوص موضوعات موردنظر خود اقدام به طرح‌ریزی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌نمایند. این مدل انتقال فناوری، بهترین شیوه موجود

^{۲۹}Educational

است؛ چرا که در صورت وجود ریسک، خطرات به صورت منصفانه فی مابین طرفین تقسیم می شود و در صورت تحقق سود، سود نیز به صورت منصفانه فی مابین طرفین تقسیم می گردد. از بین شیوه های مختلف، سرمایه گذاری خارجی از طریق ایجاد شرکت از مزیت برخوردار است؛ چرا که از طرفی سرمایه گذار خارجی به علت امکان مالکیت و مدیریت شرکت معمولاً فناوری قابل قبولی را ارائه می کند. در فصل دوم این بخش، به تفصیل مبانی مربوط به سرمایه گذاری جهت انتقال فناوری از جمله سرمایه گذاری مشترک مورد واکاوی قرار می گیرد.

مبحث چهارم: فناوری ارتباطات و اطلاعات

گفتار اول: مفهوم و ویژگی های فناوری ارتباطات و اطلاعات

فناوری اطلاعات و ارتباطات، به مجموعه ای از ابزارها و فناوری ها اطلاق می شود که امکان ذخیره، پردازش، انتقال، و دریافت اطلاعات را به شکل دیجیتال فراهم می کنند. این حوزه، طیفی گسترده از دستگاه ها و سرویس های ارتباطی از جمله رایانه ها، شبکه ها، تلفن های همراه، تلویزیون های دیجیتال و دستگاه های هوشمند را در بر می گیرد که همگی به یکپارچگی اطلاعات کمک می کنند. این مفهوم در دهه های اخیر توسعه یافته و به عنوان زیرساخت اصلی جوامع دیجیتال امروز شناخته می شود.

فناوری اطلاعات و ارتباطات ویژگی های منحصر به فردی دارد که آن را به ابزاری ضروری برای رشد اقتصادی، اجتماعی و آموزشی تبدیل کرده است. این ویژگی ها شامل:

- تبادل و دسترسی آسان به اطلاعات: امکان دسترسی سریع و مؤثر به اطلاعات را فراهم می کند که برای آموزش، بهداشت، تجارت و دولت ها بسیار حیاتی است.
- انعطاف پذیری: این فناوری به کاربران اجازه می دهد تا به شکل های مختلفی از داده ها (صوتی، تصویری، متنی و غیره) دسترسی داشته باشند.
- پیوستگی و یکپارچگی: از طریق اتصال شبکه ای و ایجاد سیستم های یکپارچه، تبادل اطلاعات در سازمان ها و میان کشورها تسهیل می شود.

از جمله روندهای جدید، محاسبات هوش مصنوعی هستند که پردازش داده ها را به منابع نزدیک تر کرده و امنیت و کارایی را بهبود می بخشند. همچنین، ابر رایانش و اینترنت اشیا به صنایع مختلف از جمله بهداشت و آموزش برای ایجاد شهرهای هوشمند و تحول دیجیتال کمک می کنند. در سال های اخیر، متاورس و

اپلیکیشن‌های چندکاربره نیز با توسعه دسترسی یکپارچه به خدمات مختلف، فرصت‌های جدیدی را برای کسب‌وکارها ایجاد کرده‌اند. این فناوری‌ها به‌عنوان محرک اقتصادی و اجتماعی، نقش مهمی در گسترش آموزش، بهداشت و کارآفرینی ایفا می‌کند. به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به بهبود سطح زندگی و توسعه اقتصادی کمک شایانی کند. این فناوری همچنین با فراهم‌کردن ابزارهای ارتباطی و آموزشی به گسترش دموکراسی دیجیتال و مشارکت بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌ها یاری می‌رساند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌سرعت در صنایع مختلف نفوذ کرده و تأثیرات گسترده‌ای در بهره‌وری، کارایی و نوآوری این صنایع داشته است:

- آموزش: در آموزش آنلاین و مجازی نقش بزرگی ایفا کرده و به دانش‌آموزان و معلمان امکان دسترسی به منابع آموزشی در سراسر جهان را داده است. ابزارهایی مانند پلتفرم‌های آموزش الکترونیک، واقعیت افزوده و هوش مصنوعی به افزایش اثربخشی آموزش و سفارشی‌سازی آن کمک کرده‌اند.
- بهداشت و درمان: از طریق استفاده از داده‌های سلامت دیجیتال و روبات‌های پزشکی، به ارائه خدمات بهتر و تشخیص دقیق‌تر کمک می‌کند. همچنین، فناوری‌هایی نظیر پزشکی از راه دور امکان دسترسی به خدمات درمانی در مناطق دورافتاده را فراهم آورده است.
- تجارت الکترونیک و اقتصاد دیجیتال: رشد فروشگاه‌های آنلاین و پلتفرم‌های دیجیتال با استفاده از این فناوری‌های باعث افزایش رقابت و بهبود تجربه مشتری شده است. از این‌رو، اقتصاد دیجیتال را گسترش داده و فرصت‌های جدیدی برای کارآفرینان ایجاد کرده است.
- صنایع تولیدی و صنعتی: با استفاده از فناوری‌هایی نظیر اینترنت اشیا و هوش مصنوعی، صنایع می‌توانند فرایندهای تولید خود را بهینه‌سازی کرده و به نگهداری پیش‌بینی‌کننده دست یابند که این امر باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی می‌شود.

این فناوری‌ها در آینده همچنان به‌عنوان محرک اصلی پیشرفت‌های فناوری و نوآوری عمل خواهد کرد. فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی پیشرفته، ابر رایانش، و محاسبات کوانتومی توانایی‌های صنایع را گسترش خواهند داد و در بهبود کیفیت زندگی، توسعه پایدار و حل چالش‌های جهانی نقش اساسی خواهند داشت؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فناوری ارتباطات و اطلاعات نه‌تنها ابزاری برای ارتباط و اطلاعات است، بلکه بستری برای نوآوری و پیشرفت در تمامی جوانب زندگی انسانی به شمار می‌آید.

گفتار دوم: فناوری ارتباطات و اطلاعات در کشور چین

در عصر دیجیتال، فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یکی از عوامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته شده است. این فناوری با بهبود ارتباطات، دسترسی به اطلاعات و تسهیل فرایندهای کاری و صنعتی، باعث تحولی عظیم در زندگی روزمره مردم و سازمانها شده است. چین، با جمعیتی بیش از ۱,۴ میلیارد نفر و اقتصادی که به سرعت در حال رشد است، از پیشگامان توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات به شمار می رود و سرمایه گذاری های گسترده ای را در این زمینه انجام داده است.

کشور چین در دهه های گذشته با اجرای سیاست های اقتصادی باز و توسعه صنعتی، بستری مناسب برای رشد فناوری های نوین فراهم کرده است. یکی از مهم ترین اهداف دولت چین در این زمینه، دستیابی به استقلال فناوری و کاهش وابستگی به کشورهای دیگر، به ویژه در حوزه های حساسی مانند ارتباطات و امنیت اطلاعات بوده است. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، چین به دنبال توسعه زیرساخت های ارتباطی و دسترسی عمومی به اینترنت بود، و امروزه با پیشرفت هایی که در نسل پنجم اینترنت، هوش مصنوعی و اینترنت اشیا داشته، خود را به عنوان یکی از قطب های فناوری جهان معرفی کرده است.

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در چین تنها به سطح فناوری محدود نمی شود، بلکه این کشور با ایجاد تغییرات عمیق در زیرساخت ها و قوانین، تلاش کرده است تا این فناوری ها را به بخشی از زندگی روزمره مردم و سازمانها تبدیل کند. شرکت های چینی؛ مانند علی بابا، هواوی، بایدو و تنسنت به عنوان نمونه هایی موفق در این زمینه، نشان می دهند که چین چگونه توانسته از طریق تشویق به نوآوری و سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه، به نتایج بزرگی دست یابد و با شرکت های بزرگ بین المللی رقابت کند. در دهه های اخیر، چین گام های بلندی در راستای توسعه فناوری های نوین مانند اینترنت نسل پنجم، هوش مصنوعی، بلاک چین و رایانش ابری برداشت. در این دوره، دولت چین به منظور تقویت توانایی های فنی و رقابت در سطح جهانی، برنامه های توسعه گسترده ای را اجرا کرد. سیاست های جدیدی مانند اینترنت پلاس و ساخت چین ۲۰۲۵ به منظور تشویق به استفاده از فناوری های دیجیتال در صنعت و خدمات اجرا شدند. همچنین، زیرساخت های ارتباطی به طرز چشمگیری توسعه یافت و شرکت های چینی؛ مانند هواوی در بازارهای جهانی به عنوان رهبران فناوری ارتباطات شناخته شدند. این شرکت ها فناوری های جدید را توسعه داده و نقش مهمی در تأمین

تجهیزات مخابراتی جهان ایفا کردند. در نتیجه، چین به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای تلفن‌های همراه و اینترنت در جهان تبدیل شد و شرکت‌های چینی؛ مانند هواوی و شیائومی توانستند به‌عنوان بازیگران جهانی در صنعت تلفن همراه به رقابت بپردازند.

علاوه بر این، دولت چین با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوینی همچون هوش مصنوعی، بلاک‌چین و داده‌های کلان، تلاش می‌کند تا خود را به‌عنوان یک ابرقدرت فناوری در جهان مطرح کند. در این دوره، کاربردهای متنوعی از هوش مصنوعی در امنیت عمومی، پزشکی، آموزش و خدمات شهری به کار گرفته شده و شرکت‌های چینی در حوزه فناوری به رقابت با شرکت‌های بین‌المللی پرداخته‌اند. در مجموع، توسعه این فناوری‌ها در چین یک فرایند چند دهه‌ای بوده که با سیاست‌گذاری‌های حمایتی دولت، سرمایه‌گذاری‌های کلان و همکاری بخش‌های دولتی و خصوصی شکل گرفته است. امروز، چین باتکیه بر زیرساخت‌های قوی و شرکت‌های فناوری قدرتمند، به یکی از رهبران جهانی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات تبدیل شده است. این تاریخچه نشان‌دهنده یک رویکرد هدفمند و برنامه‌ریزی شده در مسیر رسیدن به استقلال فناوری و ایجاد بستری برای رقابت در سطح جهانی است.

چین در چند دهه گذشته به پیشرفت‌های قابل توجهی در انواع مختلف فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات دست یافته و با سرمایه‌گذاری‌های وسیع در این زمینه‌ها، خود را به یکی از قطب‌های فناوری جهان تبدیل کرده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین انواع فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات که در چین توسعه یافته‌اند، می‌پردازیم:

- اینترنت پلاس و شبکه‌های مخابراتی

چین یکی از گسترده‌ترین زیرساخت‌های اینترنت در جهان را ایجاد کرده است. در دهه ۲۰۰۰، دولت چین با برنامه‌های ملی توسعه پهنای باند، توانست دسترسی به اینترنت پرسرعت را در سراسر کشور فراهم کند. اینترنت فیبر نوری در بسیاری از مناطق شهری و حتی روستایی گسترش یافته است و این زیرساخت به‌عنوان بستر اصلی برای توسعه فناوری‌های دیجیتال در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- شبکه‌های موبایل و فناوری G4 و G5

چین با توسعه و پیاده‌سازی گسترده شبکه‌های G4 و G5 در بین کشورهای پیشرو قرار دارد. این فناوری‌های به‌صورت گسترده‌ای در چین راه‌اندازی شد که امکان استفاده از اینترنت پرسرعت موبایل را برای میلیون‌ها نفر فراهم کرد. چین پیش‌گامی خود را در این حوزه تثبیت کرد. این فناوری با سرعت بالا و تأخیر بسیار کم، امکانات جدیدی مانند اینترنت اشیاء، خودروهای خودران و شهرهای هوشمند را فراهم آورده است.

- اینترنت اشیاء

چین به‌عنوان یکی از پیش‌گامان اینترنت اشیاء، در بخش‌های مختلفی همچون کشاورزی، حمل‌ونقل، صنعت و شهرهای هوشمند از این فناوری استفاده می‌کند. دولت چین برنامه‌های ملی و استراتژی‌های جامعی برای توسعه اینترنت اشیاء تدوین کرده است. استفاده از سنسورها و دستگاه‌های متصل در حوزه‌های مختلف زندگی و صنعت به افزایش بهره‌وری و کارایی کمک کرده است. این فناوری به‌طور گسترده در سیستم‌های حمل‌ونقل هوشمند و مدیریت منابع طبیعی به کار گرفته شده است.

- هوش مصنوعی

چین در دهه‌های اخیر به یکی از رهبران جهانی در حوزه هوش مصنوعی تبدیل شده است. هوش مصنوعی در چین کاربردهای بسیار گسترده‌ای دارد و دولت به‌شدت در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده است. کاربردهای هوش مصنوعی شامل پردازش زبان طبیعی، رباتیک، سیستم‌های خودران و تحلیل داده‌های کلان می‌شود. شرکت‌های چینی؛ مانند بایدو، علی‌بابا و تنسنت در این حوزه بسیار فعال هستند و پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته‌اند.

- رایانش ابری

رایانش ابری یکی از مهم‌ترین فناوری‌های زیرساختی در چین به شمار می‌رود. بسیاری از شرکت‌های بزرگ فناوری چینی؛ مانند علی‌بابا، هواوی و تنسنت خدمات رایانش ابری ارائه می‌دهند و این خدمات در حوزه‌های خدمات عمومی، بانکی، تجارت الکترونیک، آموزش آنلاین و سیستم‌های بهداشت و درمان کاربردهای گسترده‌ای پیدا کرده است. توسعه رایانش ابری به کسب‌وکارها و

سازمان‌ها امکان داده تا داده‌ها و منابع محاسباتی خود را با کارایی بالاتری مدیریت کنند و به نوآوری‌های فناوری در کشور کمک کرده است.

- بلاک چین

چین به عنوان یکی از پیش‌گامان فناوری بلاک چین، این فناوری را در بخش‌های مختلفی از جمله خدمات مالی، زنجیره تأمین و هویت دیجیتال به کار گرفته است. دولت چین برنامه‌های متعددی برای توسعه و تحقیق در حوزه بلاک چین اجرا کرده و به‌ویژه در حوزه رمزارزهای ملی فعال بوده است. بانک مرکزی چین با توسعه یوان دیجیتال، اولین ارز دیجیتال ملی را به بازار عرضه کرد و این اقدام، چین را به یکی از اولین کشورهایی تبدیل کرد که یک ارز دیجیتال رسمی در سیستم مالی خود دارد.

- فناوری‌های پرداخت دیجیتال و کیف پول الکترونیکی

چین یکی از بزرگ‌ترین بازارهای پرداخت دیجیتال و کیف پول الکترونیکی در جهان است. اپلیکیشن‌های وی‌چت پی و علی‌پی به عنوان پیش‌گامان پرداخت‌های دیجیتال در چین، میلیون‌ها کاربر فعال دارند و برای پرداخت‌های روزمره از خرید در فروشگاه‌ها گرفته تا پرداخت هزینه‌های حمل و نقل عمومی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این سیستم‌ها با به کارگیری QR کد و پرداخت‌های موبایلی، انجام تراکنش‌ها را سریع و آسان کرده‌اند و در این زمینه به الگوی جهانی تبدیل شده‌اند.

- رباتیک و اتوماسیون صنعتی

چین باتکیه بر فناوری‌های نوین، به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و کاربران ربات‌های صنعتی تبدیل شده است. ربات‌ها در صنایع مختلف از جمله خودروسازی، الکترونیک، کشاورزی و حمل و نقل به کار گرفته می‌شوند و به افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید کمک می‌کنند. این کشور همچنین در حال توسعه فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون ربات‌های پزشکی و ربات‌های هوشمند خدماتی است که در بیمارستان‌ها و رستوران‌ها به کار گرفته می‌شوند.

به‌طورکلی، چین در حوزه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات به دستاوردهای بزرگی دست‌یافته و توانسته است مجموعه‌ای از فناوری‌های نوین و پیشرفته را در صنایع مختلف به کار گیرد. از اینترنت پرسرعت تا هوش مصنوعی و بلاک‌چین، چین با استفاده از این فناوری‌ها توانسته نه‌تنها به توسعه اقتصادی داخلی کمک کند، بلکه به‌عنوان یک بازیگر جهانی در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات مطرح شود.

مبحث پنجم: نتیجه‌گیری فصل و پیشنهادها در کاربست عملی موضوع تحقیق

در این مبحث با مروری کلی بر فصل اول، نتایج حاصل از این فصل را در کاربست عملی تحقیق حاضر یعنی بررسی ابعاد حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری در صنعت ICT مورد بررسی قرار می‌دهیم.

باتوجه‌به اینکه فناوری مجموعه‌ای از عناصر اطلاعاتی و فیزیکی شامل دانش، تجربه، روند داده‌ها، تحقیق، توسعه و تحقق، محصولات، سخت‌افزارها، تجهیزات، نقشه‌ها و روندها است؛ به نظر می‌رسد در ابتدا لازم است که در پروسه طراحی مدل سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین، دقیقاً معین گردد که فناوری موضوع طرح شامل چه مواردی می‌شود. تعریف و تعیین دقیق فناوری به پیشبرد عملی طرح کمک شایانی می‌نماید و لازم است که در این تعیین، دقیقاً مورد اشاره قرار بگیرد که منظور از فناوری موضوع طرح، یک شیوه علمی در تحصیل هدفی عملی و کاربرد سیستماتیک دانش سازمان‌یافته در حل مشکلات عملی در حوزه ICT است و صرفاً شامل دانش مربوط به فناوری نیست؛ بنابراین، در این راستا، باید فناوری همراه با عناصر فیزیکی و انسانی و همراه با چهار رکن اساسی آن که شامل تکنیک‌ها و شیوه‌های خاص، دانش، سازماندهی و نحوه تولید موضوع انتقال قرار گیرد. همچنین لازم به ذکر است که در پیاده‌سازی مدل سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین، هدف صرفاً انتقال کالا یا تجهیزات فناورانه به ایران نیست؛ بلکه نیاز است در طرح سرمایه‌گذاری مشترک دقیقاً معین گردد که به‌منظور انتقال درست فناوری مقتضی است که علاوه بر دانش خاص مرتبط با فناوری، شیوه‌های خاص فناوری و همچنین نیروهای انسانی متخصص فناوری نیز جهت پیاده‌سازی طرح سرمایه‌گذاری مشترک در ساختار سازمانی - شرکتی طرح سرمایه‌گذاری مشترک حضور داشته باشند. پس از تعیین دقیق چارچوب فناوری موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک، لازم است که مفهوم دقیق انتقال فناوری معین گردد. در این راستا، لزوماً باید مورد اشاره قرار گیرد که انتقال فناوری صرفاً شامل واگذاری یا جریانیافتن فناوری از سوی کشور چین به کشور ایران نیست؛ بلکه منظور این است که انتقال فناوری یک انتقال فراگیر

باشد و دانش سیستماتیک از سوی کشور چین به نحوی موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک قرار گیرد که در نهایت فناوری با تمام اجزایش از کشور چین به کشور ایران وارد شود و به‌مرور زمان پیاده‌سازی و سازگار گردد. برای پیاده‌سازی این انتقال لازم است که شش مرحله مدرن مربوط به پیاده‌سازی انتقال به‌درستی صورت پذیرد. در پایان، مطلوب‌ترین شیوه انتقال فناوری، انتقال آن از طریق سرمایه‌گذاری خارجی است؛ مدلی که در آن با پیاده‌سازی طرح سرمایه‌گذاری مشترک در قالب مدل قراردادی - شرکتی امکان حضور فعال و مشارکت کشور چین در طرح سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود و این شرکت ضمن انتقال فناوری در سود و زیان این طرح نیز مشارکت خواهد داشت. در نهایت، پس از بررسی تمامی موارد فوق، مناسب‌ترین شیوه انتقال فناوری که انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری است مورد توافق طرفین قرار بگیرد. در این مسیر، طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک تلاش خواهند نمود که با پیاده‌سازی یک چارچوب درست قراردادی که تمامی قوانین و مقررات دو کشور ایران و چین را رعایت می‌کند، ساختار سازمانی-شرکتی‌ای طراحی نمایند که با انعقاد قرارداد، منجر به تأسیس یک نهاد حقوقی خاص با شخصیت حقوقی گردد و آن نهاد در کشور سرمایه‌پذیر (اعم از ایران یا چین) تمامی اقدامات لازم را با مشارکت طرفین، در طول طرح سرمایه‌گذاری مشترک، به عمل آورده و در نهایت فناوری موردنظر طرح سرمایه‌گذاری در کشور سرمایه‌پذیر نهادینه شود.

فصل دوم: کلیات سرمایه‌گذاری

در این فصل، با بررسی مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی، پذیرش و الزامات اجرایی آن، انواع سرمایه‌گذاری خارجی به طور خاص سرمایه‌گذاری مشترک که موضوع اصلی تحقیق حاضر است، مفهوم، انواع، آثار و ویژگی‌های آن، کلیات موردنیاز جهت واکاوی این پژوهش از دید سرمایه‌گذاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت در مبحث آخر این فصل، نتیجه‌گیری این فصل و پیشنهادها در کاربست عملی تحقیق بررسی ابعاد حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری در صنعت ICT بررسی می‌شود.

مبحث اول: مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی

مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی و سازوکارهای حقوقی مرتبط با آن، یکی از مسائل پیچیده و در حال تحول در عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق اقتصادی است. این موضوع، نه تنها به روابط اقتصادی میان کشورها، بلکه به روابط بین کشورها و اشخاص خصوصی که به عنوان سرمایه‌گذار خارجی شناخته می‌شوند نیز ارتباط دارد. برای درک بهتر این مسئله، ابتدا باید به تاریخچه و منشاء پیدایش نظام حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی نگاهی بیندازیم.

نظام حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در واقع در پاسخ به نیاز کشورها برای جذب سرمایه‌های خارجی و حفاظت از این سرمایه‌ها در برابر خطرات احتمالی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی در کشورهای سرمایه‌پذیر شکل گرفته است. در سال‌های گذشته، کشورها به این نتیجه رسیدند که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نیازمند یک چارچوب حقوقی مشخص هستند که حقوق و مسئولیت‌های طرفین را به وضوح تعریف کند. این نظام حقوقی هم‌زمان با توسعه اقتصاد جهانی و گسترش تجارت بین‌المللی، به تدریج پیچیده‌تر و جامع‌تر شد. به طور خاص، کشورهای سرمایه‌پذیر به این درک رسیدند که سرمایه‌گذاران خارجی نیازمند اطمینان از حمایت حقوقی در قبال سرمایه‌های خود هستند. این حمایت‌ها می‌توانند شامل ضمانت‌های قانونی، حفاظت از مالکیت و درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری، و ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاری باشند. در این زمینه، بسیاری از کشورها با ایجاد قوانین ملی و امضای موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، اقدام به حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی کرده‌اند.

سازوکارهای حمایت حقوقی از سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً شامل دو بخش اصلی می‌شوند: نخست، تضمین امنیت و حقوق سرمایه‌گذاران خارجی در کشور سرمایه‌پذیر و دوم، ایجاد مسئولیت حقوقی برای کشورهای سرمایه‌پذیر در صورت نقض این حقوق. این حمایت‌ها به طور معمول از طریق دو شیوه انجام می‌شود: حمایت‌های قانونی و قراردادی.

حمایت‌های قانونی: کشورها می‌توانند از طریق تدوین قوانین ملی که حقوق و تعهدات سرمایه‌گذاران خارجی را مشخص می‌کنند، به این حمایت‌ها دست یابند. این قوانین ممکن است شامل حفاظت از مالکیت خصوصی، عدم ملی‌سازی و اطمینان از برخورداری از سود عادلانه باشند.

حمایت‌های قراردادی: در سطح بین‌المللی، بسیاری از کشورها موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه‌ای را به امضاء رسانده‌اند که به موجب آن‌ها، کشور سرمایه‌پذیر تعهد می‌کند که حقوق سرمایه‌گذاران خارجی را در صورت بروز مشکلات مختلف (مانند مصادره غیرقانونی یا نقض قرارداد) حفظ کند.

مسئولیت حقوقی کشورهای سرمایه‌پذیر به این معناست که در صورت نقض حقوق سرمایه‌گذاران خارجی، کشور میزبان ممکن است به جبران خسارت‌ها و پرداخت غرامت‌ها ملزم شود. در این زمینه، بسیاری از کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به‌ویژه در چارچوب محاکم داوری پیش‌بینی‌هایی برای حل و فصل اختلافات میان سرمایه‌گذاران و دولت‌ها دارند. این مکانیسم‌ها می‌توانند به حل و فصل دعاوی مربوط به ملی‌سازی، مصادره غیرقانونی، نقض قراردادها و دیگر مسائل حقوقی بپردازند.

بااین‌حال، در برخی از قوانین ملی و همچنین در نوشته‌های حقوق‌دانان، تعاریفی از سرمایه‌گذاری خارجی ارائه شده است. این تعاریف معمولاً شامل جنبه‌های مختلفی از جمله منابع مالی، تجهیزات، فناوری، منابع انسانی، و حتی حق مالکیت معنوی است که به‌عنوان سرمایه‌گذاری تلقی می‌شوند. از جمله این تعاریف می‌توان به تعاریف ارائه شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون آنکارا یا کنوانسیون واشنگتن اشاره کرد.

سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور کلی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از سایر انواع سرمایه‌گذاری‌ها متمایز می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

درجه بین‌المللی بودن: سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً به دلیل اینکه از خارج از مرزهای ملی انجام می‌شود، ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از سایر سرمایه‌گذاری‌ها متمایز می‌کند.

ثبات و دوام: معمولاً سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دنبال ایجاد یک حضور پایدار و طولانی‌مدت در کشور میزبان هستند.

انتقال فناوری و دانش: یکی از ویژگی‌های مهم سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال تکنولوژی، دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی به کشور میزبان است.

در نهایت، نظام حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی با هدف حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و کشورها و ایجاد یک محیط قانونی منظم و امن برای انجام معاملات و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی شکل گرفته است. با وجود نبود یک تعریف واحد جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی ویژگی‌هایی دارد که آن را در سطح بین‌المللی متمایز کرده و ابزارهای مختلفی برای حمایت از آن در سطح ملی و بین‌المللی ایجاد شده است.^{۳۰}

در یک نگاه، انتقال سرمایه از یک کشور به کشور دیگر برای مدت طولانی و در قبال تعهدات متقابل را سرمایه‌گذاری می‌نامند. این فرایند می‌تواند به دو صورت عمومی و خصوصی انجام شود. در صورتی که سرمایه‌گذار شخصیت حقوقی دولتی یا عمومی داشته باشد، به آن سرمایه‌گذاری خارجی عمومی و اگر سرمایه‌گذار شخصیت حقوقی خصوصی داشته باشد، به آن سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی می‌گویند. در واقع، سرمایه‌گذاری خارجی نوعی سازوکار حقوقی است که به منظور انتقال سرمایه‌های نقدی یا غیرنقدی (مانند وجوه، ماشین‌آلات، مواد اولیه و سایر منابع مالی) از کشور سرمایه فرست به کشور سرمایه‌پذیر، برای مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم دو کشور در سود و زیان به کار می‌رود. این نوع سرمایه‌گذاری نه تنها به انتقال منابع مالی کمک می‌کند، بلکه به توسعه زیرساخت‌ها، فناوری، و نوآوری در کشورهای سرمایه‌پذیر نیز می‌انجامد. در دنیای مدرن، فناوری نقش بسیار مهمی در این فرایند ایفا می‌کند. فناوری‌های نوین، مانند فناوری‌های دیجیتال، شبکه‌های ارتباطی پیشرفته، و اتوماسیون، می‌توانند زمینه ساز گسترش سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع مختلف شوند. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در بخش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و شرکت‌های استارت‌آپی می‌تواند نه تنها باعث رشد اقتصادی کشور سرمایه‌پذیر شود؛ بلکه موجب انتقال دانش فنی و تکنولوژی‌های جدید نیز گردد. این موضوع به کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه این امکان را می‌دهد که به بازارهای جهانی متصل شوند و از فناوری‌های نوین بهره‌برداری کنند. در این راستا،

^{۳۰}Jackson, John H., *International Investment Law: A Critical Introduction*. Oxford: Oxford University Press, 2011.

فناوری‌های مرتبط با اینترنت اشیاء، بلاک‌چین، هوش مصنوعی و پردازش داده‌های کلان می‌توانند تأثیر عمیقی در شکل‌گیری و گسترش پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند. به‌عنوان نمونه، استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی در تحلیل داده‌ها می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا ریسک‌های سرمایه‌گذاری را بهتر ارزیابی کنند و تصمیمات مالی بهینه‌تری اتخاذ کنند. همچنین، بلاک‌چین می‌تواند امنیت و شفافیت در تراکنش‌های مالی بین‌المللی را افزایش دهد و موجب جذب بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی شود. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های تحقیق و توسعه و فناوری‌های نوآورانه، می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد شرکت‌های فناورانه و صنایع جدید در کشور سرمایه‌پذیر شوند که منجر به رشد اشتغال، تقویت رقابت‌پذیری اقتصادی، و توسعه پایدار در آن کشور خواهد شد. در نهایت، این فرایند به افزایش سطح دانش فنی، آموزش نیروی کار ماهر، و بهبود شاخص‌های اقتصادی منجر خواهد شد.

۳۱

در واقع سرمایه‌گذاری خارجی نوعی سازوکار حقوقی به‌منظور انتقال سرمایه‌های نقدی یا غیرنقدی از جمله وجوه، ماشین‌آلات، مواد اولیه، از سرمایه‌فرست به کشور سرمایه‌پذیر به‌منظور مشارکت مستقیم و غیرمستقیم دو کشور در سود و زیان است. برای مثال ذیل تعاریف ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ ایران نیز سرمایه‌گذاری خارجی را به این شکل تعریف کرده است: «کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری». همچنین در ماده ۲ قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین نیز سرمایه‌گذاری خارجی به این شکل تعریف شده است: «به فعالیت سرمایه‌گذاری اطلاق می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط یک شخص حقیقی خارجی، شرکت یا سازمان دیگر (سرمایه‌گذاران خارجی) انجام می‌شود».

از ویژگی‌های اصلی سرمایه‌گذاری خارجی این است که در خصوص مفهوم و مصداق سرمایه که موضوع انتقال و مشارکت است، محدودیتی وجود ندارد و در اکثر قوانین، مصداق زیادی از سرمایه‌های نقدی از جمله وجوه نقدی و ارز و غیرنقدی از جمله انواع اموال مادی و دارایی‌های مالیکت فکری به‌عنوان سرمایه موضوع سرمایه‌گذاری به رسمیت شناخته شده‌اند. در حقوق ایران نیز در خصوص مصداق سرمایه محدودیتی

^{۳۱} شاپیرا، ژان، *حقوق بین‌الملل بازرگانی*، ربیعا اسکینی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۷۱.

^{۳۲} Foreign Investment Law of the People's Republic of China available at https://en.ndrc.gov.cn/policies/202105/t20210527_1281403.html

وجود ندارد و ذیل ماده ۱ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری انواع سرمایه خارجی مورد شناسایی قرار گرفته است و مقرر گردیده است که:

«انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیرنقدی که توسط سرمایه‌گذار خارجی به کشور وارد می‌شود و شامل موارد زیر می‌گردد:

الف - وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد، به کشور وارد شود؛

ب - ماشین‌آلات و تجهیزات؛

ج - ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی؛

د - حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی؛

هـ - سود سهام قابل انتقال سرمایه‌گذار خارجی؛

و - سایر موارد مجاز با تصویب هیأت کشور».

همچنین ذیل فصل پنجم آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و مطابق با ماده ۲۱ آن آیین‌نامه، نحوه شناسایی انواع سرمایه نقدی و غیرنقدی مورد اشاره قرار گرفته است و مقرر گردیده است که:

«ترتیبات مربوط به ورود، ارزشیابی و ثبت سرمایه خارجی اعم از نقدی و غیرنقدی به شرح زیر است:

الف - سرمایه نقدی

۱- وجوه نقدی ارزی موضوع بند الف ماده (۱۱) قانون که در یک دفعه یا به دفعات به قصد تبدیل به ریال به کشور وارد می‌شود، در تاریخ تبدیل به ریال، وفق گواهی بانک توسط سازمان به نام سرمایه‌گذار خارجی ثبت و تحت پوشش قانون قرار می‌گیرد. معادل ریالی ارز وارده به حساب بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر و یا حساب طرح موضوع سرمایه‌گذاری واریز می‌گردد.

۲- وجوه نقدی ارزی موضوع بند ب ماده (۱۱) قانون که در یک دفعه یا به دفعات به کشور وارد شده و به ریال تبدیل نمی‌شود، به حساب ارزی بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر و یا طرح موضوع سرمایه‌گذاری واریز می‌گردد. این وجوه در تاریخ واریز به نام سرمایه‌گذار خارجی ثبت و تحت پوشش قانون قرار می‌گیرد. وجوه یاد شده با نظارت و تأیید سازمان به مصرف خریدها و سفارش‌ها خارجی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی می‌رسد.

ب - سرمایه غیرنقدی خارجی شامل موارد مندرج در بندهای ب، ج و د ذیل تعریف سرمایه خارجی در ماده (۱) قانون است که مراحل ورود، ارزشیابی و ثبت آن‌ها به ترتیب زیر است:

۱ - در مورد اقلام سرمایه‌ای غیرنقدی خارجی موضوع بندهای ب و ج فوق (شامل ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله، مواد اولیه، افزودنی و کمکی) وزارت بازرگانی پس از اعلام موافقت سازمان با ورود اقلام سرمایه‌ای غیرنقدی خارجی، نسبت به ثبت سفارش آماری و اعلام مراتب به گمرک ذی‌ربط جهت ارزشیابی و ترخیص اقلام وارده اقدام می‌نماید. بنابراین قابل مشاهده است انواع سرمایه و روش‌های ارزشیابی آن در قانون ایران به رسمیت شناخته شده است.

همچنین ماده ۱ قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین مقرر کرده است که: «اصطلاح سرمایه‌گذاری عبارت از هر نوع مال یا دارایی از جمله موارد زیر است که توسط سرمایه‌گذاران یکی از طرف‌های متعاقد در قلمرو و طبق قوانین و مقررات طرف متعاقد دیگر (که از این پس طرف متعاقد سرمایه‌پذیر خوانده می‌شود) به کار گرفته شود:

الف - اموال منقول و غیرمنقول و حقوق مربوط به آن‌ها از قبیل حق رهن و وثیقه؛

ب - سهم‌الشرکه، اوراق قرضه، سهام و هر نوع مشارکت دیگر در شرکت‌ها؛

ج - حق ادعای پول و/یا هرگونه عملیات مرتبط با سرمایه‌گذاری که دارای ارزش اقتصادی باشد؛

د - حقوق مالکیت صنعتی و معنوی؛

ه - حقوق ویژه اعطاء شده توسط قانون از جمله حق اکتشاف، استخراج یا بهره‌برداری از منابع طبیعی».

در نتیجه قابل مشاهده است که در خصوص مصادیق سرمایه‌ای که توسط کشور سرمایه فرست به کشور سرمایه‌پذیر منتقل می‌گردد محدودیتی وجود ندارد. علاوه بر این، به طور خاص، فناوری نیز می‌تواند موضوع سرمایه‌گذاری باشد. همان‌طور که در مصادیق فوق در قوانین مورد اشاره ذکر شده است: حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی و سایر حقوق مالکیت صنعتی و معنوی از مصادیقی هستند که فناوری به صورت کلی ذیل آن‌ها قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم سرمایه‌گذاری خارجی، تأثیر آن بر رشد و توسعه کشور سرمایه‌پذیر است. این ویژگی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های خارجی نه تنها باید موجب بهبود وضعیت اقتصادی کشورها شوند، بلکه باید فرایندهای رشد و توسعه را تسهیل کرده و برای کشور مقصد مزایای بلندمدتی ایجاد کنند. تأثیر این نوع سرمایه‌گذاری به طور مستقیم بر مؤلفه‌هایی همچون افزایش تولید، ارتقاء بهره‌وری، توسعه زیرساخت‌ها،

بهبود کیفیت خدمات، و ایجاد فرصت‌های شغلی قابل‌مشاهده است. با این حال، ارزیابی دقیق اثرات این سرمایه‌گذاری‌ها بر توسعه اقتصادی کار ساده‌ای نیست. تعیین ملاک‌های مشخص برای سنجش تأثیرات این سرمایه‌گذاری‌ها چالش‌های خاص خود را دارد. به طور معمول، معیارهایی مانند میزان افزایش تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره‌وری، ایجاد اشتغال، ارتقاء کیفیت و تنوع محصولات، افزایش صادرات، و بهبود سطح زندگی مردم برای ارزیابی اثرات سرمایه‌گذاری خارجی به کار می‌روند. این معیارها به بنگاه‌های اقتصادی کمک می‌کند تا عملکرد خود را اندازه‌گیری کنند و از آن طریق، دولت‌ها نیز می‌توانند سیاست‌های بهتری برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی طراحی کنند. علاوه بر این، برخی تحقیقات و منابع نشان می‌دهند که برای ارزیابی دقیق تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر توسعه اقتصادی، باید به عوامل مختلفی همچون نوع صنعت، شرایط اقتصادی و سیاسی کشور سرمایه‌پذیر، و همچنین سطح تکنولوژی و نوآوری که سرمایه‌گذاران خارجی به همراه می‌آورند، توجه ویژه‌ای داشت. برای نمونه، برخی کشورها که شرایط اقتصادی و زیرساخت‌های توسعه‌یافته‌تری دارند، ممکن است سریع‌تر از دیگر کشورها به بهره‌برداری از مزایای سرمایه‌گذاری خارجی دست یابند. در نهایت، اگرچه ارزیابی اثرات سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد و توسعه کشور سرمایه‌پذیر دشوار است، اما با استفاده از معیارهایی مانند افزایش تولید ناخالص داخلی، بهبود بهره‌وری، توسعه صادرات، و رضایت مصرف‌کنندگان می‌توان به نتایج مفیدی دست یافت. اجرای سیاست‌های صحیح در این زمینه، می‌تواند تأثیرات مثبتی در توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کند.

در سرمایه‌گذاری خارجی نکته‌ای کلیدی در تمایز آن از دیگر اشکال مالی؛ مانند قرض یا وام است. در سرمایه‌گذاری خارجی، علاوه بر نیاز به مدیریت ریسک، سرمایه‌گذاران معمولاً در سود و زیان‌های حاصل از پروژه‌ها مشارکت دارند. برخلاف قرض که در آن کشور یا فرد قرض‌گیرنده ملزم به بازپرداخت بدهی خود است حتی اگر پروژه شکست بخورد، در سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر هر دو به طور مشترک از سود و زیان ناشی از سرمایه‌گذاری بهره‌برداری می‌کنند این مدل سرمایه‌گذاری با ایجاد منافع متقابل و وابستگی‌های دوجانبه، بر پایه به‌اشتراک‌گذاری ریسک استوار است. از نظر اقتصادی، این امر می‌تواند فواید قابل‌توجهی به همراه داشته باشد، زیرا انتقال فناوری، ایجاد شغل و توسعه زیرساخت‌ها از جمله مزایای آن برای کشور میزبان به شمار می‌آید. این تعاملات به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که ممکن است از کمبود منابع مالی و فناوری رنج ببرند، می‌تواند به توسعه پایدار کمک کند. همچنین، در چارچوب جهانی‌سازی، سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یک منبع مهم تأمین مالی برای کشورهای مختلف شناخته می‌شود که می‌تواند

به توسعه بازارها و گسترش فرصت‌های اقتصادی منجر شود. باین‌حال، مانند هر نوع سرمایه‌گذاری دیگری، ریسک‌هایی همچون نوسانات اقتصادی، مشکلات سیاسی و تغییرات قوانین نیز وجود دارد که باید به‌دقت مدیریت شوند.

مبحث دوم: پذیرش و الزامات اجرایی سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از ارکان کلیدی در رشد اقتصادی بسیاری از کشورها به شمار می‌رود. کشورها در تلاش‌اند تا با جذب سرمایه‌های خارجی، منابع مالی لازم برای پروژه‌های توسعه‌ای، بهبود زیرساخت‌ها و ایجاد اشتغال را تأمین کنند. اما درعین‌حال، پذیرش این سرمایه‌گذاری‌ها تحت‌تأثیر عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دارد. کشورهای میزبان به‌طورکلی حق دارند که بر اساس نیازها و اولویت‌های ملی خود تصمیم بگیرند که آیا سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کنند یا خیر. این حق معمولاً در چارچوب قوانین ملی کشور و توافق‌های بین‌المللی که به تصویب رسیده است، تدوین می‌شود. این تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند بر اساس تحلیل‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی انجام شود. به‌عنوان مثال، برخی کشورها ممکن است در صنایع استراتژیک مانند انرژی، دفاع، یا فناوری اطلاعات محدودیت‌هایی برای سرمایه‌گذاری خارجی اعمال کنند. نهادهای اداری سرمایه‌گذاری در کشور میزبان مسئول بررسی درخواست‌های سرمایه‌گذاری خارجی هستند. این نهادها معمولاً شامل وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌های دولتی و مؤسسات نظارتی هستند که با بررسی مفاد قوانین، مقررات، و سیاست‌های کلان کشور، تعیین می‌کنند که آیا یک پروژه سرمایه‌گذاری خارجی با منافع ملی و اقتصادی کشور هم‌خوانی دارد یا خیر. این نهادها همچنین مسئول نظارت بر اجرای پروژه‌ها و بررسی تأثیرات احتمالی آن‌ها بر اقتصاد و جامعه محلی هستند.

به‌طورکلی، پذیرش یا عدم‌پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی توسط کشورهای میزبان به‌عنوان یک اصل کلی، نه تنها تحت‌تأثیر قوانین و مقررات داخلی کشور است؛ بلکه به سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان اقتصادی نیز وابسته است. نظارت دقیق و شفافیت در فرایند پذیرش و اجرای این سرمایه‌گذاری‌ها از سوی نهادهای اداری کشور می‌تواند به بهره‌برداری حداکثری از این سرمایه‌ها کمک کند، درحالی‌که از منافع ملی نیز به‌خوبی محافظت می‌شود.

این اصل نیز به‌موجب ماده ۳ قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین نیز به رسمیت شناخته شده است، این ماده مقرر کرده است که:

«هر یک از طرف‌های متعاقد با رعایت قوانین و مقررات خود نسبت به پذیرش سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر در قلمرو خود اقدام خواهد کرد.»

قابل مشاهده است که پذیرش سرمایه‌گذاری بر اساس قوانین و مقررات قلمرو طرفین سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد. برای مثال به موجب ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی شرایط عمومی پذیرش سرمایه خارجی پیش‌بینی شده است. این ماده مقرر کرده است که:

«پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس این قانون و با رعایت سایر قوانین و مقررات جاری کشور می‌بایست به منظور عمران و آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات بر اساس ضوابط زیر صورت پذیرد:

الف - موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش صادرات شود.

ب - موجب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط‌زیست، اخلاف در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی نشود.

ج - متضمن اعطای امتیاز توسط دولت به سرمایه‌گذاران خارجی نباشد منظور از امتیاز، حقوق ویژه‌ای است که سرمایه‌گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار دهد.

د - سهم ارزش کالا و خدمات تولیدی حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی موضوع این قانون نسبت به ارزش کالا و خدمات عرضه شده در بازار داخلی در زمان صدور مجوز، در هر بخش اقتصادی از بیست و پنج درصد (۲۵٪) و در هر رشته، از سی و پنج درصد (۳۵٪) بیشتر نخواهد بود. تعیین رشته‌ها و میزان سرمایه‌گذاری در هر یک از آن‌ها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران برسد.

سرمایه‌گذاری خارجی جهت تولید کالا و خدمات برای صدور به خارج از کشور به جز نفت خام از این نسبت‌ها معاف است.

تبصره - قانون مربوط به تملک اموال غیرمنقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰، ۳، ۱۶ کماکان به قوت خود باقی است. تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه‌گذار خارجی در چارچوب این قانون مجاز نیست.

همچنین ذیل فصل سوم ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مراجع ذیصلاح مربوط به پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شناسایی شده‌اند. ماده ۵ و ۶ و ۷ آن قانون مقرر کرده‌اند که:

«ماده ۵- سازمان، تنها نهاد رسمی تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور و رسیدگی به کلیه امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و درخواست‌های سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص امور مربوطه از جمله پذیرش، ورود، به‌کارگیری و خروج سرمایه می‌باید به آن سازمان تسلیم‌گر. ماده ۶- به‌منظور رسیدگی و اخذ تصمیم در خصوص درخواست‌های موضوع ماده (۵)، هیأتی با نام هیأت سرمایه‌گذاری خارجی به ریاست معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی به‌عنوان رئیس کل سازمان و مرکب از معاون وزیر امور خارجه، معاون رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاون رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و حسب مورد، معاونین وزارتخانه‌های ذی‌ربط تشکیل می‌گردد. در ارتباط با درخواست پذیرش، مجوز سرمایه‌گذاری پس از تصویب هیأت با تأیید و امضای وزیر امور اقتصادی و دارائی صادر می‌گردد. به هنگام پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی، هیأت موظف به رعایت ضوابط مندرج در ماده ۲ این قانون است.

تبصره- سازمان مکلف است درخواست‌های سرمایه‌گذاری را پس از بررسی مقدماتی حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ دریافت آن‌ها همراه با نظر خود در هیأت مطرح نماید. هیأت موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ مطرح‌شدن درخواست‌های مذکور به موضوع رسیدگی و تصمیم نهایی خود را کتباً اعلام نماید.

ماده ۷- به‌منظور تسهیل و تسریع امور مربوط به پذیرش و فعالیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور، کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت امور اقتصادی و دارائی، وزارت امور خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت کار و امور اجتماعی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران، اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی و سازمان حفاظت محیط‌زیست مکلف‌اند نسبت به معرفی یک نماینده تام‌الاختیار با امضای بالاترین مقام دستگاه به سازمان اقدام نمایند. نمایندگان معرفی شده به‌عنوان رابط و هماهنگ‌کننده کلیه امور مربوطه در آن دستگاه با سازمان شناخته می‌شوند.»

قابل‌مشاهده است که ضرورت دریافت مجوز از سازمان سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران تصریح گردیده است. وظیفه نخست نهادهای اداری در خصوص پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی این موضوع است که از تطابق موضوع سرمایه‌گذاری با قوانین موجود اطمینان حاصل نمایند.^{۳۳}

^{۳۳}Sornarajah, M., *The International Law on Foreign Investment*, Cambridge University Press, 5th Edition, 2021, pp 35-85.

در روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کشور میزبان معمولاً مجموعه‌ای از الزامات اجرایی را برای تضمین انطباق فعالیت‌های سرمایه‌گذار با قوانین و مقررات داخلی خود وضع می‌کند. این الزامات به دو مرحله پیش از سرمایه‌گذاری و پس از آن تقسیم می‌شوند. در مرحله اول، قبل از ورود سرمایه، کشورهای میزبان به‌منظور تضمین انطباق طرح‌های سرمایه‌گذاری با سیاست‌های ملی خود، الزامات مربوط به بررسی و تأیید صلاحیت سرمایه‌گذاران را وضع می‌کنند. این الزامات معمولاً شامل ارزیابی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی طرح‌های سرمایه‌گذاری و اطمینان از عدم تهدید امنیت ملی یا سایر منافع عمومی هستند. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در اتحادیه اروپا، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های حساس به‌دقت بررسی می‌شوند تا از تضاد منافع و تهدیدات امنیتی جلوگیری شود. برای مثال، کشورهای عضو اتحادیه اروپا قوانینی برای بررسی تأثیرات امنیتی و رقابتی در هنگام ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی وضع کرده‌اند که این امر باعث افزایش پیچیدگی و زمان موردنیاز برای تأسیس پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. در مرحله دوم، پس از ورود سرمایه، نظارت‌های مداومی صورت می‌گیرد تا اطمینان حاصل شود که پروژه‌های سرمایه‌گذاری به‌درستی اجرا می‌شوند و تمام الزامات قانونی کشور میزبان رعایت می‌شود. کشورهای میزبان ممکن است برای جلوگیری از سوءاستفاده یا تخلف‌های احتمالی، شرایط خاصی مانند ارائه گزارش‌های دوره‌ای، بازرسی‌های منظم و یا حتی محدودیت‌هایی برای انتقال فناوری و منابع به خارج از کشور تعیین کنند. این نظارت‌ها همچنین ممکن است به‌صورت مکانیزم‌های جبرانی در صورت بروز مشکلات یا تهدیدات امنیتی انجام شود. این الزامات و نظارت‌ها باعث می‌شوند که سرمایه‌گذاران خارجی نه‌تنها به اهداف اقتصادی و تجاری خود برسند، بلکه با تطابق کامل با قوانین و مقررات کشور میزبان، به رشد پایدار و متوازن آن کمک کنند. این روندها نشان‌دهنده اهمیت توازن میان جذب سرمایه‌گذاری و حفاظت از منافع ملی است که در بسیاری از کشورهای میزبان به شکل‌های مختلف تنظیم و اجرا می‌شود.

در مرحله اول، پیش از ورود سرمایه، کشورهای میزبان معمولاً برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند ارزیابی‌های پیچیده‌ای هستند. این ارزیابی‌ها به‌طور خاص بر روی تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیتی طرح‌های سرمایه‌گذاری متمرکز می‌شوند. بسیاری از کشورها به‌ویژه در اتحادیه اروپا، قوانین سختی دارند که به‌موجب آن، سرمایه‌گذاران خارجی باید طرح‌های خود را برای تأسیس شرکت یا سرمایه‌گذاری در بخش‌های حساس مورد بررسی قرار دهند. این بررسی‌ها ممکن است شامل ارزیابی اثرات بلندمدت بر اشتغال، تولید داخلی، رقابت‌پذیری بازار، و همچنین اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی باشد. در این مرحله، برخی از

کشورهای میزبان به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند فناوری‌های نوین، به‌ویژه در صنایع دفاعی، سلامت و اطلاعات، نظارت‌های امنیتی ویژه‌ای اعمال می‌کنند. بررسی‌ها به‌طور خاص به دنبال شناسایی هرگونه تهدید بالقوه امنیتی یا اقتصادی از جانب سرمایه‌گذاران خارجی است. به‌عنوان مثال، در برخی از کشورها مانند ایالات متحده و کشورهای اروپایی، سرمایه‌گذاران خارجی باید طرح‌های خود را برای ارزیابی امنیت ملی به کمیته‌های خاص ارائه دهند. این کمیته‌ها معمولاً از نهادهای امنیتی، اقتصادی و صنعتی تشکیل شده‌اند و ممکن است به‌ویژه در پروژه‌هایی که به فناوری‌های حساس یا زیرساخت‌های کلیدی مربوط می‌شود، دخالت داشته باشند.

پس از تأسیس طرح‌های سرمایه‌گذاری و ورود سرمایه به کشور میزبان، نظارت‌ها و الزامات اجرایی همچنان ادامه می‌یابد. این مرحله معمولاً شامل نظارت مستمر بر اجرای پروژه‌ها، تطابق آن‌ها با مقررات داخلی و ارزیابی تأثیرات بلندمدت سرمایه‌گذاری‌ها بر بازار و جامعه است. کشورها برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها، فساد یا تخلفات احتمالی در هنگام اجرای طرح‌ها، ممکن است الزامات برای گزارش‌دهی دوره‌ای، حسابرسی‌های داخلی و خارجی و بازرسی‌های مداوم اعمال کنند. نهادهای نظارتی و تنظیم‌گری ممکن است بر فرایندهای مختلف نظارت داشته باشند، از جمله نظارت بر نحوه انتقال تکنولوژی، فروش سهام، و حتی قوانین جدید در خصوص انتقال منابع مالی به خارج از کشور. این نظارت‌ها معمولاً به‌منظور جلوگیری از هرگونه ناهماهنگی یا سوءاستفاده از منابع عمومی و خصوصی انجام می‌شود. در برخی از کشورها، نظارت‌ها شامل الزامات حفاظت از اطلاعات حساس نیز می‌شود، به‌ویژه در صنایع اطلاعاتی و فناوری‌های نوین که ممکن است به تهدیدات امنیتی تبدیل شوند.

در بسیاری از کشورهای میزبان، قوانین خاصی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های کلیدی اقتصادی مانند انرژی، زیرساخت‌ها، بهداشت و فناوری وجود دارد. این قوانین معمولاً برای جلوگیری از ورود شرکت‌های خارجی با سابقه سوء امنیتی یا اقتصادی وضع می‌شود. همچنین، برخی کشورها برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های خاص مانند استارت‌آپ‌ها یا فناوری‌های نوین، مشوق‌هایی از جمله معافیت‌های مالیاتی یا تسهیلات خاص ارائه می‌دهند. این سیاست‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بیشتر مشاهده می‌شود که سعی دارند با ایجاد جذابیت‌های ویژه، سرمایه‌گذاران خارجی را ترغیب به فعالیت در بازار خود کنند. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند فرصت‌های زیادی را برای کشورهای میزبان به ارمغان بیاورد. این سرمایه‌گذاری‌ها معمولاً به بهبود زیرساخت‌ها، ایجاد اشتغال، و توسعه تکنولوژی و نوآوری در کشور میزبان

منجر می‌شوند. با این حال، چالش‌هایی نیز در این مسیر وجود دارد. از جمله این چالش‌ها، خطر وابستگی بیش از حد به سرمایه‌گذاری خارجی، ازدست‌دادن کنترل بر صنایع کلیدی کشور، و تهدیدات بالقوه برای امنیت ملی است. کشورهای میزبان باید تلاش کنند تا تعادلی میان جذب سرمایه‌گذاری و حفظ حاکمیت اقتصادی و امنیت ملی برقرار کنند. در نهایت، هدف کشورهای میزبان از وضع این الزامات و نظارت‌ها، ایجاد یک محیط سرمایه‌گذاری امن و جذاب است که هم‌زمان از منافع ملی خود محافظت کند و زمینه رشد پایدار اقتصادی را فراهم آورد. این الزامات، در کنار مشوق‌ها و معافیت‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار ایفا می‌کنند.

بنابراین، پس از اینکه سرمایه‌گذاری خارجی و ورود سرمایه‌گذار بر اساس تأییدات صادره توسط نهادهای نظارتی اداری مورد پذیرش قرار گرفت، طرح سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذار مشمول قوانین و مقررات خاص کشور سرمایه‌پذیر و میزبان می‌گردد و متعهد است که تمامی عملیات مربوط به طرح سرمایه‌گذاری را در راستای قوانین و مقررات کشور میزبان صورت دهد. به صورت کلی، کشورهای سرمایه‌پذیر و میزبان به منظور اطمینان از اینکه سرمایه‌گذار خارجی علاوه بر رعایت قوانین و مقررات کشور میزبان، اهداف عملیاتی طرح سرمایه‌گذاری را رعایت نماید، اقدام به طراحی مجموعه‌ای از الزامات اجرایی^{۳۴} می‌نمایند و این الزامات معمولاً در دو مرحله پیش از سرمایه‌گذاری و پس از سرمایه‌گذاری طراحی می‌شوند و تلاش می‌کنند که فرایند سرمایه‌گذاری را با اهداف ملی کشور میزبان مطابق نماید و یک مجموعه از الزامات را به منظور نظارت بر سرمایه‌گذار طراحی نمایند.^{۳۵}

برخی از متداول‌ترین الزامات اجرایی عبارت‌اند از:

- اطمینان از سطح معینی استفاده از توان داخلی برای محصولات و خدمات؛

- دستیابی به سطح معینی از شغل‌های داخلی؛

- تعهد به اجرای برنامه‌های آموزشی برای نیروی کار یا ایجاد ظرفیت برای تأمین‌کنندگان کالاها و خدمات؛

- ایجاد یک شرکت مشترک با شرکای داخلی؛

- داشتن حداقلی از سهام در سرمایه شرکت سرمایه‌گذار خارجی؛

- حجم یا تعداد مشخصی از فروش کالاها و خدمات در بازار داخلی؛

^{۳۴}Performance Requirements

^{۳۵}Nikiéma, Suzy, *Performance Requirements in Investment Treaties*, International Institute for Sustainable Development, 2014, pp. 2-5.

- رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش صادرات؛
- عدم تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط‌زیست، اخلاف در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات داخلی؛

- عدم اعطای امتیاز انحصاری توسط به سرمایه‌گذاران خارجی.

مبحث سوم: انواع سرمایه‌گذاری خارجی

گفتار اول: سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک نوع استراتژی از سرمایه‌گذاری است که در آن سرمایه‌گذار به طور مستقیم به فعالیت‌های اقتصادی و کسب‌وکار کشور میزبان وارد می‌شود. این شکل از سرمایه‌گذاری شامل انتقال سرمایه، دانش فنی و مدیریتی، و بهره‌برداری از منابع انسانی و طبیعی کشور میزبان است و با ایجاد یک رابطه بلندمدت، اغلب با هدف مشارکت فعال در مدیریت و کنترل شرکت‌ها یا پروژه‌های موردنظر انجام می‌شود. معمولاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دو صورت انجام می‌شود: سرمایه‌گذاری سبز که شامل تأسیس شرکت‌های جدید و واحدهای تولیدی است و سرمایه‌گذاری قهوه‌ای که از طریق خرید سهام یا ادغام با شرکت‌های موجود در کشور میزبان محقق می‌شود. سرمایه‌گذار ممکن است در نتیجه این نوع سرمایه‌گذاری کنترل کامل یا جزئی بر اموال، دارایی‌ها و فرایندهای اجرایی پروژه‌ها داشته باشد. قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان، نقشی اساسی در تعیین حدود و شرایط مالکیت و میزان کنترل سرمایه‌گذار دارد. برخی کشورها محدودیت‌هایی برای درصد مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی اعمال می‌کنند و در عوض حمایت‌های ویژه‌ای مانند معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات زیرساختی ارائه می‌دهند تا سرمایه‌گذاران بین‌المللی را جذب کنند. کنترل و مدیریت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمدتاً از طریق مالکیت بخش عمده دارایی‌ها یا سهام شرکت‌ها انجام می‌شود. به‌طور کلی، استاندارد ۲۵ درصدی برای سهام یا حق رأی در بسیاری از کشورها مرجع اصلی تشخیص سرمایه‌گذاری مستقیم است، چرا که این میزان نشان‌دهنده قابلیت تأثیرگذاری واقعی بر تصمیمات مدیریتی و راهبردی شرکت‌ها است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها برای سرمایه‌گذار سودآور است، بلکه برای کشور میزبان نیز مزایایی چون ایجاد اشتغال، انتقال فناوری، افزایش توان صادراتی و توسعه

زیرساخت‌ها به همراه دارد. این نوع سرمایه‌گذاری به کشور میزبان کمک می‌کند تا در زنجیره ارزش جهانی حضور داشته باشد و به رشد پایدار اقتصادی دست یابد.^{۳۶}

این بدان مفهوم است که در این روش، از نظر جغرافیایی، جریان سرمایه از کشور مبدأ به مقصد داخل کشور سرمایه‌پذیر صورت می‌گیرد. در واقع، سرمایه خارجی در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری در درون ساختار و چارچوب عملیاتی سازمان‌های محلی کشور سرمایه‌پذیر به کار گرفته می‌شود. این به معنای آن است که فرایند استفاده از سرمایه و بهره‌برداری از آن به دست واحدهای تجاری و اقتصادی محلی کشور سرمایه‌پذیر صورت می‌گیرد، نه به صورت مستقیم از سوی کشور سرمایه‌گذار. در صورتی که سرمایه‌ای که در این نوع سرمایه‌گذاری به کار گرفته می‌شود، شامل فناوری باشد، پس از انقضای دوره قرارداد، فناوری ممکن است دیگر قابلیت کارایی لازم برای رقابت در بازارهای تجاری را نداشته باشد. در چنین حالتی، سرمایه‌گذار خارجی در هماهنگی با کشور سرمایه‌پذیر باید تصمیماتی اتخاذ کند که به حفظ یا بهبود این فناوری کمک کند. یکی از گزینه‌هایی که پیشروی آن‌ها قرار دارد، ارتقاء و به‌روزرسانی فناوری است. اگر امکان بهبود و پیشرفت فناوری وجود داشته باشد، ممکن است دو طرف توافق کنند که قرارداد جدیدی به‌منظور احیاء و نوآوری فناوری در چارچوب شرایط قرارداد اولیه منعقد کنند. در این صورت، قرارداد سرمایه‌گذاری ادامه خواهد یافت و فناوری به طور به‌روز شده در راستای اهداف تجاری و اقتصادی بهره‌برداری می‌شود.

اما در صورتی که ارتقاء فناوری امکان‌پذیر نباشد، یا حتی در صورت امکان، دو طرف به توافقی جدید نرسند، معمولاً سرمایه‌گذار خارجی تصمیم می‌گیرد فناوری را از طریق روش‌هایی مانند قراردادهای فرانسیز یا لیسانس منتقل کند. در این صورت، فناوری به طور مستقیم در اختیار طرف‌های دیگر قرار می‌گیرد و از آن‌ها خواسته می‌شود تا طبق شرایط قرارداد فرانسیز یا لیسانس، از فناوری استفاده کنند. این روش به‌طور کلی به سرمایه‌گذار خارجی اجازه می‌دهد تا از انتقال فناوری و دسترسی به بازارهای جدید بهره‌برداری کند، درحالی که ریسک‌های مرتبط با نگهداری و به‌روزرسانی فناوری را کاهش می‌دهد.

در مجموع، این فرایندها نشان می‌دهند که استفاده از فناوری در سرمایه‌گذاری‌های خارجی نه تنها به طور مستقیم به دست کشور سرمایه‌پذیر منتقل نمی‌شود، بلکه در نهایت ممکن است به روش‌هایی چون انتقال از طریق فرانسیز و لیسانس، سازگاری و تطبیق پیدا کند تا در راستای منافع بلندمدت طرفین به کار گرفته شود.

^{۳۶}Hill, Charles W. L., and Hult, G. Tomas M., *International Business: Competing in the Global Marketplace*, 12th edition, McGraw-Hill Education, 2019.

معمولاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چند شکل صورت می‌پذیرد:

- سرمایه‌گذار بدون ثبت شرکت در کشور میزبان، فعالیت‌های اقتصادی خود را شخصاً دنبال نموده و اقدام به سرمایه‌گذاری نموده باشد. چنین سرمایه‌گذاری بسیار نادر است و اگر باشد در حجم اندک و برای صنایع کوچک ممکن است مورد استفاده قرار گیرد؛

- سرمایه‌گذاری از طریق تأسیس یک شرکت مستقل در کشور میزبان صورت می‌گیرد و به‌طوری‌که مطابق مقررات کشور میزبان شرکت تابع آن کشور شناخته شود؛

- مشارکت با شرکت‌های محلی کشور میزبان سرمایه این نوع از سرمایه‌گذاری بسیار معمول است؛

- سرمایه‌گذاری از طریق تأسیس شعبه یک شرکت خارجی این شرکت خارجی می‌تواند یک شرکت چندملیتی یا تک ملیتی باشد؛

- خرید یک شرکت یا ادغام با آن؛

- خرید سهام یک شرکت همراه با کنترل و مدیریت آن.

باید توجه داشت که در برخی مواقع، حتی سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم نیز می‌تواند به طور غیررسمی به‌عنوان عاملی مؤثر در توسعه فناوری در کشور میزبان به حساب آید. به طور مثال، حضور یک شرکت خارجی در یک کشور می‌تواند به شرکت‌های محلی این آگاهی را بدهد که از فناوری‌های جدید و نوآوری‌هایی که در سطح بین‌المللی وجود دارد، مطلع شوند. این آگاهی ممکن است آن‌ها را ترغیب کند تا به دنبال کسب و به‌کارگیری این فناوری‌ها در داخل کشور خود باشند. در واقع، چنین حضوری می‌تواند به‌عنوان یک محرک برای ارتقاء سطح فناوری و نوآوری در کشور میزبان عمل کند. علاوه بر این، وجود رقابت با شرکت‌های خارجی می‌تواند شرکت‌های محلی را مجبور به ارتقاء کیفیت محصولات و خدمات خود کند تا از نظر رقابتی عقب نمانند. به این ترتیب، این فشار رقابتی می‌تواند موجب شود که شرکت‌های بومی برای باقی ماندن در رقابت‌ها و حفظ جایگاه خود در بازار، به دنبال دستیابی به نوآوری‌های فناورانه و به‌کارگیری روش‌های جدید باشند. در نهایت، این امر می‌تواند به تقویت روحیه خلاقیت و نوآوری در بنگاه‌های اقتصادی بومی و توسعه توانمندی‌های آن‌ها منجر شود.

در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم^{۳۷} یا سرمایه‌گذاری در سبد سهام^{۳۸} باید گفت که این نوع سرمایه‌گذاری عمدتاً به منظور کسب بازده مالی و سود بیشتر صورت می‌گیرد، و معمولاً در این روش، سرمایه‌گذار هدفی برای کنترل یا مدیریت مستقیم شرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها ندارد. در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، سرمایه‌گذار ممکن است اقدام به خرید اوراق بهادار از جمله سهام و اوراق قرضه کند. این نوع سرمایه‌گذاری معمولاً به دنبال کسب سود از تغییرات قیمت‌ها و دریافت سود از طریق توزیع سهام است، نه از طریق مشارکت مستقیم در فرایندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های شرکت‌ها. از این رو، در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، سرمایه‌گذار تنها به دنبال افزایش ارزش سرمایه خود از طریق بازده مالی است و این نوع سرمایه‌گذاری معمولاً با ریسک کمتری همراه است، زیرا به طور مستقیم درگیر عملیات و مدیریت شرکت‌ها نمی‌شود.

گفتار دوم: سرمایه‌گذاری مشترک

در این گفتار به تفصیل مفهوم و مبانی سرمایه‌گذاری مشترک (Joint Venture) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قسمت اول: مفهوم سرمایه‌گذاری مشترک

سرمایه‌گذاری مشترک که برخی آن را مشارکت انعطاف‌پذیر تجاری نیز می‌نامند، تکنیکی ساده و مشارکتی انعطاف‌پذیر جهت انجام امور تجاری خاص و معین است که در قالب شرکتی^{۳۹} و واجد شخصیت حقوقی یا قراردادی^{۴۰} یا ترکیبی از این دو مورد به شکل بسته‌های معاملاتی، معمولاً همراه با تأسیس شخصیت حقوقی، تلاش می‌نماید که علاوه بر تجميع آورده‌های مادی و غیرمادی طرفین مشارکت، ادغام تجارب و دانش فنی، دستیابی به اهداف مشترک، کنترل مشترک بر مشارکت، مدیریت ریسک‌ها و در نهایت تقسیم مسئولیت‌ها را نیز به همراه داشته باشد به نحوی که در حوزه انتقال فناوری، کشور دریافت‌کننده فناوری، در نهایت توانایی واقعی پیاده‌سازی فناوری را داشته باشد و کشور واگذارکننده نیز در طول مدت مشارکت، با هدف کسب سود و مشارکت، تعهدات خود را نیز ایفا نماید.

سرمایه‌گذاری مشترک یکی از ابزارهای استراتژیک در تجارت است که از آن برای کاهش ریسک، به اشتراک‌گذاری منابع، و ورود به بازارهای جدید استفاده می‌شود. این نوع مشارکت به‌ویژه در زمینه‌های

^{۳۷}Indirect Foreign Investment

^{۳۸}Portfolio Investment

^{۳۹}Incorporated or Equity

^{۴۰}Contractual

فناوری و انتقال دانش فنی اهمیت زیادی دارد. در اینجا قصد داریم توضیحات بیشتری راجع به ساختار، مزایا، و چالش‌های این مدل ارائه دهیم. در یک سرمایه‌گذاری مشترک، دو یا چند طرف، معمولاً شرکت‌های تجاری، با هدف ایجاد یک شرکت جدید یا همکاری خاص در یک پروژه خاص با هم شریک می‌شوند. این مشارکت می‌تواند شامل ترکیب منابع مادی و غیرمادی، مانند سرمایه، دانش فنی، و زیرساخت‌های مختلف باشد. در بسیاری از موارد، یک شخصیت حقوقی جدید ایجاد می‌شود که به طور مشترک تحت مالکیت و کنترل طرفین است. این شرکت جدید معمولاً برای تحقق اهداف خاصی مانند تولید محصول جدید، ورود به بازارهای جدید، یا انتقال فناوری تأسیس می‌شود.

یکی از اصلی‌ترین مزایای سرمایه‌گذاری مشترک، تقسیم ریسک و هزینه‌ها میان طرفین است. برای مثال، در یک پروژه بزرگ انتقال فناوری، هر یک از طرفین می‌تواند بخشی از هزینه‌های مالی، فنی، یا عملیاتی را به عهده بگیرد. این تقسیم ریسک می‌تواند اطمینان خاطر بیشتری برای هر دو طرف ایجاد کند و باعث کاهش هزینه‌های غیرضروری و شکست‌های احتمالی شود. به‌ویژه در پروژه‌های انتقال فناوری، استفاده از دانش و تجربه طرفین می‌تواند به ارتقای کیفیت و سرعت پیاده‌سازی فناوری کمک کند.

یکی از اهداف اصلی بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های مشترک، انتقال فناوری به کشور دریافت‌کننده است. این فرایند به این معناست که کشور میزبان توانایی و ظرفیت پیاده‌سازی فناوری‌های پیشرفته را به طور مستقل پیدا کند. این فرایند شامل آموزش نیروی انسانی محلی، انتقال مهارت‌های فنی، و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای استفاده از فناوری‌های جدید می‌شود. هدف نهایی این است که کشور میزبان قادر باشد فناوری را در مقیاس بزرگ‌تری به کار گیرد و نه تنها به واردات آن وابسته باشد. هرچند که سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند مزایای زیادی داشته باشد، اما با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، تضاد منافع میان طرفین است. ممکن است یکی از طرفین در زمینه‌هایی مانند مالکیت فناوری، تقسیم سود، یا روش‌های مدیریت اجرایی به دنبال اهداف متفاوتی باشد. برای جلوگیری از این مشکلات، طراحی دقیق توافق‌نامه‌ها و تعیین روشن مسئولیت‌ها و حقوق هر طرف ضروری است. همچنین، مشکلات مدیریتی مانند اختلافات در نحوه اداره شرکت و مشکلات فرهنگی بین طرف‌های محلی و خارجی نیز ممکن است پیش بیاید.

سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه در زمینه انتقال فناوری، یک روش مؤثر برای گسترش توانایی‌های تجاری و فنی در بازارهای جدید است. با این حال، موفقیت این نوع مشارکت نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت مؤثر، و شفافیت در اهداف است. طرفین باید به طور شفاف در مورد مسئولیت‌ها، حقوق مالکیت فکری، و

استراتژی‌های اجرایی توافق کنند تا از ریسک‌های احتمالی جلوگیری کرده و از مزایای مشترک بهره‌برداری کنند.

در مورد سرمایه‌گذاری مشترک و مفهوم‌های مختلف آن، برخی افراد و منابع به تفاوت‌ها و تنوع در ساختارهای حقوقی و قراردادی این مدل تجاری اشاره دارند. به‌طور کلی، مدل‌های مختلفی برای تعریف و درک سرمایه‌گذاری مشترک وجود دارد که می‌توانند به مفاهیم متفاوتی مانند «مشارکت انعطاف‌پذیر»، «مشارکت انتفاعی»، «مشارکت تجارتي»، و «مشارکت تجارتي ریسک‌پذیر» منتهی شوند. این تنوع در اصطلاحات و تعاریف نشان‌دهنده پیچیدگی‌های حقوقی و عملی این نوع مشارکت است.

سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان مشارکت انعطاف‌پذیر: یکی از تعاریف رایج سرمایه‌گذاری مشترک، این است که این مدل لزوماً نیاز به عقد قرارداد رسمی ندارد و ممکن است در قالب مشارکت‌های غیررسمی و منعطف نیز محقق شود. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری مشترک ممکن است بدون الزام به ایجاد یک قرارداد رسمی به شکل یک توافق مشترک بین طرفین شکل گیرد. در این حالت، طرفین فقط با توافق به یک هدف مشخص تجاری و فنی می‌رسند، بدون اینکه ساختار قراردادی پیچیده‌ای به آن اختصاص داده شود.^{۴۱}

سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان مشارکت انتفاعی: برخی دیگر از کارشناسان معتقدند که سرمایه‌گذاری مشترک باید به‌عنوان یک مشارکت انتفاعی تعریف شود که در آن دو یا چند مشارکت‌کننده به‌منظور دستیابی به یک هدف مشترک تجاری و فنی، منابع خود را به اشتراک می‌گذارند. این دیدگاه بر اساس این فرض است که هر یک از طرفین از این مشارکت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منتفع خواهند شد و این به‌نوعی یک مشارکت دو یا چندجانبه است که در آن همه طرف‌ها به‌طور هم‌زمان در سود و زیان سهیم خواهند بود.^{۴۲}

سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان عقد شرکت: برخی دیگر به سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان یک نوع عقد شرکت نگاه می‌کنند. در این دیدگاه، سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه هنگامی که طرفین آن آورده‌های نقدی و غیرنقدی خود را در قالب یک قرارداد رسمی به اشتراک می‌گذارند، می‌تواند مصداق عقد شرکت باشد. این نوع از سرمایه‌گذاری معمولاً شامل تعریف حقوق و مسئولیت‌های طرفین در اداره کسب‌وکار و تخصیص سود و زیان است. با این وجود، باید به توجه داشت که سرمایه‌گذاری مشترک لزوماً یک عقد نیست که ذیل عقد شرکت تعریف گردد و ممکن است قالب و ماهیت حقوقی شرکت به خود بگیرد. در مقابل، برخی دیگر

^{۴۱} کلايوم، اشتيموف، *حقوق تجارت بين الملل*، بهروز اخلاقي، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص. ۵۱۹.

^{۴۲} همان، ص. ۵۱۸.

اصطلاح مشارکت انتفاعی را برای ترجمه واژه جوینت ونچر به کار برده‌اند. این گروه با تأکید بر ماهیت مشارکتی جوینت ونچر و وجود انگیزه‌های اقتصادی در آن، اصطلاح جوینت ونچر را مناسب‌تر می‌دانند. در نهایت، برخی دیگر از صاحب‌نظران، جوینت ونچر را به‌عنوان «مشارکت تجاری بین‌المللی» معرفی کرده‌اند. در این میان، اصطلاحات دیگری نیز برای توصیف جوینت ونچر به چشم می‌خورد. از جمله، اصطلاح مشارکت تجاری ریسک‌پذیر که توجه و تأمل بیشتری را می‌طلبد. این اصطلاح به نوع خاصی از مشارکت اشاره دارد که در آن طرفین به طور مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند و در سود و زیان حاصل از پروژه سهیم هستند، به‌ویژه زمانی که سطح ریسک بالا باشد در نتیجه، تنوع اصطلاحات برای توصیف جوینت ونچر، انعکاسی از تفاوت‌های دیدگاه‌ها و کاربردهای مختلف این مفهوم در حوزه‌های حقوقی و تجاری بین‌المللی است.^{۴۳}

سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان مشارکت تجاری بین‌المللی: درحالی‌که برخی دیگر آن را به‌عنوان مشارکت تجاری بین‌المللی تعبیر می‌کنند، اشاره به این نکته دارند که سرمایه‌گذاری مشترک به‌ویژه در سطح بین‌المللی، می‌تواند فرصتی برای کشورها و شرکت‌ها فراهم آورد تا با ترکیب منابع و دانش فنی خود، وارد بازارهای جدید شوند و ریسک‌ها را با هم تقسیم کنند. این دیدگاه به‌ویژه در پروژه‌های بین‌المللی که انتقال فناوری و بهره‌برداری از منابع محلی در کشور میزبان است، کاربرد دارد.

سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان مشارکت تجاری ریسک‌پذیر: یکی دیگر از تعبیرات رایج این است که سرمایه‌گذاری مشترک را مشارکت تجاری ریسک‌پذیر می‌نامند. این اصطلاح به‌ویژه در پروژه‌هایی کاربرد دارد که در آن طرفین سرمایه‌گذاری، با در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، عملیاتی و فنی، تصمیم به مشارکت در یک پروژه می‌گیرند. این نوع مشارکت معمولاً در پروژه‌هایی با ریسک بالا، مانند صنایع نوپا یا فناوری‌های پیشرفته، به کار می‌رود.^{۴۴}

سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند مفاهیم مختلفی داشته باشد که بستگی به ساختار حقوقی و قراردادی آن دارد. این تفاوت‌ها ممکن است از یک توافق غیررسمی تا یک قرارداد رسمی و دقیق قانونی متغیر باشد. با این حال،

^{۴۳} ماندگار، مصطفی، *قراردادهای تجاری بین‌المللی انتقال فناوری*، تهران، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۴۶۶.

^{۴۴} عرفانی، محمود، *مشارکت تجاری بین‌المللی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۰، ۱۳۷۲، صص ۶۳-۶۲.

در همه این تعاریف، هدف مشترک طرفین رسیدن به منافع تجاری و فنی مشترک است که از طریق ترکیب منابع، دانش و ریسک‌ها امکان‌پذیر می‌شود.

به‌طورکلی، جوینت ونچر یک قرارداد است که در آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی به‌منظور انجام یک پروژه خاص یا سرمایه‌گذاری‌های متوالی، منابع مالی (نقدی و غیرنقدی) خود را به اشتراک می‌گذارند و به‌طور مشترک بر آن‌ها مدیریت می‌کنند. این مشارکت معمولاً به‌صورت توافق‌نامه‌ای رسمی بین طرفین تنظیم می‌شود که در آن نحوه کنترل، مدیریت، و تقسیم سود و زیان مشخص می‌گردد. طرفین به‌طور معمول در سود و زیان ناشی از پروژه به نسبت سهم خود مشارکت می‌کنند. در تمام تعاریف موجود، ویژگی‌های مشخصی وجود دارد که جوینت ونچر را از دیگر انواع مشارکت‌ها متمایز می‌کند:

شراکت در منابع: طرفین جوینت ونچر به‌طور مشترک منابع مالی، تجهیزات، فناوری، یا سایر دارایی‌ها را برای انجام یک پروژه خاص یا سرمایه‌گذاری مشخص به کار می‌گیرند.

کنترل و مدیریت مشترک: تمامی طرفین در مدیریت پروژه و تصمیم‌گیری‌های مهم مرتبط با آن سهیم هستند. این موضوع معمولاً بر اساس درصد سهم هر طرف از سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود.

تقسیم سود و زیان: سود و زیان حاصل از فعالیت‌های پروژه یا سرمایه‌گذاری به نسبت سهام طرفین در پروژه تقسیم می‌شود. این تقسیم می‌تواند متناسب با مقدار سرمایه‌گذاری یا سایر فاکتورهای قراردادی باشد.

هدف معین: جوینت ونچر معمولاً برای دستیابی به یک هدف تجاری، صنعتی، یا فنی خاص تشکیل می‌شود که این هدف در قرارداد به‌وضوح تعریف شده است. به‌طور معمول این اهداف در چارچوب یک پروژه مشخص یا مجموعه‌ای از پروژه‌ها قرار می‌گیرند.

باوجود تفاوت‌هایی که در تعریف جوینت ونچر وجود دارد، در تمامی این تعاریف، عنصر کلیدی «همکاری مشترک» در استفاده از منابع و تقسیم سود و زیان به‌طور واضح مشاهده می‌شود. جوینت ونچر می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای دستیابی به اهداف مشترک تجاری و فنی در پروژه‌ها و بازارهای بین‌المللی به کار رود.^{۴۵}

در تعریف دیگری، جوینت ونچر به همکاری‌هایی اشاره دارد که شامل اقدامات متنوعی نظیر مشارکت در مطالعات مشترک، پروژه‌های مالی مشترک، مدیریت مشارکتی با شرکای محلی برای اجرای فعالیت‌های

^{۴۵}Watkins, William A. H., *Joint Ventures in International Business: A Comprehensive Guid*, McGraw-Hill, 1985.

اقتصادی و سرمایه‌گذاری در جهت توسعه پایدار می‌شود. این مفهوم همچنین به معنای همکاری گروهی با هدف توسعه و بهره‌برداری از فناوری‌های جدید است. با اندکی تسامح، می‌توان جوینت ونچر را به‌عنوان نوعی فرایند ادغام و هم‌افزایی فعالیت‌های تجاری مختلف شرکا در یک ساختار مشترک تعریف کرد. به این ترتیب، شرکا می‌توانند از منابع و ظرفیت‌های خود به طور هماهنگ برای دستیابی به اهداف مشترک استفاده کنند. این نوع همکاری‌ها به‌ویژه در حوزه‌های بین‌المللی، به‌منظور دستیابی به مزایای مقیاس‌پذیری، کاهش ریسک و ارتقای توانمندی‌ها در بخش‌های صنعتی مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۴۶}

در تعریفی دیگر سرمایه‌گذاری مشترک دارای دو معنای خاص و عام است. در معنای خاص، سرمایه‌گذاری مشترک زمانی شکل می‌گیرد که دو یا چند شرکت تصمیم می‌گیرند برای انجام یک پروژه یا فعالیت تجاری خاص، یک هویت جدید ایجاد کنند. این هویت جدید ممکن است به صورت یک شرکت مستقل با شخصیت حقوقی جدید باشد که تحت مدیریت مشترک طرفین قرار دارد. در این نوع مشارکت، طرفین به طور مشترک منابع خود را به اشتراک می‌گذارند، ریسک‌ها و مسئولیت‌ها را تقسیم می‌کنند و در سود و زیان حاصل از پروژه نیز به نسبت سهم خود شریک می‌شوند. هدف اصلی این نوع سرمایه‌گذاری، انجام فعالیت‌های تجاری خاص است که ممکن است در قالب یک شرکت جدید با برند و هویت مستقل انجام شود. در معنای عام، سرمایه‌گذاری مشترک به هر نوع همکاری بین دو یا چند شرکت اطلاق می‌شود، بدون اینکه لزوماً نیاز به ایجاد هویت جدیدی باشد. این نوع همکاری‌ها می‌تواند شامل توافق‌نامه‌های تجاری باشد که هیچ‌گونه شخصیت حقوقی جدیدی نمی‌سازند، مانند توافق‌نامه‌های انتقال فناوری، توزیع محصول یا خدمات مشترک. در این حالت، طرفین همکاری ممکن است فقط برای دستیابی به اهداف مشترک تجاری و فنی، به‌ویژه در حوزه‌های خاص، منابع و فناوری‌های خود را به اشتراک بگذارند. این تفاوت‌ها در تعریف و کاربردهای سرمایه‌گذاری مشترک در بسیاری از موارد می‌تواند به تصمیمات استراتژیک شرکت‌ها بستگی داشته باشد و از منظر حقوقی، نوع قرارداد و نحوه مدیریت همکاری بسیار مهم است. این مشارکت‌ها ممکن است به

^{۴۶} حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، تهران، انتشارات موسسه تیسا ساغر مهر،

چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۳۹۴.

شکل‌های مختلفی از جمله توافق‌نامه‌های قانونی، توافقات غیررسمی یا حتی ایجاد شرکت‌های جدید صورت بگیرند.^{۴۷}

سرمایه‌گذاری مشترک ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر مدل‌های سرمایه‌گذاری متمایز می‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها، مدت زمان طولانی اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک است. این طولانی‌بودن نه تنها به دوره استهلاک و بازپرداخت سرمایه محدود می‌شود، بلکه پروژه‌های موضوع این نوع مشارکت به دلیل نیاز به ساخت و راه‌اندازی تأسیسات و پروژه‌های تولیدی معمولاً زمان‌بر هستند. در این پروژه‌ها، طرفین سرمایه‌گذاری مشترک باید به شکل مشترک منابع مالی، فناوری، و نیروی انسانی خود را برای راه‌اندازی و اجرای پروژه به کار گیرند. ویژگی‌های اصلی سرمایه‌گذاری مشترک به شرح ذیل است:

طولانی‌بودن دوره اجرا: به دلیل اینکه این نوع پروژه‌ها به طور معمول شامل ساخت و راه‌اندازی تأسیسات و پروژه‌های تولیدی هستند، دوره زمانی طولانی‌تری نسبت به سایر پروژه‌ها دارند. به‌ویژه در پروژه‌های صنعتی و استحصال منابع، معمولاً این دوره‌ها در محدوده چندین سال قرار می‌گیرند.

نیاز به آموزش و انتقال فناوری: در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه در کشور میزبان که ممکن است نیروهای محلی بومی فاقد تخصص و فناوری‌های لازم باشند، فرصت مناسبی برای آموزش و انتقال فناوری به نیروی انسانی محلی ایجاد می‌شود. این آموزش‌ها می‌تواند به افزایش بهره‌وری و توانمندی‌های فنی در طول اجرای پروژه کمک کند.

ساخت تأسیسات و زیرساخت‌ها: بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه در صنایع تولیدی و استخراج منابع طبیعی، مستلزم ایجاد تأسیسات و زیرساخت‌های فیزیکی هستند. این تأسیسات معمولاً نیاز به زمان طولانی برای طراحی، تأسیس و راه‌اندازی دارند که به طور مستقیم بر طولانی‌بودن پروژه‌ها تأثیر می‌گذارد. تقسیم ریسک‌ها و مدیریت مشترک: طرفین مشارکت در یک سرمایه‌گذاری مشترک معمولاً ریسک‌ها و هزینه‌های اجرایی پروژه را تقسیم می‌کنند و در مدیریت پروژه به طور مشترک مشارکت دارند. این موضوع می‌تواند به کاهش ریسک‌های مالی و عملیاتی پروژه کمک کند و زمینه‌ساز بهره‌برداری مؤثرتر از منابع گردد.

^{۴۷}Sayer, Stephen, *Negotiating International Joint Venture Agreements*, Sweet and Maxwell, London, 2004, pp.3-7

این ویژگی‌ها باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های مشترک برای پروژه‌هایی که نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگین، زمان‌بر، و دارای تأثیرات بلندمدت دارند، گزینه‌ای مناسب باشند.

در حقوق ایران، سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان یکی از مصادیق قراردادهای نامعین بدون عنوان و موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی شناخته می‌شود. این قراردادها بر اساس اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی، در چارچوب حقوق و فقه ایران به رسمیت شناخته می‌شوند. به این معنا که طرفین می‌توانند با توافق و توافق‌نامه‌ای آزاد، شرایط و مقررات لازم برای همکاری مشترک در فعالیت‌های تجاری را تنظیم کنند. باوجود تعاریف گوناگونی که از سرمایه‌گذاری مشترک ارائه شده، اختلاف‌نظرهایی در خصوص نام‌گذاری و محتوای این تعاریف وجود دارد. باین‌حال، اصطلاح «مشارکت» به‌عنوان عنصر مشترک در تمامی تعاریف دیده می‌شود. این بدان معناست که ماهیت مشارکتی سرمایه‌گذاری مشترک به طور گسترده پذیرفته شده است و در هیچ یک از تعاریف موجود، بر مشارکت بودن آن تأکید نشده است. یکی از نکات قابل‌توجه این است که سرمایه‌گذاری مشترک ممکن است در ذیل عقود معین مختلفی مانند مشارکت مدنی و مضاربه تعریف شود. این قراردادها به‌ویژه در نظام حقوقی ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، زیرا باتوجه‌به ماهیت تجاری آن‌ها و تعهدات طرفین، قابلیت شناسایی و اجرا در قالب این عقود وجود دارد. باین‌حال، در نهایت می‌توان اذعان داشت که سرمایه‌گذاری مشترک یکی از مصادیق قراردادهای ماده ۱۰ قانون مدنی است. بر اساس این ماده، قراردادهای نامعین قراردادهایی هستند که تحت قالب‌های خاص قراردادی تعریف نشده‌اند؛ اما با رعایت اصول کلی قراردادهای مدنی قابلیت اجرا دارند. بنابراین، سرمایه‌گذاری مشترک نیز که دارای ویژگی‌های ذکر شده است، می‌تواند به‌عنوان یک قرارداد مستقل و با توسل به اصل حاکمیت اراده، در چارچوب ماده ۱۰ قانون مدنی مورد شناسایی قرار گیرد. مهم‌ترین مزیت سرمایه‌گذاری مشترک این است که این قرارداد به شرکا اجازه می‌دهد تا با بهره‌گیری از منابع و ظرفیت‌های یکدیگر، پروژه‌های اقتصادی را به‌صورت مشترک اجرا کرده و در سود و زیان آن سهیم باشند. در این نوع قرارداد، طرفین به طور مشترک در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند و مسئولیت اجرای پروژه را به طور مشترک بر عهده دارند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان یک قرارداد انعطاف‌پذیر، می‌تواند در سازگاری با شرایط اقتصادی و اهداف طرفین، محتوای متفاوتی داشته باشد. بنابراین، این نوع قرارداد می‌تواند در شرایط مختلف به طور مناسب تطبیق یابد و راهی برای توسعه و بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی فراهم کند. در نهایت، باتوجه‌به ماهیت مشارکتی و تعهدات مشترک طرفین، سرمایه‌گذاری مشترک در حقوق ایران به‌عنوان یکی از قراردادهای نامعین و تحت ماده ۱۰ قانون

مدنی، به رسمیت شناخته می‌شود. این قرارداد می‌تواند در چارچوب عقود مختلفی مانند مشارکت مدنی و مضاربه تعریف شود و به‌عنوان ابزاری کارآمد برای توسعه اقتصادی و مشارکت‌های تجاری به کار رود.

قسمت دوم: انواع سرمایه‌گذاری مشترک

جوینت ونچر به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: جوینت ونچر قراردادی و جوینت ونچر شرکتی. هر یک از این نوع‌ها ساختارها و فرایندهای خاص خود را دارند. در نوع قراردادی، شرکا اموال را به‌صورت مشترک و به شکل مشاع وارد همکاری می‌کنند. در این مدل، شرکا بر اساس میزان مشارکت خود در فعالیت‌ها، نسبت به این اموال مالکیت مشاع دارند. روابط شرکا تنها بر اساس قراردادهای تنظیم شده و حقوق و تعهدات ناشی از آن‌ها شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، ساختار همکاری صرفاً به توافقات قراردادی محدود می‌شود و هیچ‌گونه شخصیت حقوقی مستقلی برای جوینت ونچر وجود ندارد. در نوع شرکتی، شرکا با سرمایه‌گذاری در یک شرکت مشترک، مالکیت سهام یک شخص حقوقی مستقل را به دست می‌آورند. در این مدل، شرکت به‌عنوان یک واحد حقوقی مستقل تعریف می‌شود و شرکا به‌صورت غیرمشاع و متناسب با سهام خود در شرکت، مالکیت دارند. روابط شرکا در این نوع جوینت ونچر علاوه بر قرارداد، مشمول قوانین و مقررات شرکت‌ها و قواعد حقوقی حاکم بر آن‌ها می‌شود. تفاوت عمده این دو مدل، در ماهیت و الزامات حقوقی آن‌هاست. در جوینت ونچر قراردادی، توافقات مستقیم شرکا بر اساس اصول قراردادی تنظیم می‌شود و هیچ شخص حقوقی مستقلی تشکیل نمی‌شود. در حالی که در جوینت ونچر شرکتی، وجود شخصیت حقوقی مستقل موجب تغییرات گسترده در روابط شرکا و نحوه مدیریت و تقسیم سود خواهد شد. این دو مدل جوینت ونچر، به تناسب اهداف و نیازهای شرکا، می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر ساختار همکاری، مسئولیت‌ها، و تقسیم سود داشته باشند. انتخاب هر یک از این دو مدل بستگی به ماهیت پروژه، میزان سرمایه‌گذاری، و اهداف اقتصادی شرکا دارد. در ادامه و بند اول و دوم این قسمت، به تفصیل هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

بند اول: جوینت ونچر شرکتی

جوینت ونچر شرکتی یکی از مدل‌های متداول سرمایه‌گذاری مشترک است که در آن طرفین مشارکت تصمیم می‌گیرند یک شخصیت حقوقی مستقل را ایجاد کنند. این شخصیت حقوقی معمولاً در قالب یک شرکت مشترک تحت قوانین و مقررات کشور میزبان به فعالیت می‌پردازد. ایجاد این شرکت نیازمند توافق طرفین در خصوص اساسنامه و ساختار مدیریتی است که مطابق با قوانین ملی کشور میزبان تنظیم می‌شود. به عبارت دیگر،

این شرکت مستقل از طرفین بوده و تمام فعالیت‌های تجاری آن بر اساس چارچوب حقوقی خود و در راستای اهداف پروژه مشترک انجام می‌شود. این ویژگی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری مشترک به شکل یک نهاد جداگانه و با شخصیت حقوقی مستقل از طرفین درآید که به طور قانونی از آن‌ها تفکیک می‌شود.

در این نوع سرمایه‌گذاری، طرفین تمامی آورده‌های نقدی و غیرنقدی خود را برای راه‌اندازی و پیشبرد اهداف پروژه مشترک وارد شرکت می‌کنند. آورده‌های نقدی می‌تواند شامل سرمایه مالی باشد، درحالی‌که آورده‌های غیرنقدی ممکن است شامل فناوری، نیروی انسانی متخصص، یا سایر منابع ارزشمند باشد. هر یک از طرفین به‌اندازه آورده خود در این شرکت سهام‌دار می‌شوند. این سهام‌داری به طرفین این حق را می‌دهد که در سود و زیان حاصل از فعالیت‌های شرکت مشترک به نسبت سهم خود مشارکت کنند. بنابراین، این نوع سرمایه‌گذاری مشترک نه تنها جنبه مالی دارد، بلکه همچنین بر روابط تجاری و فنی طرفین تأثیر می‌گذارد.

یکی از ویژگی‌های کلیدی جوینت ونچر شرکتی این است که پس از تأسیس شرکت، قراردادهای اولیه که ممکن است بین طرفین قبل از ایجاد شرکت وجود داشته باشد، اعتبار خود را از دست می‌دهند. در واقع، اساسنامه شرکت جدیدی که تحت قوانین کشور میزبان تأسیس می‌شود، حاکم بر تمامی روابط و تعهدات طرفین خواهد بود. به این ترتیب، قوانین داخلی شرکت و ساختار تصمیم‌گیری در آن شرکت، جایگزین توافقات قبلی می‌شود و طرفین مجبور به رعایت آن اساسنامه به عنوان مرجع اصلی خواهند بود. این امر از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است برخی توافقات اولیه، به‌ویژه در خصوص تقسیم سود، نحوه مدیریت پروژه و تعهدات هر طرف، نیاز به اصلاح و تطبیق با شرایط جدید پس از تأسیس شرکت داشته باشد.

در نتیجه، جوینت ونچر شرکتی از یک طرف به طرفین این امکان را می‌دهد که با منابع و توانمندی‌های مختلف به صورت مشترک در یک پروژه یا فعالیت تجاری مشارکت کنند، و از طرف دیگر، با ایجاد یک شخصیت حقوقی مستقل، کلیه ریسک‌ها و مسئولیت‌ها در قالب یک نهاد قانونی به طور متمرکز و با شفافیت بیشتر مدیریت می‌شود. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که جوینت ونچر شرکتی برای پروژه‌های بزرگ و بلندمدت که نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگین و برنامه‌ریزی دقیق دارند، به یک گزینه مناسب تبدیل شود.^{۴۸} در خصوص نوع شرکت مورد تأسیس در این نوع از سرمایه‌گذاری مشترک، عوامل متعددی تأثیرگذار هستند

^{۴۸} علومی یزدی، حمیدرضا، چالش‌های حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲، ص. ۶۹.

از جمله: توافق طرفین، قوانین داخلی کشور میزبان، سازگاری چارچوب انتخابی با شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشور میزبان، مسئولیت‌های طرفین سرمایه‌گذاری مشترک و غیره. در هنگام راه‌اندازی انتخاب نوع ساختار حقوقی شرکت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این انتخاب می‌تواند تأثیر زیادی بر موفقیت یا شکست آن سرمایه‌گذاری داشته باشد. در کشورهایی که چارچوب حقوقی مشخصی برای جوینت ونچر وجود دارد، رعایت این چارچوب‌ها ضروری است. به‌ویژه در صنایعی مانند معدن‌کاری یا ارتباطات که ممکن است قوانین محلی ایجاب کنند که حداقل ۵۰ درصد از سرمایه‌گذاری در دست شرکای داخلی باشد و این قوانین برای حفظ منافع ملی و کنترل منابع استراتژیک طراحی شده‌اند. در کشورهایی که قوانین مشخصی برای ساختارهای حقوقی جوینت ونچر ندارند، انتخاب یک ساختار حقوقی مناسب که با چارچوب‌های موجود مشابه باشد، ضروری است. به‌طور کلی، استفاده از شرکت‌های سهامی و مسئولیت محدود به‌عنوان ساختارهای معمول در تجارت بین‌الملل شناخته می‌شود، زیرا این شرکت‌ها به شرکای سرمایه‌گذار محدودیت مسئولیت می‌دهند و همچنین امکان مدیریت و انعطاف‌پذیری بیشتری را فراهم می‌آورند. در نهایت، انتخاب نوع ساختار حقوقی باید با توجه به اهداف بلندمدت سرمایه‌گذاری مشترک و قوانین و مقررات محلی صورت گیرد. این انتخاب باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن رعایت قوانین، امکان مدیریت ریسک‌ها و سود و زیان‌های سرمایه‌گذاری را به بهترین شکل فراهم کند.^{۴۹}

استفاده از شرکت‌های اشخاص (مانند شرکت تضامنی و شرکت مختلط) به‌عنوان قالبی برای جوینت ونچر، درحالی‌که به طور صریح منع نشده است، به دلیل ویژگی‌های خاص این نوع شرکت‌ها معمولاً برای بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک مناسب نیست. در شرکت‌های اشخاص، مسئولیت شرکا به طور نامحدود و فردی است، به این معنی که هر شریک برای بدهی‌ها و تعهدات شرکت مسئول است و در صورت بروز مشکلات مالی، ممکن است دارایی‌های شخصی شرکا مورد استفاده قرار گیرد. این نوع مسئولیت می‌تواند برای بسیاری از جوینت ونچرها که دارای ریسک‌های بالا و سرمایه‌گذاری‌های گسترده هستند، مناسب نباشد. سرمایه‌گذاری مشترک معمولاً با ریسک‌های بالا همراه است و شریک‌ها تمایل دارند که مسئولیت‌های خود را محدود کنند تا از مخاطرات مالی جلوگیری کنند. در نتیجه، شرکت‌های سهامی یا شرکت‌های با مسئولیت محدود که در آن‌ها مسئولیت شرکا به میزان سرمایه‌گذاری‌شان محدود است، گزینه‌های مناسب‌تری برای چنین

^{۴۹} اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکتهای تجاری، تهران، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷، صص ۳۱-۳۳.

سرمایه‌گذاری‌هایی به شمار می‌روند. علاوه بر این، در جوینت ونچرها معمولاً نیاز به وجود شخصیت حقوقی مستقل است که بتواند فعالیت‌های خود را به طور قانونی و رسمی انجام دهد. شرکت‌های اشخاص معمولاً نمی‌توانند این ویژگی‌ها را به طور مؤثر فراهم کنند، زیرا شخصیت حقوقی جداگانه‌ای برای شرکت ندارند و تمامی مسئولیت‌ها و ریسک‌ها به طور مستقیم به شرکا منتقل می‌شود. این امر می‌تواند چالش‌هایی در زمینه مدیریت و انعطاف‌پذیری ایجاد کند که برای یک جوینت ونچر ضروری است. بنابراین، باتوجه به نیازهای خاص جوینت ونچرها و ویژگی‌های ریسک‌پذیری آن‌ها، استفاده از شرکت‌های اشخاص معمولاً نمی‌تواند گزینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری مشترک با شخصیت حقوقی مستقل باشد.

شرکت مستقل جوینت ونچر، با توافق متقابل شرکا و پس از اخذ مجوزهای لازم، می‌تواند به‌عنوان شرکتی کاملاً مستقل از شرکای جوینت ونچر به فعالیت خود ادامه دهد. برخلاف جوینت ونچر قراردادی که صرفاً بر اساس توافقات قراردادی شکل می‌گیرد، جوینت ونچر شرکتی بر اساس اساسنامه‌ای عمل می‌کند که به‌عنوان قانون حاکم بر روابط شرکا و تعیین‌کننده حقوق و تعهدات آنان به شمار می‌رود. در خصوص نحوه مدیریت و نظارت بر جوینت ونچر، باید گفت که این موضوع به‌شدت به نوع جوینت ونچر و اینکه آیا به‌صورت قراردادی یا شرکتی است، وابسته است. در جوینت ونچرهای قراردادی، شرکا بر اساس نوع فعالیت و توافقاتی که با یکدیگر دارند، ساختار مدیریتی موردنظر خود را تعیین کرده و به تصویب می‌رسانند. مشارکت قراردادی عموماً شامل هیئت اجرایی است که به‌عنوان «کمیته مشارکت» شناخته می‌شود و وظیفه مدیریت پروژه و اجرای تصمیمات را بر عهده دارد. در این نوع مشارکت، معمولاً یک مدیر پروژه مسئول هماهنگی و اجرای امور اجرایی است. در مقابل، در جوینت ونچر شرکتی، هیئت‌مدیره نقشی اساسی در مدیریت و اداره امور شرکت ایفا می‌کند. هیئت‌مدیره طبق اساسنامه شرکت، وظیفه اتخاذ تصمیمات راهبردی و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها را بر عهده دارد. در این نوع مشارکت، سهام‌داران به نسبت سهام خود در شرکت، در تصمیم‌گیری‌های مختلف دخالت می‌کنند. به‌عنوان مثال، حق انتخاب مدیران و عضویت در هیئت‌مدیره از طریق سازوکارهایی است که سهام‌داران می‌توانند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در امور شرکت تأثیرگذار باشند. با این حال، ممکن است سهام‌داران اقلیت نگران حقوق خود و نداشتن تسلط کافی بر جزئیات پروژه‌های در حال اجرا باشند. برای رفع این نگرانی، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از سازوکارهایی نظیر سهام ممتاز برای برخی از شرکا استفاده می‌شود. سهام ممتاز به سهام‌داران اقلیت این امکان را می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های مهم شرکت نقش داشته باشند و در موارد خاصی حتی حق وتو داشته باشند. بنابراین،

سازوکارهایی مانند سهام ممتاز و حق وتو، در جهت حفظ حقوق سهام‌داران اقلیت و تضمین مشارکت دموکراتیک در جوینت ونچرهای شرکتی به کار می‌رود. این سازوکارها کمک می‌کنند تا توازن مناسبی بین شرکای غالب و اقلیت برقرار شود و از بروز اختلافات در مراحل مختلف پروژه جلوگیری گردد. یکی از جنبه‌های دیگر مدیریت جوینت ونچر شرکتی، تأکید بر نقش تیم مدیریت است. تیم مدیریت، ترکیبی از مدیران منتخب از سوی شرکا است که مسئول برنامه‌ریزی، نظارت و اجرا هستند. این تیم باید دارای تخصص، تجربه و توانایی مدیریت پروژه‌های مشترک باشند. در این نوع مشارکت، شرکا باید تعهد داشته باشند که منابع انسانی و فنی لازم را در اختیار تیم مدیریت قرار دهند تا فرایند انتقال فناوری به طور مؤثر انجام شود. علاوه بر این، جوینت ونچر شرکتی نیازمند طراحی سیستم‌های گزارش‌دهی و کنترل داخلی مؤثر است. این سیستم‌ها به شرکا کمک می‌کنند تا از روند پیشرفت پروژه آگاه شوند و مشکلات احتمالی را در مراحل مختلف شناسایی و رفع کنند. سیستم‌های کنترل داخلی می‌توانند شامل گزارش‌های مالی، کنترل هزینه‌ها، ارزیابی عملکرد و نظارت بر پیشرفت پروژه باشند. در نهایت، موفقیت جوینت ونچر شرکتی به عواملی نظیر هماهنگی مناسب میان شرکا، شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری و تعامل مستمر بین شرکا بستگی دارد. همچنین، تضمین حقوق سهام‌داران اقلیت، شفافیت در فرایندهای مدیریت و بهره‌مندی از سازوکارهای کنترلی مؤثر از عوامل کلیدی در حفظ توازن و کاهش ریسک در جوینت ونچرهای شرکتی هستند.

در حقوق ایران، جوینت ونچر شرکتی به‌عنوان یک نهاد تجاری، می‌تواند در قالب شرکت‌های سرمایه‌ای مختلفی همچون شرکت‌های سهامی خاص یا شرکت‌های با مسئولیت محدود تأسیس شود. این قالب‌ها به دلیل ویژگی‌های قانونی و مالی خاص خود، بیشترین تناسب را با نیازهای جوینت ونچرها دارند. در ادامه، نکات بیشتری در خصوص ساختار حقوقی جوینت ونچرها در حقوق ایران بیان می‌شود. در قانون تجارت ایران، هیچ محدودیتی برای میزان سهام طرف خارجی در جوینت ونچرها وجود ندارد. به این معنا که شرکت‌های جوینت ونچر می‌توانند به طور کامل تحت مالکیت طرف خارجی قرار گیرند. این ویژگی در بسیاری از کشورها محدود است، اما در ایران، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند حتی تا ۱۰۰ درصد سهام یک شرکت جوینت ونچر را در اختیار داشته باشد. این امر برای جذب سرمایه‌های خارجی و گسترش همکاری‌های بین‌المللی در پروژه‌های تجاری بسیار مهم است. یکی از تفاوت‌های مهم در قالب‌های مختلف شرکت‌ها، نوع مسئولیت شرکا است. در شرکت‌های تضامنی، مسئولیت شرکا نامحدود است؛ یعنی شرکا علاوه بر دارایی‌های شرکت، از دارایی‌های شخصی خود نیز برای پرداخت دیون شرکت مسئول خواهند بود. این

ویژگی، برای جوینت ونچرهایی که به طور معمول دارای ریسک‌های بالایی هستند، مناسب ناست. به همین دلیل، استفاده از شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های با مسئولیت محدود که در آن‌ها مسئولیت شرکا به میزان سرمایه‌گذاری محدود است، ترجیح داده می‌شود.

در شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های با مسئولیت محدود، مسئولیت شرکا محدود به میزان سرمایه‌گذاری آن‌ها است که این امر از نظر مالی و حقوقی برای جوینت ونچرها جذاب‌تر است؛ زیرا ریسک‌ها کنترل‌شده‌تر خواهند بود و شرکا تنها در حد سرمایه‌ای که وارد کرده‌اند، مسئول خواهند بود.

در حقوق ایران، جوینت ونچر می‌تواند به‌عنوان یک شرکت تجاری ثبت شود بدون آنکه نیاز به موضوع تجاری خاصی داشته باشد. برخلاف برخی دیگر از شرکت‌ها که الزامی به انجام یک فعالیت تجاری دارند، جوینت ونچر می‌تواند فعالیت‌های تجاری یا غیرتجاری را انجام دهد. این ویژگی باعث می‌شود که جوینت ونچرها از نظر موضوعی انعطاف‌پذیرتر از دیگر انواع شرکت‌ها باشند. به‌عنوان مثال، ممکن است یک جوینت ونچر در حوزه‌های تحقیقاتی، صنعتی، یا حتی پروژه‌های اجتماعی و غیرتجاری نیز فعالیت داشته باشد.

در جوینت ونچرهای شرکتی، مانند شرکت‌های سهامی خاص، هیئت‌مدیره مسئول اتخاذ تصمیمات کلیدی است. این ساختار نظارتی و مدیریتی، تناسب زیادی با پروژه‌های جوینت ونچر دارد که نیازمند یک چارچوب مدیریتی منظم و قوی برای مدیریت منابع و استراتژی‌های بلندمدت هستند. علاوه بر این، در شرکت‌های سهامی خاص، نظارت بر فعالیت‌های اجرایی و تصمیمات کلان از طریق مجمع عمومی و هیئت‌مدیره صورت می‌گیرد که این امر به جوینت ونچرها این امکان را می‌دهد که باتوجه به نیازهای مختلف، از نظر ساختاری انعطاف‌پذیر باشند. در عمل، در حقوق ایران، بیشتر جوینت ونچرها در قالب شرکت‌های سهامی خاص یا مسئولیت محدود تشکیل می‌شوند. این قالب‌ها به دلیل تطابق بیشتر با نیازهای مالی و ساختاری جوینت ونچرها و عدم محدودیت‌های موضوعی و مسئولیتی، مورد استقبال بیشتری قرار می‌گیرند. در نهایت، باتوجه به اینکه در حقوق ایران مقررات ویژه‌ای برای جوینت ونچرها وجود ندارد، استفاده از این دو قالب شرکتی (سهامی خاص و مسئولیت محدود) گزینه‌های اصلی برای ایجاد این نوع نهاد تجاری به شمار می‌روند و بهترین ساختار شرکتی برای تأسیس این نهاد شرکت‌های سرمایه‌ای از جمله شرکت‌های سهامی خاص و یا شرکت با مسئولیت محدود هستند و ذیل مقررات قانون تجارت از جمله مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه اصلاح مقررات لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در مورد شرکت‌های سهامی و ماده ۱۰۵ قانون تجارت ۱۳۱۱ در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود تأسیس می‌گردند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً در قانون تجارت ایران به‌استثنای شرکت‌های سهامی و تعاونی، سایر شرکت‌های تجاری باید الزاماً دارای موضوع تجاری باشند. به عبارت دیگر، حداقل یکی از فعالیت‌های تجاری مندرج در ماده ۲ قانون تجارت باید در اساسنامه آن‌ها گنجانده شود. به عنوان مثال، چنانچه بخواهیم یک جوینت ونچر در قالب شرکت تضامنی تأسیس کنیم، این شرکت باید به‌طور قطع دارای یک موضوع تجاری باشد. با این حال، از ویژگی‌های جوینت ونچر این است که محدودیت موضوعی ندارد و ممکن است شامل امور تجاری، غیرتجاری یا ترکیبی از این دو باشد. از سوی دیگر، در شرکت تضامنی، شرکا به طور تضامنی مسئول هستند، به این معنا که علاوه بر دارایی‌های شرکت، به طور مستقل از دارایی‌های شخصی خود نیز در قبال دیون شرکت مسئولیت دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد که شکل تضامنی برای جوینت ونچر مناسب نباشد. همین محدودیت درباره شرکت‌های نسبی و با مسئولیت محدود نیز صدق می‌کند. اگرچه در اینجا نیز تفاوت‌هایی در نوع و میزان مسئولیت شرکا وجود دارد، اما در نهایت، بسیاری از کارشناسان معتقدند که شرکت‌های با مسئولیت محدود گزینه بهتری برای جوینت ونچر هستند. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان گفت که جوینت ونچر شرکتی به طور ایده‌آل در قالب شرکت‌های سهامی تجاری ایران جای می‌گیرد. شرکت‌های سهامی به دو نوع سهامی خاص و سهامی عام تقسیم می‌شوند. همان‌طور که می‌دانیم، بخش عمده‌ای از سرمایه شرکت‌های سهامی عام از طریق پذیره‌نویسی عمومی تأمین می‌شود. این شیوه در فرایند تشکیل جوینت ونچرهای تجاری که اساس آن‌ها بر اساس مطالعات امکان‌سنجی پروژه و شرکاست، مناسب به نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر، شرکت‌های سهامی خاص که بر اساس ماده ۲ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، فارغ از تجاری یا غیرتجاری بودن موضوع فعالیت، تجاری محسوب می‌شوند، محدودیتی در زمینه موضوع فعالیت ندارند. این ویژگی، جوینت ونچرها را قادر می‌سازد تا بدون دغدغه از محدودیت‌های موضوعی، در قالب شرکت‌های سهامی خاص شکل بگیرند. شرکت‌های سهامی به‌طور کلی به دلیل ماهیت و اهمیت فعالیت‌های تجاری و برخورداری از مقررات نسبتاً جامع، تناسب بیشتری با ساختار و ماهیت جوینت ونچر دارند. این در حالی است که در حقوق ایران، جوینت ونچرها عمدتاً در قالب شرکت‌های سهامی خاص یا شرکت‌های با مسئولیت محدود تشکیل می‌شوند و این دو قالب از استقبال بیشتری نیز برخوردارند. بنابراین، تا زمانی که مقررات خاصی برای جوینت ونچرها در حقوق داخلی ایران پیش‌بینی نشده است، می‌توان از قالب شرکت‌های سهامی خاص یا با مسئولیت محدود برای تأسیس جوینت ونچر استفاده کرد. با این حال، باید توجه داشت که انتخاب نوع شرکت به عوامل مختلفی از جمله ساختار پروژه، میزان سرمایه، هدف اقتصادی و میزان مسئولیت

شرکا بستگی دارد. علاوه بر این، یکی از مزایای استفاده از شرکت‌های سهامی خاص در جوینت ونچر این است که این نوع شرکت‌ها به شرکا اجازه می‌دهند با حداقل سرمایه اولیه و بدون نیاز به مشارکت عمومی سرمایه‌گذاران، فرایند تشکیل جوینت ونچر را پیش ببرند. همچنین، این شرکت‌ها با ساختار منسجم و روش‌های مدیریتی مشخص، می‌توانند تسهیل‌کننده نظارت و مدیریت کارآمد بر فعالیت‌های جوینت ونچر باشند. در مقایسه با شرکت‌های سهامی عام که نیاز به تأمین سرمایه از طریق عرضه عمومی سهام دارند و ممکن است منجر به بروز مشکلات کنترلی برای سهام‌داران اقلیت شود، شرکت‌های سهامی خاص به‌ویژه برای جوینت ونچرهایی که نیاز به تمرکز بیشتر و کنترل داخلی دارند، گزینه بهتری محسوب می‌شوند. در نهایت، باتوجه به اینکه در حقوق ایران تاکنون مقررات ویژه‌ای برای جوینت ونچرها پیش‌بینی نشده است، این شرکت‌ها عمده‌تاً در قالب شرکت‌های سهامی خاص و با مسئولیت محدود تأسیس شده و باتوجه به نیازها و ماهیت پروژه‌های مختلف، انتخاب بهترین نوع شرکت برای جوینت ونچر می‌تواند به‌صورت موردی و باتوجه به شرایط خاص هر پروژه انجام شود.

بند دوم: جوینت ونچر قراردادی و غیر شرکتي

در این شکل از جوینت ونچر طرفین بر اساس یک قرارداد کتبی، شروط حدود تعهدات و مسئولیت‌های خود را مدنظر قرار داده و با تعیین موضوع جوینت ونچر آورده‌های نقد و غیر نقد خود را تحت مالکیت مشترک بدون ایجاد شخصیت حقوقی به کار می‌گیرند. ^{۹۰} این نوع قرارداد به‌ویژه در پروژه‌هایی با مدت زمان محدود و اهداف مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرد و معمولاً به‌صورت غیر شخصیتی تنظیم می‌شود. در این همکاری‌ها، شرکا معمولاً یک شخصیت حقوقی جدید ایجاد نمی‌کنند و صرفاً بر اساس یک توافق‌نامه کتبی، حقوق و مسئولیت‌های خود را در برابر یکدیگر مشخص می‌سازند. یکی از ویژگی‌های اصلی جوینت ونچر این است که طرفین همکاری تنها برای انجام یک پروژه خاص و معین وارد توافق می‌شوند. این پروژه می‌تواند از یک تحقیق و توسعه فناوری گرفته تا اجرای یک پروژه ساخت‌وساز یا تولید مشترک باشد. اهداف، مدت زمان، و منابع لازم برای انجام پروژه به‌دقت در قرارداد تعریف می‌شوند. قرارداد جوینت ونچر می‌تواند شامل موارد مختلفی باشد، از جمله تعیین حوزه جغرافیایی، تقسیم سود و زیان، چگونگی مدیریت پروژه و نحوه

^{۹۰} اسکینی، ربیعا، احمدوند، ولی الله، بررسی تطبیقی ساختار حقوقی جوینت ونچر بین المللی، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال نهم بهار و تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۲، ص ۱۸۱-۱۸۰.

تصمیم‌گیری در مسائل کلیدی. در صورتی که تصمیم به ایجاد یک شخصیت حقوقی جدید برای جوینت ونچر گرفته نشود، این قرارداد به شکل یک توافق‌نامه غیر شخصیتی باقی می‌ماند و طرفین بدون تشکیل شرکتی جدید، همکاری می‌کنند. در این حالت، روابط بین طرفین به صورت مستقیم از طریق قرارداد و توافقات رسمی مدیریت می‌شود. این نوع ساختار، به دلیل عدم نیاز به تشکیل شخصیت حقوقی جدید، برای پروژه‌های کوتاه مدت و با هدف‌های خاص بسیار مناسب است.

یکی از نکات کلیدی در جوینت ونچر، تقسیم مسئولیت‌ها و ریسک‌ها میان طرفین است. در این نوع همکاری، هر طرف مسئولیت‌های مشخصی دارد و باید از آن تعهدات خود پیروی کند. همچنین، ریسک‌های مالی و عملیاتی به طور مشترک میان طرفین تقسیم می‌شود. در صورتی که یکی از شرکا نتواند به تعهدات خود عمل کند، سایر طرف‌ها ممکن است مسئولیت‌های قانونی و مالی را به عهده بگیرند.

باتوجه به اینکه در جوینت ونچر معمولاً هیچ شخصیت حقوقی جدیدی ایجاد نمی‌شود، مسئولیت‌ها مستقیماً بر عهده شرکا است. این به این معنی است که اگر خسارتی به طرف‌های ثالث وارد شود یا بدهی‌هایی ایجاد گردد، شرکا به طور مستقیم مسئول خواهند بود. این نوع ساختار ممکن است در برخی موارد برای طرفین خطراتی به همراه داشته باشد، چرا که هیچ‌گونه محدودیتی برای مسئولیت‌ها وجود ندارد.

در هر جوینت ونچر، قرارداد اصلی که به آن قرارداد پایه چارچوب کلی همکاری را مشخص می‌کند. این قرارداد شامل شرایطی است که در آن طرفین توافق می‌کنند چه منابعی به پروژه وارد می‌کنند، چطور مسئولیت‌ها و ریسک‌ها تقسیم می‌شود، و چگونه درآمدها و زیان‌ها میان شرکا تقسیم خواهد شد. علاوه بر قرارداد اصلی، ممکن است قراردادهای جانبی دیگری نیز به منظور تنظیم مسائل خاصی مانند انتقال فناوری، مدیریت پروژه، و انتقال دارایی‌های مالی و غیرمالی نیز تنظیم شود. به عنوان مثال، اگر یکی از طرفین دانش فنی یا فناوری خاصی را به پروژه وارد کند، ممکن است قراردادهای جداگانه‌ای برای مدیریت مالکیت و حقوق استفاده از این فناوری‌ها نیز تنظیم گردد. در این شرایط، مسائل مربوط به انتقال مالکیت معنوی و حقوق مالکیت فکری و چگونگی تقسیم منافع حاصل از آن‌ها باید به دقت تنظیم شود. اما معایب نیز وجود دارد. به عنوان مثال، ممکن است اختلافات جدی بین شرکا در خصوص نحوه مدیریت و تقسیم منابع به وجود آید. همچنین، اگر هیچ شخصیت حقوقی جدیدی ایجاد نشود، ممکن است شرکا در برابر بدهی‌ها و مسئولیت‌های قانونی با مشکلاتی روبرو شوند. علاوه بر این، مشکلات مربوط به فرهنگ سازمانی و روش‌های کاری مختلف شرکت‌ها می‌تواند به یک چالش بزرگ تبدیل شود. در نتیجه، برای اطمینان از موفقیت یک جوینت ونچر،

ضروری است که قراردادها به طور دقیق و مفصل تنظیم شوند و مسائل مختلفی همچون مدیریت ریسک، انتقال فناوری، و تقسیم سود و زیان به طور شفاف مشخص گردد.

به دلیل عدم ایجاد شخصیت حقوقی مستقل، ممکن است در مسئولیت‌های واگذار شده به شرکا، تداخل و بی‌نظمی به وجود آید؛ زیرا حتی با وجود نهادهایی مانند کمیته مدیریت که هدایت فعالیت‌های جوینت ونچر را به عهده دارند، شرکای قرارداد ممکن است به دلیل وسعت مسئولیت‌های خود در قبال بدهی‌های قراردادی، نگرانی بیشتری نسبت به نحوه انجام فعالیت‌ها داشته باشند و تمایل بیشتری به کنترل مستقیم و مداخله در امور محوله به دیگران نشان دهند. این وضعیت در جوینت ونچرهای شرکتی که با ایجاد شخصیت حقوقی مستقل از شرکا همراه هستند و امکان مداخلات مستقیم و غیر سازمان‌یافته وجود ندارد، به‌ندرت مشاهده می‌شود. همچنین باید اشاره کرد که در جوینت ونچرهای قراردادی که تعداد شرکا محدودتر و فعالیت آن‌ها بیشتر به یک پروژه مشخص مربوط می‌شود، معمولاً یکی از شرکا وظیفه مدیریت را بر عهده می‌گیرد. در این نوع جوینت ونچرها، استفاده از کمیته مشترک که نقش هیئت‌مدیره در شرکت‌های سهامی را بر عهده دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کمیته مشترک در اینجا به‌عنوان یک نهاد هماهنگ‌کننده عمل می‌کند و به شرکای جوینت ونچر این امکان را می‌دهد که به طور مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری و نظارت مشارکت کنند. بنابراین، در این نوع جوینت ونچر که اغلب به‌صورت اتحاد میان چندین شرکت و در راستای اجرای پروژه‌های بزرگ شکل می‌گیرد، شرکای جوینت ونچر به‌منظور مدیریت بهتر و اجرای موفق عملیات، کمیته مشترک را ایجاد می‌کنند. این کمیته نقش اساسی در تنظیم تصمیمات، هماهنگی فعالیت‌ها و نظارت بر عملکرد دارد و به شرکای جوینت ونچر این امکان را می‌دهد که بدون دخالت مستقیم و انفرادی، در فرایند مدیریت و نظارت شرکت مشارکت فعال داشته باشند. در نهایت، این سازوکار به حفظ نظم، شفافیت و کارایی در مدیریت جوینت ونچر کمک می‌کند.^{۵۱}

در خصوص کمیته مشترک در قراردادهای جوینت ونچر، تصمیم‌گیری‌ها به‌وضوح در قالب اسناد حقوقی و اختیارات معین تعیین می‌شوند. کمیته مشترک مسئولیت اداره اجرایی پروژه را دارد و تصمیمات کلیدی باید در چارچوب اختیارات خود عمل کند. در واقع، تمامی اختیارات و مسئولیت‌های کمیته معمولاً در قالب یک سند رسمی که اغلب به آن "اختیارنامه" یا "وکالت‌نامه" گفته می‌شود، مشخص می‌شود. این سند،

^{۵۱} رحمانی، تهمینه، راهنمای تنظیم قرارداد جوینت ونچر غیر شرکتی، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول ۱۳۹۱، صص ۳۴-۴۰.

خط‌مشی‌های اجرایی و حدود وظایف و اختیارات هر یک از اعضای کمیته را به طور دقیق تنظیم می‌کند تا از بروز هرگونه ابهام یا سوءتفاهم جلوگیری شود. همچنین، این اسناد برای تعیین نقش هر یک از شرکا در فرایند تصمیم‌گیری و شفافیت در ارتباطات میان طرفین حیاتی هستند. مدیران و اعضای کمیته مشترک باید از محدوده اختیارات خود پیروی کنند و در صورتی که از این محدوده خارج شوند، اعمال آن‌ها ممکن است نافذ نباشد و سایر شرکا قادر خواهند بود تا این تصمیمات را رد کنند. لذا، آگاهی از محدوده اختیارات مدیران برای اشخاص ثالث بسیار ضروری است. از این‌رو، توصیه می‌شود که هر طرف خارج از سازمان جوینت ونچر، به‌ویژه در هنگام انعقاد قرارداد با جوینت ونچر، ابتدا از اختیارات و صلاحیت‌های مدیران و کمیته‌های اجرایی مطلع شوند. در بعضی از قراردادهای جوینت ونچر، نظارت و تصمیم‌گیری نه‌تنها در سطح کمیته، بلکه ممکن است شامل هیئت‌مدیره یا سهام‌داران نیز باشد. این فرایندهای تصمیم‌گیری ممکن است به طور خاص برای مسائل حساس و کلیدی نظیر تغییرات عمده در استراتژی یا سرمایه‌گذاری‌های بزرگ تعیین شده باشند که نیاز به تصمیم‌گیری جمعی دارند. چنین سازوکارهایی معمولاً تحت عنوان "مسائل محفوظ" یا "مسائل کلیدی" دسته‌بندی می‌شوند که نظارت و تصمیم‌گیری درباره آن‌ها خارج از اختیارات معمول کمیته و هیئت‌مدیره است. علاوه بر این، هنگامی که تصمیم‌گیری‌های کمیته مشترک تحت تأثیر اختلاف‌نظرها یا چالش‌ها قرار گیرد، ممکن است به شرایطی مانند "بن‌بست" برسند. در چنین مواردی، توافق‌نامه جوینت ونچر باید پیش‌بینی‌هایی برای حل و فصل این مشکلات ارائه دهد. به‌طور کلی، نیاز است که شرکا بر سر رویکردی برای تصمیم‌گیری و حل اختلافات توافق کنند تا از بروز مشکلات در مدیریت روزانه جلوگیری شود.

تبدیل یک جوینت ونچر قراردادی به جوینت ونچر شرکتی، یکی از مسائل پیچیده و چالش‌برانگیز برای سرمایه‌گذاران و شرکای تجاری است که ممکن است به دلایل مختلف به این تغییر مسیر دهند. در این فرایند، نهاد جوینت ونچر به شخصیت حقوقی تبدیل می‌شود و می‌تواند به‌عنوان یک شرکت مستقل با حقوق و مسئولیت‌های خود عمل کند. این تغییرات حقوقی و ساختاری ممکن است پرسش‌های زیادی را در خصوص سرنوشت قرارداد اولیه و تأثیرات آن ایجاد کند.

در مورد سرنوشت قرارداد جوینت ونچر پس از تبدیل آن به یک جوینت ونچر شرکتی، رویه‌های قضائی مختلفی وجود دارد. برخی از متخصصان حقوقی بر این عقیده‌اند که با تبدیل جوینت ونچر قراردادی به شرکتی، قرارداد اولیه همچنان برقرار باقی می‌ماند و تنها قالب حقوقی همکاری تغییر کرده است. به عبارت دیگر،

آنچه که در ابتدا به صورت قراردادی بوده، به یک شخصیت حقوقی تبدیل می‌شود و اهداف اولیه همچنان ادامه می‌یابد. در این دیدگاه، تبدیل به شرکت صرفاً به عنوان ابزاری برای تکامل همکاری طرفین تلقی می‌شود و هیچ تغییری در ماهیت و تعهدات قرارداد اولیه ایجاد نمی‌کند. برخی دیگر از حقوق دانان بر این باورند که با ایجاد شخصیت حقوقی جدید (شرکت)، قرارداد جوینت ونچر اولیه منحل می‌شود. این دیدگاه معتقد است که نمی‌توان هم‌زمان عضو یک شرکت و عضو یک جوینت ونچر قراردادی بود. به همین دلیل، تبدیل به شرکت به طور ضمنی منجر به انحلال قرارداد اولیه می‌شود و باید قرارداد جدیدی تنظیم گردد که مطابق با ساختار جدید، ماهیت و اهداف جوینت ونچر را تعریف کند.

بررسی اراده طرفین در صورت تغییر ماهیت جوینت ونچر از قراردادی به شرکتی، مهم‌ترین نکته‌ای که باید در نظر گرفته شود، قصد و اراده طرفین است. به طور معمول، زمانی که طرفین قرارداد جوینت ونچر از ابتدا تصمیم به تبدیل همکاری خود به یک شخصیت حقوقی جدید می‌گیرند، باید بررسی کرد که آیا آن‌ها قصد دارند قرارداد قبلی را به عنوان مبنای شکل‌گیری شرکت جدید حفظ کنند یا اینکه اراده آن‌ها این است که شرکت جدید کاملاً مستقلاً از قرارداد قبلی باشد. اگر طرفین قصد نداشته باشند که قراردادی جدید منعقد کنند، ممکن است نتوان شرکت را به عنوان موجودیتی جدا از قرارداد اولیه تلقی کرد.

یکی از چالش‌های عملی در این فرایند، شفافیت در انتقال حقوق و مسئولیت‌ها است. وقتی یک جوینت ونچر قراردادی به شرکتی تبدیل می‌شود، نیاز است که کلیه حقوق، تعهدات، و دارایی‌های مربوط به جوینت ونچر به شرکت جدید منتقل شود. این مسئله به‌ویژه زمانی پیچیده‌تر می‌شود که طرفین اراده‌ای برای تنظیم قرارداد جدید نداشته باشند و تنها به تغییر قالب حقوقی اشاره کنند. در این صورت، ممکن است برخی از حقوق و تعهدات موجود در قرارداد اولیه نتوانند به طور کامل به شرکت منتقل شوند و این امر منجر به بروز مشکلات قانونی و مالی شود. در نهایت، تبدیل جوینت ونچر قراردادی به جوینت ونچر شرکتی نیاز به بررسی دقیق شرایط و اراده طرفین دارد. بررسی اینکه آیا طرفین قصد دارند همان قرارداد اولیه را در قالب شرکتی ادامه دهند یا اینکه می‌خواهند قرارداد جدیدی تنظیم کنند، موضوعی است که باید به دقت و با توجه به شرایط خاص هر پروژه تصمیم‌گیری شود. در مواردی که اراده طرفین بر ایجاد یک شخصیت حقوقی جدید و مستقل از قرارداد اولیه باشد، باید قرارداد جدیدی تنظیم و تمامی جوانب حقوقی آن به طور دقیق مشخص گردد.

در حقوق مدنی ایران، قراردادهای مشارکتی از اهمیت خاصی برخوردار هستند و از آن‌ها می‌توان برای توجیه جوینت ونچرهای قراردادی استفاده کرد. در سیستم حقوقی ایران، عقود مشارکتی مانند مضاربه، مساقات،

مزارعه و مشارکت مدنی به عنوان عقودی شناخته می‌شوند که در آن‌ها دو یا چند شریک به طور مشترک در یک پروژه اقتصادی یا تجاری مشارکت می‌کنند. این نوع عقود، مشابه به جوینت ونچرهای قراردادی هستند؛ زیرا در هر دو، شرکای مختلف بر اساس توافقی مشترک و به منظور دستیابی به هدفی مشخص، منابع خود را به اشتراک می‌گذارند و در سود و زیان حاصل از آن مشارکت دارند. در این نوع قراردادها، برخلاف شرکت‌ها، هیچ شخصیت حقوقی مستقل و جداگانه‌ای ایجاد نمی‌شود و طرفین تنها در قالب یک قرارداد مشاعی و بر اساس شرایط توافق‌شده، فعالیت می‌کنند. به عبارت دیگر، طرفین تنها یک قرارداد مشترک دارند که آن‌ها را ملزم به انجام فعالیت‌های مشترک می‌سازد، بدون اینکه یک شخصیت حقوقی جدید برای پروژه ایجاد شود. در این میان، مشارکت مدنی به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجاری در ایران کاربرد فراوانی دارد و در بسیاری از موارد حتی در سیستم بانکی کشور نیز به کار گرفته می‌شود. بر اساس قوانین مربوط به عملیات بانکی بدون ربا، به‌ویژه در آیین‌نامه‌ها و مقررات فصل سوم این قانون، مشارکت مدنی به عنوان یک چارچوب قانونی برای همکاری‌های اقتصادی بین بانک‌ها و سایر نهادهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این قرارداد مشابه با جوینت ونچرهای قراردادی است که در آن‌ها طرفین به طور مشترک منابع مالی و غیرمالی خود را به پروژه‌هایی خاص اختصاص می‌دهند. جوینت ونچر در این زمینه، نوعی قرارداد بین شرکا است که در آن‌ها همکاری بر اساس هدف‌های مشترک و بدون نیاز به تشکیل شخصیت حقوقی جدید صورت می‌گیرد، امری که به شدت مشابه با سیستم جوینت ونچر در سطح بین‌المللی است.

به‌طور کلی، جوینت ونچرهای قراردادی در حقوق ایران می‌توانند در قالب عقود مشارکتی یا قراردادهای ماده ۱۰ قانون مدنی توجیه شوند.

در بند ب ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ مشارکت مدنی به عنوان یکی از روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی معرفی شده است. با این حال، متأسفانه در قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه هیچ تعریفی از این نهاد ارائه نشده است که اراده قانون‌گذار را در این خصوص به طور واضح مشخص کند. این خلأ قانونی موجب ایجاد ابهام در تفسیر و کاربرد مقررات مربوط به مشارکت مدنی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی شده و لزوم شفاف‌سازی و تعریف دقیق‌تر این مفهوم را ایجاب می‌نماید. با این حال ذیل جدول روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی که در اجرای ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ از سوی وزارت اقتصاد و دارایی تنظیم گردیده است مشارکت مدنی چنین تعریف شده است: «مشارکت مدنی ترتیبات قراردادی برای انجام فعالیت مشترکی است که بدون

تشکیل شخصیت حقوقی (شرکت) شکل می‌گیرد و منافع سرمایه‌گذاری و نحوه انتفاع هر یک از طرفین مشارکت به نحوی که در قرارداد مقرر گردیده است». مشارکت مدنی به تمامی اشکال فعالیت اقتصادی اشاره دارد که در آن سرمایه‌گذاری خارجی بدون نیاز به تأسیس یک شخصیت حقوقی جدید، از منافع حاصل از سرمایه‌گذاری بهره‌مند می‌شود. در تعریف مشارکت مدنی، فعالیت مشترک بر اساس قرارداد صورت می‌گیرد و دو ویژگی اصلی دارد: نخست اینکه در این نوع مشارکت، هیچ شخصیت حقوقی جدیدی تشکیل نمی‌شود، و دوم اینکه هدف اصلی این نوع مشارکت، دستیابی به سود مشخصی است که بر اساس قرارداد میان طرفین تعیین شده است. به دلیل نقش سرمایه‌گذاری خارجی در این نوع مشارکت، مسائل مالی و نحوه تقسیم سود از طریق دفاتر طرفین که در ایران به ثبت رسیده‌اند، بررسی و تأیید می‌شود. در عمل، مشاهده شده است که گاهی سازمان سرمایه‌گذاری مجوزهایی برای تأسیس شرکت یا شعبه صادر کرده تا امکان اجرای قرارداد فراهم شود. بر اساس بند ب ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰، مشارکت مدنی در تمامی بخش‌ها امکان‌پذیر است؛ باین‌حال، این امر تنها زمانی صدق می‌کند که طرف قرارداد، دولت یا یکی از شرکت‌های دولتی باشد. در غیر این صورت، سرمایه‌گذاری تنها در زمینه‌هایی مجاز است که فعالیت بخش خصوصی در آن‌ها مجاز باشد. همچنین، در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، نوع جدیدی از گروه‌های اقتصادی با منافع مشترک برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در قالب شرکت مدنی و با قرارداد کتبی پیش‌بینی شده است. باین‌حال، به دلایل مختلفی که در فصول آینده بررسی خواهیم کرد، این ساختارها تفاوت‌های اساسی با جوینت ونچر دارند. بنابراین، استفاده از قالب‌های سنتی برای مشارکت مدنی بین‌المللی ممکن است نه تنها دشوار، بلکه از نظر منطقی نیز چندان قابل قبول به نظر نرسد. بهتر است مشارکت مدنی را به عنوان نهاد مستقلی پذیرفته و از اعمال قالب‌های حقوقی سنتی داخلی برای آن پرهیز کنیم. تا زمانی که قانون‌گذار چارچوب و تعریفی روشن برای این نوع سرمایه‌گذاری ارائه نکند، بهتر است قراردادهای مشارکت مدنی را بر اساس مفاهیم بین‌المللی تنظیم نماییم.

در این زمینه، برخی از حقوق‌دانان ساختار جوینت ونچر را ترکیبی از ماده ۱۰ قانون مدنی و احکام مربوط به شرکت مدنی، به ویژه مواد ۵۷۱ به بعد قانون مدنی می‌دانند. قراردادهای حقوقی از حیث ماهیت به دودسته کلی تقسیم می‌شوند: عقود معین و عقود غیرمعین که بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی، تحت عنوان قراردادهای مختص به برخی انواع مشخص شناخته می‌شوند. تلفیق این دودسته، اگرچه شباهت‌هایی با ساختار مشارکت مدنی دارد، اما به هر حال در زمره عقود ذیل ماده ۱۰ قرار می‌گیرد. پیشنهاد بهتر این است که جوینت ونچر را

به‌عنوان نوعی خاص از قراردادهای مشارکت مدنی در نظر بگیریم که در آن ویژگی‌هایی متمایز از مشارکت مدنی معمول وجود دارد. به عبارت دیگر، جوینت ونچر می‌تواند به‌عنوان مشارکت مدنی خاص در نظر گرفته شود که مشخصاً با ساختار و اهداف خاص خود از سایر قراردادهای مشارکت مدنی متفاوت است. این رویکرد باعث می‌شود تا جوینت ونچر به‌عنوان یک نهاد مستقل و خاص از قراردادهای مشارکت مدنی مطرح شود، باوجود اشتراکات قابل توجهی که با آن دارد.

قسمت سوم: تعهدات ناشی از سرمایه‌گذاری مشترک

قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک (جوینت ونچر) یکی از انواع قراردادهای پیچیده است که به‌منظور ایجاد یک همکاری بلندمدت و سودآور میان دو یا چند طرف مختلف در نظر گرفته می‌شود. در این قرارداد، طرفین متعهد می‌شوند که منابع مالی، فنی، یا انسانی خود را در کنار هم قرار دهند تا به یک هدف مشترک دست یابند. این قرارداد به‌ویژه زمانی کاربرد دارد که طرفین به‌تنهایی قادر به دستیابی به اهداف بزرگ اقتصادی یا فناورانه نباشند و نیازمند همکاری و تقسیم منابع هستند. برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم و اختلافات بعدی، ضروری است که تمامی تعهدات و مسئولیت‌ها در متن قرارداد به طور دقیق و شفاف بیان شوند. یکی از ویژگی‌های برجسته قراردادهای جوینت ونچر این است که تعهدات طرفین به طور همسان و متناسب با سهم آن‌ها از سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. در واقع، هیچ‌یک از طرفین نباید احساس کند که در این همکاری کمتر یا بیشتر از دیگران مشارکت دارد. به عبارت دیگر، میزان منافع و زیان‌ها به‌تناسب سرمایه‌گذاری و تلاش‌های انجام‌شده میان طرفین تقسیم می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از این قراردادها حاوی شرایطی برای جلوگیری از رقابت ناعادلانه و سوءاستفاده از اموال و منابع یکدیگر هستند، زیرا اشتراک منافع و حفظ حسن‌نیت از اصول اساسی این نوع قراردادها محسوب می‌شود. از دیگر تعهدات مهم در قرارداد جوینت ونچر، تسهیل مبادلات تجاری و همکاری‌های دوجانبه است. طرفین باید تضمین کنند که هیچ‌یک از طرفین از رفتارهای فرصت‌طلبانه یا منفعت‌جویانه برای بهره‌برداری از شرایط ناعادلانه استفاده نخواهند کرد. به‌علاوه، هم‌زمان با پیشبرد فعالیت‌های مشترک، حفظ اطلاعات محرمانه و حفاظت از دارایی‌های فکری از جمله اختراعات و تکنولوژی‌های جدید نیز از تعهدات اساسی است که باید به‌دقت تنظیم شود. در این راستا، اگر در طول همکاری اختراعات یا نوآوری‌های جدید حاصل شود، این دستاوردها باید به شکلی عادلانه و به نفع همه طرفین به اشتراک گذاشته شوند. معمولاً، این نتایج باید به شرکت مشترک واگذار شده و طرفین بتوانند با دریافت مجوزهای لازم از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

در نهایت، برای تضمین موفقیت یک جوینت ونچر، ایجاد سازوکارهای قانونی مناسب برای حل و فصل اختلافات و مدیریت ریسک‌ها ضروری است. طرفین باید توافق کنند که در صورت بروز اختلافات، از روش‌های مختلف مانند میانجی‌گری یا داوری برای حل مشکلات استفاده کنند تا از ورود به مراحل پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر مانند دادرسی اجتناب شود. همچنین، در قرارداد باید سازوکاری برای تخصیص مسئولیت‌ها و مدیریت ریسک‌های احتمالی پیش‌بینی شود تا در صورت بروز خسارات یا مشکلات غیرمنتظره، طرفین بتوانند از حقوق خود دفاع کنند و درعین حال تعهدات خود را در قبال یکدیگر حفظ نمایند.

از جمله تعهدات اصلی سرمایه‌گذار و مشارکت‌کننده خارجی، تأمین منابع مالی، تکنولوژیکی و مدیریتی موردنیاز است. سرمایه‌گذار خارجی باید اطمینان حاصل کند که منابعی که برای اجرای پروژه در اختیار می‌گیرد از نظر تخصص و صلاحیت‌های لازم برای تحقق اهداف پروژه برخوردار هستند و همچنین شریک محلی را در جریان انتخاب آن‌ها قرار دهد. بدین ترتیب، اطمینان حاصل خواهد شد که منابع مورد استفاده از نظر فنی و مدیریتی مناسب و کارآمد هستند. سرمایه‌گذار خارجی همچنین موظف است در خصوص تجهیزات و ماشین‌آلات نیز اطمینان دهد که از کیفیت و کارایی لازم برخوردارند. به عبارتی، سرمایه‌گذار خارجی باید فناوری‌های روز خود را با قیمتی مناسب و منصفانه به شرکت مشترک واگذار کند و آن‌ها را متناسب با شرایط و نیازهای کشور میزبان به‌روزرسانی نماید. این موضوع به شرکای داخلی کمک می‌کند تا از جدیدترین فناوری‌ها بهره‌مند شوند و بهبود کارایی پروژه را تسهیل کنند. در خصوص خرید ملزومات و مواد اولیه، سرمایه‌گذار خارجی باید از بازار داخلی یا بین‌المللی به شیوه‌ای معقول و مطابق با اصول اقتصادی اقدام کند و از صرف هزینه‌های غیرضروری پرهیز نماید. سرمایه‌گذار خارجی همچنین متعهد است که به آموزش نیروهای محلی بپردازد و نیروی متخصصی برای نظارت بر مراحل فنی و ارائه خدمات فنی و مهندسی فراهم آورد. این تعهدات به‌منظور ارتقای توانمندی‌های محلی و انتقال دانش فنی به شرکای داخلی طراحی شده است. در نهایت، سرمایه‌گذار خارجی باید تضمین دهد که تمامی تعهدات محوله را به‌صورت کامل و به‌موقع انجام خواهد داد و از این طریق، موفقیت پروژه سرمایه‌گذاری مشترک را تضمین کند.^{۵۲}

^{۵۲} خزاعی، حسین، بدری اهری، رسول، بررسی اجمالی مفهوم حقوقی J.V. در حقوق آمریکا و حقوق بین‌المللی، مجله حقوق دفتر خدمات حقوق

بین‌المللی، شماره ۱۳، ۱۳۶۹، صص. ۶۰-۵۱.

در یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال فناوری، تعهدات طرفین به‌ویژه سرمایه‌گذار خارجی، نقش بسیار حیاتی دارند. این تعهدات باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که منافع هر دو طرف حفظ شده و از حقوق مالکیت فکری و تکنولوژیک محافظت شود. تعهدات سرمایه‌گذار خارجی می‌توانند شامل مجموعه‌ای از مسائل مالی، فنی، مدیریتی و قانونی باشند.

- تعهد به انتقال فناوری

یکی از مهم‌ترین تعهدات سرمایه‌گذار خارجی در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال فناوری است. این انتقال می‌تواند شامل فرایندهای تولید، دانش فنی، تجهیزات، نرم‌افزارها و حتی نیروی انسانی آموزش‌دیده باشد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است ظرف مدت ۶ ماه پس از امضای این قرارداد، کلیه فناوری‌های مربوطه که برای تولید محصول مشترک ضروری هستند، از جمله طراحی، فرایندهای تولید، تجهیزات و نرم‌افزارهای موردنیاز، به سرمایه‌گذار داخلی منتقل نماید. این انتقال باید به‌صورت کامل، دقیق و طبق استانداردهای بین‌المللی انجام شود».

- تعهد به آموزش نیروی انسانی

سرمایه‌گذار خارجی باید نیروی انسانی طرف ایرانی را در خصوص فناوری‌های جدید و روش‌های نوین تولید آموزش دهد. این امر به‌منظور اطمینان از توانمندی نیروی کار داخلی در بهره‌برداری صحیح از فناوری منتقل شده ضروری است.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است که در طول مدت اجرای این قرارداد، برنامه‌های آموزشی برای نیروی انسانی طرف ایرانی شامل دوره‌های آموزشی فنی، مدیریت تولید، کنترل کیفیت و سایر مهارت‌های مرتبط با فناوری‌های منتقل شده، برگزار نماید. این آموزش‌ها باید حداقل به مدت ۱۲ ماه و به‌طور مستمر برگزار شوند».

- تعهد به ارائه خدمات پس از فروش و پشتیبانی فنی

یکی دیگر از تعهدات مهم سرمایه‌گذار خارجی، ارائه خدمات پس از فروش و پشتیبانی فنی برای استفاده بهینه از فناوری است. این پشتیبانی ممکن است شامل مشاوره، تعمیرات، تأمین قطعات یدکی و به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری باشد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است به مدت حداقل ۵ سال پس از انتقال فناوری، خدمات پس از فروش شامل پشتیبانی فنی، تأمین قطعات یدکی و به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری را در اختیار طرف ایرانی قرار دهد. در صورت نیاز به تعمیرات، سرمایه‌گذار خارجی باید به‌صورت فوری تیم‌های فنی خود را برای انجام تعمیرات به محل اعزام نماید».

• تعهد به رعایت استانداردهای تولید و کیفیت

در انتقال فناوری، یکی از الزامات اساسی رعایت استانداردهای بین‌المللی تولید و کیفیت است. این تعهد به اطمینان از تولید محصولات با کیفیت بالا و مطابقت با استانداردهای جهانی کمک می‌کند. نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است کلیه تجهیزات، فرایندها و فناوری‌های مربوط به تولید محصول مشترک را بر اساس استانداردهای بین‌المللی معتبر و مشخص‌شده در قرارداد، تنظیم و نصب نماید. همچنین باید تمامی مراحل تولید مطابق با استانداردهای کیفیت باشد».

• تعهد به حفظ حقوق مالکیت فکری

یکی از مسائل حساس در انتقال فناوری، حفاظت از حقوق مالکیت فکری است. سرمایه‌گذار خارجی باید تضمین دهد که حقوق مالکیت فکری، از جمله اختراعات، علائم تجاری و کپی‌رایت‌ها، محفوظ بماند و هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای از آن‌ها نشود.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است تمامی حقوق مالکیت فکری ناشی از فناوری‌های منتقل‌شده به سرمایه‌گذار داخلی، اعم از اختراعات، پتنت‌ها، طراحی‌ها، برندها و نرم‌افزارها، را حفظ نموده و هیچ‌گونه اقدامی که منجر به نقض حقوق مالکیت فکری طرف ایرانی شود، انجام ندهد. همچنین، طرفین توافق می‌کنند که در صورت استفاده از فناوری‌ها در پروژه‌های جدید، حقوق مالکیت فکری به طور شفاف و منصفانه تقسیم گردد».

- تعهد به تأمین منابع مالی

سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند موظف به تأمین منابع مالی برای خرید تجهیزات، نصب و راه‌اندازی خطوط تولید یا حتی تأمین هزینه‌های آموزش و مشاوره فنی شود.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است مبلغ معین را برای خرید تجهیزات، نصب و راه‌اندازی خطوط تولید، تأمین مواد اولیه و هزینه‌های آموزش نیروی انسانی سرمایه‌گذار داخلی تأمین نماید. این مبلغ باید طی دو سال اول اجرای پروژه به طور کامل تأمین شود».

- تعهد به حفظ منافع مشترک

در بسیاری از موارد، طرفین در نظر دارند که منافع حاصل از استفاده از فناوری‌های منتقل‌شده، به طور عادلانه تقسیم شود. این شامل سودآوری از تولید و فروش محصولات است که باید در قرارداد مشخص گردد. نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی و سرمایه‌گذار داخلی توافق می‌کنند که تمامی سود حاصل از استفاده از فناوری‌های منتقل‌شده و محصولات تولیدی بر اساس یک سیستم تقسیم عادلانه، به طور مساوی میان طرفین تقسیم گردد. این تقسیم‌بندی بر اساس شاخص‌های عملکردی مانند حجم تولید، کیفیت و سهم بازار خواهد بود».

- تعهد به تضمین استفاده از منابع و ظرفیت‌های محلی

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است موظف به استفاده از منابع و ظرفیت‌های موجود در کشور مقصد (ایران) باشد. این شامل استفاده از نیروی انسانی محلی، تأمین مواد اولیه از منابع داخلی، یا استفاده از زیرساخت‌های محلی است.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در صورت امکان، از منابع و ظرفیت‌های داخلی کشور برای تأمین مواد اولیه، قطعات و خدمات استفاده نماید. همچنین، در صورتی که نیروی انسانی محلی دارای مهارت‌های لازم باشد، سرمایه‌گذار خارجی موظف است از نیروی کار محلی به طور گسترده بهره‌برداری نماید و از واردات نیروی کار خارجی تا حد امکان خودداری کند».

- تعهد به رعایت قوانین و مقررات کشور مقصد

سرمایه‌گذار خارجی موظف است تمامی اقدامات خود را مطابق با قوانین، مقررات و الزامات اجرایی کشور مقصد انجام دهد. این تعهد شامل رعایت استانداردهای محیط زیستی، مالیاتی، کارگری، بهداشتی و سایر قوانین مرتبط است.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در تمام مراحل پروژه، از جمله انتقال فناوری، تولید، و توزیع محصولات، تمامی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، از جمله قوانین مربوط به محیط زیست، مالیات، کارگری و سایر الزامات اجرایی را رعایت نماید. نقض این تعهدات می‌تواند منجر به فسخ قرارداد و جبران خسارات ناشی از آن شود».

- تعهد به حفظ و تقویت برند و نام تجاری

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است موظف به حفظ اعتبار برند و نام تجاری خود در کشور مقصد باشد. این اقدام کمک می‌کند تا پروژه سرمایه‌گذاری از دیدگاه بازار و مصرف‌کنندگان نیز مورد توجه قرار گیرد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در تمام مراحل تولید و بازاریابی محصول مشترک، برند و نام تجاری خود را حفظ و تقویت کند. برای این منظور، طرفین توافق می‌کنند که تمامی محصولات تولیدی باید تحت برند رسمی و شناخته‌شده سرمایه‌گذار خارجی به بازار عرضه شوند و هرگونه تغییر در نام تجاری باید با موافقت طرفین صورت گیرد».

- تعهد به تحقیق و توسعه

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است ملزم به انجام تحقیق و توسعه برای بهبود مستمر فناوری‌های منتقل شده و ارتقای کیفیت محصولات تولیدی باشد. این تعهد به‌ویژه در صنایع با تکنولوژی پیشرفته اهمیت دارد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در طول مدت اجرای قرارداد، بخش معینی از سود خود (حداقل ۵ درصد) را به تحقیق و توسعه برای بهبود فناوری‌های منتقل شده و ارتقای کیفیت محصولات اختصاص دهد. این تحقیقات باید در زمینه‌های نوآوری‌های محصول، بهینه‌سازی فرایندها و کاهش هزینه‌های تولید باشد».

- تعهد به ایجاد و ارتقای زیرساخت‌های تولید

سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند موظف به تأمین و ارتقای زیرساخت‌های تولیدی در کشور مقصد باشد. این اقدام می‌تواند شامل خرید و نصب تجهیزات تولیدی، ایجاد زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انبارداری، و همچنین تأمین انرژی و آب باشد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در ابتدا و طی پنج سال اول پروژه، تمامی تجهیزات و ماشین‌آلات لازم برای تولید محصولات مشترک را تأمین و نصب کند. علاوه بر این، سرمایه‌گذار خارجی مسئول خواهد بود تا زیرساخت‌های موردنیاز مانند انبارها، سیستم‌های حمل‌ونقل و انرژی را تأمین نماید.»

- تعهد به اشتراک‌گذاری نتایج تحقیقاتی و فنی

در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک که فناوری‌های پیچیده و نوآورانه در آن‌ها به کار می‌روند، اشتراک‌گذاری نتایج تحقیقات و دستاوردهای فنی بین طرفین اهمیت زیادی دارد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است نتایج هرگونه تحقیقاتی که در زمینه بهبود فناوری‌های منتقل شده و توسعه محصولات جدید انجام داده است، به صورت منظم با سرمایه‌گذار داخلی به اشتراک بگذارد. همچنین، هرگونه نوآوری جدید باید به طور عادلانه و مطابق با توافقات قرارداد، به طرف ایرانی منتقل گردد.»

- تعهد به ارزیابی و نظارت بر پروژه

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است موظف به انجام ارزیابی‌های دوره‌ای و نظارت بر روند پروژه به منظور اطمینان از پیشرفت صحیح کارها باشد. این ارزیابی‌ها می‌توانند شامل بررسی میزان پیشرفت انتقال فناوری، کیفیت تولید، و عملکرد مالی پروژه باشند.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است به صورت دوره‌ای (حداقل هر شش ماه یک‌بار) ارزیابی‌هایی از روند اجرای پروژه، از جمله انتقال فناوری، تولید، کیفیت و امور مالی، به طرف ایرانی ارائه دهد. ارزیابی‌ها باید توسط یک تیم فنی مستقل انجام شده و گزارش آن در اختیار طرف ایرانی قرار گیرد.»

- تعهد به جلوگیری از رقابت ناعادلانه

سرمایه‌گذار خارجی باید تضمین دهد که فناوری منتقل شده برای تولید محصولات یا خدمات مشابه توسط رقبا در بازارهای داخلی یا خارجی استفاده نخواهد شد. این تعهد به‌ویژه در صنایع حساس و استراتژیک اهمیت دارد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است هیچ‌گونه فناوری منتقل شده را به هیچ شخص یا سازمان ثالث در داخل یا خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران انتقال ندهد که ممکن است منجر به رقابت ناعادلانه با طرف ایرانی گردد. در صورت نقض این تعهد، سرمایه‌گذار خارجی باید تمامی خسارات ناشی از آن را جبران نماید».

• تعهد به حفظ محرمانگی اطلاعات

سرمایه‌گذار خارجی باید به‌طور جدی تعهد کند که تمامی اطلاعات مربوط به فناوری‌ها، فرایندها، مشتریان، و سایر اطلاعات تجاری محرمانه‌های که در طول قرارداد به دست می‌آورد، حفظ خواهد شد. نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است تمامی اطلاعات فنی، تجاری و مالی که در رابطه با انتقال فناوری و اجرای پروژه مشترک از طرف ایرانی دریافت می‌کند را به طور محرمانه حفظ نماید. این تعهد حفظ محرمانگی برای مدت ۵ سال پس از پایان قرارداد نیز ادامه خواهد داشت».

در یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال فناوری، دولت میزبان باید به برخی تعهدات کلیدی پایبند باشد تا به نحوی مؤثر و مفید، شرایط لازم برای انتقال فناوری و توسعه اقتصادی را فراهم آورد. این تعهدات معمولاً به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و می‌توانند بسته به شرایط خاص هر کشور و پروژه متفاوت باشند. در اینجا مهم‌ترین تعهدات دولت میزبان را با جزئیات بررسی می‌نماییم.

• حمایت از قوانین و مقررات

دولت میزبان موظف است تا چارچوب قانونی و مقرراتی مناسبی را برای تضمین اجرای قرارداد و حمایت از حقوق سرمایه‌گذار و طرف‌های داخلی فراهم آورد. این حمایت شامل ضمانت‌های قانونی برای مالکیت معنوی، مالیات، واردات و صادرات و دیگر مسائل مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی است.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می‌کند که در مدت زمان اجرای این قرارداد، کلیه قوانین و مقررات داخلی خود را که بر انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر می‌گذارند، به طور منصفانه و شفاف اجرا نماید و از هرگونه تغییرات قانونی که ممکن است به ضرر سرمایه‌گذار باشد، جلوگیری کند».

- حمایت مالی و تشویق‌ها

دولت میزبان می‌تواند از طریق ارائه تسهیلات مالی؛ مانند معافیت‌های مالیاتی، تخفیف‌های تعرفه‌ای، یا حمایت‌های غیرمالی، پروژه انتقال فناوری را تشویق و تسهیل کند. این اقدامات می‌تواند در قالب تسهیلات مالی، کمک‌های غیرنقدی یا سایر تشویق‌ها ارائه شود.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که برای پروژه انتقال فناوری، از طریق ارائه معافیت‌های مالیاتی به مدت [تعداد] سال و نیز تخفیف در هزینه‌های گمرکی برای تجهیزات و مواد اولیه وارداتی که در انتقال فناوری مورد استفاده قرار می‌گیرند، از سرمایه‌گذار حمایت نماید».

- تضمین امنیت سرمایه‌گذاری

دولت میزبان باید تضمین‌هایی برای حفظ امنیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی در برابر خطرات سیاسی و اقتصادی ارائه دهد. این تضمین‌ها معمولاً شامل تضمین‌هایی در برابر مصادره یا ملی‌سازی دارایی‌ها و همچنین تضمین‌هایی برای حفاظت از مالکیت معنوی است.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که هیچ‌گونه اقدام غیرقانونی از قبیل مصادره، ملی‌سازی یا تصرف دارایی‌های سرمایه‌گذار یا هر یک از اعضای پروژه بدون جبران خسارت مناسب انجام ندهد. همچنین، دولت میزبان ضمانت می‌کند که از تمامی حقوق مالکیت معنوی انتقال‌یافته به کشور حمایت خواهد کرد».

- آموزش و توانمندسازی نیروی کار داخلی

دولت میزبان باید از انتقال دانش و فناوری به نیروی کار داخلی کشور حمایت کند. این شامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اعطای مجوزهای کار برای افراد متخصص، و فراهم‌آوردن شرایط مناسب برای ارتقای مهارت‌های نیروی کار است.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی و برنامه‌های توانمندسازی برای نیروهای انسانی داخلی، فرایند انتقال فناوری به نیروهای متخصص محلی را تسهیل کند و در این راستا، تسهیلات لازم را برای استخدام کارکنان محلی فراهم آورد».

- حمایت از تحقیق و توسعه

یکی از تعهدات کلیدی دولت میزبان، ایجاد شرایطی برای توسعه تحقیق و توسعه به منظور تسهیل نوآوری و ارتقاء ظرفیت‌های فنی کشور است. دولت میزبان باید شرایط لازم را برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک و تبادل علمی فراهم آورد.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که از طریق تأمین منابع مالی، تسهیلات تحقیق و توسعه، و کاهش موانع قانونی، شرایط لازم را برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین طرفین فراهم آورد و همکاری‌های علمی و فنی را در راستای انتقال فناوری تسهیل نماید».

- تضمین‌های مربوط به بومی‌سازی فناوری

دولت میزبان ممکن است تعهد کند که در چارچوب پروژه‌های مشترک، فناوری‌های منتقل شده باید به تدریج بومی‌سازی شوند و استفاده از منابع داخلی و ظرفیت‌های محلی در مراحل مختلف تولید و توسعه افزایش یابد.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می‌کند که در طی اجرای پروژه، فرایند بومی‌سازی فناوری را از طریق ارائه تسهیلات مالی و فنی و نیز ایجاد شرایط مناسب برای افزایش سهم تولیدات داخلی، تسهیل نماید و طرفین توافق می‌کنند که سهم تولید داخلی از فناوری منتقل شده در طول مدت زمان [تعداد] سال به [درصد] درصد افزایش یابد».

- تضمین زیرساخت‌های مناسب

دولت میزبان باید تضمین کند که زیرساخت‌های فیزیکی و فنی (مانند شبکه‌های ارتباطی، منابع انرژی، حمل و نقل، و امکانات تحقیقاتی) برای اجرای پروژه و انتقال فناوری در دسترس قرار دارد.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می کند که زیرساخت های ضروری برای انجام پروژه انتقال فناوری شامل تأمین منابع انرژی، شبکه های ارتباطی و سیستم های حمل و نقل را به طور کامل فراهم نماید و از هرگونه اختلال در تأمین این منابع جلوگیری کند».

- حمایت از حفاظت محیط زیست

انتقال فناوری باید با رعایت اصول زیست محیطی صورت گیرد. دولت میزبان باید تضمین کند که پروژه های انتقال فناوری با رعایت استانداردهای زیست محیطی انجام می شوند و از آسیب به محیط زیست جلوگیری می شود.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان تضمین می کند که کلیه فعالیت های مرتبط با پروژه انتقال فناوری با رعایت کامل قوانین و مقررات محیط زیستی کشور و استانداردهای بین المللی انجام خواهند شد و در صورت نیاز به تغییرات زیست محیطی، از طرفین درخواست خواهد شد که اقدامات اصلاحی و جبرانی لازم را انجام دهند».

- دسترسی به بازارهای داخلی و بین المللی

دولت میزبان ممکن است تعهد کند که تسهیلاتی برای دسترسی به بازارهای داخلی و بین المللی فراهم آورد، از جمله از طریق قراردادهای ترجیحی یا توافقات تجاری بین المللی.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می کند که به طرفین پروژه امکان دسترسی به بازارهای داخلی و بین المللی را فراهم آورد و از طریق توافقات تجاری با کشورهای ثالث، موانع تجاری را کاهش دهد».

این تعهدات دولت میزبان در قراردادهای سرمایه گذاری مشترک برای انتقال فناوری، بستری را فراهم می آورد که هم زمان منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای کشور میزبان و سرمایه گذاران خارجی به ارمغان می آورد.

قسمت چهارم: خاتمه سرمایه گذاری مشترک

خاتمه یا انحلال سرمایه گذاری های مشترک یک مسئله پیچیده است که باید در قرارداد اولیه به طور کامل پیش بینی و تنظیم شود. دلایل خاتمه سرمایه گذاری مشترک معمولاً به عواملی چون عدم توانایی در رسیدن به

اهداف استراتژیک، تغییرات مدیریتی یا مالی، و شرایط قانونی برمی‌گردد. در بسیاری از موارد، این قراردادها به طور ویژه شرایطی را برای خاتمه پیش‌بینی می‌کنند که در صورت بروز مشکلاتی مانند مصادره، تغییرات غیرقابل‌انتظار در کشور میزبان، یا نقض عمده قرارداد توسط یکی از طرفین امکان فسخ و انحلال را فراهم می‌آورد. یکی از عوامل مهم که در این قراردادها مشخص می‌شود، Deadlock است که به معنای عدم توافق بین طرفین بر سر مسائل مهم استراتژیک نظیر بودجه، سرمایه‌گذاری‌های جدید، یا تغییرات در مدیریت است. اگر این وضعیت به بن‌بست برسد، قرارداد معمولاً پیش‌بینی می‌کند که یکی از طرفین ممکن است از قرارداد خارج شود یا حق فروش سهم خود را پیدا کند. علاوه بر این، در صورتی که یکی از طرفین قرارداد نتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد یا تغییرات مدیریتی بزرگ در یکی از طرفین رخ دهد، طرف دیگر حق دارد که قرارداد را فسخ کند. این‌گونه تغییرات می‌توانند شامل تغییر در ساختار مالکیتی، ورشکستگی، یا انتقال کنترل به شخص ثالث باشند. در بسیاری از قراردادها، فسخ زودهنگام یا تغییرات مدیریتی می‌تواند به خرید یا فروش سهم‌ها توسط طرفین منجر شود، و این فرایند باید به طور واضح در قرارداد پیش‌بینی شود تا از هرگونه ناهماهنگی یا اختلافات قانونی جلوگیری شود. این پروسه‌ها معمولاً شامل تعیین یک تاریخ دقیق برای پایان همکاری یا پیش‌بینی شرایطی هستند که منجر به انحلال پروژه می‌شوند، حتی اگر این تاریخ قبل از موعد مقرر فرارسد. بنابراین، قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که تمامی شرایط فسخ، دلایل آن، و نحوه پرداخت خسارات یا توزیع منابع به‌درستی مشخص شود. این اقدامات نه تنها از منافع طرفین قرارداد حفاظت می‌کند، بلکه از بروز مشکلات قانونی یا مالی در طول مدت سرمایه‌گذاری مشترک نیز جلوگیری می‌کند. معمولاً نتایج خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک به دلیل انحلال بستگی دارد.

قابل ذکر است اغلب زمینه‌های خاتمه قرارداد قبل از انقضاء مدت قرارداد و نتایج آن انحلال که به‌خاطر قصور طرفین، فورس ماژور، فساد، نقض شرایط مربوط به تأمین مالی و فسخ اختیاری در حقوق داخلی پیش‌بینی می‌شوند. باتوجه به نتایج جدی خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک و باتوجه به اینکه ممکن است ارائه خدمات مختل یا ادامه آن متوقف شود خاتمه طرح باید به‌عنوان آخرین اقدامی در نظر گرفته شود که به آن متوسل می‌شوند. شرایط اعمال این حق توسط طرفین باید به‌دقت بررسی شود. پیشنهاد می‌شود طرفین علاوه بر شناسایی شرایط و انواع حوادثی که منجر به خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک می‌شوند فرایندهای مرتبط را پیش‌بینی نمایند. یکی از نکات بااهمیت این است که آیا قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به‌صورت یک‌طرفه قابل فسخ است یا فسخ

به حکم یا دادگاه یا رسیدگی‌های مشابه نیاز دارد با وجود مقررات دقیق در قرارداد خاتمه قبل از موعد برای هر دو طرف هزینه بر و آخرین راهکار است و هنگامی اعمال می‌شود که سایر راهکارها جواب ندهند.

منظور از خاتمه طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، انحلال قرارداد و خاتمه حیات ترتیبات قراردادی یا غیرقراردادی طرح سرمایه‌گذاری مشترک است و خاتمه طرح سرمایه‌گذاری مشترک را به هیچ‌عنوان نباید با بطلان آن مخلوط نمود و باید دانست عقد باطل صورتی بی‌معناست که از ابتدا اعتبار و صحتی نداشته است.

خاتمه پیش از موعد قرارداد در سرمایه‌گذاری‌های مشترک یکی از جنبه‌های پیچیده و بحرانی است که در بسیاری از قراردادها پیش‌بینی می‌شود. دلایل اصلی برای خاتمه قبل از انقضاء معمولاً شامل قصور طرفین در انجام تعهدات، بروز حوادث فورس ماژور، فساد، نقض شرایط مالی و فسخ اختیاری هستند. این مسائل می‌توانند شرایطی ایجاد کنند که طرفین مجبور شوند به فسخ قرارداد یا انحلال پروژه بپردازند. در این راستا، مواردی که منجر به خاتمه می‌شوند، باید به طور دقیق در قرارداد پیش‌بینی و مشخص شوند تا از بروز اختلافات قانونی و عملی جلوگیری شود. در بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، خاتمه به عنوان آخرین راهکار در نظر گرفته می‌شود، زیرا این امر می‌تواند منجر به اختلال جدی در ارائه خدمات یا توقف پروژه شود. بنابراین، طرفین باید فرایندهایی را برای شرایط مختلف خاتمه پیش‌بینی کنند تا در صورت بروز بحران یا مشکلات جدی، بتوانند به طور قانونی و با حداقل آسیب به حقوق طرفین اقدام کنند. یکی از این شرایط ممکن است فسخ یک‌جانبه یا نیاز به حکم دادگاه باشد که بستگی به قوانین داخلی و شرایط خاص قرارداد دارد. بنابراین، برای جلوگیری از مشکلات حقوقی و مالی، پیشنهاد می‌شود که طرفین در کنار شناسایی شرایط خاص خاتمه، فرایندهای مرتبط را نیز به طور دقیق پیش‌بینی کنند. این فرایندها باید شامل مواردی مانند فسخ اختیاری، پیگیری تصمیمات دادگاه، یا سایر روش‌های جایگزین باشد که به طور شفاف در قرارداد گنجانده شوند.

برخی از عوامل خاتمه قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به شرح ذیل است:

بند اول: خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی

در فرض استفاده شرکای طرح سرمایه‌گذاری مشترک از قالب سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی برای ادامه همکاری با توجه به مزایای مورد اشاره در شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های با مسئولیت محدود از این قالب‌ها برای نهاد حقوقی طرح سرمایه‌گذاری مشترک استفاده می‌گردد و استفاده از قالب دیگر شرکت‌ها از

جمله شرکت تضامنی مطلوبیت ندارد. بنابراین در این بند به بیان موارد خاتمه در هر یک از قالب‌های شرکت سهامی خاص و با مسئولیت محدود در قانون تجارت ایران و لایحه اصلاحی ق. خواهیم پرداخت.

۱- در فرضی که شرکت سرمایه‌گذاری مشترک در قالب شرکت سهامی خاص تأسیس شده باشد، در شرکت‌های سهامی خاص طبق ماده ۱۹۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

«شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

الف. وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

ب. در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.

ج. در صورت ورشکستگی.

د- در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد.

ه. در صورت صدور حکم قطعی دادگاه»

در ادامه هر یک از موارد فوق در خصوص خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی در قالب شرکت سهامی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. وقتی که شرکت سرمایه‌گذاری مشترک، موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شود:

یکی از موجبات عام خاتمه طرح سرمایه‌گذاری مشترک انجام موضوعی است که از ابتدا مقصود طرح بوده است. هم چنین فرض عدم امکان انجام موضوع شرکت سهامی مربوط به مواردی است که شرکت در زمان تأسیس قدرت بر انجام آن را داشته است؛ اما پس از تشکیل شرکت باوجود امکان اجرای عرفی و عقلی در زمان تأسیس، با مشکل مواجه می‌گردد. این عبارت تنها محدود به تمام موضوع طرح نیست و ممکن است بخشی از موضوع طرح به دلایلی غیرممکن گردد. در واقع در این فرض، هدف و غایتی که طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک به منظور آن رابطه مشترک خودشان را شروع کرده‌اند، به پایان می‌رسد. به هر حال انحلال

باید توسط مجمع عمومی فوق‌العاده اعلام شود؛ ولی اگر مجمع تشکیل نشود یا به انحلال رأی ندهد طبق بند ۴ ماده ۲۰۱ لایحه اصلاحی هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال را از دادگاه بخواهد.

ب. در صورتی که شرکت طرح سرمایه‌گذاری مشترک برای مدت معین تشکیل شده باشد و آن مدت منقضی شود مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد:

در ساختار قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، مدت زمان اعتبار شرکت و مدت زمانی که طرفین برای اجرای طرح در نظر می‌گیرند، معمولاً در اساسنامه شرکت درج می‌شود. این مدت زمان یکی از عوامل اصلی در تعیین دوره فعالیت شرکت است و در صورت اتمام آن، شرکت به طور خودکار منحل می‌شود، مگر آنکه طرفین تصمیم به تمدید مدت آن بگیرند. در واقع، انقضای مدت معمولاً از موارد عمومی انحلال شرکت‌ها به شمار می‌رود که در بندهای اساسنامه مشخص می‌شود. در صورتی که شرکت به دلیل اتمام مدت زمان تعیین شده منحل شود، مجمع عمومی فوق‌العاده مسئول تمدید مدت زمان فعالیت است. این مجمع باید تصمیم به تمدید یا عدم تمدید مدت شرکت را اتخاذ کند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک، مدت زمان اعتبار شرکت را به صورت نامحدود در نظر بگیرند. این امر می‌تواند مزایایی همچون جلوگیری از انحلال غیرضروری شرکت در صورت بروز مشکلات یا تأخیر در اجرای طرح داشته باشد. به این ترتیب، اگر طرح به هر دلیلی پس از گذشت زمان موردنظر تکمیل نشود، شرکت همچنان قادر به ادامه فعالیت خواهد بود و نیازی به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده برای تمدید مدت نخواهد بود. این راهکار باعث می‌شود که انعطاف‌پذیری بیشتری برای مدیریت پروژه‌ها و طرح‌های مشترک فراهم شود، چرا که ممکن است شرایط خاصی پیش آید که نیاز به زمان بیشتری برای تکمیل طرح وجود داشته باشد. در نتیجه، طرفین می‌توانند بدون نگرانی از انحلال ناخواسته یا مشکلات قانونی، به انجام پروژه ادامه دهند.

ج. ورشکستگی

ورشکستگی یکی از شرایط قانونی است که به موجب آن یک شرکت نمی‌تواند دیون خود را پرداخت کند و در نتیجه ورشکسته اعلام می‌شود. در سرمایه‌گذاری‌های مشترک، ورشکستگی می‌تواند موجب انحلال قهری شرکت گردد. در این حالت، برخلاف سایر موارد که نیاز به حکم دادگاه برای انحلال وجود دارد، ورشکستگی به طور خودکار به انحلال شرکت می‌انجامد. این حالت معمولاً زمانی رخ می‌دهد که شرکت سرمایه‌گذاری مشترک قادر به پرداخت بدهی‌های خود نباشد، یعنی منابع مالی شرکت به گونه‌ای مدیریت نشده که توانایی

پرداخت دیون را از دست بدهد. برای جلوگیری از ورشکستگی و انحلال پیش از موعد، ضروری است که طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک به‌گونه‌ای اداره شوند که منابع مالی به‌درستی و بهینه هزینه شوند. این مدیریت صحیح منابع می‌تواند از بروز مشکلات مالی جلوگیری کند و امنیت سرمایه‌گذاری را برای طرفین تأمین نماید. براین اساس، شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک باید نظارت دقیقی بر جریان‌های مالی خود داشته باشند و سیستم‌های کنترل داخلی مناسبی را برای جلوگیری از فساد مالی یا هزینه‌های غیرضروری پیاده‌سازی کنند. این نکته حائز اهمیت است که ورشکستگی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک نه تنها منجر به خسارات مالی برای طرفین قرارداد می‌شود، بلکه می‌تواند تأثیرات منفی بر روی روابط تجاری و اعتبار شرکت‌ها نیز داشته باشد. لذا جلوگیری از ورشکستگی و مدیریت صحیح منابع مالی یکی از اولویت‌های اصلی در این نوع پروژه‌ها به شمار می‌رود.

د. در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت سرمایه‌گذاری مشترک به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد:

لازم به ذکر است که سهام‌داران شرکت سرمایه‌گذاری مشترک، حاضران در جلسه مجمع آن شرکت هستند و انحلال قبل از موعد شرکت‌های سهامی به موجب ماده ۸۵ لایحه اصلاحی ق.ت در صلاحیت انحصاری مجمع عمومی فوق‌العاده است. بنابراین شرکای طرح سرمایه‌گذاری مشترک که صاحبان سهام آن شرکت نیز هستند، صلاحیت این را دارند که با برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت در هر زمان اقدام به انحلال شرکت نمایند.

ه. صدور حکم قطعی دادگاه:

ماده ۲۰۱ لایحه اصلاحی ق.ت هر ذی‌نفع را قادر می‌سازد تا از دادگاه به موجبات زیر درخواست انحلال شرکت سرمایه‌گذاری مشترک را نماید و دادگاه ممکن است با مشاهده و بررسی دلایل موجه حکم به انحلال شرکت را صادر نماید:

- در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.
- در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد. لازم به ذکر است که شرکت سرمایه‌گذاری

مشترک موظف است که تا زمان مقرر شده در اساسنامه و لایحه اصلاحی ق.ت.مجمع عمومی عادی سالیانه را جهت بررسی صورت‌های مالی و سود و زیان شرکت برگزار نماید. عدم تشکیل مجمع عمومی صاحبان منجر به این می‌شود که صاحبان سهام از وضعیت سود و زیان شرکت مطلع نگردد. بنابراین در هر صورت مطابق مفاد ۹۱ و ۱۲۸ لایحه اصلاح قانون تجارت، هیئت‌مدیره و در غیر این صورت بازرسان شرکت سرمایه‌گذاری مشترک باید مجمع عمومی عادی سالانه را دعوت نمایند تا به مجازات‌های مقرر در این قانون به‌عنوان ضمانت اجر محکوم نگردند.

- در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت‌مدیره و هم چنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلا متصدی مانده باشد. دادگاه در این فرض و باتوجه به لزوم ارسال اختاریه جهت رفع موجبات انحلال که برای مراجع ذیصلاح با اعطای مهلت شش‌ماهه به شرکت سرمایه‌گذاری مشترک می‌فرستد به تشکیل مجمع عمومی عادی برای انتخاب مدیران در خصوص بلا متصدی ماندن سمت کمک نموده تا این امر از طریق اعضای باقی‌مانده شرکت یا بازرسان انجام توسط دادگاه انجام گردد تا ایشان مجمع عمومی عادی را به طور فوق‌العاده تشکیل دهند.

در پایان لازم به ذکر است که در هر موردی که حکم دادگاه منجر به انحلال شرکت سرمایه‌گذاری مشترک شود، این حکم دارای دو ویژگی اساسی است: اولاً، این حکم ویژگی اعلامی بودن دارد و دادگاه با انطباق دلایل درخواست انحلال توسط ذی‌نفع با ماده ۲۰۱ لایحه اصلاحی ق.ت، انحلال شرکت را اعلام می‌نماید و ثانیاً حکم اعلامی دادگاه در خصوص انحلال شرکت موجد حق است و برای ذی‌نفع حکم که محکوم له است ایجاد حق می‌نماید.

۲- در فرضی که شرکت سرمایه‌گذاری مشترک در قالب شرکت با مسئولیت محدود تأسیس شده باشد، در شرکت‌های با مسئولیت محدود طبق ماده ۱۱۴ قانون تجارت، این شرکت در موارد زیر منحل می‌شود:

«الف. در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳ قانون تجارت.

ب. در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم‌الشرکه آن‌ها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج. در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال

به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د. در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد»

در ادامه هر یک از موارد فوق در خصوص خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی در قالب شرکت سهامی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. در خصوص انحلال شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک که در قالب شرکت با مسئولیت محدود تشکیل شده‌اند، قسمت‌های ۱، ۲ و ۳ ماده ۹۳ قانون تجارت ایران به‌صراحت مواردی را مشخص کرده‌اند که در صورت وقوع، شرکت باید منحل شود. بر اساس این مقررات، اگر هدف اصلی شرکت که به‌خاطر آن تشکیل شده بود محقق گردد یا انجام آن هدف غیرممکن شود، یا در صورتی که مدت فعالیت شرکت منقضی شود، یا اگر شرکت ورشکسته شود، انحلال الزامی خواهد بود. این اصول به‌نوعی مشابه مواردی هستند که در خصوص انحلال شرکت‌های سهامی خاص نیز مطرح شده‌اند و در سایر اشکال حقوقی شرکت‌ها، از جمله شرکت‌های با مسئولیت محدود، قابل اجرا هستند. در این راستا، مهم است که قرارداد تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری مشترک و اساسنامه آن، به‌وضوح این شرایط را منعکس کنند تا در هنگام بروز چنین مواردی، راهکارهای حقوقی مشخص و قابل اجرا باشند. این شفافیت می‌تواند به کاهش اختلافات و تسریع روند انحلال شرکت کمک کند. همچنین، انحلال شرکت به دلایل ذکر شده در ماده ۹۳ قانون تجارت معمولاً به معنای پایان دادن به کلیه فعالیت‌های شرکت و تعیین تکلیف دارایی‌ها، بدهی‌ها و سایر امور آن تحت نظارت مدیران یا مراجع قانونی ذی‌صلاح است. این فرایند باید مطابق با قوانین حاکم و با رعایت حقوق ذی‌نفعان، از جمله شرکا و طلبکاران، انجام شود.

ب. در صورت تصمیم عده‌ای از شرکا که سهم‌الشرکه آن‌ها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد، بر اساس قسمت ۲ ماده ۹۳ قانون تجارت، شرکت با مسئولیت محدود منحل خواهد شد. به‌عنوان مثال، اگر یک شرکت با ده شریک تشکیل شده باشد و نصف به‌علاوه یک سرمایه در دست تنها دو نفر از این شرکا باشد، این دو شریک قادر خواهند بود با تصمیم‌گیری یک‌جانبه، شرکت را منحل کنند. در این شرایط، شرکای اقلیت که سهم‌الشرکه کمتری دارند، عملاً امکان ممانعت از انحلال شرکت را نخواهند داشت. این روش می‌تواند منجر به سوءاستفاده شرکای اکثریت سرمایه شود. آن‌ها ممکن است از این اختیار استفاده کنند تا به‌منظور اعمال فشار و تحمیل خواسته‌های خود، شرکای اقلیت را تحت فشار قرار دهند و از تصمیم‌گیری‌های یک‌طرفه در جهت اهداف و راهبردهای خود استفاده کنند. این امر می‌تواند موجب تضییع حقوق شرکای اقلیت و عدم

برابری در تصمیم‌گیری‌ها شود که به‌نوعی تعادل و انصاف در روابط شرکایی را برهم می‌زند. بنابراین، برخی پیشنهاد می‌کنند که در چنین مواردی، برای جلوگیری از سوءاستفاده، از راهکارهایی مانند رأی‌گیری یا حضور شرکای بیشتری برای تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شرکت استفاده شود تا از حقوق شرکای اقلیت نیز به‌طور عادلانه حفاظت شود.

ج. در صورتی‌که به دلیل ضررهای وارده، نیمی از سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا درخواست انحلال کند، چنانچه دادگاه دلایل وی را موجه تشخیص دهد و سایر شرکا حاضر به پرداخت سهمی که در صورت انحلال به آن شریک تعلق می‌گیرد نباشند، این مسئله منجر به انحلال شرکت سرمایه‌گذاری مشترک خواهد شد. بر اساس بند ۳ ماده ۹۳ قانون تجارت، چنانچه نیمی از سرمایه شرکت به دلیل ضررهای وارده کاهش یابد و یکی از شرکا تقاضای انحلال کند، دادگاه موظف به رسیدگی به این درخواست است و در صورت تأیید موجه بودن آن، حکم به انحلال شرکت صادر خواهد کرد. بنابراین، شرط اولیه برای انحلال، تقاضای شریک از دادگاه است تا دادگاه به بررسی دلایل پرداخته و در نهایت تصمیم بگیرد. همچنین، همان‌طور که در این بند ذکر شده، تقاضای انحلال تنها در صورتی قابل طرح است که نیمی از سرمایه شرکت به دلیل ضررها از بین رفته باشد. در غیر این صورت، شرکا نمی‌توانند تقاضای انحلال شرکت را مطرح کنند. چنانچه سایر شرکا سهم شریک تقاضاکننده را پرداخت کنند، دیگر نیازی به انحلال شرکت نخواهد بود و شرکت به فعالیت خود ادامه خواهد داد. این سازوکار، تعادلی میان حقوق شرکا برقرار می‌کند و از انحلال‌های غیرضروری جلوگیری می‌کند.

د. در مورد فوت یکی از شرکا، انحلال شرکت سرمایه‌گذاری مشترک تنها در صورتی رخ می‌دهد که این امر به‌صراحت در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد. این فرض خاص زمانی قابل اجراست که یکی از شرکا شخص حقیقی باشد. باتوجه‌به پژوهشی که بر روابط تجاری ایران و چین تأکید دارد، احتمال دارد طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک به‌جای شرکای حقیقی، اقدام به معرفی یا تأسیس یک شرکت نماینده در کشور میزبان کنند. در چنین حالتی، شرکت نماینده از سوی هر یک از طرفین به‌عنوان شریک در طرح سرمایه‌گذاری مشترک حضور خواهد داشت و بنابراین شخص حقیقی به‌عنوان شریک طرح سرمایه‌گذار نخواهد بود. باید توجه داشت که ملاک در این خصوص، اساسنامه شرکت است. چنانچه اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود سرمایه‌گذاری مشترک شامل مواردی همچون فوت، حجر، ورشکستگی یا انحلال هر یک از شرکا به‌عنوان عوامل انحلال شرکت باشد، این موارد می‌توانند به‌عنوان مبنای انحلال مورد استناد قرار گیرند. بنابراین، ماده

مذکور جنبه حصری ندارد و در صورت ذکر چنین مواردی در اساسنامه یا قوانین خاص، می‌توان از مزایای انحلال شرکت در مواقع ضروری باتوجه به ماهیت قراردادی روابط شرکا استفاده کرد.

بند دوم: خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی

قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به دلایل مختلفی که ممکن است در هر قرارداد به طور جداگانه و متناسب با شرایط خاص آن پیش‌بینی شود خاتمه می‌یابد. در هر حال صرف‌نظر از موارد خاص خاتمه در این قراردادها، با در نظر گرفتن موارد مشترک در آنها به بررسی مهم‌ترین دلایل خاتمه قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک می‌پردازیم که برخی از آنها با موارد خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی مشترک است.

۱. خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی به دلیل انقضاء مدت یا انجام موضوع آن

اولین حالت خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی، معمولاً با انقضاء مدت زمانی که طرفین برای انجام پروژه توافق کرده‌اند یا با تکمیل و اجرای موفق موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک اتفاق می‌افتد. این مدت زمان ممکن است به عوامل متعددی بستگی داشته باشد که تعیین آن را پیچیده می‌کند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

توافقات طرفین: مدت زمان پروژه ممکن است بسته به توافقات میان طرفین تغییر کند. برخی از طرفین ممکن است بخواهند برای بازگشت سریع‌تر سرمایه خود پروژه را در زمان کوتاه‌تری انجام دهند، درحالی‌که دیگران ممکن است بیشتر به ثبات و پایداری در طولانی‌مدت توجه کنند.

مدت زمان اعتبار شرکت تأسیس‌شده: شرکت سرمایه‌گذاری مشترک ممکن است برای مدت زمان محدودی تأسیس شود، و این مدت زمان می‌تواند بر مدت زمان کلی پروژه تأثیرگذار باشد.

عمر اجرایی پروژه انتقال فناوری: پروژه‌های انتقال فناوری به‌ویژه به زمانی خاص نیاز دارند تا فناوری به‌درستی منتقل و پیاده‌سازی شود. این مدت زمان ممکن است به میزان تغییرات تکنولوژی و نیاز به تطابق با شرایط بازار بستگی داشته باشد.

مقدار تغییرپذیری تکنولوژی: برخی پروژه‌ها نیاز دارند که تکنولوژی‌های جدید و تغییرات در آنها پیوسته انجام شوند که این نیز می‌تواند زمان اجرای پروژه را تحت‌تأثیر قرار دهد.

زمان موردنیاز برای بازپرداخت بدهی‌ها و استهلاک سرمایه اولیه: بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های مشترک نیاز دارند تا پس از تأسیس و آغاز فعالیت‌ها، مدت زمانی برای بازپرداخت بدهی‌ها و استهلاک سرمایه اولیه در نظر گرفته شود.

به دلیل پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی که در پیش‌بینی دقیق مدت زمان لازم برای اجرای پروژه‌ها وجود دارد، پیشنهاد می‌شود که طرفین در هنگام مذاکره برای تعیین مدت زمان پروژه انعطاف‌پذیر باشند. این انعطاف‌پذیری به طرفین این امکان را می‌دهد که در مواجهه با شرایط غیرمنتظره و تغییرات احتمالی در طول اجرای پروژه، تصمیمات مناسبی اتخاذ کنند. علاوه بر این، این رویکرد می‌تواند از بروز مشکلات حقوقی و عملی جلوگیری کرده و پروژه را به مسیر درستی هدایت کند. یکی از مدل‌های مناسب برای تعیین مدت زمان پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک، استفاده از معیارهای مختلف و ترکیب آن‌ها برای مشخص کردن زمان نهایی است. به عنوان مثال، می‌توان مدت زمان قرارداد را بر اساس چندین فاکتور تعیین کرد، نظیر:

انقضای در سررسید خاص: یعنی زمانی که پروژه باید به پایان برسد.

تسویه بدهی‌ها: زمانی که تمامی بدهی‌ها و تعهدات مالی پروژه پرداخت می‌شود.

دستیابی به درآمد یا تولید خاص: زمانی که میزان تولید یا درآمد از پیش تعیین شده در قرارداد به دست آید.

در این حالت، هر کدام از این رویدادها که زودتر فرا برسد، می‌تواند باعث خاتمه پروژه شود. این روش به طور قابل توجهی به طرفین این امکان را می‌دهد که از وقوع تأخیرهای بزرگ جلوگیری کرده و درعین حال اهداف خاص خود را محقق کنند.

علاوه بر این، در صورتی که نیاز به تعیین حداکثر مدت زمان برای پروژه باشد، باید دوره‌ای طولانی در نظر گرفته شود تا پروژه بتواند به سود قابل قبولی برسد. مدت زمان سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی ممکن است به صورت محدود یا نامحدود تعیین شود. در صورت مشخص بودن مدت زمان محدود در قرارداد و تعیین آن توسط طرفین، در صورت انقضای مدت، قرارداد به طور خودکار منفسخ می‌شود، مگر آنکه طرفین در مدت زمان مشخص شده اقدام به تمدید قرارداد کنند. به طور معمول، در این حالت ممکن است یکی یا چند نفر از شرکا با ارسال اخطاریه‌ای که حاوی درخواست تمدید مدت قرارداد است، از دیگران بخواهند تا جلسه‌ای برای بررسی این موضوع برگزار کنند. در صورتی که جلسه تشکیل نشود یا در جلسه تشکیل شده تمدید قرارداد تصویب نگردد، قرارداد پس از انقضای مدت منحل می‌شود. در قراردادهای مقید به مدت، شرایط مختلفی ممکن است برای انقضای مدت یا تمدید آن پیش‌بینی شود. یکی از این شرایط می‌تواند این باشد که اختیار تمدید قرارداد به یکی از شرکا یا هر دوی آن‌ها داده شود، به شرط اعلام قبلی برای تمدید قرارداد به مدت مشابه دیگری. همچنین ممکن است در قرارداد پیش‌بینی شود که در صورتی که هیچ‌کدام از طرفین مخالفت

نداشته باشند، قرارداد به صورت خودکار برای یک دوره دیگر تمدید گردد. این نوع تمدید خودبه خود می تواند به ویژه در شرایطی که طرفین نتوانند به طور مؤثر در تصمیم گیری ها وارد شوند، کارآمد باشد.

بنابراین، در تنظیم قراردادهای سرمایه گذاری مشترک، توجه دقیق به شرایط تمدید و انقضای قرارداد از اهمیت بالایی برخوردار است. باتوجه به پیچیدگی ها و تفاوت های موجود در هر پروژه، پیش بینی روش های انعطاف پذیر برای انقضاء یا تمدید قرارداد می تواند از بروز مشکلات حقوقی و عملی در طول اجرای پروژه جلوگیری کند. این امر نه تنها به طرفین این امکان را می دهد که در مواجهه با تغییرات یا شرایط غیرمنتظره تصمیم گیری بهتری داشته باشند، بلکه موجب حفظ ثبات و پایداری قرارداد می شود. در قراردادهای مقید به مدت، امکان پیش بینی شرایط مختلف برای انقضای مدت یا تمدید آن وجود دارد. این شرایط می تواند شامل دادن اختیار تمدید به یکی از طرفین یا ایجاد پیش شرط هایی برای تمدید خودبه خود قرارداد در صورت عدم مخالفت طرفین باشد. همچنین، در پروژه هایی که هدف خاصی دارند، انقضاء قرارداد می تواند با پایان یافتن آن هدف به طور خودکار اتفاق بیفتد. بنابراین، تنظیم دقیق این شرایط و پیش بینی گزینه های مختلف برای تمدید یا خاتمه، می تواند به مدیریت بهتر پروژه و کاهش ریسک های احتمالی کمک کند.

۲. خاتمه سرمایه گذاری مشترک قراردادی با توافق طرفین

خاتمه سرمایه گذاری مشترک قراردادی با توافق طرفین، یکی از روش های شایع در خاتمه طرح های سرمایه گذاری مشترک است که زمانی به کار می رود که طرفین به دلیل از دست دادن قابلیت بهره برداری یا عدم نتیجه دهی مطلوب طرح، تصمیم به انحلال آن می گیرند. این نوع خاتمه معمولاً در شرایطی بروز می کند که طرح سرمایه گذاری مشترک دیگر توانایی تولید سود یا ارزش مورد انتظار را ندارد و طرفین برای کاهش ریسک های مالی و تجاری خود تصمیم می گیرند هرچه سریع تر قرارداد را پایان دهند. در این نوع خاتمه، برخلاف دیگر انواع خاتمه قرارداد، حتماً باید طرفین به توافقی کتبی برسند. این توافق باید به طور واضح جزئیات تسویه حساب های مالی، اعم از پرداخت بدهی ها و سایر تعهدات مالی مربوط به طرح، را مشخص کند. علاوه بر این، هر دو طرف باید به طور داوطلبانه و با توافق دوجانبه اقدام به اقاله (فسخ) قرارداد کنند. فرایند این خاتمه معمولاً از طریق انعقاد یک توافق نامه خاتمه طرح سرمایه گذاری مشترک صورت می پذیرد که در آن تمامی جزئیات خاتمه طرح، از جمله نحوه تقسیم دارایی ها و پرداخت هزینه ها، به طور دقیق مشخص می شود. این نوع خاتمه می تواند برای طرفین به عنوان راه حلی برای جلوگیری از ضررهای بیشتر و به منظور

حفظ منابع و سرمایه‌های باقی‌مانده باشد. همچنین به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به‌جای ادامه یک طرح زیان‌آور، به سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار خود بپردازند. بنابراین، استفاده از توافق‌نامه‌های دقیق و شفاف در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است تا تمامی مسائل مالی و حقوقی به‌درستی حل و فصل شود.

۳. حق فسخ سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی به دلیل عدم ایفا یا نقض اساسی تعهدات

در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، معمولاً به هر یک از طرفین این حق داده می‌شود که در صورتی که انجام تعهدات آن‌ها به دلیل بروز مشکلات خارج از اراده یا اختیاراتشان مختل شود، یا اگر طرف مقابل تعهدات خود را به طور کامل و در زمان مقرر انجام ندهد، قرارداد را خاتمه دهند. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که یکی از طرفین اقداماتی انجام دهد که منجر به نقض اساسی قرارداد و به دنبال آن مختل شدن اجرای توافقات گردد. در برخی از نظام‌های حقوقی، اگر اجرای تعهدات یکی از طرفین به طور دائمی غیرممکن شود، طرفین می‌توانند قرارداد را فسخ کنند. به‌ویژه زمانی که شرایط پیش‌بینی‌شده در قرارداد، امکان فسخ را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، یکی از روش‌های پیش‌بینی‌شده برای خاتمه قرارداد، وقوع شرایط خاصی مانند تغییرات قانونی، نقض اساسی قرارداد یا حکم دادگاه است. در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، بهتر است به طور مشخص قید شود که اگر موانعی مانند فورس مازور (حالات غیرقابل پیش‌بینی و خارج از اراده طرفین) برای مدت معینی وجود داشته باشد، طرفین حق دارند قرارداد را فسخ کنند. به عنوان مثال، در صورتی که این موانع باعث شود که اجرای طرح سرمایه‌گذاری بیش از حد پیش‌بینی‌شده به تأخیر بیفتد، هر یک از طرفین می‌توانند قرارداد را پایان دهند. علاوه بر این، در مواردی که تغییرات قانونی یا حکم دادگاه اعتبار قرارداد را از بین ببرد، باید حق فسخ فوراً و بدون نیاز به انقضاء دوره زمانی اعمال شود، زیرا موانع حقوقی جدید اعتبار قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این گونه پیش‌بینی‌ها می‌تواند به طرفین این اطمینان را بدهد که در صورت بروز مشکلات غیرمنتظره یا تغییرات اساسی در وضعیت قانونی، قرارداد با یک روند قانونی مناسب خاتمه یابد و هر دو طرف بتوانند از ریسک‌های بیشتر جلوگیری کنند.

همچنین یکی از مواردی که معمولاً برای طرفین قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک حق فسخ ایجاد می‌نماید، نقض اساسی قرارداد توسط طرف مقابل است. نقض اساسی را باید نقضی دانست که می‌تواند روابط بلندمدت طرفین را به خطر اندازد یا باعث شود نتایج تجاری حاصل از روابط به طور محسوسی با آنچه که در هنگام

انعقاد قرارداد موردنظر طرفین بوده، متفاوت باشد و یا می‌تواند نقضی باشد که به‌صورت جدی اجرای موضوع قرارداد را غیرممکن سازد و هدفی که طرفین در زمان انعقاد قرارداد داشتند را بی‌اثر نماید.

یکی از موارد مهمی که در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک برای طرفین حق فسخ ایجاد می‌کند، نقض اساسی قرارداد توسط طرف مقابل است. نقض اساسی به نقض‌هایی اطلاق می‌شود که به‌شدت بر روابط بلندمدت طرفین تأثیر می‌گذارد یا باعث می‌شود نتایج تجاری که از این روابط انتظار می‌رفته، به‌طور محسوسی با آنچه که در زمان انعقاد قرارداد موردنظر طرفین بوده، متفاوت شود. به‌عبارت دیگر، این نوع نقض می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که اجرای قرارداد را به‌طور جدی غیرممکن کند یا هدف‌هایی که طرفین در زمان امضای قرارداد برای رسیدن به آن‌ها توافق کرده‌اند، بی‌اثر و یا دست‌نیافتنی شود. برای مثال، اگر یکی از طرفین قرارداد نتواند تعهدات اصلی خود را به‌طور اساسی و مستمر اجرا کند، و این نقض به‌قدری شدید باشد که دیگر نتایج اولیه طرح سرمایه‌گذاری مشترک قابل‌دستیابی نباشد، طرف مقابل حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. این نقض ممکن است ناشی از عدم پرداخت به‌موقع سرمایه، عدم تأمین منابع مالی یا هر اقدام دیگری باشد که باعث می‌شود هدف نهایی قرارداد که معمولاً بر اساس بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری مشترک است، به خطر بیافتد. بنابراین، نقض اساسی قرارداد به‌عنوان یک علت معتبر برای فسخ، نه تنها به طرفین این امکان را می‌دهد که از یک رابطه تجاری غیرممکن خارج شوند، بلکه این امر تضمین می‌کند که اهداف و منافع طرفین در طول مدت قرارداد حفظ شود. این شرایط باید به‌طور دقیق در قرارداد پیش‌بینی شده و شرایط خاص نقض اساسی مشخص گردد تا از بروز اختلافات در آینده جلوگیری شود.

در حقوق ایران باتوجه به اصل لزوم قراردادهای صرف امتناع از انجام تعهدات حق فسخ را ایجاد نمی‌کند. بلکه متعهدله باید مطابق ماده ۲۳۷ قانون مدنی ابتدا الزام متعهد را مبنی بر ایفای تعهد بخواهد و در صورتی که چنین امری از طرق مستقیم و غیرمستقیم میسر نگردد به‌موجب ماده ۲۳۹ همان قانون حق دارد قرارداد را فسخ نماید. البته در قواعد رایج در تجارت بین‌الملل اعمال حق فسخ برای جلوگیری از ضرر غیرمنصفانه به طرف قرارداد دارای تشریفات خاص است. بنا بر رویه مذکور طرقی که حق فسخ خود را اعمال می‌کند با ارسال اخطاریه‌ای طرف ناقض قرارداد را مطلع ساخته و طی مهلتی ۳۰ یا ۶۰ روزه که از آن به‌عنوان دوره ترمیم شناخته می‌شود به طرف مقابل فرصتی برای جبران و ایفای تعهد داده خواهد شد و با انقضای مهلت اگر اقدامی از جانب طرف خاطی در جهت جبران مافات صورت نگیرد قرارداد قابلیت فسخ می‌یابد.

در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و ریسک‌ها، عدم توافق در تصمیم‌گیری برای اجرای طرح است. این مشکل زمانی رخ می‌دهد که طرفین در تصمیم‌گیری‌های مهم و اساسی دچار اختلاف نظر شوند، به‌ویژه زمانی که این اختلافات به مرحله‌ای برسد که هیچ‌یک از طرفین نتوانند به توافقی دست یابند. این وضعیت می‌تواند منجر به بن‌بست در اداره طرح سرمایه‌گذاری مشترک و در نهایت به شکست پروژه و خاتمه قرارداد شود. در بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، برای جلوگیری از بروز اختلافات در تصمیم‌گیری، سازوکارهای مشخصی پیش‌بینی می‌شود. یکی از این سازوکارها، تعیین مسئولیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری در اساسنامه یا قرارداد است. به طور معمول، در چنین قراردادهایی، مسئولیت تصمیم‌گیری‌های کلیدی و مهم در خصوص نحوه اداره طرح یا تغییرات آن به هیئت‌مدیره یا تیم مدیریتی واگذار می‌شود. در مواردی که موضوع خاصی در اساسنامه مشخص نشده باشد، ممکن است طرفین توافق کنند که تصمیمات کلیدی باید بر اساس توافق دو طرف یا رأی‌گیری در هیئت‌مدیره گرفته شود. این پیش‌بینی‌ها می‌تواند به جلوگیری از بروز اختلافات در مراحل بعدی کمک کند و همچنین چارچوب مشخصی برای حل اختلافات فراهم می‌آورد. اگرچه پیش‌بینی چنین سازوکارهایی می‌تواند احتمال بروز اختلافات را کاهش دهد، اما در عمل ممکن است مشکلاتی پیش بیاید که باعث ایجاد بن‌بست در فرایند تصمیم‌گیری شود. بن‌بست به وضعیتی اطلاق می‌شود که طرفین نتوانند به توافق برسند، به‌ویژه زمانی که رأی‌گیری یا تصمیم‌گیری به تساوی آرا منتهی می‌شود یا زمانی که یکی از طرفین به طور عمدی از حضور در جلسات تصمیم‌گیری خودداری می‌کند. این وضعیت معمولاً در مواردی پیش می‌آید که سهام‌داران یا مدیران با حق رأی مساوی مواجه می‌شوند و در نتیجه، هیچ‌کدام از طرفین قادر به پیشبرد تصمیمات کلیدی نمی‌باشند. این مسئله به‌ویژه در صورتی که شرکای اقلیت حق وتو دارند یا هیچ‌کدام از طرفین نتوانند اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری را تشکیل دهند، شدت می‌یابد. در این شرایط، هیچ‌کدام از طرفین قادر به پیشبرد طرح نیستند و پروژه وارد یک وضعیت منجمد می‌شود. برای مقابله با چنین شرایطی، معمولاً در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک پیش‌بینی می‌شود که در صورت بروز بن‌بست در فرایند تصمیم‌گیری، هر یک از طرفین حق فسخ قرارداد را داشته باشند. این حق به طرفین این امکان را می‌دهد که در صورتی که ادامه فعالیت مشترک به دلیل اختلافات مدیریتی و عدم توانایی در اتخاذ تصمیمات لازم به خطر افتاده باشد، از پروژه خارج شوند و به پایان‌دادن به قرارداد اقدام کنند.

این پیش‌بینی به‌ویژه در مواردی که تصمیمات کلیدی و سرنوشت‌ساز برای موفقیت طرح لازم است، اهمیت دارد. همچنین این موضوع می‌تواند از بروز مشکلات و کشمکش‌های بیشتر جلوگیری کند و طرفین را از ورود به وضعیت‌های پیچیده حقوقی و مالی در آینده محافظت کند. در نتیجه، برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی و حفظ منافع طرفین، ضروری است که قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به‌دقت سازوکارهای مربوط به تصمیم‌گیری و حل اختلافات را پیش‌بینی کنند. این پیش‌بینی‌ها باید شامل تعیین فرایندهای تصمیم‌گیری در موارد خاص، نحوه رأی‌گیری، و اقداماتی که در صورت بن‌بست باید انجام شود، باشند. به‌علاوه، ضروری است که طرفین از ابتدا برای شرایطی که ممکن است در آینده پیش آید و به بن‌بست منتهی شود، آمادگی داشته باشند و از سازوکارهایی مانند تعیین یک شخص ثالث برای حل اختلاف یا استفاده از داوری در صورت لزوم بهره‌برداری کنند. در نهایت، پیش‌بینی این موارد به طرفین این امکان را می‌دهد که در صورت بروز مشکلات اجرایی یا حقوقی، از بحران‌های جدی جلوگیری کرده و پروژه را در مسیری روشن و قابل‌مدیریت قرار دهند.

بنابراین اگر قرارداد به نحوی منعقد شده که امکان توسل به حق فسخ برای یکی از طرفین وجود داشته باشد، در این صورت و با پیش‌بینی حق فسخ برای یک یا چند تن از شرکا ایشان حق دارند قرارداد را به صورتی در صورت پیش‌بینی حق فسخ برای یکی از طرفین در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک، طرف موردنظر می‌تواند به طور یک‌جانبه قرارداد را فسخ کند، بدون اینکه نیاز به رضایت طرف دیگر داشته باشد. این حق فسخ معمولاً در شرایط خاصی که در قرارداد مشخص شده است، قابل‌اعمال است. به‌عنوان مثال، اگر یکی از طرفین به تعهدات خود عمل نکرده و یا شرایطی خاص مانند نقض اساسی قرارداد رخ دهد، طرف دیگر می‌تواند از حق فسخ خود استفاده کند. با این حال، برای جلوگیری از بروز ضررهای احتمالی برای طرف مقابل و ایجاد ضمانت‌های حقوقی، لازم است که در قرارداد ترتیبات و تشریفات خاصی برای اعمال حق فسخ پیش‌بینی شود. یکی از معمول‌ترین این تشریفات، ارسال اخطاریه به طرف مقابل است. این اخطاریه معمولاً باید شامل اعلام تصمیم به فسخ قرارداد به همراه مهلت مشخصی برای طرف مقابل جهت رفع مشکل یا پذیرش فسخ باشد. این اقدام به طرف مقابل فرصتی می‌دهد تا قبل از فسخ رسمی قرارداد، بتواند واکنش نشان دهد یا اقداماتی انجام دهد. در جوینت ونچرهای دوطرفه، فسخ یک‌طرفه قرارداد به معنای خاتمه‌یافتن مشارکت بین طرفین است. زمانی که یکی از شرکا از حق فسخ خود استفاده می‌کند و قرارداد را خاتمه می‌دهد، آثار خاتمه به‌طور کلی بر تمامی جنبه‌های مشارکت اعمال می‌شود و این شامل سهم طرفین، تقسیم منابع، و

تسویه حساب‌های مالی می‌گردد. به همین دلیل، تشریفات و شرایط فسخ باید به گونه‌ای طراحی شوند که از بروز اختلافات و مشکلات بعدی جلوگیری شود. این فرایند برای جلوگیری از سوءاستفاده و اطمینان از رعایت حقوق طرفین ضروری است. علاوه بر آن، پیش‌بینی شرایط فسخ باید به گونه‌ای باشد که طرف مقابل قادر به واکنش مناسب باشد، و از این طریق، مسیر قانونی و تجاری واضحی برای هر دو طرف ایجاد گردد.

۴. خاتمه قهری سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی

خاتمه قهری در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک به این معناست که در صورت بروز شرایط خاصی که موجب انحلال طرح می‌شود، این انحلال به صورت خودکار و بدون نیاز به اراده یا اقدام خاص از طرفین یا دادگاه اتفاق می‌افتد. در واقع، وقتی شرایط معینی که برای انحلال طرح پیش‌بینی شده است، محقق می‌شود، قرارداد یا توافق خودبه‌خود و بدون دخالت مستقیم طرفین منحل می‌شود. این نوع انحلال زمانی رخ می‌دهد که علت انحلال در قرارداد به طور پیش‌بینی شده وجود دارد، ولی نیازی به عمل ارادی از طرفین یا دادگاه برای اجرا ندارد. به عبارت دیگر، علت خاصی، مانند ورشکستگی، بروز مشکلات قانونی یا تحقق فورس ماژور، به خودی خود باعث انحلال قرارداد می‌شود. برای مثال، ورشکستگی یکی از عواملی است که به طور قهری باعث انحلال یک طرح سرمایه‌گذاری مشترک می‌شود. زمانی که یکی از طرفین قادر به انجام تعهدات خود نباشد، قرارداد به طور خودکار منحل خواهد شد.

نکته مهم این است که درحالی‌که انحلال قهری به معنای منحل شدن قرارداد به طور خودکار است، این انحلال می‌تواند ناشی از شرایط خاصی باشد که طرفین خود آن را پیش‌بینی کرده‌اند. به طور مثال، ممکن است در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک شرط شود که در صورت بروز شرایط خاص مانند عدم تحقق اهداف تجاری یا نقض عمده شرایط، قرارداد به طور خودکار منحل گردد. در این موارد، حتی اگر طرفین قصد نداشته باشند قرارداد را فسخ کنند، با وقوع علت خاص، انحلال به طور خودکار اجرا می‌شود.

انحلال قهری در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند به دودسته تقسیم شود: انحلال ناشی از اراده طرفین: این نوع انحلال زمانی است که طرفین بر اساس توافق خود، مدت زمان قرارداد را تعیین کرده یا پیش‌بینی می‌کنند که پس از رسیدن به هدف خاصی، قرارداد خاتمه یابد. برای مثال، یک قرارداد ممکن است شرط کند که در صورتی که پروژه در مدت معینی به نتیجه نرسد، یا پس از دستیابی به سود خاصی قرارداد خاتمه یابد.

انحلال ناشی از اراده قانون‌گذار: در این حالت، به علت تغییرات قانونی، الزامات جدید یا شرایطی که خارج از اراده طرفین است، قرارداد مجبور به انحلال می‌شود. این نوع انحلال معمولاً به دلیل تغییرات در قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری، مقررات مالی یا دیگر مسائل حقوقی است.

انحلال قهری قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک یک ابزار کلیدی در مدیریت ریسک‌های مربوط به پروژه‌ها است، زیرا ممکن است شرایطی پیش آید که بدون نیاز به مداخله طرفین یا دادگاه، قرارداد به طور خودکار منحل شود. به همین دلیل، طرفین باید دقت کنند که در قراردادهای خود شرایط لازم برای انحلال قهری و ارادی را به وضوح پیش‌بینی کنند تا در صورت بروز مشکلات غیرمنتظره، بتوانند از شرایط حقوقی موجود بهره‌برداری کنند و از ادامه پروژه در شرایط غیرقابل پیش‌بینی جلوگیری کنند.

۵. فسخ سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی توسط دولت میزبان

دولت میزبان طرف قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک باید در این موارد حق فسخ را داشته باشد:

۱- در مواردی که به‌خاطر ورشکستگی، نقض جدی یا موارد دیگر انتظار وفای به از ناحیه سرمایه‌گذار غیرمعقول باشد:

در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، دولت میزبان موظف است ارائه خدمات را بر اساس شروط قراردادی و قوانین قابل اعمال تضمین کند. برخی قوانین داخلی به صراحت حق فسخ پروژه را برای دولت میزبان در صورت نقض تعهدات از سوی سرمایه‌گذار مقرر می‌دارند. با این حال، با توجه به آثار انحلال و منافع دولت میزبان، توصیه می‌شود فسخ به عنوان آخرین راهکار و تنها در صورت نقض جدی، ویژه یا مکرر تعهدات سرمایه‌گذار مدنظر قرار گیرد؛ به ویژه زمانی که به طور منطقی نمی‌توان انتظار داشت سرمایه‌گذار قادر یا مایل به اجرای پروژه باشد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی بین‌المللی، اصل حفظ قرارداد به عنوان یک قاعده بنیادین مورد تأکید است و بیان می‌کند که قراردادها باید محترم شمرده شوند. با این وجود، در صورت نقض اساسی قرارداد، حق فسخ به عنوان یک راهکار پیش‌بینی شده است. برای مثال، در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، فسخ قرارداد تنها در صورت نقض اساسی مجاز است.

در نظام حقوقی چین، اصل محافظت از سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد تعادل میان حقوق سرمایه‌گذاران و منافع دولت میزبان مورد توجه است. قوانین سرمایه‌گذاری خارجی چین، مانند قانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به طور خاص مقرراتی برای فسخ قراردادها در صورت نقض اساسی از سوی یکی از طرفین وضع

کرده‌اند. در مواردی که سرمایه‌گذار خارجی تعهدات خود را به‌شدت نقض کند یا به دلایل عملیاتی نتواند به تعهداتش عمل کند، دولت چین می‌تواند با رعایت روند قانونی، قرارداد را فسخ کند. با این حال، این فرایند باید با شفافیت کامل و فرصت اصلاح مناسب برای سرمایه‌گذار همراه باشد. از سوی دیگر، در صورتی که شرایط قرارداد به دلیل تغییرات غیرقابل پیش‌بینی (مانند تحریم‌های بین‌المللی یا تغییر قوانین داخلی) به طور قابل توجهی تغییر کند، قانون چین اجازه می‌دهد که قراردادها با توافق طرفین تعدیل شوند تا از انحلال غیرضروری جلوگیری شود. قبل از توسل به فسخ، می‌توان از راهکارهایی مانند دوره اصلاحی، مذاکره، میانجی‌گری یا تعدیل قرارداد استفاده کرد. در دوره اصلاحی، یک بازه زمانی معقول به سرمایه‌گذار اختصاص داده می‌شود تا نقض تعهدات را اصلاح کند. در روش مذاکره یا میانجی‌گری نیز تلاش می‌شود با استفاده از رویکردهای دوستانه، توافقی حاصل شود که از انحلال قرارداد جلوگیری کند. تعدیل قرارداد نیز در شرایط خاصی که اجرای تعهدات دشوار شده، به عنوان گزینه‌ای برای اصلاح شرایط توافق مطرح است. قرارداد باید به صورت شفاف مواردی را که به عنوان قصور سرمایه‌گذار محسوب می‌شوند و منجر به حق فسخ برای دولت می‌زبان می‌گردند، مشخص کند. این موارد باید عینی، صریح و با در نظر گرفتن عواقب انحلال باشند. به عنوان مثال، ورشکستگی سرمایه‌گذار، ناتوانی در تأمین منابع مالی، عدم ارائه فناوری مطابق توافق یا تأخیرهای مکرر در تکمیل پروژه می‌توانند از مصادیق قصور محسوب شوند. دولت می‌زبان ممکن است تمایل داشته باشد فهرست جامعی از موارد قصور را در قرارداد بگنجانند تا بتواند در مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده، انعطاف لازم را داشته باشد. با این حال، تعریف کلی و مبهم قصور می‌تواند منجر به سوء تفاهم و اختلافات شود. بنابراین، توصیه می‌شود موارد قصور به صورت مشخص و با جزئیات در قرارداد ذکر شوند تا از تفسیرهای متفاوت جلوگیری شود. در صورت وقوع قصور از سوی سرمایه‌گذار، دولت می‌زبان باید مراحل مشخصی را طی کند. ابتدا باید اخطار رسمی ارسال شود و نوع و ماهیت قصور به صورت دقیق بیان گردد. سپس فرصتی معقول برای اصلاح نقض ارائه شود و اقدامات سرمایه‌گذار نظارت شود. در صورت عدم اصلاح در مدت مقرر، اظهارنامه فسخ ارسال شده و تاریخ مؤثر فسخ اعلام می‌شود. به این ترتیب، فسخ قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک باید به عنوان آخرین راهکار و در صورت نقض اساسی تعهدات از سوی سرمایه‌گذار مدنظر قرار گیرد. دولت می‌زبان باید با تعریف دقیق موارد قصور، ارائه فرصت‌های معقول برای اصلاح و استفاده از راهکارهای جایگزین، از انحلال غیرضروری قراردادها جلوگیری کند. این رویکرد نه تنها به حفظ منافع عمومی کمک می‌کند، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را نیز جلب می‌نماید.

۲- حق فسخ یک طرفه و یک جانبه در شرایط خاص:

در قراردادهای سرمایه گذاری مشترک، یکی از مهم ترین مواردی که باید به آن توجه شود، اختیار فسخ یک طرفه قرارداد توسط دولت میزبان است. این اختیار معمولاً برای مواردی در نظر گرفته می شود که به علت تغییرات غیرقابل پیش بینی در سیاست ها یا قوانین کشور میزبان، ادامه قرارداد به نفع آن کشور نباشد. برای مثال، دولت ممکن است با تغییرات جدید در سیاست های اقتصادی یا تجاری خود تصمیم بگیرد که دیگر نتواند با سرمایه گذار ادامه همکاری دهد. در صورتی که دولت میزبان بخواهد این حق فسخ اختیاری را برای خود نگه دارد، لازم است که این مسئله به طور دقیق در قرارداد ذکر شود تا هر دو طرف از آن آگاه باشند و از بروز اختلافات جلوگیری شود. در این نوع فسخ اختیاری، به طور معمول سرمایه گذار باید حق اعتراض نداشته باشد، مشروط بر اینکه خسارت او به طور کامل جبران گردد. این جبران خسارت می تواند شامل پرداخت مبلغی مناسب برای پوشش هزینه ها، سودهای ازدست رفته، و سایر ضرر و زیان های مرتبط باشد.

یکی از چالش های مهم در این زمینه این است که دولت میزبان نمی تواند از پیش مطمئن باشد که سرمایه گذاری مشترک می تواند تمام اهداف خود را در طول مدت قرارداد محقق سازد. تغییرات اقتصادی، سیاسی، یا حتی شرایط بازار می تواند باعث شود که ادامه همکاری به صرفه نباشد. در این صورت، فسخ قرارداد می تواند به عنوان بهترین راه حل مطرح شود. با این حال، در این وضعیت، دولت میزبان باید به طور منصفانه خسارت سرمایه گذار را جبران کند و نباید اجازه دهد که هیچ گونه بهره برداری ناعادلانه از سرمایه گذاری سرمایه گذار صورت گیرد. سرمایه گذاران ممکن است بر اساس ریسک هایی که پذیرفته اند و منابعی که به پروژه آورده اند، انتظار جبران خسارت کامل داشته باشند. در نتیجه، دولت باید شرایط منصفانه های برای فسخ قرارداد پیش بینی کند تا سرمایه گذار بتواند از تضمین هایی برای جبران خسارت های ناشی از فسخ برخوردار باشد. در نهایت، برای جلوگیری از اختلافات قانونی و عملی، مهم است که دولت میزبان در هنگام انعقاد قرارداد، توانایی فسخ یک طرفه را برای خود تضمین کند، حتی زمانی که سرمایه گذار به خوبی پروژه را پیش می برد، اما تغییرات سیاستی یا شرایط اقتصادی ایجاب کند که قرارداد به طور ناگهانی پایان یابد.

۳- حق فسخ به خاطر منافع عمومی مشروط به پرداخت خسارت به سرمایه گذار:

دولت‌های میزبان در بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک حق انحلال قرارداد به دلیل منافع عمومی را برای خود محفوظ می‌دارند. این حق به‌ویژه در شرایطی که دولت نیاز به انجام تغییرات قانونی، سیاسی یا اقتصادی برای حمایت از منافع عمومی یا امنیت ملی دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این حق معمولاً به‌عنوان "انحلال به دلیل تسهیلات" شناخته می‌شود و می‌تواند به دولت اجازه دهد که قراردادهای سرمایه‌گذاری را با اهداف عمومی و ملی لغو کند. در برخی از کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا، این حق تنها زمانی به دولت تعلق دارد که به طور خاص در مقررات یا قراردادهای مربوطه ذکر شده باشد. برای مثال، در کشورهای با سیستم حقوقی نوشته (مانند فرانسه و آلمان)، چنین حقوقی برای دولت‌ها وجود دارد، اما شرایط و نحوه اعمال آن به دقت در قوانین و قراردادهای تعریف شده است. با این حال، اعطای چنین حقی به دولت ممکن است برای سرمایه‌گذار ریسک‌های زیادی به همراه داشته باشد. اگر حق انحلال قرارداد به‌طور کلی و بدون توضیح و شرایط مشخص پیش‌بینی شود، سرمایه‌گذاران ممکن است از پذیرش این شرایط خودداری کنند. در چنین حالتی، آن‌ها ممکن است نگران از دست دادن منابع مالی و زمانی خود باشند و ترجیح دهند تنها در صورتی با چنین قراردادی وارد شوند که تضمین‌هایی برای جبران خسارات وارد شده در صورت انحلال بدون پیش‌دستی وجود داشته باشد. این شرایط می‌تواند به سرمایه‌گذار اطمینان دهد که در صورت تغییرات ناگهانی یا انحلال قرارداد به دلیل منافع عمومی، خساراتش جبران خواهد شد. بنابراین، برای جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی و اطمینان از جذب سرمایه‌گذاری، ضروری است که دولت میزبان و طرفین قرارداد، به دقت شرایط استفاده از این حق را در قرارداد مشخص کنند. این شرایط باید شامل توضیحاتی دقیق در خصوص وضعیت‌هایی باشد که دولت می‌تواند از این حق استفاده کند و همچنین تضمین‌هایی برای جبران خسارات سرمایه‌گذاران پیش‌بینی شود. با توجه به این موارد، توازن در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک حیاتی است تا هم منافع عمومی رعایت شود و هم حقوق سرمایه‌گذاران محفوظ بماند.

۶. فسخ سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی توسط سرمایه‌گذار

اعطای حق فسخ به سرمایه‌گذار در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک در مواردی که دولت میزبان از انجام تعهدات خود قصور می‌کند، یکی از ابزارهای مهم برای تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و ایجاد تعادل در روابط طرفین است. این حق، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ و پیچیده که نیازمند همکاری گسترده با دولت‌ها هستند،

اهمیت زیادی دارد. به سرمایه‌گذار این اطمینان را می‌دهد که در صورت قصور دولت در اجرای تعهدات اساسی، امکان فسخ قرارداد و جلوگیری از زیان‌های بیشتر وجود خواهد داشت.

اعطای این حق به سرمایه‌گذار به‌نوعی توازن را در قرارداد ایجاد می‌کند، زیرا در بسیاری از موارد، دولت میزبان ممکن است به دلایلی مانند تغییرات سیاسی، اقتصادی یا حتی مشکلات مالی قادر به انجام تعهدات خود نباشد. این مسئله می‌تواند به‌طور جدی بر منافع سرمایه‌گذار تأثیر بگذارد. به همین دلیل، حق فسخ به سرمایه‌گذار این اطمینان را می‌دهد که در صورت نقض تعهدات اساسی، قادر به حفظ منافع خود خواهد بود و سرمایه‌گذار می‌تواند با اطمینان بیشتری وارد پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک شود، زیرا می‌داند که در صورت بروز مشکلات در دولت میزبان، همچنان حقوق او محفوظ است و می‌تواند به‌سرعت اقدام به فسخ قرارداد کند. این مسئله برای جذب سرمایه‌گذاران به کشورهای میزبان که ممکن است با ریسک‌های سیاسی یا اقتصادی روبرو باشند، ضروری است و به دلیل امنیتی که ایجاد می‌کند، اعطای حق فسخ به سرمایه‌گذار می‌تواند جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران خارجی به همراه داشته باشد. این مسئله باعث می‌شود که کشور میزبان بتواند سرمایه‌های بیشتری جذب کند، به‌ویژه در زمینه‌های زیرساختی یا فناوری‌های پیچیده که نیازمند همکاری بلندمدت هستند. بنابراین، اعطای حق فسخ به سرمایه‌گذار به‌نوعی می‌تواند به بهبود شرایط قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک کمک کند، و در نهایت منجر به جذب سرمایه‌گذاری بیشتر و کاهش ریسک برای طرفین شود. با این حال، لازم است که در قراردادهای شرایط دقیق برای استفاده از این حق پیش‌بینی شود تا از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری گردد.

۷. خاتمه سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی به دلیل قوه قاهره

قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان توافق‌نامه‌هایی میان دو یا چند طرف برای همکاری در پروژه‌های مشترک، به‌ویژه در صنایع با سرمایه‌گذاری‌های کلان از اهمیت بالایی برخوردارند. این قراردادهای معمولاً برای مدت‌زمان طولانی تنظیم می‌شوند و در طول دوره اجرایی خود ممکن است با حوادث و شرایطی مواجه شوند که اجرای تعهدات قراردادی را دشوار یا غیرممکن می‌سازند. فورس مازور یا قوه قاهره به شرایطی اطلاق می‌شود که وقوع آن‌ها خارج از اراده و پیش‌بینی طرفین قرارداد است و انجام تعهدات را غیرممکن می‌سازد. این شرایط می‌توانند شامل حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، یا حوادث انسانی مانند جنگ، تروریسم و ناآرامی‌های اجتماعی باشند. در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، پیش‌بینی شرایط فورس مازور و تعیین

آثار آن بر تعهدات طرفین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هنگامی که یکی از طرفین قرارداد با شرایط فورس ماژور مواجه می‌شود، ممکن است قادر به انجام تعهدات خود نباشد. در این صورت، بسته به مفاد قرارداد، ممکن است تعهدات طرف متأثر به تعویق بیفتد یا حتی قرارداد به طور موقت یا دائم معلق شود. برخی از قراردادهای پیش‌بینی می‌کنند که در صورت ادامه شرایط فورس ماژور برای مدت معین، هر یک از طرفین می‌توانند قرارداد را فسخ کنند. یکی از مسائل کلیدی در تنظیم قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، تخصیص ریسک‌های مرتبط با فورس ماژور است. طرفین باید به‌وضوح تعیین کنند که در صورت وقوع فورس ماژور، کدام طرف مسئولیت را بر عهده می‌گیرد و چه اقداماتی برای کاهش آثار آن انجام خواهد شد. این تخصیص ریسک می‌تواند بر اساس نوع فورس ماژور (طبیعی یا سیاسی) و تأثیر آن بر پروژه تعیین شود. در سطح بین‌المللی، بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک با شرایط فورس ماژور مواجه شده‌اند. برای مثال، در صنعت نفت و گاز، وقوع جنگ‌ها یا تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند به‌عنوان فورس ماژور تلقی شود و تأثیرات قابل‌توجهی بر اجرای پروژه‌ها داشته باشد. در این موارد، تخصیص ریسک و تعیین آثار فورس ماژور بر اساس مفاد قرارداد و قوانین حاکم بر آن انجام می‌شود. در نهایت، پیش‌بینی شرایط فورس ماژور و تعیین آثار آن بر تعهدات طرفین در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، نیازمند دقت و توجه به جزئیات است. تخصیص مناسب ریسک و تعیین سازوکارهای مقابله با فورس ماژور می‌تواند از بروز اختلافات و مشکلات حقوقی در آینده جلوگیری کند و به حفظ منافع طرفین کمک نماید.

قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به دلیل ماهیت طولانی‌مدت و پیچیدگی‌های اقتصادی و عملیاتی خود، به طور معمول با شرایط فورس ماژور مواجه می‌شوند. این شرایط، حوادثی غیرقابل‌پیش‌بینی و خارج از اراده طرفین هستند که توانایی آن‌ها برای اجرای تعهدات را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. در خصوص فورس ماژور، واژه «قوه قاهره» را به کار می‌رود. اصطلاح قوه قاهره به نیرویی اشاره دارد که مقاومت‌ناپذیر و خارجی است و به طور معمول شامل حوادث طبیعی می‌شود، مانند سیل، زلزله، طوفان و سایر بلایای طبیعی که مانع از انجام تعهدات قراردادی می‌شوند. این شرایط فورس ماژور به طور مستقیم یا غیرمستقیم به طرفین قرارداد اثر می‌گذارند و ممکن است اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک را با چالش‌هایی مواجه سازند. به همین دلیل، پیش‌بینی و تعیین آثار این شرایط در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک از اهمیت بالایی برخوردار است.

^۳ برای تشخیص وقوع قوه قاهره، لازم است وصف ناگهانی به آن افزوده شود تا حوادثی که قابل پیش‌بینی یا انتظار از قبل بودند، از شمول فورس مازور خارج گردند. به عبارت دیگر، قوه قاهره باید حادثه‌ای باشد که به صورت ناگهانی و غیرمنتظره رخ دهد و خارج از کنترل طرفین باشد. بنابراین، قوه قاهره به هر حادثه‌ای اطلاق می‌شود که مانع از انجام تعهدات قرارداد از سوی یکی از طرفین شود، اما این حادثه نباید ناشی از تقصیر یا قصور یکی از طرفین قرارداد باشد و همچنین به طور معقول قابل پیش‌بینی نباشد.

شرایط مربوط به فورس مازور معمولاً در اغلب قراردادهای پیش‌بینی می‌شود. به طور کلی، در بسیاری از قراردادهای زیان‌های ناشی از قوه قاهره بر عهده طرفی گذاشته می‌شود که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته است. باین‌حال، این موضوع همیشه در قراردادهایی که یکی از طرفین آن دولتی باشد، صادق نیست. چرا که دولت‌ها معمولاً به دلایل مختلف ممکن است نتوانند همانند بخش خصوصی از ظرفیت‌های بیمه‌ای یا سایر ابزارهای کاهش ریسک استفاده کنند. در این موارد، می‌توان برخی شرایط را متفاوت و پیچیده‌تر ارزیابی کرد.

فورس مازور به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: فورس مازور طبیعی و فورس مازور سیاسی. فورس مازور طبیعی شامل حوادثی است که به طور معمول از طبیعت ناشی می‌شوند و خارج از اراده طرفین قرارداد هستند. این حوادث شامل اتفاقاتی نظیر آتش‌سوزی، انفجار، شرایط آب‌وهوایی غیرمعمول مانند سیل و زلزله می‌شوند. این نوع از فورس مازور به طور کلی منجر به بروز آسیب‌های جدی به پروژه‌ها و تأسیسات می‌شود و معمولاً بر عهده طرفی است که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته است. در مقابل، فورس مازور سیاسی به حوادث ناشی از عوامل سیاسی مانند جنگ، تروریسم و ناآرامی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. این نوع فورس مازور می‌تواند به تعطیلی کامل پروژه منجر شود و از آنجایی که خارج از اراده طرفین قرارداد است، تأثیرات جدی بر سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌ها می‌گذارد. در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، چنانچه انتقال تأسیسات به دولت میزبان در پایان قرارداد صورت گیرد، این دولت باید ریسک مالکیت این تأسیسات را بپذیرد. اگر فورس مازور سیاسی به طور دائمی مانع از اجرای تعهدات شود، رویکرد عادلانه برای دولت میزبان این است که هزینه تسویه سرمایه و همچنین خسارتی برای انحلال را پرداخت کند. باین‌حال، خسارت دریافتی از بیمه باید از این مبلغ کسر شود. اقدامات دولت میزبان مانند مصادره پروژه یا ممنوعیت انتقال ارز معمولاً به عنوان قصور در نظر گرفته می‌شوند و می‌توانند بر میزان مسئولیت‌ها و جبران خسارت‌ها تأثیرگذار باشند. فورس

^۳ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، تهران، شرکت سهامی انتشار، جلد چهارم، چاپ هفتم، ص ۱۸۰.

ماژور به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: حوادث موقت و مقطعی، مانند بلایای طبیعی که تأثیر کوتاه‌مدت دارند، و حوادث پایدار و شدید، مانند فورس ماژور سیاسی که می‌تواند به انحلال کامل پروژه منجر شود و نیاز به سرمایه‌گذاری مجدد برای بازسازی داشته باشد. این تفکیک به نحوه مدیریت خسارت‌ها و حمایت‌های بیمه‌ای از طرفین قرارداد کمک می‌کند.

مطابق با یک تقسیم‌بندی دیگر، می‌توان فورس ماژور را به دو دسته کلی تقسیم کرد: حوادثی که موجب اختلال موقت در سرمایه‌گذاری مشترک می‌شوند و حوادثی که به طور کامل پروژه را ویران کرده و ادامه فعالیت بدون سرمایه‌گذاری جدید را غیرممکن می‌سازند. حوادثی که به اختلال موقت منجر می‌شوند، معمولاً قابل کنترل و مدیریت هستند و تأثیر آن‌ها به مرور زمان کاهش می‌یابد. در مقابل، حوادث ویرانگر مانند فورس ماژور سیاسی یا بلایای طبیعی شدید، می‌توانند به طور کامل پروژه را از بین ببرند و نیاز به بازسازی گسترده داشته باشند. این دسته از فورس ماژور، تحت شمول بیمه قرار می‌گیرند. به این ترتیب، چنانچه تأسیسات آسیب‌دیده بازسازی نشوند، این موضوع ممکن است به عنوان قصور از ناحیه شرکت پروژه تلقی شده و مسئولیت‌های قراردادی به همان صورت تعیین گردد. در این حالت، شرکت پروژه ممکن است تنها مبالغ ناچیزی بابت خسارت انحلال دریافت کند. اما اگر پروژه تحت پوشش بیمه باشد، می‌تواند از مزایای بیمه نیز بهره‌مند شوند.^{۵۴}

هنگامی که فورس ماژور رخ می‌دهد شخص متأثر باید به محض امکان برای طرف مقابل اظهارنامه‌ای ارسال کند؛ این اظهارنامه باید مشتمل بر جزئیات فورس ماژور و دلایل آثار آن بر تعهدات طرف متأثر و پیشنهادهای طرف اخیر برای کاهش آثار فورس ماژور باشد بلافاصله پس از ارسال اظهارنامه فوق طرفین باید جلسه‌ای تشکیل داده و با حسن نیت تمام تلاش خود برای توافق در خصوص مدتی مناسب جهت کاهش آثار فورس ماژور به عمل آورند و اجرای قرارداد را تسهیل نمایند. در صورتی که در مورد مدت زمان توافق نشود یا با توافق و گذشت زمان همچنان فورس ماژور یا آثار آن باقی باشد به طوری که طرف متأثر از انجام تعهداتش ناتوان باشد در این صورت هر یک از طرفین می‌تواند قرارداد را با ارسال اظهارنامه‌ای برای طرف مقابل فسخ کند. البته باید این حق را برای دولت میزبان طرف قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک قائل شد در صورتی که

^{۵۴} E. R. Yescombe, Public-Private Partnerships Principles of Policy and Finance. P.287

سرمایه‌گذار برای این بخش اظهارنامه ارسال و اعلام کند می‌خواهد آن را فسخ نماید دولت میزبان طرف قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک اختیار داشته باشد فسخ را بپذیرد یا پاسخ دهد می‌خواهد قرارداد ادامه پیدا کند. قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، شرایط انحلال را در صورت وقوع فورس مازور که برای مدت طولانی مانع از انجام تعهدات می‌شود، در نظر می‌گیرند. این شرایط به این معناست که اگر شرایط خاصی پیش آید که هیچ‌یک از طرفین در وقوع آن دخیل نبوده و نمی‌توانند آن را کنترل کنند، قرارداد می‌تواند به صورت توافقی یا بر اساس شروطی خاص منحل شود. پارامترهای اصلی فورس مازور شامل سه ویژگی اصلی است: غیرقابل پیش‌بینی بودن، اجتناب‌ناپذیری و خارج از اراده طرفین. به این معنا که وقوع این شرایط به هیچ‌وجه به اراده طرفین وابسته نیست و آن‌ها نمی‌توانند از وقوع این حوادث جلوگیری کنند. به عنوان مثال، وقوع بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، جنگ‌ها یا تحریم‌های اقتصادی، مواردی از فورس مازور هستند که می‌تواند مانع از انجام تعهدات طرفین شوند. اصل کلی در اینجا این است که زمانی که فورس مازور اتفاق می‌افتد و مانع از اجرای تعهدات می‌شود، هیچ‌کدام از طرفین به دلیل قصور خود مسئول نیستند. از این رو، بر اساس قواعد حقوقی، مسئولیت انحلال قرارداد باید به طور عادلانه تقسیم شود. به این معنا که در صورتی که چنین شرایطی رخ دهد و قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک با این چالش مواجه شود، طرفین معمولاً توافق می‌کنند که هزینه‌ها و خسارات ناشی از فورس مازور به طور مساوی تقسیم شوند. فورس مازور تنها به عنوان عاملی که مسئولیت‌ها را کاهش می‌دهد، مطرح نمی‌شود. بلکه می‌تواند به عنوان یکی از شرایط فسخ قرارداد نیز عمل کند. در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، ممکن است طرفین شروطی داشته باشند که به آن‌ها اجازه دهد در صورت وقوع فورس مازور، در مدت معین از ادامه تعهدات خود معاف شوند یا حتی قرارداد را به صورت یک‌طرفه فسخ نمایند. برای مثال، ممکن است طرفین توافق کنند که اگر وقوع فورس مازور باعث شود جوینت ونچر (شرکت سرمایه‌گذاری مشترک) نتواند به اهداف خود دست یابد یا ادامه فعالیت ممکن نباشد، یکی از طرفین پس از گذشت مدت مشخصی می‌تواند قرارداد را فسخ کند. این شرط به طرف دیگر اجازه می‌دهد تا در چنین شرایطی از تعهدات خود رها شود و با مشکلات جدی مواجه نشود. با این حال، لازم به ذکر است که هر واقعه‌ای به طور مطلق فورس مازور تلقی نمی‌شود. بسیاری از حوادث ممکن است شرایطی را فراهم کنند که در حالت خاص با جمع اوصاف سه‌گانه مذکور (غیرقابل پیش‌بینی، اجتناب‌ناپذیر و خارج از اراده طرفین) به وقوع بپیوندند و در نتیجه، به عنوان فورس مازور شناخته شوند. این امر بستگی به نحوه تعریف و محدودیت‌های مقرر در قرارداد دارد. بر اساس اصول حقوقی داخلی نیز می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که فورس مازور صرفاً به عنوان یک عامل رفع‌کننده مسئولیت مطرح است و در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک

ممکن است به عنوان یکی از شرایط فسخ قرارداد تلقی شود. بدین معنا که طرفین توافق می کنند در صورت وقوع فورس مازور و ناتوانی در اجرای تعهدات، پس از گذشت مدت معین، قرارداد را فسخ کنند و مسئولیت های ناشی از آن به طور عادلانه تقسیم شود.

قسمت پنجم: حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری مشترک

از دیگر موضوعات دشوار سرمایه گذاری مشترک بحث تعیین قانون حاکم و روش های حل و فصل اختلاف است. ممکن است شرکا از کشورهای مختلفی بوده و سرمایه گذار و دولت میزبان، پروژه اقامتگاه و تابعیت متفاوتی داشته و خواستار اعمال قوانین حاکم متفاوتی باشند.

بند اول: لزوم پیش بینی سیستم حل اختلاف در قرارداد

در سرمایه گذاری های مشترک، به ویژه هنگامی که این سرمایه گذاری ها بلندمدت و پیچیده هستند، اختلافات بین طرفین، به ویژه بین سرمایه گذار و دولت میزبان، امری طبیعی است. این اختلافات معمولاً به دلیل فرایندهای اجرایی، پرداخت ها و شرایط مبهم قرارداد به وجود می آیند. از آنجایی که این قراردادها پیچیده و به طور معمول ناقص اند، فضا برای تفسیرهای مختلف ایجاد می شود که می تواند منجر به اختلافات شود.

قراردادهای سرمایه گذاری معمولاً به فرایندهای مالی پیچیده و زمان بندی های خاصی برای پرداخت ها وابسته هستند. در صورت عدم تطابق انتظارات یا تأخیر در پرداخت ها، ممکن است اختلافاتی پیش آید و همچنین از آنجایی که قراردادهای سرمایه گذاری مشترک معمولاً کامل و شفاف نیستند، فضا برای تفسیرهای مختلف ایجاد می شود و این می تواند به ناآرامی ها و اختلافات حقوقی منتهی گردد. به ویژه اگر مسائلی مانند شرایط تغییرات اقتصادی، سیاسی یا حتی بحران های غیرمنتظره (مثل پاندمی ها) پیش بیاید. هرگاه قرارداد به وضوح همه جنبه ها را پوشش ندهد، طرفین ممکن است تفسیرهای متفاوتی از مفاد قرارداد داشته باشند. به همین دلیل، نهاد ناظر و افرادی که مسئول نظارت بر اجرای قرارداد هستند باید مراقب باشند که از بروز اختلافات رسمی جلوگیری کنند و باید به وضوح روش حل اختلافات را مشخص نمود. این می تواند شامل داوری، میانجی گری یا انتخاب مرجع قضائی خاصی باشد. هدف این است که در صورت بروز مشکل، طرفین سریعاً به یک راه حل مشخص دست یابند و اختلافات به مرحله قضائی نرسد. پس، اختلافات در پروژه های سرمایه گذاری مشترک، به ویژه در مراحل پیچیده و طولانی مدت، اجتناب ناپذیر است. با این حال، پیش بینی روش های حل اختلاف در قرارداد و نظارت مؤثر بر روند اجرا می تواند از تشدید مشکلات جلوگیری کند.

همچنین، ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و شفاف‌سازی از طریق جلسات منظم، یکی از بهترین راه‌ها برای جلوگیری از بروز اختلافات جدی است.

تأسیس یک رژیم حل اختلاف مناسب و کارآمد در قراردادهای مشارکت، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ و بلندمدت، برای تسریع در حل اختلافات و جلوگیری از اطاله دادرسی بسیار ضروری است. این سیستم‌های ازپیش‌تعیین‌شده توسط طرفین قرارداد می‌توانند مزایای زیادی به همراه داشته باشند که در زیر به برخی از مهم‌ترین این مزایا اشاره می‌شود:

صرفه‌جویی در هزینه‌ها و زمان: یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از سیستم‌های حل اختلاف ازپیش‌تعیین‌شده (مانند داوری یا میانجی‌گری) این است که برخلاف مراجعه به دادگاه، این روش‌ها معمولاً سریع‌تر و ارزان‌تر هستند. هزینه‌های مرتبط با دادگاه‌ها و فرایندهای دادرسی می‌تواند بسیار زیاد و زمان‌بر باشد. با استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف، طرفین می‌توانند از هزینه‌های غیرضروری جلوگیری کرده و به حل مسئله در مدت زمان کوتاه‌تری دست یابند.

جلوگیری از اطاله دادرسی: در صورتی که اختلافات به دادگاه‌ها ارجاع داده شود، ممکن است فرایند رسیدگی طولانی و پیچیده باشد که باعث تأخیر در پروژه‌ها و اختلال در فعالیت‌های تجاری می‌شود. با ایجاد یک سیستم حل اختلاف شفاف و ازپیش‌تعیین‌شده، می‌توان اطمینان حاصل کرد که اختلافات در همان مراحل ابتدایی حل و فصل می‌شوند و از زمان‌بر شدن فرایند جلوگیری می‌شود.

حل و فصل سریع اختلافات: سیستم‌های حل اختلاف پیش‌بینی‌شده به طور خاص به دنبال یافتن راه‌حل‌های سریع و عملی هستند. این روش‌ها می‌توانند اختلافات را در مراحل ابتدایی تشخیص داده و در نتیجه تأثیر کمتری بر روند اجرایی و تحویل خدمات داشته باشند. از آنجاکه حل اختلافات سریع‌تر می‌شود، احتمال اختلال در ارائه خدمات کاهش می‌یابد و پروژه‌ها با بازدهی بیشتری پیش می‌روند.

حفظ ارزش‌آفرینی و منافع عمومی: با تسریع در فرایند حل اختلاف و جلوگیری از توقف پروژه‌ها، منابع موجود در پروژه به طور مؤثرتر مدیریت می‌شوند و از هرگونه آسیب به منافع عمومی و ارزش‌آفرینی جلوگیری می‌شود. در پروژه‌های بزرگ و پیچیده که به توسعه زیرساخت‌ها یا خدمات عمومی مربوط می‌شوند، این امر اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا اختلال در این پروژه‌ها می‌تواند اثرات منفی زیادی بر جامعه و اقتصاد داشته باشد.

در مجموع، تأسیس یک رژیم حل اختلاف مناسب می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در تسریع پروژه‌ها، کاهش هزینه‌ها، و جلوگیری از مشکلات طولانی‌مدت داشته باشد. این سیستم‌ها همچنین به طرفین قرارداد اطمینان می‌دهند که در صورت بروز اختلاف، راه‌حل‌های سریع و کارآمد در دسترس خواهد بود.

معین کردن فرایند حل اختلاف در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به شدت به تسریع در حل و فصل اختلافات و جلوگیری از اختلال در روند پروژه‌ها کمک می‌کند. این فرایند به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ و پیچیده که منابع زیادی را درگیر می‌کنند، می‌تواند تأثیر زیادی بر حفظ جریان اجرایی و جلوگیری از آسیب به منافع عمومی و طرفین پروژه داشته باشد. در واقع، این مکانیسم‌ها می‌توانند از بروز بحران‌های حقوقی بزرگ جلوگیری کنند و باعث کاهش ریسک‌های مرتبط با اختلافات، هم برای سرمایه‌گذار و هم برای دولت میزبان شوند. بسیاری از کشورها مکانیسم‌های حل اختلاف را در قوانین ملی خود برای اعمال بر قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک پیش‌بینی می‌کنند. این رویکرد تضمین می‌کند که در صورت بروز اختلاف، طرفین به روشی استاندارد و سریع اقدام کنند که به نفع تمام طرف‌ها باشد. از جمله روش‌های معمول حل اختلاف می‌توان به داوری، میانجی‌گری، یا تعیین مراجع قضایی خاص اشاره کرد که در قرارداد پیش‌بینی شده است. با این حال، حتی اگر قراردادها و قوانین به‌وضوح شفاف باشند و روابط کاری میان طرفین خوب باشد، هنوز احتمال بروز اختلافات وجود دارد. این نکته به‌وضوح نشان می‌دهد که طراحی سیستم‌های حل اختلاف کارآمد، ضروری است. هیچ‌کدام از سیستم‌ها نمی‌توانند به طور کامل از بروز اختلاف جلوگیری کنند، اما می‌توانند این اختلافات را به روشی سریع، مؤثر و با کمترین اختلال در پروژه‌ها حل و فصل کنند. در نتیجه، طراحی یک سیستم حل اختلاف کارآمد و پیش‌بینی شده در قرارداد، نه تنها برای طرفین قرارداد بلکه برای تضمین موفقیت پروژه و جلوگیری از هرگونه تأثیر منفی بر منافع عمومی اهمیت زیادی دارد.

در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، برای سرمایه‌گذاران خارجی یکی از نگرانی‌های اصلی این است که بتوانند همانند شرکت‌های داخلی، دسترسی برابر به سیستم قضائی کشور میزبان داشته باشند. این امر از آن جهت اهمیت دارد که در صورت بروز اختلاف، سرمایه‌گذار باید اطمینان داشته باشد که قادر است از حقوق خود در دادگاه‌ها دفاع کند و به طور عادلانه با او برخورد شود. یکی دیگر از مسائل کلیدی در این زمینه، حق طرفین قرارداد برای انتخاب قانون حاکم بر قرارداد است. در واقع، سرمایه‌گذاران خارجی باید این امکان را داشته باشند که خود تصمیم بگیرند که کدام سیستم حقوقی و قانونی بر قرارداد آن‌ها حاکم باشد، به‌ویژه زمانی که طرفین از کشورهای مختلف هستند. این نکته باید در قرارداد به طور شفاف قید شود که چه قانونی در

صورت بروز اختلاف باید اعمال شود. یکی از مسائل دیگر، قابلیت اجرای احکام خارجی است. احکام قضائی که در کشورهایی دیگر صادر می‌شوند باید قابل اجرا در کشور میزبان باشند تا سرمایه‌گذار خارجی بتواند به راحتی از احکام صادره بهره‌برداری کند. در صورتی که کشور میزبان محدودیت‌های حقوقی غیرضروری برای این موضوع داشته باشد، این امر می‌تواند به مانع جدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شود.

برای جلوگیری از بروز اختلال در پروژه‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری مشترک، باید یک فرایند مشخص و شفاف برای حل اختلافات از پیش تعیین شود. این فرایند معمولاً به صورت سلسله‌مراتبی طراحی می‌شود که ابتدا با مذاکره شروع شده و در صورت عدم دستیابی به توافق، به میانجی‌گری و در نهایت به داوری الزام‌آور یا رسیدگی قضائی می‌انجامد. این رویکرد نه تنها برای تسریع در حل اختلافات بلکه برای جلوگیری از ایجاد پروسه‌های پیچیده و چندجانبه ضروری است. بنابراین، تمامی طرفین باید به توافق برسند که کدام مرجع قضائی یا داوری باید در صورت بروز اختلافات به مسئله رسیدگی کند. همچنین در پروژه‌های چندملیتی که سازمان‌ها از کشورهای مختلف درگیر هستند، تعیین یک قانون واحد برای حل اختلافات بسیار حیاتی است. در این موارد، مهم است که تمامی قراردادهای به یک قانون واحد ارجاع داده شوند که این قانون باید با زمینه‌های حقوقی و تجاری طرفین هماهنگ باشد تا از بروز مشکلات در تفسیر و اجرای قراردادهای جلوگیری شود. در نتیجه، انتخاب مکانیزم‌های حل اختلاف و تعیین مرجع رسیدگی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک نه تنها از لحاظ حقوقی ضروری است، بلکه برای حفظ نظم، تسریع در حل اختلافات و تضمین حقوق طرفین اهمیت ویژه‌ای دارد.

بند دوم: روش‌های حل اختلاف در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک

در این قسمت به روش‌های پیشگیری از بروز اختلاف مانند همکاری، اخطار، مذاکره و کارشناسی، داوری غیرالزام‌آور پرداخته می‌شود.

۱. اخطار

اخطار زودهنگام^{۵۵} یکی از ابزارهای حیاتی در پیشگیری از بروز اختلافات در قراردادهای سرمایه‌گذاری و دیگر قراردادهای تجاری است. این سازوکار به طرفین این امکان را می‌دهد که در مراحل اولیه بروز مشکلات یا احتمالات اختلاف، طرف مقابل را آگاه کنند. در صورتی که یکی از طرفین احساس کند که وضعیت موجود

^{۵۵}Early Warning

یا ادعای طرف مقابل ممکن است به یک اختلاف جدی منجر شود، باید فوراً این موضوع را به اطلاع طرف دیگر برساند. این کار نه تنها به جلوگیری از پیچیده‌تر شدن مسائل کمک می‌کند؛ بلکه امکان مدیریت بهتر بحران‌ها و حل و فصل مسائل قبل از تبدیل شدن به مشکل بزرگ‌تر را فراهم می‌آورد. تأخیر در اعلام این ادعاها ممکن است منجر به پیچیدگی بیشتر در اثبات آن‌ها و افزایش هزینه‌ها شود. به همین دلیل، بسیاری از قراردادهای شرایطی را برای اخطار زودهنگام تعیین می‌کنند که در آن شخص مدعی باید ظرف مدت مشخصی ادعای خود را همراه با دلایل لازم به طرف مقابل تسلیم کند. در صورتی که شخص مدعی در این زمینه تأخیر کند، ممکن است ضمانت‌های اجرایی مانند مسموع نبودن ادعا وجود داشته باشد. این شیوه نه تنها به حل سریع‌تر اختلافات کمک می‌کند؛ بلکه با پیشگیری از افزایش دامنه مشکلات، به حفظ حسن نیت و روابط تجاری میان طرفین پروژه نیز کمک می‌کند. از این رو، اخطار زودهنگام به‌ویژه در پروژه‌های بلندمدت و پیچیده، یک ابزار مهم برای کاهش ریسک‌ها و حفظ نظم است. این نوع از سازوکار معمولاً در قراردادهای پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک گنجانده می‌شود و یکی از بهترین شیوه‌ها برای جلوگیری از بروز اختلافات شدید است که می‌تواند موجب اتلاف منابع و زمان شود.

اگر طرفین به محض شناسایی یک مشکل یا اختلاف احتمالی، یکدیگر را مطلع کنند، می‌توانند پیش از تبدیل شدن آن به یک مشکل بزرگ، راه‌حل‌هایی پیدا کنند. این اقدام می‌تواند مانع از بروز اختلافات جدی یا طولانی مدت شود. همچنین، ارسال اخطار به موقع به طرف مقابل، نشانه‌ای از حسن نیت و تمایل به همکاری است. این امر به طرفین اطمینان می‌دهد که آن‌ها در راستای منافع مشترک حرکت می‌کنند و هرگونه تأخیر در اعلام یک ادعا می‌تواند به دشوارتر شدن اثبات آن منجر شود. با ارسال اخطار زودهنگام، هر دو طرف به یک شفافیت مشترک در رابطه با مشکلات یا اختلافات احتمالی دست می‌یابند که می‌تواند باعث تسریع در حل و فصل مسائل شود.

برخی قراردادهای برای جلوگیری از تأخیر در اعلام ادعا، ضمانت اجرایی تعیین می‌کنند که ممکن است به صورت مسموع نبودن ادعا باشد، به این معنا که اگر طرفی در اعلام به موقع ادعا تأخیر کند، آن ادعا ممکن است از نظر قانونی پذیرفته نشود.

در ادامه، یک نمونه از ماده قراردادی مرتبط با اخطار زودهنگام آمده است که می‌تواند در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک گنجانده شود:

«هر یک از طرفین قرارداد موظف است در صورتی که به دلیل رویدادهای خاص یا احتمال بروز ادعای حقوقی از سوی طرف مقابل، احساس کند که ممکن است اختلافی به وجود آید، فوراً و در اسرع وقت به طرف مقابل این مسئله را اطلاع دهد. طرفی که احساس می‌کند اختلافی در حال شکل‌گیری است، موظف است حداکثر ظرف مدت [مدت زمان، مثلاً ۱۰ روز] پس از شناسایی مشکل یا ایجاد احتمالات اختلاف، به صورت کتبی و مستند، طرف مقابل را از این موضوع آگاه سازد. در اخطار مذکور، طرف باید به طور کامل و دقیق جزئیات مشکل یا ادعای احتمالی و دلایل و مدارک مربوطه را ارائه کند. تأخیر در ارسال این اخطار یا ارسال آن بدون مدارک کافی، ممکن است به طور اتوماتیک موجب غیرمجاز بودن ادعا و ازدست‌رفتن حق طرح آن گردد. در صورتی که طرفی اخطار مذکور را در مهلت مقرر ارسال نکند، طرف مقابل حق دارد تا آن ادعا را غیرمعتبر اعلام کرده و از آن صرف‌نظر نماید. همچنین، تأخیر در ارسال اخطار می‌تواند باعث مسئولیت طرف تأخیر کننده در پرداخت هزینه‌های اضافی یا جبران خسارات مربوطه گردد.»

لازم به ذکر است که مهلت زمانی باید به اندازه کافی منطقی باشد تا طرفین بتوانند در صورت بروز مشکل، اخطار را ارسال کنند، اما در عین حال باید از تأخیرات طولانی مدت جلوگیری کند و باید مشخص شود که اخطار باید به چه شکل، از طریق چه روشی و به کجا ارسال شود (برای مثال: ایمیل رسمی، پست الکترونیکی، پست فیزیکی و غیره). برای جلوگیری از تأخیر در ارسال اخطار، ممکن است لازم باشد ضمانت‌های اجرایی مانند مسموع نبودن ادعا یا جبران هزینه‌های اضافی پیش‌بینی شود. در نهایت، استفاده از اخطار زود هنگام می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر در مدیریت ریسک‌ها و پیشگیری از بروز اختلافات در قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری مشترک باشد. این امر نه تنها از بروز اختلافات جلوگیری می‌کند، بلکه به حل سریع‌تر مشکلات و حفظ روابط تجاری کمک می‌نماید.

۲. همکاری

همکاری یکی از مهم‌ترین ابزارها برای جلوگیری از بروز اختلافات در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و سایر قراردادهای تجاری است. ایجاد یک محیط کاری مشارکتی و مبتنی بر اعتماد می‌تواند از بروز مشکلات حقوقی و عملی جلوگیری کند و به تحقق اهداف پروژه کمک کند. این نوع همکاری به دو طرف اجازه می‌دهد که در مراحل اولیه پروژه اختلافات احتمالی را شناسایی کرده و به سرعت به راه‌حل‌های مشترک دست یابند. ایجاد فضایی از اعتماد و شفافیت بین طرفین قرارداد موجب می‌شود که مشکلات از ابتدا شناسایی شوند

و از پیچیدگی‌های احتمالی جلوگیری گردد و با همکاری مستمر و تعامل مثبت، طرفین می‌توانند در فرایند تصمیم‌گیری به شکلی مشارکتی عمل کنند و نظرات مختلف را در نظر بگیرند که این امر به ایجاد راه‌حل‌هایی جامع و مؤثر می‌انجامد. در صورتی‌که طرفین با یکدیگر همکاری کنند، احتمال اینکه مسائل و اختلافات به سرعت شناسایی و حل شوند، بیشتر است. همکاری باعث می‌شود طرفین بر رفع مشکلات تمرکز کرده و به جای تلاش برای اثبات حق خود، به دنبال بهترین راه‌حل برای همه باشند. زمانی که همکاری بر اساس یک رابطه متقابل و احترام متقابل ایجاد شود، هر دو طرف احساس مسئولیت بیشتری نسبت به موفقیت پروژه خواهند داشت. این تعهد می‌تواند به کاهش احتمال بروز اختلافات کمک کند.

در ادامه، یک نمونه از ماده قراردادی مرتبط با همکاری آمده است که می‌تواند در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک گنجانده شود:

«طرفین این قرارداد متعهد می‌شوند که به طور فعال در پیشبرد اهداف پروژه همکاری کرده و تمامی اقدامات لازم را برای دستیابی به نتایج موفقیت‌آمیز به عمل آورند. طرفین موظف به ایجاد یک محیط کاری متقابل و مبتنی بر اعتماد هستند که در آن اختلافات به طور مؤثر و سریع شناسایی و حل شوند. طرفین باید با شفافیت کامل هرگونه مشکلی را که ممکن است در فرایند پروژه به وجود آید، به طور سریع و بدون تأخیر به اطلاع یکدیگر برسانند و با همکاری برای حل آن اقدام کنند. طرفین توافق می‌کنند که به صورت منظم جلسات هماهنگی و بررسی پیشرفت پروژه برگزار کنند تا از بروز اختلافات پیشگیری شود و مشکلات به طور مشترک حل شوند.»

در نهایت، ایجاد و حفظ محیطی از اعتماد و همکاری می‌تواند از بروز اختلافات جدی جلوگیری کند و باعث تسریع در روند اجرایی پروژه‌ها شود. این امر در تمامی مراحل پروژه، از طراحی اولیه تا اجرا و حتی خاتمه، می‌تواند بسیار مفید باشد.

۳. ارزیابی غیرالزام‌آور کارشناسی

ارزیابی غیرالزام‌آور کارشناسی یکی از روش‌های مهم حل اختلافات در پروژه‌های پیچیده و بلندمدت است که می‌تواند در جلوگیری از بروز اختلافات بزرگ و جلوگیری از هدر رفت منابع و زمان مؤثر باشد. در این روش، هنگامی که اختلافات عمده‌تاً به مسائل فنی یا تخصصی مرتبط با اجرای قرارداد یا استانداردهای فنی

مربوط می‌شوند، طرفین می‌توانند با توافق یک کارشناس یا هیئت کارشناسی مستقل و بی‌طرف، ماهیت اختلافات را ارزیابی کنند. اگرچه نظر این کارشناس الزام‌آور نیست، اما می‌تواند پایه‌ای برای شروع مذاکرات و تسهیل فرایند حل اختلاف باشد. این روش به‌ویژه در پروژه‌های ساختمانی یا زیرساختی که در آن‌ها تعیین دقیق مشخصات فنی و تطابق با قراردادها امری حیاتی است، مفید است. به‌عنوان مثال، اگر دو طرف در خصوص تطابق اجرای کارها با مشخصات قراردادی اختلاف داشته باشند، کارشناس می‌تواند نظر خود را بر اساس ارزیابی‌های فنی ارائه دهد و این ارزیابی‌ها می‌تواند به طرفین در درک بهتر وضعیت و اتخاذ تصمیمات صحیح کمک کند. استفاده از ارزیابی غیرالزام‌آور کارشناسی مزایای زیادی دارد. اولاً، هزینه‌ها و زمان موردنیاز برای روش‌های رسمی‌تر مثل داوری یا دادرسی به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. ثانیاً، این فرایند می‌تواند به‌سرعت موضوعات مورد اختلاف را روشن کرده و به طرفین کمک کند تا در مراحل اولیه اختلافات را حل کنند. علاوه بر این، زمانی که کارشناس یا هیئت کارشناسی به طور مناسب و بی‌طرف انتخاب شده باشد، احتمال حل مشکل بدون نیاز به مراحل طولانی مدت قانونی افزایش می‌یابد.

به طور معمول، ارزیابی‌های غیرالزام‌آور کارشناس می‌تواند در دو مرحله مهم در پروژه‌ها انجام شود: مرحله اول، در جریان اجرای پروژه و زمانی که طرفین به توافق نمی‌رسند؛ مرحله دوم، زمانی که اختلافات به مراحل جدی‌تر پیش می‌روند و ممکن است منجر به داوری یا دادرسی شوند. این فرایند می‌تواند با استفاده از یک کارشناس واحد یا هیئت کارشناسی متشکل از کارشناسان مختلف به‌منظور تضمین بی‌طرفی و دقت بیشتر صورت پذیرد. در مواقعی که طرفین نتوانند به یک توافق در انتخاب کارشناس برسند، می‌توان از توافق دو طرف برای انتخاب یک کارشناس سوم استفاده کرد که از طریق توافق دو کارشناس اولیه انتخاب می‌شود.

در نهایت، ارزیابی غیرالزام‌آور کارشناسی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مهم برای اجتناب از طولانی‌شدن فرایندهای قضائی و حفظ منابع در پروژه‌های بزرگ و پیچیده باشد. این روش نه‌تنها باعث تسهیل در حل اختلافات می‌شود بلکه می‌تواند در حفظ روابط تجاری و ایجاد همکاری‌های آینده میان طرفین نیز مؤثر باشد. در ادامه، یک نمونه از ماده قراردادی مرتبط با ارزیابی غیرالزام‌آور کارشناسی آمده است که می‌تواند در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک گنجانده شود:

«در صورتی که طرفین در خصوص هرگونه اختلاف فنی یا تخصصی مربوط به اجرای این قرارداد به توافق نرسند، می‌توانند برای حل اختلافات به ارزیابی غیرالزام‌آور کارشناسی توسط یک یا چند کارشناس مستقل و بی‌طرف مراجعه کنند. طرفین موظف‌اند ظرف مدت (مدت زمان مشخص) از تاریخ بروز اختلاف، یک

کارشناس یا هیئت کارشناسی را انتخاب و به او اجازه دهند تا ماهیت اختلافات را ارزیابی کرده و نظر خود را به طرفین ارائه دهند. نظر کارشناس یا هیئت کارشناسی الزام‌آور نبوده و صرفاً به‌عنوان راهنمایی جهت حل اختلافات بین طرفین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که طرفین نتوانند بر سر انتخاب کارشناس یا هیئت کارشناسی توافق کنند، هر یک از طرفین می‌توانند یک کارشناس مستقل را انتخاب کرده و در صورت نیاز، دو کارشناس انتخاب‌شده به توافق مشترک بر سر انتخاب کارشناس سوم دست یابند. هزینه‌های مربوط به ارزیابی کارشناسی بر اساس توافق طرفین به طور مساوی بین آن‌ها تقسیم خواهد شد.»

این شیوه می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر در مدیریت اختلافات فنی و جلوگیری از گسترش اختلافات به مراحل پیچیده‌تر حقوقی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک استفاده شود.

۴. مذاکره

مذاکره یکی از رایج‌ترین و ابتدایی‌ترین روش‌های حل اختلاف است که در آن طرفین اختلافات خود را به طور مستقیم با یکدیگر حل می‌کنند. این روش به طور خاص در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت میزبان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مذاکره به طرفین این امکان را می‌دهد که با هزینه و زمان کمتر، اختلافات خود را حل کنند و درعین‌حال روابط تجاری خود را حفظ کنند. یکی از مزایای مهم این روش سرعت آن است، زیرا برخلاف فرایندهای قضائی یا داوری که ممکن است زمان زیادی ببرند، مذاکره می‌تواند سریع‌تر به یک راه‌حل منتهی شود. همچنین مذاکره هزینه کمتری دارد و به طرفین این امکان را می‌دهد که به راه‌حل‌هایی انعطاف‌پذیر دست یابند که رضایت دو طرف را جلب کند. با این حال، در صورتی که مذاکره به نتیجه نرسد، استفاده از اشخاص ثالث می‌تواند به تسهیل این فرایند کمک کند. یکی از این اشخاص مددکار است که وظیفه‌اش کمک به طرفین برای رسیدن به توافق است، بدون اینکه به آن‌ها راه‌حل تحمیل کند. در مواقعی که طرفین نمی‌توانند نظرات خود را هماهنگ کنند، استفاده از یک تسهیل‌کننده می‌تواند مفید باشد، به‌ویژه در پروژه‌هایی که طرفین زیادی درگیر هستند و نیاز به کمک برای هماهنگ کردن نظرات دارند. علاوه بر این، در مواردی که اختلافات به مسائل فنی یا اجرایی مربوط می‌شود، طرفین می‌توانند از کارشناس مستقل برای ارزیابی مسائل استفاده کنند. این کارشناس می‌تواند نظر خود را در مورد مشکلات فنی یا اجرایی ارائه دهد که به طرفین کمک می‌کند تا از یک بن‌بست خارج شوند. در صورتی که مذاکره و استفاده از تسهیل‌کننده یا کارشناس مستقل نیز نتواند مشکل را حل کند، طرفین می‌توانند به روش‌های

قانونی مانند داوری یا سیستم قضائی مراجعه کنند. این روش‌ها ممکن است زمان‌بر و پرهزینه باشند، اما در نهایت به یک راه‌حل قطعی و نهایی منتهی خواهند شد. به همین دلیل، در بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، باید راه‌حل‌های مختلفی برای حل اختلافات پیش‌بینی شده باشد تا طرفین در صورت بروز مشکل، بتوانند به سرعت و با کمترین هزینه و اختلال در پروژه، به توافق برسند.

پیشنهاد می‌شود در قراردادها یک ماده قراردادی خاص برای حل اختلافات گنجانده شود که فرایندهای مختلف حل اختلاف از جمله مذاکره، استفاده از تسهیل‌کننده یا کارشناس مستقل، و در صورت لزوم، داوری را مشخص کند. برای نمونه، یک ماده قراردادی می‌تواند به این صورت باشد: «در صورت بروز هرگونه اختلاف بین طرفین، ابتدا تلاش می‌شود که اختلافات از طریق مذاکره حل و فصل شوند. در صورتی که مذاکره نتواند به توافق منجر شود، طرفین می‌توانند از یک مددکار بی‌طرف برای تسهیل فرایند مذاکره استفاده کنند. همچنین، در صورت لزوم، طرفین می‌توانند از کارشناس مستقل برای ارزیابی مسائل فنی استفاده کنند. در صورت عدم موفقیت این مراحل، طرفین می‌توانند به داوری یا سیستم قضائی مراجعه نمایند».

در این قسمت به روش‌های حل اختلاف مانند میانجی‌گری، هیئت رسیدگی به حل اختلاف، داوری و دادگاه‌های ملی پرداخته می‌شود.

۱. میانجی‌گری و مصالحه

میانجی‌گری و مصالحه دو روش متداول در حل اختلافات هستند که با کمک شخص ثالثی که مستقل و بی‌طرف است، به طرفین اختلاف کمک می‌کنند تا به توافق برسند و اختلافات خود را به طور دوستانه حل کنند. در میانجی‌گری، شخص ثالث به طرفین پیشنهاد می‌دهد که چگونه می‌توانند اختلافات خود را برطرف کنند و نقش آن تسهیل‌کننده مذاکره است. به این ترتیب، میانجی‌گر پیشنهادهایی برای نحوه حل اختلاف ارائه می‌دهد، اما خود به هیچ‌وجه اظهارنظر درباره وضعیت طرفین نمی‌کند. این روش دارای مزایای مذاکره است، به‌ویژه از آنجاکه هزینه‌ها و زمان کمتری می‌برد و به طرفین کمک می‌کند تا بدون نیاز به داوری رسمی، به توافق برسند. میانجی‌گری الزام‌آور نیست، مگر اینکه طرفین به توافق قطعی برسند و در نهایت منجر به مصالحه شود.

در مقابل، مصالحه به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن شخص ثالث به طور فعال‌تر سعی می‌کند طرفین را به هم نزدیک کند تا از طریق یک راه‌حل مشترک اختلافاتشان را حل کنند. در مصالحه، نقش شخص ثالث ممکن

است شامل پیشنهاد راه‌حل‌های مشخص و کمک به هر دو طرف برای دستیابی به توافق باشد، اما همانند میانجی‌گری، این روش نیز الزام‌آور نیست مگر اینکه توافق نهایی میان طرفین حاصل شود.

تفاوت اصلی میان این دو روش در این است که در مصالحه، شخص ثالث تلاش می‌کند طرفین را به سمت یک راه‌حل مشترک هدایت کند، درحالی‌که در میانجی‌گری، او به‌عنوان تسهیل‌کننده مذاکرات عمل کرده و شرایط خاصی برای حل اختلاف ارائه می‌دهد. اگرچه این دو روش در بسیاری از موارد مترادف استفاده می‌شوند، در برخی از کشورهای حقوقی تفاوت‌های ظریفی در کاربرد این اصطلاحات وجود دارد.

این دو روش نه‌تنها هزینه و زمان کمتری نسبت به داوری یا رسیدگی قضائی دارند، بلکه با حفظ روابط میان طرفین، به آن‌ها کمک می‌کنند که به‌سرعت و به شکل مؤثری مشکلات خود را حل کنند.

میانجی‌گری در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را به ابزاری مؤثر برای حل اختلافات تبدیل می‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های میانجی‌گری، حفظ روابط خوب و مستمر بین طرفین قرارداد است. در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، جایی که طرفین معمولاً به دنبال همکاری بلندمدت هستند، میانجی‌گری می‌تواند کمک کند تا اختلافات بدون تخریب روابط تجاری حل شوند. برخلاف داوری یا محاکم قضائی که ممکن است به خصومت‌های بیشتر منجر شود، میانجی‌گری محیطی مناسب برای گفتگو و حل مسائل به طور دوستانه فراهم می‌آورد. میانجی‌گری یک فرایند سریع و منعطف است که به طرفین اجازه می‌دهد تا مسائل را بدون انتظار طولانی مدت برای رسیدگی در دادگاه‌ها یا داوری‌ها حل کنند. این روش زمان کمتری نسبت به سایر روش‌های حل اختلاف مانند داوری یا محاکمه می‌برد و می‌تواند از آسیب‌های تجاری ناشی از طولانی شدن اختلافات جلوگیری کند. در بسیاری از موارد، طرفین ترجیح می‌دهند که مسائل حساس تجاری خود را در یک محیط خصوصی و بدون افشای عمومی حل کنند. میانجی‌گری اغلب یک فرایند خصوصی است که در آن اطلاعات و جزئیات اختلافات تنها میان طرفین و شخص میانجی باقی می‌ماند که این خود باعث کاهش نگرانی‌ها در مورد تأثیرات منفی بر شهرت یا برند تجاری طرفین می‌شود. برخلاف داوری یا دادرسی قضائی که می‌توانند هزینه‌های قابل توجهی به همراه داشته باشند، میانجی‌گری معمولاً هزینه‌های کمتری دارد. این ویژگی خصوصاً در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک که ممکن است حجم بالایی از منابع مالی و زمانی درگیر باشند، بسیار مهم است. میانجی‌گری به طرفین این امکان را می‌دهد که در فرایند حل اختلاف، گزینه‌ها و راه‌حل‌های خلاقانه‌تری ارائه دهند که ممکن است در یک دادرسی قضائی یا داوری

قابل دستیابی نباشد. شخص میانجی می‌تواند با ارائه پیشنهادها متنوع، به طرفین کمک کند تا به یک توافق برد-برد دست یابند. میانجی‌گری می‌تواند به عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل کند، به ویژه در پروژه‌های پیچیده که ممکن است در طول زمان مشکلات و اختلافات کوچکی ایجاد شود. با استفاده از میانجی‌گری، این مشکلات در مراحل اولیه، شناسایی و حل می‌شوند قبل از آنکه به مسائل بزرگ‌تر تبدیل شوند. در مجموع، میانجی‌گری در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک نه تنها به حل سریع و مؤثر اختلافات کمک می‌کند، بلکه باعث حفظ روابط تجاری، کاهش هزینه‌ها و زمان، و افزایش فرصت‌های حل خلاقانه مسائل می‌شود.

در ادامه، یک نمونه از ماده قراردادی مرتبط با میانجی‌گری آمده است که می‌تواند در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک گنجانده شود.

«در صورتی که هر یک از طرفین اختلافاتی با طرف دیگر داشته باشد که نتوانسته‌اند از طریق مذاکرات مستقیم آن را حل و فصل کنند، طرفین موظف‌اند ابتدا به میانجی‌گری به عنوان روش حل اختلاف متوسل شوند. میانجی‌گری به صورت غیررسمی و بدون الزام قانونی بوده و هیچ گونه تصمیم‌گیری یا اظهار نظر الزام‌آوری از سوی شخص ثالث به طرفین ارائه نخواهد شد، مگر اینکه در نتیجه میانجی‌گری، طرفین به توافقی الزام‌آور دست یابند. فرایند میانجی‌گری باید با رضایت تمام طرفین آغاز شده و هیچ کدام از طرفین نمی‌توانند از آن امتناع کنند، مگر با دلایل معقول که باید به طرف دیگر اطلاع داده شود. پس از دریافت درخواست میانجی‌گری از یکی از طرفین، طرفین باید در مدت زمان مشخصی (مثلاً ۱۰ روز کاری) نسبت به تعیین شخص ثالث یا هیئت میانجی توافق کنند. میانجی باید بی طرف، دارای تجربه و دانش کافی در مسائل فنی و قانونی مربوط به قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک باشد. انتخاب میانجی باید از طریق توافق دوطرفه انجام شود. میانجی‌گری باید در مکان و زمان مناسب و با توجه به شرایط طرفین، به ویژه در نزدیکی مکان پروژه، برگزار شود. تاریخ میانجی‌گری باید در مدت معقول پس از انتخاب میانجی، مشخص گردد. میانجی هیچ گونه قدرت تصمیم‌گیری یا رأی‌دهی ندارد. وظیفه او فقط تسهیل مذاکره و کمک به طرفین در رسیدن به توافق است. میانجی ممکن است پیشنهادهایی برای حل اختلافات ارائه دهد، اما این پیشنهادها صرفاً راهنما بوده و هیچ گونه الزام قانونی ندارد. هزینه‌های مربوط به فرایند میانجی‌گری (شامل هزینه‌های شخص ثالث و سایر هزینه‌ها) باید توسط طرفین به طور مساوی و یا طبق توافق مشخصی که در این خصوص به عمل می‌آید، پرداخت شود. در صورتی که طرفین نتوانند به توافقی در خصوص هزینه‌ها دست یابند، میانجی می‌تواند پیشنهاداتی در این خصوص ارائه دهد که لازم‌الاتباع خواهند بود. اگر طرفین به توافقی از طریق میانجی‌گری دست یابند، این توافق‌نامه باید

به صورت کتبی تنظیم شده و به عنوان یک توافق الزام آور در نظر گرفته شود. اگر طرفین نتوانند به توافق برسند، میانجی گری به پایان می رسد و طرفین می توانند از سایر روش های حل اختلاف مانند داوری یا مراجعه به دادگاه استفاده کنند».

این ماده می تواند به عنوان بخشی از قراردادهای سرمایه گذاری مشترک به منظور تسهیل حل اختلافات و جلوگیری از دادرسی های طولانی مدت و پرهزینه در نظر گرفته شود.

۲. هیئت رسیدگی به اختلاف

در پروژه های بزرگ زیرساختی، به ویژه در زمینه های پیچیده که در آن ها تعداد زیادی از ذی نفعان و عوامل مختلف درگیر هستند، ایجاد هیئت های دائمی برای رسیدگی به اختلافات می تواند یک ابزار بسیار مؤثر در مدیریت روابط بین طرفین قرارداد و جلوگیری از بروز مشکلات جدی باشد. هیئت های رسیدگی معمولاً از کارشناسان متخصصی تشکیل می شوند که طرفین قرارداد آن ها را به عنوان داوران و مشاوران مستقل انتخاب می کنند تا در صورت بروز اختلاف، بتوانند سریعاً و به طور غیررسمی مداخله کنند. این هیئت ها معمولاً اختیارات دارند که مسائل را به طور مستقل بررسی کرده و پیشنهادهایی برای حل و فصل اختلافات ارائه دهند که در بسیاری از موارد می تواند از تبدیل مشکلات کوچک به دعوای جدی جلوگیری کند.

مزیت بزرگ استفاده از این هیئت ها در این است که به طور غیررسمی و سریع عمل می کنند. برخلاف روش های سنتی مانند داوری یا رسیدگی قضائی که زمان بر و هزینه بر هستند، هیئت های دائمی می توانند در سریع ترین زمان ممکن تصمیماتی را اتخاذ کنند که به حل اختلافات کمک می کند و از پیچیده تر شدن آن ها جلوگیری می کند. این شیوه حتی می تواند به جلوگیری از ایجاد اختلافات در مراحل ابتدایی کمک کند، به ویژه زمانی که هیئت رسیدگی مسئولیت رسیدگی به مشکلات فنی یا اجرایی را بر عهده می گیرد.

یکی از ویژگی های کلیدی این هیئت ها، توانایی آن ها در تصمیم گیری الزام آور است. به این معنی که در صورتی که طرفین قرارداد به یک توافق قطعی نرسند، این هیئت می تواند تصمیماتی را اتخاذ کند که برای هر دو طرف لازم الاجرا باشد. در چنین شرایطی، هیئت های دائمی می توانند به عنوان یک راه حل میان مدت برای حل اختلافات مورد استفاده قرار گیرند تا زمانی که طرفین بتوانند به توافق نهایی دست یابند. به ویژه در

پروژه‌های بزرگ، زمانی که اختلافات ممکن است روند اجرای پروژه را به تعویق بیندازند، داشتن یک مرجع دائمی و مؤثر برای حل سریع مسائل می‌تواند از نظر هزینه‌ها و زمان بسیار مفید باشد. در نهایت، هیئت‌های دائمی نه تنها در جلوگیری از بروز اختلافات مؤثرند، بلکه در صورتی که اختلافات بروز یابند، به عنوان ابزاری برای حل و فصل سریع و مؤثر آن‌ها عمل می‌کنند. این روش‌ها به طرفین این امکان را می‌دهند که بدون نیاز به فرایندهای طولانی و پرهزینه داوری یا رسیدگی قضائی، اختلافات خود را در سریع‌ترین زمان ممکن حل کنند.

۳. داوری

حل اختلافات از طریق داوری در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک و پروژه‌های زیرساختی بزرگ، یک روش رایج و مؤثر است که به طرفین این امکان را می‌دهد تا اختلافات خود را بدون نیاز به محاکم قضائی رسمی و با سرعت بیشتری حل کنند. این فرایند معمولاً شامل مراحل مختلفی است که شامل انتخاب داوران، محل داوری، و قانون حاکم بر داوری می‌شود که می‌تواند مسائل پیچیده و فنی ایجاد کند. انتخاب داور یا هیئت داوری برای رسیدگی به اختلافات معمولاً توسط طرفین قرارداد یا از طریق توافقات مشخص در قرارداد تعیین می‌شود. در داوری، طرفین قرارداد به داوران یا هیئت داوری مستقل و بی‌طرف اعتماد می‌کنند تا در مورد اختلافات فنی یا حقوقی رأی صادر کنند. این فرایند معمولاً سریع‌تر از دادگاه‌هاست و به طرفین کنترل بیشتری بر فرایند رسیدگی می‌دهد. داوری بین‌المللی به دلیل انعطاف‌پذیری در انتخاب قوانین حاکم، زبان، و محل داوری مزایای زیادی برای پروژه‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد. همچنین، یکی از ویژگی‌های مهم داوری این است که برخلاف دادگاه‌های ملی، رأی صادره در داوری الزام‌آور است و باید به طور کامل اجرایی شود. با این حال، برخی چالش‌ها و پیچیدگی‌ها در فرایند داوری وجود دارد. برای مثال، انتخاب داور مناسب، تعیین محل داوری، و همچنین قوانین حاکم بر اختلافات ممکن است بر سرعت و هزینه‌های داوری تأثیرگذار باشد. اگرچه داوری از مزایای زیادی برخوردار است، اما انتخاب صحیح سیستم داوری، نوع داور، و شرایط قراردادی لازم برای تسهیل این فرایند بسیار مهم است.

در بسیاری از قراردادهای بین‌المللی، مخصوصاً در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک، طرفین می‌توانند توافق کنند که در صورت بروز اختلاف، از داوری به عنوان روشی سریع و مؤثر برای حل اختلافات استفاده کنند.

همچنین در مواقعی که طرفین قادر به حل اختلاف از طریق مذاکره یا میانجی‌گری نیستند، داوری الزام‌آور می‌تواند راه‌حلی مؤثر برای پیشگیری از طولانی‌شدن فرایندهای قانونی و رسیدن به نتیجه سریع‌تر باشد. به‌طورکلی، اگرچه داوری ممکن است هزینه‌هایی را به همراه داشته باشد، اما مزایای آن همچون سرعت، استقلال داوران و توانایی در انتخاب قوانین حاکم بر اختلاف، باعث می‌شود که این روش در بسیاری از پروژه‌های بین‌المللی و قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک انتخاب شود.

تعریف داوری به‌عنوان یک فرایند خصوصی، تشریفاتی و الزام‌آور، به معنای استفاده از شخص یا اشخاص ثالث برای حل و فصل اختلافات است. این فرایند معمولاً خارج از محاکم قضائی رسمی انجام می‌شود و نتیجه آن، رأی الزام‌آوری است که طرفین موظف به اجرای آن می‌شوند. در این فرایند، طرفین قرارداد یا اختلافات، داوری را به‌عنوان یک روش جایگزین برای رسیدگی به مسائل حقوقی یا فنی انتخاب می‌کنند. از مزایای آن می‌توان به سرعت، هزینه کمتر نسبت به دادگاه‌های رسمی، حفظ محرمانگی و امکان انتخاب محل و قوانین حاکم بر اختلافات اشاره کرد. در داوری، برخلاف رسیدگی‌های قضائی، طرفین می‌توانند انتخاب کنند که کدام داور یا هیئت داوری مسئول بررسی و صدور رأی خواهند بود. این نوع حل اختلاف معمولاً به‌ویژه در مسائل بین‌المللی و پروژه‌های پیچیده، جایی که طرفین از کشورها و سیستم‌های حقوقی مختلف هستند، کاربرد دارد. از آنجاکه رأی داوری الزام‌آور است، اگر طرفین توافق کنند که از این روش استفاده کنند، دیگر نیاز به رسیدگی قضائی در دادگاه‌ها نخواهد بود. داوری می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر در جلوگیری از مشکلات حقوقی طولانی‌مدت و پیچیده عمل کند و روند حل و فصل اختلافات را تسهیل نماید. این فرایند، علاوه بر حل اختلافات سریع‌تر، باعث کاهش بار دادگاه‌ها و حفظ روابط کاری طرفین می‌شود. در صورتی که طرفین نتوانند از طریق مذاکره یا میانجی‌گری به توافق برسند، داوری به‌عنوان یک گزینه قطعی دار و مؤثر برای حل اختلافات به کار می‌رود.^{۵۶}

استفاده از داوری برای حل اختلافات در پروژه‌های زیرساختی که توسط سرمایه‌گذاران تأمین مالی شده‌اند، به طور فزاینده‌ای رایج شده است. این روش نه تنها برای اختلافات مرتبط با انتقال فناوری، بلکه برای حل و فصل اختلافاتی که ممکن است پس از انقضاء یا انحلال قرارداد ایجاد شوند نیز به کار می‌رود. در فرایند داوری، اختلاف به هیئت یا مرجع داوری ارجاع می‌شود که معمولاً در قرارداد، از پیش توسط طرفین تعیین

^{۵۶} جنیدی، لعبا، *قانون حاکم در داوریهای تجاری بین‌المللی*، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۶. ص ۹

شده است. این داوری معمولاً در محل خاصی که طرفین بر سر آن توافق کرده‌اند و بر اساس قوانینی که تعیین کرده‌اند، برگزار می‌شود. آرا یا تصمیمات صادره توسط هیئت یا مرجع داوری برای طرفین الزام‌آور است. در صورتی که داوری به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد مشخص شده باشد، طرفین موظف به پذیرش و اجرای آرا داوری خواهند بود. در مواردی که داوری به طور پیش فرض به عنوان شرط ضمن عقد در قرارداد ذکر نشده باشد، ممکن است طرفین برای حل اختلافات خود از طریق یک موافقت‌نامه مستقل نیز به داوری توافق کنند. به این ترتیب، در پروژه‌های تجاری بزرگ که طرفین دارای روابط گسترده‌تری هستند، استفاده از داوری به عنوان یک گزینه منعطف و مؤثر برای حل اختلافات جای خود را پیدا کرده است. این روش حل اختلاف، به ویژه در پروژه‌های زیرساختی پیچیده که ممکن است به دلایل مختلف درگیر مسائل فنی یا مالی شوند، موجب تسریع در حل و فصل مسائل و جلوگیری از تأخیرهای طولانی مدت می‌شود. به علاوه، به دلیل اینکه داوری از محاکم قضائی مستقل است، از ایجاد فشارهای بیرونی و سیاسی جلوگیری کرده و فرایند حل اختلافات را در یک محیط بی طرفانه و متناسب با شرایط طرفین پیش می‌برد.

داوری به عنوان یکی از روش‌های مهم حل اختلاف در قراردادهای بین‌المللی، مزایای متعددی دارد. یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های آن این است که طرفین می‌توانند مرجع رسیدگی را خود انتخاب کنند. در این فرایند، معمولاً از سه داور استفاده می‌شود؛ هر طرف می‌تواند یک داور معرفی کند و این دو داور با توافق یک داور سوم را برمی‌گزینند. این امکان به طرفین این فرصت را می‌دهد که افرادی را انتخاب کنند که دارای تخصص‌های مرتبط با موضوع اختلاف هستند و الزاماً نیازی به حضور حقوق‌دانان نیست. بنابراین، داوری می‌تواند برای حل اختلافات فنی و تخصصی نیز مفید باشد. علاوه بر این، فرایند داوری نسبت به رسیدگی‌های قضائی معمولاً سریع‌تر است. به دلیل اینکه حق تجدیدنظرخواهی از رأی داوری محدودتر است (و در برخی موارد ممکن است این حق کاملاً حذف شود)، تصمیم‌گیری نهایی در داوری معمولاً سریع‌تر صورت می‌گیرد. این ویژگی می‌تواند در پروژه‌های حساس زمانی، مانند پروژه‌های زیرساختی بزرگ که هرگونه تأخیر در اجرای قرارداد می‌تواند هزینه‌بردار باشد، بسیار مهم باشد. از دیگر مزایای داوری این است که تأثیر کمتری بر روابط تجاری دارد. در مقایسه با دادگاه‌های عمومی که فرایندشان ممکن است به روابط تجاری آسیب بزند، فرایند داوری به طور معمول محرمانه باقی می‌ماند و طرفین می‌توانند از حریم خصوصی خود محافظت کنند. علاوه بر این، اجرای رأی داوری در کشورهای دیگر، به ویژه با توجه به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در خصوص شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی، نسبتاً آسان‌تر شده است. با این حال، یکی از انتقاداتی که به داوری وارد

است این است که رأی داوری به طور مستقیم اجرایی ندارد و برای اجرایی شدن آن، طرفین مجبور هستند به دادگستری مراجعه کنند. در واقع، رأی داوری یک سند خصوصی است که مستلزم کنترل قضائی و اداری برای اجراست. این می‌تواند در مواردی که طرفین بخواهند از رأی داوری در کشورهایی با سیستم قضائی ضعیف‌تر استفاده کنند، چالش برانگیز باشد.^{۵۷}

در حقوق ایران، پیش از ارجاع هرگونه اختلاف به داوری بین‌المللی، طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید مجوزهای لازم از هیئت وزیران یا در برخی موارد مجلس شورای اسلامی تحصیل شود. بر اساس این اصل، صلح یا ارجاع دعاوی مربوط به اموال عمومی و کشوری به داوری، در هر موردی که طرف دعوی خارجی باشد یا در موارد مهم داخلی، نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که اختلافات مربوط به مسائل مهم داخلی باشد، این موضوع باید به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز برسد. این قانون نشان‌دهنده اهمیت خاصی است که نظام حقوقی ایران به دعاوی مربوط به اموال عمومی و امور کشوری می‌دهد و همچنین محدودیت‌هایی که برای ارجاع این دعاوی به داوری خارجی وجود دارد. بنابراین، اگر این پرونده‌های قانونی طی نشوند، اختلافات باید در دادگاه‌های صالح داخلی حل و فصل شوند. در مجموع، قانون اساسی ایران بر اهمیت نظارت دولت بر حل و فصل اختلافات در موضوعات حساس تأکید دارد و پیش‌بینی‌هایی را برای جلوگیری از ارجاع مستقیم این‌گونه دعاوی به داوری‌های بین‌المللی در نظر گرفته است.

مرکز منطقه‌ای داوری تهران^{۵۸} یکی از نهادهای داوری معتبر در ایران و منطقه است که در سال ۲۰۰۵ با هدف تسهیل و تسریع در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی تأسیس شد. این مرکز تحت حمایت دولت ایران و با همکاری سازمان‌های بین‌المللی نظیر اتاق بازرگانی تهران و اتاق بازرگانی بین‌المللی فعالیت می‌کند. مرکز داوری تهران در راستای ارائه خدمات داوری حرفه‌ای و بی‌طرفانه در زمینه‌های مختلف تجاری، مالی، و قراردادهای بین‌المللی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و آسیای میانه فعالیت می‌کند. استفاده از شرط داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند مزایای زیادی داشته باشد.

^{۵۷} جنیدی، لعیا، *اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی*، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۵. ص ۱۰۱.

^{۵۸} Tehran Regional Arbitration Center or TRAC

مرکز داورى تهران دسترسى به داوران متخصص در زمینه‌هاى مختلف فنى، تجارى و حقوقى را فراهم مى‌آورد. این امر برای قراردادهای پیچیده‌ای؛ مانند سرمایه‌گذاری‌های مشترک که ممکن است شامل جنبه‌های فنى و حقوقى متفاوتى باشد، بسیار مفید است. باتوجه‌به توافقه‌هاى بین‌المللى که در راستای داورى بین‌المللى و منطقه‌ای در این مرکز صورت‌گرفته، این مرکز برای طرفین اطمینان ایجاد مى‌کند که داورى بر اساس استانداردهای حقوقى و داورى بین‌المللى صورت مى‌گیرد. استفاده از داورى در مرکز تهران مى‌تواند از نظر جغرافیایی و هزینه‌ای مناسب باشد، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌هایی که در کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه و حتى اروپا فعالیت دارند. داورى در این مرکز معمولاً سریع و کارآمد است. از آنجاکه بسیاری از اختلافات در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک ممکن است به‌سرعت نیاز به حل‌وفصل پیدا کنند، استفاده از یک نهاد داورى که قادر به رسیدگی به اختلافات در زمان کوتاه‌تری باشد، مى‌تواند مانع از طولانی شدن اختلافات و اختلال در پروژه‌ها شود. رأی داورى صادره از این مرکز در کشورهای مختلف به رسمیت شناخته مى‌شود و اجرای آن در بسیاری از کشورها به‌ویژه در کشورهای منطقه آسیا و خاورمیانه بدون مشکل خاصی امکان‌پذیر است. این به سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان مى‌دهد که حکم داورى مى‌تواند در صورت نیاز در کشورهای مختلف اجرا شود. در نتیجه، استفاده از شرط داورى مرکز منطقه‌ای داورى تهران در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ و پیچیده مى‌تواند گزینه‌ای بسیار مناسب باشد، زیرا این مرکز ترکیبی از تخصص‌های فنى و حقوقى، هزینه‌های معقول، و توانایی در رسیدگی سریع و بی‌طرفانه به اختلافات را ارائه مى‌دهد.

باتوجه‌به موقعیت جغرافیایی استراتژیک تهران در خاورمیانه و نزدیکی به کشورهای آسیایی و اروپایی، استفاده از شرط داورى مرکز تهران در قراردادهای بین‌المللى مى‌تواند گزینه‌ای جذاب برای طرفین قرارداد، از جمله کشورهای آسیایی مثل چین، باشد. این امر به‌ویژه زمانی که طرفین بخواهند فرایندى غیرمتمرکز و سریع برای حل اختلافات داشته باشند، مفید است. علاوه بر این، قوانین داورى مرکز تهران به‌طورکلی با قوانین بین‌المللى هم‌راستا بوده و این امر باعث مى‌شود که داورى در این مرکز یک انتخاب منطقی برای شرکت‌ها و کشورهای مختلف باشد.

در ادامه یک نمونه شرط داورى در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک پیشنهاد مى‌شود:

«در صورتی که هرگونه اختلاف یا ادعای ناشی از یا مرتبط با این قرارداد، از جمله اختلافات مربوط به تفسیر، اجرا، فسخ، یا پایان قرارداد، بین طرفین به وجود آید، طرفین متعهد هستند که تلاش خود را برای حل این اختلافات از طریق مذاکره دوستانه به کار گیرند. در صورتی که مذاکره موفقیت آمیز نباشد، طرفین توافق می کنند که اختلافات به داوری ارجاع شود. داوری باید در مرکز منطقه ای داوری تهران انجام شود. داوری تحت قوانین مرکز داوری تهران و بر اساس قواعد داوری بین المللی آن مرکز خواهد بود.

داوری باید توسط هیئت داوری متشکل از سه داور انجام شود. هر یک از طرفین یک داور را انتخاب خواهند کرد و این دو داور منتخب، داور سوم را که باید از میان افراد با تخصص و تجربه مرتبط در زمینه موضوع اختلاف انتخاب شود، تعیین خواهند کرد. در صورتی که داور سوم ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتخاب داور دوم توسط طرفین انتخاب نشود، داور سوم توسط مرکز منطقه ای داوری تهران از میان داوران مستقل و بی طرف معرفی خواهد شد.

داوری در شهر تهران، ایران برگزار خواهد شد، مگر اینکه طرفین به توافق دیگری دست یابند.

زبان رسمی داوری ها، زبان انگلیسی خواهد بود، مگر اینکه طرفین توافق دیگری داشته باشند.

این قرارداد و تمام اختلافات ناشی از آن بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران تفسیر و اجرا خواهد شد. باین حال، در صورتی که اجرای چنین قوانینی به نحوی غیر عملی یا غیر ممکن باشد، قوانین عمومی و بین المللی مرتبط با حل و فصل اختلافات تجاری و سرمایه گذاری بین المللی اعمال خواهد شد.

آراء داوری صادره از طرف هیئت داوری الزام آور خواهد بود و باید در کلیه کشورها و حوزه های قضائی که طرفین در آن فعالیت دارند، قابل اجرا باشد. در صورت لزوم، طرفین با همکاری یکدیگر تلاش خواهند کرد تا حکم داوری در سایر حوزه های قضائی نیز اجرایی شود.

هزینه های داوری شامل حق الزحمه داوران، هزینه های اداری مرکز داوری، و سایر هزینه های مرتبط با داوری به طور مساوی بین طرفین تقسیم خواهد شد، مگر اینکه داوران تصمیم دیگری اتخاذ کنند.»

این نمونه از شرط داوری به طور جامع و دقیق موارد مختلفی را شامل می‌شود که می‌تواند در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک برای حل و فصل اختلافات احتمالی استفاده شود. توجه به جزئیات مانند انتخاب داور، مقررات اجرایی، زمان‌بندی، زبان داوری، و نحوه تقسیم هزینه‌ها به طرفین کمک می‌کند تا روند حل اختلاف به شیوه‌ای شفاف، منظم و مؤثر صورت گیرد.

۴. رسیدگی قضایی دادگاه ملی

در بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه پروژه‌های زیرساختی و بزرگ، اختلافات و مناقشات ممکن است به دلیل تنوع تعهدات و پیچیدگی‌های فنی به وجود آید. به همین دلیل، روش‌های مختلف حل اختلاف می‌توانند به طرفین کمک کنند تا بدون نیاز به مراجعه به دادگاه‌ها یا نهادهای قضایی داخلی، مسائل خود را حل کنند. یکی از این روش‌ها، استفاده از داوری است. با این حال، پیش از آن که طرفین به انتخاب داوری بپردازند، باید در نظر داشته باشند که حل اختلافات از طریق دادگاه‌های قضایی به معنای استفاده از فرایندهای قانونی داخلی و روند دادرسی است که می‌تواند منجر به صدور رأی الزام‌آور شود.

در سیستم‌های قضایی، طرفین قرارداد معمولاً باید اختلافات خود را از طریق دادگاه‌های داخلی حل کنند، مگر آن که پیش از این در قرارداد شرط داوری درج شده باشد. این روش، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، ممکن است به دلیل مشکلات موجود در سیستم قضایی شامل تأخیر در رسیدگی، نبود کارشناسان متخصص در مسائل فنی و حقوقی، و پیچیدگی‌های دادرسی، از سوی طرفین قرارداد نادیده گرفته شود. یکی از مشکلات اساسی در سیستم قضایی این است که تصمیمات دادگاه‌ها ممکن است زمان‌بر باشند و فرایند تجدیدنظرخواهی آن‌ها می‌تواند ادامهٔ پروسه دادرسی را بسیار طولانی کند. به‌ویژه در زمینه پروژه‌های بزرگ و پیچیده؛ مانند پروژه‌های زیرساختی، ممکن است زمان و هزینه‌های دادرسی بسیار سنگین باشند.

علاوه بر این، طرفین ممکن است نسبت به قوانین و مقررات دادگاه‌ها که بر اساس سیستم حقوقی کشور میزبان صادر می‌شود، نگرانی داشته باشند. برای مثال، اگر طرفین قرارداد نسبت به قوانین داخلی کشور میزبان آشنایی ندارند یا سیستم قضایی آن کشور را به دلیل سیاست‌های خاص یا تجربه‌های منفی قبلی نمی‌پسندند، ممکن است ترجیح دهند که داوری را به عنوان یک روش جایگزین انتخاب کنند.

داوری در مقایسه با رسیدگی قضایی، از مزایای بسیاری برخوردار است که می‌تواند برای طرفین قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک جذاب باشد. یکی از بزرگ‌ترین مزیت‌های داوری این است که طرفین می‌توانند مرجع

رسیدگی کننده را انتخاب کنند. این بدین معنی است که طرفین می توانند داوران یا هیئت داورى را از بین افراد متخصص در زمینه های فنى و حقوقى موردنظر خود انتخاب کنند، نه لزوماً از بین حقوق دانان. این امر به ویژه در پروژه های زیرساختى که نیاز به دانش تخصصى دارند، بسیار اهمیت دارد. به عنوان مثال، در پروژه های انرژی، فناوری، یا انتقال تکنولوژی، داوران متخصص می توانند به مسائل فنى پیچیده تسلط داشته و به طور مؤثرتری نسبت به صدور رأى اقدام کنند.

همچنین، فرایند داورى معمولاً سریع تر از رسیدگی قضائى است. در بسیاری از موارد، طرفین قرارداد به دلیل ترس از اطاله دادرسى و کندی رسیدگی در دادگاه ها، داورى را به عنوان یک گزینه مناسب تر انتخاب می کنند. داورى معمولاً مدت زمان کمتری را برای صدور رأى می طلبد و حق تجدیدنظر در داورى به طور معمول محدودتر از سیستم قضائى است؛ در واقع، بسیاری از توافق نامه های داورى به گونه ای تنظیم می شوند که امکان تجدیدنظرخواهى از رأى داورى حذف شود و این خود موجب تسريع در فرایند حل اختلاف می شود.

علاوه بر این، یکی دیگر از مزایای عمده داورى این است که این فرایند می تواند کاملاً محرمانه باشد، برخلاف دادگاه ها که معمولاً پرونده هایشان علنى است. این ویژگی برای طرفین قراردادهای بزرگ و تجارى که نگران افشای اطلاعات حساس یا تجارى خود هستند، اهمیت زیادی دارد. در داورى، طرفین می توانند اطمینان حاصل کنند که جزئیات قرارداد و اختلافات آن ها به طور عمومى منتشر نمی شود که این امر موجب حفظ روابط تجارى و جلوگیری از آسیب به اعتبار طرفین می شود.

درحالى که ممکن است داورى مزایای زیادی داشته باشد، اما یکی از انتقادات رایج نسبت به آن این است که رأى داورى به طور خودکار قابلیت اجراى ندارد. برای اجرای رأى داورى، طرف برنده باید به دادگاه های محلى در کشور موردنظر مراجعه کند تا رأى داورى را به رأى قضائى تبدیل کند و از آن طریق آن را اجرا کند. این فرایند، به ویژه در کشورهایی که ممکن است سیستم قضائى آن ها از وضعیت مناسبی برخوردار نباشد یا در برخی موارد به ویژه در پروژه های دولتی، مشکل ساز باشد.

با این حال، توافق نامه های بین المللى مانند کنوانسیون نیویورک در سال ۱۹۵۸ برای شناسایی و اجرای آراء داورى خارجى، به تسهیل فرایند اجرای رأى داورى در کشورهای مختلف کمک کرده است. با توجه به این کنوانسیون، کشورهای زیادی موظف به پذیرش و اجرای آراء داورى صادره در کشورهای دیگر هستند که این امر موجب تسهیل و تسريع در حل اختلافات تجارى بین المللى می شود.

در برخی از کشورهای خاص، ممکن است دادگاه‌های داخلی برای حل اختلافات مربوط به پروژه‌های بزرگ و حساس، به‌ویژه پروژه‌های زیرساختی که ممکن است با سیاست‌های عمومی یا منافع ملی ارتباط داشته باشند، مناسب‌تر باشند. این کشورها ممکن است نگرانی‌هایی در مورد بی‌طرفی یا تخصص داوران در مسائل پیچیده فنی داشته باشند و ترجیح دهند که مسائل حقوقی خود را در دادگاه‌های داخلی حل کنند که از قوانین محلی و سیاست‌های دولت آگاهی دارند. به‌ویژه در کشورهایی که دارای سیستم‌های حقوقی پیچیده و قوانین خاص در زمینه‌های مختلف هستند، ممکن است دادرسی در دادگاه‌های داخلی نسبت به داوری، از نظر اجرایی و عملی مؤثرتر باشد.

در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه پروژه‌های بزرگ و پیچیده، انتخاب میان روش‌های حل اختلاف قضائی یا داوری یکی از مهم‌ترین تصمیمات است که باید با دقت و توجه به شرایط خاص قرارداد و طرفین گرفته شود. برخی از کشورها، به‌ویژه آن‌هایی که پروژه‌های حساس و مرتبط با منافع عمومی دارند، ممکن است ترجیح دهند اختلافات را در دادگاه‌های داخلی حل کنند. این کشورها نگرانی‌هایی در مورد بی‌طرفی یا تخصص داوران در مسائل پیچیده فنی دارند و باور دارند که دادگاه‌های ملی به دلیل آشنایی با قوانین محلی و سیاست‌های دولتی، می‌توانند تصمیمات مؤثرتری بگیرند. در چنین کشورهایی، سیستم قضائی داخلی برای رسیدگی به اختلافات مرتبط با پروژه‌های زیرساختی می‌تواند گزینه مناسب‌تری باشد. در این کشورها، نظارت قضائی و آشنایی دادگاه‌ها با مسائل داخلی، خصوصاً اگر این پروژه‌ها با سیاست‌های عمومی یا منافع ملی ارتباط داشته باشند، می‌تواند باعث شود که دادگاه‌ها در موقعیت بهتری برای اتخاذ تصمیمات در راستای حفظ منافع ملی قرار گیرند؛ به همین دلیل، در بسیاری از موارد، انتخاب دادگاه‌های داخلی برای رسیدگی به اختلافات ترجیح داده می‌شود. با این حال، داوری نیز به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران خارجی و نهادهای خصوصی که نگران اجرای تصمیمات در دادگاه‌های ملی هستند، گزینه‌ای جذاب باقی می‌ماند. داوری مزایای زیادی دارد که آن را از رسیدگی قضائی متمایز می‌کند، از جمله انتخاب داوران متخصص در زمینه‌های فنی و حقوقی، سرعت بالاتر در صدور رأی، محرمانه بودن فرایند و کاهش ریسک‌های اجرایی در مقایسه با دادگاه‌های ملی. با وجود مزایای داوری، تصمیم‌گیری در این زمینه بستگی به شرایط و قوانین حاکم بر قرارداد دارد. به‌طور کلی، بسیاری از طرفین قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به‌ویژه در مواردی که تأمین مالی توسط سرمایه‌گذاران صورت می‌گیرد، داوری را به‌عنوان سازوکار حل اختلاف انتخاب می‌کنند. به‌ویژه وام‌دهندگان بین‌المللی، از داوری بین‌المللی به‌عنوان یک روش مناسب برای حل اختلافات در قراردادهای بزرگ سرمایه‌گذاری تأکید دارند.

دادگاه‌های ملی در برخی کشورها نیز به‌ویژه در صورت حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و فراهم کردن تدابیر حمایتی، می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. برای مثال، بر اساس دستورالعمل‌های مصوب در ایران، تدابیر ویژه‌ای برای رسیدگی سریع به دعاوی سرمایه‌گذاران و جلوگیری از توقف پروژه‌ها پیش‌بینی شده است. این تدابیر شامل رسیدگی فوری در دادگاه‌ها و جلوگیری از توقیف اموال سرمایه‌گذاران است که می‌تواند به تسهیل حل اختلافات کمک کند. این انتخاب‌ها نشان می‌دهد که سیستم قضائی هر کشور ممکن است در برخی موارد برای حل اختلافات ناشی از پروژه‌های زیرساختی مناسب‌تر باشد، اما در بسیاری از موارد، داوری به‌ویژه برای طرفین بین‌المللی مزایای بیشتری خواهد داشت.

لازم به ذکر است که دادگاه‌های ملی معمولاً طرح‌های حمایت‌گرایانه در حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری دارند و تلاش می‌کنند که در راستای حمایت از منافع سرمایه‌گذار، مقررات حمایت‌گرایانه داشته باشند. برای مثال بر اساس بندهای ۳۳ و ۷ ماده ۳ دستورالعمل حمایت قضایی از سرمایه‌گذاری در قوه قضاییه مصوب ۱۳۸۹، اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور رسیدگی فوری به دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاران در دادسراها و محاکم عمومی و انقلاب و نظارت بر صدور قرارهای تأمین اموال از طریق دادستان‌های مربوطه به‌منظور جلوگیری از توقف امور سرمایه‌گذاران و همچنین قرارهای کیفری به‌ویژه صدور قرار بازداشت موقت به‌نحوی که موجب بازداشت سرمایه‌گذار نشود پیش‌بینی شده است.

مبحث چهارم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها فصل در کاربست عملی موضوع تحقیق

قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین به‌عنوان یکی از پروژه‌های مهم اقتصادی، به‌ویژه پس از امضای سند همکاری ۲۵ ساله، نقش حیاتی در تقویت روابط تجاری و اقتصادی بین دو کشور دارد. این قرارداد به طور خاص بر مبنای بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی و فنی هر دو طرف شکل می‌گیرد و هدف آن استفاده از منابع مالی، تکنولوژیکی، و انسانی برای اجرای پروژه‌های مشترک و تحقق منافع متقابل است. در این نوع سرمایه‌گذاری، دو طرف منابع خود را به اشتراک می‌گذارند تا در کنار یکدیگر به‌سوی دستیابی به اهداف توسعه‌ای حرکت کنند.

یکی از ویژگی‌های بارز همکاری ایران و چین در قالب سرمایه‌گذاری مشترک، تنوع در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری است. این همکاری شامل بخش‌های مختلفی از جمله انرژی، زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل،

کشاورزی، صنعت و فناوری می‌شود. به‌ویژه در زمینه فناوری، چین با داشتن تجربه‌های عظیم در پروژه‌های فناورانه، می‌تواند در بهینه‌سازی و توسعه این بخش در ایران نقش مؤثری ایفا کند. همچنین در زمینه زیرساخت‌ها، چین به‌ویژه در پروژه‌های مربوط به ساخت راه‌آهن، جاده‌ها، بنادر و شهرهای جدید، دارای تجربیات موفق است که می‌تواند در توسعه ایران کمک‌کننده باشد. انتقال فناوری و دانش فنی یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته این نوع همکاری است. چین به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در زمینه‌های مختلف صنعتی و فناوری، می‌تواند با انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته، به بهبود کیفیت تولیدات داخلی ایران کمک کرده و باعث ارتقاء صنایع مختلف شود. این انتقال فناوری به‌ویژه در بخش‌های ماشین‌آلات صنعتی، انرژی‌های نو و صنایع دیجیتال تأثیر چشمگیری خواهد داشت و باعث ارتقاء رقابت‌پذیری صنایع داخلی ایران می‌شود. از دیگر ویژگی‌های مهم این همکاری‌ها، افزایش اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی است. اجرای پروژه‌های مشترک میان دو کشور نه تنها موجب انتقال تکنولوژی می‌شود، بلکه فرصت‌های شغلی جدیدی را در صنایع مختلف ایجاد می‌کند. این امر می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری در ایران کمک کند و موجب تقویت بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور شود. برای موفقیت در پیاده‌سازی این نوع سرمایه‌گذاری مشترک، ایجاد چارچوب‌های قانونی شفاف از اهمیت بالایی برخوردار است. تدوین قوانین و مقررات واضح و مشخص که از حقوق سرمایه‌گذاران هر دو طرف به‌ویژه در مواجهه با مشکلات احتمالی نظیر تحریم‌ها حمایت کند، ضروری است. همچنین باید نظام حقوقی به‌گونه‌ای باشد که خطرات و ریسک‌های ناشی از سرمایه‌گذاری را به حداقل برساند. برای مثال، ایجاد توافق‌نامه‌های بین‌المللی و بستن قراردادهای حمایتی میان دو کشور می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند. یکی از دیگر راهکارهای مهم در این زمینه، تسهیل ورود سرمایه و مبادلات مالی است. با توجه به شرایط خاص اقتصادی ایران و وجود تحریم‌ها، باید سازوکارهای ویژه‌ای برای تسهیل مبادلات ارزی و ورود سرمایه خارجی در نظر گرفته شود. ایجاد بانک‌های مشترک، سیستم‌های پرداخت بین‌المللی و همکاری‌های مالی میان بانک‌های دو کشور می‌تواند فرایندهای مالی را تسهیل کرده و موجب تسریع در انجام پروژه‌ها شود. ایجاد کمیته‌های مشترک مدیریتی برای نظارت بر پیشرفت پروژه‌ها نیز می‌تواند به تضمین موفقیت این سرمایه‌گذاری‌ها کمک کند. این کمیته‌ها باید از نمایندگان هر دو طرف تشکیل شوند و وظیفه نظارت بر روند اجرایی پروژه‌ها، رفع مشکلات و حل اختلافات احتمالی را به عهده داشته باشند. این کمیته‌ها همچنین می‌توانند برنامه‌ریزی‌های لازم برای مراحل مختلف پروژه‌ها را انجام دهند و اطمینان حاصل کنند که پروژه‌ها به‌موقع و با کیفیت مطلوب اجرا می‌شوند. یکی از دیگر راهکارهای اساسی

در پیاده‌سازی این نوع همکاری، پشتیبانی از پروژه‌های تحقیق و توسعه است. برای بهره‌برداری مؤثر از فناوری‌های جدید، لازم است که به طور مشترک در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری شود. تخصیص بودجه‌های لازم برای این بخش و ارتقاء ظرفیت‌های پژوهشی می‌تواند منجر به توسعه فناوری‌های بومی و بهبود کارایی پروژه‌ها شود. در نهایت، آموزش نیروی کار و توانمندسازی کارکنان داخلی در زمینه‌های تخصصی و تکنولوژیک امری ضروری است. در این نوع سرمایه‌گذاری، لازم است که کارگران و مهندسان ایرانی در دوره‌های آموزشی تخصصی شرکت کنند تا بتوانند از فناوری‌های نوین استفاده کنند و همچنین دانش فنی را در کشور حفظ نمایند.

قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین می‌تواند به عنوان یک مدل موفق برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری در عرصه‌های مختلف عمل کند. این همکاری‌ها با ایجاد فرصت‌های شغلی، انتقال فناوری و بهبود زیرساخت‌ها می‌توانند به رشد اقتصادی ایران کمک کنند. با این حال، موفقیت این پروژه‌ها نیازمند تدوین قوانین و مقررات شفاف، تسهیل مبادلات مالی، نظارت مستمر بر پیشرفت پروژه‌ها و پشتیبانی از تحقیق و توسعه است. همچنین، اهمیت آموزش و توانمندسازی نیروی کار داخلی در کنار مدیریت کارآمد این پروژه‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های این همکاری‌ها باشد.

برای پیاده‌سازی موفق یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین، اقدامات عملی باید به طور دقیق و مرحله به مرحله برنامه‌ریزی و اجرایی شود. در اینجا به چند راهکار عملی می‌پردازیم که می‌تواند به ایران و چین کمک کند تا این قرارداد را به طور مؤثر به مرحله اجرا درآورند.

اولین قدم برای پیاده‌سازی سرمایه‌گذاری مشترک، شناسایی و انتخاب پروژه‌های مشخص برای همکاری است. ایران و چین باید بر روی بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی که بیشترین پتانسیل برای همکاری دارند، توافق کنند. به طور مثال، پروژه‌هایی در زمینه‌های انرژی (نفت، گاز، برق)، حمل و نقل (راه‌آهن، بنادر)، صنایع سنگین، فناوری اطلاعات یا کشاورزی. این پروژه‌ها باید از لحاظ اقتصادی و استراتژیک برای هر دو طرف سودآور و قابل اجرا باشند.

برای تسهیل در اجرای پروژه‌ها، ایجاد نهادهای اجرایی مشترک ضروری است. این نهادها می‌توانند به عنوان کمیته‌های نظارتی و اجرایی عمل کنند که وظیفه دارند پروژه‌ها را نظارت و پیشرفت آن‌ها را ارزیابی کنند. این کمیته‌ها باید نمایندگان هر دو کشور را شامل شوند و مسئولیت تقسیم کار، تصمیم‌گیری در موارد اختلاف

و مدیریت منابع را به عهده بگیرند. این نهادها همچنین می‌توانند مشکلات مالی و حقوقی را حل کرده و روند اجرای پروژه‌ها را تسریع کنند.

برای جلوگیری از بروز مشکلات حقوقی و مالی، تنظیم قراردادهای دقیق و شفاف ضروری است. این قراردادها باید شامل جزئیات مالی، حقوق و تعهدات هر یک از طرفین، زمان‌بندی پروژه‌ها، تقسیم منابع، شرایط پرداخت، و مقررات حل اختلافات باشد. به‌ویژه در شرایط تحریمی که ایران با آن مواجه است، قراردادهای مالی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که از تبادلات ارزی و مشکلات مالی جلوگیری شود. ممکن است ایجاد بانک‌های مشترک یا استفاده از سیستم‌های مالی دیگر به تسهیل این فرایند کمک کند.

یکی از چالش‌های بزرگ در سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین، مسائل مربوط به مبادلات ارزی و مشکلات مالی است. ایران باید با همکاری چین، راهکارهایی برای تسهیل پرداخت‌ها و مبادلات مالی ایجاد کند. این کار می‌تواند از طریق استفاده از ارزهای ملی دو کشور (ریال و یوان) یا ایجاد سازوکارهایی مانند ارز دیجیتال مشترک و یا ایجاد حساب‌های مشترک بانکی در کشورهای ثالث انجام گیرد. این مسئله می‌تواند به کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی غربی کمک کند و مانع از بروز مشکلات ناشی از تحریم‌ها شود.

برای موفقیت پروژه‌های مشترک، توسعه زیرساخت‌های فنی و آموزش نیروهای انسانی در ایران و چین ضروری است. ایران می‌تواند از چین در زمینه‌های مختلف تکنولوژیکی مانند تولید تجهیزات صنعتی، فناوری‌های نوین و انتقال دانش فنی بهره‌برداری کند. علاوه بر این، باتوجه‌به اینکه پروژه‌ها ممکن است نیاز به مهارت‌های خاص داشته باشند، آموزش نیروی کار ایرانی در قالب دوره‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های تبادل دانش بسیار مهم است. این آموزش‌ها باید شامل مواردی مانند استفاده از تجهیزات پیشرفته، فناوری‌های جدید و شیوه‌های مدیریت پروژه‌های بزرگ باشد.

بسیاری از پروژه‌های مشترک ممکن است با موانع اداری و قانونی روبه‌رو شوند. ایران و چین باید با همکاری یکدیگر، فرایندهای قانونی را تسهیل کرده و از موانع بروکراسی جلوگیری کنند. برای مثال، کاهش زمان‌های لازم برای تأسیس شرکت‌ها، تسهیل اخذ مجوزها و باز کردن مسیر برای انجام مبادلات تجاری و مالی از طریق تنظیم قوانین مشترک بین دو کشور می‌تواند موجب تسریع در اجرای پروژه‌ها شود. یکی از این راه‌ها می‌تواند امضای توافق‌نامه‌های دوجانبه در زمینه قوانین تجاری و مالی باشد.

برای تشویق سرمایه‌گذاران چینی به حضور در ایران و بالعکس، باید تضمین‌هایی در زمینه امنیت سرمایه‌گذاری فراهم شود. این می‌تواند از طریق توافقات دوجانبه در خصوص حفاظت از سرمایه‌گذاران، جلوگیری از

مصادره اموال و حل و فصل سریع اختلافات میان طرفین باشد. به عنوان مثال، تشکیل دادگاه‌های ویژه اقتصادی برای حل مشکلات قانونی و سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند به اطمینان خاطر طرفین کمک کند.

در کنار پروژه‌های زیرساختی و صنعتی، مشارکت در تحقیقات و توسعه می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت‌های بلندمدت در حوزه فناوری و صنعت باشد. ایران و چین می‌توانند با همکاری یکدیگر، مراکز تحقیقاتی مشترک تأسیس کنند که در آن‌ها به صورت مشترک روی پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف، از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری‌های نوین، کشاورزی و بهداشت کار کنند. این امر می‌تواند باعث انتقال دانش و نوآوری‌های جدید به ایران شود.

در هر پروژه مشترک، ممکن است مشکلات و اختلافاتی به وجود آید. برای این‌که این مشکلات به موانع جدی تبدیل نشوند، باید یک مکانیزم حل اختلافات تعریف شود. این مکانیزم می‌تواند شامل سازوکارهایی مانند مذاکرات دوجانبه، استفاده از مشاوران خارجی یا داوران مستقل باشد تا در صورت بروز مشکلات، دو طرف بتوانند به سرعت و به طور عادلانه اختلافات خود را حل کنند.

در نهایت، برای پیاده‌سازی یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک موفق بین ایران و چین، لازم است که هر دو کشور از ابتدا تا انتها بر روی جزئیات پروژه‌ها، ملاحظات مالی، موانع قانونی و مسائل اجرایی هماهنگ عمل کنند. این اقدامات باید با برنامه‌ریزی دقیق، تنظیم قوانین شفاف، توسعه زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی و به‌ویژه تضمین امنیت سرمایه‌گذاری همراه باشد. اگر این فرایند به‌درستی پیاده‌سازی شود، می‌تواند منجر به یک همکاری پایدار و سودآور برای هر دو کشور شود.

بخش دوم: سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری در نظام حقوقی ایران

در این بخش با بررسی نظام حقوقی ایران در تلاش هستیم که کاربری قانونی پیاده‌سازی عملی تحقیق بررسی ابعاد حقوقی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین با تأکید بر انتقال فناوری در صنعت ICT را مورد واکاوی قرار دهیم. در فصل اول با بررسی اصول ۷۷، ۸۱، ۱۲۵ و ۱۳۹ قانونی اساسی در نظر داریم که مباحث ثبت شعب شرکت خارجی و تأسیس شرکت خارجی در ایران، تصویب قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک توسط هیئت دولت و مجلس و در نهایت داوری دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک را بررسی نماییم. در فصل دوم به مهم‌ترین قانون مربوط به سرمایه‌گذاری در ایران یعنی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی خواهیم پرداخت و با بررسی اکثر مواد مرتبط آن قانون، کاربری دقیق حقوقی تحقیق حاضر را شناسایی خواهیم کرد.

همچنین در فصول بعدی قانون راجع به ثبت شرکت‌ها و قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی و قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای تحقق حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول: قانون اساسی

قانون اساسی با پیش‌بینی اصول ۷۷، ۸۱، ۱۲۵ و ۱۳۹، با هدف حمایت از منابع ملی و جلوگیری از تسلط اشخاص بیگانه، ساختارهای اساسی مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی را پیش‌بینی نموده است. اصول یاد شده به‌اختصار مورد بررسی قرار گیرند.

مبحث اول: ثبت شعبه شرکت خارجی و تأسیس شرکت توسط سرمایه‌گذار خارجی در پرتوی اصل ۸۱

اصل ۸۱ قانون اساسی: دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

طبق اصل ۸۱ قانون اساسی دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امر تجاری و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. پس از تصویب این اصل، اداره ثبت شرکت‌ها با استناد به آن از ثبت شرکت‌های خارجی در ایران خودداری نمود و موانع بسیاری برای سرمایه‌گذاران خارجی به وجود آمد. سپس

مراجع ذیصلاح تلاش نمودند که با تفسیر این اصل و در راستای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، راه‌حل‌های عملی طراحی نمایند که موانع پیشرو تشکیل شرکت در ایران توسط سرمایه‌گذاران خارجی برطرف گردد. طبق نخستین تفاسیر، این اصل بیان‌کننده نوعی ممنوعیت مطلق و کلی است و هیچ شرکت خارجی نمی‌تواند در ایران ثبت شود و به فعالیت بپردازد.^{۵۹} هدف اساسی قانون‌گذار از تدوین این اصل این موضوع بود که ایران در طول سالیان زیاد توسط استعمارگران خارجی مورد تجاوز قرار گرفته بود و اعطای امتیازات خارجی توسط دولت‌های پیشین زمینه این استعمار و بهره‌بری غیرقانونی را فراهم کرده بود.^{۶۰}

با این حال، شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۰/۰۱/۱۸ به موجب نظریه تفسیری به شماره ۸۳۲۴۰ (متن نظریه به پیوست) در تفسیر اصل مذکور بیان نمود که شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های کشوری ایران قرارداد قانونی منعقد کرده باشند می‌توانند جهت انجام فعالیت‌های خود طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، به ثبت شعب در ایران اقدام نمایند و این امر با اصل ۸۱ مغایرت ندارد.^{۶۱} به نظر می‌رسد که مقصود از امتیاز دادن تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجی‌ان آن است که آنان شرکت‌ها و مؤسساتی در ایران تشکیل دهند که اکثر سهام با سرمایه شرکت‌ها یا مؤسسات مزبور متعلق به بیگانگان و اختیار تصمیم‌گیری کنترل نیز با آنها باشد.^{۶۲} باید بپذیریم که اصل ۸۱ جهت جلوگیری از انحصار خارجی بنا شده و کسب سهام شرکت‌های ایرانی توسط خارجی‌ان را منع نکرده است.^{۶۳} پس، باتوجه به این موارد باید گفت امتیاز ملازمه با نوعی انحصار دارد امتیازات انحصاری که در دوران قاجار بر اساس قراردادهایی مانند به بیگانگان اعطا گردید سبب شد تا قانون‌گذار اسلامی هر گونه اعطای امتیاز را به بیگانگان ممنوع اعلام کند؛ اما همان‌طور که می‌دانیم سرمایه‌گذاری مشترک هیچ‌گونه انحصاری را برای طرف خارجی ایجاد نمی‌کند و اقدامات تحت نظارت و مشارکت طرف ایرانی انجام می‌پذیرد.

^{۵۹} قامت، جعفر، بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اثرات آن بر سرمایه‌گذاری خارجی، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، شماره ۸۰، ۱۳۹۰، صص ۱۸۵-۱۶۷.

^{۶۰} خزاعی، حسین، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و اصل ۸۱ قانون اساسی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۶، شماره ۴ پیاپی، ۱۳۷۱، صص ۱۰۵-

^{۶۲} صفایی، حسین، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴، صص ۲۷۶.

^{۶۳} طباطبائی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹، صص ۲۶۴.

در نتیجه، شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد شده طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. در نهایت، در صورتی که طرف خارجی چینی در نظر داشته باشد به منظور انجام سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه انتقال فناوری در ایران شعبه‌ای ثبت نماید، این امر با اصل ۸۱ تعارضی ندارد. همچنین، در صورتی که طرح سرمایه‌گذاری مشترک در نظر داشته باشد که از طریق ثبت شرکت، انتقال فناوری صورت پذیرد، در شرایطی که در شرکت مذکور امتیاز انحصاری و کنترلی نداشته باشد، این ثبت شرکت نیز مغایرتی با اصل ۸۱ قانون اساسی ندارد و در صورتی که در شرکت تأسیس شده درصد سهام‌داری طرف سرمایه‌گذار چینی کمتر از ۵۰ درصد باشد و کنترل شرکت را بر عهده نداشته باشد، با این اصل تعارضی نخواهد داشت. البته در ادامه توضیح داده خواهد شد که بر اساس قوانین جدید از جمله قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن، تأسیس شرکت با صد درصد سهام‌داری طرف خارجی نیز با ممنوعیت مواجه نخواهد بود. همچنین، لازم به ذکر است که در خصوص ماهیت طرح سرمایه‌گذاری مشترک به منظور انتقال فناوری، چه در قالب شرکت و چه در قالب قرارداد، با توجه به اینکه طرف سرمایه‌گذار چینی در میزان محصول تولیدی ناشی از انتقال فناوری و منافع طرح شریک است، نمی‌تواند نوعی امتیازی و انحصار تلقی شود و به صرف بلند بودن دوره قرارداد و حضور شرکت طرف قرارداد در مرحله مشارکت و سود حاصله، ماهیت این طرح مشمول حکم مصرح در اصل ۸۱ قانون اساسی نمی‌گردد.^{۶۴}

بنابراین، مستند به اصل ۸۱ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، طرف سرمایه‌گذار چینی که با دستگاه‌های دولتی ایران از جمله وزارتخانه‌ها قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند، می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک منعقد شده طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. در این راستا، طرف سرمایه‌گذار چینی باید در راستای ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها در کشور چین، یک شرکت به منظور اجرای طرح سرمایه‌گذاری مشترک ثبت نماید و سپس اقدام به ایجاد یک شعبه در کشور ایران نماید. این

^{۶۴} سالاری، مصطفی، رضاییزاده، محمدجواد، معیارها و شرایط عمومی قراردادهای جدید نفتی ایران از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۲۵، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲-۱۲۸.

شعبه می‌تواند به‌عنوان نماینده قانونی طرف سرمایه‌گذار چینی در ایران پروسه طرح سرمایه‌گذاری مشترک را پیاده‌سازی نماید. البته لازم به ذکر است که به‌منظور اجرای این طرح سرمایه‌گذاری مشترک، به‌هرحال ثبت یک شرکت مشترک ذیل قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک لازم است که تمامی منافع دو طرف ذیل آن شرکت شکل بگیرد. در خصوص این شرکت نیز، به‌موجب اصل ۸۱ قانون اساسی، طرف سرمایه‌گذاری چینی ممنوعیتی بابت سهام‌داری در این شرکت نخواهد داشت و همان‌طور که در آینده توضیح داده خواهد شد به‌موجب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی محدودیتی نیز در خصوص میزان درصد سهام طرف سرمایه‌گذار خارجی وجود نخواهد داشت؛ بااین‌حال، به نظر می‌رسد لازم است که به‌منظور جلوگیری از انحصار طرف سرمایه‌گذار چینی، امتیازات و کنترل‌ها موجود در شرکت مشترک نیز به‌صورت مشارکتی فی‌مابین طرفین تقسیم گردد تا از انحصار طرف سرمایه‌گذار خارجی و کنترل ایشان جلوگیری شود. در نهایت به‌منظور تبیین بهتر مبحث حاضر در راستای تحقیق و موضوع اصلی، به‌اختصار نتایج حاصله به شرح ذیل است:

مستند به رویه‌های موجود و تفاسیر غالب از اصل ۸۱ قانون اساسی، در صورتی‌که طرف چینی طرح سرمایه‌گذاری مشترک در نظر داشته باشد که به‌منظور فعالیت‌های مرتبط با طرح سرمایه‌گذاری مشترک در ایران اقدام به تأسیس شعبه نماید یا در فرضی که به‌منظور انجام طرح سرمایه‌گذاری مشترک تأسیس یک شرکت مشترک مربوط به طرح فی‌مابین طرف ایرانی و چینی لازم باشد، مشروط به موارد ذیل، این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی تعارض ندارد:

۱. طرف چینی با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک منعقد نموده باشد؛
۲. طرف چینی در کشور خود یک شرکت با شخصیت حقوقی تأسیس نموده باشد و سپس در ایران اقدام به تأسیس شعبه نماید و آن شعبه طرف قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک باشد؛
۳. عدم اعطای امتیازات انحصاری به طرف چینی در شعبه خود در ایران یا شرکت سرمایه‌گذاری مشترک ثبت شده در ایران و تقسیم سود، منافع و امتیازات آن شرکت به‌صورت مشترک فی‌مابین طرف ایرانی و چینی؛
۴. فعالیت شرکت سرمایه‌گذاری مشترک یا شعبه شرکت چینی در ایران در حدود قراردادهای منعقد با دستگاه‌های ایرانی.

مبحث دوم: تصویب قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک توسط مجلس در پرتوی اصل ۷۷ و ۱۲۵

اصل ۷۷ قانون اساسی: عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۱۲۵ قانونی اساسی: امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است.

باتوجه به این اصل، در این مبحث باید این موضوع بررسی گردد که انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به‌منظور انتقال فناوری مصداقی از قرارداد بین‌المللی است که نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد یا خیر. در پاسخ به این پرسش در آغاز قرارداد بین‌المللی را باید بررسی نمود. قرارداد بین‌المللی عبارت از عقدی است که برای خرید با هر نوع تعهد دیگری در مورد انتقال کالا و خدمات بین دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی و یا سازمان‌های کشوری در دو کشور مختلف منعقد می‌شود. قابل‌مشاهده است که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین به‌منظور انتقال فناوری مصداقی از یک قرارداد بین‌المللی است. طبق یک نظر، چون این‌گونه قراردادهای مشمول قانون مدنی یک یا چند کشور معین هستند و ارتباطی به حاکمیت کشورها ندارند و معاهده محسوب نمی‌شوند و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌گردند و انعقاد این‌گونه قرارداد اصولاً از اعمال تجاری و یا تشکیلات اقتصادی خارجی است مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌گردد. شورای نگهبان نیز در نظریه تفسیری به شماره ۸۵۱۱۴ نیز اعلام نموده قراردادهایی که یک طرف آن وزارتخانه با مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد یک شرکت خصوصی است، مشمول اصل ۷۷ نیست.^{۶۵}

عقیده شورای نگهبان این است که چنین قراردادهایی معاهده بین‌المللی به شمار نمی‌آیند و قراردادهایی که میان نهادها و شرکت‌های دولتی ایران با شرکت‌ها و مؤسسات دولتی خارجی منعقد می‌شوند، نیازی به تصویب مجلس ندارند. برای مثال، قراردادهای تجاری میان یک شرکت دولتی ایرانی که نماینده وزارت دفاع است، و یک شرکت دولتی چینی نیازی به تصویب مجلس ندارند؛ چرا که این قراردادهای زیر مجموعه حقوق بین‌الملل

^{۶۵} عنایت، سید حسن، تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران و مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۵، ص. ۱۳۱.

عمومی قرار نمی‌گیرند و موضوع آن‌ها تجاری بوده و تابع قواعد عمومی قراردادهای هستند. به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار از قراردادهای بین‌المللی، قراردادهایی است که در چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی و سیاست‌های کلان کشور قرار می‌گیرند. براین اساس، قراردادهای تجاری کشور از شمول این اصل خارج می‌شوند. همان‌طور که می‌دانیم، اعمال کشور از نظر موضوع به دو دسته تقسیم می‌شوند: اعمال تصدی و اعمال حاکمیتی. گاهی کشور در جایگاه یک تاجر ظاهر می‌شود و اصطلاحاً تصدی‌گری انجام می‌دهد. به نظر می‌رسد که اصل ۷۷ قانون اساسی تنها ناظر بر اعمال حاکمیتی کشور باشد و نه اعمال تصدی‌گری. اعمال حاکمیتی به مواردی اشاره دارند که کشور به‌عنوان یک قدرت عمومی و سیاسی وارد عمل می‌شود و از این منظر، قراردادهایی که در راستای سیاست‌های کلان کشور هستند، در شمول اصل ۱۳۹ قرار می‌گیرند؛ اما قراردادهایی که در قالب روابط تجاری منعقد می‌شوند، از شمول این اصل مستثنی هستند.^{۶۶}

از جنبه عملی نیز، چنانچه هر قرارداد میان ایران و سایر کشورها نیازمند تصویب مجلس باشد، ممکن است موجب اتلاف وقت و منابع زیادی از نهاد قانون‌گذاری شود که وظیفه اصلی‌اش تدوین و تصویب قوانین است. این امر می‌تواند مشکلات عملی جدی برای روند اجرایی امور به دنبال داشته باشد. بنابراین، در قراردادهای تجاری که میان کشور ایران با شرکت‌های خصوصی یا سایر کشورها منعقد می‌شود، حتی اگر حائز اهمیت باشد، نیازی به تصویب مجلس ندارد. نظریه شورای نگهبان و همچنین رویه جاری کشور نیز مؤید همین نظر است.^{۶۷}

بنابراین، مستند به اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، در ابتدا لازم به ذکر است که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به‌منظور انتقال فناوری با کشور چین، مصداقی از قراردادهای بین‌المللی اصل ۷۷ قانون اساسی نیست و نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد؛ چرا که منظور اصل ۷۷ قانون اساسی آن دسته از قراردادهای بین‌المللی است که میان دو کشور به‌منظور توافقات حقوق بین‌الملل منعقد می‌گردد و مصداقی از معاهده بین‌المللی دارد. در پروژه موضوع تحقیق، قرارداد فی‌مابین دو شرکت وابسته به دولت ایران و چین منعقد خواهد شد. در واقع، پیشنهاد این است که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک

^{۶۶} میرعباسی، سید باقر، مسأله قراردادهای بین‌المللی موضوع اصل ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۲، ۱۳۷۷، صص ۴۹-۳۰.

^{۶۷} غمامی، سید محمد مهدی، نصرالهی نصرآباد، علیرضا، تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار برنامه‌ی اقدام مشترک با تأکید بر اصل حاکمیت قانون

اساسی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره ۸، پیاپی، ۱۳۹۳، صص ۸۹-۱۱۳.

جهت انتقال فناوری میان دولت ایران و چین، به طور مستقیم زیر نظر دولت‌ها منعقد نگردد؛ بلکه هر دو کشور اقدام به تأسیس یک شرکت وابسته دولتی نمایند و آن شرکت‌ها به‌عنوان شرکت‌های وابسته به یک نهاد دولتی و در راستای وظایف تصدی‌گری خود اقدام به انعقاد طرح سرمایه‌گذاری مشترک نماید. نظریات تفسیری قانون اساسی نیز این پیشنهاد را تأیید می‌نماید و در این نظریات صراحتاً قید شده است که انعقاد قرارداد از طریق وزارت‌خانه‌های کشوری مصداق قرارداد خصوصی است و مشمول اصل ۷۷ نیست. با این حال، به‌منظور جلوگیری از هرگونه اشکال در تنظیم این قرارداد، پیشنهاد این است که نهاد دولتی ایرانی به‌صورت مستقیم اقدام به انعقاد این قرارداد ننماید؛ بلکه این وزارت‌خانه از طریق تأسیس یک شرکت سهامی خاص ذیل مقررات ایران با ترکیب سهام‌داری وابسته، اقدام به تأسیس یک شرکت مستقل خصوصی نماید و این شرکت به‌عنوان نماینده قراردادی اقدام به همکاری و مشارکت با طرف سرمایه‌گذار چینی نماید.

در نهایت به‌منظور تبیین بهتر مبحث حاضر در راستای تحقیق و موضوع اصلی، به‌اختصار نتایج حاصله به شرح ذیل است:

مستند به رویه‌های موجود و تفاسیر غالب از اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک فی‌مابین کشور چین و ایران اگرچه مصداقی از یک قرارداد بین‌المللی است؛ ولی باتوجه‌به اینکه مصداقی از معاهدات بین‌المللی نیست و در راستای انجام اعمال تصدی‌گرایانه منعقد می‌گردد، نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد. بنابراین در این راستا، در صورتی که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک در خصوص انتقال فناوری بین کشور ایران و چین، اعم از اینکه فی‌مابین یک دستگاه دولتی ایرانی و یک شرکت خصوصی چینی باشد یا فی‌مابین یک دستگاه دولتی ایرانی و یک دستگاه دولتی چینی باشد، به این دلیل که مصداقی از انجام اعمال تصدی‌گرایانه است، نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نیست.

اگرچه پیشنهاد می‌شود که طرف‌های ایرانی و چینی، به‌منظور جلوگیری از هرگونه محدودیت فرضی، به نمایندگی از طرف یک شرکت، قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک را منعقد نمایند. در واقع، دستگاه‌های دولتی ایرانی، اقدام به تأسیس یک شرکت خاص نمایند که طرف طرح سرمایه‌گذاری مشترک قرار گیرد و طرف چینی نیز اقدام به تأسیس یک شرکت خاص در کشور خود و سپس اقدام به تأسیس یک شعبه در ایران نماید.

مبحث سوم: داوری دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک در پرتوی اصل ۱۳۹

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

در بخش اول به این موضوع اشاره کردیم که یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک در ارجاع اختلاف به نهاد داوری است. لازم به ذکر است که در برخی از کشورها، ارجاع اختلافات مربوط به اموال دولتی و عمومی به منظور حفظ منافع عمومی به داوری منوط به اخذ تأییدات دولتی است؛ با این حال فرض تأیید و تصویب، به معنای عدم امکان رجوع به داوری نیست. بلکه به این معنا است که پیش از شروع داوری، نیاز به تصویب نهاد دولتی است.

طبق تفاسیر ارائه شده از اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح دعاوی مربوط به اموال کشوری و عمومی یا ارجاع آن به داوری در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید علاوه بر تصویب هیئت وزیران به تصویب مجلس نیز برسد. طبق نظرات موجود، برخی میان اموال دولتی حاکمیتی و اعمال دولتی تصدی‌گری قائل به تفاوت شده‌اند و گفته‌اند که ارجاع اختلافات مربوط به اموال شرکت‌های خصوصی تصدی‌گری حتی اگر دولت در آن شرکت‌ها سهام‌دار باشد، نیاز به تصویب مجلس ندارد^{۶۸} و اموال شرکت‌های خصوصی متعلق به دولت مشمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی می‌شوند.^{۶۹} بنابراین طبق این نظرات، بر فرض تحقق سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین، در صورتی که طبق مبحث‌های قبلی، به منظور اجرایی نمودن پروژه اقدام به تأسیس یک شرکت ایرانی سهامی خاص وابسته به وزارت‌خانه صورت گیرد، تعیین شرط داوری در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک مورد نظر مانعی با اصل ۱۳۹ نخواهد داشت.

همچنین، قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۴۵۷ مقرر نموده است که: «ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیئت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی

^{۶۸} علیدوستی، ناصر، ظرفیت‌های اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۹، پیاپی، ۱۳۸۷، ص. ۸۹.

^{۶۹} نیکبخت، حمیدرضا، همتی کلوانی، احمد، اصل ۱۳۹ قانون اساسی در پرتو رویه قضایی و داوری، مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۳۰، ۱۳۹۹، صص. ۲۳۰-۲۱۵.

که طرف دعوا خارجی یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.» همان‌طور که قابل‌مشاهده است، این ماده از قانون آیین دادرسی مدنی مشابه اصل ۱۳۹ قانون اساسی است. برخی از صاحب‌نظران بر این باور هستند که پس از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی، به دلیل سکوت این قانون پیرامون ضرورت یا عدم ضرورت رعایت تشریفات مربوط به اخذ تأییدات دولتی در خصوص داوری و صلح دعاوی مربوط به اموال عمومی، اصل مذکور نسخ گردیده است. با این حال لازم به ذکر است که سکوت در قانون داوری تجاری بین‌المللی به‌عنوان یک قانون عادی برای نسخ قانون اساسی سابق کافی نیست و این اصل همچنان پابرجا است.

رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی، نه‌تنها در زمان امضای قرارداد و انعقاد آن، بلکه در مرحله اجرای قرارداد و حل‌وفصل اختلافات احتمالی با سرمایه‌گذار خارجی نیز موانع پیچیده‌ای به وجود می‌آورد که با اصل سرعت، اعتماد و حسن‌نیت در تجارت بین‌الملل ناسازگار است. سرمایه‌گذاران خارجی معمولاً انتظار دارند که دولت میزبان، اجرای قرارداد و اخذ مجوزهای لازم از مراجع داخلی را با حسن‌نیت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به انجام برساند. اما چنانچه هنگام اجرای قرارداد و بروز اختلاف، به بهانه لزوم تصویب مجلس، قواعد و الزامات قانونی برای حل اختلاف به تأخیر بیفتد، می‌تواند منجر به خدشه‌دار شدن اعتماد سرمایه‌گذار شود. سرمایه‌گذاران خارجی که پیش از هر اقدامی، جوانب حقوقی سرمایه‌گذاری خود را بررسی می‌کنند، اصل ۱۳۹ را مانعی جدی برای ایجاد اعتماد و تشویق به سرمایه‌گذاری می‌دانند. زمانی که سرمایه‌گذاران با مقررات حقوقی کشور میزبان مواجه می‌شوند که با قواعد حقوقی بین‌المللی سازگار نیستند، از ایجاد اطمینان نسبت به حل‌وفصل اختلافات آینده و پیامدهای آن نگران می‌شوند. در مقابل، اگر قوانین کشور میزبان با قواعد جهانی هم‌خوانی داشته باشد، سرمایه‌گذاران خارجی راحت‌تر می‌توانند به منافع خود در آینده اعتماد کنند.^{۷۰}

در نقطه مقابل، عده‌ای معتقدند که صلح دعاوی و ارجاع آن به داوری به‌طور کلی ممنوع نشده است، بلکه مشروط به تأییدات دولتی است. به این معنا که قانون‌گذار ارجاع این دسته از دعاوی را منوط به تصویب هیأت وزیران دانسته و در مواردی که طرف دعوی سرمایه‌گذار خارجی باشد، تصویب مجلس نیز الزامی است. این دسته از افراد معتقدند که اصل ۱۳۹ به داوری مرتبط با قواعد نظم عمومی اقتصادی کشور اشاره دارد و هدف آن، حفاظت از اموال عمومی و منافع ملی است. عدم رعایت این اصل می‌تواند منجر به بطلان

^{۷۰} کلایوم، اشتیموف، *حقوق تجارت بین‌الملل*، بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، جلد دوم، ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹.

قرارداد داوری یا صلح دعوا شود. مبحثی که با تحقیق حاضر مرتبط است، ظرفیت‌های قوانین عادی در اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی است. مطابق با متن اصل ۱۳۹، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری، در هر مورد باید مشروط به تصویب هیأت وزیران باشد و مجلس نیز باید از این موارد اطلاع داشته باشد. موارد مهم توسط قانون مشخص می‌شود. این اصل به صراحت به وجود ظرفیت‌هایی در قوانین عادی اشاره دارد که می‌توانند اجرای اصل ۱۳۹ را ممکن سازند.

از مصادیق قوانین عادی، می‌توان به موافقت‌نامه‌های دوجانبه تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری میان دولت ایران و دیگر دولت‌ها اشاره کرد. در این موافقت‌نامه‌ها، معمولاً ماده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه در صورتی که فی‌مابین دو دولت در راستای سرمایه‌گذاری اختلافی رخ دهد، فرایند حل اختلاف به چه نحو باشد که در انتها پس از مذاکره، داوری توسط نهادهای داوری بین‌المللی شناسایی گردد. همچنین، طبق نظرات موجود، با توجه به اینکه وجود چنین اصلی می‌تواند مانع از اصل سرعت در حل و فصل اختلافات شود و سرمایه‌گذار خارجی را در انعقاد قرارداد دچار تردید نماید، پیش‌بینی موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری در قالب معاهده که از پیش توسط مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار می‌گیرد می‌تواند راهگشا باشد.^{۷۱} برای مثال طبق ماده ۱۳ موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین ارجاع اختلافات به نهاد داوری پیش‌بینی شده است و مقرر گردیده است که:

«کلیه اختلافات مربوط به اجرا یا تفسیر این موافقت‌نامه بین طرف‌های متعاقد، ابتدا از طریق مذاکره و به طور دوستانه حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق، هر یک از طرف‌های متعاقد می‌تواند با رعایت قوانین و مقررات مربوط خود، ضمن ارسال اطلاعیه‌ای برای طرف متعاقد دیگر، موضوع را به یک هیأت داوری سه‌نفره مرکب از دو داور منتخب طرف‌های متعاقد و یک سرداور ارجاع نماید. در صورت ارجاع امر به داوری، هر یک از طرف‌های متعاقد ظرف مدت شصت روز از تاریخ دریافت اطلاعیه نسبت به معرفی یک داور اقدام می‌کند و داوران منتخب طرف‌های متعاقد ظرف مدت شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه هر یک از طرف‌های متعاقد ظرف مدت مقرر داور خود را تعیین نکند و یا داوران منتخب ظرف مدت مذکور در مورد انتخاب سرداور به توافق نرسند، هریک از طرف‌های متعاقد می‌تواند از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری بخواهد که حسب مورد داور طرف ممتنع یا سرداور را تعیین نماید.

^{۷۱} علیدوستی، ناصر، ظرفیت‌های اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۹، پیاپی، ۱۳۸۷، ص. ۹۴-۹۷

سرداور باید در هر صورت تابعیت کشوری را دارا باشد که در زمان انتخاب با طرف‌های متعاقد روابط سیاسی دارد»

قابل مشاهده است که در ایران، در خصوص روابط سرمایه‌گذاری با کشور چین، موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در سال ۱۳۸۳ مصوب گردید و در ماده ۱۳ این موافقت‌نامه امکان ارجاع اختلافات به داوری پیش‌بینی گردید.

در رابطه با اجرای موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری و هماهنگی آن با اصل ۱۳۹ قانون اساسی، پرسش اصلی این است که آیا در مواردی که میان دولت ایران و دولت متبوع سرمایه‌گذار اختلافاتی به وجود می‌آید و توافق دوجانبه‌ای میان دو دولت وجود دارد، همچنان تصویب ارجاع این اختلافات به داوری توسط مجلس ضروری است؟ درحالی‌که در قانون موافقت‌نامه‌های دوجانبه، به‌طور کلی ارجاع اختلافات میان سرمایه‌گذار و دولت متعاقد به داوری پیش‌بینی شده و توسط مجلس تصویب شده است.

برخی معتقدند که هرچند در قوانین مربوط به موافقت‌نامه‌های دوجانبه، صراحتاً به ارجاع اختلافات آتی به داوری اشاره شده است، اما این پیش‌بینی زمانی مؤثر خواهد بود که اختلافات هنوز بروز نکرده باشند و میزان اهمیت و ارزش این اختلافات به طور کامل مشخص نباشد. در چنین شرایطی، فلسفه اصل ۱۳۹ قانون اساسی این است که قوه مقننه باید بر داوریهایی که به اموال عمومی و دولتی مربوط می‌شود، نظارت داشته باشد تا از منافع ملی محافظت کند. به عبارت دیگر، اصل ۱۳۹ بر این تأکید دارد که تصمیمات داوری که به اموال و منافع عمومی کشور مربوط می‌شود، نیازمند تصویب مجلس است، چرا که در این موارد، نظارت دقیق و کنترل قانون‌گذار ضروری است. بنابراین، با تصویب قوانین موافقت‌نامه‌های دوجانبه، ممکن است این ملاحظات لحاظ نشود و قوه مقننه نتواند به‌درستی بر فرایند داوری نظارت کند. از این رو، بسیاری معتقدند که ارجاع اختلافات به داوری، حتی با وجود وجود توافقات دوجانبه، نیازمند تصویب مجدد مجلس است.

در مقابل، گروه دیگری از حقوق‌دانان و پژوهشگران بر این باورند که قانون‌گذار با تصویب موافقت‌نامه‌های دوجانبه به الزام‌آور بودن تصمیمات داوری اذعان کرده و از حق نظارت خود صرف‌نظر کرده است. به عبارت دیگر، با تصویب این توافق‌نامه‌ها، فرایند داوری و نتایج آن به طور خودکار الزام‌آور شده و دیگر نیازی به تصویب مجدد مجلس نیست. این گروه معتقدند که اگر نظارت قوه مقننه بر چنین توافقاتی ادامه یابد، اعتماد سرمایه‌گذاران و طرف‌های خارجی به پایداری و ثبات قوانین سرمایه‌گذاری در کشور کاهش

خواهد یافت. این امر می‌تواند موجب ازدست‌رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت ریسک‌های سرمایه‌گذاری در کشور شود، چرا که سرمایه‌گذاران خارجی به این امر توجه خواهند کرد که آیا دولت‌ها پس از وقوع اختلاف، مجدداً نیاز به مصوبه مجلس برای حل و فصل آن دارند یا خیر. در نتیجه، این امر می‌تواند به تضعیف موقعیت رقابتی کشور در جذب سرمایه‌های خارجی منجر شود. بنابراین، بسیاری از کارشناسان حقوقی معتقدند که تصویب ارجاع به داوری در موافقت‌نامه‌های دوجانبه، به منزله تحصیل حاصل است و ضرورتی به تصویب مجدد مجلس در این رابطه وجود ندارد.

بر اساس این دیدگاه، باتوجه به این که دولت‌ها در زمان انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه به الزامات و ضوابط آن توافق کرده‌اند و این توافق از سوی مجلس نیز تصویب شده است، دیگر نیازی به بررسی مجدد مجلس برای هر مورد خاص نخواهد بود. در چنین شرایطی، اگر قوه مقننه بخواهد ارجاع اختلافات به داوری را مجدداً تصویب کند، ممکن است این اقدام حقوق سرمایه‌گذاران را به خطر بیندازد. به‌ویژه که بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی به امید داشتن یک سازوکار مطمئن و بی‌دغدغه برای حل اختلافات خود، در کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و هرگونه اقدام برای تغییر این رویه، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی آن‌ها شود. بنابراین، باتوجه به تصویب قانون موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری که در آن به صراحت به ارجاع اختلافات به داوری اشاره شده، برخی معتقدند که اصل ۱۳۹ قانون اساسی به طور غیرمستقیم رعایت شده است. زیرا در این توافقات، قوه مقننه با تصویب اصل قانونی، به نحوه حل و فصل اختلافات از طریق داوری تن داده و از آنچه به عنوان وظیفه نظارت بر امور مرتبط با اموال عمومی در نظر گرفته شده، دست کشیده است. به عبارت دیگر، الزام به تصویب مجدد این مسئله، نیاز به انجام اقدام اضافی را از بین برده است و به همین دلیل، تحقق اصل ۱۳۹ قانون اساسی در این خصوص را بی‌معنا می‌سازد.

در نهایت، باید گفت که این مسئله همچنان در حوزه حقوقی و سیاسی محل اختلاف نظر باقی مانده است. برخی بر اهمیت نظارت مجلس بر امور مربوط به داوری‌ها به‌ویژه در مواردی که به اموال عمومی و منافع ملی مربوط می‌شود، تأکید دارند. در حالی که گروهی دیگر معتقدند که باتوجه به توافقات بین‌المللی و تصویب آن‌ها، نیازی به مصوبه مجدد مجلس وجود ندارد و این موضوع می‌تواند به تقویت و توسعه سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک کند. لذا، حل این مسئله همچنان به عنوان چالشی جدی در نظام حقوقی ایران مطرح است.

بنابراین، در موضوع تحقیق پیشرو و به منظور ایجاد رابطه سرمایه‌گذاری با کشور چین پیش‌بینی چنین شرطی در قرارداد با اصل مذکور تعارضی ندارد و می‌توان اختلافات پیشرو را به دیوان بین‌المللی دادگستری جهت حل و فصل ارجاع داد.

در نهایت به منظور تبیین بهتر مبحث حاضر در راستای تحقیق و موضوع اصلی، به اختصار نتایج حاصله به شرح ذیل است:

مستند به رویه‌های موجود و تفاسیر غالب از اصل ۱۳۹ قانون اساسی، در صورت انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک فی‌مابین کشور چین و ایران طرفین می‌توانند شرط داوری را در خصوص حل و فصل اختلافات پیش‌بینی نمایند و از طرف دیگر با توجه به اینکه به موجب ماده ۱۳ موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین، امکان داوری اختلافات فی‌مابین دو دولت توسط دیوان بین‌المللی دادگستری پیش‌بینی و مصوب شده است، دیگر نیازی به تصویب مجدد مجلس شورای اسلامی جهت ارجاع داوری‌های مذکور نیست و با تصویب موافقت‌نامه دوجانبه، مجلس شورای اسلامی تأییدات خود را در خصوص ارجاع اختلافات سرمایه‌گذاری فی‌مابین چین و ایران را به داوری صادر نموده است.

مبحث چهارم: نتیجه‌گیری فصل و پیشنهادها در کاربست عملی موضوع تحقیق

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته ذیل قانون اساسی، به منظور عملی‌سازی پروژه سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین، نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. مستند به اصل ۸۱ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، طرف سرمایه‌گذار چینی که با دستگاه‌های دولتی ایران از جمله وزارت دفاع قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند، جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک منعقد طبق ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. در این راستا، طرف سرمایه‌گذار چینی باید در راستای ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها در کشور چین یک شرکت به منظور اجرای طرح سرمایه‌گذاری مشترک ثبت نماید و سپس اقدام به ایجاد یک شعبه در کشور ایران نماید. این شعبه می‌تواند به عنوان نماینده قانونی طرف سرمایه‌گذار چینی در ایران فرایند طرح سرمایه‌گذاری مشترک را پیاده‌سازی نماید. البته لازم به ذکر است که به منظور اجرای این طرح سرمایه‌گذاری مشترک، به هر حال ثبت یک شرکت مشترک ذیل قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک لازم است که تمامی منافع دو طرف ذیل آن شرکت شکل بگیرد. در خصوص این شرکت نیز، به موجب اصل ۸۱ قانون اساسی، طرف سرمایه‌گذاری چینی ممنوعیتی بابت سهام‌داری در این شرکت نخواهد داشت و همان‌طور که در آینده توضیح داده خواهد شد به موجب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی محدودیتی نیز در خصوص میزان درصد سهام طرف سرمایه‌گذار خارجی وجود نخواهد داشت؛ با این حال، به نظر می‌رسد لازم است که به منظور جلوگیری از انحصار طرف سرمایه‌گذار چینی، امتیازات و کنترل‌های موجود در شرکت مشترک نیز به صورت مشارکتی فی‌مابین طرفین تقسیم گردد تا از انحصار طرف سرمایه‌گذار خارجی و کنترل ایشان جلوگیری شود.

۲. مستند به اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، در ابتدا لازم به ذکر است که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به منظور انتقال فناوری با کشور چین اگرچه به صورت کلی یک قرارداد بین‌المللی است، با این وجود مصداقی از قراردادهای بین‌المللی مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نیست و نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد؛ چرا که منظور اصل ۷۷ قانون اساسی آن دسته از قراردادهای بین‌المللی است که میان دو کشور به منظور توافقات حقوق بین‌الملل منعقد می‌گردد و مصداقی از معاهده بین‌المللی دارد. در پروژه موضوع تحقیق، قرارداد فی‌مابین دو شرکت وابسته به دولت ایران و چین منعقد

خواهد شد. در واقع پیشنهاد این است که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک جهت انتقال فناوری میان دولت ایران و چین، به طور مستقیم زیر نظر دولت‌ها منعقد نگردد؛ بلکه هر دو کشور اقدام به تأسیس یک شرکت وابسته دولتی نمایند و آن شرکت‌ها به عنوان شرکت‌های وابسته به یک نهاد دولتی، برای مثال وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران و در راستای وظایف تصدی‌گری خود اقدام به انعقاد طرح سرمایه‌گذاری مشترک نماید. نظریات تفسیری قانون اساسی نیز این پیشنهاد را تأیید می‌نماید و در این نظریات صراحتاً قید شده است که انعقاد قرارداد از طریق وزارت خانه‌های کشوری مصداق قرارداد خصوصی است و مشمول اصل ۷۷ نیست. با این حال، به منظور جلوگیری از هرگونه اشکال در تنظیم این قرارداد، پیشنهاد این است که وزارت دفاع به صورت مستقیم اقدام به انعقاد این قرارداد ننماید؛ بلکه این وزارت خانه از طریق تأسیس یک شرکت سهامی خاص ذیل مقررات ایران با ترکیب سهام‌داری وابسته، اقدام به تأسیس یک شرکت مستقل خصوصی نماید و این شرکت به عنوان نماینده قراردادی وزارت دفاع اقدام به همکاری و مشارکت با طرف سرمایه‌گذار چینی نماید.

۳. مستند به اصل ۱۳۹ قانون اساسی و همچنین نظریات حقوقی مذکور، باتوجه به اینکه به منظور تأمین اصل سرعت و کاهش هزینه‌ها در حل و فصل اختلافات ناشی از طرح سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه‌گذار چینی لازم است که شرط داوری در چنین قراردادهایی پیش‌بینی شود و چنین موضوعی با اصل ۱۳۹ تعارضی ندارد. در ابتدا لازم است که به منظور جلوگیری از هرگونه تردید، وزارت دفاع به صورت مستقیم اقدام به انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک ننماید؛ چون در این صورت مشارکت موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک مصداقی از اموال عمومی و دولتی خواهد بود و تردیدهایی در خصوص اعمال اصل ۱۳۹ به وجود خواهد آمد. پیشنهاد می‌شود که وزارت دفاع به صورت غیرمستقیم اقدام به تأسیس یک شرکت سهامی خاص واسط نماید و این شرکت به صورت مستقیم طرف طرح سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه‌گذار چینی باشد؛ چرا که طبق نظرات موجود شرکت‌های خصوصی وابسته به نهاد دولتی به دلیل اینکه اقدام به اعمالی تصدی‌گری و تجاری می‌نمایند، مصداقی از اموال دولتی و عمومی نیستند و اصل ۱۳۹ نسبت به آن‌ها اعمال نخواهد شد. در نهایت لازم به ذکر است که حتی اگر مشارکت سرمایه‌گذاری مشترک با طرف چینی چه با حضور مستقیم و چه با حضور غیرمستقیم وزارت دفاع پیاده‌سازی شود، به دلیل اینکه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳ موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری با کشور چین را تصویب نموده است و در این موافقت‌نامه حل و فصل اختلافات از

طریق داوری پیش‌بینی شده است؛ مجلس شورای اسلامی به‌صورت ضمنی حق کنترل و نظارت خود بر داوری اموال عمومی موضوع سرمایه‌گذاری با کشور چین را از پیش مورد تصویب قرار داده است.

فصل دوم: قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی

نخستین قانونی که مقنن در تصویب آن دستیابی به فناوری و سرمایه‌گذاری از سایر کشورها را مدنظر قرار داد، قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۳۴ مجلس سنای سابق بود. این قانون در آن زمان به‌منظور جذب سرمایه‌های خارجی و انتقال فناوری به کشور تصویب شد، اما به دلیل برخی محدودیت‌ها و نقص‌ها در زمینه‌های اجرایی و حمایتی، موفقیت چندانی در دستیابی به اهداف خود نداشت. پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تغییرات بنیادینی در سیاست‌های اقتصادی و روابط بین‌المللی ایران به‌ویژه با کشورهای غربی رخ داد که منجر به وضع تحریم‌های سیاسی و اقتصادی گسترده از سوی این کشورها علیه ایران شد. این تحریم‌ها تأثیرات منفی زیادی بر جریان ورود سرمایه‌های خارجی به کشور گذاشت و برای بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی به‌ویژه از کشورهای غربی، ورود سرمایه به ایران را با مشکلات جدی مواجه کرد. در این شرایط، مسئولین جمهوری اسلامی ایران به‌منظور جبران کاستی‌ها و رفع موانع موجود، در تلاش بودند تا قوانین و مقررات جدیدی وضع کنند که بتواند زمینه جذب سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم آورد. لذا در سال‌های پس از انقلاب، مجموعه‌ای از قوانین و اقدامات حمایتی به تصویب رسید تا مشکلات موجود در مسیر جذب سرمایه خارجی را کاهش دهد. این قوانین به‌ویژه در زمینه تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، تضمین بازگشت سرمایه و فراهم‌آوردن مشوق‌های مالی و حقوقی برای سرمایه‌گذاران خارجی، به‌منظور جذب سرمایه و فناوری‌های نوین از خارج کشور طراحی و تصویب شدند. مهم‌ترین گام در این مسیر، تصویب قانون جدیدی در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان «قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی» بود که بسیاری از مشکلات و موانع موجود در قانون سابق، یعنی «قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» مصوب ۱۳۳۴ را برطرف کرد. این قانون جدید به‌طور خاص به شفاف‌سازی بسیاری از مسائل مربوط به جذب سرمایه‌های خارجی پرداخته و تسهیلات و مشوق‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده بود. به‌عنوان مثال، این قانون شرایط بهتری برای ورود و خروج سرمایه، تضمین سرمایه و سود سرمایه‌گذاران، حمایت از حقوق مالکیت و دسترسی به منابع بانکی برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد نمود. از دیگر ویژگی‌های این قانون، انعطاف‌پذیری بیشتر آن نسبت به نیازهای سرمایه‌گذاران و شرایط اقتصادی کشور بود. همچنین، باتوجه‌به بهبود روابط اقتصادی ایران با برخی از کشورهای خارجی در این زمان، این قانون توانست در جذب سرمایه‌های خارجی و انتقال فناوری‌های نوین نقش مؤثری ایفا کند.

به‌طورکلی، تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱ نقطه عطفی در تاریخ جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به شمار می‌آید و باعث شد که شرایط سرمایه‌گذاری در کشور تا حد زیادی به‌روز شده و با استانداردهای بین‌المللی تطابق بیشتری پیدا کند.^{۲۲} در ایران، سرمایه‌گذاران به‌منظور استفاده از طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک علاوه بر اینکه باید قوانین و مقررات جاری کشور را رعایت نمایند، باید به‌طور خاص مفاد قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ و آیین‌نامه اجرایی آن را نیز رعایت نمایند؛ به این معنا که این سرمایه‌گذاری‌ها باید بر اساس اهداف این قانون و در چارچوب روش‌های قانونی مذکور در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی صورت گیرد.

در ایران، سرمایه‌گذاران خارجی به‌منظور استفاده از طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک باید علاوه بر رعایت قوانین و مقررات عمومی کشور، به‌ویژه مفاد قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۸۰ و آیین‌نامه اجرایی آن نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند. این به این معناست که تمامی طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک باید در چارچوب اهداف و مقررات مشخص‌شده در این قانون انجام شود تا هم از نظر قانونی و هم از نظر اجرایی، مورد تأیید قرار گیرد. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۰ با هدف جذب سرمایه‌های خارجی و ارتقاء سطح فناوری و انتقال تجربیات نوین به کشور به تصویب رسید. این قانون علاوه بر فراهم‌آوردن شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاران، به‌ویژه در زمینه‌های حقوقی و مالی، اهداف مشخصی را دنبال می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به گسترش همکاری‌های بین‌المللی، افزایش تولید و اشتغال‌زایی، بهبود کیفیت و تکنولوژی صنایع داخلی و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشور اشاره کرد. آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز به‌منظور توضیح دقیق‌تر نحوه اعمال آن و تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری خارجی، شرایط ویژه‌ای را برای سرمایه‌گذاران خارجی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تعیین کرده است. در این آیین‌نامه، مفاهیم و اصولی همچون حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، تضمین بازگشت سرمایه، سهولت در ورود و خروج سرمایه، شرایط مالیاتی ویژه و تسهیلات مربوط به بیمه و امنیت سرمایه‌گذاری لحاظ شده است. همچنین، تمامی این قوانین و مقررات باید در چارچوب روش‌های قانونی مشخص‌شده در قانون فوق، به‌ویژه در رابطه با مالکیت، مدیریت و بهره‌برداری از پروژه‌ها، به‌دقت پیاده‌سازی شود.

^{۲۲} پیران، حسین، *مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۷.

در ادامه با بررسی تمامی مواد این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن موارد لازم جهت تحقق سرمایه‌گذاری مشترک را بررسی خواهیم کرد.

مبحث اول: تعریف سرمایه‌گذار خارجی

ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ به طور صریح و روشن، تعریف جدیدی از «سرمایه‌گذار خارجی» ارائه کرده است که در مقایسه با قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۳۴ تفاوت‌های مهم و قابل‌توجهی دارد. بر اساس این ماده، سرمایه‌گذار خارجی به «اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرایرانی و یا ایرانی با استفاده از سرمایه با منشأ خارجی که مجوز سرمایه‌گذاری موضوع ماده ۶ را اخذ نموده باشند» تعریف شده است. در این تعریف، بر خلاف قانون قدیمی‌تر، تابعیت شخص سرمایه‌گذار نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد و مهم‌ترین عامل در شمول فرد به‌عنوان سرمایه‌گذار خارجی، منشأ سرمایه است. به عبارت دیگر، آنچه که در این ماده ملاک قرار گرفته، منشأ سرمایه است، نه تابعیت یا ملیت سرمایه‌گذار. این تغییر، گامی مهم در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به شمار می‌رود و بر اهمیت ورود سرمایه از منابع خارجی تأکید دارد. به این ترتیب، حتی اگر یک شخص ایرانی قصد داشته باشد که با سرمایه‌ای که منشأ خارجی دارد (مثلاً ارزهای خارجی) در ایران سرمایه‌گذاری کند، طبق این ماده از قانون، به‌عنوان سرمایه‌گذار خارجی تلقی خواهد شد. این رویکرد باعث می‌شود که ایران بتواند از منابع مالی و سرمایه‌ای که خارج از مرزهای کشور قرار دارند، بهره‌برداری کند و محدودیت‌های گذشته که فقط سرمایه‌گذاران خارجی را تحت حمایت قرار می‌داد، از میان برداشته شود.

در مقایسه با قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۳۴ که تنها اشخاص حقیقی و حقوقی غیرایرانی را مشمول حمایت‌های خود قرار می‌داد و بر اساس تابعیت سرمایه‌گذار، خارجی بودن آن را مشخص می‌کرد، قانون مصوب ۱۳۸۰ تغییرات اساسی و مثبتی را به همراه داشت. در این قانون جدید، سرمایه‌گذاران ایرانی که قصد دارند از سرمایه با منشأ خارجی در ایران استفاده کنند، به‌عنوان سرمایه‌گذاران خارجی شناخته می‌شوند. این تغییر نه تنها درهای کشور را به روی سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان خارج از کشور باز می‌کند، بلکه به جذب سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج نیز کمک می‌کند. مهم‌ترین نکته در این تغییرات این است که قانون‌گذار در تلاش بوده است تا ورود سرمایه‌های خارجی به کشور را تسهیل کند و هیچ محدودیتی در این مسیر به لحاظ

تابعیت افراد قائل نشده است. هدف اصلی در این تغییرات جذب سرمایه‌های خارجی و استفاده از منابع مالی خارجی برای توسعه اقتصادی کشور است. این رویکرد به‌ویژه در شرایطی که منابع مالی داخلی ممکن است کافی نباشد، اهمیت ویژه‌ای دارد.

علاوه بر این، ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نیز بر این نکته تأکید دارد که سرمایه‌گذاران ایرانی که با منشأ سرمایه خارجی قصد سرمایه‌گذاری در ایران را دارند، باید مدارک و مستنداتی را ارائه دهند که نشان‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی و تجاری آن‌ها در خارج از کشور باشد. این امر به منظور اثبات منشأ خارجی سرمایه و جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی است که ممکن است در روند سرمایه‌گذاری صورت گیرد. بنابراین، آنچه که در خصوص سرمایه‌گذار خارجی اهمیت دارد، تنها خارجی بودن منشأ سرمایه است و نه تابعیت شخص. این تغییرات در قانون، گامی مؤثر در جهت تسهیل جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بهبود محیط اقتصادی ایران به شمار می‌رود و می‌تواند موجب جذب بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی با منابع مالی خارجی به کشور شود.

ماده ۴ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ به طور صریح اشاره دارد که «سرمایه‌گذاری دولت یا دولت‌های خارجی در جمهوری اسلامی ایران حسب مورد منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است. سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های دولتی خارجی، خصوصی تلقی می‌گردد». به عبارت دیگر، اگر دولت خارجی بخواهد به صورت مستقیم در ایران سرمایه‌گذاری کند، این امر نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی است. این الزامات برای اطمینان از حفظ منافع ملی و تأسیس روابط اقتصادی رسمی با کشورهای دیگر در نظر گرفته شده است. در نتیجه، اگر یک دولت خارجی قصد داشته باشد که به طور مستقیم وارد بازار ایران شود، باید ابتدا از مجاری قانونی کشور عبور کرده و مجوزهای لازم را از طریق مقامات جمهوری اسلامی ایران دریافت کند. باین حال، برای تسهیل ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، پیشنهاد می‌شود که طرف‌های سرمایه‌گذار خارجی برای اجتناب از مراحل پیچیده تصویب مجلس، اقدام به تأسیس یک شرکت خصوصی خارجی در کشور خود کرده و از این طریق به طور غیرمستقیم در ایران سرمایه‌گذاری کنند. این روش نه تنها باعث ساده‌سازی فرایند می‌شود؛ بلکه به سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی، به سرمایه‌گذاری در ایران بپردازند. در این صورت، شرکت‌های

خصوصی خارجی می‌توانند به طور مستقیم یا از طریق شعبه‌های خود در ایران سرمایه‌گذاری نمایند و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند.

اما در مورد مناطق آزاد اقتصادی ایران، وضعیت متفاوت است. در این مناطق، نه تنها اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی بلکه دولت‌ها و شرکت‌های دولتی نیز می‌توانند تحت پوشش مقررات سرمایه‌گذاری مناطق آزاد قرار گیرند و از مزایای آن بهره‌مند شوند. این مناطق به عنوان مناطق ویژه اقتصادی، قوانین خاص خود را دارند که جذابیت‌های بسیاری برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این مناطق این است که بسیاری از محدودیت‌ها و قوانین عمومی کشور در این مناطق کاهش یافته و سرمایه‌گذاری در آن‌ها با تسهیلات ویژه‌ای همراه است. ماده ۱۷ مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد به طور خاص وضعیت سرمایه‌های خارجی متعلق به دولت یا دولت‌های خارجی را توضیح می‌دهد. بر اساس این ماده، در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی متعلق به دولت یا دولت‌های خارجی باشد، این سرمایه‌ها به عنوان سرمایه خصوصی تلقی می‌شود و تابع قوانین و مقررات تجاری خواهد بود. به این معنا که سرمایه‌گذاری‌هایی که به صورت دولتی از سوی یک دولت خارجی انجام می‌شود، از مصونیت‌های دولتی و دیپلماتیک برخوردار نمی‌باشند و به طور کامل تحت قوانین تجاری و اقتصادی مشابه با سرمایه‌گذاری‌های خصوصی قرار می‌گیرند. این امر نشان‌دهنده این است که دولت‌ها و شرکت‌های دولتی خارجی در مناطق آزاد ایران می‌توانند به طور آزادانه و بدون ملاحظه قوانین خاص مربوط به دولت‌های خارجی، وارد بازار ایران شوند و از مزایای مناطق آزاد بهره‌برداری کنند. در نهایت، باید خاطر نشان کرد که دولت‌ها و شرکت‌های دولتی خارجی معمولاً در سرمایه‌گذاری‌های خود از طریق اشخاص ثالث و شرکت‌های خصوصی اقدام می‌کنند تا از پیچیدگی‌های قانونی جلوگیری کنند. بنابراین، از آنجاکه سرمایه‌گذاری‌های دولتی معمولاً به صورت غیرمستقیم از طریق شرکت‌های خصوصی صورت می‌گیرد، دولت‌ها و شرکت‌های دولتی نیز می‌توانند به عنوان سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد ایران فعالیت کنند و از مزایای موجود در این مناطق بهره‌مند گردند. این تسهیلات و مقررات موجب می‌شود که ایران به عنوان مقصد جذابی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی، به ویژه در بخش‌های صنعتی، تجاری و فناوری‌های نوین، مطرح شود.

همان‌طور که از مفاد قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی قابل مشاهده است، در صورتی که طرف سرمایه‌گذار چینی قصد سرمایه‌گذاری در ایران را در قالب طرح سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشد، رعایت موارد ذیل مهم است:

۱. لزوماً سرمایه خارجی باید منشاء آن از خارج از کشور ایران باشد. در واقع فناوری موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک که قرار است به‌عنوان سرمایه توسط طرف چینی به ایران وارد گردد، باید در خارج از کشور ایران توسعه‌یافته باشد و خارجی باشد.

۲. طرف چینی ملزم است که به‌منظور اینکه به‌عنوان یک سرمایه‌گذار خارجی تحت حمایت‌های قوانین و مقررات ایران قرار بگیرد، مجوز سرمایه‌گذاری خارجی را کسب نماید.

۳. در صورتی که طرف چینی قصد داشته باشد که به‌صورت مستقیم و به‌عنوان دولت جمهوری خلق چین اقدام به سرمایه‌گذاری در ایران نماید و فناوری موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک را به ایران منتقل نماید، این امر نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی ایران است. پیشنهاد می‌شود که طرف سرمایه‌گذار چینی به‌عنوان یک شرکت خصوصی ثبت شده در کشور چین اقدام به ورود به ایران نماید.

مبحث دوم: تعریف سرمایه‌گذاری خارجی و لزوم تأسیس یک بنگاه اقتصادی و اهداف آن

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، در تعریف «سرمایه‌گذار خارجی»، اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و غیرایرانی را در نظر گرفته است که با استفاده از سرمایه با منشاء خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری در ایران می‌کنند. بنابراین، سرمایه‌گذار چینی که با استفاده از منابع مالی خود که منشأ در چین دارد، وارد بازار ایران می‌شود، مشمول این قانون می‌شود و به‌عنوان یک سرمایه‌گذار خارجی در نظر گرفته می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند به اشکال مختلفی از جمله نقدی یا غیرنقدی (مانند تکنولوژی، تجهیزات یا دانش فنی) باشد که برای تأسیس یا توسعه بنگاه‌های اقتصادی در ایران به کار می‌رود. ماده ۱ قانون همچنین به طور مشخص سرمایه‌گذاری خارجی را تعریف کرده و مقرر می‌کند که این نوع سرمایه‌گذاری عبارت است از «به‌کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری». بنابراین، بر اساس این تعریف، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران باید پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح صورت پذیرد. یکی از نکات مهم در این تعریف، لزوم تأسیس یا استفاده از یک بنگاه اقتصادی برای انجام سرمایه‌گذاری است. در این راستا، ایجاد بنگاه اقتصادی یکی از اصول کلیدی در فرایند جذب سرمایه‌گذاری خارجی به شمار می‌رود.

بنگاه اقتصادی در مفهوم کلی به هر نوع فعالیت اقتصادی سازمان‌دهی شده اطلاق می‌شود که هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمات باشد. یکی از رایج‌ترین و عملی‌ترین تعاریف برای بنگاه اقتصادی، تأسیس یک شرکت جدید است. بنابراین، در راستای سرمایه‌گذاری خارجی با کشورهایی مانند چین، معمولاً سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان یکی از بهترین گزینه‌ها برای تحقق این هدف در نظر گرفته می‌شود. سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه به‌صورت ترکیبی از قرارداد و شرکت، روشی مناسب برای انتقال فناوری و توسعه بنگاه‌های اقتصادی در ایران است. در این نوع سرمایه‌گذاری، طرفین می‌توانند با تأسیس یک شرکت سهامی خاص یا شرکت با مسئولیت محدود در ایران، علاوه بر اینکه نوع مطلوب سرمایه‌گذاری مشترک را ایجاد کنند، شرایط و قوانین ایران را نیز رعایت کنند. در واقع، تأسیس یک شرکت جدید در ایران باعث می‌شود که علاوه بر انتقال فناوری و سرمایه از کشور چین، یک ساختار قانونی معتبر برای همکاری و شراکت میان سرمایه‌گذار چینی و طرف ایرانی ایجاد شود. یکی از مزایای سرمایه‌گذاری مشترک ترکیبی این است که از یک سو طرفین می‌توانند با استفاده از شرکت‌های مشترک به انتقال تکنولوژی، دانش فنی و تجربه‌های تجاری جدید پرداخته و از سوی دیگر با استفاده از قراردادهای مشخص، حقوق و تعهدات خود را به طور شفاف تعیین کنند. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند از هر دو طرف مزایای زیادی به همراه داشته باشد و بستری مناسب برای رشد اقتصادی و توسعه صنایع مختلف فراهم آورد. همچنین، این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای ایجاد اشتغال و انتقال فناوری‌های نوین به ایران ایجاد کند که در نهایت به توسعه پایدار و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی کشور کمک می‌کند. بنابراین، سرمایه‌گذاری خارجی از کشور چین در ایران، به‌ویژه از طریق سرمایه‌گذاری مشترک و تأسیس یک شرکت جدید، نه تنها با قوانین و مقررات ایران هم‌راستا است، بلکه می‌تواند به انتقال فناوری‌های پیشرفته و گسترش روابط تجاری و اقتصادی میان دو کشور کمک کند.

همچنین ماده ۲ این قانون مقرر نموده است که: «پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس این قانون و با رعایت سایر قوانین و مقررات جاری کشور می‌بایست به‌منظور عمران و آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات بر اساس ضوابط زیر صورت پذیرد:

الف - موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش صادرات شود.

ب - موجب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط‌زیست، اخلاف در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی نشود.

ج - متضمن اعطای امتیاز توسط دولت به سرمایه‌گذاران خارجی نباشد منظور از امتیاز، حقوق ویژه‌ای است که سرمایه‌گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار دهد.

د - سهم ارزش کالا و خدمات تولیدی حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی موضوع این قانون نسبت به ارزش کالا و خدمات عرضه‌شده در بازار داخلی در زمان صدور مجوز، در هر بخش اقتصادی از بیست و پنج درصد (۲۵٪) و در هر رشته، از سی و پنج درصد (۳۵٪) بیشتر نخواهد بود. تعیین رشته‌ها و میزان سرمایه‌گذاری در هر یک از آن‌ها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران برسد. سرمایه‌گذاری خارجی جهت تولید کالا و خدمات برای صدور به خارج از کشور به جز نفت خام از این نسبت‌ها معاف است.

تبصره - قانون مربوط به تملک اموال غیرمنقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰، ۳، ۱۶ کماکان به قوت خود باقی است. تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه‌گذار خارجی در چارچوب این قانون مجاز ناست. باتوجه‌به آن که به‌موجب ماده ۲ قانون سرمایه‌گذاری خارجی در صورتی مورد پذیرش قرار می‌گیرد که به‌منظور عمران و آبادی فعالیت تولیدی اعم از صنعتی معدنی کشاورزی و خدمات باشد، بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌شود که فعالیت بنگاه اقتصادی جدید یا موجود باید در راستای هدف‌های فوق انجام شود. همان‌طور که از مفاد قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی قابل‌مشاهده است، در صورتی که طرف سرمایه‌گذار چینی قصد سرمایه‌گذاری در ایران را در قالب طرح سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشد، رعایت موارد ذیل مهم است:

۱. لزوماً این سرمایه‌گذاری خارجی در ایران باید منتهی به تأسیس یک بنگاه اقتصادی شود. همان‌طور که سابقاً بررسی شد، تأسیس یک شرکت سهامی خاص یا با مسئولیت محدود توسط طرفین سرمایه‌گذاری مشترک در قالب سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی-قراردادی، می‌تواند علاوه بر تضمین سازوکار مطلوب اداره طرح، الزامات قانونی را نیز تأمین نماید.

۲. نتیجه نهایی سرمایه‌گذاری مشترک باید عمران و آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات در ایران باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک، ضمن تأسیس یک بنگاه اقتصادی، موضوع فعالیت اساسنامه‌ای آن طرح را اهداف مقرر شده در ماده ۲ آن قانون قرار دهند تا علاوه بر تضمین الزامات قانونی، مشخصاً معین گردد که هدف طرفین از تأسیس طرح سرمایه‌گذاری مشترک نیز تأمین اهداف مقرر شده در ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی است.

مبحث سوم: انواع سرمایه و پذیرش فناوری به عنوان سرمایه خارجی

ذیل ماده ۱ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری انواع سرمایه خارجی مورد شناسایی قرار گرفته است و مقرر گردیده است که:

«انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیرنقدی که توسط سرمایه گذار خارجی به کشور وارد می شود و شامل موارد زیر می گردد:

الف - وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد، به کشور وارد شود؛

ب - ماشین آلات و تجهیزات؛

ج - ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی؛

د - حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی؛

هـ - سود سهام قابل انتقال سرمایه گذار خارجی؛

و - سایر موارد مجاز با تصویب هیأت کشور».

همچنین ذیل فصل پنجم آیین نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و مطابق با ماده ۲۱ آن آیین نامه، نحوه شناسایی انواع سرمایه نقدی و غیرنقدی مورد اشاره قرار گرفته است و مقرر گردیده است که:

«ترتیبات مربوط به ورود، ارزشیابی و ثبت سرمایه خارجی اعم از نقدی و غیرنقدی به شرح زیر است:

الف - سرمایه نقدی

۱ - وجوه نقدی ارزی موضوع بند الف ماده (۱۱) قانون که در یک دفعه یا به دفعات به قصد تبدیل به ریال به کشور وارد می شود، در تاریخ تبدیل به ریال، وفق گواهی بانک توسط سازمان به نام سرمایه گذار خارجی ثبت و تحت پوشش قانون قرار می گیرد. معادل ریالی ارز وارده به حساب بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر و یا حساب طرح موضوع سرمایه گذاری واریز می گردد.

۲ - وجوه نقدی ارزی موضوع بند ب ماده (۱۱) قانون که در یک دفعه یا به دفعات به کشور وارد شده و به ریال تبدیل نمی شود، به حساب ارزی بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر و یا طرح موضوع سرمایه گذاری واریز می گردد. این وجوه در تاریخ واریز به نام سرمایه گذار خارجی ثبت و تحت پوشش قانون قرار می گیرد. وجوه

یاد شده با نظارت و تأیید سازمان به مصرف خریدها و سفارشات خارجی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی می‌رسد.

ب - سرمایه غیرنقدی خارجی شامل موارد مندرج در بندهای ب، ج و د ذیل تعریف سرمایه خارجی در ماده (۱) قانون است که مراحل ورود، ارزشیابی و ثبت آن‌ها به ترتیب زیر است:

۱- در مورد ارقام سرمایه‌ای غیرنقدی خارجی موضوع بندهای ب و ج فوق (شامل ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله، مواد اولیه، افزودنی و کمکی) وزارت بازرگانی پس از اعلام موافقت سازمان با ورود ارقام سرمایه‌ای غیرنقدی خارجی، نسبت به ثبت سفارش آماری و اعلام مراتب به گمرک ذی‌ربط جهت ارزشیابی و ترخیص ارقام وارده اقدام می‌نماید.

۲- در مورد ارقام سرمایه‌ای موضوع بند د ماده (۱) قانون (شامل حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی) سازمان پس از انجام بررسی‌های لازم، گزارش مربوط به ایفای تعهدات قراردادی موضوع قراردادهای فن‌آوری و خدمات را در هیأت مطرح می‌نماید و وجوه تأیید شده در چارچوب دستورالعملی که هیأت تهیه و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رساند، توسط هیأت به‌عنوان سرمایه خارجی ثبت و تحت پوشش قرار می‌گیرد.

بر اساس ماده مذکور در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌ای که مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد، باید به طور واقعی وارد مرزهای ایران شود. این بدین معناست که حمایت‌های قانونی تنها در صورتی قابل اعمال هستند که سرمایه‌گذار خارجی سرمایه خود را وارد کشور کرده باشد و این سرمایه به‌صورت فیزیکی یا تحت مالکیت حقوقی در کشور موجود باشد. به عبارتی دیگر، صرف تصویب سرمایه‌گذاری توسط هیأت سرمایه‌گذاری یا اعلام آمادگی برای ورود سرمایه کافی نیست و تا زمانی که سرمایه وارد خاک ایران نشده باشد، نمی‌توان حمایت‌های قانونی را شامل آن دانست. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران به دنبال ایجاد فضایی امن برای سرمایه‌گذاران خارجی است تا آن‌ها از بابت محافظت از سرمایه خود اطمینان حاصل کنند. حمایت‌های قانون شامل جبران خسارت در مواردی همچون سلب مالکیت یا ملی شدن اموال می‌شود. با این حال، این حمایت‌ها تنها در صورتی به اجرا درمی‌آید که سرمایه‌گذار قبلاً سرمایه خود را به داخل کشور منتقل کرده باشد و این سرمایه در قالب دارایی‌های مادی یا مالی در ایران وجود داشته باشد. به طور مثال، در صورتی که دولت ایران اقدام به ملی کردن یا سلب مالکیت از یک شرکت خارجی کند که سرمایه آن واقعاً به ایران منتقل شده است،

بر اساس قوانین بین‌المللی و تعهدات داخلی، دولت ملزم به پرداخت جبران خسارت خواهد بود. اما اگر سرمایه‌گذار فقط اعلام کرده باشد که سرمایه را وارد می‌کند یا حتی هیأت مربوطه این موضوع را پذیرفته باشد؛ ولی عملاً سرمایه وارد نشده باشد، دولت تعهدی به جبران خسارت ندارد. بنابراین، اهمیت این شرط قانونی نه تنها در ایجاد چارچوبی شفاف و مشخص برای سرمایه‌گذاران خارجی است، بلکه تضمینی برای کشور میزبان نیز محسوب می‌شود تا از ایجاد تعهدات حقوقی غیرضروری جلوگیری کند. این نوع شرط‌گذاری سبب می‌شود که تعاملات سرمایه‌گذاری به گونه‌ای منظم‌تر و شفاف‌تر صورت گیرد و سرمایه‌گذار و کشور میزبان، هر دو از حقوق و تعهدات خود مطلع باشند. در نهایت، این شرط که ورود واقعی سرمایه به کشور باید محقق شود، نشان‌دهنده یک رویکرد عمل‌گرایانه و منطقی در حفاظت از منافع اقتصادی کشور و هم‌زمان ارائه حمایت به سرمایه‌گذاران خارجی است که تعهدات حقوقی را به طور واقعی تعریف و محدود می‌کند.

همان‌طور که مشخص است، ورود سرمایه به خاک ایران از منظر قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت بسیاری دارد. این ورود، به نوعی شرط لازم برای بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی محسوب می‌شود. با ورود سرمایه به کشور، روند تبدیل آن به ریال نیز بر اساس نیازهای داخلی انجام می‌گیرد؛ بخشی از سرمایه که برای تأمین نیازهای داخلی به کار می‌رود، به ریال تبدیل می‌شود، درحالی‌که آن قسمت از سرمایه که نیازی به تبدیل ندارد، می‌تواند به صورت ارزی باقی بماند. در این حالت، قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بدون توجه به این که سرمایه به ریال تبدیل شده یا به همان صورت ارزی نگه داشته شده، حمایت خود را اعمال می‌کند. این رویکرد نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری قانون در مواجهه با سرمایه‌گذاران خارجی است، چرا که امکان مدیریت بهینه و آزادانه سرمایه را فراهم می‌کند. سرمایه‌گذار می‌تواند با توجه به برنامه‌های اقتصادی و نیازهای پروژه‌های خود، درباره نحوه استفاده از سرمایه تصمیم‌گیری کند. در هر صورت، صرف ورود سرمایه به خاک ایران شرط لازم برای شمول حمایت‌های قانونی است و این امر تضمین می‌کند که سرمایه‌گذار از حقوق و حمایت‌های قانونی مربوطه بهره‌مند شود.

آئین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی به وضوح سازوکار ورود، ارزیابی و ثبت سرمایه‌های خارجی را تعریف می‌کند و فصل پنجم آن به این امر اختصاص یافته است. این آئین‌نامه بر اساس قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی تنظیم شده و به سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کند تا با آگاهی کامل از مقررات و مراحل مربوطه، فرایند سرمایه‌گذاری را با اطمینان بیشتری طی کنند. مهم‌ترین بخش‌های این آئین‌نامه به نحوه ورود سرمایه و ارزیابی آن می‌پردازند که شامل تعیین ارزش واقعی سرمایه و

ثبت آن در اسناد رسمی کشور می‌شود. این مرحله‌ها به منظور ایجاد شفافیت در تعاملات اقتصادی و روابط حقوقی میان دولت ایران و سرمایه‌گذاران خارجی طراحی شده‌اند. آئین‌نامه با تعیین ترتیبات خاص، سرمایه‌گذاران را ملزم می‌کند تا مراحل لازم برای ثبت و ارزیابی سرمایه‌های وارد شده را طی کنند و از ثبت قانونی سرمایه خود اطمینان حاصل کنند. از این رو، سرمایه‌گذار می‌تواند با پیروی از چارچوب‌های تعریف‌شده، از هر گونه ابهام یا سوء تفاهم در رابطه با وضعیت سرمایه خود جلوگیری کند. این امر نه تنها موجب تضمین امنیت سرمایه‌گذاری می‌شود، بلکه به دولت ایران نیز کمک می‌کند تا سرمایه‌های خارجی وارد شده به کشور را به طور مؤثر مدیریت و رصد کند. در نتیجه، آئین‌نامه اجرایی با تعریف مراحل و الزامات ثبت سرمایه، بستر لازم برای اطمینان‌بخشی و شفافیت در فرایند سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند. این رویکرد به بهبود روابط اقتصادی و اعتماد میان سرمایه‌گذار و کشور میزبان کمک کرده و زمینه را برای رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشور هموار می‌سازد.

ماده مذکور تکلیفی را برای نظام پولی و بانکی کشور تعیین می‌کند که نقش مهمی در حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایفا می‌کند. این ماده الزاماتی را برای بانک مرکزی، بانک‌ها (اعم از دولتی و خصوصی)، و مؤسسات اعتباری غیربانکی تعیین می‌کند که با مجوز بانک مرکزی در زمینه‌های پولی و ارزی فعالیت دارند. این مؤسسات موظف هستند اطلاعات مربوط به حواله‌های ارزی مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی را به طور دقیق و با جزئیات کامل به سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ارائه دهند. اطلاعاتی که باید به سازمان ارائه شود، شامل نام حواله دهنده، مبلغ ارز، نوع ارز، تاریخ وصول، نام بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر و در صورت تبدیل ارز به ریال، معادل ریالی آن است. این گواهی که توسط بانک‌ها صادر می‌شود، اساس ثبت سرمایه و تحت پوشش قرارداد آن توسط سازمان سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی برای ثبت رسمی سرمایه و ارائه حمایت‌های قانونی، به گواهی بانک‌ها به عنوان مدرک معتبر تکیه می‌کند. برای این منظور، زمانی که وجوه ارزی به کشور وارد می‌شود، دو نوع حساب ممکن است افتتاح شود: حساب ریالی برای وجوهی که به ریال تبدیل می‌شوند و حساب ارزی برای وجوهی که همچنان به صورت ارزی باقی می‌مانند. بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری غیربانکی پس از ورود هر نوع حواله به این حساب‌ها، موظف به صدور گواهی معادل مبلغ آن هستند. این گواهی برای سازمان سرمایه‌گذاری ملاکی برای شناسایی و ثبت سرمایه محسوب می‌شود و این امر پس از معرفی سرمایه‌گذار خارجی از سوی سازمان انجام می‌شود. حساب‌های ذکر شده ممکن است به نام شرکت سرمایه‌پذیر، طرح مورد سرمایه‌گذاری، یا شخص حقیقی و حقوقی مربوطه

باشد. اگر شرکت سرمایه‌پذیر قبلاً در ایران ثبت شده باشد یا سرمایه‌گذاری در یک شرکت موجود انجام شده باشد، حساب به نام آن شرکت خواهد بود. در مواردی که طرح سرمایه‌گذاری جدیدی تعریف شده اما هنوز شرکتی برای آن به ثبت نرسیده، حساب به نام طرح افتتاح می‌شود.^{۷۳}

این سازوکار طراحی شده برای ثبت و ارزیابی سرمایه‌های خارجی، به طور مؤثری شفافیت و اعتبار فرایند ورود سرمایه به کشور را تضمین می‌کند. از این طریق، سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان می‌یابند که سرمایه‌های آن‌ها پس از ورود به ایران به طور دقیق تحت نظارت و ثبت رسمی قرار می‌گیرد و مشمول حمایت‌های قانونی می‌شود. این حمایت‌ها می‌توانند در برابر ریسک‌های مختلف از جمله مصادره، ملی شدن، یا تغییرات غیرمنتظره در سیاست‌های اقتصادی، اطمینان و امنیت سرمایه‌گذاری را فراهم کنند. از سوی دیگر، این سازوکار نقشی کلیدی برای نظام بانکی ایفا می‌کند، به‌طوری که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با مجوز بانک مرکزی موظف به رعایت الزامات مربوط به گزارش‌دهی و صدور گواهی‌های رسمی هستند. این نقش نظارتی و اجرایی به حفظ نظم اقتصادی کشور و جلوگیری از ورود سرمایه‌های غیرشفاف یا بدون پشتوانه کمک می‌کند و به شکل‌گیری اقتصادی پویا و منظم می‌انجامد. از دیدگاه سرمایه‌گذار خارجی، این فرایند تضمین می‌کند که تمام مراحل انتقال و ثبت سرمایه با پیروی از قوانین و مقررات دقیق انجام می‌شود، به‌طوری که فرایند ورود سرمایه نه تنها با اطمینان بلکه با شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری بالایی صورت گیرد. این امر موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به محیط اقتصادی و حقوقی ایران می‌شود و زمینه را برای جذب سرمایه‌های بیشتر فراهم می‌کند. در نتیجه، این مکانیزم جامع به دولت نیز کمک می‌کند تا از ورود سرمایه‌های خارجی به بهترین شکل بهره‌برداری کند و آن‌ها را به سمت پروژه‌های توسعه‌ای و افزایش رشد اقتصادی هدایت نماید، بدون آن که نظم و شفافیت در فرایندهای اقتصادی به مخاطره بیفتد.

طبق مقررات قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، زمانی که سرمایه‌گذار خارجی ارزی را وارد کشور می‌کند و قصد تبدیل آن به ریال برای مصرف داخلی دارد، این سرمایه پس از تبدیل به ریال تحت حمایت قانونی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، حمایت قانونی شامل معادل ریالی ارز وارد شده است و این معادل، سرمایه‌ای است که در چارچوب قانون از آن حفاظت می‌شود. این مسئله تضمین می‌کند که سرمایه‌گذاران پس از تبدیل ارز خود به ریال، همچنان از حمایت‌های قانونی مربوطه برخوردار خواهند بود. ماده ۱۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی به نرخ ارز مورد عمل در زمان ورود یا خروج سرمایه و تمامی

^{۷۳} حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، تهران، انتشارات موسسه تیسسا ساغر

مهر، چاپ اول، ۱۳۹۴، صص. ۲۵-۳۲.

انتقالات ارزی اشاره می‌کند. این ماده تأکید دارد که در صورت وجود ارز تک‌نرخ، نرخ رسمی شبکه بانکی مبنای عمل خواهد بود. اما در شرایطی که نرخ ارز تک‌نرخ نباشد، نرخ آزاد روز که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود، معیار خواهد بود. این بخش از قانون هرچند شفافیت در شرایط ارز تک‌نرخ را تضمین می‌کند، اما بند مربوط به نرخ آزاد و اختیارات بانک مرکزی برای تعیین نرخ می‌تواند منبع نگرانی برای سرمایه‌گذاران خارجی باشد. در شرایطی که ارز تک‌نرخ نباشد، وابستگی به تشخیص بانک مرکزی برای تعیین نرخ ارز به دلیل احتمالات و عدم اطمینان‌ها در نرخ آزاد می‌تواند ریسک‌هایی را برای سرمایه‌گذاران به همراه داشته باشد. چنین شرایطی ممکن است موجب تردید در پیش‌بینی هزینه‌ها و سودهای سرمایه‌گذاری شود و در نتیجه، برخی از سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به امکان‌پذیری و سودآوری پروژه‌های خود دچار نگرانی شوند. با این حال، در حال حاضر، به دلیل وجود نرخ تک‌نرخ ارز در ایران، این مشکل به‌طور کلی برای سرمایه‌گذاران مرتفع شده است و آن‌ها می‌توانند با اطمینان بیشتر نسبت به ورود سرمایه و تبدیل آن به ریال اقدام کنند. با این وجود، حفظ این شرایط و ایجاد ثبات در بازار ارز برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اهمیت زیادی دارد.

برای آنکه سرمایه نقدی توسط قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مورد پذیرش و حمایت قرار گیرد، باید دو شرط مهم را دارا باشد: نخست، باید به‌صورت ارز قابل تبدیل باشد؛ دوم، از طریق نظام بانکی یا سایر روش‌های انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی ایران هستند، وارد کشور شود.

شرط اول به معنای آن است که سرمایه به‌صورت ارز خارجی باشد و نه ریالی، و ارز موردنظر قابلیت تبدیل به ریال یا بالعکس را در نظام بانکی ایران داشته باشد. این امر از آن جهت اهمیت دارد که سرمایه‌گذار خارجی معمولاً ارز خارجی به کشور وارد می‌کند و سپس بخشی یا تمامی آن را برای سرمایه‌گذاری به ریال تبدیل می‌کند. همچنین ممکن است بخشی از این سرمایه را بدون تبدیل به ریال برای خریدهای خارجی استفاده کند. در پایان دوره سرمایه‌گذاری، سرمایه و سود حاصله باید قابلیت تبدیل به ارز خارجی را داشته باشد و نظام بانکی ایران این وظیفه را بر عهده دارد. در نتیجه، اگر ارزی وجود داشته باشد که نظام بانکی ایران آن را تبدیل نکند، نمی‌تواند به‌عنوان سرمایه نقدی پذیرفته شود. نظام بانکی به‌عنوان روش اصلی انتقال وجوه در این ماده به‌صراحت ذکر شده و تمامی بانک‌های مجاز در ایران (دولتی و خصوصی) و مؤسسات مالی غیربانکی که با مجوز بانک مرکزی فعالیت می‌کنند، جزو این نظام محسوب می‌شوند. سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند از خدمات هر یک از این بانک‌ها و مؤسسات استفاده کند. روش‌های غیربانکی انتقال وجوه نیز که مورد تأیید

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشند، قابل قبول هستند. این انعطاف‌پذیری قانون‌گذار برای پذیرش سایر روش‌های انتقال وجوه، فضای قانونی برای به‌کارگیری روش‌های متنوع و جدید را باز گذاشته است. یکی از این روش‌ها که سازمان سرمایه‌گذاری خارجی پذیرفته و بانک مرکزی نیز به نظر می‌رسد آن را تأیید کرده باشد، ورود سرمایه نقدی از مبادی ورودی رسمی کشور همراه با مسافر است. اگرچه چنین مواردی نادر هستند، اما دیده شده که برخی سرمایه‌گذاران مبالغ قابل توجهی را همراه خود به کشور وارد می‌کنند. برای پذیرش این روش، سرمایه‌گذار باید مبلغ وارد شده را در فرم‌های مربوطه اظهار کند و ورود آن را به تأیید مقامات مسئول در مبادی ورودی، مانند مقامات فرودگاه، برساند. این امر به منزله تضمینی است که سرمایه وارد شده مورد پذیرش و حمایت قانونی قرار گیرد. این تدابیر به‌طور کلی به‌منظور افزایش شفافیت و تضمین رعایت اصول قانونی طراحی شده‌اند، تا سرمایه‌گذاران بتوانند با اعتماد بیشتر سرمایه خود را وارد کشور کرده و از مزایای قانونی بهره‌مند شوند، و درعین حال نظارت و کنترل لازم توسط مقامات و سازمان‌های ذی‌ربط اعمال شود.

در دسته دوم سرمایه‌گذاری‌های خارجی، ورود انواع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار، قطعات منفصله، مواد اولیه افزودنی و کمکی به سرزمین اصلی قرار می‌گیرد که تحت عنوان سرمایه‌های غیرنقدی شناخته می‌شوند. این سرمایه‌ها به‌ویژه در بخش‌های تولیدی و صنعتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از سرمایه‌گذاری‌های خارجی مورد حمایت قانون قرار می‌گیرند. در این قسمت، به بررسی مراحل ورود، ارزیابی و ثبت این نوع از سرمایه‌ها می‌پردازیم. ورود ماشین‌آلات و تجهیزات به کشور باید مطابق با ضوابط و فرایندهای قانونی و تحت نظارت سازمان‌های مسئول انجام شود. این تجهیزات به‌عنوان سرمایه غیرنقدی، باید وارد کشور شده و در ثبت سرمایه‌گذاری خارجی لحاظ گردند. فرایند ورود شامل مراحل تأسیس شرکت سرمایه‌پذیر (در صورت نیاز)، شناسایی و تعیین نوع ماشین‌آلات و تجهیزات، اعلام ارزش آن‌ها و سپس ثبت در سیستم‌های مربوطه است. ارزیابی این ماشین‌آلات و تجهیزات به‌طور دقیق توسط سازمان‌های متولی نظیر سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و گمرک انجام می‌شود. این ارزیابی معمولاً بر اساس ارزش واقعی بازار ماشین‌آلات، تجهیزات و سایر اقلام وارداتی صورت می‌گیرد. معیارهای ارزیابی باید بر اساس استانداردهای بین‌المللی و اصول حسابداری پذیرفته‌شده در ایران انجام شود تا از لحاظ قانونی اعتبار و شفافیت کافی داشته باشد. ثبت سرمایه‌های غیرنقدی مانند ماشین‌آلات و تجهیزات در سیستم‌های بانکی و گمرکی نیاز به طی مراحل دارد که شامل اعلام ورود کالا، تعیین ارزش آن‌ها و ثبت در اسناد رسمی است. به‌منظور اطمینان از رعایت این مراحل، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان مرجع اصلی نظارتی و اجرایی

مسئول ثبت و پیگیری این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها خواهد بود. به‌علاوه، ممکن است لازم باشد که سرمایه‌گذار خارجی گواهی‌های مربوط به ورود ماشین‌آلات را از گمرک و سایر مقامات ذی‌ربط دریافت کند تا روند ثبت و ارزیابی به طور کامل انجام شود. در نهایت، ورود سرمایه‌های غیرنقدی مانند ماشین‌آلات و تجهیزات باید مطابق با مقررات و ضوابط قانونی بوده و در چارچوب قوانین و سیاست‌های اقتصادی کشور ثبت و ارزیابی شوند. از این‌رو، این سرمایه‌گذاری‌ها نیز همانند سرمایه‌های نقدی مشمول حمایت‌های قانونی و اقتصادی دولت خواهند بود و در صورت بروز مشکلات احتمالی، دولت موظف به ارائه حمایت‌های قانونی برای جبران خسارات وارده به سرمایه‌گذاران خارجی است. این دسته از سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند در بسیاری از صنایع کشور، به‌ویژه در زمینه تولید، ساخت‌وساز، و پروژه‌های زیرساختی، تأثیرات مثبتی داشته و به بهبود کیفیت و در فرایند ورود و ثبت سرمایه‌های غیرنقدی خارجی، از جمله ماشین‌آلات، تجهیزات، قطعات منفصله، و سایر اقلام مرتبط، یکی از نخستین و مهم‌ترین اقدامات، ارائه مستندات دقیق و کامل توسط سرمایه‌گذار خارجی به سازمان سرمایه‌گذاری خارجی است. طبق قوانین و مقررات موجود، سرمایه‌گذار باید فهرستی جامع از ماشین‌آلات و تجهیزات وارداتی، شامل اطلاعاتی چون تعداد، سال ساخت، کشور سازنده، و قیمت واحد هر یک از اقلام، به‌علاوه فهرست قطعات منفصله با میزان و قیمت هر قطعه، به سازمان ارائه دهد. این اطلاعات به‌منظور شفاف‌سازی و ارزیابی دقیق ارزش سرمایه‌های واردشده از سوی سازمان سرمایه‌گذاری خارجی جمع‌آوری می‌شود.

هدف از این فرایند اطمینان از ثبت دقیق و ارزیابی درست ارزش ماشین‌آلات و تجهیزات است که به‌موجب آن سازمان سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند این اقلام را تحت پوشش قانونی قرار دهد. از آنجاکه دولت موظف است در صورت بروز خسارت یا آسیب به این سرمایه‌ها، جبران خسارت کند، این اطلاعات به سازمان این امکان را می‌دهد تا سرمایه‌های غیرنقدی را بر اساس قیمت واقعی ارزیابی و ثبت کند و بدین ترتیب از منافع قانونی سرمایه‌گذار خارجی حفاظت نماید. نحوه ارزشیابی ماشین‌آلات و اقلام غیرنقدی وارداتی پس از ثبت در سیستم‌های مربوطه، توسط مراجع ذی‌صلاح مانند گمرک ایران صورت می‌گیرد. گمرک وظیفه دارد بهای اقلام وارداتی را ارزیابی کرده و اطلاعات لازم را در پروانه ورودی واردات درج کند. بر اساس این پروانه، هزینه‌های حمل‌ونقل نیز به‌علاوه قیمت ارزشیابی شده اقلام وارداتی محاسبه و به نام سرمایه‌گذار خارجی ثبت می‌شود. پس از این مراحل، اقلام وارد شده تحت حمایت قانون قرار می‌گیرند. در صورت وجود اختلاف بین قیمت ارزیابی شده توسط گمرک و قیمت اعلام شده توسط سرمایه‌گذار در فهرست تفصیلی، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی، ارزشیابی گمرک را به‌عنوان ملاک ثبت

سرمایه‌گذاری خارجی در نظر خواهند گرفت. این به طور خاص در شرایطی که قیمت‌های اعلام شده توسط سرمایه‌گذار و گمرک با یکدیگر تفاوت داشته باشند، مهم است. ماده قانونی که به این فرایند اشاره دارد، تنها ماده‌ای است که به طور مشخص نحوه ورود، ارزشیابی، و ثبت سرمایه‌های غیرنقدی مانند ماشین‌آلات و تجهیزات را تعیین می‌کند. با این حال، برخی نکات مبهم در این ماده وجود دارد که برای درک بهتر و شفاف‌سازی دقیق‌تر این فرایند نیاز به توضیحات بیشتری دارد. ابهامات ممکن در این زمینه می‌تواند شامل روش‌های دقیق ارزشیابی، نحوه تعیین اختلافات قیمت بین فهرست سرمایه‌گذار و ارزشیابی گمرک، و نحوه تصمیم‌گیری نهایی سازمان سرمایه‌گذاری خارجی در موارد خاص باشد. برای حل این ابهامات و ایجاد فرایندی شفاف‌تر، می‌توان به آیین‌نامه‌های اجرایی و دستورالعمل‌های تکمیلی که به این موضوع پرداخته‌اند، مراجعه کرد.

در راستای ثبت انواع سرمایه‌های فوق نخستین گام از سوی سرمایه‌گذار خارجی برداشته خواهد شد. چنان که پیش‌از این نیز به بدان پرداختیم سرمایه‌گذار خارجی باید همراه با درخواست خود فهرست و اطلاعات لازم را در خصوص سرمایه مزبور به سازمان ارائه نماید. سازمان پس از بررسی درخواست با نوع سرمایه خارجی و میزان آن جهت ورود به کشور از طریق درج آن در مجوز سرمایه‌گذاری موافقت می‌نماید. چنین موافقتی از سوی هیئت می‌تواند یک موافقت ابتدائی تلقی گردد و هرگز به معنای تحت پوشش قرارگرفتن سرمایه نخواهد بود. به عبارت دیگر، تا زمانی که سرمایه به طور عملی به کشور وارد نشود، مورد حمایت قانون قرار نخواهد گرفت. به هر حال پس از موافقت هیئت با ورود سرمایه که در مجوز منعکس می‌گردد، طبق ماده یاد شده سازمان موافقت خود را با ورود اقلام مزبور به وزارت بازرگانی اعلام می‌نماید تا وزارت بازرگانی نسبت به ثبت سفارش آماری و اعلام مراتب به گمرک ذی‌ربط جهت ارزشیابی و ترخیص اقلام وارد شده اقدام نماید. به دنبال ارزشیابی و ترخیص کالا از گمرک به درخواست سرمایه‌گذار خارجی و با توجه به ارزشیابی گمرک، سرمایه وارد شده ثبت خواهد شد و تحت پوشش قرار خواهد گرفت.

در فرایند ثبت سرمایه‌های خارجی، نخستین گام از سوی سرمایه‌گذار خارجی برداشته می‌شود. سرمایه‌گذار باید همراه با درخواست خود، فهرست و اطلاعات کاملی در خصوص سرمایه مزبور (اعم از ماشین‌آلات، تجهیزات، قطعات منفصله، مواد اولیه و غیره) به سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ارائه دهد. این اطلاعات باید شامل جزئیات دقیق مانند تعداد، قیمت، سال ساخت و سایر مشخصات لازم باشد تا سازمان بتواند به درستی سرمایه را ارزیابی کند. بررسی درخواست و موافقت اولیه: پس از دریافت درخواست و بررسی اطلاعات

ارائه شده توسط سرمایه گذار، سازمان سرمایه گذاری خارجی به ارزیابی نوع و میزان سرمایه خارجی پرداخته و در صورت تأیید، موافقت خود را با ورود سرمایه به کشور اعلام می کند. این موافقت اولیه در قالب یک مجوز سرمایه گذاری منعکس می شود. این مجوز تنها یک موافقت ابتدایی است و به این معنا نیست که سرمایه به طور خودکار تحت پوشش حمایت های قانونی قرار خواهد گرفت. در واقع، سرمایه تا زمانی که به طور عملی وارد کشور نشود، از حمایت های قانونی قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی برخوردار نخواهد بود. مراحل پس از موافقت هیئت: بعد از صدور مجوز و موافقت هیئت سرمایه گذاری با ورود سرمایه، سازمان سرمایه گذاری خارجی مسئولیت اعلام موافقت خود را به وزارت بازرگانی اعلام می کند. وزارت بازرگانی سپس مراحل بعدی شامل ثبت سفارش آماری و اطلاع رسانی به گمرک را برای ارزشیابی و ترخیص اقلام وارداتی آغاز می کند. این فرایند به منظور ارزشیابی دقیق اقلام و تجهیزات وارد شده به کشور، با توجه به قیمت های اعلام شده و قوانین مربوطه انجام می شود.

پس از اعلام گمرک در خصوص بهای اقلام وارداتی، ارزشیابی گمرک به عنوان مبنای معتبر برای ثبت سرمایه خارجی مورد قبول قرار می گیرد. پس از این مرحله، سرمایه وارد شده توسط سازمان سرمایه گذاری خارجی ثبت و به طور رسمی تحت پوشش حمایت های قانونی قرار می گیرد. در صورتی که اختلافی بین قیمت های اعلام شده توسط سرمایه گذار و ارزشیابی گمرک وجود داشته باشد، سازمان سرمایه گذاری خارجی و اداره ثبت شرکت ها از ارزشیابی گمرک به عنوان معیار نهایی استفاده خواهند کرد. به طور کلی، این مراحل نشان دهنده یک فرایند دقیق و منظم است که برای شفاف سازی و تضمین صحت ورود سرمایه های خارجی به کشور طراحی شده است. تنها پس از انجام این مراحل و ورود عملی سرمایه به کشور است که سرمایه گذار خارجی می تواند از حمایت های قانونی مورد نظر بهره مند شود و سرمایه گذاری خود را در چارچوب قوانین ایران به طور رسمی آغاز کند.

پس از انجام مراحل عملی ورود سرمایه، شامل ثبت در وزارت بازرگانی و گمرک، موضوع ثبت سرمایه خارجی مجدداً در سازمان سرمایه گذاری خارجی مطرح می شود. در این مرحله، به جای تشکیل هیئت سرمایه گذاری، کارشناسان سازمان سرمایه گذاری با توجه به مجوز سرمایه گذاری صادر شده و پروانه ورودی که از سوی اداره گمرک به عنوان برگ سبز گمرک شناخته می شود، اقدام به ثبت سرمایه خواهند کرد. مدارک مورد نیاز: علاوه بر پروانه ورودی گمرک، سرمایه گذار خارجی باید مدارکی را که دال بر پرداخت هزینه های حمل و نقل و بیمه کالا است، به سازمان ارائه دهد. این مدارک نشان دهنده هزینه های اضافی مرتبط با واردات

سرمایه غیرنقدی (مانند ماشین آلات، تجهیزات و قطعات منفصله) بوده و به طور رسمی در ثبت سرمایه خارجی لحاظ می‌شود. فرایند ثبت و گواهی سرمایه: کارشناسان سازمان سرمایه‌گذاری خارجی پس از بررسی دقیق مدارک و مستندات ارائه‌شده، نسبت به ثبت سرمایه اقدام می‌کنند. سپس، یک گواهی رسمی که نشانگر سرمایه ثبت شده است، به سرمایه‌گذار خارجی تحویل داده می‌شود. این گواهی به‌عنوان مدرکی معتبر از ثبت سرمایه در سازمان سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. نکته مهم این است که علاوه بر خود ارقام وارد شده (ماشین آلات، تجهیزات و غیره)، هزینه‌های اضافی مربوط به حمل و نقل و بیمه نیز به طور رسمی تحت پوشش قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، تمامی جنبه‌های مربوط به ورود و انتقال سرمایه خارجی، از جمله هزینه‌های حمل و نقل و بیمه، در فرایند ثبت و حمایت قانونی قرار می‌گیرد و سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند از حمایت‌های قانونی برخوردار شود. این فرایند نه تنها شفافیت را در مسیر ورود سرمایه‌های خارجی به کشور ایجاد می‌کند؛ بلکه اطمینان می‌دهد که تمامی هزینه‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری به طور دقیق و منصفانه ثبت و تحت حمایت قانونی قرار خواهند گرفت.

در فرایند ثبت و ارزیابی سرمایه‌های خارجی، یکی از نکات مهم برای سرمایه‌گذاران خارجی، مبلغ ارزشیابی مندرج در پروانه ورودی است که از سوی گمرک صادر می‌شود. این مبلغ می‌تواند تأثیر زیادی بر فرایند ثبت سرمایه و میزان حمایت قانونی آن داشته باشد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در صورت وجود اختلاف بین ارزشیابی گمرک و قیمت مندرج در فهرست تفصیلی مصوب هیئت سرمایه‌گذاری که این قیمت تا حد زیادی بر اساس اظهارات سرمایه‌گذار خارجی تعیین می‌شود، ارزشیابی گمرک به‌عنوان ملاک اصلی برای ثبت سرمایه در سازمان سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفته می‌شود. اختلاف بین ارزشیابی گمرک و قیمت اعلامی سرمایه‌گذار: این اختلاف می‌تواند برای سرمایه‌گذار خارجی نگرانی‌هایی ایجاد کند، زیرا اگر ارزشیابی گمرک پایین‌تر از قیمت اعلام‌شده توسط سرمایه‌گذار باشد، ممکن است سرمایه‌گذار نتواند از تمام حمایت‌های قانونی موردنظر بهره‌مند شود. به عبارت دیگر، اگر قیمت اعلامی توسط سرمایه‌گذار بیشتر از ارزشیابی گمرک باشد، تنها مقدار ارزشیابی گمرک در ثبت سرمایه لحاظ می‌شود و ممکن است از ارزش سرمایه خارجی کسر گردد. حق سازمان برای کسر ارزش کالاهای معیوب یا غیرقابل استفاده: در این راستا، تبصره ۳ ماده ۲۱ آئین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی به سازمان سرمایه‌گذاری این اختیار را می‌دهد که در صورتی که پس از ترخیص کالا، مشخص شود که کالا معیوب، ناقص یا غیرقابل استفاده است، مقدار آن کالا از حساب سرمایه وارد شده کسر گردد. این تبصره به‌ویژه برای جلوگیری از تقلب و سوءاستفاده طراحی شده است. چرا که ممکن است برخی از سرمایه‌گذاران به طور عمدی یا غیرعمدی ماشین آلات یا تجهیزات

غیرقابل استفاده یا معیوب را به عنوان سرمایه وارد کشور کنند. این وضعیت ممکن است در مراحل اولیه برای گمرک یا حتی سازمان سرمایه گذاری قابل شناسایی نباشد، به ویژه در پروژه های تخصصی که تشخیص وضعیت دقیق تجهیزات نیاز به بررسی های فنی و کارشناسی دارد. پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده: تبصره مذکور با هدف پیشگیری از این نوع تقلب ها و سوءاستفاده ها تنظیم شده است. در صورتی که سرمایه گذار خارجی کالای معیوب یا غیرقابل استفاده وارد کند و این موضوع بعد از ترخیص کالا و پذیرش آن مشخص شود، هیئت سرمایه گذاری موظف است با بررسی دقیق، ارزش قسمت معیوب یا غیرقابل استفاده را از ارزش کل سرمایه کسر کند. این سازوکار نه تنها از تقلب جلوگیری می کند؛ بلکه اطمینان می دهد که تنها تجهیزات و ماشین آلات با کیفیت و مورد تأیید در پروژه های سرمایه گذاری به عنوان سرمایه محسوب شده و تحت حمایت قانونی قرار می گیرند. این تبصره به طور کلی به نفع سرمایه گذارانی است که قصد دارند از سرمایه گذاری خود بهره برداری واقعی داشته باشند و همچنین به عنوان ابزاری برای جلوگیری از ورود سرمایه های غیرقابل استفاده و معیوب به کشور عمل می کند. از این رو، سرمایه گذاران خارجی باید به دقت تمامی مراحل و الزامات قانونی را رعایت کنند و از وارد کردن ماشین آلات یا تجهیزات معیوب که ممکن است به مشکل برخورد کنند، خودداری نمایند.

در تحلیل مفهوم و تأثیر ارزشیابی گمرک در فرایند ثبت سرمایه خارجی در سازمان های مختلف، به ویژه اداره ثبت شرکت ها، ابهاماتی وجود دارد که نیازمند بررسی دقیق تری است. طبق قوانین موجود، ارزشیابی گمرک به عنوان ملاک اصلی برای ثبت سرمایه خارجی در نظر گرفته می شود. اما در عمل، این موضوع با چالش هایی مواجه است که می توان آن را در دو بخش عمده مورد تحلیل قرار داد. بر اساس قوانین موجود، اداره ثبت شرکت ها تکلیفی در رابطه با توجه به ارزشیابی گمرک در فرایند ثبت شرکت ندارد. به عبارت دیگر، اداره ثبت شرکت ها تنها بر اساس اظهارات متقاضی نسبت به ثبت سرمایه شرکت اقدام می کند و هیچ الزامی برای بررسی تطابق این اظهارات با ارزشیابی گمرک ندارد. این بدان معناست که حتی اگر سرمایه گذار خارجی رقم اعلامی را بر اساس قیمت های واقعی یا ارزشیابی گمرک اعلام نکرده باشد، اداره ثبت شرکت ها همچنان می تواند شرکت را ثبت کند و سرمایه گذاری اعلامی را به ثبت برساند. این وضعیت منجر به این سؤال می شود که چگونه ارزشیابی گمرک می تواند به عنوان ملاک معتبر ثبت سرمایه خارجی در اداره ثبت شرکت ها مطرح باشد، در حالی که این اداره تنها بر اساس اظهارات سرمایه گذار و بدون نیاز به تطابق با ارزشیابی گمرک عمل می کند. به نظر می رسد که ارزشیابی گمرک می تواند برای تعیین صحت و دقت مبلغ سرمایه وارد شده مفید باشد، اما در فرایند ثبت شرکت، این اطلاعات لزوماً به عنوان معیار برای ثبت سرمایه خارجی در نظر گرفته نمی شود.

باتوجه به این خلأ قانونی، سرمایه گذار خارجی ممکن است بدون نیاز به تطابق با ارزشیابی گمرک، اقدام به ثبت سرمایه ای به مبلغ بالاتر از ارزش واقعی کند. این امر می تواند به ویژه در شرایطی که سرمایه گذار قصد دارد سرمایه غیر واقعی را اعلام کند تا از حمایت های قانونی بهره برداری کند، مشکلاتی ایجاد کند. در این صورت، باتوجه به اینکه اداره ثبت شرکت ها تنها بر اساس اظهارات متقاضی اقدام به ثبت شرکت می کند، این امر می تواند منجر به ثبت شرکت هایی با سرمایه واهی شود که بر اساس ارزشیابی گمرک قابل تأسیس نبوده و در حقیقت هیچ گونه پشتوانه واقعی ندارند. در راستای پیشگیری از این مشکلات و ابهامات، به نظر می رسد که قانون گذار باید تکالیفی را برای اداره ثبت شرکت ها، سازمان سرمایه گذاری، و اداره گمرک در نظر بگیرد تا در فرایند ثبت شرکت، ارزشیابی گمرک به عنوان ملاک معتبر برای تعیین میزان واقعی سرمایه مورد توجه قرار گیرد. این اصلاحات می تواند شامل الزامات قانونی برای سازمان های مختلف در این زمینه باشد که باتوجه به ارزشیابی گمرک، سرمایه واقعی وارد شده به کشور به درستی ثبت و تحت پوشش حمایت های قانونی قرار گیرد. یکی از اهداف احتمالی قانون گذار از چنین عبارت هایی، ممانعت از تقلب و سوء استفاده سرمایه گذاران خارجی است. به عبارت دیگر، قانون گذار می خواهد که سرمایه گذار خارجی نتواند سرمایه مندرج در فهرست تفصیلی مصوب هیئت را به عنوان سرمایه واقعی خود اعلام کند و آن را به عنوان سرمایه واهی ثبت کند. این امر می تواند مانع از سوء استفاده های احتمالی در فرایند ثبت شرکت ها و در نتیجه موجب حمایت از سرمایه گذاران واقعی شود که سرمایه های واقعی را وارد کشور می کنند. در نهایت، به نظر می رسد که ارزشیابی گمرک باید نقش محوری در تعیین و ثبت سرمایه های خارجی داشته باشد، اما ابهام در اجرای آن در عمل و وجود ناهمبستگی میان سازمان های مختلف موجب شده است که این فرایند نیاز به اصلاحات و تکمیل بیشتری داشته باشد. لازم است که سازمان های مختلف نظیر اداره ثبت شرکت ها، سازمان سرمایه گذاری، و گمرک هماهنگ تر عمل کنند تا از بروز مشکلاتی همچون ثبت سرمایه های واهی و سوء استفاده های احتمالی جلوگیری شود.

در فرایند ارزیابی سرمایه های غیر نقدی، به ویژه ماشین آلات و تجهیزات وارداتی، تفاوت های چشمگیری بین ماشین آلات نو و ماشین آلات کارکرده وجود دارد که به وضوح تأثیرگذار است. این تفاوت ها اغلب به طور مستقیم بر ارزش گذاری این اقلام تأثیر می گذارد و نیازمند دقت بیشتری در ارزیابی است. در این زمینه، قانون گذار باتوجه به شرایط مختلف، به خصوص فرسودگی ماشین آلات، از نظرات کارشناسان استفاده کرده است تا ارزش واقعی این اقلام مشخص شود. ماشین آلات دست اول معمولاً از نظر قیمت و کارکرد بسیار بالاتر از ماشین آلات کارکرده قرار دارند. عواملی همچون زمان ساخت، میزان فرسودگی، و طول عمر مفید

ماشین آلات کارکرده می تواند تأثیرات زیادی بر ارزش گذاری آنها بگذارد. این نکات نه تنها بر قیمت خرید اولیه تأثیر می گذارد، بلکه هزینه های نگهداری و تعمیرات ماشین آلات کارکرده می تواند بر ارزش نهایی آنها تأثیر بگذارد. طبق جزء ۱ بند ب ماده ۲۱ آئین نامه اجرایی تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، ارزشیابی گمرک در خصوص بهای این گونه ماشین آلات به عنوان ارزشیابی معتبر و قابل قبول محسوب می شود. این بدین معناست که سازمان های مربوطه، از جمله گمرک، به عنوان مراجع اصلی ارزیابی ارزش ماشین آلات وارداتی در نظر گرفته می شوند که شامل ماشین آلات دست اول و کارکرده است. این ارزشیابی معمولاً به وسیله کارشناسان متخصص در گمرک انجام می شود تا تفاوت های موجود بین نوع و وضعیت فنی دستگاه ها به درستی شناسایی و ثبت شود. بخشی از سرمایه های خارجی ممکن است به صورت قطعات یدکی، قطعات منفصله یا ابزار وارد شوند که در این موارد نیز باید به دقت ارزش گذاری شود. به نظر می رسد که این نوع سرمایه ها نیز همچون ماشین آلات وارداتی به دلیل فناوری برتر و تخصصی بودن، نیاز به ارزیابی دقیق دارند. اگرچه این اقلام به نظر ممکن است به مواد اولیه، افزودنی و کمکی شباهت داشته باشند، اما ماهیت خاص آنها، یعنی ابزار و قطعات یدکی ماشین آلات، آنها را بیشتر به ماشین آلات وارداتی نزدیک می کند. به همین دلیل، به نظر می رسد که این اقلام باید در یک بند مشترک با ماشین آلات و تجهیزات قرار گیرند تا از نظر ارزشیابی و ثبت به طور جامع تری تحت پوشش قرار گیرند. حق اختراع، دانش فنی، علائم تجاری و خدمات تخصصی نیز جزو سرمایه های غیرنقدی به حساب می آیند که در چارچوب سرمایه گذاری خارجی وارد می شوند. دانش فنی به مجموعه ای از اطلاعات، تجربیات و تمهیدات فنی اطلاق می شود که برای طراحی، ساخت و بهره برداری از محصولات یا فرایندها به کار می رود. این نوع دانش ها معمولاً محرمانه و انحصاری هستند و در اختیار صاحب تکنولوژی قرار دارند. به همین دلیل، این نوع از سرمایه های غیرنقدی نه تنها از نظر ارزش مادی بلکه از نظر ارزش استراتژیک و فنی نیز قابل توجه هستند. این نوع از سرمایه ها ممکن است به عنوان دارایی های نامشهود شناخته شوند و در ارزیابی کلی سرمایه گذاری خارجی، به ویژه در زمینه تکنولوژی های جدید یا فرایندهای تولید پیشرفته، نقش مهمی ایفا کنند.

باتوجه به پیچیدگی های ذکر شده، نیاز به کارشناسان متخصص در ارزیابی این نوع سرمایه ها از اهمیت بالایی برخوردار است. به ویژه در مورد ماشین آلات کارکرده و قطعات یدکی که به دلیل فرسودگی و تفاوت های ساختاری ممکن است ارزش های مختلفی داشته باشند، ارزیابی دقیق از سوی کارشناسان متخصص امری ضروری است. ارزشیابی گمرک در این زمینه نقش محوری دارد، زیرا گمرک به عنوان مرجع اصلی برای واردات کالاها، از جمله این نوع سرمایه ها، می تواند به عنوان معیار قابل اعتماد و شفاف برای ارزیابی استفاده

شود. در نهایت، برای اطمینان از صحت و دقت ارزیابی ماشین آلات و قطعات یدکی وارداتی، لازم است که ارزیابی‌ها به طور دقیق و تخصصی انجام شود. ارزشیابی گمرک در این زمینه می‌تواند به عنوان معیار معتبر شناخته شود، اما نیاز است که به‌ویژه در موارد پیچیده، نظرات کارشناسان فنی نیز در نظر گرفته شود تا اطمینان حاصل شود که سرمایه‌های غیرنقدی به‌درستی ارزش‌گذاری و ثبت می‌شوند.

در دسته سوم سرمایه‌های خارجی، حقوق مالکیت صنعتی شامل مواردی مانند حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری، و خدمات تخصصی قرار می‌گیرد. این نوع سرمایه‌ها به دلیل ماهیت خاص آن‌ها که شامل انتقال فناوری، تخصص و دانش فنی می‌شود، فرایندهای پیچیده‌تری برای ورود، ارزشیابی و ثبت دارند. در این خصوص، مراحل ورود حقوق مالکیت صنعتی از سایر انواع سرمایه‌ها متفاوت است و نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری است. ورود حقوق مالکیت صنعتی به کشور غالباً به معنای انتقال فناوری و تخصص است که به تبع آن، نیاز به آموزش نیروی انسانی، مونتاژ قطعات، راه‌اندازی واحدهای تولیدی و در برخی موارد حتی تغییرات در نظام مدیریت و صادرات نیز است. این فرایند به دلیل نیاز به تعهدات قراردادی و انتقال تکنولوژی پیچیده‌تر از سایر انواع سرمایه‌ها است. در خصوص نحوه ورود، ارزشیابی و ثبت این سرمایه‌ها، سازمان سرمایه‌گذاری پس از بررسی‌های لازم، گزارشی از ایفای تعهدات قراردادی بر اساس قراردادهای فناوری و خدمات تهیه می‌کند. این گزارش در هیأت سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود و پس از تأیید، مطابق با دستورالعمل‌های خاص به تصویب می‌رسد. دستورالعمل اجرایی تعیین و ارزشیابی ارزش دانش فنی و خدمات تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی که در تاریخ ۱۳۸۳/۰۱/۲۹ به تصویب رسیده، چارچوب قانونی این فرایند را تنظیم می‌کند. این دستورالعمل برای تمامی حقوق مالکیت صنعتی که از طریق قراردادهای انتقال فناوری وارد کشور می‌شوند، حکم‌فرماست. دستورالعمل یادشده به طور خاص به چگونگی ورود، استفاده، تعیین ارزش و نحوه ثبت حقوق مالکیت صنعتی پرداخته و بر اساس آن، فرایندهایی مانند ارزشیابی ارزش‌گذاری دانش فنی و خدمات تخصصی انجام می‌شود. این ارزش‌گذاری‌ها به طور عمده توسط هیأت سرمایه‌گذاری تأیید می‌شوند و بر اساس دستورالعمل‌های مصوب، به عنوان سرمایه خارجی ثبت و تحت پوشش حمایت‌های قانونی قرار می‌گیرند. در خصوص قراردادهای انتقال فناوری، یکی از جنبه‌های مهم این است که این قراردادها باید به طور دقیق مشخص کنند که چه فناوری‌هایی منتقل می‌شود و چگونه سرمایه‌گذار خارجی تعهدات خود را در زمینه انتقال تکنولوژی و ارائه خدمات تخصصی به انجام می‌رساند. این تعهدات می‌تواند شامل مواردی چون آموزش نیروی کار، راه‌اندازی خطوط تولید، منتقل کردن تکنولوژی‌های نوین و نظام مدیریت پیشرفته باشد. به‌طور کلی، دستورالعمل اجرایی در خصوص ارزشیابی و ثبت سرمایه‌های حقوق مالکیت صنعتی از آن جهت

اهمیت دارد که اطمینان حاصل می‌شود انتقال فناوری به‌درستی انجام شده و حقوق مالکیت صنعتی به‌عنوان یک سرمایه واقعی به ثبت رسیده است. این دستورالعمل موجب شفافیت در فرایندهای ارزیابی و ثبت می‌شود و از بروز مشکلات حقوقی و اقتصادی جلوگیری می‌کند. باتوجه به پیچیدگی‌های ویژه‌ای که در حقوق مالکیت صنعتی و به‌خصوص انتقال فناوری و دانش فنی وجود دارد، ضروری است که فرایند ورود، ارزیابی و ثبت این نوع سرمایه‌ها به‌دقت انجام شود. دستورالعمل اجرایی که در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید، چارچوب‌های دقیق و روش‌های اجرایی لازم برای ارزیابی و ثبت سرمایه‌های مالکیت صنعتی را مشخص کرده و موجب حمایت قانونی از حقوق مالکیت صنعتی می‌شود. به همین ترتیب، این سرمایه‌ها به‌راحتی و بدون مشکلات حقوقی و عملیاتی به ثبت می‌رسند و از حمایت‌های قانونی برخوردار می‌شوند.

دانش فنی به‌عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری خارجی، جایگاهی میان کمک‌های فنی و حق اختراع دارد. این نوع سرمایه‌گذاری به معنای مجموعه‌ای از اطلاعات فنی و تجربیات است که معمولاً به طور محرمانه نگهداری می‌شود. برخلاف کمک فنی که به طور آزاد و بدون محدودیت‌های قانونی به طرف‌های مختلف منتقل می‌شود، بخش عمده‌ای از دانش فنی به‌ویژه در پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی، به طور خصوصی و با شرایط خاص در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد و تحت هیچ شرایطی قابل افشا نیست. درحالی‌که حق اختراع به دارنده آن حق قانونی می‌دهد تا از استفاده غیرمجاز دیگران جلوگیری کند، دانش فنی چنین حقی را ندارد، مگر آنکه به طور رسمی از سوی صاحب آن به دیگران واگذار شود. یکی دیگر از جنبه‌های مهم در سرمایه‌گذاری خارجی، خدمات تخصصی است. این خدمات که به طور ویژه در پروژه‌های صنعتی و تولیدی مطرح می‌شود، معمولاً در قالب اعزام کارشناسان، تکنسین‌ها و مشاوران فنی به کشور میزبان ارائه می‌شود. این خدمات شامل انتخاب تکنولوژی، روش‌های ساخت و آزمایش، تهیه مشخصات فنی برای ماشین‌آلات و تجهیزات، و همکاری در فرایند خرید ماشین‌آلات، قطعات نیمه‌ساخته، و مواد اولیه است. به‌طور کلی، خدمات تخصصی به‌عنوان یکی از انواع سرمایه‌های خارجی، می‌توانند نقش مؤثری در انتقال فناوری و ارتقای سطح فنی و مدیریتی در کشور میزبان ایفا کنند. در بسیاری از پروژه‌های صنعتی و تولیدی که به سرمایه‌گذاری‌های خارجی وابسته هستند، این خدمات می‌تواند به افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت محصولات و ایجاد ظرفیت‌های جدید در زمینه‌های مختلف منجر شود. همچنین، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ و پیچیده، حضور مشاوران و کارشناسان خارجی می‌تواند به‌عنوان عاملی برای توسعه فناوری‌های جدید و ارتقاء سیستم‌های مدیریتی در کشور میزبان محسوب شود. به همین دلیل، قانون‌گذار در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله ایران، این نوع از خدمات را به‌عنوان بخشی از سرمایه‌های خارجی شناسایی کرده و آن‌ها را تحت پوشش قانون تشویق و حمایت از

سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌دهد. در نهایت، دانش فنی و خدمات تخصصی، دو عامل اساسی برای انتقال فناوری و تخصص به کشور میزبان هستند که می‌توانند تأثیرات بلندمدتی در رشد اقتصادی، بهبود ساختار صنعتی و ایجاد مشاغل با مهارت‌های بالا داشته باشند. این سرمایه‌ها می‌توانند به بهبود مهارت‌های فنی و مدیریت صنعتی در کشور کمک کنند و باعث افزایش رقابت‌پذیری صنایع داخلی شوند. از این رو، سرمایه‌گذاران خارجی که این نوع از سرمایه‌ها را به کشور وارد می‌کنند، نقش مهمی در ارتقای زیرساخت‌ها و پیشرفت صنعتی ایفا می‌کنند.^{۷۴}

بند پنجم ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، به موضوع سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی اشاره دارد و به‌نوعی، نحوه انتقال و استفاده از این سود را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نگاه اول ممکن است مفهوم این بند برای خواننده کمی مبهم باشد، اما با مطالعه دقیق‌تر سایر مواد قانون، معنای آن روشن‌تر می‌شود. این بند به‌وضوح بیان می‌کند که سودی که از سرمایه‌گذاری خارجی به دست می‌آید و قابل انتقال به خارج از کشور باشد، می‌تواند به‌عنوان سرمایه خارجی محاسبه و مشمول حمایت‌های قانونی قرار گیرد. در واقع، قانون‌گذار در اینجا تأکید دارد که سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خارجی که به کشور خود بازمی‌گردد و از کشور خارج می‌شود، می‌تواند به‌عنوان یک جزء از سرمایه خارجی تلقی شود و تمام مزایای قانونی برای آن در نظر گرفته خواهد شد. به‌موجب ماده ۱۹ آئین‌نامه اجرایی قانون، سرمایه‌گذار خارجی این امکان را دارد که به‌جای انتقال سود به کشور خود، آن را در همان بنگاه یا پروژه سرمایه‌گذاری مجدد نماید. این اقدام، به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری جدید تلقی شده و تحت پوشش قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌گیرد. این بند در واقع به سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را می‌دهد که به‌جای خروج سود از کشور، آن را مجدداً در پروژه‌های خود سرمایه‌گذاری کنند و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند که در نهایت به توسعه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد ارزش افزوده در کشور میزبان کمک خواهد کرد.

در خصوص بند ششم از ماده ۱، با توجه به محصور بودن سرمایه‌های خارجی در ماده ۱ قانون، به نظر می‌رسد که این بند به‌نوعی، امکان پذیرش انواع مختلف سرمایه‌های خارجی را در آینده فراهم می‌آورد. این امر از آن جهت اهمیت دارد که هیأت سرمایه‌گذاری می‌تواند در زمان کوتاهی پس از بررسی پروژه‌ها، تصمیمات لازم را اتخاذ کرده و نیازی به انتظار برای تأیید هیأت دولت نباشد. در این صورت، فرایند پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی تسریع می‌شود و سرمایه‌گذاران خارجی قادر خواهند بود سریع‌تر وارد بازار کشور

^{۷۴} ساسان نژاد، امیر هوشنگ، *نمونه قراردادها*، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱.

شوند و پروژه‌های خود را راه‌اندازی کنند. این تصمیم‌گیری سریع‌تر، علاوه بر اینکه زمان را به طور مؤثری صرفه‌جویی می‌کند، می‌تواند به کاهش بوروکراسی‌های پیچیده و تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری منجر شود و در نهایت به رشد اقتصادی کشور کمک کند.

در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، فناوری به‌عنوان یکی از انواع سرمایه‌های غیرنقدی پذیرفته شده است و تحت عنوان بند د ماده ۱ این قانون به رسمیت شناخته می‌شود. حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری، و خدمات تخصصی همگی از مصادیق کلی فناوری محسوب می‌شوند که به سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را می‌دهند که فناوری خود را به کشور وارد کرده و آن را به‌عنوان یک نوع سرمایه در نظر بگیرند. بر اساس ماده ۲۱ آئین‌نامه اجرایی این قانون، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران مسئول ارزیابی و پذیرش فناوری به‌عنوان سرمایه است. در واقع، سازمان سرمایه‌گذاری وظیفه دارد که از صحت و ارزش فناوری‌های وارد شده توسط سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان حاصل کرده و آن‌ها را تحت پوشش قانون قرار دهد. این رویکرد باعث می‌شود که فناوری‌های به‌روز و نوآورانه از سوی سرمایه‌گذاران خارجی وارد کشور شوند و در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور به کار گرفته شوند. در ادامه، اگر سرمایه‌گذار خارجی بخواهد علاوه بر فناوری، وجه نقد را نیز به‌عنوان بخشی از سرمایه وارد کشور نماید، این وجوه باید مطابق با دو شرط مشخص قانونی باشند. شرط اول این است که سرمایه به‌صورت ارز قابل تبدیل وارد کشور شود؛ یعنی ارز باید قابل تبدیل به ریال و بالعکس از طریق نظام بانکی کشور باشد. به عبارت دیگر، اگر سرمایه به‌صورت ارز وارد کشور شود، باید این ارز قابلیت تبدیل به ریال را داشته باشد تا بتوان آن را در نظام اقتصادی کشور به طور قانونی و رسمی استفاده کرد. در غیر این صورت، اگر ارز وارد شده به گونه‌ای باشد که نظام بانکی ایران نتواند آن را تبدیل کند، به‌عنوان سرمایه نقدی پذیرفته نمی‌شود. شرط دوم این است که انتقال ارز باید از طریق روش‌های مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام شود. در اینجا، نظام بانکی کشور که شامل بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی غیربانکی می‌شود، به‌عنوان روش اصلی انتقال وجوه شناخته شده است. سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند از این بانک‌ها و مؤسسات برای انتقال وجوه خود استفاده کند. علاوه بر این، برخی روش‌های دیگر انتقال وجوه که توسط بانک مرکزی تأیید شده‌اند نیز ممکن است پذیرفته شوند. یکی از این روش‌ها، انتقال وجوه به همراه مسافر از مبادی ورودی مجاز است. در این حالت، اگر سرمایه‌گذار، وجوه نقدی خود را همراه با خود به کشور بیاورد، این مبالغ به‌عنوان سرمایه خارجی پذیرفته می‌شوند، مشروط بر آنکه سرمایه‌گذار این مبالغ را در فرم‌های مربوطه اظهار کرده و ورود آن‌ها به تأیید مقامات مسئول در مبادی ورودی کشور (مانند مقامات فرودگاه‌ها) رسیده باشد. با

این شرایط، قانون‌گذار به طور واضحی راه را برای پذیرش انواع مختلف سرمایه‌های خارجی از جمله وجوه نقدی و فناوری بازکرده است و روش‌های متنوعی را برای انتقال این وجوه به کشور پیش‌بینی کرده است تا فرایند جذب سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل شود و سرمایه‌گذاران خارجی بتوانند به راحتی و با اطمینان وارد بازار کشور شوند.

باید به این نکته اشاره کرد که شاید یکی از نقاط ضعف حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، تبصره ماده ۲ این قانون است. این تبصره با اشاره به قانون مربوط به تملک اموال غیرمنقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰ اذعان می‌دارد تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه مجاز نیست باین حال نباید از نظر دور داشت قانون ۱۳۱۰ تملک عمده توسط اتباع خارجی و نه هر نوع زمین اختصاص یافته است.

همان‌طور که از مفاد قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی قابل مشاهده است، در صورتی که طرف سرمایه‌گذار چینی قصد سرمایه‌گذاری در ایران را در قالب طرح سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشد، فناوری به عنوان یک سرمایه قابل انتقال ذیل موارد حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی قابل شناسایی و انتقال است. در مواردی که ارزش دانش فنی قرار است به عنوان بخشی از سهم سرمایه‌گذاری خارجی محسوب شود و یا جوهری بابت استفاده از دانش فنی پرداخت شود، سازمان سرمایه‌گذاری باید نسخه‌ای از قرارداد و یا تفاهم‌های مربوطه را به همراه سایر مدارک مربوط به درخواست سرمایه‌گذاری خارجی را برای اظهار نظر وزارتخانه یا دستگاه اجرایی ذی ربط ارسال کند. سازمان سرمایه‌گذاری نیز باید پس از دریافت پاسخ استعلام از دستگاه ذی ربط، گزارش لازم در خصوص موضوع که حاوی نقطه نظرهای واصله از وزارتخانه یا دستگاه اجرایی مربوطه است، جهت اتخاذ تصمیم لازم به همراه نظرهای کارشناسی خود در هیئت سرمایه‌گذاری خارجی مطرح کند. سازمان سرمایه‌گذاری برای احراز اطمینان از انتقال فناوری، حداقل یک‌بار و یا در موارد ضروری به دفعات از وزارتخانه و یا دستگاه ذی ربط می‌تواند درخواست کند تا کارشناسان مربوط از محل اجرای طرح بازدید کرده و سپس گزارش ایفای تعهدات مندرج در قرارداد را به سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران ارسال کنند. برای هر یک از مصادیق دانش فنی به حساب سرمایه خارجی و یا انتقال وجوه مربوطه تحت عناوینی نظیر حق لیسانس، حق الامتیاز، حق فنی، مهندسی، مدیریت و غیره و ثبت وجوه مربوطه به عنوان آورده سرمایه‌گذاران خارجی در دفاتر سازمان زمانی صورت می‌گیرد که در خصوص اجرای تعهدات قرارداد مربوطه، اطمینان حاصل شده باشد.

مبحث چهارم: تأسیس طرح سرمایه‌گذاری مشترک در قالب مشارکت مدنی

در خصوص طبقه‌های سرمایه‌گذاری خارجی ماده ۳ قانون مقرر کرده است که:

«سرمایه‌گذاری‌های خارجی که بر اساس مفاد این قانون پذیرفته می‌شوند از تسهیلات و حمایت‌های این قانون برخوردارند. این سرمایه‌گذاری‌ها به دو طریق زیر قابل پذیرش هستند:

الف- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه‌هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز است.

ب - سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کلیه بخش‌ها در چارچوب روش‌های مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری که برگشت سرمایه و منافع حاصله صرفاً از عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه‌گذاری ناشی شود و متکی به تضمین دولت یا بانک‌ها و یا شرکت‌های دولتی نباشد.»

ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، به طور واضح دو دسته فعالیت تجاری را تحت پوشش این قانون قرار می‌دهد که به موجب آن، سرمایه‌گذاری‌های خارجی از تسهیلات و حمایت‌های ویژه‌ای بهره‌مند می‌شوند. این دو دسته از سرمایه‌گذاری‌ها به طور مشخص در دو بخش جداگانه تعریف شده‌اند:

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی: در این حالت، سرمایه‌گذار خارجی به طور مستقیم در زمینه‌هایی که فعالیت آن مجاز است، سرمایه‌گذاری می‌کند. این نوع سرمایه‌گذاری شامل ورود مستقیم سرمایه به کشور برای ایجاد و راه‌اندازی طرح‌های اقتصادی و صنعتی است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذار خارجی مستقیماً به تأسیس واحدهای تولیدی، خدماتی یا صنعتی در کشور اقدام می‌کند. این نوع سرمایه‌گذاری معمولاً از حمایت‌های قانونی مانند تضمین بازگشت سود و تضمین حقوق مالکیت برخوردار است.

سرمایه‌گذاری‌های خارجی در چارچوب روش‌های مشارکت مدنی، بیع متقابل، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری: این نوع سرمایه‌گذاری‌ها به شکلی ساختاریافته‌تر انجام می‌شود که برگشت سرمایه و منافع حاصل از آن تنها از طریق عملکرد اقتصادی طرحی که سرمایه‌گذاری در آن صورت گرفته است، حاصل می‌شود. در این دسته، از تضمین‌های دولتی یا بانکی استفاده نمی‌شود، بلکه اساس آن بر موفقیت اقتصادی و عملیاتی پروژه سرمایه‌گذاری استوار است. این روش‌ها شامل مشارکت در پروژه‌ها به صورت مشاع، قراردادهای بیع متقابل (که در آن، طرف خارجی کالا یا خدماتی را در مقابل کالا یا خدمات دیگر دریافت می‌کند)، و مدل‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری است. در هر دو حالت، سرمایه‌گذاری خارجی با رعایت قوانین و شرایط تعیین شده در این ماده، از حمایت‌ها و تسهیلات قانونی ویژه‌ای که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفته شده، برخوردار خواهد بود. به این ترتیب، هدف این قانون تشویق و جذب سرمایه‌گذاران خارجی است

تا از طریق این انواع مختلف سرمایه‌گذاری، پروژه‌های اقتصادی و صنعتی کشور را بهبود دهند و به توسعه اقتصادی کشور کمک کنند.

سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه در قالب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، به طور طبیعی و غالباً با انتقال فناوری به کشور میزبان همراه است. این فرایند در واقع یکی از مزایای اصلی و جذاب سرمایه‌گذاری خارجی برای کشورهای است که به دنبال ارتقاء و توسعه صنایع داخلی خود هستند. اما باید توجه داشت که نوع و میزان انتقال فناوری به کشور میزبان بستگی به روش‌ها و نحوه سرمایه‌گذاری دارد. در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم که به طور عمده شامل خرید سهام یا اوراق بهادار شرکت‌ها توسط سرمایه‌گذاران خارجی است، معمولاً فناوری جدیدی به کشور میزبان منتقل نمی‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری بیشتر به صورت مالی است و تأثیرات مستقیم در انتقال فناوری ندارد. اما در سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، به‌ویژه در پروژه‌های صنعتی و تولیدی، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند فناوری‌های جدید را به کشور وارد کند. در این روش‌ها، انتقال فناوری به کشور میزبان می‌تواند به صورت مستقیم از طریق اعطای مجوزهای تولید، اعزام متخصصان خارجی، یا نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته صورت گیرد. در برخی موارد، انتقال فناوری به طور غیرمستقیم از طریق آموزش و توانمندسازی نیروی کار محلی، تولید مشترک، یا حتی انتقال دانش فنی به صورت مستندات و راهنمایی‌های فنی انجام می‌شود. این امر نه تنها به ارتقای سطح تکنولوژی کشور میزبان کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی نیز می‌گردد. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان گفت که در تمامی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، به‌ویژه آن‌هایی که در صنایع فناوری محور یا پروژه‌های تحقیق و توسعه انجام می‌شوند، انتظار می‌رود که انتقال فناوری به کشور پذیرنده صورت گیرد. این انتقال فناوری می‌تواند منافع بلندمدت زیادی برای کشور میزبان به همراه داشته باشد، از جمله ارتقاء توانمندی‌های صنعتی، افزایش سطح مهارت‌های نیروی کار، و دسترسی به تکنولوژی‌های جدید و نوآورانه.

در بند ب ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، از مشارکت مدنی به عنوان یکی از روش‌های قراردادی برای پذیرش سرمایه‌گذاری‌های خارجی یاد شده است. این موضوع باعث ایجاد برخی تفسیرها و ابهامات در مورد معنای دقیق مشارکت مدنی در این قانون شده است. درحالی‌که برخی از دکترین‌های حقوقی عقیده دارند که منظور از مشارکت مدنی، همان عقد شرکت مندرج در قانون مدنی است، اما به نظر می‌رسد که در اینجا باید تفسیر موسع‌تری ارائه شود. هدف اصلی قانون تشویق و حمایت از

سرمایه‌گذاری خارجی، حمایت از ورود و استقرار سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور است، بنابراین مشارکت مدنی در این زمینه باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که شامل تمام انواع مشارکت باشد، به شرطی که این مشارکت‌ها با قوانین بالادستی کشور و نظم عمومی هم‌خوانی داشته باشند. این تفسیر موسع به این معنی است که مشارکت مدنی در این ماده از قانون صرفاً محدود به تعریف سنتی «مشارکت» در قانون مدنی نیست بلکه می‌تواند به هر نوع مشارکت اقتصادی و تجاری، از جمله سرمایه‌گذاری مشترک، اطلاق شود. در چنین طرح‌هایی، سرمایه‌گذار خارجی و طرف ایرانی به‌صورت مشترک منابع و سرمایه‌های خود را در قالب یک پروژه مشترک، اعم از شرکت یا قرارداد، به کار می‌گیرند. اگر یک طرح سرمایه‌گذاری مشترک در ایران بر اساس روش مشارکت مدنی در این قانون اجرا شود، ممکن است چنین پروژه‌ای در قالب‌های مختلفی شکل بگیرد. این پروژه‌ها می‌توانند یا به‌صورت شرکتی (تشکیل یک شرکت مشترک با سرمایه‌گذاری طرفین) یا قراردادی (که در آن طرفین قرارداد به‌طور مستقیم با یکدیگر همکاری می‌کنند) باشند. در برخی موارد، ممکن است که این دو روش ترکیب شوند، به‌طوری که یک شرکت مشترک در قالب یک قرارداد خاص برای اجرای پروژه تشکیل شود. در این زمینه، توجه به ترکیب این دو روش، یعنی شرکت و قرارداد، می‌تواند به طراحی مدل‌های انعطاف‌پذیرتر و کارآمدتر در اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری کمک کند. از آنجایی که مشارکت مدنی در این قانون، به‌ویژه در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، دربرگیرنده روش‌های مختلف همکاری است، می‌توان آن را به‌عنوان ابزاری برای تسهیل و تسریع ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور و مشارکت در پروژه‌های بزرگ و پیچیده اقتصادی در نظر گرفت.

در مقایسه با کشور چین که برای طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی، الزام به تشکیل شرکت با مسئولیت محدود وجود دارد، در ایران هیچ الزامی برای نوع خاصی از شرکت برای اجرای طرح سرمایه‌گذاری مشترک وجود ندارد. در ایران، طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک می‌توانند در قالب‌های مختلف شرکت‌های تجاری اجرا شوند. به‌طور خاص، بر اساس مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، چنین طرح‌هایی می‌توانند در قالب شرکت‌های سهامی (اعم از سهامی خاص یا سهامی عام) به ثبت برسند. همچنین بر اساس ماده ۱۰۵ قانون تجارت ۱۳۱۱، امکان ایجاد چنین طرح‌هایی در قالب شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز فراهم است. اما در عمل، به دلیل مزایای مدیریتی و انعطاف‌پذیری بیشتر شرکت‌های سهامی خاص، این نوع ساختار شرکتی معمولاً مورد استقبال بیشتری از سوی سرمایه‌گذاران خارجی قرار می‌گیرد. به‌ویژه در

پروژه‌هایی که نیاز به مدیریت کارآمدتر و تقسیم مسئولیت‌های سهام‌داران دارند، قالب شرکت سهامی خاص می‌تواند گزینه مطلوب‌تری باشد. در صورتی که طرح سرمایه‌گذاری مشترک در ایران بر اساس ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و روش مشارکت مدنی پیاده‌سازی شود، باید توجه داشت که این نوع مشارکت به طور معمول در قالب عقود معین قانون مدنی (مانند عقد شرکت) یا عقود نامعین امکان‌پذیر است. در حالی که استفاده از عقود معین می‌تواند برخی محدودیت‌ها را به همراه داشته باشد، به نظر می‌رسد که عقد نامعین تحت ماده ۱۰ قانون مدنی می‌تواند راه‌حل بهتری باشد. در این قالب، طرفین می‌توانند آزادانه توافق‌های خود را در زمینه‌های مختلف مانند تقسیم سود و زیان، مدیریت و سایر جنبه‌های همکاری تنظیم کنند، بدون آنکه با محدودیت‌های قانونی موجود در عقود معین روبه‌رو شوند. از آنجایی که قوانین موجود در قانون مدنی و قانون تجارت ممکن است برای راه‌اندازی و اداره پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک به‌ویژه در قالب جوینت ونچر قراردادی محدودیت‌هایی ایجاد کنند، بهره‌برداری از مشارکت مدنی به‌عنوان یک روش انعطاف‌پذیرتر می‌تواند مفیدتر باشد. این روش به طرفین این امکان را می‌دهد که با استفاده از قالب‌های نامعین، قراردادهایی با مفاد سفارشی و متناسب با نیازهای خاص پروژه خود تنظیم کنند. در نهایت، در انتخاب بین طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی یا قراردادی، با توجه به عرف بین‌المللی و تجارب جهانی، به نظر می‌رسد که طرح‌های ترکیبی (ترکیبی از ساختار شرکتی و قراردادی) با موفقیت بیشتری مواجه هستند. این نوع طرح‌ها می‌توانند مزایای هر دو رویکرد را در خود جای دهند و به طرفین اجازه دهند تا از ابزارهای مختلف حقوقی برای مدیریت بهتر پروژه بهره‌برداری کنند.

در حقوق ایران، در خصوص ماهیت حقوقی سرمایه‌گذاری مشترک، باید آن را از مصادیق قراردادهای نامعین بی‌نام و موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی ایران دانست و با توجه به گستره اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی در حقوق و فقه ایران این نوع از قرارداد به رسمیت شناخته می‌شود.

همچنین در خصوص رابطه سرمایه‌گذاری مشترک و عقود در حقوق ایران، باید به این موضوع اشاره کرد که سرمایه‌گذاری مشترک در این رابطه می‌تواند ذیل عقود معین مختلفی از جمله مشارکت مدنی و مضاربه تعریف شود؛ اگرچه در نهایت باید گفت که این نوع قرارداد مصداقی از عقود ماده ۱۰ قانون مدنی است.

در حقوق مدنی ایران عقود مشارکتی یا قالب معین و اسم خاص دارند که می‌توان از جمله آن‌ها به مضاربه، مساقات، مزارعه و یا مشارکت مدنی اشاره نمود و یا ممکن است از زمره عقود معین نبوده و ذیل قراردادهای

ماده ۱۰ قانون مدنی توجیه شوند. مشارکت را رابطه و همکاری بر اساس توافق بین چند شریک می‌دانند که از یک کیفیت فردی در جهت هدف مشترک شرکا برخوردار است. بر خلاف شخص حقوقی، این نوع واحده قراردادی شخصیت مجزا از شرکای آن ندارند. مشارکت مدنی از جمله موردهایی است که در حقوق بانکی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته و از جمله قراردادهایی محسوب می‌شود که در قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه فصل سوم این قانون مصوب ۱۳۶۲ به کار برده شده است. در آمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد همان طور که طرفین به منظور انتفاع به انعقاد چنین قراردادی دست می‌زنند به مفهوم بین‌المللی آن نزدیک‌تر شده است.

در بند ب ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ نیز مشارکت مدنی به عنوان یکی از روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی معرفی گردیده است. متأسفانه از این تأسیس هیچ‌گونه تعریفی در قانون و آیین‌نامه سرمایه‌گذاری یافت نمی‌شود تا اراده قانون‌گذار را در این خصوص روشن نماید. باین حال ذیل جدول روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی که در اجرای ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ از سوی وزارت اقتصاد و دارایی تنظیم گردیده است مشارکت مدنی چنین تعریف شده است: «مشارکت مدنی ترتیبات قراردادی برای انجام فعالیت مشترکی است که بدون تشکیل شخصیت حقوقی (شرکت) شکل می‌گیرد و منافع سرمایه‌گذاری و نحوه انتفاع هر یک از طرفین مشارکت به نحوی که در قرارداد مقرر گردیده است». مشارکت مدنی شامل کلیه اشکال دیگر کسب و کار است که در آن سرمایه‌گذاری خارجی بدون تشکیل شرکت در منافع حاصل از سرمایه‌گذاری ذی‌نفع می‌شود. بنابراین در تعریف مشارکت مدنی فعالیت مشترک بر اساس قرارداد انجام می‌شود و هدف کسب سود و منفعتی مشخص مبتنی بر قرارداد منعقد شده میان طرفین است البته چون مسئله سرمایه‌گذاری خارجی در میان است و قصد قانون‌گذار در اینجا جذب و تحت پوشش قراردادن این گونه سرمایه است محاسبات مالی و نحوه تقسیم سود و مسائلی از این قبیل از طریق مراجعه به دفاتر هر یک از طرفین که دفاتر را در ایران ثبت و ضبط می‌نماید، احراز می‌شود. البته با وجود تعریف فوق گاهی در عمل دیده شده است که سازمان سرمایه‌گذاری در این گونه سرمایه‌گذاری‌ها نیز برای ثبت شرکت یا شعبه مجوز صادر نموده است تا طرفین از این طریق زمینه اجرای قرارداد را فراهم آورند. طبق بند ب ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، مشارکت مدنی در کلیه بخش‌ها را امکان‌پذیر دانسته است؛ اما بدیهی است که این موضوع تنها در

صورتی صادق است که طرف قرارداد سرمایه‌گذار خارجی دولت و یا یکی از شرکت‌های دولتی باشد و گرنه سرمایه‌گذاری تنها در زمینه‌هایی امکان‌پذیر خواهد بود که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز باشد. همان‌طور که پیش‌تر در بخش اول این تحقیق توضیح داده شد، سرمایه‌گذاری مشترک قالبی از سرمایه‌گذاری است که در آن طرفین قصد دارند با مشارکت یکدیگر، در سود و زیان طرح سرمایه‌گذاری سهیم باشند و در حقوق ایران به‌منظور تعریف این سرمایه‌گذاری ذیل عقود معین و غیرمعین، به نظر می‌رسد که مشارکت مدنی بهترین قالب جهت تعریف این سرمایه‌گذاری باشد. باین‌وجود لازم به ذکر است که منظور از مشارکت مدنی در این تحقیق، لزوماً عقد شرکت طبق قانون مدنی نیست؛ بلکه هدف تنظیم قراردادی ذیل ماده ۱۰ قانون مدنی تحت عنوان عقد نامعین و شکل‌گیری مفاد آن بر اساس اصول مشارکت است. با تنظیم چنین قراردادی، علاوه بر اینکه نزدیک‌ترین سازوکار حقوقی برای پیاده‌سازی طرح سرمایه‌گذاری مشترک فی‌مابین ایران و چین به دست می‌آید. همچنین، با تنظیم قرارداد مشارکت مدنی برای پیاده‌سازی طرح سرمایه‌گذاری مشترک فی‌مابین چین و ایران، این طرح سرمایه‌گذاری از حمایت‌های قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران نیز بهره‌مند می‌شود و شرایط مذکور در ماده ۳ این قانون به دست می‌آید.

مبحث پنجم: مراحل و مدت زمان صدور مجوز سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاران خارجی که قصد دارند در چارچوب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران سرمایه‌گذاری کنند، در ابتدا باید درخواست سرمایه‌گذاری خود را در فرم مخصوصی که از طریق سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران قابل دریافت است، تکمیل و به این سازمان ارائه دهند. این فرم می‌تواند از طریق مراجعه حضوری به سازمان یا از طریق سایت اینترنتی آن دریافت شود. درخواست سرمایه‌گذار خارجی پس از تکمیل، توسط سازمان به هیأت سرمایه‌گذاری خارجی ارسال می‌شود و تا زمان صدور مجوز سرمایه‌گذاری خارجی مورد پیگیری قرار می‌گیرد. انتخاب نوع فرم بستگی به روش سرمایه‌گذاری خارجی و توافقات میان طرفین مشارکت (سرمایه‌گذار داخلی و خارجی) دارد. این فرم باید به زبان انگلیسی ارائه شود، مگر اینکه سرمایه‌گذار خارجی ایرانی مقیم خارج یا از کشورهای فارسی‌زبان نظیر تاجیکستان یا افغانستان باشد که در این صورت ارائه فرم به زبان فارسی مجاز خواهد بود.

طبق مجوز سرمایه‌گذاری خارجی که معمولاً مدت زمان ۶ ماه برای آن تعیین می‌شود، سرمایه‌گذار خارجی موظف است بخشی از سرمایه خود را برای اجرای طرح مصوب به کشور وارد کند. در صورتی که سرمایه‌گذار

نتواند در مدت زمان مذکور سرمایه خود را وارد کشور کند، برای جلوگیری از ابطال مجوز صادره، لازم است دلایل و توجیهات معتبر خود را برای تمدید مدت اعتبار مجوز به سازمان سرمایه‌گذاری ارائه دهد. همچنین، سرمایه‌گذار خارجی باید ورود سرمایه‌های خود، اعم از سرمایه نقدی و غیرنقدی، را در چارچوب مجوز صادره به سازمان سرمایه‌گذاری اعلام کند تا این سرمایه‌ها به ثبت برسند و تحت پوشش حمایتی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرند. عدم ثبت سرمایه‌های وارد شده در سازمان به معنای عدم برخورداری از پوشش قانونی و حمایتی است و سرمایه‌های مذکور از مزایای قانونی این قانون بهره‌مند نخواهند شد.

جهت اخذ مجوز سرمایه‌گذاری، لازم است که به موجب شرایط مقرر شده در آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی عمل شود. ماده ۱۵ در آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مقرر نموده است که: «سرمایه‌گذاران، درخواست کتبی خود را به همراه مدارکی که در نمونه مربوط مشخص شده است به سازمان تسلیم می‌نمایند. سازمان پس از انجام بررسی‌های لازم و اخذ نظر وزارتخانه بخش ذی‌ربط، درخواست سرمایه‌گذاری را به همراه نظرات کارشناسی سازمان حداکثر ظرف مدت پانزده روز کاری در هیأت مطرح می‌نماید. عدم اعلام نظر وزارتخانه ذی‌ربط ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول استعلام، به منزله موافقت آن وزارتخانه با سرمایه‌گذاری مزبور تلقی می‌شود. بر اساس تصمیم متخذ که قبلاً نظر موافق سرمایه‌گذار خارجی نیز نسبت به آن اخذ شده است، مجوز سرمایه‌گذاری تنظیم و با تأیید و امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌گردد.

تبصره - مجوز سرمایه‌گذاری حاوی مشخصات سرمایه‌گذاران، نوع و نحوه سرمایه‌گذاری خارجی، چگونگی انتقال سود و منافع حاصل شده و سایر شرایط مربوط به تصویب هر طرح سرمایه‌گذاری، خواهد بود.»

بنابراین، طبق ماده مزبور سرمایه‌گذاران درخواست کتبی خود را به همراه مدارکی که در فرم مربوط مشخص شده است به سازمان تسلیم می‌نمایند و سازمان پس از انجام بررسی‌های لازم و اخذ نظر وزارتخانه بخش ذی‌ربط، درخواست سرمایه‌گذاری را به همراه نظرات کارشناسی سازمان حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز کاری در هیأت مطرح می‌نماید. عدم اعلام نظر وزارتخانه ذی‌ربط ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول استعلام به منزله موافقت آن وزارتخانه با سرمایه‌گذاری مزبور تلقی می‌شود و بر اساس تصمیم متخذ که قبلاً نظر موافق سرمایه‌گذار خارجی نیز نسبت به آن اخذ شده است مجوز سرمایه‌گذاری تنظیم و با تأیید و امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌گردد.

نظریات کارشناسی سازمان سرمایه‌گذاری نقش اساسی و مهمی در فرایند صدور مجوز سرمایه‌گذاری خارجی ایفا می‌کنند. به طور معمول، سازمان پس از دریافت مدارک لازم از سرمایه‌گذار خارجی، آن‌ها را به یکی از کارشناسان سازمان ارجاع می‌دهد. کارشناس مسئول پس از بررسی کامل پروژه، نظر خود را درباره آن اعلام می‌کند. این نظر کارشناسی قبل از تشکیل جلسه هیأت سرمایه‌گذاری به اعضای هیأت ارائه می‌شود تا آن‌ها با آگاهی کامل از جزئیات پروژه، آماده تصمیم‌گیری در جلسه باشند. در صورتی که لازم باشد، نظر وزارتخانه ذی‌ربط نیز در مراحل بعدی دریافت می‌شود. کارشناسان موظف‌اند تمامی جوانب پروژه را بررسی کرده و پیشنهاد خود را در خصوص پروژه به هیأت ارائه دهند. پس از جمع‌آوری نظر کارشناسان و اخذ نظر وزارتخانه‌های مربوطه، پروژه به جلسه هیأت سرمایه‌گذاری منتقل می‌شود. هیأت سرمایه‌گذاری از چهار نفر از معاونان ارشد وزارتخانه‌های ذی‌ربط تشکیل شده است که طبق ماده ۶ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری، جلسه هیأت با حضور حداقل سه نفر از این اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات هیأت با حداقل سه رأی موافق اتخاذ می‌شود. در این جلسات، معاونان سایر وزارتخانه‌ها نیز با دعوت رئیس هیأت و حق رأی حضور دارند. در این حالت، تصمیم‌ها با اکثریت آرا گرفته می‌شود. پس از اتخاذ تصمیم در جلسه هیأت سرمایه‌گذاری، این تصمیم به سرمایه‌گذار خارجی ابلاغ می‌شود و نظر سرمایه‌گذار به صورت کتبی اخذ می‌گردد. اگر سرمایه‌گذار با تصمیم هیأت موافقت کند، مجوز سرمایه‌گذاری تنظیم و با تأیید و امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌شود. در صورت مخالفت سرمایه‌گذار با تصمیم، هیأت مجدداً با در نظر گرفتن نظر سرمایه‌گذار به موضوع رسیدگی کرده و تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کند. این روند، فرایند بررسی دقیق و شفاف پروژه‌ها را تضمین کرده و اطمینان می‌دهد که هر تصمیمی بر اساس تحلیل‌های کارشناسی و مشورت‌های لازم اتخاذ می‌شود.

تعیین مدت زمان قانونی برای صدور مجوز سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این امر موجب می‌شود که سازمان سرمایه‌گذاری و هیأت مربوطه با سرعت عمل بیشتری به بررسی درخواست‌های سرمایه‌گذاری پرداخته و تصمیمات خود را در مدت زمان مشخص اتخاذ کنند. این زمان‌بندی قانونی، علاوه بر اینکه به سرمایه‌گذار خارجی این اطمینان را می‌دهد که حقوق و مزایای خود را می‌شناسد و در صورت عدم صدور مجوز در مدت مقرر می‌تواند اقدامات لازم را برای احقاق حقوق خود انجام دهد، موجب پاسخگویی سازمان نیز خواهد شد. بدین ترتیب، وجود این الزام قانونی نه تنها فرایند بررسی پروژه‌ها را تسریع می‌کند، بلکه به جذب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک می‌کند. طبق تبصره ماده ۶ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، سازمان موظف است درخواست‌های سرمایه‌گذاری را پس از بررسی

مقدماتی، حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ دریافت آن، به هیأت سرمایه‌گذاری ارائه دهد. هیأت نیز موظف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ مطرح‌شدن درخواست‌ها، به بررسی و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها پرداخته و نتیجه را به صورت کتبی اعلام کند. این مدت زمان یک ماه و نیم برای صدور مجوز به نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت که فرایند واقعی ممکن است کمی بیشتر از این زمان طول بکشد. چرا که بررسی مقدماتی درخواست‌ها و تکمیل فرم‌ها و مدارک موردنیاز توسط سرمایه‌گذار خارجی، ممکن است زمان‌بر باشد. بنابراین، مدت زمان ۱۵ روز تنها از زمانی آغاز می‌شود که تمام مدارک و اطلاعات لازم از سوی سرمایه‌گذار فراهم شده باشد. به همین دلیل، ممکن است بسته به تکمیل مدارک، این فرایند کمی بیشتر از یک ماه و نیم به طول بینجامد. این مدت زمانی مشخص و قانونی باعث می‌شود که روند رسیدگی به درخواست‌های سرمایه‌گذاری در سازمان تسریع یافته و در نتیجه تصمیم‌گیری‌ها شفاف و قابل پیش‌بینی شود. همچنین این امر به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی کمک کرده و بر روند جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر تأثیرگذار خواهد بود. ظرف زمانی دیگری که از سوی قانون‌گذار مورد اشاره واقع گردیده عبارت است از مدت یک ماه از تاریخ مطرح‌شدن درخواست‌های مذکور که ظاهراً ذیل تبصره با کمی ابهام مواجه است؛ زیرا به طور دقیق مشخص نیست که یک ماه از تاریخ مطرح‌شدن درخواست‌های مذکور در سازمان سرمایه‌گذاری است یا در هیأت سرمایه‌گذاری. اگر منظور سازمان سرمایه‌گذاری باشد کلاً باید ظرف یک ماه نسبت به درخواست تعیین تکلیف گردد. باوجود این از آن جا که در ذیل تبصره هیأت سرمایه‌گذاری موظف به رسیدگی ظرف یک ماه گردیده است به نظر می‌رسد منظور آغاز یک ماه از زمان مطرح‌شدن درخواست در هیأت سرمایه‌گذاری است.

در خصوص زمان صدور مجوز سرمایه‌گذاری، لازم به ذکر است که ذیل تبصره ماده ۶ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، حکم مشخصی در مورد زمان دقیق صدور مجوز بیان نمی‌شود. بلکه تنها هیأت سرمایه‌گذاری را مکلف می‌کند که ظرف مدت یک ماه از تاریخ مطرح‌شدن درخواست‌ها در هیأت، تصمیم نهایی خود را به صورت کتبی اعلام نماید. این تصمیم پس از ابلاغ به سرمایه‌گذار خارجی و اخذ موافقت وی، منجر به تنظیم مجوز سرمایه‌گذاری و صدور آن با تأیید وزیر مربوطه خواهد شد. بنابراین، روند صدور مجوز سرمایه‌گذاری در مقایسه با دوره‌های پیشین، به‌ویژه در دوره‌ای که قانون سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۳۴ حاکم بود، کاهش قابل توجهی در زمان‌بندی داشته است. در آن زمان، تصمیمات هیأت باید به تأیید هیأت وزیران می‌رسید که خود فرایند طولانی‌تری را به دنبال داشت و ممکن بود چندین ماه زمان ببرد. این کاهش زمان صدور مجوزها به دلایل مختلفی اتفاق افتاده است، از جمله کاهش مراحل تأیید تصمیمات هیأت و پروسه‌های

اداری پیچیده‌تر که به طور قابل توجهی کاهش یافته است. به همین دلیل، اکنون پروسه تصمیم‌گیری و صدور مجوز در زمان کوتاه‌تری انجام می‌شود و این موضوع باعث تسهیل و تسریع در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شده است. نکته مهم دیگری که باید در نظر گرفته شود این است که مجوز سرمایه‌گذاری به صورت موردی صادر می‌شود. هرچند مندرجات برخی از مجوزها ممکن است با یکدیگر تطابق داشته باشند، اما هیچ‌گاه دو مجوز نمی‌توانند دارای مندرجات یکسان باشند. این تفاوت‌ها به دلیل متغیر بودن شرایط و درخواست‌های هر سرمایه‌گذار خارجی و همچنین ویژگی‌های خاص هر پروژه است. مجوز سرمایه‌گذاری همواره بر اساس نیازها، خواسته‌ها و توافقات طرفین تنظیم می‌شود و نمی‌توان دو پروژه با شرایط مشابه از نظر مشخصات سرمایه‌گذار یا دیگر عوامل داشت.

طبق تبصره ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، مجوز سرمایه‌گذاری باید حاوی مشخصات سرمایه‌گذاران، نوع و نحوه سرمایه‌گذاری خارجی، چگونگی انتقال سود و منافع حاصل شده، و سایر شرایط مربوط به تصویب هر طرح سرمایه‌گذاری باشد. این تبصره نشان می‌دهد که هیأت سرمایه‌گذاری هیچ تکلیفی برای تبعیت از فرم یا نمونه خاصی برای صدور مجوز ندارد و می‌تواند هر آنچه را که در پی درخواست سرمایه‌گذار خارجی مورد تأیید قرار گرفته است، در مجوز درج نماید. از جمله مواردی که معمولاً هیأت در مجوز سرمایه‌گذاری به آن اشاره می‌کند، می‌توان به میزان سرمایه و تعیین انواع آن به طور مشخص اشاره کرد. این بخش به‌ویژه اهمیت دارد، چرا که میزان سرمایه‌گذاری، چه به صورت نقدی و چه غیرنقدی، باید به طور دقیق در مجوز ذکر شود. همچنین، در خصوص محصولات تولیدی، معمولاً درصد صادرات محصول نیز مشخص می‌شود تا مشخص گردد که چه میزان از تولیدات این سرمایه‌گذاری قرار است به خارج از کشور صادر گردد. این موارد، علاوه بر جنبه‌های کلی‌تر و چارچوب‌های قانونی، به طور خاص برای اطمینان از رعایت تعهدات سرمایه‌گذار خارجی و همچنین هماهنگی با سیاست‌های اقتصادی و تجاری کشور تنظیم می‌شوند.

مبحث ششم: حل و فصل اختلافات در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

ماده ۱۹ این قانون مقرر نموده است که: «اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد در دادگاه‌های داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر آن که در قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی، در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد.»

موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری معمولاً به‌عنوان قوانین خاص بین دو دولت محسوب می‌شوند و در صورت تعارض با قوانین داخلی، مانند قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی یا قانون داوری تجاری بین‌المللی، اولویت دارند. دلیل این امر، تصویب خاص و متأخر این موافقت‌نامه‌ها و همچنین اراده ویژه قانون‌گذار برای ایجاد قواعد خاص برای همکاری با دولت‌های مشخص است. این موافقت‌نامه‌ها به دلیل تصریح در جزئیات مربوط به روابط سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها، جایگاه ویژه‌ای دارند. در نتیجه، در مواردی که میان این موافقت‌نامه‌ها و قوانین عام مانند ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (که به حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی اشاره دارد) یا اصل ۱۳۹ قانون اساسی (که مربوط به تنظیم قراردادهای بین‌المللی و واگذاری حقوق عمومی است) تعارض ایجاد شود، مفاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه برتری دارند. همچنین، سرمایه‌گذاران خارجی با استناد به این موافقت‌نامه‌ها و تضمینات خاصی که در آن‌ها ارائه می‌شود، به سرمایه‌گذاری در کشور مقابل می‌پردازند. از این رو، احترام به مقررات خاص این معاهدات برای حفظ اعتماد و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی امری حیاتی است و سبب می‌شود که قوانین داخلی در موارد تعارض، به نفع این موافقت‌نامه‌ها تخصیص یابند.

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها به‌منظور ایجاد و تضمین یک چارچوب قانونی برای حل اختلافات و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی تدوین شده‌اند. این معاهدات، بر اساس اصول حقوق بین‌الملل عمومی، شرایط ویژه‌ای را برای حل و فصل اختلافات بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت میزبان تعیین می‌کنند. در نتیجه، در صورت تعارض میان قواعد این معاهدات و قواعد عام بین‌المللی حل اختلافات، مقررات مندرج در معاهدات دوجانبه برتری می‌یابند و حل و فصل اختلافات بر مبنای مفاد این معاهدات صورت می‌گیرد. در معاهدات دوجانبه ایران و سایر کشورها، مقرراتی برای اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران خارجی درباره مصادره اموال یا سلب مالکیت وجود دارد. این مقررات با هدف حفاظت از حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران و جبران خسارت‌های ناشی از اقدامات دولت میزبان، در این معاهدات گنجانده شده است.

موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری به‌عنوان ابزارهایی حیاتی در توسعه روابط اقتصادی بین کشورها شناخته می‌شوند. این توافقات شامل تعهداتی برای حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و تضمین حقوق آن‌ها در برابر ریسک‌های سیاسی و اقتصادی هستند. در چارچوب این موافقت‌نامه‌ها، مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات میان سرمایه‌گذاران خارجی و دولت میزبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در موافقت‌نامه‌های بین ایران و سایر کشورها، این مقررات عمدتاً به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که منافع ملی ایران در کنار تأمین

حقوق سرمایه‌گذاران خارجی حفظ شود. ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به‌صراحت بیان می‌کند که اگر توافق‌نامه دوجانبه‌ای با دولت متبوع سرمایه‌گذار وجود داشته باشد که شیوه دیگری برای حل اختلافات را پیش‌بینی کرده باشد، آن توافق‌نامه اولویت اجرایی خواهد داشت. این ماده به منزله انعطاف‌پذیری قانونی است که به ایران امکان می‌دهد تا در تعاملات بین‌المللی خود روش‌های نوینی برای حل و فصل اختلافات ایجاد کند. چنین رویکردی نه تنها باعث جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود، بلکه به ایران اجازه می‌دهد تا سیاست‌های داخلی خود را با شرایط بین‌المللی هماهنگ کند. این موضوع همچنین نشان‌دهنده تلاش دولت ایران برای یافتن راه‌های مناسب برای تضمین امنیت و اعتماد سرمایه‌گذاران است. در متن موافقت‌نامه‌های دوجانبه، اغلب مواردی درج می‌شود که شامل روش‌های حل اختلاف نظیر ارجاع به داوری‌های بین‌المللی مانند مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری یا دیگر محاکم معتبر بین‌المللی است. استفاده از چنین روش‌هایی به سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهد که اختلافات احتمالی آن‌ها بدون جانب‌داری و در چارچوبی بی‌طرفانه مورد بررسی و حل و فصل قرار می‌گیرد. با توجه به این موارد، مشخص است که ایران در تدوین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری تلاش دارد تا ضمن رعایت قوانین بین‌المللی و حقوق سرمایه‌گذاران، منافع و امنیت اقتصادی خود را نیز حفظ کند. در ماده مورد اشاره از قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، تضمین و تأیید روش‌های جایگزین حل اختلافات که در توافقات دوجانبه ذکر شده است، به‌وضوح بیانگر درک بالای قانون‌گذاران از اهمیت حفظ تعادل میان جذب سرمایه‌گذاری و تأمین منافع ملی است. در نهایت، اهمیت درج مواد مشخص در موافقت‌نامه‌ها برای حل و فصل اختلافات به‌عنوان ابزاری برای جذب سرمایه و تضمین ثبات اقتصادی ایران مطرح می‌شود. این مواد به دولت ایران اجازه می‌دهند تا ضمن تأمین امنیت حقوقی برای سرمایه‌گذاران، قابلیت مدیریت و کنترل شرایط مرتبط با اختلافات سرمایه‌گذاری را نیز داشته باشد.

برای مثال طبق ماده ۱۳ موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین ارجاع اختلافات به نهاد داوری پیش‌بینی شده است و مقرر گردیده است که:

«کلیه اختلافات مربوط به اجرا یا تفسیر این موافقت‌نامه بین طرف‌های متعاقد، ابتدا از طریق مذاکره و به طور دوستانه حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق، هر یک از طرف‌های متعاقد می‌تواند با رعایت قوانین

و مقررات مربوط خود، ضمن ارسال اطلاعیه‌ای برای طرف متعاقد دیگر، موضوع را به یک هیأت داورى سه‌نفره مرکب از دو داور منتخب طرف‌های متعاقد و یک سرداور ارجاع نماید. در صورت ارجاع امر به داورى، هر یک از طرف‌های متعاقد ظرف مدت شصت روز از تاریخ دریافت اطلاعیه نسبت به معرفی یک داور اقدام می‌کند و داوران منتخب طرف‌های متعاقد ظرف مدت شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه هر یک از طرف‌های متعاقد ظرف مدت مقرر داور خود را تعیین نکند و یا داوران منتخب ظرف مدت مذکور در مورد انتخاب سرداور به توافق نرسند، هریک از طرف‌های متعاقد می‌تواند از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری بخواهد که حسب مورد داور طرف ممتنع یا سرداور را تعیین نماید. سرداور باید در هر صورت تابعیت کشوری را دارا باشد که در زمان انتخاب با طرف‌های متعاقد روابط سیاسی دارد.»

قابل مشاهده است که در ایران، در خصوص روابط سرمایه‌گذاری با کشور چین، موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در سال ۱۳۸۳ مصوب گردید و در ماده ۱۳ این موافقت‌نامه امکان ارجاع اختلافات به داورى پیش‌بینی گردید.

بنابراین، در موضوع تحقیق پیشرو و به‌منظور ایجاد رابطه سرمایه‌گذاری با کشور چین پیش‌بینی چنین شرطی در قرارداد با اصل مذکور تعارضی ندارد و می‌توان اختلافات پیشرو را به دیوان بین‌المللی دادگستری جهت حل و فصل ارجاع داد یا به سایر مراکز داورى معتبر ارجاع داد.

مرکز داورى منطقه‌ای تهران (TRAC) به‌عنوان یکی از نهادهای مهم در زمینه حل و فصل اختلافات بین‌المللی در ایران شناخته می‌شود و نقش برجسته‌ای در ارائه خدمات داورى و حل اختلافات در خاورمیانه و آسیا دارد. تأسیس این مرکز به تلاش‌های دولت ایران و کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌المللی (UNCITRAL) برمی‌گردد که در سال ۱۹۹۷ میلادی (۱۳۷۶ هجری شمسی) برای ایجاد بستری مناسب جهت رفع اختلافات تجاری به روشی سریع‌تر، حرفه‌ای‌تر و کارآمدتر نسبت به دادگاه‌های سنتی شکل گرفت. این مرکز به‌منظور تسهیل دسترسی به داورى و ترویج استفاده از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات در منطقه، تأسیس شد و از همان ابتدا به‌عنوان مرکزی برای گسترش دانش حقوقی و تقویت زیرساخت‌های حقوقی بین‌المللی عمل کرد. اهداف مرکز داورى منطقه‌ای تهران شامل حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی و تقویت اطمینان بین طرفین اختلاف از طریق ایجاد یک فرایند منصفانه، بی‌طرف و شفاف است. این مرکز

همچنین نقش مهمی در ترویج داوری بین‌المللی و آموزش حقوقی در زمینه حقوق تجارت دارد. به‌عنوان یک نهاد غیرانتفاعی، TRAC همواره تلاش کرده تا با برگزاری دوره‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی، آگاهی حقوقی و مهارت‌های حرفه‌ای مرتبط با داوری را در میان جامعه حقوقی و تجاری افزایش دهد.

یکی از ویژگی‌های مهم مرکز داوری منطقه‌ای تهران، استقلال و بی‌طرفی آن است که باعث می‌شود اعتماد کاربران داخلی و بین‌المللی به این مرکز جلب شود. این استقلال باعث می‌شود داوری‌ها بدون هرگونه نفوذ سیاسی یا فشارهای خارجی انجام شوند. علاوه بر این، پذیرش قوانین و استانداردهای UNCITRAL، احکام و تصمیمات مرکز را به‌گونه‌ای تعریف می‌کند که به طور گسترده در سطح بین‌المللی قابل اجرا هستند. این امر به‌ویژه برای شرکت‌های بین‌المللی که در جستجوی تضمین‌های قانونی برای حل اختلافات خود هستند، بسیار حائز اهمیت است. مرکز داوری منطقه‌ای تهران همچنین با داشتن تیمی از داوران، کارشناسان و مشاوران حقوقی برجسته که دارای تجربه و دانش عمیق در حوزه‌های مختلف حقوق تجارت بین‌المللی هستند، خدماتی حرفه‌ای ارائه می‌دهد. این خدمات شامل ارائه مشاوره‌های تخصصی، تشکیل جلسات داوری و حل اختلافات پیچیده تجاری می‌شود. ساختار حرفه‌ای و انعطاف‌پذیر مرکز موجب شده که از آن به‌عنوان جایگزینی مناسب برای مراکز اروپایی و آمریکایی که هزینه‌های بالایی دارند، یاد شود. این موضوع برای شرکت‌های کوچک و متوسط که به دنبال حل اختلافات خود در چارچوبی مقرون‌به‌صرفه هستند، اهمیت زیادی دارد. مرکز داوری منطقه‌ای تهران، با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در قلب خاورمیانه و نزدیکی به بازارهای بزرگ آسیایی و اروپایی، توانسته است جایگاهی استراتژیک برای خود ایجاد کند. این مرکز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی برای تقویت اقتصاد و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران عمل می‌کند. در سال‌های اخیر، TRAC تلاش کرده است با گسترش همکاری‌های بین‌المللی و افزایش تعاملات با نهادهای داوری مشابه در سراسر جهان، جایگاه خود را به‌عنوان مرکز مرجع در منطقه تثبیت کند. این روند، همگام با تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و حقوقی ایران، به توسعه پایدار تجارت و سرمایه‌گذاری کمک کرده و نقش ایران را در عرصه بین‌المللی بهبود بخشیده است.

استفاده از شروط داوری مرکز داوری منطقه‌ای تهران (TRAC) مزایای متعددی دارد که می‌تواند برای طرف‌های درگیر در معاملات تجاری و قراردادهای بین‌المللی جذاب باشد. در ادامه دلایل مهمی که باعث می‌شود استفاده از شروط داوری TRAC انتخابی هوشمندانه باشد، توضیح داده می‌شود:

۱. استقلال و بی‌طرفی

یکی از دلایل اصلی استفاده از شروط داوری TRAC، استقلال و بی طرفی آن است. مرکز داوری منطقه‌ای تهران با رعایت اصول بی طرفی و ارائه یک محیط داوری منصفانه، امکان صدور احکام عادلانه و بی غرض را فراهم می‌کند. این ویژگی باعث ایجاد اعتماد بین طرفین اختلاف می‌شود و اطمینان حاصل می‌کند که داوری بدون تأثیرات خارجی یا جانب‌داری انجام می‌گیرد.

۲. پذیرش و اجرای بین‌المللی

احکام صادر شده توسط TRAC طبق استانداردهای بین‌المللی و مطابق با قوانین UNCITRAL صادر می‌شوند. این امر به این معناست که احکام مرکز در بسیاری از کشورها قابل اجرا هستند و به رسمیت شناخته می‌شوند. این ویژگی باعث می‌شود استفاده از شروط داوری TRAC به‌ویژه در معاملات بین‌المللی که اجرای حکم در چندین کشور ممکن است مورد نیاز باشد، بسیار سودمند باشد.

۳. کارآمدی و سرعت

در مقایسه با دعاوی دادگاهی، فرایند داوری در TRAC معمولاً سریع‌تر و کارآمدتر است. حل و فصل اختلافات در یک زمان کوتاه‌تر می‌تواند برای شرکت‌ها و کسب‌وکارها مزیت بزرگی باشد، زیرا از توقف یا تأخیر در روند کاری جلوگیری می‌کند. استفاده از شروط داوری TRAC، فرایند رسیدگی را ساده و متمرکز می‌کند و منجر به کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با دعوا می‌شود.

۴. هزینه‌های رقابتی

یکی از دیگر دلایل انتخاب TRAC، هزینه‌های رقابتی آن است. این مرکز در مقایسه با برخی از مراکز داوری اروپایی و آمریکایی، هزینه‌های پایین‌تری دارد و خدمات با کیفیتی را با قیمت مناسب ارائه می‌دهد. این مزیت به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط که می‌خواهند از خدمات حرفه‌ای بهره‌مند شوند؛ اما توانایی پرداخت هزینه‌های بالای مراکز دیگر را ندارند، بسیار مفید است.

۵. وجود داوران و کارشناسان مجرب

TRAC از تیمی متشکل از داوران و کارشناسان حقوقی باتجربه در زمینه‌های مختلف تجارت و سرمایه‌گذاری بهره می‌برد. این امر به افزایش دقت و کارآمدی در رسیدگی به پرونده‌ها کمک می‌کند. طرفین می‌توانند مطمئن باشند که پرونده‌هایشان توسط متخصصان حرفه‌ای که با پیچیدگی‌های حقوق بین‌الملل و داوری آشنا هستند، بررسی می‌شود.

۶. موقعیت جغرافیایی و استراتژیک

مرکز داوری منطقه‌ای تهران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در منطقه خاورمیانه و نزدیکی به بازارهای بزرگ آسیایی و اروپایی، گزینه‌ای مناسب برای طرفین بین‌المللی به شمار می‌رود. این موقعیت، امکان دسترسی آسان‌تر به جلسات داوری و ارتباط مؤثرتر را برای طرفین فراهم می‌کند.

به‌طورکلی، استفاده از شروط داوری TRAC می‌تواند منجر به حل و فصل اختلافات به‌صورت سریع، منصفانه و با هزینه مناسب شود. این ویژگی‌ها، TRAC را به یکی از گزینه‌های جذاب برای حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی تبدیل کرده است.

استفاده از داوری در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به‌ویژه در حوزه انتقال فناوری دارای مزایای متعددی است که می‌تواند برای طرفین قرارداد جذاب باشد. این نوع قراردادها اغلب با پیچیدگی‌های حقوقی و فنی خاصی همراه هستند و نیاز به سازوکاری منصفانه و مؤثر برای حل اختلافات دارند. در ادامه به بررسی مزایای استفاده از داوری در این نوع قراردادها و نقش مرکز داوری منطقه‌ای تهران (TRAC) می‌پردازیم.

در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک که شامل انتقال فناوری می‌شوند، تأخیر در حل اختلافات می‌تواند منجر به زیان‌های مالی و ازدست‌رفتن فرصت‌های تجاری شود. استفاده از داوری، به‌ویژه از طریق مرکزی مثل TRAC، امکان حل و فصل سریع‌تر و مؤثرتر اختلافات را فراهم می‌کند. این امر باعث می‌شود طرفین بتوانند سریع‌تر به توافق برسند و فعالیت‌های تجاری خود را ادامه دهند.

انتقال فناوری به دلیل اهمیت استراتژیک و اطلاعات محرمانه فنی، نیازمند حفظ محرمانگی است. داوری این ویژگی را دارد که فرایند رسیدگی و تصمیم‌گیری در آن به‌صورت خصوصی و محرمانه انجام می‌شود که برخلاف دعاوی دادگاهی است که ممکن است اطلاعات حساس را در معرض دید عمومی قرار دهد. استفاده

از داوری TRAC این اطمینان را به طرفین می‌دهد که اطلاعات حساس و فناوری‌های مورد انتقال تحت محافظت قرار می‌گیرند.

داوری به طرفین اجازه می‌دهد تا شرایط و قوانین خاصی را برای حل اختلافات تعریف کنند که می‌تواند شامل تعیین داورانی با تخصص در حوزه‌های فنی مرتبط با فناوری باشد. این انعطاف‌پذیری در تعیین چارچوب‌های داوری و انتخاب داوران متخصص به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و افزایش کارایی در رسیدگی به پرونده‌های پیچیده کمک می‌کند. مرکز داوری منطقه‌ای تهران با دسترسی به شبکه‌ای از داوران و کارشناسان حقوقی و فنی باتجربه، این امکان را به‌خوبی فراهم می‌کند.

یکی از مزایای کلیدی داوری نسبت به رسیدگی‌های قضایی محلی، اجرای بین‌المللی احکام داوری است. احکام صادر شده توسط TRAC به دلیل رعایت استانداردهای بین‌المللی UNCITRAL، در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته می‌شوند. این ویژگی به‌خصوص در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک با طرف‌های خارجی اهمیت دارد، زیرا امکان اجرای احکام در کشورهای دیگر را به‌سادگی فراهم می‌کند.

استفاده از داوری به‌عنوان یک روش مستقل برای حل اختلافات می‌تواند از تأثیرات احتمالی سیاسی و قضایی محلی جلوگیری کند. این موضوع در قراردادهای بین‌المللی انتقال فناوری بسیار مهم است، زیرا طرف‌های خارجی ممکن است از روندهای قضایی داخلی نگران باشند. مرکز داوری منطقه‌ای تهران به‌عنوان یک نهاد مستقل و بی‌طرف، تضمین می‌کند که داوری‌ها بدون مداخله سیاسی و با رعایت اصول بی‌طرفی انجام شوند. مرکز داوری منطقه‌ای تهران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود و نزدیکی به بازارهای بزرگ آسیایی و اروپایی، گزینه‌ای مناسب برای طرفین بین‌المللی در قراردادهای انتقال فناوری محسوب می‌شود. این مرکز با هزینه‌های رقابتی، فرایندهای شفاف و سریع و وجود کارشناسان و داوران مجرب در زمینه‌های فنی و حقوقی، بستری ایده‌آل برای رسیدگی به اختلافات پیچیده و بین‌المللی فراهم می‌کند. همچنین، احکام صادر شده توسط TRAC به دلیل اعتبار بین‌المللی، قابلیت اجرای گسترده‌ای دارند که برای طرفین خارجی و شرکت‌های چندملیتی یک مزیت بزرگ به‌شمار می‌رود.

فصل سوم: قانون راجع به ثبت شرکت‌ها و قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی

برای تبیین جایگاه ثبت قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۰۱ و قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶ در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، لازم است ابتدا به اهمیت و نقش ثبت شرکت‌ها در ساختار قانونی و اقتصادی کشور پرداخته شود. ثبت شرکت‌ها یکی از اولین گام‌های ضروری در فرایند تشکیل و شروع به فعالیت هر طرح سرمایه‌گذاری مشترک است. این امر نه تنها به عنوان یک الزام قانونی در ایران محسوب می‌شود، بلکه ضامن شفافیت، مسئولیت‌پذیری و حقوقی بودن فعالیت‌های اقتصادی نیز هست.

قانون ثبت شرکت‌ها که در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسید، یکی از قدیمی‌ترین قوانین در زمینه حقوق تجاری ایران است و ساختار حقوقی مستحکمی برای ثبت و نظارت بر شرکت‌ها ارائه می‌دهد. این قانون با تعیین مقرراتی برای انواع مختلف شرکت‌ها، از جمله شرکت‌های سهامی، با مسئولیت محدود و تضامنی، چارچوبی ایجاد می‌کند که به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی اجازه می‌دهد فعالیت‌های خود را در محیطی قانونی و ایمن پیگیری کنند. این قانون برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا زمینه‌ساز همکاری و مشارکت میان سرمایه‌گذاران با منشاء مختلف می‌شود و حقوق هر یک از طرفین را تعریف و تضمین می‌کند. طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک که غالباً با همکاری سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شکل می‌گیرند، نیازمند چارچوبی قانونی هستند که شراکت، مسئولیت‌ها و حقوق هر طرف را به وضوح مشخص کند. قانون ثبت شرکت‌ها با ارائه یک روند ثبت دقیق و الزام به ارائه مدارک و اطلاعات مربوط به شرکا، مدیران و سرمایه شرکت، به عنوان ضامنی برای مشروعیت و قابلیت اعتماد به طرح سرمایه‌گذاری عمل می‌کند. این قانون نه تنها حقوقی که طرفین در زمان تشکیل شرکت دارند را تعیین می‌کند، بلکه در مواردی مانند اختلافات احتمالی نیز به عنوان مرجعی قانونی عمل می‌کند که می‌تواند به حل و فصل مشکلات کمک کند.

همچنین، ثبت شرکت بر اساس قانون مصوب ۱۳۱۰ به دولت اجازه می‌دهد نظارت و کنترل بهتری بر فعالیت‌های اقتصادی و طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشد. این موضوع به ویژه برای سرمایه‌گذاران خارجی اهمیت دارد، چرا که ثبت شرکت به آن‌ها اطمینان می‌دهد که فعالیت‌هایشان در چارچوب قانونی کشور به رسمیت شناخته شده و از حمایت‌های لازم برخوردار خواهد بود.

در نتیجه، قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ جایگاه مهمی در تحقق و توسعه طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک دارد، زیرا از طریق تعریف و تنظیم چارچوب‌های قانونی، پایه‌های حقوقی برای اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران و حفاظت از منافع آن‌ها فراهم می‌شود. به همین دلیل، بررسی این قانون و آگاهی از مقررات آن برای هر سرمایه‌گذار یا مدیر پروژه که در پی اجرای یک طرح سرمایه‌گذاری مشترک در ایران است، ضروری و حیاتی است.

قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ یکی از قوانین مهم در نظام حقوقی ایران است که به ثبت، تأسیس و اداره شرکت‌ها در کشور می‌پردازد. این قانون نقش حیاتی در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در ایران ایفا می‌کند. زیرا بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌های اقتصادی میان شرکت‌های داخلی و خارجی نیازمند تأسیس یک نهاد حقوقی مشترک هستند که بتواند به صورت قانونی فعالیت کند. این قانون با فراهم کردن بستر قانونی برای ثبت و تأسیس شرکت‌ها، از جمله شرکت‌های مشترک، موجب تسهیل فرایندهای حقوقی، مالی و تجاری می‌شود و به شرکت‌های داخلی و خارجی این امکان را می‌دهد که در قالب نهادهای حقوقی مشخص، فعالیت‌های خود را به پیش ببرند. یکی از مهم‌ترین مزایای قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، فراهم کردن یک چارچوب حقوقی مناسب برای تأسیس شرکت‌های مشترک است. در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، معمولاً شرکت‌های خارجی و داخلی با یکدیگر همکاری می‌کنند و برای این که این همکاری‌ها قانونی و پایدار باشند، باید یک شرکت مشترک ثبت شود. این قانون به طرفین اجازه می‌دهد که شرکت‌های خود را به صورت رسمی ثبت کرده و در قالب یک نهاد حقوقی مشخص، فعالیت کنند. این امر نه تنها امنیت حقوقی طرفین را افزایش می‌دهد، بلکه باعث ایجاد شفافیت در فرایندهای تجاری نیز می‌شود.

قانون ثبت شرکت‌ها، با تعریف دقیق ساختار حقوقی شرکت‌ها و مسئولیت‌های شرکا، از حقوق تمامی طرف‌های درگیر در سرمایه‌گذاری مشترک حمایت می‌کند. در یک طرح سرمایه‌گذاری مشترک، ممکن است یک طرف خارجی و طرف دیگر داخلی باشد. ثبت شرکت طبق این قانون، موجب می‌شود که تمامی حقوق و تعهدات طرفین، اعم از مالی، مدیریتی و اجرایی، به وضوح مشخص شود. این شفافیت از بروز اختلافات جلوگیری کرده و فرایند حل و فصل مشکلات را تسهیل می‌کند.

قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، به عنوان یکی از پایه‌های حقوقی نظام تجاری ایران، با سایر قوانین و مقررات تجاری هم‌راستا است. برای مثال، این قانون با قوانین مالیاتی، قوانین کار، و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی هماهنگ است و به این ترتیب امکان اجرای صحیح و قانونی طرح‌های

سرمایه‌گذاری مشترک را فراهم می‌آورد. این امر به‌ویژه برای شرکت‌های خارجی که ممکن است با نظام حقوقی ایران آشنایی نداشته باشند، بسیار مهم است، زیرا می‌تواند آن‌ها را از هرگونه تعارض قانونی در آینده مصون نگه دارد. وجود یک چارچوب حقوقی مشخص و شناخته‌شده برای ثبت شرکت‌ها، باعث جذب سرمایه‌گذاران خارجی به ایران می‌شود. بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی برای ورود به بازارهای جدید، به دنبال بستری قانونی و مطمئن هستند تا اطمینان حاصل کنند که سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها از نظر حقوقی تحت حمایت قرار دارد. قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ این اطمینان را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کند که آن‌ها می‌توانند در قالب یک شرکت ثبت‌شده و با رعایت قوانین ایران، در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با شرکای ایرانی فعالیت کنند.

در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، یکی از چالش‌های مهم، تنظیم قراردادهای تجاری و مدیریتی است که به‌وضوح حقوق و مسئولیت‌های طرفین را مشخص کند. قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، با فراهم کردن چارچوب‌های قانونی برای ثبت و تأسیس شرکت‌ها، به شرکای داخلی و خارجی این امکان را می‌دهد که قراردادهای خود را به‌صورت رسمی ثبت کرده و از حمایت قانونی برخوردار شوند. این قانون کمک می‌کند تا ساختار شرکت مشترک به‌طور شفاف مشخص شود، از جمله سهم‌های مالکیتی، مدیریت، مسئولیت‌ها و حقوق مالی طرفین که می‌تواند از بروز مشکلات و اختلافات در آینده جلوگیری کند.

وجود یک قانون جامع و معتبر مانند قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، موجب می‌شود که طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک از پایداری و ثبات بیشتری برخوردار باشند. وقتی که یک شرکت به‌صورت رسمی ثبت می‌شود، اعتبار قانونی آن در طول زمان حفظ می‌شود و طرفین می‌توانند از مزایای بلندمدت این شرکت استفاده کنند. این ویژگی به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ و بلندمدت سرمایه‌گذاری مشترک که نیاز به حضور مستمر و همکاری طولانی‌مدت دارند، بسیار حائز اهمیت است.

قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ همچنین به تقویت جایگاه ایران در تجارت بین‌المللی کمک می‌کند. این قانون با ایجاد یک ساختار حقوقی روشن و قابل‌پیش‌بینی برای فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، به کشور ایران این امکان را می‌دهد که به‌عنوان یک شریک معتبر برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک شناخته شود. سرمایه‌گذاران خارجی زمانی که مطمئن باشند که قوانین ثبت شرکت‌ها و ساختارهای حقوقی ایران به‌طور شفاف و منصفانه اجرا می‌شود، تمایل بیشتری به همکاری با شرکای ایرانی پیدا خواهند کرد. قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ نقش حیاتی در تسهیل و موفقیت طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در ایران دارد. این قانون با فراهم کردن یک

چارچوب حقوقی روشن و دقیق، از حقوق و تعهدات طرفین حمایت می‌کند، فرایند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل می‌کند، و امکان تنظیم قراردادهای تجاری و مدیریتی شفاف را فراهم می‌آورد. به‌طور کلی، این قانون یکی از ارکان اساسی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تقویت روابط اقتصادی بین‌المللی ایران است.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶ در ایران، یکی از قوانین مهم در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل فعالیت شرکت‌های بین‌المللی در بازار ایران است. این قانون که با هدف حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و تشویق آن‌ها به حضور در ایران تصویب شده، اهمیت ویژه‌ای در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک دارد. قانون مذکور به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به ثبت کامل یک شرکت مستقل، در قالب شعبه یا نمایندگی در ایران فعالیت کنند. این امر فرایند ورود به بازار ایران را برای شرکت‌های خارجی ساده‌تر می‌کند. در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، این امکان به شرکت‌های خارجی این اجازه را می‌دهد که بدون نیاز به تأسیس یک شرکت جداگانه، با شریک ایرانی خود همکاری کرده و پروژه‌های تجاری، صنعتی یا خدماتی را در ایران به اجرا درآورند. این امر به‌ویژه برای شرکت‌هایی که تمایل دارند ریسک کمتری را در بازار جدید تجربه کنند، جذاب است.

وجود یک چارچوب حقوقی مشخص و شفاف در خصوص ثبت شعبه‌ها و نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی باعث می‌شود که شرکت‌های بین‌المللی با اطمینان بیشتری وارد بازار ایران شوند. این قانون به طرفین سرمایه‌گذاری مشترک این اطمینان را می‌دهد که فعالیت‌های آن‌ها تحت نظارت قانونی قرار خواهد گرفت و از نظر حقوقی حمایت می‌شوند. به‌ویژه در پروژه‌های انتقال فناوری و همکاری‌های صنعتی، این امر می‌تواند به تسهیل مذاکرات و کاهش ریسک‌های حقوقی کمک کند.

یکی از اهداف کلیدی در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال فناوری به کشور میزبان است. قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی با فراهم کردن بستر قانونی مناسب، به شرکت‌های خارجی امکان می‌دهد تا شعبه‌ها یا نمایندگی‌های خود را در ایران ثبت کنند و در قالب این ساختار، فناوری‌های نوین را به کشور منتقل کنند. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها برای ایران از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا باعث ارتقاء دانش فنی و انتقال تکنولوژی‌های جدید به صنایع مختلف کشور می‌شود.

ثبت شعبه یا نمایندگی یک شرکت خارجی در ایران، به‌مراتب ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر از تأسیس یک شرکت جدید است. این امر می‌تواند به شرکت‌های خارجی کمک کند تا با هزینه کمتر و بدون نیاز به

سرمایه‌گذاری‌های اولیه سنگین، فعالیت‌های خود را در ایران آغاز کنند. در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، این ویژگی می‌تواند به‌عنوان یک انگیزه برای ورود شرکت‌های خارجی به همکاری با شرکای ایرانی مورد استفاده قرار گیرد و وجود قانون ثبت شعبه‌ها و نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی موجب تسهیل روابط اقتصادی و تجاری بین ایران و سایر کشورها می‌شود. این قانون می‌تواند به توسعه و تقویت روابط اقتصادی ایران با کشورهای مختلف، به‌ویژه در زمینه‌های صنعتی، تکنولوژیکی و تجاری کمک کند. در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، شرکت‌های خارجی به‌راحتی می‌توانند با شرکای ایرانی خود تعامل کنند و از این طریق به رشد و توسعه مشترک دست یابند.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی نه تنها برای ورود موقت سرمایه‌گذاران خارجی مفید است، بلکه می‌تواند به‌عنوان بستری برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در نظر گرفته شود. شرکت‌های خارجی با ثبت شعبه یا نمایندگی، می‌توانند در طولانی‌مدت در بازار ایران حضور داشته باشند و با همکاری با شرکای ایرانی، به توسعه پروژه‌های بزرگ‌تری بپردازند. این امر برای ایران که به دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و پایدار است، بسیار حائز اهمیت است. قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶ نقش اساسی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در ایران دارد. این قانون با فراهم کردن شرایط قانونی مناسب برای حضور شرکت‌های خارجی، می‌تواند به انتقال فناوری، ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کمک کند. همچنین، این قانون به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهد که در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک با شرکای ایرانی همکاری کرده و از مزایای اقتصادی، فنی و تجاری مشترک بهره‌برداری کنند.

لزوم تأسیس یک بنگاه اقتصادی شرکتی به‌منظور پیاده‌سازی طرح سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری:

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد مطلوب‌ترین شیوه انتقال فناوری، انتقال آن از طریق سرمایه‌گذاری خارجی طرح سرمایه‌گذاری مشترک است، در قالب مدل قراردادی-شرکتی که امکان حضور فعال و مشارکت کشور چین در طرح سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود و این شرکت ضمن انتقال فناوری در سود و زیان این طرح نیز مشارکت خواهد داشت. در این مسیر، طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک تلاش خواهند نمود که با پیاده‌سازی یک چارچوب درست قراردادی که تمامی قوانین و مقررات دو کشور ایران و چین را رعایت

می‌کند، ساختار سازمانی-شرکتی‌ای طراحی نمایند که با انعقاد قرارداد، منجر به تأسیس یک نهاد حقوقی خاص با شخصیت حقوقی گردد و آن نهاد در کشور سرمایه‌پذیر (اعم از ایران یا چین) تمامی اقدامات لازم را با مشارکت طرفین، در طول طرح سرمایه‌گذاری مشترک، به عمل آورده و در نهایت فناوری موردنظر طرح سرمایه‌گذاری در کشور سرمایه‌پذیر نهادینه شود. بنابراین، طراحی و پیاده‌سازی مدل سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی و قراردادی به‌نحوی که توافقات اصلی طرفین در قرارداد معین گردد و شرکت نیز ساختار سازمانی این مشارکت را تأمین نماید، مطلوب‌ترین است.

برای تبیین و گسترش این موضوع، باید ابتدا به اهمیت و دلایل انتخاب مدل سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی و قراردادی در انتقال فناوری پرداخته و سپس به تحلیل مزایای آن در راستای همکاری‌های بین‌المللی، به‌ویژه در روابط اقتصادی ایران و چین، بپردازیم. مدل سرمایه‌گذاری مشترک یکی از کارآمدترین و مؤثرترین روش‌ها برای انتقال فناوری است و بر اساس آن، دو یا چند طرف (که معمولاً یکی از آن‌ها سرمایه‌گذار خارجی است) منابع خود را به طور مشترک در یک پروژه اقتصادی به کار می‌برند. این مدل، به‌ویژه در انتقال فناوری، به دلیل مزایای خاص خود، موردتوجه قرار دارد.

در مدل سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی، طرفین پروژه با تشکیل یک نهاد حقوقی مستقل، علاوه بر همکاری در زمینه‌های مالی و فنی، به تبادل دانش فنی و تکنولوژی می‌پردازند. در این نوع از سرمایه‌گذاری، یکی از طرفین ممکن است به‌عنوان شریک اصلی فناوری وارد شود، درحالی‌که طرف دیگر به‌ویژه در کشور سرمایه‌پذیر، منابع مالی و بازار را تأمین می‌کند. در این فرایند، کشور سرمایه‌پذیر، با بهره‌برداری از دانش و فناوری‌های جدید، می‌تواند ظرفیت‌های صنعتی و فنی خود را ارتقاء دهد. در این راستا، چین به‌عنوان یکی از بازیگران بزرگ اقتصادی و فناورانه، از جمله کشورهایی است که از این مدل به طور گسترده استفاده کرده و آن را در کشورهایی نظیر ایران پیاده‌سازی کرده است. حضور چین به‌عنوان یکی از شرکای فناوری در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند موجب انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته، به‌ویژه در صنایع حساس و کلیدی همچون انرژی، خودروسازی، فناوری اطلاعات و تولیدات صنعتی گردد. برای این که یک سرمایه‌گذاری مشترک موفقیت‌آمیز باشد، طراحی و پیاده‌سازی یک چارچوب قراردادی صحیح و شفاف ضروری است. در قرارداد این نوع سرمایه‌گذاری، علاوه بر مشخص کردن میزان مشارکت طرفین در سود و زیان، نکات مختلفی مانند نحوه مدیریت، تقسیم منابع، و تعیین شرایط انتقال فناوری به کشور سرمایه‌پذیر باید به طور دقیق پیش‌بینی شود. این قرارداد، همچنین باید تمامی قوانین و مقررات کشورها (ایران و چین در اینجا) را در نظر

گیرد و به گونه‌ای تنظیم شود که از هرگونه اختلافات احتمالی جلوگیری کند. در این قرارداد، ساختار حقوقی و سازمانی نیز به طور روشن تعیین خواهد شد. به این معنی که طرفین، با توافق بر سر ایجاد یک نهاد حقوقی جدید (یک شرکت مشترک)، تمامی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری پروژه را از طریق آن نهاد پیگیری خواهند کرد. این نهاد به عنوان یک واحد مستقل با شخصیت حقوقی خاص، تمامی اقدامات اجرایی مربوط به انتقال فناوری، تحقیق و توسعه، و بهره‌برداری از نتایج پروژه را در کشور سرمایه‌پذیر انجام خواهد داد. یکی از ویژگی‌های برجسته مدل سرمایه‌گذاری مشترک، مشارکت طرفین در سود و زیان پروژه است. این موضوع به‌ویژه در فرایند انتقال فناوری اهمیت زیادی دارد، زیرا تنها زمانی که طرفین احساس کنند منافع مشترکی دارند، به طور واقعی در تحقق اهداف پروژه مشارکت می‌کنند. در این مدل، چین به عنوان یک شریک فناوری نه تنها در انتقال تکنولوژی و دانش فنی دخالت دارد، بلکه در نتایج اقتصادی پروژه، اعم از سود یا زیان، به طور مشترک سهیم می‌شود. هدف نهایی این مدل از سرمایه‌گذاری مشترک، نهادهای سازی فناوری در کشور سرمایه‌پذیر است. در طول زمان و با ادامه همکاری‌های بین‌المللی و انتقال دانش فنی، فناوری‌های وارد شده به کشور سرمایه‌پذیر به طور کامل در زیرساخت‌های صنعتی و تولیدی آن کشور ادغام می‌شوند. در این مسیر، کشور سرمایه‌پذیر به طور مستقل قادر به بهره‌برداری از فناوری‌های جدید خواهد شد و در نهایت وابستگی به طرف خارجی کاهش خواهد یافت. در نهایت، مدل سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی و قراردادی یکی از کارآمدترین و مؤثرترین روش‌ها برای انتقال فناوری به کشورهای مانند ایران است. این مدل، با ایجاد یک نهاد حقوقی مستقل و تعریف شفاف نقش‌ها و مسئولیت‌های طرفین در قرارداد، شرایط لازم برای انتقال فناوری را در چارچوبی قانونی و منظم فراهم می‌آورد. همچنین، با مشارکت طرفین در سود و زیان پروژه، انگیزه‌های مشترک برای موفقیت طرح ایجاد می‌شود و در نتیجه، فناوری‌های جدید به طور پایدار و ماندگار در کشور سرمایه‌پذیر نهادینه می‌شوند. در این راستا، به‌ویژه همکاری با کشورهای مانند چین که تجربه‌های موفق در پیاده‌سازی این مدل دارند، می‌تواند به توسعه اقتصادی و فنی ایران کمک شایانی کند.

در این نوع از سرمایه‌گذاری مشترک، طرفین تمامی سرمایه‌های نقدی و غیرنقدی خود را در راستای نیل به اهداف مشخص در انجام طرح سرمایه‌گذاری مشترک ذیل یک شرکت جمع می‌نمایند و به میزان آورده نقدی و غیرنقدی خود در شرکت جوینت ونچر سهام‌دار می‌شوند و به اندازه سهام خود نیز در سود و زیان شرکت سهیم هستند. قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک و اساسنامه شرکت به صورت خاص حاکم بر حقوق و تعهدات طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک است. در خصوص نوع شرکت مورد تأسیس در این نوع از سرمایه‌گذاری

مشترک، عوامل متعددی تأثیرگذار هستند از جمله: توافق طرفین، قوانین داخلی کشور میزبان، سازگاری چارچوب انتخابی با شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشور میزبان، مسئولیت‌های طرفین سرمایه‌گذاری مشترک و غیره. بنابراین انتخاب شکل حقوقی جوینت ونچر شرکتی از اهمیت بسزایی برخوردار است و باید با در نظر گرفتن تمامی جوانب انجام گردد. در کشورهایی که چارچوب معینی برای جوینت ونچر شرکتی وجود دارد رعایت انطباق قالب شرکتی جوینت ونچر با الگوی پیشنهادی مقنن امری اجتناب‌ناپذیر است و اما در مواردی که الگوی از پیش تعیین‌شده‌ای توسط قانون‌گذار ارائه نگردیده است باید چارچوب حقوقی متناسب و شناخته‌شده‌ای را با توجه به قالب‌های موجود مشابه برای جوینت ونچر تعیین نمود. در هر حال آنچه که در عرف تجارت بین‌الملل و رویه عملی در بسیاری از کشورها شناخته شده است، استفاده از شرکت‌های سهامی و با مسئولیت محدود که از نوع شرکت‌های سرمایه‌برده و مسئولیت شرکای سرمایه‌گذار در آن محدود به سهام یا سهم‌الشرکه است به عنوان قالب حقوقی مناسب شرکتی برای جوینت ونچر است. شرکت مستقل جوینت ونچر با توافق متقابل شرکا و پس از تحصیل مجوزهای لازم می‌تواند به صورت شرکتی کاملاً مستقل از شرکای جوینت ونچر به فعالیت پردازد.

در مدل سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی، طرفین طرح تمامی منابع مالی، اعم از نقدی و غیرنقدی، خود را برای نیل به اهداف مشخص در چارچوب یک شرکت مشترک تجمیع می‌کنند. در این مدل، هر یک از شرکا به نسبت آورده‌های نقدی و غیرنقدی خود در شرکت جوینت ونچر سهام‌دار می‌شوند و به اندازه سهم خود در سود و زیان شرکت مشارکت خواهند داشت. این نوع از سرمایه‌گذاری مشترک معمولاً با انعقاد قرارداد و تنظیم اساسنامه شرکت مشخص می‌شود که در آن، حقوق و تعهدات طرفین دقیقاً تعیین و برای تمامی مسائل اجرایی و مدیریتی شرکت چارچوب قانونی و عملی فراهم می‌آید. در این نوع از سرمایه‌گذاری، هر یک از طرفین پروژه سرمایه‌های نقدی و غیرنقدی خود را به طور مشترک در یک شرکت جدید وارد می‌کنند. آورده‌های غیرنقدی می‌تواند شامل انتقال فناوری، دانش فنی، منابع انسانی، برند و حتی دسترسی به بازارهای خاص باشد. طرفین بر اساس میزان آورده خود در شرکت جوینت ونچر سهام‌دار می‌شوند و بنابراین در سود و زیان شرکت به نسبت سهام خود مشارکت دارند. این ساختار به‌ویژه در مواردی که هدف از سرمایه‌گذاری انتقال فناوری یا دانش فنی است، نقش حیاتی ایفا می‌کند. هر یک از طرفین با توجه به میزان سرمایه‌گذاری خود، نقشی فعال در تصمیم‌گیری‌های اجرایی و استراتژیک شرکت دارند. در انتخاب نوع شرکت برای جوینت ونچر، عوامل متعددی تأثیرگذار است. اولین و مهم‌ترین عامل، توافق طرفین سرمایه‌گذاری است. این توافق

باید تمامی جزئیات مربوط به نحوه مدیریت، تقسیم سود و زیان، مسئولیت‌های هر یک از طرفین، و نحوه خروج از شرکت یا انحلال آن را به طور دقیق مشخص کند. علاوه بر این، قوانین داخلی کشور میزبان نیز نقشی حیاتی در تعیین نوع شرکت و ساختار آن دارند. به طور خاص، هر کشور برای ثبت و تأسیس شرکت‌ها دارای مقررات خاص خود است که ممکن است در زمینه‌های مختلفی نظیر مالیات، سرمایه اولیه، محدودیت‌های قانونی برای سرمایه‌گذاران خارجی، و سایر مسائل اقتصادی و اجتماعی متفاوت باشد. عامل دیگری که در انتخاب نوع شرکت تأثیر دارد، سازگاری با شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور میزبان است. برخی کشورها ممکن است به‌ویژه در زمینه‌هایی نظیر حمایت از صنعت داخلی یا ایجاد اشتغال، از مدل‌های خاصی از شرکت‌های جوینت ونچر استقبال کنند. در این موارد، انتخاب نوع شرکت و ساختار حقوقی باید به‌گونه‌ای انجام شود که هم با سیاست‌های کشور میزبان هم‌خوانی داشته باشد و هم منافع طرفین سرمایه‌گذاری را تأمین کند. در کشورهای مختلف، چارچوب‌های حقوقی مشخصی برای شرکت‌های جوینت ونچر وجود دارد. در صورتی که این چارچوب‌ها ازپیش تعیین شده باشند، طرفین سرمایه‌گذاری باید خود را با این قوانین و مقررات تطبیق دهند. به‌طور کلی، در بسیاری از کشورها، شرکت‌های سهامی و با مسئولیت محدود به‌عنوان قالب‌های رایج برای جوینت ونچر شناخته می‌شوند. در این قالب‌ها، مسئولیت شرکا محدود به میزان سرمایه‌گذاری‌شان است و این ویژگی برای بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی جذاب است، زیرا ریسک مالی آن‌ها محدود می‌شود. اما در کشورهای که الگوی مشخصی از پیش تعیین نشده است، طرفین باید باتوجه به شرایط خاص خود، یک ساختار حقوقی مناسب برای جوینت ونچر ایجاد کنند. این ساختار باید با قوانین عمومی کشور میزبان، مقررات اقتصادی و همچنین توافقات طرفین منطبق باشد. به‌عنوان مثال، ممکن است برای کشورهایی که از لحاظ حقوقی و اقتصادی در حال توسعه هستند، شرکت‌های با مسئولیت محدود یا سهامی خاص انتخاب بهتری باشند، زیرا این ساختارها انعطاف بیشتری در پذیرش انواع سرمایه‌گذاری و همکاری‌ها دارند.

در بسیاری از موارد، پس از توافق و تحصیل مجوزهای لازم، شرکت جوینت ونچر به‌عنوان یک نهاد مستقل از شرکای آن به فعالیت می‌پردازد. این شرکت، با شخصیت حقوقی جداگانه از شرکای خود، قادر خواهد بود که در کشور سرمایه‌پذیر به طور مستقل عمل کند. استقلال عملکردی این شرکت، به آن این امکان را می‌دهد که به طور مؤثر در زمینه‌های مختلفی مانند تحقیق و توسعه، تولید، بازاریابی و فروش فعالیت کند و درعین حال، نظارت دقیق‌تری بر پروژه‌های خود داشته باشد. در نهایت، انتخاب نوع شرکت و ساختار حقوقی مناسب برای

سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی از اهمیت بالایی برخوردار است. این انتخاب باید با در نظر گرفتن تمامی عوامل مؤثر از جمله توافق طرفین، قوانین کشور میزبان، شرایط اقتصادی و اجتماعی، و مسئولیت‌های هر یک از شرکا انجام شود. استفاده از شرکت‌های سهامی و با مسئولیت محدود به عنوان قالب حقوقی برای جوینت ونچر، به ویژه در زمینه‌های فناوری و انتقال دانش فنی، به عنوان یک الگوی شناخته شده و مؤثر در تجارت بین‌المللی شناخته می‌شود.

در خصوص بررسی ساختار جوینت ونچر شرکتی در حقوق ایران، همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، بهترین ساختار شرکتی برای تأسیس این نهاد شرکت‌های سرمایه‌ای از جمله شرکت‌های سهامی خاص و یا شرکت با مسئولیت محدود هستند و ذیل مقررات قانون تجارت از جمله مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه اصلاح مقررات لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در مورد شرکت‌های سهامی و ماده ۱۰۵ قانون تجارت ۱۳۱۱ در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود تأسیس می‌گردند. نکته دیگری که باید مطرح گردد این است که به موجب مقررات و قوانین حاضر کشورمان، میزان سهام طرف خارجی در شرکت جوینت ونچر با رعایت مقررات قانونی در این زمینه مشمول محدودیتی نبوده و مالکیت سهام‌دار خارجی حتی تا میزان ۱۰۰ درصد سهام نیز قابل پذیرش است.

طبق ماده ۱۱۸ قانون تجارت ایران، شرکت‌های سهامی خاص به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که سرمایه آن‌ها به سهام تقسیم شده و مسئولیت هر یک از سهام‌داران به میزان سهم آن‌ها در شرکت محدود است. در جوینت ونچر شرکتی، این نوع شرکت می‌تواند به عنوان ساختار حقوقی انتخاب شود، زیرا این نوع شرکت‌ها قابلیت‌های مدیریتی و اقتصادی بالا و انعطاف‌پذیری در جذب سرمایه‌گذار خارجی دارند. همچنین، ماده ۱۰۵ قانون تجارت ۱۳۱۱ نیز به شرکت‌های با مسئولیت محدود اشاره دارد. در این نوع شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران به نسبت سهم خود مسئولیت دارند و برخلاف شرکت‌های سهامی خاص، الزامی به تقسیم سرمایه به سهام وجود ندارد. این ساختار در جوینت ونچر‌هایی که سرمایه‌گذاران در آن‌ها تمایل به ایجاد روابط کاری نزدیک‌تر و تصمیم‌گیری مستقیم دارند، مفید است. طبق ماده ۱۳۵ لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷، شرکت‌های سهامی باید حداقل از سه نفر برای تشکیل هیئت‌مدیره بهره‌مند باشند و هیئت‌مدیره وظایف اجرایی شرکت را بر عهده دارد. در چارچوب این قانون، امکان مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در شرکت‌های سهامی خاص وجود دارد و این نوع شرکت‌ها برای تأسیس جوینت ونچر انتخابی مناسب به شمار می‌آیند، زیرا به راحتی می‌توانند سهام‌داران مختلف از جمله سهام‌داران خارجی را در ساختار خود جای دهند.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله مالکیت سهام توسط طرف خارجی در شرکت‌های جوینت ونچر است. بر اساس قوانین ایران، میزان سهام طرف خارجی در شرکت‌های جوینت ونچر هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و در صورت رعایت مقررات مربوطه، امکان مالکیت ۱۰۰ درصد سهام توسط طرف خارجی نیز وجود دارد. این نکته یک مزیت مهم برای سرمایه‌گذاران خارجی است، زیرا این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به شریک داخلی یا محدودیت‌های قانونی در مورد میزان مالکیت، کنترل کامل بر پروژه‌های خود داشته باشند. این ویژگی در زمینه‌های خاصی مانند انتقال فناوری، تحقیق و توسعه، و مدیریت منابع بسیار حائز اهمیت است، چرا که طرف خارجی می‌تواند به طور مستقل از شرکای داخلی خود در تصمیمات اجرایی شرکت مشارکت کند.

ساختار جوینت ونچر شرکتی در حقوق ایران، به‌ویژه در قالب شرکت‌های سهامی خاص و با مسئولیت محدود، مزایای متعددی دارد. یکی از این مزایا، محدود بودن مسئولیت شرکا به میزان سرمایه‌گذاری آن‌هاست. این ویژگی به طرفین سرمایه‌گذاری این امکان را می‌دهد که در عین حفظ امنیت مالی خود، ریسک‌های پروژه را کاهش دهند. علاوه بر این، تطابق این ساختارها با قوانین ایران و انعطاف‌پذیری در پذیرش سرمایه‌گذار خارجی، این امکان را فراهم می‌آورد که شرکت‌های جوینت ونچر به راحتی در ایران ثبت شوند و به طور مستقل از شرکای خود فعالیت کنند. در نتیجه، شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های با مسئولیت محدود با توجه به ویژگی‌های حقوقی و اقتصادی خود، به‌عنوان مناسب‌ترین ساختارهای شرکتی برای جوینت ونچر در حقوق ایران شناخته می‌شوند. این ساختارها به دلیل انعطاف‌پذیری در جذب سرمایه‌گذار خارجی، محدود بودن مسئولیت شرکا و تطابق با مقررات قانونی ایران، برای تأسیس و اداره طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک به‌ویژه در زمینه‌های فناوری، تولید، و توسعه مناسب هستند. همچنین، امکان مالکیت ۱۰۰ درصد سهام توسط طرف خارجی، یکی از مزایای برجسته این ساختارها است که باعث جذب سرمایه‌گذاران خارجی و افزایش مشارکت آن‌ها در پروژه‌های مشترک می‌شود.

در راستای بررسی ساختار سرمایه‌گذاری مشترک و الزامات قانونی مربوط به آن در حقوق ایران، همان‌طور که در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی آمده است، در صورتی که طرف سرمایه‌گذار خارجی، به‌ویژه سرمایه‌گذار چینی، قصد سرمایه‌گذاری در ایران را از طریق طرح سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشد، این سرمایه‌گذاری باید به تأسیس یک بنگاه اقتصادی منتهی شود. این مسئله نه تنها از نظر قانونی اهمیت دارد، بلکه در راستای تحقق اهداف اقتصادی و توسعه‌ای کشور ایران نیز ضروری است.

مهم‌ترین نکته در سرمایه‌گذاری خارجی در قالب طرح سرمایه‌گذاری مشترک، لزوم تأسیس یک بنگاه اقتصادی در کشور میزبان است. این بنگاه اقتصادی باید تحت یک ساختار حقوقی مشخص، مانند شرکت سهامی خاص یا با مسئولیت محدود، به ثبت برسد. این نوع ساختارهای شرکتی در حقوق ایران به‌ویژه در قانون تجارت و همچنین قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، پیش‌بینی شده‌اند تا هم از نظر قانونی و هم از نظر اقتصادی، تمامی الزامات لازم را برای تحقق اهداف سرمایه‌گذاری تأمین کنند.

یکی از الزامات مهم برای هر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، از جمله سرمایه‌گذاری‌های مشترک، رعایت قوانین و مقررات مربوطه است که در راستای توسعه اقتصادی کشور وضع شده‌اند. در این راستا، تأسیس یک شرکت سهامی خاص یا با مسئولیت محدود می‌تواند بهترین گزینه باشد، زیرا این ساختارها با توجه به قوانین ایران، امکان نظارت دقیق بر فعالیت‌ها، تنظیم قراردادهای و همچنین مدیریت منابع و سود و زیان را فراهم می‌آورند. همچنین، از آنجاکه شرکت‌های سهامی خاص و با مسئولیت محدود، علاوه بر داشتن شخصیت حقوقی مستقل، دارای ساختار مدیریتی و اجرایی مشخص هستند، می‌توانند به طور مؤثر در مدیریت طرح سرمایه‌گذاری مشترک و تحقق اهداف آن نقش‌آفرینی کنند.

باتوجه به ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، هدف از تأسیس بنگاه‌های اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری خارجی باید در راستای عمران و آبادانی و فعالیت‌های تولیدی مانند صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات باشد. بنابراین، در هنگام تنظیم اساسنامه و قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک، ضروری است که موضوع فعالیت اساسنامه شرکت جدید، اهداف مشخص و طبق مقررات این ماده از قانون قرار گیرد. این اقدام نه تنها الزامات قانونی را تأمین می‌کند، بلکه تضمین می‌کند که فعالیت‌های شرکت در راستای اهداف کلان اقتصادی کشور قرار خواهد گرفت و به توسعه صنعت، اشتغال‌زایی، و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و انسانی ایران کمک خواهد کرد. ماده ۲ این قانون به صراحت اهداف کلی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را تعیین کرده است. این اهداف شامل تحقق پروژه‌های تولیدی و نوسازی و ارتقای تکنولوژی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است. به عنوان مثال، طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک که در زمینه‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی، و خدمات اجرا می‌شوند، باید به نحوی تنظیم شوند که ضمن تأمین منافع طرفین، منجر به توسعه پایدار کشور نیز بشوند. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود که طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک ضمن تأسیس شرکت تجاری، هدف اصلی سرمایه‌گذاری خود را در راستای اهداف ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی قرار دهند تا علاوه بر تضمین الزامات قانونی، اهداف اقتصادی کشور نیز به طور مستقیم

محقق گردد. در مجموع، سرمایه‌گذاری مشترک در ایران باید بر اساس یک چارچوب حقوقی مشخص و با رعایت الزامات قانونی کشور انجام شود. این الزامات نه تنها برای تضمین منافع طرفین سرمایه‌گذاری بلکه برای تحقق اهداف کلان اقتصادی کشور نیز ضروری هستند. بنابراین، تأسیس یک بنگاه اقتصادی در قالب شرکت‌های سهامی خاص یا با مسئولیت محدود، و گنجاندن اهداف ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در اساسنامه و قراردادهای مربوطه، نه تنها موجب سازگاری با قوانین ایران می‌شود، بلکه موجب تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار در کشور نیز خواهد گردید.

لزوم تأسیس یک شرکت یا شعبه در ایران توسط طرفین چینی و ایرانی به منظور شروع مشارکت:

مستند به رویه‌های موجود و تفاسیر غالب از اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک فی‌مابین کشور چین و ایران اگرچه مصداقی از یک قرارداد بین‌المللی است؛ ولی باتوجه‌به اینکه مصداقی از معاهدات بین‌المللی نیست و در راستای انجام اعمال تصدی‌گرایانه منعقد می‌گردد، نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد. بنابراین در این راستا، در صورتی‌که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک در خصوص انتقال فناوری بین کشور ایران و چین، اعم از اینکه فی‌مابین یک دستگاه دولتی ایرانی و یک شرکت خصوصی چینی باشد یا فی‌مابین یک دستگاه دولتی ایرانی و یک دستگاه دولتی چینی باشد، به این دلیل که مصداقی از انجام اعمال تصدی‌گرایانه است، نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نیست. بنابراین پیشنهاد می‌شود که طرف‌های ایرانی و چینی، به منظور جلوگیری از هرگونه محدودیت فرضی، به نمایندگی از طرف یک شرکت قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک را منعقد نمایند. در واقع دستگاه‌های دولتی ایرانی، اقدام به تأسیس یک شرکت خصوصی خاص نمایند که طرف طرح سرمایه‌گذاری مشترک قرار گیرد و طرف چینی نیز اقدام به تأسیس یک شرکت خصوصی خاص در کشور خود و سپس اقدام به تأسیس یک شعبه در ایران نماید.

بر اساس اصل ۷۷ و اصل ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انعقاد قراردادهای بین‌المللی از جمله قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک معمولاً مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است. با این حال، رویه‌های موجود و تفاسیر غالب از این اصول نشان می‌دهد که در موارد خاص، مانند قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک که در راستای انجام اعمال تصدی‌گرایانه منعقد می‌شوند، نیازی به تصویب مجلس نیست. به عبارت دیگر، اگر قرارداد مذکور در زمینه‌هایی مانند انتقال فناوری باشد و از سوی دستگاه‌های دولتی ایرانی و چینی به امضاء برسد، این قرارداد به عنوان یک معاهده بین‌المللی شناخته نمی‌شود و نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی

نخواهد داشت. اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که «تمامی معاهدات و قراردادهای بین‌المللی باید با تصویب مجلس شورای اسلامی به مرحله اجرا درآید». این اصل به‌طور کلی شامل تمامی قراردادهای بین‌المللی می‌شود، اما از آنجا که قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک معمولاً به‌عنوان قراردادهای اقتصادی و تجاری در نظر گرفته می‌شوند که در راستای اعمال تصدی‌گرایانه دولت‌ها منعقد می‌گردند و نه در قالب معاهدات دولتی-دولتی، رویه‌های قضائی و تفاسیر حقوقی نشان داده‌اند که چنین قراردادهایی نیازی به تصویب مجلس ندارند. اصل ۱۲۵ نیز بیان می‌دارد که «تمامی معاهدات و قراردادهای دولتی که به‌طور مستقیم با حقوق ملت مرتبط است، باید توسط رئیس‌جمهور به مجلس معرفی شود»، اما این اصل در زمینه قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک که بیشتر جنبه تجاری و اقتصادی دارند، به‌طور معمول مستلزم تصویب مجلس نخواهد بود. این تفاسیر نشان می‌دهند که قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک در مواردی که جزء معاهدات بین‌المللی محسوب نمی‌شوند و از نوع اعمال تصدی‌گرایانه دولت‌ها هستند، نیازی به تصویب مجلس ندارند. با توجه به تفاسیر فوق، پیشنهاد می‌شود که به‌منظور جلوگیری از هرگونه محدودیت فرضی و تسهیل فرایند انعقاد قرارداد، طرف‌های ایرانی و چینی از دستگاه‌های دولتی برای انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک استفاده کنند، اما این کار را از طریق تأسیس شرکت‌های خصوصی انجام دهند. در این راستا، دستگاه‌های دولتی ایرانی می‌توانند اقدام به تأسیس یک شرکت خصوصی خاص نمایند که به‌عنوان طرف ایرانی در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک ایفای نقش کند. به همین ترتیب، طرف چینی نیز می‌تواند شرکت خصوصی خود را در چین تأسیس کرده و سپس شعبه‌ای در ایران ایجاد نماید و استفاده از شرکت‌های خصوصی به‌عنوان نماینده طرفین در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک دارای مزایای مختلفی است. نخستین مزیت، خروج از نیاز به تصویب مجلس است، چرا که قراردادهای تجاری منعقد شده میان شرکت‌های خصوصی نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نخواهند بود. این رویکرد، همچنین از نظر اجرایی و عملیاتی کارآمدتر است، زیرا فرایندهای قانونی و تجاری میان شرکت‌های خصوصی سریع‌تر و ساده‌تر از معاهدات دولتی هستند. بنابراین، با توجه به تفاسیر موجود از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک که به‌منظور انتقال فناوری و انجام اعمال تصدی‌گرایانه منعقد می‌شوند، نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی نخواهند داشت. پیشنهاد می‌شود که طرفین ایرانی و چینی به‌منظور تسهیل فرایند و جلوگیری از هرگونه محدودیت احتمالی، قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک را از طریق تأسیس شرکت‌های خصوصی منعقد کنند تا علاوه بر رعایت الزامات قانونی، از فرایندهای پیچیده قانونی نیز کاسته شود و پروژه‌های مشترک با سرعت بیشتری اجرا شوند.

بر اساس مفاد قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، در صورتی که طرف چینی قصد داشته باشد به صورت مستقیم و به عنوان دولت جمهوری خلق چین وارد ایران شود و در قالب یک طرح سرمایه‌گذاری مشترک، فناوری را به ایران منتقل نماید، این اقدام به عنوان یک معاهده بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود که مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی ایران است. این امر به این دلیل است که طبق اصل ۷۷ و اصل ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی معاهدات و قراردادهایی که به طور مستقیم با حقوق ملت مرتبط هستند یا به عنوان یک تعهد دولتی محسوب می‌شوند، باید توسط رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی معرفی شوند و تصویب آن را به همراه داشته باشند. اگر طرف چینی به طور مستقیم به عنوان دولت جمهوری خلق چین بخواهد در ایران سرمایه‌گذاری کند و فناوری را منتقل نماید، این امر از نظر حقوقی به عنوان یک اقدام دولتی و بین‌دولتی تلقی می‌شود و لذا نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی است. چرا که این نوع سرمایه‌گذاری از نگاه حقوقی به عنوان یک معاهده بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود و از آنجاکه به طور مستقیم به منافع ملی و حقوق ملت ایران مرتبط است، باید تحت نظارت و تصویب مجلس قرار گیرد. با توجه به الزامات قانونی و ضرورت تصویب مجلس برای سرمایه‌گذاری‌های دولتی، پیشنهاد می‌شود که طرف چینی به جای اقدام به سرمایه‌گذاری به صورت دولتی، از طریق یک شرکت خصوصی ثبت شده در چین وارد ایران شود. با این روش، سرمایه‌گذاری به صورت تجاری و در قالب یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک میان دو شرکت خصوصی انجام خواهد شد. این رویکرد نه تنها نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد، بلکه فرایند اجرایی سریع‌تر و ساده‌تری را به همراه خواهد داشت.

سرمایه‌گذاری از طریق شرکت‌های خصوصی علاوه بر اینکه از مشکلات اداری و قانونی معاهدات بین‌دولتی می‌کاهد، موجب تسهیل فرایندهای تجاری و اجرایی نیز می‌شود. در این صورت، قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک از نوع تجاری و اقتصادی خواهند بود و تمامی مسائل مربوط به انتقال فناوری و سود و زیان سرمایه‌گذاری می‌تواند از طریق مذاکرات تجاری میان طرفین حل و فصل شود، بدون اینکه نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی وجود داشته باشد. در مجموع، چنانچه طرف چینی بخواهد به عنوان دولت جمهوری خلق چین و به صورت مستقیم در ایران سرمایه‌گذاری کند و فناوری را منتقل نماید، این امر نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود. لذا برای جلوگیری از این الزام قانونی و تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری، پیشنهاد می‌شود که طرف چینی به جای سرمایه‌گذاری دولتی، از طریق شرکت‌های خصوصی وارد ایران شود و قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک را با طرف ایرانی در قالب یک شرکت خصوصی به امضاء برساند. این روش

نه تنها منطبق با قوانین داخلی ایران است، بلکه می‌تواند سرعت و کارایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک را افزایش دهد.

در ادامه اهم موارد فوق با بررسی مفاد قانونی واکاوی خواهند شد.

مبحث اول: ثبت شعبه شرکت خارجی در ایران

مقررات مربوط به ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران تحت پوشش قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ و قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی (ماده واحده) به طور مفصل تنظیم شده‌اند. این قوانین چارچوبی قانونی برای فعالیت‌های تجاری و صنعتی شرکت‌های خارجی در ایران فراهم می‌آورد. در ادامه، به بررسی مواد مرتبط با ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی و نحوه اعمال آن‌ها پرداخته می‌شود. مواد ۳ تا ۶ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰، شرایط و مراحل ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران را تعیین کرده‌اند.

طبق ماده ۳، برای این که یک شرکت خارجی بتواند از طریق شعبه یا نمایندگی در ایران فعالیت تجاری، صنعتی یا مالی داشته باشد، باید ابتدا در کشور خود به عنوان یک شرکت قانونی شناخته شود و سپس در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت برسد. به عبارت دیگر، ثبت شرکت خارجی در کشور متبوع و سپس در ایران شرط اصلی شروع فعالیت در کشور است.

در ماده ۴، برای شرکت‌هایی که پیش از اجرای این قانون در ایران به وسیله شعبه یا نماینده در حال فعالیت تجاری، صنعتی یا مالی بوده‌اند، یک مهلت چهارماهه برای ثبت در ایران تعیین شده است. اگر این مدت برای تهیه مدارک لازم کافی نباشد، رئیس محکمه ابتدایی تهران می‌تواند بنا به تقاضای نماینده شرکت، مهلت اضافی تا شش ماه را اعطا کند. این ماده برای اطمینان از تطابق فعالیت‌های شرکت خارجی با قوانین ایران پیش‌بینی شده است.

ماده ۵ مقرر می‌دارد که اگر نمایندگان یا مدیران شعب شرکت‌های خارجی تا پایان مهلت مقرر برای ثبت اقدام نکنند، به تقاضای مدعی العموم و به حکم محکمه ابتدایی تهران، محکوم به جریمه نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد. همچنین برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم، جریمه روزانه‌های به میزان ۵ تا ۵۰ تومان تعیین می‌شود. اگر حکم قطعی شود و متخلف تا سه ماه پس از ابلاغ حکم اقدام نکند، دولت از ادامه عملیات نمایندگی شرکت جلوگیری خواهد کرد. در ماده ۶ در صورتی که شرکت‌های خارجی که در ایران

فعالیت می‌کنند، دارای امتیازنامه معتبر از وزارت امور خارجه باشند و این امتیاز در موعد قانونی تقاضای ثبت تصدیق شود، مقررات جریمه‌ای ماده ۵ برای آن‌ها اعمال نخواهد شد. باین حال، جریمه نقدی برای تأخیر در ثبت شعبه این گونه شرکت‌ها از روزی ۱۰ تا ۱۰۰ تومان تعیین شده است.

ماده واحد قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، به‌طور کلی شرایط ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران را بیان می‌کند. طبق این ماده، شرکت‌های خارجی که در کشور متبوع خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند و در صورتی که عمل متقابل از سوی کشور مبدأ وجود داشته باشد، می‌توانند برای ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اقدام کنند. همچنین این ثبت باید در چارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران انجام شود. این ماده بیانگر لزوم تطابق با قوانین داخلی ایران برای شرکت‌های خارجی است. مجموعه این قوانین و مقررات به طور مشخص شرایط لازم برای ثبت و فعالیت شعبه‌ها یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی در ایران را تعیین می‌کند. از طرفی، هدف از این قوانین حمایت از منافع ملی و نظارت بر فعالیت‌های تجاری و صنعتی خارجی در ایران است. رعایت این شرایط و انجام فعالیت‌ها تحت نظارت مراجع ذیصلاح در ایران، امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در چارچوبی قانونی و کنترل‌شده فراهم می‌آورد.

در ادامه آیین‌نامه اجرایی ماده واحد قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مقرر کرده است که: »

ماده ۱- شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل در کشور متبوع، می‌توانند برای فعالیت در ایران در زمینه‌های زیر بر اساس این آیین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط نسبت به شعبه یا نمایندگی خود اقدام نمایند:

۱. ارائه خدمات بعد از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی؛

۲. انجام عملیات انجام قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی منعقد می‌شود؛

۳. بررسی و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری شرکت خارجی در ایران؛

۴. همکاری با شرکت‌های فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث؛

۵. افزایش صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران؛

۶. ارائه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فناوری؛

۷. انجام فعالیت‌هایی که مجوز توسط دستگاه‌های دولتی که به طور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند، صادر می‌گردد، از قبیل ارائه خدمات در زمینه‌های حمل و نقل، بیمه و بازرسی کالا بانکی، بازاریابی، و غیره.

ماده ۲- شعبه شرکت خارجی واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیماً موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل، تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود.

ماده ۳- شرکت‌های خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران موظف‌اند اطلاعات و مدارک زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی ارائه نمایند:

۱. اساسنامه شرکت، آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذی‌ربط؛

۲. آخرین گزارش مالی تأیید شده شرکت؛

۳. گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شرکت و تبیین دلایل و ضرورت ثبت شعبه در ایران، تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه، برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز، و نحوه تأمین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شعبه»

آیین‌نامه اجرایی ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی به طور خاص شرایط و مقرراتی را برای ثبت شعبه‌ها یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی در ایران پیش‌بینی کرده است. این آیین‌نامه به منظور تسهیل و تنظیم فرایند فعالیت‌های شرکت‌های خارجی در ایران و فراهم آوردن بستر قانونی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان ایران و سایر کشورها تدوین شده است.

ماده ۱ این آیین‌نامه مقرر می‌کند که شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود به طور قانونی شناخته می‌شوند و در کشور متبوع نیز عمل متقابل وجود داشته باشد، می‌توانند در ایران شعبه یا نمایندگی ثبت کنند. این شعبه‌ها یا نمایندگی‌ها می‌توانند در زمینه‌های خاصی فعالیت نمایند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. فعالیت‌های مجاز برای شعبه‌ها و نمایندگی‌ها شامل موارد زیر است:

- ارائه خدمات پس از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی
- انجام عملیات قراردادهای بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی
- بررسی و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری شرکت خارجی در ایران

- همکاری با شرکت‌های فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث
- افزایش صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران
- ارائه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فناوری
- انجام فعالیت‌های دیگر که از سوی دستگاه‌های دولتی مجاز (مثل خدمات حمل‌ونقل، بیمه، بازرسی کالا، بانکداری، بازاریابی و غیره) مجوز دریافت کنند.

ماده ۲ بیان می‌کند که شعبه‌های شرکت‌های خارجی به‌عنوان واحدهای محلی و تابع شرکت مادر عمل می‌کنند. وظایف شعبه‌ها مستقیماً مرتبط با موضوع فعالیت شرکت مادر است و فعالیت‌های شعبه تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی انجام می‌شود. بنابراین، شعبه‌ها تنها نمایندگان اجرایی از شرکت‌های مادر خود بوده و به طور مستقل مسئولیت حقوقی ندارند. ماده ۳ به شرکت‌های خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران دستور می‌دهد که اطلاعات و مدارک مشخصی را برای درخواست ثبت شعبه به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی ارائه دهند. این مدارک شامل موارد زیر است:

- اساسنامه شرکت و آگهی تأسیس شرکت، همراه با آخرین تغییرات ثبت‌شده در مراجع ذی‌ربط
- آخرین گزارش مالی تأییدشده شرکت
- گزارش توجیهی که شامل اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شرکت، دلایل و ضرورت ثبت شعبه در ایران، تعیین نوع و حدود اختیارات شعبه، محل فعالیت آن، برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی موردنیاز، و نحوه تأمین منابع مالی (ارزی و ریالی) برای اداره امور شعبه است.

این آیین‌نامه به‌ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا آن را در چهارچوب قانونی قرار می‌دهد و فرایندهای لازم برای حضور شرکت‌های خارجی در ایران را تسهیل می‌کند. از جمله مزایای آن می‌توان به امکان انتقال فناوری، افزایش صادرات غیرنفتی، همکاری‌های فنی و مهندسی، و فراهم‌آوردن زمینه برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک اشاره کرد. آیین‌نامه اجرایی ثبت شعبه‌ها یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی در ایران بستری قانونی را برای فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور فراهم می‌آورد. این مقررات علاوه بر کمک به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری، به کشور این امکان را می‌دهد که در زمینه‌های مختلف اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر همکاری کند.

در حقوق ایران، کنترل ورود شرکت‌های خارجی و فعالیت‌های تجاری آن‌ها در کشور، از طریق فرایند ثبت و شناسایی که توسط سازمان سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌شود، صورت می‌گیرد. این سازمان که تحت

نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی فعالیت می‌کند، مسئولیت بررسی درخواست‌ها و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به عهده دارد. طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران، هرگونه فعالیت اقتصادی خارجی که می‌خواهد در ایران انجام شود، باید با رعایت ضوابط قانونی مربوطه، ثبت و شناخته شود. اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت بر لزوم شناسایی شرکت‌های خارجی تأکید دارد و آن‌ها را ملزم می‌کند که ابتدا در کشور خود به‌عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل شناخته شوند تا بتوانند به طور قانونی در ایران فعالیت کنند. این ثبت و شناسایی به‌عنوان مرحله اول برای هرگونه فعالیت تجاری یا صنعتی خارجی ضروری است.^{۷۵}

شناسایی یک شخصیت حقوقی خارجی در ایران به‌ویژه در مورد اشخاص حقوقی خصوصی از اهمیت بسیاری برخوردار است. درحالی‌که اشخاص حقوقی عمومی معمولاً نیازی به شناسایی ندارند، چرا که به طور مستقیم تحت نظارت دولت‌های خود هستند، اشخاص حقوقی خصوصی باید در ابتدا به‌عنوان یک شخصیت قانونی در کشور خود شناخته شوند. این موضوع به‌ویژه در حوزه حقوق خصوصی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا تا زمانی که یک شرکت خارجی در کشور خود ثبت نشده و به‌عنوان شخصیت حقوقی مستقل شناسایی نشود، نمی‌تواند به طور رسمی در دیگر کشورها از جمله ایران فعالیت کند. بنابراین، شناسایی شخصیت حقوقی شرکت خارجی در ایران بر اساس ضوابط داخلی و مطابق با قوانین ایران برای ورود به عرصه اقتصادی کشور ضروری است.

در فرایند ثبت و شناسایی شرکت‌های خارجی، دو عامل اصلی اهمیت دارد: اول، آغاز هرگونه فعالیت تجاری و اقتصادی در ایران. طبق قوانین ثبت شرکت‌ها، تمامی شرکت‌های خارجی که قصد دارند در ایران به طور رسمی فعالیت کنند، باید ابتدا در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت برسند. این مرحله، نه‌تنها برای شروع فعالیت‌های تجاری، بلکه برای رعایت مقررات قانونی ایران و اطمینان از شفافیت و صحت عملکرد این شرکت‌ها نیز ضروری است. ثبت شرکت‌های خارجی به‌عنوان پیش‌شرط قانونی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا بدون مشکلات حقوقی وارد بازار ایران شوند.

دومین عامل که ضرورت ثبت شرکت‌های خارجی را ایجاب می‌کند، تعیین اقامتگاه قانونی شرکت و ایجاد امکان اقامه دعوی در صورت بروز مشکلات حقوقی است. بر اساس قوانین ایران، هر شرکت خارجی که در

^{۷۵} امام، فرهاد، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تهران، انتشارات یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۱۵ الی ۱۸.

ایران فعالیت می‌کند باید یک اقامتگاه قانونی مشخص داشته باشد تا در صورت نیاز به پیگیری قضائی، بتوان از طریق مراجع قانونی به حل و فصل اختلافات پرداخت. این اقامتگاه که معمولاً در محل ثبت شرکت قرار دارد، به عنوان محل رسمی برای پیگیری‌های حقوقی و مسائل قانونی شناخته می‌شود. در واقع، ثبت شرکت خارجی در ایران، نه تنها برای آغاز فعالیت‌های تجاری بلکه برای تأمین پشتوانه قانونی و حقوقی لازم برای شرکت‌ها ضروری است.

برای اینکه یک شرکت خارجی بتواند فعالیت خود را در ایران آغاز کند، علاوه بر ثبت رسمی آن در اداره ثبت شرکت‌ها، باید مطابق با سایر قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه عمل کند. طبق قوانین قانون ثبت شرکت‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن، شرکت‌های خارجی موظف هستند پس از ثبت، فعالیت‌های تجاری خود را مطابق با ضوابط قانونی انجام دهند و برای هر گونه اقدام تجاری در ایران مجوزهای لازم را از مراجع ذیصلاح دریافت کنند. این مراحل و ضوابط به طور کامل در قوانین تجارت ایران تعریف شده و به عنوان ابزارهای نظارتی برای اطمینان از رعایت حقوق و منافع ملی در نظر گرفته می‌شوند.

در نهایت، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان نهاد نظارتی اصلی در این فرایند، باید بر تمام مراحل ثبت و شناسایی شرکت‌های خارجی نظارت کند. این نظارت برای اطمینان از اینکه سرمایه‌گذاری‌های خارجی با رعایت قوانین ایران و به طور شفاف انجام می‌شود، بسیار حیاتی است. این سازمان می‌تواند با توجه به آیین‌نامه‌ها و قوانین خاص، روند ثبت و شناسایی شرکت‌های خارجی را تسهیل کرده و در عین حال از منافع اقتصادی و امنیتی کشور محافظت کند. بنابراین، ثبت و شناسایی شرکت‌های خارجی از طریق سازمان سرمایه‌گذاری خارجی، نه تنها یک الزام قانونی است؛ بلکه به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تضمین شفافیت اقتصادی در کشور محسوب می‌شود.

در مجموع، ثبت و شناسایی شرکت‌های خارجی در ایران به عنوان یک پیش‌نیاز قانونی برای فعالیت‌های تجاری و صنعتی در کشور، بر اساس مجموعه‌ای از قوانین و آیین‌نامه‌ها انجام می‌شود. این فرایند نه تنها به شفافیت و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی خارجی کمک می‌کند، بلکه به عنوان ابزاری برای تأمین منافع ملی و اطمینان از رعایت مقررات و استانداردهای کشور در زمینه‌های تجاری و صنعتی شناخته می‌شود.

ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ به صراحت شرایط لازم برای فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران را تعیین کرده است. طبق این ماده، هر شرکت خارجی که قصد دارد به وسیله شعبه یا نماینده خود به امور

تجاری، صنعتی یا مالی در ایران پردازد، باید ابتدا در کشور محل ثبت خود به عنوان یک شرکت قانونی شناخته شود و سپس در اداره ثبت اسناد تهران نیز به ثبت برسد. این الزام به ثبت در ایران به عنوان یک پیش نیاز قانونی، تضمین کننده شفافیت و رعایت مقررات داخلی کشور برای فعالیت های خارجی است. این روند ثبت به شرکت های خارجی این امکان را می دهد که به طور رسمی و قانونی در ایران فعالیت کرده و از تمامی حقوق و مزایای قانونی برخوردار شوند.

پس از انجام فرایند ثبت شرکت خارجی در ایران، وضعیت شعبه های آن شرکت در ایران مشابه وضعیت شرکت های داخلی خواهد بود، مگر در موارد خاص که قانون شرکت های خارجی را از برخی حقوق خاص محروم کرده باشد. به طور مثال، در برخی موارد ممکن است شرکت های خارجی به دلیل قوانین خاصی که در ارتباط با سرمایه گذاری خارجی وجود دارد، محدودیت هایی در برخی از فعالیت ها و حقوق خود داشته باشند. این موارد می توانند شامل محدودیت هایی در زمینه مالکیت زمین، سهم سرمایه گذاری یا تأسیس برخی انواع شرکت ها باشند. بنابراین، طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت ها، شرکت های خارجی باید شرایط خاصی را برای فعالیت در ایران رعایت کنند، ولی پس از ثبت و شناسایی، از نظر قانونی به طور کلی وضعیت مشابهی با شرکت های داخلی خواهند داشت، مگر اینکه قانون تصریح کند که برخی حقوق آن ها محدود است. ماده مذکور همچنین بر این نکته تأکید دارد که شرکت های خارجی برای فعالیت در ایران باید به طور قانونی در کشور خود ثبت شده و دارای شخصیت حقوقی مستقل باشند. این امر به ویژه در حوزه تجارت و سرمایه گذاری های بین المللی حائز اهمیت است، چرا که این فرایند موجب می شود که شرکت های خارجی بتوانند با تأسیس شعبه یا نمایندگی در ایران، در چارچوب قوانین ایران فعالیت کنند و مسئولیت های مالی و قانونی خود را به طور رسمی شناخته شده و پذیرفته شده انجام دهند. در این راستا، علاوه بر ثبت شرکت در ایران، شرکت های خارجی باید به تمام ضوابط قانونی و مقررات خاص کشور ایران، از جمله قوانین مالیاتی، قوانین کار، و دیگر قوانین مرتبط با تجارت و سرمایه گذاری خارجی، احترام بگذارند. این فرایند شفافیت و نظارت بر فعالیت های خارجی را تضمین می کند و از بروز مشکلات حقوقی و مالی جلوگیری می کند. از آنجا که قانون ثبت شرکت ها به طور صریح بر لزوم ثبت شرکت های خارجی در ایران تأکید دارد، این کار همچنین به عنوان یکی از ابزارهای مهم نظارتی برای جلوگیری از فعالیت های غیرقانونی و پنهان در بازار ایران عمل می کند. ثبت رسمی شرکت ها در ایران به دولت این امکان را می دهد که بر فعالیت های اقتصادی و تجاری خارجی نظارت داشته باشد و از هرگونه فعالیت اقتصادی غیرقانونی جلوگیری کند. به طور کلی، ماده ۳ قانون ثبت شرکت ها یکی از ارکان مهم قوانین ایران در زمینه جذب سرمایه گذاری خارجی است که با تعیین شرایط

ثبت شرکت‌های خارجی، فرایند قانونی لازم برای آغاز فعالیت‌های تجاری و صنعتی در ایران را به صورت شفاف و منظم هدایت می‌کند.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران به طور خاص شرایط و مقرراتی را برای فعالیت این شرکت‌ها در کشور فراهم کرده است. این قانون با تأکید بر اصل «عمل متقابل»، یعنی شرط تطابق و تعامل میان ایران و کشور متبوع شرکت خارجی، چارچوب‌های قانونی لازم برای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران را تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، یک شرکت خارجی تنها در صورتی می‌تواند شعبه یا نمایندگی خود را در ایران ثبت کند که کشور متبوع آن نیز امکان ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های ایرانی را در سرزمین خود فراهم کرده باشد. این اصل به عنوان یک قاعده قانونی، مبنای تعاملات بین‌المللی تجاری ایران با سایر کشورها را مشخص می‌کند و از این رو شرکت‌های خارجی باید نسبت به شرایط و قوانین کشور خود و ایران آگاه باشند.

ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی و ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها بر این نکته تأکید دارند که برای ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران، شرکت‌های خارجی باید ابتدا در کشور خود به عنوان یک شرکت قانونی شناخته شوند. این بدان معناست که شرکت‌های خارجی باید در کشور متبوع خود مطابق با قوانین و مقررات آن کشور ثبت شده باشند و به طور رسمی فعالیت کنند. در صورتی که یک شرکت در کشور خود به صورت غیرقانونی فعالیت می‌کند، قادر به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران نخواهد بود. این امر به ویژه برای تضمین شفافیت و رعایت مقررات بین‌المللی و ملی در فعالیت‌های تجاری اهمیت دارد. علاوه بر این، شرایط «عمل متقابل» در قانون به این معنی است که دولت متبوع شرکت خارجی باید اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های ایرانی را در کشور خود بدهد. این قاعده نه تنها به عنوان یک ابزار نظارتی برای دولت ایران عمل می‌کند، بلکه تضمین‌کننده عدالت در روابط تجاری بین‌المللی است. به عبارت دیگر، ایران تنها اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی را می‌دهد که کشور متبوع آن‌ها نیز این امکان را برای شرکت‌های ایرانی فراهم کرده باشد. این مسئله به ویژه در شرایطی که کشورها در زمینه حمایت از حقوق تجاری و سرمایه‌گذاری قوانین متفاوتی دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مهم‌ترین نکته در این قانون این است که برای ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران، شرکت خارجی باید فعالیت‌های آن مطابق با قوانین ایران باشد. به عبارت دیگر، موضوع فعالیت شرکت باید مجاز، قانونی و مطابق با اصول شرعی و نظم عمومی و اخلاق حسنه ایران باشد. این شرط به ویژه برای جلوگیری از ورود فعالیت‌هایی که مغایر با قوانین و مقررات ایران

باشند، ضروری است. بنابراین، شرکت‌های خارجی که قصد فعالیت در ایران را دارند باید اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های آن‌ها با ضوابط شرعی و قانونی کشور ایران هماهنگ است. به‌طور کلی، این مقررات به‌ویژه برای تأسیس شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران شرایط مشخصی را فراهم می‌کند که هم‌راستایی با قوانین داخلی و بین‌المللی را تضمین می‌کند. این الزامات قانونی نه تنها برای ایجاد محیطی شفاف و قانونی برای فعالیت‌های تجاری خارجی در ایران است، بلکه به‌عنوان ابزاری برای حمایت از بازار داخلی و محافظت از منافع ملی کشور نیز عمل می‌کند. به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی که ممکن است تبعاتی برای اقتصاد و تجارت داخلی داشته باشد، رعایت این اصول برای تأسیس شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران حیاتی است. در نهایت، این روند قانونی موجب می‌شود که شرکت‌های خارجی برای ورود به بازار ایران و فعالیت‌های تجاری خود باید به‌طور رسمی ثبت شوند و از تأسیس یک شعبه یا نمایندگی مطابق با قوانین داخلی ایران بهره‌مند شوند. این الزامات به‌ویژه در فرایندهای پیچیده تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی، تضمین‌کننده رعایت منافع ملی، احترام به قوانین شرعی و نظم عمومی و همچنین تسهیل تجارت و ارتباطات تجاری با کشورهای خارجی است.^{۷۶}

طبق قوانین ایران، شرط اصلی برای فعالیت شرکت‌های خارجی در کشور ثبت و شناسایی شعب آن‌ها در اداره ثبت شرکت‌ها است. این الزامات برای تضمین شفافیت، امنیت حقوقی و انطباق با مقررات داخلی کشور ضروری است. با این حال، برخلاف این الزام، شرکت‌های خارجی می‌توانند بدون ثبت شعبه در ایران، به‌عنوان طرف قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی وارد تعاملات تجاری و قراردادی شوند. این امر به‌ویژه در مواقعی که طرفین به توافقی در زمینه‌های مختلف تجاری می‌رسند و بعد از آن ممکن است اختلافات به وجود آید، مهم است. عدم ثبت شعبه یک شخص حقوقی خارجی در ایران نباید به‌طور خودکار موجب رد یا بی‌اعتبار شدن قراردادهای منعقد شده میان او و اشخاص ایرانی گردد. در واقع، اگرچه ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران برای آغاز فعالیت‌های تجاری ضروری است، اما شخصیت حقوقی شرکت خارجی که در کشور متبوع خود به‌طور قانونی ثبت شده، در ایران نیز به رسمیت شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، در صورت عدم ثبت شعبه، شخص حقوقی خارجی می‌تواند به‌عنوان یک طرف قرارداد معتبر در نظر گرفته شود و قراردادهای منعقد شده با وی به اعتبار شخصیت حقوقی او، در ایران نیز از نظر قانونی معتبر خواهند بود. این بدان معناست که اگر در جریان اجرای یک قرارداد بین یک شخص حقوقی خارجی و طرف ایرانی اختلافی پیش آید و

^{۷۶} روزگاری آقبلاغ، خلیل، نیارورانی، صابر، آسیب‌شناسی سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری خارجی در نظام حقوقی ایران از منظر شخصیت حقوقی و تابعیت شرکت‌های سرمایه‌گذار، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۹، ۱۳۹۸، صص. ۱۲۱-۱۲۲.

یکی از طرفین به دادگاه‌های ایران مراجعه کند، دادگاه به اعتبار شخصیت حقوقی شرکت خارجی رسیدگی خواهد کرد، حتی اگر آن شرکت شعبه یا نمایندگی خود را در ایران به ثبت نرسانده باشد. در چنین شرایطی، اگر شخص حقوقی خارجی در دادگاه ایران به‌عنوان خواهان یا خوانده قرار گیرد، عدم ثبت شعبه او در ایران مانع از شناسایی شخصیت حقوقی آن در دادگاه نخواهد شد. اگرچه ثبت شعبه یا نمایندگی یک شرکت خارجی در ایران امری ضروری است تا اعتبار و وضعیت حقوقی آن شرکت به طور رسمی شناسایی گردد، عدم ثبت آن نباید به طور غیرمنصفانه‌ای مانع از اقامه دعوا یا دفاع در دادگاه‌های ایران شود. در صورتی که دادگاه از پذیرش شرکت خارجی به‌عنوان طرف دعوی خودداری کند، این عمل می‌تواند به‌عنوان استتکاف در احقاق حق تلقی گردد و موجب نقض حقوق قانونی طرف خارجی شود. از این رو، دادگاه باید با رعایت انصاف و باتوجه به مدارک و اطلاعات موجود، نسبت به پذیرش دعوا و شناسایی شخصیت حقوقی طرف خارجی اقدام کند.

در مواردی که ثبت شعبه یا نمایندگی یک شخص حقوقی خارجی در ایران به طور رسمی انجام نشده باشد، دادگاه ایران برای پذیرش این شخص به‌عنوان طرف دعوی، موظف است که شخصاً نسبت به احراز شخصیت حقوقی او اقدام کند. این امر شامل بررسی و شناسایی مدارک قانونی و رسمی شرکت در کشور متبوع آن است تا اعتبار حقوقی آن در ایران تأیید شود. این فرایند باید در راستای تضمین شفافیت و حفظ حقوق قانونی طرفین در دعوی انجام گیرد، تا هیچ‌کدام از طرفین از حق قانونی خود محروم نشوند. بنابراین، هرچند ثبت رسمی شعبه یا نمایندگی در ایران می‌تواند از لحاظ عملی و قانونی کار را برای شرکت‌های خارجی در ایران تسهیل کند، اما این مسئله نباید به طور غیرمنطقی مانع از تحقق حقوق قانونی طرف‌های خارجی در صورت بروز اختلافات شود. در نهایت، شناسایی و پذیرش شخصیت حقوقی شرکت‌های خارجی در دادگاه‌های ایران باید مبتنی بر اصول عدالت و حقوق بشر باشد و نباید هیچ‌گونه تبعیضی در این خصوص قائل شود.

بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، شرکت‌هایی که در کشور محل ثبت خود به‌عنوان شرکت قانونی شناخته می‌شوند، یعنی مطابق با قوانین و مقررات کشور خود تأسیس شده و شخصیت حقوقی ثبت شده دارند، می‌توانند برای انجام فعالیت‌های تجاری، صنعتی یا مالی در ایران، نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند. این ثبت بر اساس قوانین و مقررات ایران انجام می‌شود و فعالیت‌های این شرکت‌ها در ایران باید در چارچوب مقررات قانونی مربوطه صورت گیرد. با این حال، شرط اصلی برای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران، عمل متقابل کشور متبوع آن‌ها است. به این

معنا که اگر در کشور متبوع شرکت‌های خارجی، امکان ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های ایرانی وجود داشته باشد، شرکت‌های خارجی نیز می‌توانند برای ثبت شعبه یا نمایندگی خود در ایران اقدام کنند. این شرط، به‌نوعی تأمین‌کننده حقوق متقابل برای طرفین است و تضمین می‌کند که هیچ تبعیضی در پذیرش شرکت‌های خارجی وجود ندارد.

ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی به‌وضوح تأکید دارد که فعالیت شعبه شرکت خارجی در ایران باید تحت نام و مسئولیت شرکت اصلی (مادر) انجام گیرد. به عبارت دیگر، شعبه شرکت خارجی هیچ‌گونه شخصیت حقوقی مستقلی نخواهد داشت و مسئولیت‌های قانونی آن نیز به طور کامل بر عهده شرکت اصلی قرار می‌گیرد. بنابراین، شعبه به‌عنوان یک واحد فرعی از شرکت مادر عمل کرده و کلیه وظایف و مسئولیت‌های شرکت مادر را انجام می‌دهد. در این راستا، شعبه در ایران نمی‌تواند نام مستقلی داشته باشد و باید نام کامل شرکت اصلی را با ذکر عنوان "شعبه" در کنار آن به کار گیرد. این نکته نشان‌دهنده این است که شعبه به طور کامل تابع شرکت مادر است و هیچ‌گونه استقلالی از نظر هویت حقوقی و فعالیت‌های تجاری ندارد.

در صورتی که شرکت خارجی تصمیم به ثبت شعبه در ایران بگیرد، ابتدا باید شخصیت حقوقی خود را در ایران به رسمیت بشناساند. به عبارت دیگر، ثبت شعبه شرکت خارجی در ایران، فرع بر ثبت شرکت اصلی است؛ یعنی پیش از ثبت شعبه، لازم است که شرکت اصلی به‌عنوان یک شخصیت حقوقی معتبر و قانونی در ایران شناخته شود. تنها پس از این مرحله، شعبه می‌تواند به‌عنوان بخشی از همان شخصیت حقوقی در ایران به ثبت برسد و فعالیت‌های خود را آغاز کند. این فرایند به طور ضمنی تأکید دارد بر اینکه ثبت شعبه شرکت خارجی در ایران نمی‌تواند بدون ثبت شرکت اصلی صورت پذیرد، چرا که شعبه به طور طبیعی وابسته به شرکت مادر است.

ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی همچنین به طور مشخص بیان می‌کند که فعالیت شعبه شرکت خارجی باید تحت مسئولیت شرکت اصلی انجام گیرد. به این معنا که هر گونه تعهد یا مسئولیت قانونی که به‌موجب فعالیت‌های شعبه ایجاد شود، در نهایت بر دوش شرکت اصلی خواهد بود. این مسئله برای حفظ شفافیت و اطمینان از پاسخگویی شرکت‌های خارجی به مراجع قانونی ایران بسیار حائز اهمیت است. در صورتی که شعبه در ایران دچار تخلف یا مشکل قانونی شود، شرکت اصلی موظف به پاسخگویی و انجام اقدامات لازم برای رفع مشکل خواهد بود. در نهایت، می‌توان گفت که شعبه شرکت خارجی به‌عنوان یک واحد فرعی از شرکت مادر عمل کرده و نمی‌تواند از نظر هویتی و قانونی از شرکت مادر مستقل باشد. این شعبه تنها به‌عنوان یک واحد محلی

برای انجام فعالیت‌های شرکت مادر در ایران شناخته می‌شود و تمامی مسئولیت‌های قانونی آن نیز بر عهده شرکت اصلی خواهد بود. در نتیجه، ثبت شعبه در ایران به طور مؤکد از ثبت و شناسایی شرکت مادر در ایران پیروی می‌کند و این فرایند به طور مستقیم با شناسایی و تأسیس شخصیت حقوقی شرکت مادر در ارتباط است.

مبحث دوم: فعالیت‌های مجاز و قانونی شعبه شرکت خارجی در ایران

ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، زمینه‌های معینی که شعبه یا نمایندگی یک شرکت خارجی می‌تواند بر اساس آن در ایران به فعالیت بپردازد، به صورت حصری در هفت بند آورده است که به قرار زیر تبیین می‌گردند:

۱. ارائه خدمات بعد از فروش کالاها

ارائه خدمات پس از فروش کالاها یکی از ارکان مهم در فرایند رقابت اقتصادی و جلب رضایت مشتریان است. باتوجه به رقابت شدید میان شرکت‌های تولیدی و خدماتی در بازارهای جهانی، این امر به‌ویژه برای شرکت‌های خارجی که در خارج از کشور خود مستقر هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در دنیای امروز، تولید و فروش کالاهای صنعتی، تجارتی و مصرفی به‌تنهایی کافی نیست و شرکت‌ها باید به طور مستمر کیفیت محصولات خود را ارتقاء داده و نیازهای مصرف‌کنندگان را برآورده کنند. در این راستا، ایجاد آزمایشگاه‌ها، استخدام متخصصان و انجام آزمایش‌های مداوم بر روی محصولات از جمله اقداماتی است که شرکت‌ها برای اطمینان از کیفیت کالاها و خدمات خود به کار می‌گیرند.

خدمات پس از فروش که شامل خدمات گارانتی، ضمانت و وارانته است، به طور مستقیم با رضایت مشتری و ادامه وفاداری او به برند ارتباط دارد. از این رو، این خدمات نمی‌توانند کمتر از خود تولید و فروش کالاها مهم باشند، بلکه در بسیاری از موارد حتی از نظر مصرف‌کنندگان، کیفیت خدمات پس از فروش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. برای مثال، در صورتی که کالا دچار نقص یا ایراد شود، مصرف‌کننده انتظار دارد که شرکت تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات سریعاً به رفع مشکل بپردازد و کالای معیوب را تعمیر یا تعویض کند. مهم‌تر از همه، این اهمیت زمانی بیشتر نمایان می‌شود که شرکت تولیدی یا خدماتی در خارج از کشور مستقر باشد و برای مشتریان ایرانی محصولات یا خدمات ارائه دهد. در این شرایط، مشتریان ایرانی توقع دارند که پس از خرید محصول یا دریافت خدمت، بتوانند به راحتی از خدمات پس از فروش بهره‌مند شوند. به همین دلیل، در

بسیاری از موارد، شرکت‌های خارجی نیازمند ایجاد شعبه یا نمایندگی در ایران هستند تا بتوانند به طور مستمر خدمات پس از فروش را به مشتریان خود ارائه دهند. در پاسخ به این نیاز، قانون‌گذار ایرانی به شرکت‌های خارجی اجازه داده است که برای ارائه خدمات پس از فروش کالاها، اقدام به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران کنند. این اقدام موجب می‌شود که شرکت‌های خارجی قادر به ارائه خدمات پس از فروش در داخل کشور باشند و در نتیجه بتوانند رضایت مشتریان ایرانی را جلب کنند. به این ترتیب، علاوه بر فروش کالاها، فرایند گارانتی و ارائه خدمات پس از فروش نیز به طور مؤثری انجام می‌شود. در واقع، خدمات پس از فروش به‌ویژه در صورتی که شرکت تولیدی یا خدماتی در خارج از مرزهای ایران مستقر باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مصرف‌کنندگان ایرانی از شرکت‌های خارجی انتظار دارند که خدمات پس از فروش خود را با کیفیت بالا و در سریع‌ترین زمان ممکن در اختیار آنان قرار دهند. به همین دلیل، ایجاد شعبه یا نمایندگی در ایران نه تنها موجب افزایش رضایت مشتریان بلکه به طور مستقیم به افزایش فروش و نفوذ بازار شرکت‌های خارجی در ایران کمک خواهد کرد.

باتوجه به این توضیحات، قوانین و مقررات مربوط به ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران برای ارائه خدمات پس از فروش، نه تنها به عنوان یک ابزار قانونی جهت حمایت از مصرف‌کنندگان ایرانی، بلکه به عنوان یک ضرورت اقتصادی برای شرکت‌های خارجی در جهت رقابت با سایر تولیدکنندگان داخلی و خارجی تلقی می‌شود. بنابراین، شرکت‌های خارجی که قصد ورود به بازار ایران را دارند، باید به این نکته توجه کنند که ثبت شعبه یا نمایندگی برای ارائه خدمات پس از فروش از الزامات اصلی حضور موفق آن‌ها در بازار ایران است.

۲. انجام عملیات اجرایی قراردادهای منعقد شده بین اشخاص ایرانی و شرکت‌های خارجی

انجام عملیات اجرایی قراردادهای منعقد شده بین اشخاص ایرانی و شرکت‌های خارجی یکی از جنبه‌های اساسی همکاری‌های بین‌المللی و اقتصادی است. هنگامی که یک شرکت خارجی با یک یا چند شرکت ایرانی قرارداد منعقد می‌کند، ضروری است که آن شرکت خارجی حضور فعالی در ایران داشته باشد تا بتواند تعهدات قراردادی خود را به درستی و به طور شایسته انجام دهد. بدون حضور مستمر و مؤثر در محل اجرای پروژه، شرکت خارجی قادر نخواهد بود به طور کامل به مسئولیت‌های خود عمل کند و این امر می‌تواند منافع شرکت‌های ایرانی را به مخاطره بیندازد. برای مثال، اگر یک شرکت نفتی بین‌المللی با شرکت ملی نفت ایران

قراردادی برای توسعه میدان‌های نفتی منعقد کند، نیاز به حضور فعال و مستمر در ایران جهت انجام مطالعات مهندسی، تأمین کالا و خدمات، ساخت و نصب تجهیزات و تأسیسات دارد.

این حضور مستمر در ایران معمولاً از طریق تأسیس شعبه یا نمایندگی رسمی شرکت خارجی امکان‌پذیر است. شعبه شرکت خارجی در ایران می‌تواند به طور مستقیم مسئولیت اجرای قرارداد را بر عهده گرفته و کلیه فعالیت‌های اجرایی مربوط به پروژه را پیگیری کند. حضور شعبه در ایران به شرکت خارجی این امکان را می‌دهد که با سرعت و دقت بیشتری به انجام تعهدات خود پرداخته و در عین حال به تنظیم و مدیریت به موقع پروژه کمک کند. این امر به ویژه در پروژه‌های بزرگ و پیچیده که نیاز به هماهنگی میان چندین بخش فنی و اجرایی دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. به عنوان مثال، در پروژه‌های نفتی یا صنعتی که به تأسیسات پیچیده و فناوری‌های پیشرفته نیاز دارند، شرکت‌های خارجی باید در محل پروژه حضور داشته باشند تا بتوانند نظارت کامل بر مراحل مختلف اجرا داشته باشند. از طرفی، شرکت‌های ایرانی که طرف قرارداد هستند، برای اطمینان از اجرای به موقع و مطابق با استانداردهای تعیین شده، به حضور فعال و مدیریت متمرکز نیاز دارند. بنابراین، ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی در ایران به عنوان یک ابزار قانونی و اجرایی، به این شرکت‌ها امکان می‌دهد که به طور مستقیم و بی واسطه در پروژه حضور داشته باشند و اقدامات لازم را در محل انجام دهند. از دیگر مزایای ثبت شعبه یا نمایندگی برای شرکت‌های خارجی، می‌توان به تسهیل روند هماهنگی‌ها، ارتباطات مستقیم با طرف‌های ایرانی، و همچنین پاسخگویی به مشکلات و چالش‌های اجرایی اشاره کرد. این حضور فیزیکی در محل پروژه به شرکت خارجی این امکان را می‌دهد که به طور مؤثری به موانع احتمالی در پروژه‌ها پاسخ دهد و هماهنگی‌های لازم را در راستای اهداف مشترک با شرکت‌های ایرانی انجام دهد.

در نهایت، ایجاد شعبه یا نمایندگی در ایران نه تنها برای انجام عملیات اجرایی قراردادها ضروری است، بلکه موجب می‌شود که شرکت‌های خارجی بتوانند ارتباط بهتری با دولت و دستگاه‌های نظارتی ایرانی برقرار کنند. این ارتباط به بهبود روند اجرای پروژه‌های مشترک کمک کرده و تضمین می‌کند که تمام جنبه‌های قانونی، مالی و اجرایی پروژه به درستی پیگیری شوند. بنابراین، حضور شعبه شرکت خارجی در ایران برای انجام پروژه‌های مشترک اقتصادی و صنعتی به ویژه در قراردادهای بزرگ و استراتژیک، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

۳. بررسی و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری شرکت خارجی در ایران

بررسی و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری شرکت خارجی در ایران یکی از مراحل کلیدی و حیاتی برای جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشور است. شرکت‌های تجاری و سرمایه‌گذاران بین‌المللی پیش از هرگونه اقدام به سرمایه‌گذاری در یک کشور جدید، نیازمند انجام مطالعات و بررسی‌های دقیق اقتصادی و مالی هستند. این بررسی‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا ریسک‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری را ارزیابی کرده و بر اساس تحلیل‌های خود، تصمیم‌گیری مناسبی برای ورود به بازار جدید اتخاذ کنند. در این فرایند، شرکت‌های خارجی به دنبال شناسایی امکانات و توانمندی‌های موجود در کشور مقصد هستند تا درک بهتری از پتانسیل‌های اقتصادی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در آن کشور داشته باشند.

برای انجام این مطالعات و بررسی‌ها، کشور مقصد باید شرایط و زیرساخت‌های لازم را فراهم کند. به طور خاص، کشورهایی که قصد دارند سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنند، باید اطلاعات کاملی از بازار خود، زمینه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی، قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری و همچنین تسهیلات موجود برای سرمایه‌گذاری خارجی ارائه دهند. این اطلاعات کمک می‌کند تا شرکت‌های خارجی بتوانند تصمیماتی در خصوص ورود به بازار ایران اتخاذ کنند. علاوه بر این، شرکت‌های خارجی باید بتوانند مقررات و قوانین حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی خارجی را در کشور میزبان به دقت مطالعه کنند تا از هرگونه مشکل قانونی یا مالی در آینده جلوگیری شود. در این راستا، ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران یکی از گام‌های ضروری است که به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهد تا در کشور ایران حضور داشته و از نزدیک به مطالعه بازار و ارزیابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری بپردازند. ثبت شعبه یا نمایندگی یک شرکت خارجی در ایران، نه تنها به عنوان یک ابزار قانونی برای شناسایی و تنظیم روابط تجاری، بلکه به عنوان یک راهکار عملی برای ورود به بازار ایران و بررسی توانمندی‌ها و الزامات قانونی کشور میزبان عمل می‌کند. بدین ترتیب، این امکان برای شرکت‌های خارجی فراهم می‌شود که بدون تعهد به سرمایه‌گذاری عمده، ابتدا به مطالعه و بررسی شرایط بازار و قوانین اقتصادی ایران بپردازند. قانون‌گذار ایران نیز برای تسهیل این فرایند و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، اقدام به تدوین قوانین و مقرراتی کرده است که به ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در کشور کمک می‌کند. این قوانین و مقررات، تسهیلات و فرصت‌هایی را برای شرکت‌های خارجی فراهم می‌آورد تا بتوانند فعالیت‌های تجاری و اقتصادی خود را با کمترین ریسک و دشواری قانونی آغاز کنند. این تسهیلات شامل امکان ثبت شعبه و نمایندگی به صورت قانونی، شفافیت در مقررات اقتصادی و تجاری و همچنین حمایت‌های قانونی از سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود. در نتیجه، ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران نه تنها برای انجام تحقیقات و بررسی‌های اولیه در خصوص

بازار ایران، بلکه به عنوان اولین گام در راستای ایجاد ارتباطات تجاری و صنعتی با طرف‌های ایرانی، ضروری و حیاتی است. این فرایند به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهد تا وارد بازار ایران شوند، از نزدیک با شرایط اقتصادی و تجاری کشور آشنا شوند و به طور مؤثری برنامه‌ریزی کنند تا در آینده با سرمایه‌گذاری‌های عمده و بلندمدت در ایران، سودآوری و بازدهی مطلوبی داشته باشند.

۴. همکاری با شرکت‌های فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث

همکاری با شرکت‌های فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث یکی از روش‌های مؤثر برای ارتقای حضور شرکت‌های خارجی در بازارهای بین‌المللی و انجام پروژه‌های بزرگ و پیچیده است. این نوع همکاری‌ها معمولاً در پروژه‌هایی که نیاز به تخصص‌های خاص و منابع انسانی فنی دارند، صورت می‌گیرد. به‌ویژه در پروژه‌های بین‌المللی در زمینه‌های مهندسی، صنعتی، عمرانی و تجاری، شرکت‌های خارجی اغلب به دلیل پیچیدگی‌های فنی و نیاز به منابع انسانی و تجهیزات تخصصی، نیازمند مشارکت با شرکت‌های محلی (در اینجا شرکت‌های ایرانی) هستند تا بتوانند به طور مؤثر و به‌موقع پروژه‌ها را اجرا کنند. در چنین شرایطی، شرکت‌های خارجی که به‌منظور شرکت در مناقصات بین‌المللی و انجام پروژه‌ها در کشورهای ثالث به همکاری با شرکت‌های ایرانی می‌پردازند، برای داشتن حضور قانونی و مؤثر در ایران و تعامل نزدیک با شرکت‌های ایرانی، به ثبت شعبه یا نمایندگی نیاز دارند. ثبت شعبه یا نمایندگی به این شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که به‌صورت رسمی در ایران فعالیت کنند و از مزایای قانونی آن بهره‌مند شوند. این ثبت همچنین به شرکت‌های خارجی اجازه می‌دهد تا برای انجام تعهدات خود در کشور ثالث، از شرکت‌های ایرانی برای تأمین منابع و خدمات فنی و مهندسی استفاده کنند. در واقع، برای اجرای پروژه‌های مشترک با شرکت‌های ایرانی در کشورهای ثالث، ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی در ایران نقش مهمی ایفا می‌کند. این ثبت به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهد که بتوانند فعالیت‌های مرتبط با پروژه‌ها را در ایران هماهنگ کرده و از منابع و تخصص‌های موجود در کشور بهره‌برداری کنند. علاوه بر این، ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران موجب شفافیت بیشتر در روابط تجاری می‌شود و همکاری با شرکت‌های ایرانی را تسهیل می‌کند. قانون‌گذار ایرانی نیز با درک اهمیت چنین همکاری‌هایی، شرایط لازم برای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی را فراهم کرده است. این تسهیلات قانونی به‌ویژه در راستای حمایت از تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات داخلی است. به‌عبارت دیگر، ایران از ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی که قصد همکاری با شرکت‌های ایرانی برای پروژه‌های بین‌المللی دارند، حمایت می‌کند، زیرا این همکاری‌ها می‌تواند به نفع توسعه

فناوری، انتقال دانش فنی، ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود زیرساخت‌های صنعتی کشور باشد. این سیاست حمایتی علاوه بر ایجاد فرصت‌های تجاری برای شرکت‌های ایرانی، به شرکت‌های خارجی نیز امکان می‌دهد تا در مناقصات بین‌المللی به طور مؤثر شرکت کنند و پروژه‌های بزرگ را با همکاری شرکت‌های ایرانی به اجرا درآورند. این نوع همکاری‌ها نه تنها موجب ارتقای سطح تخصص و مهارت‌های فنی در کشور می‌شود، بلکه فرصتی برای معرفی فناوری‌های نوین و روش‌های مدیریتی مدرن به ایران فراهم می‌آورد. در نهایت، همکاری با شرکت‌های فنی و مهندسی ایرانی در پروژه‌های بین‌المللی، از طریق ثبت شعبه یا نمایندگی، به عنوان یک ابزار استراتژیک برای توسعه روابط تجاری ایران با کشورهای دیگر و جذب پروژه‌های بین‌المللی مطرح می‌شود و به تقویت موقعیت اقتصادی کشور کمک می‌کند.

۵. افزایش صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران

افزایش صادرات غیرنفتی یکی از اهداف اساسی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور است. در راستای تحقق این هدف، ایران به دنبال پیدا کردن راهکارها و ابزارهایی است که بتواند تولیدات غیرنفتی خود را به بازارهای بین‌المللی معرفی کرده و صادرات این کالاها را گسترش دهد. در این راستا، قانون‌گذار ایرانی به منظور تسهیل و تشویق فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در حوزه صادرات غیرنفتی، شرایط لازم را برای شرکت‌های خارجی فراهم کرده است تا بتوانند در ایران شعبه یا نمایندگی ثبت کنند. یکی از مزایای ثبت شعبه یا نمایندگی برای شرکت‌های خارجی، توانایی آن‌ها در معرفی کالاهای غیرنفتی ایران به بازارهای داخلی و خارجی است. شرکت‌های خارجی می‌توانند با استفاده از این شعبه‌ها و نمایندگی‌ها، کالاهای ایرانی را به بازارهای بین‌المللی عرضه کرده و از این طریق به افزایش صادرات غیرنفتی کمک کنند. همچنین، شرکت‌های خارجی می‌توانند با همکاری با تولیدکنندگان ایرانی و با به کارگیری فناوری‌های نوین، تولیدات غیرنفتی را ارتقاء دهند و استانداردهای بین‌المللی را در تولید کالاها و خدمات به کار گیرند که این امر به ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری محصولات ایرانی در بازارهای جهانی کمک خواهد کرد.

باتوجه به این موضوع، قانون‌گذار ایرانی برای شرکت‌های خارجی که تمایل دارند در راستای افزایش صادرات غیرنفتی به ایران وارد شوند و فعالیت کنند، امکان ثبت شعبه یا نمایندگی را فراهم کرده است. این اقدام به ویژه برای شرکت‌هایی که به دنبال گسترش روابط تجاری خود با ایران و ارتقاء سطح کیفی و کمی محصولات ایرانی هستند، اهمیت دارد. ثبت شعبه یا نمایندگی به این شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که در ایران فعالیت‌های

تجاری و صادراتی خود را انجام دهند و درعین حال از امتیازات قانونی بهره‌مند شوند. این تسهیلات قانونی، علاوه بر حمایت از صادرات غیرنفتی، به طور غیرمستقیم موجب ارتقای زیرساخت‌های تجاری و صنعتی ایران می‌شود. از آنجاکه شرکت‌های خارجی با سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری‌های جدید به ایران می‌آیند، این امر می‌تواند به ارتقاء توانمندی‌های تولیدی ایران در زمینه کالاهای غیرنفتی و افزایش کیفیت محصولات کمک کند. از سوی دیگر، حضور نمایندگی‌ها و شعب شرکت‌های خارجی در ایران می‌تواند به بهبود روابط اقتصادی و تجاری ایران با سایر کشورها و منطقه کمک کند. در نهایت، افزایش صادرات غیرنفتی یکی از اولویت‌های کلیدی سیاست‌های اقتصادی ایران است و با فراهم کردن بسترهای قانونی برای ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی، ایران امیدوار است که بتواند به طور مؤثر وارد بازارهای بین‌المللی شود و در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی گام بردارد. این روند نه تنها به تقویت بخش تولید و صادرات غیرنفتی ایران کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های جدیدی برای توسعه اقتصادی کشور و ارتقای سطح استانداردهای تولید کالاهای ایرانی ایجاد می‌کند.

۶. ارائه خدمات فنی مهندسی و انتقال دانش فنی و فناوری

ارائه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فناوری یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار و رقابت‌پذیری در سطح جهانی است. در دنیای امروز که تکنولوژی و نوآوری به سرعت در حال پیشرفت هستند، بسیاری از کشورها به دنبال بهره‌برداری از این دانش‌های نوین برای ارتقای صنعت و اقتصاد خود هستند. در این راستا، ایران نیز به منظور افزایش توانمندی‌های داخلی در زمینه‌های فنی و مهندسی و بهره‌برداری از فناوری‌های پیشرفته، اقدام به تسهیل شرایط برای شرکت‌های خارجی نموده است تا بتوانند با انتقال دانش فنی و ارائه خدمات تخصصی خود در ایران فعالیت کنند.

قانون‌گذار ایرانی در راستای تشویق به سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای دانش فنی و فناوری در کشور، این امکان را برای شرکت‌های خارجی فراهم کرده است تا در صورت تمایل به انتقال فناوری و دانش فنی به ایران، بتوانند شعبه یا نمایندگی خود را در کشور ثبت کنند. ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی به این شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که به طور رسمی در ایران فعالیت کنند و در زمینه‌های فنی و مهندسی خدمات ارائه دهند و به انتقال فناوری بپردازند. این امر می‌تواند برای کشور ایران از جهت به‌روزشدن صنایع، بهره‌مندی از استانداردهای بین‌المللی و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی بسیار مفید باشد. انتقال دانش فنی و فناوری از

اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا با انتقال این نوع از دانش‌ها، امکان بهبود فرایندهای تولید، کاهش هزینه‌ها، ارتقای کیفیت محصولات و خدمات، و همچنین افزایش بهره‌وری در صنایع مختلف فراهم می‌شود. در بسیاری از صنایع پیشرفته، استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فنی نقش مهمی در رقابت‌پذیری و توسعه دارد. بنابراین، باتوجه به اینکه شرکت‌های خارجی اغلب دارای توانمندی‌ها و دانش‌های فنی پیشرفته‌تری نسبت به شرکت‌های داخلی هستند، ثبت شعبه یا نمایندگی این شرکت‌ها می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای سطح علمی و فنی کشور باشد. با ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران، شرکت‌های خارجی قادر خواهند بود که به طور مستمر با شرکت‌های داخلی همکاری کنند، آموزش‌های تخصصی ارائه دهند، مشاوره‌های فنی و مهندسی ارائه کنند و به انتقال فناوری‌های جدید در زمینه‌های مختلف نظیر صنعت، انرژی، معدن، نفت و گاز، ارتباطات، و سایر حوزه‌های فنی بپردازند. این همکاری‌ها نه تنها به ارتقای سطح دانش فنی در کشور کمک می‌کند، بلکه موجب ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تقویت ظرفیت‌های تحقیقاتی و نوآوری و همچنین بهبود کیفیت زندگی مردم نیز خواهد شد. علاوه بر این، این روند همچنین منجر به هم‌افزایی دانش و تخصص میان شرکت‌های ایرانی و خارجی می‌شود و موجب گسترش تعاملات بین‌المللی در زمینه‌های علمی و فنی خواهد گردید. به این ترتیب، ایران می‌تواند از تجربیات موفق دیگر کشورها در زمینه‌های فنی و صنعتی بهره‌برداری کند و در عین حال در رقابت‌های جهانی به طور مؤثرتر شرکت کند. در نتیجه، ارائه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی از سوی شرکت‌های خارجی، فرصتی ارزشمند برای توسعه و پیشرفت ایران در زمینه‌های صنعتی، اقتصادی و علمی فراهم می‌آورد و باتوجه به شرایط قانونی موجود، شرکت‌های خارجی می‌توانند به راحتی در ایران شعبه یا نمایندگی ثبت کنند و از این طریق به همکاری و مشارکت در بهبود و نوآوری صنایع ایرانی کمک کنند.

۷. انجام فعالیت‌هایی که نیازمند به مجوز از دستگاه دولتی دی اصلاح است

انجام فعالیت‌هایی که نیاز به مجوز از دستگاه‌های دولتی دارند، یکی از جنبه‌های مهم نظارت و کنترل بر فعالیت‌های اقتصادی در هر کشور است. در جمهوری اسلامی ایران، این فعالیت‌ها معمولاً در حوزه‌های خاصی مانند حمل و نقل، بیمه، امور بانکی، بازرسی کالا، بهداشت، آموزش و سایر بخش‌های حساس اقتصادی قرار دارند. طبق قوانین و مقررات موجود، شرکت‌های خارجی که قصد دارند در این زمینه‌ها در ایران فعالیت کنند، باید ابتدا مجوزهای لازم را از مقامات ذیصلاح دولتی اخذ کنند. این امر معمولاً با هدف اطمینان از رعایت استانداردهای ملی و بین‌المللی و تضمین منافع عمومی کشور انجام می‌شود. برای مثال، اگر یک شرکت

خارجی بخواهد در زمینه حمل و نقل، اعم از حمل و نقل دریایی، هوایی یا زمینی فعالیت نماید، باید مجوزهای ویژه‌ای را از دستگاه‌های مرتبط مانند سازمان حمل و نقل و پایانه‌ها، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان هواپیمایی کشوری، راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و دیگر نهادهای دولتی اخذ کند. این دستگاه‌ها به دلیل اهمیت اقتصادی و امنیتی فعالیت‌های حمل و نقل، نظارت و مجوزدهی را بر عهده دارند تا اطمینان حاصل شود که شرکت‌های خارجی در چارچوب قوانین و مقررات ملی فعالیت می‌کنند. همچنین در حوزه‌های بیمه‌ای، بازرسی کالا، امور بانکی، بهداشت، و حتی آموزش، شرکت‌های خارجی برای شروع فعالیت نیاز به مجوز از نهادهای دولتی و مرتبط دارند. به عنوان مثال، برای فعالیت در بخش بیمه، باید از سازمان بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجوز گرفته شود. همین‌طور برای ورود به حوزه بانکی، دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ضروری است. این مجوزها معمولاً با هدف حفظ سلامت بازار، ارتقای رقابت و شفافیت، و همچنین تأمین حقوق مصرف‌کنندگان داخلی صادر می‌شود. بنابراین، شرکت‌های خارجی که قصد دارند در این زمینه‌ها فعالیت کنند، باید طبق قوانین ایران ابتدا شعبه یا نمایندگی خود را در کشور ثبت کنند. ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران به عنوان یک گام قانونی، به این شرکت‌ها اجازه می‌دهد که ضمن رعایت قوانین کشور، مجوزهای لازم را از نهادهای دولتی دریافت کنند. این الزام به ثبت شعبه یا نمایندگی باعث می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های خارجی در ایران تحت نظارت و کنترل مستقیم مقامات ذی‌صلاح قرار گیرد. چنین قوانینی در حقیقت به منظور حفظ منافع عمومی، نظارت بر استانداردهای ملی و بین‌المللی، و جلوگیری از هرگونه فعالیت اقتصادی غیرقانونی یا تهدیدآمیز برای اقتصاد کشور وضع شده است. علاوه بر این، با فراهم کردن این شرایط برای شرکت‌های خارجی، ایران می‌تواند از تجربیات و توانمندی‌های این شرکت‌ها بهره‌برداری کند و درعین حال از امنیت و سلامت بازارهای داخلی خود اطمینان حاصل کند. به‌طورکلی، فرایند ثبت شعبه یا نمایندگی برای شرکت‌های خارجی که قصد دارند در ایران فعالیت‌هایی را انجام دهند که نیازمند مجوز از دستگاه‌های دولتی هستند، در چارچوب قوانین مشخص و تحت نظارت دقیق دولت انجام می‌شود. این فرایند باعث می‌شود که فعالیت‌های شرکت‌های خارجی با استانداردها و قوانین ملی تطابق داشته باشد و درعین حال از حقوق و منافع مصرف‌کنندگان ایرانی حمایت گردد.

مبحث سوم: درصد مشارکت شرکت خارجی در شرکت سرمایه‌گذاری مشترک

طبق اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، کشاورزی، معادن و خدمات به بیگانگان مطلقاً ممنوع است». این اصل به‌طور کلی نشان‌دهنده سیاستی است که هدف آن حفاظت از اقتصاد داخلی و جلوگیری از تسلط بیگانگان بر بخش‌های حساس اقتصادی کشور است. در ابتدا، این ممنوعیت سبب ایجاد موانع جدی در برابر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شد. به‌طوری‌که اداره ثبت شرکت‌ها به استناد این اصل از ثبت شرکت‌های خارجی خودداری کرد و بنابراین سرمایه‌گذاران خارجی با چالش‌های جدی در خصوص ثبت و تأسیس شرکت‌های خود در ایران مواجه شدند. اما با گذشت زمان و با توجه به نیازهای اقتصادی کشور و همچنین ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مقامات و مراجع ذی‌صلاح در تلاش برآمدند تا با تفسیر این اصل و طراحی راه‌حل‌هایی عملی، موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاران خارجی را برطرف کنند. در واقع، تفسیری که از اصل ۸۱ صورت گرفت این بود که مقصود از «دادن امتیاز» تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به بیگانگان، لزوماً به معنای تصاحب کامل سهام و کنترل تصمیم‌گیری‌های شرکت‌ها توسط بیگانگان نیست، بلکه به‌طور مشخص‌تر، هدف جلوگیری از تسلط کامل بیگانگان بر شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در ایران بوده است.

این تفسیر به این معنا بود که در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی در قالب شراکت یا مشارکت با ایرانیان صورت گیرد و اکثریت سهام شرکت یا مؤسسه متعلق به ایرانیان باشد، و تصمیم‌گیری‌ها نیز تحت کنترل ایرانیان باشد، این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند به‌عنوان یک استثناء از ممنوعیت‌های اصل ۸۱ پذیرفته شود. بنابراین، شرکت‌های مشترک یا شعبه‌های خارجی که تحت شرایط خاص و با رعایت قوانین داخلی ایران فعالیت کنند، می‌توانند در کشور ثبت شوند و به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند.

مراجع ذی‌صلاح برای تسهیل ورود سرمایه‌گذاران خارجی و تطبیق آن با چارچوب‌های قانونی کشور، اقدام به وضع قوانین و مقرراتی کرده‌اند که اجازه می‌دهند شرکت‌های خارجی در زمینه‌های مشخصی در ایران فعالیت کنند، مشروط بر اینکه این فعالیت‌ها به‌طور کامل با قوانین داخلی کشور هماهنگ باشد و هیچ‌گونه تسلط و سلطه بیگانگان بر بخش‌های کلیدی اقتصاد کشور نداشته باشد. به این ترتیب، در عمل راه‌های مختلفی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور باز شد، بدون آنکه اصل ۸۱ قانون اساسی نقض شود. در نهایت، این سیاست‌ها به‌منظور ایجاد تعادل میان حفاظت از منافع ملی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر صنایع پیشرفته، تکنولوژی، و خدمات مهم اقتصادی تدوین شدند. این گونه بود که با طراحی چارچوب‌های قانونی مناسب، موانع ثبت و تأسیس شرکت‌های خارجی در ایران برطرف گردید و در عین حال

از تسلط بیگانگان بر منابع کلیدی اقتصادی کشور جلوگیری شد^{۷۷} و باید بپذیریم که اصل ۸۱ جهت جلوگیری از انحصار خارجی بنا شده و کسب سهام شرکت‌های ایرانی توسط خارجیان را منع نکرده است.^{۷۸} در نتیجه، باتوجه به اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصولاً دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات تجاری، کشاورزی، صنعتی، معادن و خدمات به خارجیان ممنوع است. این اصل به طور خاص با هدف جلوگیری از تسلط بیگانگان بر اقتصاد ایران و حفظ استقلال اقتصادی کشور وضع شده است. در اصل ۸۱، تصریح شده که بیگانگان نمی‌توانند اکثریت سهام شرکت‌های ایرانی را در اختیار داشته باشند یا کنترل آن‌ها را به دست گیرند. این ممنوعیت، به‌ویژه برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی است که ممکن است منجر به نفوذ بیش از حد بیگانگان در امور اقتصادی و سیاسی کشور شود. با این حال، اصل ۸۱ به طور مطلق جلوی تمام فعالیت‌های اقتصادی خارجی در ایران را نمی‌گیرد. در واقع، این اصل بیشتر به دنبال جلوگیری از تسلط بیگانگان بر ساختار اقتصادی کشور است و در صورتی که یک شرکت خارجی با ایران قرارداد تجاری داشته باشد یا سرمایه‌گذاری مشترک در قالب شراکت با ایرانی‌ها انجام دهد که منجر به ایجاد مشارکت دوطرفه و کنترل مشترک شود، این فعالیت‌ها از محدوده ممنوعیت اصل ۸۱ خارج می‌شوند. بنابراین، وقتی که یک شرکت خارجی به‌عنوان شریک ایرانی‌ها فعالیت می‌کند، اصولاً مشکلی از نظر قانون اساسی وجود ندارد. در عمل، بسیاری از شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد کرده‌اند، مجاز به ثبت شعبه‌های خود در ایران هستند. طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، شرکت‌های خارجی می‌توانند برای انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در ایران، طبق قراردادهای منعقد، شعبه‌های خود را ثبت کنند. در این مورد، فعالیت این شرکت‌ها با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد چرا که این شرکت‌ها کنترل اکثریتی بر شرکت‌های ایرانی ندارند و در قالب شراکت و همکاری مشترک با طرف ایرانی به فعالیت می‌پردازند. بنابراین، حتی اگر یک شرکت خارجی به‌عنوان شریک در پروژه‌های صنعتی یا تجاری در ایران سرمایه‌گذاری کند، این امر به‌هیچ‌عنوان با اصل ۸۱ مغایرت نخواهد داشت. در واقع، این نوع مشارکت‌ها در قالب سرمایه‌گذاری مشترک و مشارکت دوطرفه در بسیاری از موارد برای تحقق اهداف اقتصادی و پیشرفت‌های فنی و صنعتی مفید و ضروری هستند. یکی از زمینه‌های مهمی که به طور ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته،

^{۷۷} صفایی، حسین، *مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص. ۲۷۶.

^{۷۸} طباطبائی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹، ص. ۲۶۴.

موضوع انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صنایع پیشرفته است. بسیاری از کشورها به‌ویژه در حوزه‌های صنعتی، فناوری‌های نوین و مهندسی، تمایل دارند که در قالب سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های خارجی فعالیت کنند. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها شامل انتقال فناوری به داخل کشور، به‌ویژه در زمینه‌های صنعتی و فنی، می‌شود. بر اساس قوانین جدید، سرمایه‌گذاری‌های مشترک در قالب انتقال فناوری که توسط طرف‌های خارجی صورت می‌گیرد، مشکلی از نظر اصل ۸۱ قانون اساسی ندارند. به طور خاص، اگر شرکت خارجی در این زمینه شریک شود و در کنار طرف ایرانی در انتقال فناوری یا به‌روزرسانی صنایع داخلی ایران همکاری کند، این همکاری با اصل ۸۱ مغایرت ندارد. حتی اگر طرف خارجی اکثریت سهام را در اختیار داشته باشد، به شرط آنکه کنترل شرکت و تصمیم‌گیری‌ها در دست طرف ایرانی باشد، همچنان فعالیت‌های مشترک قانونی و مجاز است. در برخی موارد، ممکن است شرکت‌های خارجی به طور کامل سرمایه‌گذاری کنند و سهام‌دار صددرصدی یک شرکت در ایران شوند. این موضوع، طبق قوانین جدید به‌ویژه "قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی"، مشکلی با اصل ۸۱ قانون اساسی ندارد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه در صنایع و پروژه‌های خاص که نیاز به تخصص و فناوری‌های پیشرفته دارند، ممکن است ضروری و حتی مفید باشند. بنابراین، دولت ایران برای جذب سرمایه‌های خارجی و ارتقای تکنولوژی‌های داخلی، این امکان را فراهم کرده که شرکت‌های خارجی بتوانند بدون نقض اصل ۸۱، در ایران فعالیت کنند. در زمینه طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه آن‌هایی که به انتقال فناوری مربوط می‌شوند، اگر طرف خارجی در منافع تولید و بهره‌برداری از فناوری شریک باشد و این فناوری به طور مشترک میان دو طرف تقسیم شود، نمی‌توان این طرح‌ها را به‌عنوان امتیاز انحصاری و نقض اصل ۸۱ تلقی کرد. حتی اگر قراردادها بلندمدت باشند و طرف خارجی از سود حاصل از اجرای طرح‌ها بهره‌مند شود، این فعالیت‌ها همچنان تحت قوانین جمهوری اسلامی ایران و در راستای منافع دو طرف، یعنی طرف ایرانی و خارجی، قرار می‌گیرند و نمی‌توانند موجب نقض اصل ۸۱ شوند. در حقیقت، هنگامی که طرف خارجی تنها به‌عنوان شریک در پروژه‌ها و انتقال فناوری مشارکت می‌کند، این عمل نمی‌تواند به‌عنوان تسلط اقتصادی یا انحصار از سوی بیگانگان در نظر گرفته شود. بلکه هدف این است که ایران از این طریق بتواند به دانش فنی و فناوری‌های نوین دست یابد و از مزایای همکاری با شرکت‌های خارجی بهره‌مند شود. این نوع مشارکت‌ها در راستای توسعه صنایع داخلی و ارتقای توانایی‌های فنی و اقتصادی کشور است. در نهایت، باتوجه به تحلیل‌ها و قوانین موجود، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، به‌ویژه در زمینه‌های انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری مشترک، در صورتی که مطابق با قوانین

ایران و با کنترل و مشارکت ایرانی‌ها صورت گیرد، با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرت ندارد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها از نظر اقتصادی برای کشور مفید است بلکه می‌تواند موجب ارتقای صنایع داخلی و جذب فناوری‌های نوین در ایران شود.^{۷۹}

بنابراین، مستند به اصل ۸۱ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، طرف سرمایه‌گذار چینی که با دستگاه‌های دولتی ایران از جمله وزارت دفاع قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک منعقد طبق ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. در این راستا، طرف سرمایه‌گذار چینی باید در راستای ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها در کشور چین یک شرکت به‌منظور اجرای طرح سرمایه‌گذاری مشترک ثبت نماید و سپس اقدام به ایجاد یک شعبه در کشور ایران نماید. این شعبه می‌تواند به‌عنوان نماینده قانونی طرف سرمایه‌گذار چینی در ایران پروسه طرح سرمایه‌گذاری مشترک را پیاده‌سازی نماید. البته لازم به ذکر است که به‌منظور اجرای این طرح سرمایه‌گذاری مشترک، به‌هرحال ثبت یک شرکت مشترک ذیل قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک لازم است که تمامی منافع دو طرف ذیل آن شرکت شکل بگیرد. در خصوص این شرکت نیز، به‌موجب اصل ۸۱ قانون اساسی، طرف سرمایه‌گذاری چینی ممنوعیتی بابت سهام‌داری در این شرکت نخواهد داشت و محدودیتی نیز در خصوص میزان درصد سهام طرف سرمایه‌گذار خارجی وجود نخواهد داشت؛ با این حال، به نظر می‌رسد لازم است که به‌منظور جلوگیری از انحصار طرف سرمایه‌گذار چینی، امتیازات و کنترل‌ها موجود در شرکت مشترک نیز به‌صورت مشارکتی فی‌مابین طرفین تقسیم گردد تا از انحصار طرف سرمایه‌گذار خارجی و کنترل ایشان جلوگیری شود.

اداره ثبت شرکت‌ها به‌عنوان مرجع ثبت کلیه شرکت‌ها و به‌عنوان مرجع کنترل‌کننده ورود شرکت‌های خارجی در مرحله ثبت شرکت، درصد مشارکت اتباع خارجی را در نظر می‌گیرد. به‌طور معمول کنترل دولت بر ورود شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی امری طبیعی است و همه کشورهایی که اجازه ورود خارجی را داده‌اند، کنترلی را به‌گونه‌ای متفاوت اعمال می‌نمایند.

^{۷۹} سالاری، مصطفی، رضاییزاده، محمدجواد، معیارها و شرایط عمومی قراردادهای جدید نفتی ایران از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۲۵، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲-۱۲۸.

لازم به ذکر است که اداره ثبت شرکت‌ها حداکثر تا ۴۹ درصد مشارکت خارجی جهت ثبت شرکت موافقت می‌نماید؛ اما این وضعیت در صورت اخذ مجوز سرمایه‌گذاری متفاوت خواهد بود. طبق بند ب ماده ۴ آیین‌نامه قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیتی از نظر درصد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد. بنابراین سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند بدون هیچ‌گونه محدودیتی در این خصوص به اخذ مجوز سرمایه‌گذاری خارجی به مشارکت با اتباع محلی تمایل ندارد، اخذ مجوز سرمایه‌گذاری اقدام نماید. بنابراین در چنین مواردی سرمایه‌گذار خارجی که به مشارکت داخلی تمایل دارد می‌تواند با اخذ مجوز سرمایه‌گذاری و با انتخاب درصد مشارکت به هدف خود نائل آید. شایان ذکر است پس از آن که سرمایه‌گذار خارجی مجوز سرمایه‌گذاری را اخذ نمود می‌تواند از خدمات سازمان سرمایه‌گذاری جهت ثبت شرکت بهره‌مند گردد. به عبارت دیگر مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی سازمان سرمایه‌گذاری که از جمله وظایف آن انجام هماهنگی‌های لازم در امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی بعد از صدور مجوز سرمایه‌گذاری شامل ثبت شرکت مشترک باشد، با معرفی وی به اداره ثبت شرکت‌ها شرایط ثبت شرکت سرمایه‌گذار را با درصد مقرر در مجوز فراهم می‌آورد و اداره ثبت شرکت‌ها با اخذ چنین معرفی‌نامه‌ای و اطمینان از صدور مجوز سرمایه‌گذاری به ثبت شرکت با درصد مشارکت خارجی طبق مندرجات مجوز اقدام خواهد نمود. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که باتوجه به این که هیچ‌گونه محدودیتی در درصد مشارکت آن دسته از شرکت‌های خارجی که در مناطق آزاد تجاری صنعتی به ثبت شرکت فرعی خود اقدام می‌نمایند وجود ندارد.

فصل چهارم: قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران

قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در این مناطق و تسهیل فرایندهای مرتبط، مزایای ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده است. طبق این قانون، سرمایه‌گذاری می‌تواند در انواع مختلف اعم از وجوه نقدی، ماشین‌آلات، تجهیزات، دانش فنی و حقوق مالکیت صنعتی باشد و سرمایه‌گذاران می‌توانند به صورت مستقل یا مشارکتی با سازمان‌های مناطق آزاد یا سایر سرمایه‌گذاران فعالیت کنند. برای انجام سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار باید درخواست خود را به سازمان منطقه آزاد تسلیم کرده و مجوزهای لازم را دریافت کند. همچنین، سرمایه‌گذاران می‌توانند سرمایه خود را بیمه کنند و در صورت وقوع حادثه، بیمه‌گذار جانشین آنان خواهد شد. حقوق سرمایه‌گذاران خارجی نیز از طریق تضمین‌های قانونی و جبران خسارت در صورت سلب مالکیت مورد حمایت قرار می‌گیرد. در خصوص خروج سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران می‌توانند مبالغ خود را از مناطق آزاد خارج کنند، به شرط اینکه شرایط قانونی لازم را احراز کنند. همچنین، انتقال سهام یا سهم‌الشرکه میان سرمایه‌گذاران با موافقت سازمان‌های مناطق آزاد امکان‌پذیر است. این قانون همچنین مقرراتی برای انتقال سرمایه بین مناطق آزاد مختلف و حل اختلافات میان سرمایه‌گذاران و طرف ایرانی تعیین کرده است. هدف اصلی این قانون، تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و جذب سرمایه‌های خارجی در راستای توسعه اقتصادی کشور است.

قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، برای تسهیل و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی طراحی شده است. در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین، این قانون نقش مهمی ایفا می‌کند. مناطق آزاد تجاری و صنعتی در ایران به دلیل معافیت‌های مالیاتی، تسهیلات گمرکی و مقررات ساده‌تر، بستری جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد کرده‌اند. برای سرمایه‌گذاران چینی، این قانون می‌تواند فرصتی مناسب برای توسعه فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فناورانه در ایران باشد، به‌ویژه در زمینه‌هایی که دو کشور علاقه‌مند به همکاری در آن هستند، مانند فناوری‌های نوین، صنایع تولیدی و انرژی.

در سرمایه‌گذاری مشترک ایران و چین، طرفین می‌توانند با استفاده از این قانون، از امکانات ویژه‌ای همچون معافیت‌های گمرکی، تسهیلات در واردات و صادرات کالا، و همچنین تخفیف در مالیات بهره‌مند شوند. این

تسهیلات برای شرکت‌های چینی که قصد دارند در زمینه‌های مختلف اقتصادی نظیر تولید، خدمات و صادرات به بازارهای منطقه‌ای فعالیت کنند، بسیار مهم است. به‌ویژه که چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران، در بخش‌های مختلف اقتصادی دارای توانمندی‌های فراوان است و مناطق آزاد می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی میان دو کشور عمل کنند. سرمایه‌گذاران چینی می‌توانند از طریق ثبت شرکت مشترک در مناطق آزاد، به‌ویژه در حوزه‌های صنعتی و فناوری، به انجام فعالیت‌های اقتصادی بپردازند. این نوع سرمایه‌گذاری به‌طور خاص در مناطقی مانند چابهار، قشم و کیش که از نظر زیرساخت‌های اقتصادی و تجاری برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی آماده هستند، می‌تواند توسعه یابد. بر اساس قانون مقررات سرمایه‌گذاری، این سرمایه‌گذاران می‌توانند از مزایای ویژه‌ای همچون معافیت‌های مالیاتی و گمرکی استفاده کرده و فعالیت‌های خود را با هزینه کمتری در مقایسه با سایر مناطق کشور آغاز کنند. این قانون همچنین فرایند ثبت سرمایه‌گذاری و شفاف‌سازی شرایط سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کند. به‌طور خاص، برای سرمایه‌گذاران چینی که ممکن است با سیستم حقوقی ایران آشنایی نداشته باشند، این مقررات فرایندهای روشن و مشخصی را برای ثبت سرمایه‌گذاری، اخذ مجوزها و انجام فعالیت‌های تجاری فراهم می‌کند. این شفافیت می‌تواند به کاهش ریسک‌ها و مشکلات حقوقی کمک کند و اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را به‌ویژه در زمینه‌های حساس مثل انتقال فناوری جلب کند. در زمینه انتقال فناوری، قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد این امکان را فراهم می‌آورد که شرکت‌های چینی با ثبت شرکت‌های مشترک، به انتقال دانش فنی و فناوری‌های پیشرفته به ایران پرداخته و درعین‌حال از معافیت‌های گمرکی برای واردات تجهیزات و فناوری‌های نوین بهره‌مند شوند. این مسئله به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند صنایع خودروسازی، انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری اطلاعات می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقاء سطح تکنولوژی در ایران داشته باشد. مناطق آزاد می‌توانند به‌عنوان کانون‌های جذب سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های مشترک ایران و چین در صنایع مختلف عمل کنند. از آنجاکه سرمایه‌گذاران خارجی، از جمله چینی‌ها، معمولاً به دنبال بهره‌برداری از زیرساخت‌ها و تسهیلات ویژه در مناطق آزاد هستند، این قانون می‌تواند به‌عنوان عاملی محرک برای گسترش همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور تلقی شود. این همکاری‌ها می‌تواند به‌ویژه در صنایع زیرساختی مانند حمل‌ونقل، صنایع انرژی و فناوری‌های نوین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. از دیگر مزایای این قانون برای سرمایه‌گذاری مشترک ایران و چین، تضمین حمایت قانونی از حقوق سرمایه‌گذاران است. طبق این قانون، حقوق سرمایه‌گذاران خارجی مورد تضمین قرار گرفته است و در صورت بروز مشکلاتی مانند سلب مالکیت یا تغییرات قانونی، سرمایه‌گذار می‌تواند از حمایت

قانونی برخوردار شود. این امر می‌تواند اطمینان خاطر بیشتری به سرمایه‌گذاران چینی بدهد که از سرمایه‌گذاری‌های خود در ایران محافظت خواهند شد. از آنجاکه ایران در تلاش است تا با استفاده از مناطق آزاد به طور ویژه در بخش‌های صنعتی و تجاری رونق ایجاد کند، این قانون می‌تواند به تسهیل جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از جمله چین کمک کند. در این راستا، مناطق آزاد می‌توانند بستری برای تولید محصولات صادراتی با کیفیت بالا فراهم کرده و به چین این امکان را بدهند که کالاها و خدمات خود را به سایر کشورهای منطقه و حتی اروپا و آسیای مرکزی صادر کند. به‌طور کلی، این قانون به سرمایه‌گذاران چینی این امکان را می‌دهد که با حداقل هزینه و در مدت زمان کوتاه‌تر، پروژه‌های مشترک خود را در ایران به مرحله اجرا برسانند. علاوه بر این، می‌توانند از مزایای قوانین تجارت آزاد در این مناطق بهره‌مند شوند که این خود فرصتی است برای گسترش فعالیت‌های تجاری و صنعتی چین در ایران و بالعکس. در نهایت، با توجه به رشد اقتصادی چین و نیاز ایران به گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مختلف، این قانون می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر در تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران عمل کند. این همکاری نه تنها برای ایران و چین سودآور است؛ بلکه به تقویت روابط اقتصادی و تجاری میان دو کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی و صنعتی برای ایرانیان کمک خواهد کرد.

در مناطق آزاد تجاری-صنعتی، یکی از مشوق‌های اصلی برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش تشریفات اداری و سهولت در انجام امور مرتبط با واردات و صادرات است. این مناطق به دلیل معافیت‌های گمرکی و مالیاتی، شرایط مطلوبی را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کنند تا فعالیت‌های تجاری خود را با هزینه‌های پایین‌تری آغاز کنند. یکی از ویژگی‌های بارز این مناطق، عدم اعمال مقررات عمومی صادرات و واردات و نیز معافیت از پرداخت عوارض گمرکی است که برای سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند جذابیت زیادی داشته باشد. در مقایسه با سرزمین اصلی، در مناطق آزاد مسئولیت ارزشیابی کالاهایی نظیر ماشین‌آلات، تجهیزات و مواد اولیه وارداتی بر عهده سازمان هر منطقه است، نه گمرک. این امر موجب تسهیل فرایندهای واردات و کاهش بروکراسی‌های مرتبط با ارزیابی و ترخیص کالا می‌شود. در مناطق آزاد، به‌جای آن که سرمایه‌گذاران خارجی مجبور به ثبت سفارش در وزارت بازرگانی و طی مراحل پیچیده گمرکی در سرزمین اصلی شوند، فرایند واردات کالاها تحت نظارت سازمان مناطق آزاد صورت می‌گیرد و تشریفات کمتری برای ترخیص کالاها وجود دارد. این تسهیلات گمرکی در مناطق آزاد به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران خارجی حائز اهمیت است؛ زیرا امکان واردات کالاهای موردنیاز به‌صورت سریع و با حداقل هزینه‌ها را فراهم می‌آورد. بسیاری از کالاها

در این مناطق از پرداخت عوارض بندری و فرودگاهی معاف هستند که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کاهش هزینه‌های واردات و در نهایت افزایش رقابت‌پذیری محصولات تولیدی در این مناطق داشته باشد. این مقررات همچنین موجب می‌شود که واردات کالاهای سرمایه‌ای، تجهیزات و مواد اولیه برای تولید در مناطق آزاد بدون مواجهه با مقررات سخت گمرکی صورت گیرد. در نتیجه، این مناطق می‌توانند به بستری مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شوند که به‌ویژه در پروژه‌های صنعتی و تولیدی به ورود فناوری و تجهیزات جدید کمک خواهد کرد. از طرف دیگر، به دلیل کاهش تشریفات گمرکی و سهولت در ترخیص کالا، فرایندهای تجاری و صنعتی در مناطق آزاد سریع‌تر پیش می‌رود و این امر برای سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های چینی که به دنبال سرعت در اجرای پروژه‌های مشترک در ایران هستند، مزیتی مهم محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاران می‌توانند با کاهش زمان و هزینه‌های ترخیص کالا، پروژه‌های خود را به‌سرعت در این مناطق راه‌اندازی کنند و به بازارهای داخلی و بین‌المللی دسترسی پیدا کنند.

مقررات و مشوق‌های گمرکی مناطق آزاد، علاوه بر تسهیل فرایندهای واردات و صادرات کالا، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری ایفا می‌کنند. با حذف موانع و مقررات پیچیده گمرکی، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند به راحتی و با هزینه‌های کمتر، مواد اولیه و تجهیزات لازم برای پروژه‌های خود را وارد کنند. این کاهش هزینه‌ها و زمان اجرایی شدن پروژه‌ها، به‌ویژه در پروژه‌های مشترک با کشورهایمانند چین که دارای صنایع پیشرفته و تکنولوژی‌های نوین هستند، می‌تواند عامل مهمی در جذب سرمایه‌گذاران خارجی باشد. افزون بر این، مشوق‌های گمرکی در مناطق آزاد موجب تسهیل فرایند راه‌اندازی سریع‌تر پروژه‌ها می‌شود. این امر به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد که به‌سرعت در پروژه‌های خود پیشرفت کنند و به سودآوری برسند. این شرایط، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران چینی که به دنبال فرصت‌های تجاری و اقتصادی در ایران هستند، می‌تواند جذابیت زیادی داشته باشد. در نهایت، استفاده از این مشوق‌ها می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد اقتصادی در کشور کمک کند و همچنین صنایع مختلف داخلی را به سطح بالاتری از رقابت و توسعه برساند. در مجموع، این مشوق‌ها و تسهیلات گمرکی در مناطق آزاد، علاوه بر جذب سرمایه‌گذاران خارجی، باعث افزایش تعاملات اقتصادی بین‌المللی، تقویت زیرساخت‌ها و انتقال فناوری‌های پیشرفته به ایران می‌شود. این روند نه تنها به رشد بخش‌های صنعتی و تولیدی کشور کمک می‌کند، بلکه موجب پیشرفت در سایر زمینه‌های اقتصادی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه و نوآوری در صنعت ایران خواهد شد.

در مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، حقوق مالکیت صنعتی شامل حق اختراع، دانش فنی، علائم تجاری و اسامی تجاری به‌عنوان یکی از اقسام سرمایه‌ها به رسمیت شناخته شده است. این نوع سرمایه‌ها می‌توانند در صورت تأیید ارزش توسط سازمان هر منطقه، به‌عنوان سرمایه وارد شده در دفاتر سازمان ثبت شوند. طبق بند ماده ۸ این مقررات، ارزش این سرمایه‌ها باید توسط سازمان‌های مربوطه تأیید گردد و زمان‌بندی اختصاص ارزش به حساب سرمایه به‌موازات انتقال دانش فنی صورت می‌گیرد. این بدان معناست که فرایند تأسیس سرمایه برای حقوق مالکیت صنعتی و دانش فنی با انتقال واقعی این دانش یا مالکیت در کشور هم‌زمان خواهد بود. باتوجه به این که تأیید ارزش این نوع سرمایه‌ها به سازمان‌های هر منطقه محول شده، برخی جزئیات در خصوص چگونگی ارزیابی این سرمایه‌ها در مقررات ذکر نشده است. بااین‌حال، روشن است که همچون سایر سرمایه‌ها که به مناطق آزاد وارد می‌شوند، برای انتقال دانش فنی نیز فرایند بازرسی و بررسی‌های لازم صورت خواهد گرفت. در واقع، همان‌طور که در سایر موارد سرمایه‌گذاری، بازرسی‌هایی در راستای احراز صحت و تطابق سرمایه‌ها انجام می‌شود، برای دانش فنی و مالکیت‌های صنعتی نیز چنین فرایندی در نظر گرفته خواهد شد تا از صحت انتقال و برآورد درست ارزش آن‌ها اطمینان حاصل شود. بنابراین، به‌طور کلی، نحوه ثبت و ارزیابی حقوق مالکیت صنعتی در مناطق آزاد ایران به‌نوعی طراحی شده که هم‌زمان با انتقال دانش فنی و مالکیت‌های صنعتی، سازمان‌های مربوطه با دقت و بازرسی لازم، این سرمایه‌ها را به ثبت برسانند. این فرایند باعث می‌شود تا هم سرمایه‌گذاران خارجی و هم کشور میزبان از بهره‌مندی کامل و صحیح از این نوع سرمایه‌ها برخوردار شوند.

در نهایت، طبق ماده ۵ مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی منطقه به هر نسبتی مشارکت کنند. این بدان معناست که در صورتی که یک شرکت سرمایه‌گذاری مشترک در مناطق آزاد تأسیس شود، هیچ محدودیتی برای میزان درصد مشارکت سرمایه‌گذار خارجی وجود ندارد. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی قادرند تا در فعالیت‌های اقتصادی منطقه آزاد به طور کامل یا جزئی مشارکت کنند، بدون آنکه محدودیتی در میزان سهام خود در شرکت داشته باشند. این ویژگی به‌ویژه در پروژه‌های مشترک با کشورهای دیگر مانند چین، جذابیت بیشتری ایجاد می‌کند، چرا که سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند بدون نگرانی از محدودیت‌های قانونی در خصوص میزان سهام و کنترل، در پروژه‌ها مشارکت کنند و سود بیشتری را از این سرمایه‌گذاری‌ها به دست آورند.

بخش سوم: سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری در نظام حقوقی چین

جمهوری خلق چین که در شرق آسیا در سواحل غربی اقیانوس آرام واقع شده است، دارای قلمرو وسیعی است که دارای منابع غنی و محصولات متنوع است. چین با مساحت تقریباً ۹,۶ میلیون کیلومترمربع، سومین کشور بزرگ جهان در قلمرو است. مرز زمینی چین ۲۲۸۰۰ کیلومتر امتداد دارد و با ۱۴ کشور هم مرز است. آب‌های سرزمینی چین از طریق دریا با هشت کشور همسایه است. خطوط ساحلی شرق و جنوب قاره بیش از ۱۸۰۰۰ کیلومتر را در برمی‌گیرد و بیش از ۱۱۰۰۰ جزیره را شامل می‌شود. تا پایان سال ۲۰۲۲، چین در مجموع ۱,۴۱۱,۷۵۰,۰۰۰ نفر جمعیت داشت. چین از ۳۴ منطقه اداری و در سطح استانی شامل ۲۳ استان، پنج منطقه خودمختار، چهار شهرداری و دو منطقه اداری ویژه تشکیل شده است. چین از زمان‌های قدیم یک کشور متحد چندقومی بوده است. در بیش از ۵۰۰۰ سال تاریخ چین، مردم از همه گروه‌های قومی برای ساختن ملت بزرگ چین ادغام شده‌اند و به میراث فرهنگی چین با آداب‌ورسوم منحصربه‌فرد و متنوع کمک کرده‌اند. پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، دولت مرکزی به طور رسمی ۵۶ گروه قومی مختلف را شناسایی کرد. هآن‌ها اکثریت ملی را تشکیل می‌دهند و باقی‌مانده به دلیل جمعیت بسیار کمتر به‌طورکلی به‌عنوان اقلیت‌های قومی شناخته می‌شوند. مردم چین از همه اقوام از برابری، وحدت و کمک متقابل بر اساس همبستگی و همکاری برای رفاه مشترک برخوردارند. در طول تاریخ طولانی ادغام ملی چین، مردم چین تنوع را پذیرفته‌اند و نگرش آشکاری نسبت به فرهنگ‌های خارجی داشته‌اند.

نظام سیاسی اساسی چین از کنگره‌های مردمی تشکیل شده است که کنگره ملی جمهوری خلق چین به‌عنوان ارگان عالی قدرت دولتی است. نهاد دائمی آن کمیته دائمی کنگره ملی خلق است و قدرت قانون‌گذاری ایالت را اعمال می‌کنند و بر انتخاب یا عزل رهبران عمده ایالت نظارت می‌کنند. رئیس‌جمهور جمهوری خلق چین به نمایندگی از جمهوری خلق چین دیدارهای دولتی انجام می‌دهد و سفرای خارجی را می‌پذیرد. رئیس‌جمهور همچنین سفیران در کشورهای خارجی را نام می‌برد یا برکنار می‌کند و معاهدات یا موافقت‌نامه‌های مهم با نهادهای خارجی را مطابق امضا یا لغو می‌کند. شورای دولتی (دولت مرکزی خلق) جمهوری خلق چین، نهاد اجرایی و بالاترین ارگان مدیریت دولتی است. ارگان‌های قضایی چین متشکل از دادگاه عالی خلق جمهوری خلق چین و دادگاه‌های مردمی محلی است. دادگاه‌های مردمی بدون دخالت ارگان‌های اداری، سازمان‌های اجتماعی یا افراد، به طور مستقل و طبق قوانین، قدرت قضایی را اعمال می‌کنند. دادستانی عالی خلق و دادرهای مردمی در سطوح مختلف، ارگان‌های نظارت قانونی دولتی هستند. دادستان‌های مردمی بدون دخالت ارگان‌های اداری، سازمان‌های اجتماعی یا افراد، قوه دادرسی را به طور مستقل و طبق قوانین اجرا می‌کنند.

چین ثبات سیاسی و قضایی بلندمدت را حفظ کرده است و توسعه اجتماعی مرفه را در یک محیط امن با سیستم‌های عملکردی روان تضمین می‌کند. در حال حاضر، سیستم اقتصادی بازار سوسیالیستی چین، مالکیت عمومی را به عنوان تکیه‌گاه اصلی در حال توسعه در کنار سایر اشکال مالکیت و یک سیستم توزیع مبتنی بر نیروی کار که با شیوه‌های مختلف توزیع هم‌زیستی دارد، تمرکز دارد. به منظور توسعه اقتصادی با مکانیسم‌های بازار مؤثرتر، موجودیت‌های خرد پویا، و مقررات کلان صحیح، چین تلاش می‌کند تا الگوی هماهنگی دولت و بازار را با یکپارچگی ارگانیک، مکمل و تقویت متقابل تقویت کند. با انجام این کار، چین می‌تواند به هدف تبدیل حقوق مالکیت به عنوان مشوق‌های مؤثر، جریان آزاد عوامل، قیمت‌های انعطاف‌پذیر، رقابت منصفانه و منظم و بقای تجارت که توسط رقابت تعیین می‌شود، دست یابد. سیستم مدیریت بازار محور امکان حرکت آزاد نیروی کار در بازار را فراهم می‌کند. در همین حال، نهادهای تجاری حق دارند در محدوده قانونی مدیریت مستقل داشته باشند. هیچ سازمان یا فردی مجاز به مداخله در امور مختلف مربوط به تصمیم‌گیری مستقل واحدهای تجاری مطابق قانون نیست.

چین به دومین بازار مصرف‌کننده بزرگ جهان، بزرگ‌ترین تاجر کالا، دومین تاجر بزرگ خدمات، دارنده بزرگ‌ترین ذخایر ارزی و دومین اقتصاد بزرگ در استفاده از سرمایه خارجی تبدیل شده است. چین با تقویت مستمر موقعیت خود به عنوان یک نیروگاه اقتصادی و تجاری، به ستون فقرات و رهبر جهانی شدن اقتصادی تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۲، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخت شده به ۱۲۳۲٫۶۸ میلیارد یوان رسید که ۶٫۳ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته بر مبنای مشابه، افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری در صنایع با فناوری پیشرفته ۲۸٫۳ درصد افزایش یافته است که سهم آن در کل به ۳۶٫۱ درصد رسیده است، ۱٫۷ درصد نسبت به سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. تا پایان سال ۲۰۲۲، بیش از ۱٫۱۲ میلیون شرکت سرمایه‌گذاری خارجی در چین راه‌اندازی شده بود که سرمایه‌گذاری خارجی انباشته آن بیش از ۱۹٫۷ تریلیون یوان است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی با حدود ۲ درصد از کل شرکت‌های چین، حدود ۵/۲ از واردات و صادرات چین، ۶/۱ درآمد مالیاتی، ۵/۱ ارزش افزوده صنعتی و حدود ۱۰/۱ از سهم شهری را تشکیل می‌دهند.

بر اساس گزارشی که بانک جهانی در اکتبر ۲۰۲۲ منتشر کرد، چین به طور متوسط ۳۸٫۶ درصد در رشد اقتصادی جهان بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ مشارکت داشته است. محاسبات اولیه نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۲، چین نزدیک به ۲۰ درصد در رشد اقتصادی جهان نقش داشته است و همچنان یک موتور حیاتی باقی‌مانده است. سرمایه‌گذاری در چین سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا با اقتصاد این کشور رشد کنند.

حدود یک دهه پس از دوره اصلاحات و بازگشایی، چین استراتژی توسعه سه مرحله‌ای خود را برای دستیابی به نوسازی سوسیالیستی پیشنهاد کرد. در آغاز قرن بیست و یکم، چین وارد مرحله جدیدی از ساختن یک جامعه نسبتاً مرفه از همه جهات و سرعت بخشیدن به پیشرفت مدرنیزاسیون سوسیالیستی شد. چین بر توسعه

اقتصادی قوی‌تر، دموکراسی بیشتر، علم و آموزش پیشرفته‌تر، فرهنگ شکوفا، هماهنگی اجتماعی بیشتر و کیفیت زندگی بهتر تا سال ۲۰۲۰ تمرکز کرد. اکنون پیشنهاد می‌کند اساساً تا اواسط قرن به مدرنیزاسیون دست یابد و چین را به یک کشور سوسیالیستی مدرن تبدیل کند. در سال ۲۰۱۷، چین پیش‌نویس برنامه توسعه دوم مرحله‌ای را برای دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰ تهیه کرد. این طرح از تجزیه و تحلیل جامع محیط‌ها و شرایط توسعه چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی استفاده می‌کند. در مرحله اول از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۵، چین بر اساس جامعه نسبتاً مرفه از قبل تأسیس شده خود برای تحقق مدرنیزاسیون سوسیالیستی اساسی استوار خواهد شد. در مرحله دوم از سال ۲۰۳۵ تا ۲۰۵۰، چین بر این اساس بنا خواهد کرد تا به کشوری مرفه، قوی، دموکراتیک، فرهنگی پیشرفته، هماهنگ و زیبای سوسیالیستی مدرن تبدیل شود. در دوره جدید توسعه سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، چشم‌انداز استراتژیک چین به شرح زیر است: ایجاد یک جامعه نسبتاً مرفه از همه جهات، تحقق مدرنیزاسیون و توسعه چین به یک کشور بزرگ مدرن سوسیالیستی در همه ابعاد. در سال ۲۰۲۲، بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست چین اشاره کرد که «از این روز به بعد، وظیفه اصلی حزب کمونیست چین رهبری مردم چین از همه اقوام در تلاشی هماهنگ برای تحقق هدف قرن دوم خواهد بود. ساختن چین به یک کشور بزرگ مدرن سوسیالیستی از همه جهات و پیشبرد جوان‌سازی ملت چین در همه جبهه‌ها از طریق مسیر چینی به سمت مدرنیزاسیون».

چین از اصل اساسی پیگیری پیشرفت و درعین حال تضمین ثبات حمایت می‌کند. فلسفه توسعه جدید شامل توسعه نوآورانه، هماهنگ، سبز، باز و مشترک را به اجرا می‌گذارد. توسعه هماهنگ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی را ترویج می‌کند و راهبردهای زیر را اجرا می‌کند: جوان‌سازی ملی از طریق علم و آموزش، تقویت کشور از طریق توسعه منابع انسانی، توسعه نوآورانه، احیای روستایی، توسعه هماهنگ منطقه‌ای و توسعه پایدار. در نتیجه، کشور می‌تواند از مرحله رشد سریع به مرحله توسعه با کیفیت بالا گذر کند. در سال ۲۰۲۰، چین به دستاوردهای تعیین‌کننده‌ای در تضمین پیروزی در ساختن یک جامعه نسبتاً مرفه از همه جهات دست یافت و پایه محکمی را برای آن ایجاد کرد تا سفری جدید برای ساختن کامل یک کشور سوسیالیستی مدرن را آغاز کند.

طرح کلی چهاردهمین برنامه پنج‌ساله (۲۰۲۱-۲۰۲۵) برای توسعه ملی اقتصادی و اجتماعی و اهداف بلندمدت تا سال ۲۰۳۵ در ۱۲ مارس ۲۰۲۱ منتشر شد. این طرح سندی برای هدایت توسعه اقتصادی و اجتماعی چین در ۵ تا ۱۵ سال آینده، با مشخص کردن اصول راهنما، اهداف اصلی، وظایف و اقدامات در طول دوره برنامه پنج‌ساله چهاردهم است.

طرح کلی شامل مرحله جدیدی از توسعه، فلسفه توسعه جدید و پارادایم توسعه جدید است. مرحله جدید توسعه به سفر جدید به سوی یک کشور سوسیالیستی مدرن اشاره دارد. فلسفه توسعه جدید به توسعه نوآورانه،

هماهنگ، سبز، باز و مشترک اشاره دارد. پارادایم توسعه جدید به پارادایم با بازار داخلی به عنوان پایه اصلی و بازارهای داخلی و بین‌المللی که یکدیگر را تقویت می‌کنند، اشاره دارد.

در راستای اهداف اصلی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در طول دوره چهاردهم برنامه پنج‌ساله، چین تلاش خواهد کرد تا در طول دوره گام‌های جدیدی در توسعه اقتصادی بردارد. گام‌های جدیدی در اصلاحات و گشایش برداشته خواهد شد. آداب معاشرت و ادب چین بیشتر تقویت خواهد شد. پیشرفت جدیدی در ساخت یک تمدن زیست‌محیطی حاصل خواهد شد. رفاه مردم افزایش خواهد یافت. پیشرفت بیشتری در ظرفیت حکومتی چین حاصل خواهد شد. اقدامات اصلی شامل توسعه مبتنی بر نوآوری برای ایجاد نقاط قوت جدید است. نوسازی صنعتی برای تقویت بنیان اقتصاد واقعی؛ ایجاد یک بازار داخلی قوی و یک الگوی توسعه جدید؛ ابتکاری برای ساخت چین دیجیتال؛ اصلاحات جامع و عمیق برای توسعه یک اقتصاد بازار سوسیالیستی که به‌خوبی کار می‌کند. توسعه کشاورزی و روستایی و احیای روستایی؛ استراتژی جدید شهرنشینی با تمرکز بر توسعه کیفی؛ بهبود ساختارهای اقتصادی منطقه‌ای و ترویج توسعه هماهنگ منطقه‌ای؛ توسعه سبز و هم‌زیستی هماهنگ بین انسان و طبیعت؛ گشایش بیشتر برای همکاری برد-برد؛ و بهبود رفاه مردم از طریق رویکرد مشارکتی.

در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۱، چین چهاردهمین برنامه پنج‌ساله استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را منتشر کرد که به‌وضوح اصول راهنما، اهداف توسعه و وظایف کلیدی در استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی توسط چین را برای تسهیل سرمایه‌گذاری و عملیات تجاری توسط سرمایه‌گذاران خارجی در دوره برنامه پنج‌ساله چهاردهم مشخص می‌کند. چهاردهمین برنامه پنج‌ساله برای استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی، اهداف استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را تا سال ۲۰۳۵ مطرح می‌کند، مزیت‌های رقابتی جامع چین در جذب سرمایه‌گذاری خارجی برجسته‌تر می‌شود، ظرفیت و کیفیت استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی به طور قابل توجهی بهبود داده است و با محیط تجاری در سطح جهانی، چین به مقصد اصلی سرمایه‌گذاری فراملی تبدیل می‌شود. برنامه پنج‌ساله چهاردهم برای استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی اهداف استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را در دوره برنامه پنج‌ساله چهاردهم بیان می‌کند: بخش‌های بیشتری مجاز به دریافت سرمایه‌گذاری خارجی هستند. ساختار استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر بهبود می‌یابد. سیستم مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی قوی‌تر می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی از محیطی بهینه برخوردار است. مقیاس سرمایه‌گذاری خارجی در رتبه‌های برتر جهان قرار دارد. چین موقعیت خود را به عنوان یک نیروگاه در این بخش تضمین می‌کند. روابط هماهنگ بین سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت خارجی و ترویج مصرف بیشتر تقویت می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر به تقویت اقتصاد داخلی و اتصال بازارهای داخلی و خارجی کمک می‌کند. چهاردهمین برنامه پنج‌ساله استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی همچنین اقدامات اصلی را برای دستیابی به این اهداف پیشنهاد می‌کند: چین گشایش

در سطوح بالاتر را تشویق می‌کند، ساختار استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را بهینه می‌کند، عملکرد پلتفرم‌های بازگشایی را تقویت می‌کند، و ارتقاء می‌دهد.

فصل اول: کلیات و مفاهیم اصلی سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری مشترک در نظام حقوقی چین

در ادامه با کلیات نظام حقوقی و سرمایه‌گذاری چین در مبحث اول آشنا خواهیم شد و سپس در مبحث دوم مهم‌ترین مفاد و قوانین قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین را بررسی خواهیم کرد.

مبحث اول: کلیات نظام حقوقی و سرمایه‌گذاری خارجی در نظام حقوقی چین

نظام حقوقی چین ترکیبی منحصربه‌فرد از سنت‌های کهن حقوقی و تأثیرات مدرن حقوق بین‌الملل است. این نظام در چارچوب جمهوری خلق چین، به‌عنوان کشوری با ساختار سیاسی تک‌حزبی شکل گرفته و توسعه یافته است. در این رویکرد، قانون نه تنها ابزاری برای تنظیم روابط اجتماعی، بلکه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی و سیاسی، حفظ ثبات اجتماعی و تقویت انسجام ملی است. ساختار قانون‌گذاری چین از طریق نهادهای مختلفی هدایت می‌شود که در رأس آن کنگره ملی خلق (NPC) قرار دارد. این نهاد بالاترین مرجع قانون‌گذاری کشور است و قوانین اساسی و ملی را تصویب می‌کند. کمیته دائمی کنگره ملی خلق، به‌عنوان بازوی اجرایی این نهاد، وظایف قانون‌گذاری را در بازه‌های میان جلسات عمومی بر عهده دارد. علاوه بر این، مجالس محلی در سطوح استانی، شهری و مناطق خودمختار، با رعایت قوانین ملی، وظیفه تدوین قوانین و مقررات محلی را بر عهده دارند. این ساختار به‌نوعی تمرکز و تمرکززدایی هم‌زمان را در نظام حقوقی چین ایجاد می‌کند.

قوه قضاییه چین نیز دارای ساختاری چندلایه و پیچیده است. دادگاه‌های مردمی اصلی‌ترین نهادهای قضایی در کشور هستند که در چهار سطح پایه، میانی، عالی محلی و دیوان عالی خلق فعالیت می‌کنند. دیوان عالی خلق بالاترین مرجع قضایی است و وظیفه تفسیر قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها را بر عهده دارد. علاوه بر دادگاه‌های عمومی، دادگاه‌های ویژه‌ای نظیر دادگاه‌های نظامی، دریایی و مرتبط با مسائل تجاری بین‌المللی وجود دارند که به موضوعات خاص رسیدگی می‌کنند. قانون در چین ابزاری برای حمایت از برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و حفظ هماهنگی جامعه است. به همین دلیل، بسیاری از قوانین چین در راستای اهداف اقتصادی بلندمدت تنظیم می‌شوند و رویکردی پراگماتیستی دارند. در این میان، قانون مدنی چین که در سال ۲۰۲۱ تصویب شد، نقطه عطفی در توسعه حقوق خصوصی کشور محسوب می‌شود. این قانون که اولین کد

مدنی جامع در تاریخ چین است، به موضوعاتی نظیر حقوق مالکیت، قراردادها، مسئولیت‌های مدنی، و حقوق خانواده و ارث می‌پردازد. در حوزه حقوق کیفری، قانون مجازات چین به‌عنوان یک سند جامع، طیف گسترده‌ای از جرائم و مجازات‌ها را پوشش می‌دهد. این نظام حقوقی در دهه‌های اخیر تلاش کرده است با اصلاحاتی مانند کاهش استفاده از مجازات اعدام، تضمین حقوق متهمان و شفافیت بیشتر در فرایندهای قضایی، با استانداردهای جهانی همسو شود. با این حال، مسائل حقوق بشری و انتقادات بین‌المللی به دلیل محدودیت‌های سیاسی و نبود استقلال کامل قضایی همچنان پابرجاست.

چین به طور رسمی از اصل حاکمیت قانون حمایت می‌کند و تعامل چین با حقوق بین‌الملل نیز در برخی حوزه‌ها نظیر تجارت و مالکیت فکری بهبود یافته، اما در حوزه‌هایی نظیر حقوق بشر همچنان با فشارهای بین‌المللی مواجه است. اصلاحات اخیر در نظام حقوقی چین، از جمله حرفه‌ای‌سازی قضات و تلاش برای ایجاد تعادل میان کنترل سیاسی و حاکمیت قانون، نشان‌دهنده تمایل کشور به مدرنیزه‌سازی و کارآمدسازی نظام حقوقی است.

سیستم حقوقی چین متشکل از قوانین اساسی، مدنی و تجاری، قوانین اداری، اقتصادی، اجتماعی و کیفری، قوانین دادرسی و غیر دعوی قضایی، و همچنین سایر شاخه‌های حقوقی است. مقررات اداری و محلی بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام حقوقی است. قانون اساسی قانون اول کشور است که در سیستم سوسیالیستی قوانین با ویژگی‌های چینی، جایگاه فرماندهی نهایی را به خود اختصاص می‌دهد. مردم از همه گروه‌های قومی، همه سازمان‌های دولتی، نیروهای مسلح، همه احزاب سیاسی یا سازمان‌های عمومی و همه شرکت‌ها و مؤسسات عمومی در چین باید قانون اساسی را به‌عنوان معیار اساسی رفتار در نظر بگیرند و وظیفه دارند از شأن قانون اساسی حمایت کنند و از اجرای آن اطمینان حاصل نمایند. کلیه قوانین، مقررات اداری و محلی باید بر اساس قانون اساسی وضع شود و نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. قانون اساسی تصریح می‌کند که کنگره ملی جمهوری خلق چین قدرت قانون‌گذاری دولت را اعمال می‌کنند. قوانین وضع شده توسط کنگره ملی جمهوری خلق چین سیستم‌های حقوقی مهم و اساسی را در ساخت تمدن اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی کشور ایجاد می‌کند. آن‌ها بدنه اصلی نظام سوسیالیستی با ویژگی‌های چینی را تشکیل می‌دهند. کنگره‌های مردمی و کمیته‌های دائمی استان‌ها، مناطق خودمختار، شهرداری‌ها، شهرهای دارای بخش‌های تابعه و استان‌های خودمختار می‌توانند طبق قانون اساسی و قوانین و مقررات محلی را تنظیم کنند. کنگره‌های مردمی مناطق خودمختار قومی این قدرت را دارند که بر اساس ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی قومیت محلی، مقررات مستقل و جداگانه تنظیم کنند. کنگره‌های مردمی و کمیته‌های دائمی آن‌ها در استان‌ها و شهرستان‌هایی که مناطق ویژه اقتصادی در آن مستقر هستند، می‌توانند با مجوز شورای ملی، مقرراتی را در حدود مجاز مناطق ویژه اقتصادی تنظیم و اجرا کنند. وزارتخانه‌ها و کمیسیون‌ها و مؤسسات مستقیماً وابسته به وظایف اداری شورای دولتی، بانک خلق چین و اداره حسابرسی ملی می‌توانند مقرراتی را در محدوده وظایف و اختیارات خود و مطابق با قوانین و مقررات اداری تنظیم کنند. تصمیمات و دستورات شورای دولتی دولت‌های مردمی استان‌ها، مناطق خودمختار، شهرداری‌ها، شهرهای دارای بخش‌های تابعه و استان‌های خودمختار می‌توانند مقرراتی را مطابق با قوانین، مقررات اداری و محلی استان‌ها، مناطق خودمختار و شهرداری‌های خود تنظیم کنند.

تفسیر قضایی نیز منبع مهمی از قوانین در چین است. تفسیر قضایی قوانین چین به طور خاص به تفاسیری اشاره دارد که توسط دادگاه عالی خلق جمهوری خلق چین و دادستانی عالی خلق چین انجام می‌شود که دارای اثرات قضایی جهانی بر قوانین خاص حاکم و کار دادستانی بر اساس اختیارات قانونی است. تفسیر قضایی دارای اثر حقوقی است، اما نباید با قانون اساسی و قوانین مغایرت داشته باشد. دادگاه‌ها می‌توانند مستقیماً تفسیرهای قضایی را به‌عنوان مبنای قضاوت نقل کنند. اگرچه چین کشوری نیست که رویه قضایی را اجرا کند، برخی از پرونده‌های قضایی راهنمایی مؤثری برای رویه قضایی هستند. چنین پرونده‌های قضایی در چین، پرونده‌های راهنما نامیده می‌شوند و توسط دادگاه عالی خلق جمهوری خلق چین و دادستانی عالی خلق صادر می‌شوند. در حال حاضر، سیستم پرونده راهنمایی یک منبع رسمی قانون نیست، اما مراجع مهمی را برای قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های مشابه فراهم می‌کند.

در کشور چین به‌منظور حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، سابقاً سه مجموعه قانون تدوین شده بود تا نظام سرمایه‌گذاری خارجی در چین را سازمان‌دهی نماید. این سه قانون که به «سه قانون راجع به سرمایه‌گذاری خارجی»^۸ معروف بوده‌اند شامل قانون جمهوری خلق چین در خصوص سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی فی‌مابین چین و اشخاص خارجی،^۹ قانون جمهوری خلق چین در خصوص سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی فی‌مابین چین و اشخاص خارجی^{۱۰} و قانون جمهوری خلق چین در مورد شرکت‌های کاملاً با مالکیت خارجی^{۱۱} بودند و این قوانین پایه قانونی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در چین را ایجاد می‌کردند. از آن

^۸Three Laws on Foreign Investment

^۹Law of the People's Republic of China on Chinese-Foreign Equity Joint Ventures

^{۱۰}Law of the People's Republic of China on Chinese-Foreign Contractual Joint Ventures

^{۱۱}Law of the People's Republic of China on Wholly Foreign-owned Enterprises

زمان، چین به منظور پاسخگویی به نیازهای استفاده از سرمایه خارجی، به طور مداوم سیستم حقوقی خود را برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد و بهبود بخشیده است. این امر به تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و بهبود فضای سرمایه‌گذاری کمک کرده است.

در ۱۵ مارس ۲۰۱۹، قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین در دومین جلسه سیزدهمین کنگره ملی خلق به تصویب رسید و جایگزین سه قانون راجع به سرمایه‌گذاری خارجی شد. قانون سرمایه‌گذاری خارجی چنین چارچوبی اساسی را برای نظام حقوقی جدید چین برای سرمایه‌گذاری خارجی تعیین می‌کند و حمایت و ترویج سرمایه‌گذاری را بیشتر تقویت می‌نماید. در دسامبر همان سال، شورای دولتی چین آیین‌نامه اجرایی قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین را تصویب نمود که سیستم‌های اجرایی اصلی تعریف شده توسط قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین را شرح می‌دهد. قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین و آیین‌نامه اجرایی آن از اول ژانویه ۲۰۲۰ اجرایی شده‌اند.

طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی، دولت حق ندارد سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران خارجی را سلب مالکیت کند. در موارد خاص که سلب مالکیت برای منافع عمومی ضروری است، دولت می‌تواند سرمایه‌گذاری طرف‌های خارجی را طبق قوانین سلب مالکیت یا درخواست کند. چنین سلب مالکیت یا تملک باید طبق رویه‌های قانونی انجام شود و غرامت عادلانه و معقول به موقع داده شود. آیین‌نامه اجرایی همچنین تصریح می‌کند که برای سلب مالکیت از سرمایه‌گذاری طرف‌های خارجی که توسط دولت به منظور منافع عمومی انجام می‌شود، باید مراحل قانونی به روشی غیر تبعیض‌آمیز دنبال شود و جبران به موقع بر اساس ارزش بازار سرمایه‌گذاری انجام شود. سرمایه‌گذاران خارجی که از تصمیم سلب مالکیت یا تصرف ناراضی هستند می‌توانند طبق قوانین درخواست تجدیدنظر اداری یا طرح دعوی اداری نمایند.

بر اساس قانون سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن، چین سرمایه‌گذاران خارجی را تشویق می‌کند تا با پیروی از قوانین تجاری، به صورت داوطلبانه با شرکای خود در همکاری‌های فناوری مشارکت کنند. شرایط همکاری فناورانه باید توسط همه طرف‌های سرمایه‌گذاری از طریق مذاکره و در شرایط برابر تعیین شود. هیچ بخش اداری (از جمله سازمان‌هایی که به موجب قوانین یا مقررات مجاز به اداره امور عمومی هستند) یا کارمندان آن نباید سرمایه‌گذاران خارجی یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری را از طریق صدور مجوز اداری، بازرسی، مجازات، اجبار مجبور به انتقال فناوری کنند.

دولت‌های مردم محلی در همه سطوح و ادارات مربوطه باید تعهدات سیاستی را که در قبال سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌دهند و همه قراردادهای منعقد شده بر اساس قوانین را اجرا کنند و ادارات مربوطه در چارچوب اختیارات قانونی خود در رابطه با سیاست‌های حمایتی، رفتار ترجیحی یا امکاناتی که سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند در مناطق مربوطه خود از آن برخوردار شوند را فراهم نمایند. نقض قرارداد به دلایل تعدیل منطقه اداری، تغییر دولت، تعدیل مؤسسه یا وظایف و یا جایگزینی مسئولین مربوطه ممنوع است. اگر ادارات دولتی بنا به ضرورت منافع ملی و اجتماعی تغییراتی در تعهدات سیاستی یا قراردادهای قراردادی ایجاد کنند، باید مطابق با اختیارات و رویه‌های قانونی عمل کنند و خسارت‌های وارده به سرمایه‌گذاران خارجی یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی را به‌موقع و منصفانه جبران کنند.

مطابق با قانون سرمایه‌گذاری خارجی و مقررات اجرایی آن، چین مکانیزمی را برای شکایات و تسویه حساب شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده است تا به مشکلات مطرح شده توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی یا سرمایه‌گذاران آن‌ها سریع‌تر رسیدگی کند و سیاست‌ها و اقدامات مربوطه را هماهنگ و بهبود بخشد. در صورتی که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری خارجی یا سرمایه‌گذاران خارجی هر اقدام اداری یک نهاد اداری یا کارکنان آن را ناقض حقوق و منافع مشروع آن‌ها بدانند، می‌توانند از طریق مکانیسم شکایت برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی میانجی‌گری و حل و فصل کنند یا به مراجع ذی‌ربط گزارش دهند. قوانین رسیدگی به شکایات شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی که پس از بازنگری در سال ۲۰۲۰ ابلاغ شد، به‌وضوح تصریح می‌کند که وزارت بازرگانی، همراه با سایر بخش‌های ذی‌ربط، یک سیستم جلسات مشترک بین وزارتخانه‌های را برای شکایات خارجی ایجاد می‌کند. این قوانین برای حفظ حقوق و منافع شاکیان اهمیت زیادی قائل است و تصریح می‌کند که شکایات بر حقوق شاکیان برای تجدیدنظر اداری و دعوای اداری مطابق با قوانین تأثیری نخواهد داشت. سازمان‌های شکایت را ملزم می‌کند تا اقدامات مؤثری را برای حفاظت از اسرار تجاری، اطلاعات تجاری محرمانه و اطلاعات خصوصی شخصی که در فرایند رسیدگی به شکایات به دست می‌آیند، انجام دهند. هیچ سازمان یا فردی نمی‌تواند شکایت‌هایی را که مسائلی را مطرح می‌کنند یا برای هماهنگی برای حل و فصل مسائل از طریق مکانیسم شکایت برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی درخواست می‌کنند، سرکوب کند یا تلافی کند.

مبحث دوم: بررسی مهم‌ترین مفاد قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین

در طول سال‌ها، جمهوری خلق چین چارچوب قانونی پیچیده‌ای ایجاد کرده بود که سرمایه‌گذاری خارجی را با سیاست‌های ترجیحی ترویج نماید و چارچوب‌های قانونی چین عمدتاً بر اساس قوانین و مقررات تصویب شده توسط کنگره ملی خلق و شورای ایالتی - یعنی دولت مرکزی چین ایجاد شده‌اند.

در حال حاضر، قانون اصلی در رابطه با بررسی سرمایه‌گذاری‌های خارجی (از جمله معاملات) قانون سرمایه‌گذاری خارجی است که از اول ژانویه ۲۰۲۰ لازم‌الاجرا شده است و برای اولین بار در چین یک اصل رفتار ملی بین شرکت‌های داخلی و خارجی را ایجاد کرده است. در ادامه در هر یک از قسمت‌های ذیل، مهم‌ترین مفاد این قانون را بررسی خواهیم کرد.

گفتار اول: اصل رفتار ملی

قانون سرمایه‌گذاری جدید چین، بر خلاف قوانین قبلی، صراحتاً اصل رفتار ملی با سرمایه‌گذاران خارجی را تصویب کرده است. همان‌طور که در ماده ۴ این قانون قابل‌مشاهده است، دولت متعهد است که علاوه بر اعمال رفتار ملی با سرمایه‌گذاران خارجی، فهرست منفی سرمایه‌گذاری خارجی را نیز ایجاد نماید. در واقع، به‌موجب این ماده دولت در وهله اول متعهد است که رفتار ملی با سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد و همان‌گونه که با سرمایه‌گذاران داخلی برخورد می‌نماید، با سرمایه‌گذاران خارجی نیز رفتار نماید. در مقابل، متعهد است به‌جای اعمال رفتارهای نابرابر، از پیش، زمینه‌هایی که سرمایه‌گذاری در آن‌ها ممنوع است یا هرگونه اقدامات غیرمجاز را به‌موجب فهرستی تحت عنوان فهرست منفی تهیه و منتشر نماید. همچنین، سیستم بررسی امنیت سرمایه‌گذاری خارجی را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی که ممکن است بر امنیت ملی یا منافع عمومی تأثیر بگذارد اعمال می‌کند.

بنابراین، یک پروژه سرمایه‌گذاری خارجی که در طبقه‌بندی توصیف شده در فهرست منفی قرار نمی‌گیرد، اصولاً طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی مشمول رفتار ملی خواهد بود؛ یعنی رفتاری برابر با یک سرمایه‌گذار یا شرکت چینی داخلی.

همچنین به‌موجب ماده ۲۸ این قانون، در خصوص مدیریت سرمایه‌گذاری نیز رفتار ملی اعمال خواهد شد. در این خصوص، زمینه‌هایی که به‌موجب فهرست منفی، سرمایه‌گذاری در آن‌ها ممنوع اعلام نشده است، باید به‌موجب این اصل که با سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی باید به طور یکسان رفتار شود، مدیریت می‌شوند. در واقع سرمایه‌گذار خارجی در مواردی که طبق فهرست، ممنوع اعلام نشده است، همانند سرمایه‌گذاران داخلی می‌تواند سرمایه‌گذاری نماید و از شرایط قانونی و مزایا بهره‌مند باشد.

گفتار دوم: فهرست منفی سرمایه‌گذاری خارجی و رفتار برابر و غیر تبعیض‌آمیز

اصل برابری و رفتار غیر تبعیض‌آمیز در قانون سرمایه‌گذاری چین مصوب ۲۰۲۰، یکی از اصول بنیادین و برجسته‌ای است که با هدف تضمین رفتار برابر و منصفانه با سرمایه‌گذاران خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاران داخلی تدوین شده است. این اصل نشان‌دهنده تعهد دولت چین به ایجاد یک محیط رقابتی سالم و شفاف برای تمامی سرمایه‌گذاران، صرف‌نظر از ملیت آن‌ها، است و تلاش دارد موانع قانونی، تبعیض‌ها و تفاوت‌های رفتاری را در تعامل با سرمایه‌گذاران خارجی برطرف کند. در قالب این اصل، سرمایه‌گذاران خارجی در تمامی مراحل فعالیت‌های تجاری و اقتصادی خود، شامل ثبت شرکت، ورود به بازار، دسترسی به منابع و مشوق‌های دولتی، و حمایت‌های قانونی، از حقوق و مزایای برابر با شرکت‌های داخلی برخوردار هستند، مگر در مواردی که در قوانین یا مقررات به طور خاص استثنا قائل شده باشد.

یکی از ابعاد کلیدی این اصل، دسترسی برابر به بازار برای سرمایه‌گذاران خارجی است. بر اساس قانون، سرمایه‌گذاران خارجی مجاز هستند در تمامی بخش‌ها و صنایع فعالیت کنند، به‌جز صنایعی که در لیست منفی مشخص شده است. این لیست شامل صنایعی است که سرمایه‌گذاری خارجی در آن‌ها به دلایل امنیتی، فرهنگی، یا زیست‌محیطی محدود یا ممنوع شده است. برای مثال، صنایعی مانند دفاع ملی، برخی از زیرساخت‌های حیاتی، یا بخش‌های خاص فرهنگی ممکن است در این لیست قرار گیرند. اما در صنایعی که مشمول این لیست نیستند، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند بدون هیچ‌گونه محدودیت و تحت همان شرایطی که برای سرمایه‌گذاران داخلی فراهم است، وارد شوند. این سیاست که به "لیست منفی مدیریت" مشهور است، به شفافیت و سهولت در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کند. علاوه بر این، لیست منفی به طور دوره‌ای بازنگری می‌شود تا با نیازهای اقتصادی و سیاست‌های توسعه‌ای چین هماهنگ شود که این نشان‌دهنده تعهد دولت چین به کاهش تدریجی محدودیت‌ها در بخش‌های مختلف است.

اصل برابری همچنین به دسترسی برابر به منابع و مشوق‌های دولتی اشاره دارد. سرمایه‌گذاران خارجی حق دارند از همان حمایت‌ها و مشوق‌هایی که برای شرکت‌های داخلی اعمال می‌شود، بهره‌مند شوند. این شامل معافیت‌های مالیاتی، دسترسی به اعتبارات بانکی، مشارکت در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای یا بخش‌های استراتژیک، و بهره‌مندی از تسهیلات زیرساختی می‌شود. درواقع، قانون تأکید دارد که نهادهای دولتی نباید در ارائه منابع عمومی، قراردادهای دولتی، یا حمایت‌های مالی، تبعیضی میان شرکت‌های داخلی و خارجی قائل شوند. به این ترتیب، دولت چین تلاش دارد فضای رقابتی سالمی را برای تمامی فعالان اقتصادی، اعم از داخلی

و خارجی، فراهم کند. بخش دیگری از این اصل به رفتار برابر در نظارت‌ها و بازرسی‌های دولتی مربوط می‌شود. طبق قانون، تمامی نهادهای دولتی موظف هستند نظارت و بازرسی بر فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های خارجی را بر اساس استانداردهای یکسان و بدون تبعیض انجام دهند. این موضوع به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند بررسی‌های مالیاتی، اجرای مقررات زیست‌محیطی، یا ارزیابی عملکرد شرکت‌ها اهمیت دارد. قانون همچنین تصریح می‌کند که هیچ نهاد دولتی نمی‌تواند از مقررات به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار یا ایجاد موانع برای سرمایه‌گذاران خارجی استفاده کند.

یکی دیگر از جنبه‌های حیاتی اصل برابری، حفاظت از حقوق مالکیت فکری است. سرمایه‌گذاران خارجی در گذشته نگرانی‌هایی درباره نقض حقوق مالکیت فکری یا انتقال اجباری فناوری به شرکای داخلی داشتند. قانون سرمایه‌گذاری خارجی ۲۰۲۰ به‌صراحت تصریح می‌کند که انتقال فناوری باید کاملاً داوطلبانه و بر اساس توافق دوطرفه باشد و هیچ نهادی حق ندارد سرمایه‌گذاران خارجی را مجبور به انتقال دانش فنی یا مالکیت فکری کند. این ماده قانونی، به‌ویژه برای صنایع مبتنی بر نوآوری، مانند فناوری اطلاعات و بیوتکنولوژی، بسیار حائز اهمیت است و به سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهد که از نوآوری‌های آن‌ها به طور کامل محافظت می‌شود.

برای اجرای اصل برابری، دولت چین مکانیزم‌های حمایتی ویژه‌ای نیز ایجاد کرده است. یکی از این مکانیزم‌ها، سیستم شکایات و رسیدگی به اعتراضات سرمایه‌گذاران خارجی است که به آن‌ها اجازه می‌دهد هرگونه تخلف یا رفتار تبعیض‌آمیز را گزارش کنند. این شکایات می‌توانند شامل موضوعاتی مانند عدم شفافیت در فرایندهای اداری، اعمال مقررات تبعیض‌آمیز، یا تأخیر در صدور مجوزهای لازم باشد. همچنین، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در صورت بروز اختلاف، به دادگاه‌های داخلی یا نهادهای داوری بین‌المللی مراجعه کنند. این مکانیزم‌ها تضمین می‌کنند که حقوق قانونی سرمایه‌گذاران خارجی در تمامی مراحل سرمایه‌گذاری رعایت شود و در صورت تخلف، امکان پیگیری وجود داشته باشد. با این حال، اجرای کامل اصل برابری در عمل چالش‌هایی نیز دارد. در برخی موارد، به‌ویژه در صنایع حساس یا در مناطق محلی، ممکن است برخی نهادهای دولتی همچنان رویکردهای تبعیض‌آمیز داشته باشند. همچنین، نگرانی‌هایی در مورد نظارت دقیق بر اجرای این اصل و ایجاد سازوکارهای شفاف‌تر برای ارزیابی رعایت آن وجود دارد. اما دولت چین با تدوین این قانون و بازنگری دوره‌ای آن، نشان داده است که به ایجاد یک محیط سرمایه‌گذاری پایدار و قابل‌پیش‌بینی متعهد است. به‌طورکلی، اصل برابری و رفتار غیر تبعیض‌آمیز در قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین یکی از

اصول کلیدی برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد محیطی شفاف و منصفانه برای فعالیتهای اقتصادی است. این اصل، با تأکید بر حقوق برابر، حمایت از مالکیت فکری، و شفافیت در فرایندهای نظارتی، نقش مهمی در تقویت جایگاه چین به عنوان یکی از مقاصد برتر سرمایه‌گذاری جهانی دارد و درعین حال، تعهد این کشور به ادغام با اقتصاد جهانی و رعایت استانداردهای بین‌المللی را نشان می‌دهد.

به موجب ماده ۲۸ این قانون، سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌توانند در زمینه‌هایی که به موجب فهرست منفی، برای سرمایه‌گذاری خارجی ممنوع اعلام شده است، سرمایه‌گذاری نمایند. فهرست منفی، فهرستی است که به موجب آن فعالیت‌ها و زمینه‌هایی که سرمایه‌گذاری در آنها ممنوع، تعریف شده‌اند و از قبل در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد.

فهرست منفی برای دسترسی به بازار سرمایه‌گذاری‌های خارجی تقریباً هر سال توسط کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی جمهوری خلق چین تنظیم و منتشر می‌شود. آخرین نسخه منتشر شده در ۱۲ مارس ۲۰۲۲ در مجموع شامل شش دسته دسترسی ممنوع است (به عنوان مثال، خدمات مالی خاص، برخی مشاغل مرتبط با اینترنت، فعالیت‌های رسانه‌های خبری، بخش‌هایی که برای شرکت‌های خصوصی چینی؛ مانند فروش محصولات نیز ممنوع و تحت انحصار دولتی است و غیره) و همچنین ۱۱۱ فعالیت تجاری مشروط به کسب مجوزهای اداری قبلی از وزارتخانه‌های مربوطه به دلایل نظم عمومی یا منافع عمومی (به عنوان مثال، برخی عملیات در بخش‌هایی مانند کشاورزی، غذا و دارو، بهداشت، انرژی، خودرو، حمل و نقل، آموزش، فرهنگ و غیره) است. چین رسماً تلاش می‌کند تا به تدریج، تبعیض‌های باقی مانده با سرمایه‌گذاران چینی را کاهش دهد.

به موجب ماده ۳۶، هرگاه سرمایه‌گذار خارجی در زمینه‌ای که به موجب فهرست منفی، سرمایه‌گذاری در آن ممنوع است، اقدام به سرمایه‌گذاری نماید، اداره ذی‌صلاح ذی‌ربط به سرمایه‌گذار مذکور دستور می‌دهد تا فعالیت سرمایه‌گذاری خود را متوقف، سهام و دارایی‌های آن را واگذار نماید یا اقدامات لازم دیگر را به منظور بازگرداندن وضعیت به آنچه قبل از سرمایه‌گذاری بوده، در مهلت مقرر انجام دهد. در صورت وجود هرگونه سود غیرقانونی، آن سود نیز مصادره می‌شود. همچنین، در صورتی که فعالیت سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار خارجی هرگونه تدابیر اداری ویژه برای دسترسی محدود مندرج در فهرست منفی را نقض کند، بخش ذی‌صلاح ذی‌ربط به سرمایه‌گذار دستور می‌دهد تا در مهلت مقرر اصلاحاتی را انجام داده و اقدامات لازم را برای برآورده کردن الزامات اقدامات فوق‌الذکر انجام دهد. در صورتی که سرمایه‌گذار خارجی در مهلت مقرر اصلاحات لازم را انجام ندهد، اقدامات مندرج در بند قبل اتخاذ می‌شود.

طبق ماده ۶ این قانون، سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را در قلمرو چین انجام می‌دهند باید قوانین و مقررات چین را رعایت کنند و نباید به امنیت چین لطمه یا به منافع عمومی چین آسیب وارد نمایند و همچنین طبق ماده ۲۵ این قانون، دولت چین باید یک سیستم بررسی امنیت ملی برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد نماید که بر اساس آن بررسی امنیتی مربوط به هر سرمایه‌گذاری خارجی که بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارد یا امکان تأثیرگذاری بر آن را دارد، انجام شود.

فرایند بررسی امنیت ملی مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، با هدف شناسایی و کاهش ریسک‌های بالقوه مرتبط است که می‌تواند بر دفاع و امنیت ملی، محصولات کشاورزی مهم، انرژی و منابع مهم، زیرساخت‌های حیاتی، تولید تجهیزات عمده، خدمات حمل‌ونقل مهم، فناوری‌های خاص، محصولات و خدمات مهم فرهنگی تأثیر بگذارد. همچنین در مورد سرمایه‌گذاری‌های خارجی که در منطقه‌ای در اطراف تأسیسات نظامی یا صنایع تسلیحاتی چین هستند یا ممکن است باشند، اعمال می‌شود. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذار خارجی به سادگی از پروژه خود رد می‌شود یا از آن دعوت می‌شود که محل آن را تغییر دهد.

اجرای اصل برابری و رفتار غیر تبعیض‌آمیز تأثیرات مثبتی بر فضای سرمایه‌گذاری خارجی در چین داشته است:

- جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی: با تضمین رفتار عادلانه، سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به ورود به بازار چین اطمینان بیشتری پیدا کرده‌اند.
- افزایش رقابت سالم: این اصل مانع از ایجاد انحصار یا تبعیض علیه شرکت‌های خارجی شده و فضای رقابت سالم میان شرکت‌های داخلی و خارجی را فراهم کرده است.
- تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های نوآورانه: با ارائه فرصت‌های برابر، سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های پیشرفته مانند فناوری، انرژی‌های پاک و سلامت ترغیب شده‌اند.

برای اجرای این اصل، مکانیزم‌های مختلفی در قانون پیش‌بینی شده است:

- نظارت دولت مرکزی: نهادهای دولتی موظف به اجرای رفتار برابر در تمامی سطوح هستند و هرگونه نقض این اصل می‌تواند منجر به اقدام قانونی شود.

- مکانیزم شکایات: سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند از طریق مکانیزم‌های تعریف‌شده شکایات خود را مطرح کرده و از حقوق قانونی خود دفاع کنند.
- نقش دادگاه‌ها و نهادهای داوری: در صورت بروز اختلافات، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند به دادگاه‌های داخلی چین یا نهادهای داوری بین‌المللی مراجعه کنند.

گفتار سوم: مفهوم سرمایه‌گذار خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی

قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ماده ۲ خود تعریف روشن و گسترده‌ای از سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یک فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی ارائه می‌دهد. از نظر این قانون، منظور از سرمایه‌گذاری خارجی، فعالیت سرمایه‌گذاری است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط یک شخص حقیقی، مؤسسه یا سازمان دیگر خارجی (سرمایه‌گذاران خارجی) انجام می‌شود و شامل موارد ذیل می‌شود: سرمایه‌گذار خارجی یک شرکت سرمایه‌گذاری خارجی را در قلمرو چین، به طور مستقل یا مشترک با هر سرمایه‌گذار دیگری تأسیس می‌نماید؛ سرمایه‌گذار خارجی سهام، اموال، دارایی‌ها یا هر حقوق و منافع مشابه دیگری از یک شرکت را در قلمرو چین به دست می‌آورد؛ سرمایه‌گذار خارجی برای شروع یک پروژه جدید در قلمرو چین، به طور مستقل یا مشترک با هر سرمایه‌گذار دیگری، سرمایه‌گذاری می‌نماید؛ سرمایه‌گذار خارجی به هر طریق دیگری که در قوانین، مقررات اداری یا مقررات شورای دولتی مقرر شده است، سرمایه‌گذاری می‌نماید.

از نظر قانون، شرکت سرمایه‌گذاری خارجی به شرکتی اطلاق می‌شود که تحت قوانین چین در قلمرو چین ثبت شده و به طور کامل یا جزئی توسط یک سرمایه‌گذار خارجی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شده است.

بر اساس این قانون، سرمایه‌گذاری خارجی شامل فعالیت‌های متنوعی است که توسط نهادها یا افراد خارجی در قلمرو جمهوری خلق چین انجام می‌شود. از جمله مهم‌ترین این فعالیت‌ها می‌توان به تأسیس نهادهای اقتصادی با سرمایه خارجی اشاره کرد. این نهادها می‌توانند به‌صورت شرکت‌های با مالکیت کامل خارجی یا به‌صورت شراکت با شرکت‌های داخلی تشکیل شوند. این ساختارها به سرمایه‌گذاران خارجی امکان می‌دهند که به روش‌های مختلف در صنایع و بخش‌های گوناگون اقتصادی چین فعالیت کنند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری خارجی شامل خرید سهام، حقوق مالکیتی یا سایر حقوق اقتصادی در شرکت‌های چینی است. این قانون به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه می‌دهد از طریق تصاحب یا خرید سهمی از شرکت‌های داخلی در بازار چین حضور داشته باشند. همچنین سرمایه‌گذاران می‌توانند در پروژه‌های جدید، از جمله پروژه‌های زیرساختی یا فناوری‌های نوآورانه، سرمایه‌گذاری کنند. قانون حتی برای روش‌های نوظهور سرمایه‌گذاری نیز

انعطاف‌پذیری خاصی در نظر گرفته است و آن‌ها را تحت عنوان «فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از طریق روش‌های دیگر» به رسمیت شناخته است. این بند به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه می‌دهد از روش‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی، همکاری‌های مشارکتی یا حتی فناوری‌های جدید مالی؛ مانند فین‌تک استفاده کنند. قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین همچنین اصول کلیدی و چارچوبی شفاف برای مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین اصول این قانون، تضمین برابری و رقابت عادلانه میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. طبق این اصل، سرمایه‌گذاران خارجی از حقوق برابر با سرمایه‌گذاران داخلی برخوردارند و دولت چین موظف است محیط رقابتی ایجاد کند. برای مثال، سرمایه‌گذاران خارجی حق دارند در تمامی بخش‌های اقتصادی فعالیت کنند، مگر در مواردی که در لیست منفی ذکر شده باشد. این لیست شامل صنایعی است که از نظر امنیت ملی، فرهنگی یا زیست‌محیطی حساس تلقی می‌شوند و در آن‌ها سرمایه‌گذاری خارجی محدود یا ممنوع است.

از دیگر ویژگی‌های بارز این قانون، تأکید بر حفاظت از حقوق مالکیت فکری سرمایه‌گذاران خارجی است. قانون تصریح می‌کند که هیچ نهادی در چین نمی‌تواند سرمایه‌گذاران خارجی را مجبور به انتقال فناوری کند. این ماده به‌ویژه برای رفع نگرانی‌های بین‌المللی درباره مسائل مرتبط با انتقال اجباری فناوری طراحی شده است. همچنین مکانیزم‌هایی برای رسیدگی به شکایات سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌بینی شده تا اطمینان حاصل شود که حقوق قانونی آن‌ها در صورت بروز اختلافات رعایت خواهد شد. این مکانیزم‌ها شامل ارائه دسترسی به دادگاه‌ها، میانجی‌گری‌های تخصصی و کانال‌های ویژه برای ارائه شکایات هستند. این قانون، علاوه بر تقویت شفافیت، به سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان می‌دهد که می‌توانند در محیطی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر فعالیت کنند. این امر به‌ویژه در راستای اهداف کلان اقتصادی چین در جذب فناوری‌های پیشرفته، ارتقاء زنجیره تأمین جهانی و تقویت جایگاه کشور به‌عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری جهانی اهمیت دارد. با حذف موانع قدیمی و تنظیم چارچوبی مدرن، چین تلاش دارد فضای کسب‌وکار خود را به‌گونه‌ای بهبود بخشد که با استانداردهای جهانی همخوانی بیشتری داشته باشد. به‌طور کلی، قانون سرمایه‌گذاری خارجی ۲۰۲۰ با تعریف گسترده‌ای که از سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد و اصول حمایتی که در آن گنجانده شده است، نقش مهمی در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی ایفا می‌کند. این قانون نه‌تنها فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی فراهم می‌کند، بلکه تعهد دولت چین به اصلاحات اقتصادی و تطبیق با نیازهای اقتصاد جهانی را نیز نشان می‌دهد.

گفتار چهارم: حمایت از حقوق مالکیت فکری

حمایت از حقوق مالکیت فکری در قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین مصوب ۲۰۲۰، یکی از جنبه‌های کلیدی این قانون در راستای اصل برابری و رفتار غیر تبعیض‌آمیز است که به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران خارجی اهمیت ویژه‌ای دارد. این حمایت از آنجا ناشی می‌شود که پیش از تصویب این قانون، نگرانی‌های جدی درباره نقض حقوق مالکیت فکری و الزام‌های غیررسمی برای انتقال اجباری فناوری وجود داشت که به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران بین‌المللی منجر شده بود. در این قانون، دولت چین تعهد کرده است که شرایطی برابر با شرکت‌های داخلی برای حفاظت از مالکیت فکری شرکت‌های خارجی فراهم کند و از هرگونه اجبار در انتقال فناوری جلوگیری نماید. انتقال فناوری که یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های سرمایه‌گذاران خارجی در گذشته بود، اکنون باید کاملاً داوطلبانه و بر اساس توافق دوطرفه انجام شود و هرگونه فشار دولتی یا مداخله برای تحمیل این انتقال صراحتاً ممنوع اعلام شده است. این بند نه تنها از فناوری و نوآوری‌های خارجی محافظت می‌کند، بلکه به سرمایه‌گذاران این اطمینان را می‌دهد که کنترل کاملی بر دانش فنی و دارایی‌های فکری خود دارند.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم حمایت از مالکیت فکری، تأکید بر رفتار برابر در حفاظت از این حقوق است. سرمایه‌گذاران خارجی، مطابق این قانون، می‌توانند اختراعات، علائم تجاری، و کپی‌رایت خود را در چین به ثبت برسانند و همان حقوق و مزایای قانونی را که برای شرکت‌های داخلی فراهم است، دریافت کنند. حفاظت از اسرار تجاری نیز بخش مهمی از این حمایت‌ها را تشکیل می‌دهد و شرکت‌های خارجی را در برابر افشای غیرمجاز یا سوءاستفاده از اطلاعات حساس محافظت می‌کند. این قانون همچنین تضمین می‌کند که سرمایه‌گذاران خارجی در صورت مواجهه با نقض مالکیت فکری، به سیستم قضایی داخلی چین دسترسی برابر داشته باشند و می‌توانند از حقوق خود از طریق دادگاه‌ها یا نهادهای داوری بین‌المللی دفاع کنند. این رفتار برابر، به‌ویژه در حوزه‌هایی که فناوری‌های پیشرفته و نوآوری‌های خاص نقش حیاتی ایفا می‌کنند، اهمیت زیادی دارد و به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهد که بدون نگرانی از سوءاستفاده، وارد بازار چین شوند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم قانون، شفافیت در قوانین و مقررات مرتبط با مالکیت فکری است. دولت چین موظف است قوانین مربوطه را به‌صورت عمومی و شفاف منتشر کند تا سرمایه‌گذاران خارجی از حقوق و تعهدات خود در زمینه ثبت و حفاظت از مالکیت فکری آگاه باشند. این شفافیت نه تنها فرایند ثبت و پیگیری

حقوق مالکیت فکری را ساده‌تر می‌کند، بلکه از سوءبرداشت‌ها و مشکلات احتمالی جلوگیری می‌کند. در کنار این شفافیت، مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات نیز بخش دیگری از حمایت‌ها را تشکیل می‌دهند. سرمایه‌گذاران خارجی در صورت مواجهه با نقض مالکیت فکری می‌توانند از طریق سیستم قضایی داخلی یا نهادهای داوری بین‌المللی اقدام کنند. این گزینه به‌ویژه برای شرکت‌هایی که به سیستم قضایی داخلی چین اعتماد کامل ندارند، جذابیت دارد و آن‌ها را قادر می‌سازد تا اختلافات خود را در محیطی بی‌طرف حل و فصل کنند.

اهمیت حمایت از مالکیت فکری در این قانون از چند منظر برجسته است. اول اینکه این حمایت‌ها به سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان می‌دهد که نوآوری‌ها و فناوری‌های پیشرفته آن‌ها در برابر کپی‌برداری یا سوءاستفاده محافظت خواهد شد. دوم اینکه این قوانین به تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران بین‌المللی نسبت به بازار چین کمک می‌کند و فضای امن‌تری برای انجام فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌نماید. در نهایت، تقویت حمایت از حقوق مالکیت فکری به رشد اقتصادی پایدار چین نیز کمک می‌کند، زیرا با کاهش کپی‌برداری غیرقانونی و حمایت از نوآوری‌ها، انگیزه بیشتری برای تحقیق و توسعه ایجاد می‌شود. با این حال، چالش‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. در برخی مناطق و صنایع خاص، ممکن است نظارت بر اجرای این قانون کافی نباشد و برخی سرمایه‌گذاران با مشکلاتی مواجه شوند. همچنین، فرایندهای قضایی مرتبط با مالکیت فکری می‌توانند زمان‌بر و پیچیده باشند که برای شرکت‌های کوچک‌تر ممکن است چالش آفرین باشد. به‌رغم این چالش‌ها، قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین گامی مهم در جهت ایجاد فضای سرمایه‌گذاری شفاف و عادلانه است و نشان‌دهنده تعهد چین به رعایت استانداردهای بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی با تضمین حمایت از حقوق مالکیت فکری است.

طبق این قانون، انتقال فناوری باید کاملاً داوطلبانه و بر اساس توافق دوطرفه میان سرمایه‌گذار خارجی و شریک داخلی انجام شود و هرگونه الزام دولتی یا مداخله غیرمستقیم در قراردادهای انتقال فناوری ممنوع است و قراردادهای انتقال فناوری که به‌صورت تحمیلی امضا شده‌اند، از نظر حقوقی معتبر نخواهند بود. این ممنوعیت نقش مهمی در اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران خارجی ایفا می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با حفظ کنترل بر دانش فنی و نوآوری‌های خود، در بازار چین فعالیت کنند. قانون تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاران خارجی باید از همان سطح حفاظت از حقوق مالکیت فکری برخوردار باشند که برای شرکت‌های داخلی اعمال می‌شود. این حمایت شامل موارد زیر است:

- حق ثبت اختراعات، علائم تجاری، و کپی‌رایت: سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند نوآوری‌ها، برندها، و محصولات خود را در چین به ثبت برسانند و از حمایت‌های قانونی مربوطه بهره‌مند شوند.
- حفاظت از اسرار تجاری: قانون همچنین از اطلاعات حساس و اسرار تجاری سرمایه‌گذاران خارجی محافظت می‌کند. افشای غیرمجاز یا سوءاستفاده از این اطلاعات توسط افراد یا نهادهای داخلی می‌تواند منجر به پیگرد قانونی شود.
- دسترسی برابر به سیستم قضایی: سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در صورت نقض حقوق مالکیت فکری، از طریق دادگاه‌های چینی یا نهادهای داوری بین‌المللی اقدام کنند و از سیستم قضایی برای حمایت از حقوق خود بهره‌مند شوند.

برای کاهش ابهام و افزایش شفافیت، دولت چین موظف است قوانین و مقررات مرتبط با مالکیت فکری را به طور عمومی منتشر کند. این موضوع به سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کند تا با قوانین مرتبط با ثبت، حفاظت، و پیگیری حقوق مالکیت فکری در چین آشنا شوند و از سوءبرداشت‌ها یا اختلافات احتمالی جلوگیری شود. در صورت بروز اختلافات مرتبط با مالکیت فکری، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند از ابزارهای قانونی زیر استفاده کنند:

سیستم قضایی داخلی: دادگاه‌های چین برای رسیدگی به اختلافات مالکیت فکری در دسترس سرمایه‌گذاران خارجی هستند. این دادگاه‌ها موظف به رفتار غیر تبعیض‌آمیز و اعمال قوانین به طور برابر برای تمامی طرف‌ها هستند.

داوری بین‌المللی: سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند اختلافات خود را از طریق نهادهای داوری بین‌المللی نیز حل کنند. این گزینه به‌ویژه برای سرمایه‌گذارانی که به سیستم قضایی داخلی چین اطمینان کامل ندارند، جذاب است.

اگرچه قانون سرمایه‌گذاری خارجی ۲۰۲۰ گام بزرگی در جهت تقویت حمایت از مالکیت فکری برداشته است، اما چالش‌هایی همچنان باقی است:

- اجرای قانون در سطوح محلی: در برخی مناطق یا صنایع خاص، نظارت کافی بر اجرای این مقررات وجود ندارد، و سرمایه‌گذاران ممکن است با مشکلاتی در سطح محلی مواجه شوند.

- زمان‌بر بودن دادرسی: فرایندهای قضایی مرتبط با مالکیت فکری ممکن است زمان‌بر و پیچیده باشد که این موضوع به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک‌تر چالش‌برانگیز است.
- کپی‌برداری غیرقانونی: باوجود پیشرفت‌ها، همچنان گزارش‌هایی درباره کپی‌برداری از محصولات خارجی و نقض حقوق مالکیت فکری منتشر می‌شود.

حمایت از حقوق مالکیت فکری در چارچوب اصل برابری و رفتار غیر تبعیض‌آمیز در قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین، نشان‌دهنده تعهد این کشور به ایجاد فضای اقتصادی شفاف و عادلانه است. این حمایت، سرمایه‌گذاران خارجی را تشویق می‌کند که با اطمینان بیشتری در بازار چین فعالیت کنند و نوآوری‌ها و فناوری‌های خود را به این کشور وارد نمایند. بااین‌حال، موفقیت کامل این حمایت‌ها به اجرای مؤثر آن در تمامی سطوح حکمرانی و تلاش مداوم برای تقویت نظارت بر اجرای قانون بستگی دارد.

گفتار پنجم: تشویق به نوآوری و سرمایه‌گذاری در مناطق خاص

تشویق به نوآوری و سرمایه‌گذاری در مناطق خاص، یکی از سیاست‌های مهم قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین مصوب ۲۰۲۰ است که در راستای توسعه اقتصادی متوازن و تقویت توان رقابتی این کشور تدوین شده است. دولت چین با هدف کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تمرکززدایی از توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاران خارجی را به فعالیت در مناطق خاصی مانند مناطق غربی، مرکزی، و نواحی کمتر توسعه‌یافته کشور ترغیب می‌کند. این سیاست‌ها شامل ارائه مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات زیرساختی، و دسترسی آسان‌تر به منابع و زمین برای سرمایه‌گذاران خارجی است که پروژه‌های خود را در این مناطق راه‌اندازی می‌کنند. در این راستا، دولت فهرست‌های صنعتی و منطقه‌ای خاصی را منتشر می‌کند که در آن‌ها بخش‌های اولویت‌دار برای سرمایه‌گذاری مشخص شده‌اند، مانند فناوری‌های پیشرفته، انرژی‌های تجدیدپذیر، صنایع زیست‌محیطی، و کشاورزی مدرن. این اولویت‌بندی‌ها به طور خاص طراحی شده‌اند تا ضمن جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به توسعه پایدار و رشد اقتصادی مناطق کمتر برخوردار کمک کنند.

یکی دیگر از ابزارهای تشویقی برای سرمایه‌گذاری در مناطق خاص، ارائه زیرساخت‌های مدرن و خدمات حمایتی است. دولت در این مناطق اقدام به ایجاد پارک‌های صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی، و هاب‌های نوآوری کرده است که امکانات پیشرفته‌ای مانند تسهیلات تولیدی، دسترسی به شبکه‌های حمل‌ونقل، و زیرساخت‌های ارتباطی را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. این مناطق همچنین به سرمایه‌گذاران امکان دسترسی به منابع انسانی با مهارت‌های خاص را می‌دهند، زیرا دولت در کنار این مشوق‌ها، برنامه‌های آموزشی و مهارتی را

برای آماده‌سازی نیروی کار محلی اجرا می‌کند. این اقدامات نه تنها هزینه‌های عملیاتی سرمایه‌گذاران خارجی را کاهش می‌دهد، بلکه فرایند راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارها را تسهیل می‌کند و محیطی رقابتی برای نوآوری فراهم می‌آورد.

قانون سرمایه‌گذاری خارجی همچنین تأکید ویژه‌ای بر حمایت از شرکت‌هایی دارد که به فعالیت‌های نوآورانه می‌پردازند. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و استفاده از فناوری‌های پیشرفته از جمله حوزه‌هایی هستند که دولت چین به آن‌ها اولویت ویژه می‌دهد. شرکت‌های خارجی که در مناطق خاص و در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند، از مزایای بیشتری مانند کاهش مالیات بر درآمد، دریافت یارانه‌های تحقیقاتی، و تسهیلات صادراتی بهره‌مند می‌شوند. این سیاست‌ها نشان‌دهنده رویکرد چین به تبدیل شدن به یک مرکز جهانی نوآوری و تقویت ظرفیت‌های تکنولوژیکی کشور است. علاوه بر این، دولت با تشویق به تشکیل همکاری‌های بین‌المللی در حوزه نوآوری، زمینه مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی با مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌های محلی را فراهم می‌کند. این رویکرد، باعث انتقال دانش و فناوری به داخل کشور می‌شود و در عین حال از طریق حمایت‌های قانونی از حقوق مالکیت فکری، امنیت سرمایه‌گذاران را تضمین می‌کند. از دیگر ابعاد تشویق سرمایه‌گذاری در مناطق خاص، تلاش برای هماهنگی این سیاست‌ها با اهداف زیست‌محیطی و توسعه پایدار است. دولت چین سرمایه‌گذاران خارجی را به مشارکت در پروژه‌های انرژی پاک، بازیافت مواد، و حفاظت از منابع طبیعی در این مناطق تشویق می‌کند. این پروژه‌ها نه تنها به رشد اقتصادی این مناطق کمک می‌کند، بلکه استانداردهای زیست‌محیطی چین را نیز ارتقا می‌دهد. به این ترتیب، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها، ضمن بهره‌مندی از مشوق‌های متعدد، نقش فعالی در پیشبرد اهداف توسعه پایدار ایفا کنند. به طور کلی، سیاست تشویق به نوآوری و سرمایه‌گذاری در مناطق خاص در چارچوب قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین، ابزاری قدرتمند برای جذب سرمایه‌های خارجی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، و توسعه فناوری‌های پیشرفته است. این رویکرد، نه تنها به بهبود زیرساخت‌ها و شرایط اقتصادی مناطق محروم کمک می‌کند، بلکه سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد که در فضایی حمایتی و نوآورانه، به توسعه کسب‌وکار و مشارکت در رشد اقتصادی چین بپردازند.

این مناطق خاص در چین شامل منطقه‌های ویژه اقتصادی (SEZ)، مناطق آزاد تجاری (FTZ)، مناطق ملی توسعه تکنولوژیکی و نوآوری (High-Tech Zones) و مناطق اقتصادی غربی می‌شود. این مناطق ویژگی‌ها و مشخصات خاصی دارند که باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌شوند.

- منطقه‌های ویژه اقتصادی (SEZ)

منطقه‌های ویژه اقتصادی در چین به مناطقی اطلاق می‌شود که دارای تسهیلات ویژه برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی هستند. این مناطق معمولاً در نزدیکی بنادر و مناطق تجاری مهم قرار دارند و برای تشویق به نوآوری، رشد اقتصادی و توسعه زیرساخت‌ها، قوانین خاصی دارند. مهم‌ترین ویژگی‌های این مناطق عبارت‌اند از:

معافیت‌های مالیاتی و گمرکی: شرکت‌های خارجی می‌توانند از تخفیف‌های مالیاتی و معافیت‌های گمرکی در این مناطق بهره‌مند شوند.

فرایند ساده‌تر برای ثبت شرکت‌ها: سرمایه‌گذاران خارجی در این مناطق می‌توانند فرایند ثبت و راه‌اندازی کسب‌وکار خود را با تسهیلات ویژه‌ای طی کنند.

دسترسی به منابع و زیرساخت‌های پیشرفته: مناطق ویژه اقتصادی چین دسترسی به زیرساخت‌های پیشرفته حمل‌ونقل، ارتباطات و شبکه‌های انرژی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد.

مهم‌ترین این مناطق شامل شنژن، شیامن، چنگدو و هواژو هستند که هر کدام ویژگی‌ها و مزایای خاص خود را دارند.

- مناطق آزاد تجاری (FTZ)

مناطق آزاد تجاری یا FTZ در چین مناطقی هستند که هدف آن‌ها ارتقاء تجارت بین‌المللی، افزایش صادرات، و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این مناطق معمولاً در اطراف بنادر و مرزهای تجاری چین قرار دارند و ویژگی‌های خاصی دارند:

آزاد بودن تجارت: در این مناطق، تجارت بین‌المللی بدون محدودیت‌های گمرکی و تجاری انجام می‌شود.

حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی: دولت چین مشوق‌های مالیاتی ویژه‌ای را برای سرمایه‌گذاران خارجی در این مناطق فراهم می‌کند.

تسهیل در فرایند واردات و صادرات: شرایط ویژه برای واردات و صادرات کالاها و خدمات، با هدف تسهیل در تجارت و همکاری با کشورهای دیگر.

از جمله این مناطق می‌توان به منطقه آزاد تجاری شانگهای، منطقه آزاد تجاری گوانگژو و منطقه آزاد تجاری تیانجین اشاره کرد.

- مناطق ملی توسعه تکنولوژیکی و نوآوری (High-Tech Zones)

چین در تلاش است تا به یکی از قطب‌های جهانی نوآوری تبدیل شود و در این راستا، مناطق خاصی به‌عنوان مناطق توسعه تکنولوژیکی و نوآوری برای جذب سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با فناوری‌های پیشرفته و نوآوری‌های علمی راه‌اندازی شده‌اند. مهم‌ترین ویژگی‌های این مناطق شامل: حمایت از تحقیق و توسعه: این مناطق به شرکت‌های فناوری و استارت‌آپ‌ها امکانات ویژه‌ای برای تحقیق و توسعه، استفاده از منابع انسانی ماهر، و ارتقای نوآوری فراهم می‌کنند. یارانه‌ها و تسهیلات مالیاتی: برای شرکت‌هایی که در حوزه فناوری‌های نوین فعالیت می‌کنند، دولت چین تسهیلات مالیاتی و یارانه‌های ویژه‌ای در نظر می‌گیرد. دسترسی به منابع انسانی متخصص: در این مناطق، نیروی کار ماهر و متخصص در حوزه‌های فناوری، مهندسی، و علم‌های پایه در دسترس است. مناطق چنگدو، شنژن و هاربین از مهم‌ترین این مناطق هستند که به طور خاص برای توسعه فناوری و نوآوری طراحی شده‌اند.

- مناطق اقتصادی غربی

چین همچنین برای ایجاد توازن در توسعه منطقه‌ای و تقویت اقتصاد در مناطق غربی کشور، برنامه‌های ویژه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این نواحی دارد. این مناطق به طور خاص در غرب چین شامل مناطق کمتر توسعه‌یافته و نیازمند رشد بیشتر هستند. مهم‌ترین ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌ای برای سرمایه‌گذاران خارجی: دولت چین مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاران در نظر گرفته است که در این مناطق به‌ویژه در زمینه‌های کشاورزی، منابع طبیعی، و زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. برنامه‌های توسعه زیرساختی: دولت به‌ویژه در زمینه‌های حمل‌ونقل، انرژی و فناوری، سرمایه‌گذاری‌های کلانی در این مناطق انجام داده است.

توسعه صنایع پایدار و زیست‌محیطی: دولت چین توجه ویژه‌ای به توسعه پروژه‌های انرژی پاک، حفاظت از محیط‌زیست، و کشاورزی مدرن در این مناطق دارد.

استان‌های سچوان، یون‌نان، قینیانگ و چینگ‌های از جمله مناطقی هستند که در این چارچوب قرار دارند و سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند از مشوق‌های مختلف بهره‌مند شوند.

مناطق خاص در چین، با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی هستند. این مناطق به سرمایه‌گذاران خارجی امکان می‌دهند تا در فضایی حمایت‌شده و با تسهیلات ویژه، کسب‌وکارهای خود را راه‌اندازی کرده و در پروژه‌های نوآورانه و پایدار مشارکت کنند. از طریق این سیاست‌ها، چین نه تنها به توسعه اقتصادی در مناطق مختلف کمک می‌کند، بلکه از نوآوری، تحقیق و توسعه، و صنایع پیشرفته نیز حمایت می‌کند.

گفتار ششم: روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کشور چین

در چین، سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌توانند به دو مدل اصلی قراردادی و غیرقراردادی تقسیم شوند که هر کدام ویژگی‌ها و مزایای خاص خود را دارند. این دو مدل به سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را می‌دهند که با توجه به نوع فعالیت، اهداف تجاری و شرایط اقتصادی، بهترین ساختار سرمایه‌گذاری را برای ورود به بازار چین انتخاب کنند. انتخاب هر مدل بستگی به عوامل مختلفی از جمله میزان کنترل بر عملیات، نوع صنعت، نیاز به منابع محلی و استراتژی‌های تجاری دارد.

• سرمایه‌گذاری مشترک

مدل سرمایه‌گذاری مشترک، یکی از رایج‌ترین مدل‌های قراردادی در چین است که در آن یک یا چند سرمایه‌گذار خارجی با یک شریک محلی برای تأسیس یک شرکت مشترک همکاری می‌کنند. این مدل به‌ویژه برای صنایع حساس و بخش‌هایی که نیاز به همکاری نزدیک با شرکای محلی دارند، مناسب است. در یک سرمایه‌گذاری مشترک، هر طرف قرارداد مسئولیت‌ها، منابع و سود خود را بر اساس توافقات اولیه به اشتراک می‌گذارد. این نوع قرارداد به سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را می‌دهد که به بازار چین وارد شوند و از منابع محلی و دانش بازار چین بهره‌برداری کنند، در حالی که شریک چینی معمولاً از ارتباطات محلی و تجربه در بازار داخلی بهره‌مند می‌شود. همچنین، در بسیاری از موارد، این مدل به دلیل نیاز به شراکت با یک شریک محلی برای رعایت قوانین و مقررات چین،

مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مدل، طرفین به طور مساوی یا با نسبت‌های متفاوتی مسئولیت‌های مالی و عملیاتی شرکت جدید را بر عهده می‌گیرند. این نوع سرمایه‌گذاری به‌ویژه در صنایعی که ورود مستقیم برای سرمایه‌گذاران خارجی محدود یا نیازمند مجوز است، مانند صنایع خودروسازی، انرژی و تولید، بسیار محبوب است. یکی از ویژگی‌های برجسته این مدل، شراکت با یک طرف چینی است که به سرمایه‌گذار خارجی امکان دسترسی به بازار محلی، شبکه‌های تجاری، و اطلاعات فرهنگی و تجاری منطقه را می‌دهد. علاوه بر این، شراکت با یک شریک محلی می‌تواند به حل مسائل مرتبط با قوانین و مقررات پیچیده چین کمک کند، چرا که شرکت‌های چینی معمولاً با الزامات دولتی آشناتر هستند. با این حال، یکی از چالش‌های سرمایه‌گذاری مشترک، تقسیم کنترل و منافع است، زیرا طرفین باید در مورد استراتژی‌ها و تصمیمات عملیاتی به توافق برسند. همچنین، سرمایه‌گذار خارجی ممکن است مجبور به انتقال برخی از تکنولوژی‌ها و دانش فنی خود به شریک چینی باشد که این می‌تواند نگرانی‌هایی در مورد حفاظت از مالکیت فکری ایجاد کند.

• سرمایه‌گذاری خارجی تماماً مالک

سرمایه‌گذاری خارجی تماماً مالک^۴ مدل‌هایی اطلاق می‌شود که در آن یک شرکت خارجی به طور کامل مالک و مسئول شرکت است و نیازی به شریک چینی ندارد. این نوع سرمایه‌گذاری به شرکت خارجی این امکان را می‌دهد که بدون وابستگی به شریک محلی، کنترل کامل بر عملیات، استراتژی‌ها و تصمیمات تجاری خود داشته باشد. در این مدل، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند تمام مزایای مالی و عملیاتی را به خود اختصاص دهد، بدون اینکه نیاز به تقسیم سود یا کنترل با یک شریک چینی داشته باشد. یکی از مزایای بزرگ این مدل، این است که شرکت خارجی می‌تواند تکنولوژی‌ها و روش‌های تجاری خود را حفظ کرده و از آن‌ها بهره‌برداری کند. این مدل به‌ویژه در صنایعی که قوانین چین اجازه حضور بدون شریک محلی را می‌دهند، مانند فناوری‌های پیشرفته، نرم‌افزار، و برخی بخش‌های تولیدی، بسیار رایج است. با این حال، برای تأسیس یک WFOE در چین، سرمایه‌گذار خارجی باید از مراحل قانونی پیچیده‌ای عبور کند، از جمله ثبت نام در مقامات دولتی، اخذ مجوزهای مورد نیاز، و تطابق با الزامات مختلف مالیاتی و محیطی. همچنین، این مدل ممکن است از نظر هزینه‌های تأسیس و نگهداری نسبت به سایر مدل‌ها، مانند سرمایه‌گذاری مشترک، گران‌تر باشد.

^۴Wholly Foreign-Owned Enterprise

• نمایندگی تجاری

نمایندگی تجاری^{۸۵} یکی از مدل‌های ساده و انعطاف‌پذیر برای ورود به بازار چین است که در آن یک شرکت خارجی یک دفتر نمایندگی در چین تأسیس می‌کند. این دفتر به طور خاص برای انجام فعالیت‌های تبلیغاتی، بازاریابی، تحقیق بازار، خدمات پس از فروش، و ارتباط با مشتریان و شرکای تجاری راه‌اندازی می‌شود، اما نمی‌تواند به طور مستقیم در فروش کالا یا تولید محصولات در چین دخالت داشته باشد. یکی از مزایای این مدل، فرایند ساده‌تر برای تأسیس دفتر و کم بودن هزینه‌های اولیه است. نمایندگی‌های تجاری معمولاً برای شرکت‌هایی مناسب هستند که قصد ندارند بلافاصله وارد بازار تولیدی شوند یا هزینه‌های بالای تأسیس یک شرکت در چین را متقبل شوند، بلکه بیشتر به دنبال توسعه ارتباطات تجاری و تحقیقات بازار هستند. یکی از محدودیت‌های این مدل این است که نمایندگی‌ها نمی‌توانند به فعالیت‌های اقتصادی فعال مانند تولید و فروش محصولات بپردازند و تنها قادر به انجام خدمات حمایتی و پشتیبانی هستند. این مدل برای کسب‌وکارهایی که به دنبال تست کردن بازار یا آگاهی از نیازهای مصرف‌کنندگان چین هستند، گزینه‌ای مناسب است.

• قراردادهای خدمات

قراردادهای خدمات یکی از مدل‌های غیرقراردادی است که در آن شرکت‌های خارجی با شرکت‌های چینی قراردادهایی برای ارائه خدمات خاص مانند مشاوره، آموزش، پشتیبانی فنی، طراحی، یا تحقیق و توسعه منعقد می‌کنند. این قراردادها به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهند که بدون نیاز به حضور فیزیکی یا تأسیس یک شرکت مستقل در چین، از خدمات خود بهره‌برداری کنند. قراردادهای خدمات می‌توانند به‌ویژه برای شرکت‌هایی که به دنبال انتقال دانش فنی، ایجاد همکاری‌های تحقیقاتی، یا توسعه بازار هستند، مفید باشند. این مدل همچنین برای شرکت‌هایی که می‌خواهند بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ یا ساختارهای پیچیده وارد بازار چین شوند، گزینه‌ای مناسب است. در این نوع قرارداد، شرکت خارجی می‌تواند تخصص و تجربه خود را در قالب خدمات مختلف ارائه دهد، اما این مدل به‌طور کلی محدود به صنایع خاصی مانند مشاوره، آموزش، فناوری اطلاعات و مدیریت است. یکی از مزایای این مدل، سادگی و کم‌هزینه بودن آن است، اما از سوی

^{۸۵}Representative Office

دیگر، از آنجاکه تنها خدمات ارائه می‌شود و نه کالا یا محصول، درآمد حاصل از این قراردادها معمولاً محدود به درآمد خدماتی است.

• قراردادهای حق امتیاز

قراردادهای حق امتیاز به شرکت‌های خارجی این امکان را می‌دهند که از برند، مدل تجاری و سیستم‌های عملیاتی خود به صورت گسترش یافته در بازار چین استفاده کنند. در این مدل، شرکت خارجی به یک طرف چینی حق می‌دهد که کسب و کار خود را تحت نام برند خود راه اندازی کند و از روش‌های تجاری و محصولات خود استفاده کند. این مدل به ویژه برای برندهای معتبر و معروف مانند برندهای غذایی، فروشگاه‌های خرده فروشی، و هتل‌ها بسیار رایج است. شرکت‌های صاحب برند می‌توانند از این طریق بدون نیاز به سرمایه گذاری مستقیم، برند خود را در چین گسترش دهند و از درآمد حاصل از حق امتیاز بهره برداری کنند. علاوه بر این، فرانچایزها مسئولیت‌های گسترده‌ای در زمینه آموزش، حمایت، تبلیغات و تأمین کالا دارند. این مدل برای کسانی که می‌خواهند برند و مدل تجاری خود را سریعاً گسترش دهند و در عین حال ریسک‌های سرمایه گذاری مستقیم را کاهش دهند، ایده آل است. با این حال، چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز وجود دارد، مانند نیاز به نظارت دقیق بر کیفیت خدمات و محصولات توسط نمایندگان محلی که می‌تواند بر اعتبار برند تأثیر بگذارد.

گفتار هفتم: الزامات اولیه برای سرمایه گذاری خارجی در چین

سرمایه‌گذاران خارجی که قصد ورود به بازار چین را دارند، باید الزامات خاصی را که توسط قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین (مصوب ۲۰۲۰) تعیین شده است، رعایت کنند. این الزامات بر چند محور اصلی تمرکز دارند که هر یک نقشی کلیدی در تضمین تطابق سرمایه‌گذاری با مقررات داخلی و بین‌المللی ایفا می‌کنند.

اولین و مهم‌ترین الزام، ثبت سرمایه‌گذاری در نهادهای دولتی مربوطه است. سرمایه‌گذاران باید اطلاعات جامعی در مورد شرکت یا کسب و کار خود ارائه دهند که شامل مشخصات قانونی، جزئیات سهام‌داران، حوزه فعالیت تجاری و محل سرمایه‌گذاری می‌شود. این اطلاعات باید به طور کامل و شفاف به اداره ملی توسعه و اصلاحات (NDRC) و اداره کل تنظیمات بازار (SAMR) ارسال شود. ثبت نام دقیق و کامل یکی از پیش شرط‌های اولیه برای شروع هرگونه فعالیت اقتصادی در چین است و به سرمایه‌گذار امکان بهره‌مندی از

حمایت‌های قانونی و حقوقی را می‌دهد. عدم ثبت یا ارائه اطلاعات ناقص می‌تواند منجر به رد درخواست یا مشکلات قانونی شود.

علاوه بر این، سرمایه‌گذار باید تطابق کامل با الزامات صنعتی و ملی را تضمین کند. برخی از صنایع در چین نیازمند مجوزهای ویژه هستند، به‌ویژه صنایع حساسی مانند فناوری اطلاعات، انرژی، تولید تجهیزات پیشرفته، و زیست‌فناوری. دولت چین از طریق سیاست‌های ملی و قوانین محلی، به تنظیم سرمایه‌گذاری‌ها در این صنایع می‌پردازد تا هم از امنیت ملی حفاظت شود و هم از ورود فناوری‌های پیشرفته به بازار داخلی حمایت شود. سرمایه‌گذاران باید اطمینان یابند که سرمایه‌گذاری آن‌ها نه تنها با اهداف تجاری بلکه با سیاست‌های توسعه‌ای دولت چین نیز هم‌راستا است. برای مثال، سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته یا در حوزه‌هایی که با سیاست‌های توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست همخوانی دارند، معمولاً مشوق‌های بیشتری دریافت می‌کنند.

سرمایه‌گذاران خارجی برای شروع سرمایه‌گذاری در چین باید از یک مسیر دقیق و چندمرحله‌ای پیروی کنند که طی آن با نهادهای مختلف دولتی تعامل داشته باشند. این مسیر شامل مراحل برنامه‌ریزی، ارائه درخواست، اخذ مجوز و نظارت‌های پس از تأسیس است. هر مرحله نیازمند هماهنگی و رعایت دقیق مقررات است تا سرمایه‌گذار بتواند به طور قانونی فعالیت خود را آغاز کند.

اولین گام در مسیر سرمایه‌گذاری در چین، تهیه یک طرح کسب‌وکار دقیق و جامع است. این طرح باید شامل اطلاعاتی مانند نوع فعالیت اقتصادی، میزان سرمایه‌گذاری، محل اجرای پروژه، نیروی انسانی موردنیاز و تأثیر اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌گذاری باشد. طرح کسب‌وکار باید به‌وضوح نشان دهد که پروژه چگونه با سیاست‌های توسعه‌ای دولت چین هماهنگ است و چه مزایایی برای اقتصاد محلی، ملی یا منطقه‌ای به همراه دارد. همچنین، اگر پروژه مرتبط با فناوری‌های پیشرفته یا نوآورانه باشد، سرمایه‌گذار باید مشخص کند که چگونه می‌تواند انتقال دانش یا فناوری را تسهیل کند.

پس از آماده‌سازی طرح کسب‌وکار، سرمایه‌گذار باید مدارک لازم را به نهادهای مرتبط ارائه دهد. این نهادها شامل NDRC برای بررسی تأثیرات اقتصادی پروژه، SAMR برای ثبت قانونی شرکت، و در موارد خاص وزارتخانه‌های تخصصی مرتبط با صنعت موردنظر هستند. مدارک موردنیاز شامل اسناد شناسایی سرمایه‌گذار، گواهینامه‌های حقوقی و مالی شرکت، قراردادهای مرتبط با پروژه و گاهی اوقات اسناد مربوط به مالکیت

معنوی و فناوری‌های مورد استفاده در پروژه است. این مدارک به طور کامل بررسی می‌شوند تا اطمینان حاصل شود که سرمایه‌گذاری با قوانین داخلی تطابق دارد.

برخی از صنایع در چین نیازمند دریافت مجوزهای خاص از نهادهای تخصصی هستند. برای مثال، سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، زیست‌فناوری، یا فناوری اطلاعات، به تأییدیه‌های اضافی از وزارتخانه‌های مربوطه نیاز دارد. در این مرحله، نهادهای دولتی ارزیابی دقیقی از تأثیرات زیست‌محیطی، امنیتی و اجتماعی پروژه انجام می‌دهند. در صورت تطابق کامل پروژه با الزامات قانونی، مجوزهای لازم صادر می‌شوند.

پس از دریافت تأییدیه‌های اولیه، سرمایه‌گذار باید شرکت خود را نزد SAMR ثبت کند. این فرایند شامل انتخاب نام شرکت، تعیین حوزه فعالیت، ساختار مالکیت و سرمایه، و تأیید ثبت‌نام نهایی است. پس از ثبت شرکت، سرمایه‌گذار می‌تواند برای دریافت مجوز فعالیت اقدام کند. این مجوز به سرمایه‌گذار اجازه می‌دهد که به صورت قانونی در چین فعالیت خود را آغاز کند. برخی از فعالیت‌های تجاری نیازمند دریافت مجوزهای اضافی نظارتی هستند که باید از نهادهای مربوطه دریافت شوند.

فرایند درخواست سرمایه‌گذاری در چین شامل مراحل مختلفی است که هر یک به دقت و هماهنگی با نهادهای دولتی نیاز دارد. این فرایند می‌تواند طولانی و پیچیده باشد، اما به طور کلی شامل سه مرحله اصلی است:

مرحله اول: سرمایه‌گذار باید درخواست خود را به همراه تمامی مدارک لازم به نهادهای دولتی مربوطه ارسال کند. این مدارک شامل اطلاعات جامعی از جمله هویت سرمایه‌گذار، اهداف سرمایه‌گذاری، میزان و نوع سرمایه، پیش‌بینی‌های اقتصادی و اجتماعی، و تحلیل ریسک‌های پروژه است. نهادهای دولتی با بررسی این مدارک، اطمینان حاصل می‌کنند که سرمایه‌گذاری پیشنهادی با الزامات قانونی و سیاست‌های توسعه‌ای دولت چین هم‌خوانی دارد.

مرحله دوم: در این مرحله، نهادهای دولتی بررسی‌های دقیقی روی طرح سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند. این بررسی‌ها شامل تحلیل تأثیرات زیست‌محیطی، ارزیابی تطابق با سیاست‌های صنعتی، و تضمین رعایت حقوق مالکیت فکری است. برخی پروژه‌ها ممکن است نیاز به تأییدیه‌های بیشتری از نهادهای نظارتی خاص داشته باشند. این مرحله ممکن است شامل بازدیدهای میدانی یا جلسات مشاوره با سرمایه‌گذار برای توضیحات تکمیلی باشد.

مرحله سوم: صدور مجوز و آغاز فعالیت، پس از تأیید نهایی، نهادهای دولتی مجوزهای لازم برای شروع فعالیت را صادر می‌کنند. سرمایه‌گذار با دریافت این مجوزها می‌تواند فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کند. در این مرحله، سرمایه‌گذار ممکن است ملزم به رعایت نظارت‌های مستمر، ارسال گزارش‌های دوره‌ای به مقامات دولتی و رعایت تعهدات خود طبق مجوزهای صادره باشد.

سرمایه‌گذاری خارجی در چین به دلیل وجود بازار گسترده و حمایت‌های دولتی فرصت‌های بسیاری را فراهم می‌کند، اما این فرایند مستلزم رعایت الزامات دقیق قانونی، ثبت‌نام در نهادهای مرتبط و تطابق کامل با سیاست‌های صنعتی و توسعه‌ای دولت چین است. سرمایه‌گذارانی که به‌دقت از این مراحل پیروی کنند، می‌توانند از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند و به طور مؤثر در یکی از پویاترین بازارهای جهان فعالیت کنند. اگر یک سرمایه‌گذار خارجی تصمیم به سرمایه‌گذاری در چین بگیرد، باید از یک مسیر مشخص و مشخص‌شده برای درخواست مجوزهای لازم پیروی کند. این مسیر شامل چندین مرحله است که سرمایه‌گذار باید به‌دقت از آن‌ها پیروی کند:

تشکیل طرح کسب‌وکار: اولین قدم برای سرمایه‌گذار خارجی، تهیه و ارائه یک طرح کسب‌وکار جامع است که شامل جزئیات مربوط به فعالیت تجاری، محصولات یا خدمات، مدل تجاری، بازار هدف، پیش‌بینی مالی، استراتژی‌های بازاریابی و نیازهای نیروی کار می‌شود. این طرح باید به‌صورت دقیق و روشن نشان دهد که سرمایه‌گذاری چگونه به نیازهای بازار چین پاسخ می‌دهد و چگونه به توسعه اقتصادی محلی کمک می‌کند.

ثبت در مقامات دولتی: پس از تهیه طرح کسب‌وکار، سرمایه‌گذار باید آن را به مقامات دولتی مربوطه برای تأیید ارائه دهد. این شامل ثبت‌نام در اداره دولتی سرمایه‌گذاری خارجی (NDRC) و اداره دولتی امور خارجی (SAMR) می‌شود. سرمایه‌گذار باید مدارکی از جمله قراردادهای تجاری، پروفایل شرکت، مدارک شناسایی، تأییدیه‌ها و توافق‌نامه‌های لازم را تهیه کند و آن‌ها را برای بررسی به نهادهای دولتی مربوطه ارسال کند.

مجوزهای خاص و مجوزهای حرفه‌ای: بسته به نوع سرمایه‌گذاری، ممکن است نیاز به دریافت مجوزهای خاص از نهادهای دولتی مربوطه مانند وزارت صنعت و اطلاعات فناوری، وزارت منابع طبیعی، یا وزارت بهداشت و سلامت داشته باشید. این مجوزها می‌توانند شامل مجوزهای مربوط به فعالیت‌های تولیدی،

مجوزهای زیست‌محیطی، تأمین مالی خارجی و حفاظت از مالکیت فکری باشند. سرمایه‌گذار باید از الزامات خاص هر مجوز آگاه باشد و مدارک لازم را برای تأیید ارائه دهد.

تطابق با قوانین و مقررات ملی: سرمایه‌گذار باید اطمینان حاصل کند که سرمایه‌گذاری آن‌ها با تمام قوانین و مقررات ملی چین تطابق دارد. این شامل رعایت الزامات مربوط به امنیت ملی، استانداردهای زیست‌محیطی، قوانین ضد انحصاری و حقوق مالکیت فکری می‌شود. سرمایه‌گذار باید از مقررات خاص مربوط به صنعت خود آگاه باشد و الزامات قانونی مربوطه را رعایت کند.

فرایند درخواست برای سرمایه‌گذاری خارجی در چین می‌تواند پیچیده و زمان‌بر باشد، به‌ویژه برای سرمایه‌گذارانی که برای اولین بار قصد ورود به بازار چین را دارند. این فرایند شامل مراحل زیر است:

مرحله مشاوره: در این مرحله، سرمایه‌گذار باید با مشاوران و متخصصان محلی مشورت کند تا از الزامات و فرایندهای مرتبط با سرمایه‌گذاری در چین آگاه شود. این مشاوره می‌تواند به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در بازار چین کمک کند و سرمایه‌گذار را برای مراحل بعدی آماده کند.

مرحله تهیه و ارسال مدارک: پس از مشاوره، سرمایه‌گذار باید مدارک لازم برای درخواست سرمایه‌گذاری را تهیه کند و آن‌ها را به مقامات دولتی مربوطه ارسال کند. این مدارک باید شامل طرح کسب‌وکار، توافق‌نامه‌ها، قراردادهای تجاری، پروفایل شرکت و مدارک شناسایی باشد.

مرحله بررسی و تأیید: پس از ارسال مدارک، مقامات دولتی مربوطه شروع به بررسی و تأیید آن‌ها می‌کنند. این مرحله می‌تواند شامل مصاحبه‌های حضوری، بازدیدهای میدانی و بررسی‌های دقیق از طرح کسب‌وکار و شرایط اقتصادی باشد. مدت زمان بررسی و تأیید می‌تواند بسته به نوع سرمایه‌گذاری و صنعت موردنظر متفاوت باشد.

مرحله صدور مجوز: پس از تأیید مدارک و موفقیت در مراحل بررسی، مقامات دولتی مجوزهای لازم برای سرمایه‌گذاری را صادر می‌کنند. این مجوزها به سرمایه‌گذار اجازه می‌دهند که فعالیت‌های تجاری خود را در چین آغاز کند و از حمایت‌های قانونی و تسهیلات دولتی بهره‌برداری کند.

این فرایند درخواست و مراحل مرتبط با آن به سرمایه‌گذار خارجی این امکان را می‌دهد که به طور قانونی وارد بازار چین شود و از فرصت‌های موجود در آن استفاده کند. همچنین، با رعایت الزامات و تطابق با قوانین

و مقررات مربوطه، سرمایه‌گذار می‌تواند از حمایت‌های دولتی و تسهیلات مختلف بهره‌برداری کند و به موفقیت تجاری در چین دست یابد.

گفتار هشتم: مزایای سرمایه‌گذاری در چین طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی

قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین مصوب ۲۰۲۰، مجموعه‌ای از مزایا و حمایت‌ها را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کند تا ورود به بازار چین جذاب‌تر و سودآورتر شود. این مزایا که بخشی از سیاست‌های دولت برای تقویت رشد اقتصادی و افزایش همکاری‌های بین‌المللی است، در چند حوزه کلیدی طبقه‌بندی می‌شوند:

• دسترسی گسترده‌تر به بازار

یکی از مهم‌ترین مزایای سرمایه‌گذاری در چین، گشایش بیشتر بازار این کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی است. قانون جدید بسیاری از محدودیت‌های موجود در لیست منفی را حذف یا کاهش داده است. به این معنا که سرمایه‌گذاران خارجی اکنون می‌توانند در بسیاری از صنایع و بخش‌های کلیدی مانند تولید پیشرفته، انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری اطلاعات، و خدمات مالی بدون محدودیت مشارکت کنند. این گشایش به سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد تا در حوزه‌هایی که پیش‌ازین تنها برای شرکت‌های داخلی قابل دسترسی بود، فعالیت کنند و از فرصت‌های بازار بزرگ چین بهره‌برداری کنند.

• حمایت قانونی و ثبات حقوقی

قانون سرمایه‌گذاری خارجی تضمین می‌کند که سرمایه‌گذاران خارجی از حقوق و منافع قانونی خود در چین بهره‌مند شوند. اصل رفتار برابر و غیر تبعیض‌آمیز در این قانون تصریح شده است، به این معنا که سرمایه‌گذاران خارجی در برخورداری از حقوق مالکیت، دسترسی به حمایت‌های قانونی و شرکت در پروژه‌های دولتی، مانند سرمایه‌گذاران داخلی رفتار می‌شوند. دولت چین همچنین تعهد دارد که هرگونه تغییر در سیاست‌ها یا قوانین که بر سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر می‌گذارد، به طور شفاف و منظم اعلام شود، و این اطمینان را فراهم می‌کند که محیط حقوقی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر باقی بماند.

• مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌ها

سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند از مشوق‌های مالیاتی مختلفی که توسط دولت چین ارائه می‌شود، بهره‌مند شوند. این مشوق‌ها شامل معافیت یا کاهش مالیات بر درآمد، تسهیلات مالیاتی برای پروژه‌های زیست‌محیطی و نوآورانه، و تخفیف‌های مالیاتی برای شرکت‌های فعال در مناطق خاص مانند مناطق آزاد تجاری (Free Trade Zones) یا مناطق کمتر توسعه‌یافته است. علاوه بر این، در برخی موارد، دولت چین یارانه‌های مالی، وام‌های کم‌بهره یا تسهیلات اعتباری را برای پروژه‌هایی که در راستای اهداف توسعه ملی قرار دارند، ارائه می‌دهد.

• حفاظت از مالکیت فکری

یکی از نگرانی‌های همیشگی سرمایه‌گذاران خارجی در بازارهای بین‌المللی، حفاظت از حقوق مالکیت فکری است. قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین تضمین می‌کند که سرمایه‌گذاران خارجی از همان حمایت‌های قانونی برخوردار باشند که برای شرکت‌های داخلی وجود دارد. این قانون صراحتاً بیان می‌کند که انتقال فناوری نباید به صورت اجباری باشد و هرگونه توافق در این زمینه باید بر اساس مذاکره آزاد و منصفانه انجام شود. همچنین، قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای مقابله با نقض مالکیت فکری و اعمال جرایم سنگین برای متخلفان تصویب شده است.

• دسترسی به برنامه‌های توسعه‌ای دولت

سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای دولت چین شرکت کنند. این شامل مشارکت در پروژه‌های بزرگ زیربنایی، طرح‌های نوآوری فناورانه، و برنامه‌های مربوط به توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته است. دولت چین به طور خاص از سرمایه‌گذاری‌هایی که در حوزه‌های نوآوری، فناوری‌های پیشرفته و توسعه پایدار انجام می‌شود، حمایت می‌کند و سرمایه‌گذاران را تشویق می‌کند تا در این بخش‌ها فعالیت داشته باشند. سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها اغلب با ارائه منابع مالی دولتی، حمایت‌های اداری و تسهیلات ویژه همراه است.

• دسترسی به بازار صادراتی چین و سایر کشورها

سرمایه‌گذاران خارجی که در چین سرمایه‌گذاری می‌کنند، به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرفی جهان دسترسی پیدا می‌کنند. باوجود بیش از ۱,۴ میلیارد نفر جمعیت و طبقه متوسط درحال‌رشد، چین یکی از جذاب‌ترین بازارهای مصرفی در جهان است. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران خارجی که تولیدات خود را در چین انجام می‌دهند، می‌توانند از شبکه گسترده توافق‌نامه‌های تجارت آزاد چین با کشورهای دیگر استفاده کنند و به بازارهای بین‌المللی با تعرفه‌های پایین‌تر دسترسی پیدا کنند.

• دسترسی به مناطق خاص با تسهیلات ویژه

سرمایه‌گذاری در مناطق خاص مانند مناطق آزاد تجاری (FTZs)، مناطق کمتر توسعه‌یافته در غرب و مرکز چین، و مناطق توسعه فناوری بالا (High-Tech Development Zones) از مزایای ویژه‌ای برخوردار است. این مناطق معمولاً قوانین ساده‌تر، معافیت‌های مالیاتی، تعرفه‌های گمرکی پایین‌تر، و دسترسی به زیرساخت‌های پیشرفته‌تری دارند. سرمایه‌گذاری در این مناطق اغلب مشوق‌های بیشتری را به همراه دارد و فرصت‌های بیشتری برای توسعه و رشد فراهم می‌کند.

• تسهیل در فرایندهای اداری و نظارتی

قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین به طور خاص بر کاهش پیچیدگی‌های اداری و تسهیل فرایندهای مربوط به سرمایه‌گذاری تأکید دارد. این قانون تضمین می‌کند که سرمایه‌گذاران خارجی با موانع بوروکراتیک کمتری مواجه شوند و فرایندهای اداری مرتبط با ثبت شرکت، اخذ مجوز و تنظیم قراردادها سریع‌تر و ساده‌تر انجام شود. دولت چین همچنین از فناوری‌های دیجیتال برای بهبود شفافیت و سرعت در ارائه خدمات اداری استفاده می‌کند.

سرمایه‌گذاری در چین بر اساس قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۲۰۲۰ فرصت‌های بی‌نظیری را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کند. از دسترسی به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهان گرفته تا مشوق‌های مالیاتی، حمایت از مالکیت فکری، و امکان مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای دولت، همه این مزایا محیطی مساعد برای رشد و توسعه سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند. این مزایا، همراه با تعهد دولت چین به حفظ ثبات حقوقی و اقتصادی، چین را به یکی از جذاب‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری خارجی در جهان تبدیل کرده است.

گفتار نهم: تعهدات سرمایه‌گذار طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی

قانون سرمایه‌گذاری خارجی چین، علاوه بر ارائه مزایا و حمایت‌های گسترده برای سرمایه‌گذاران، تعهداتی مشخص را برای آنان تعیین کرده است تا اطمینان حاصل شود که فعالیت‌های اقتصادی خارجی‌ها با قوانین ملی، سیاست‌های توسعه‌ای و منافع عمومی چین همسو باشد. این تعهدات به منظور ایجاد تعادل میان حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و حفاظت از منافع ملی و عمومی وضع شده‌اند. مهم‌ترین تعهدات سرمایه‌گذاران در چین عبارت‌اند از:

• رعایت قوانین و مقررات داخلی چین

سرمایه‌گذاران خارجی ملزم هستند تمامی قوانین، مقررات و سیاست‌های داخلی چین را رعایت کنند. این شامل رعایت استانداردهای صنعتی، قوانین کار، مقررات زیست‌محیطی، و مقررات مالیاتی است. سرمایه‌گذاران باید اطمینان دهند که فعالیت‌های آنان به گونه‌ای انجام می‌شود که حقوق کارکنان، امنیت محیط‌زیست و ثبات اقتصادی منطقه را به خطر نیندازد. نقض قوانین می‌تواند منجر به جریمه‌های سنگین، تعلیق فعالیت یا حتی اخراج از بازار شود.

• ثبت و ارائه اطلاعات به نهادهای دولتی

تمامی سرمایه‌گذاران خارجی موظف‌اند اطلاعات دقیق و به‌روز در مورد شرکت، سهام‌داران، حوزه فعالیت، و میزان سرمایه‌گذاری خود را به نهادهای نظارتی مربوطه ارائه دهند. این اطلاعات باید شفاف و صحیح باشد و هرگونه تغییر در ساختار یا عملیات شرکت باید فوراً به مراجع قانونی گزارش شود. عدم ارائه اطلاعات صحیح یا تأخیر در اطلاع‌رسانی می‌تواند منجر به لغو مجوز فعالیت یا مجازات‌های قانونی شود.

• تعهد به رعایت مالکیت فکری و فناوری‌های بومی

سرمایه‌گذاران خارجی باید حقوق مالکیت فکری شرکت‌های داخلی و قوانین مرتبط با فناوری‌های بومی را رعایت کنند. هرگونه نقض حقوق مالکیت فکری، مانند کپی‌برداری غیرمجاز، سوءاستفاده از فناوری‌های ثبت‌شده، یا انتقال غیرقانونی دانش، به شدت توسط مقامات دولتی پیگیری می‌شود.

همچنین، سرمایه‌گذاران نباید از موقعیت خود برای تحمیل شرایط ناعادلانه به طرف‌های چینی استفاده کنند.

- **مشارکت در توسعه پایدار و مسئولیت اجتماعی**

سرمایه‌گذاران خارجی متعهد هستند که فعالیت‌های خود را به‌گونه‌ای انجام دهند که تأثیرات مثبتی بر توسعه پایدار و منافع عمومی داشته باشد. این شامل رعایت اصول زیست‌محیطی، کاهش تولید زباله و آلاینده‌ها، و حمایت از نوآوری در حوزه‌های انرژی پاک و حفاظت از منابع طبیعی است. دولت چین تأکید زیادی بر مشارکت سرمایه‌گذاران در پروژه‌هایی دارد که توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست را تقویت می‌کند.

- **رعایت قوانین کار و حقوق کارکنان**

یکی از تعهدات کلیدی سرمایه‌گذاران خارجی، رعایت حقوق کارکنان و قوانین کار در چین است. این شامل پرداخت منصفانه حقوق، ایجاد محیط کاری ایمن و مناسب، ارائه بیمه‌های اجتماعی، و رعایت حقوق کارگران در زمینه ساعات کاری، تعطیلات و شرایط بازنشستگی می‌شود. نقض این قوانین می‌تواند به اعتصابات کارگری، جریمه‌های قانونی و خدشه به شهرت شرکت منجر شود.

- **شفافیت در فعالیت‌های مالی و پرداخت مالیات**

سرمایه‌گذاران خارجی موظف به رعایت قوانین مالیاتی چین و پرداخت مالیات‌های تعیین‌شده هستند. آن‌ها باید حساب‌های مالی خود را شفاف و به‌درستی نگهداری کنند و گزارش‌های مالیاتی را به‌موقع ارائه دهند. همچنین، هرگونه تخلف در زمینه فرار مالیاتی یا ارائه اطلاعات نادرست می‌تواند منجر به مجازات‌های سنگین، از جمله جریمه‌های مالی یا تعلیق فعالیت شود.

- **رعایت تعهدات منطقه‌ای و صنعتی**

در صورتی که سرمایه‌گذار در مناطق خاص یا صنایع استراتژیک فعالیت می‌کند، باید تعهدات بیشتری را رعایت کند. برای مثال، در مناطق کمتر توسعه‌یافته، سرمایه‌گذاران باید پروژه‌هایی را پیاده‌سازی

کنند که به ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی محلی کمک کند. در صنایع فناوری بالا، سرمایه‌گذاران باید اطمینان دهند که فعالیت‌های آنان به ارتقاء دانش فنی و توسعه نوآوری منجر می‌شود.

• تعهد به عدم دخالت در امنیت ملی و منافع عمومی

سرمایه‌گذاران خارجی متعهد هستند که فعالیت‌های آنان با امنیت ملی و منافع عمومی چین تضاد نداشته باشد. دولت چین تأکید زیادی بر این تعهد دارد و پروژه‌هایی که ممکن است تهدیدی برای امنیت ملی تلقی شوند، به دقت بررسی می‌شوند. هرگونه فعالیتی که منجر به دخالت در سیاست‌های داخلی، انتشار اطلاعات محرمانه یا تضعیف منافع عمومی شود، ممکن است باعث محدودیت یا ممنوعیت سرمایه‌گذاری شود.

تعهدات سرمایه‌گذاران خارجی در چین، چارچوبی قانونی و اخلاقی را برای فعالیت‌های آنان تعیین می‌کند. این تعهدات نه تنها برای حفظ منافع ملی و عمومی چین، بلکه برای ایجاد محیطی منصفانه و پایدار برای سرمایه‌گذاران و جامعه تجاری است. رعایت این تعهدات می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا از فرصت‌های گسترده موجود در چین بهره‌مند شوند و روابط تجاری موفق و پایدار با شرکای محلی برقرار کنند.

بخش چهارم: نتایج و راه‌حل‌های حقوقی جهت کاربست سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری فی‌مابین ایران و چین

ایران و چین به‌عنوان دو کشور کلیدی در قاره آسیا، ظرفیت‌های اقتصادی گسترده‌ای برای همکاری دارند. چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و تولیدکننده عمده فناوری‌های پیشرفته، می‌تواند در توسعه زیرساخت‌ها و انتقال فناوری به ایران نقش کلیدی ایفا کند. سند همکاری ۲۵ ساله میان این دو کشور بستری برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های مختلف اقتصادی فراهم کرده است. چین نیز با توانایی بالا در ساخت و توسعه زیرساخت‌ها، می‌تواند به بهبود شبکه‌های حمل‌ونقل، مخابرات و انرژی ایران کمک کند. این همکاری در چارچوب پروژه یک کمربند، یک جاده نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان آسیا و اروپا در این ابتکار نقش حیاتی دارد. چین با پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی و انرژی‌های تجدیدپذیر، فرصت‌های منحصر به فردی برای انتقال دانش و فناوری به ایران ایجاد کرده است. در همین حال، تبادل دانشجو و همکاری‌های دانشگاهی می‌تواند موجب تقویت زیرساخت‌های علمی و پژوهشی در هر دو کشور شود. این همکاری‌ها به‌ویژه در توسعه صنایع دانش‌بنیان در ایران، تأثیر قابل‌توجهی خواهد داشت. ایران و چین با تمدن‌های کهن و مشترکات فرهنگی متعدد، می‌توانند از روابط فرهنگی برای تقویت همکاری‌های دوجانبه بهره‌گیرند. برگزاری برنامه‌های فرهنگی مشترک، تبادل دانشجویان و گسترش همکاری‌های گردشگری از جمله زمینه‌های تقویت روابط مردمی و شناخت متقابل است. با توجه به تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، ایران می‌تواند از حمایت چین برای توسعه اقتصادی و کاهش وابستگی به غرب بهره‌مند شود. در مقابل، چین نیز با استفاده از منابع و موقعیت استراتژیک ایران، می‌تواند دسترسی به بازارهای خاورمیانه و اروپا را تسهیل کند. این همکاری‌ها علاوه بر تقویت منافع اقتصادی، به تقویت جایگاه سیاسی دو کشور در سطح جهانی منجر خواهد شد. همکاری میان ایران و چین نه تنها در زمینه اقتصادی و تجاری، بلکه در حوزه‌های علمی، فناوری، سیاسی و فرهنگی دارای اهمیت ویژه‌ای است. استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های دو طرف می‌تواند به توسعه پایدار، تقویت ثبات منطقه‌ای و افزایش رفاه عمومی در هر دو کشور منجر شود.

سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین که در تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۲۱ به امضا رسید، یکی از مهم‌ترین توافق‌های دوجانبه‌ای است که در سال‌های اخیر میان دو کشور به امضاء رسیده و در پی تقویت روابط اقتصادی، تجاری،

سیاسی، فرهنگی و امنیتی است. این توافق شامل چندین بخش عمده است که هر کدام می‌توانند تأثیر عمیقی بر آینده روابط میان ایران و چین و همچنین بر تحولات اقتصادی و منطقه‌ای داشته باشند. هدف اصلی این سند، ارتقاء روابط به سطح مشارکت جامع راهبردی است، به‌طوری که هر دو کشور در زمینه‌های مختلف، از انرژی و فناوری گرفته تا امنیت منطقه‌ای و تبادل فرهنگی، همکاری‌های خود را گسترش دهند. همچنین، امکان استفاده از یوان چین برای پرداخت‌ها و تسویه‌های تجاری، این فرصت را برای ایران فراهم کرده که از وابستگی به دلار در معاملات بین‌المللی بکاهد. یکی دیگر از بخش‌های مهم این توافق، همکاری‌های زیرساختی است. چین باتوجه به تجربه گسترده‌ای که در پروژه‌های زیرساختی دارد، می‌تواند به توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مخابرات، و انرژی در ایران کمک کند. پروژه‌های بزرگ مانند راه‌آهن، بزرگراه‌ها، بندر و همچنین پروژه‌های برق و انرژی‌های تجدیدپذیر در چارچوب این توافق به بهره‌برداری خواهند رسید که نه تنها به توسعه اقتصادی ایران کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راه‌های جدیدی برای ارتباط ایران با کشورهای آسیای میانه، روسیه و حتی اروپا فراهم آورد. در حوزه فناوری، چین با پیشرفت‌های قابل‌توجه خود در زمینه‌های نوین تکنولوژی مانند هوش مصنوعی، نانوتکنولوژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، فرصت‌های زیادی برای همکاری با ایران فراهم کرده است. تبادل فناوری‌های نوین و دانش علمی می‌تواند ایران را در مسیر رشد و توسعه صنعتی قرار دهد و درعین حال موجب افزایش رقابت‌پذیری ایران در بازارهای جهانی شود. این همکاری‌ها می‌تواند شامل انتقال دانش، تأسیس مشترک آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، و آموزش نیروی انسانی متخصص باشد. در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز این سند زمینه‌هایی برای گسترش روابط مردمی میان دو کشور فراهم کرده است. تبادل دانشجویان، همکاری‌های علمی و فرهنگی و توسعه گردشگری می‌تواند روابط دوجانبه را تقویت کرده و به درک متقابل کمک کند. ایران و چین با تمدن‌های کهن خود دارای مشترکات فرهنگی زیادی هستند که این زمینه را برای تقویت همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌آورد. به‌طورکلی، سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین یک چارچوب بلندمدت است که به طور هم‌زمان فرصت‌های متعددی برای هر دو کشور در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند. این همکاری‌ها می‌تواند در بلندمدت منجر به تقویت موقعیت ایران در سطح جهانی و افزایش قدرت اقتصادی چین در منطقه شود. این سند به‌عنوان یک استراتژی بلندمدت به شمار می‌رود که نه تنها برای بهبود روابط دوجانبه بلکه برای شکل‌دهی به آینده‌ای با همکاری‌های متقابل در سطح جهانی طراحی شده است. چین به‌عنوان کشوری پیشرو در توسعه زیرساخت‌ها، می‌تواند نقش مهمی در بهبود شبکه‌های حمل‌ونقل، راه‌آهن، بندر و انرژی ایران ایفا کند. این همکاری در

چارچوب پروژه یک کمربند، یک جاده که هدف آن ایجاد شبکه‌ای از زیرساخت‌ها برای تسهیل تجارت و ارتباطات میان آسیا، آفریقا و اروپا است، اهمیت دوجندان پیدا می‌کند. ایران، با موقعیت ژئوپلیتیک خود، می‌تواند حلقه کلیدی این شبکه باشد و به چین در دسترسی آسان‌تر به بازارهای خاورمیانه و اروپا کمک کند. چین در دهه‌های اخیر پیشرفت چشمگیری در حوزه فناوری‌های نوین داشته است و در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی، انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری اطلاعات به یکی از رهبران جهانی تبدیل شده است. در چارچوب این سند، همکاری‌های فناوری میان ایران و چین می‌تواند فرصت‌های بزرگی برای ایران در زمینه انتقال دانش، افزایش بهره‌وری صنعتی و توسعه فناوری‌های بومی ایجاد کند.

در رابطه با ضرورت موضوع در کشور ما، تأکید کشور در مورد استفاده و گسترش به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات است؛ به‌طوری‌که در بند پ ماده ۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^{۸۶} در جهت ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری، کلیه دستگاه‌های اجرایی با هماهنگی با کشور موظف هستند که اقدامات لازم را در جهت ایجاد اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فناوری برای آموزش و انتقال فن و فناوری (تکنولوژی) برای نیروهای ایرانی، تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی برای جلوگیری از اعمال تبعیض‌های ناروا علیه صادرات ایران با رعایت مصالح کشور اعمال نمایند. همچنین، از حیث اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات، قابل مشاهده است که قانون‌گذار در قانون مذکور، بخشی مجزا را به این امر اختصاص داده است و با تأکید بر این صنعت، تلاش کرده است که خط‌مشی توسعه و پیشرفت را در این حوزه قانون‌گذاری نماید. با توجه به اینکه کشور در سال‌های اخیر با اجرای سیاست‌های بلندمدت نوآورانه به یکی از کشورهای پیشرفته علم و فناوری تبدیل شده است؛ تلاش نموده است با پیش‌بینی قوانین خاص در حوزه فناوری و همچنین سرمایه‌گذاری مشترک زمینه برقراری انتقال فناوری به کشورهای فناوری پذیر را فراهم نماید. مضاف بر این، مستند بر سند برنامه همکاری‌های جامع فی‌مابین جمهوری خلق چین و

^{۸۶} این بند مقرر نموده است که: «جهت تأمین حداقل دو و هشت دهم (۸/۲) واحد درصد از رشد هشت درصد (۸٪) اقتصاد از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری به میزان متوسط سالانه بیست و یک و چهاردهم درصد (۴۱/۲۱٪) در طول سالهای اجرایی برنامه، کلیه دستگاه‌های اجرایی با هماهنگی با دولت اقدامات زیر را به‌عمل آورند. مسئولیت اجراء بر عهده دولت می‌باشد: اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فناوری و توسعه بازارهای صادراتی (کالایی و کشوری) خدمات فنی و مهندسی و کالاهای ایرانی، اعزام نیروی کار، جذب اساتید و متخصصان برای آموزش و انتقال فن و فناوری (تکنولوژی) برای نیروهای ایرانی، تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی برای جلوگیری از اعمال تبعیض‌های ناروا علیه صادرات ایران با رعایت مصالح کشور»

جمهوری اسلامی ایران، با به رسمیت شناختن مشترکات فرهنگی، چندجانبه گرایی، حمایت از حق ملت‌ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و مدل توسعه بومی خود و با داشتن روابط عمیق و دوستانه از زمان برقراری روابط دیپلماتیک در ۱۹۷۱، زمینه‌های مساعد برای همکاری در حوزه‌های انرژی، زیرساخت، منتم علوم و فناوری و غیره، فراهم شده است و می‌توان در راستای این سند و با ایجاد طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه فناوری، گامی مؤثر جهت تحقق اراده مشترک دو کشور فراهم نمود.

قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین به‌عنوان یکی از پروژه‌های مهم اقتصادی، به‌ویژه پس از امضای سند همکاری ۲۵ ساله، نقش حیاتی در تقویت روابط تجاری و اقتصادی بین دو کشور دارد. این قرارداد به طور خاص بر مبنای بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی و فنی هر دو طرف شکل می‌گیرد و هدف آن استفاده از منابع مالی، تکنولوژیکی، و انسانی برای اجرای پروژه‌های مشترک و تحقق منافع متقابل است. در این نوع سرمایه‌گذاری، دو طرف منابع خود را به اشتراک می‌گذارند تا در کنار یکدیگر به‌سوی دستیابی به اهداف توسعه‌ای حرکت کنند.

یکی از ویژگی‌های بارز همکاری ایران و چین در قالب سرمایه‌گذاری مشترک، تنوع در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری است. این همکاری شامل بخش‌های مختلفی از جمله انرژی، زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت و فناوری می‌شود. به‌ویژه در زمینه فناوری، چین با داشتن تجربه‌های عظیم در پروژه‌های فناورانه، می‌تواند در بهینه‌سازی و توسعه این بخش در ایران نقش مؤثری ایفا کند. همچنین در زمینه زیرساخت‌ها، چین به‌ویژه در پروژه‌های مربوط به ساخت راه‌آهن، جاده‌ها، بنادر و شهرهای جدید، دارای تجربیات موفق است که می‌تواند در توسعه ایران کمک‌کننده باشد. انتقال فناوری و دانش فنی یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته این نوع همکاری است. چین به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در زمینه‌های مختلف صنعتی و فناوری، می‌تواند با انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته، به بهبود کیفیت تولیدات داخلی ایران کمک کرده و باعث ارتقاء صنایع مختلف شود. این انتقال فناوری به‌ویژه در بخش‌های ماشین‌آلات صنعتی، انرژی‌های نو و صنایع دیجیتال تأثیر چشمگیری خواهد داشت و باعث ارتقاء رقابت‌پذیری صنایع داخلی ایران می‌شود. از دیگر ویژگی‌های مهم این همکاری‌ها، افزایش اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی است. اجرای پروژه‌های مشترک میان دو کشور نه تنها موجب انتقال تکنولوژی می‌شود، بلکه فرصت‌های شغلی جدیدی را در صنایع مختلف ایجاد می‌کند. این امر می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری در ایران کمک کند و موجب تقویت بخش‌های

تولیدی و خدماتی کشور شود. برای موفقیت در پیاده‌سازی این نوع سرمایه‌گذاری مشترک، ایجاد چارچوب‌های قانونی شفاف از اهمیت بالایی برخوردار است. تدوین قوانین و مقررات واضح و مشخص که از حقوق سرمایه‌گذاران هر دو طرف به‌ویژه در مواجهه با مشکلات احتمالی نظیر تحریم‌ها حمایت کند، ضروری است. همچنین باید نظام حقوقی به‌گونه‌ای باشد که خطرات و ریسک‌های ناشی از سرمایه‌گذاری را به حداقل برساند. برای مثال، ایجاد توافق‌نامه‌های بین‌المللی و بستن قراردادهای حمایتی میان دو کشور می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند. یکی از دیگر راهکارهای مهم در این زمینه، تسهیل ورود سرمایه و مبادلات مالی است. باتوجه‌به شرایط خاص اقتصادی ایران و وجود تحریم‌ها، باید سازوکارهای ویژه‌ای برای تسهیل مبادلات ارزی و ورود سرمایه خارجی در نظر گرفته شود. ایجاد بانک‌های مشترک، سیستم‌های پرداخت بین‌المللی و همکاری‌های مالی میان بانک‌های دو کشور می‌تواند فرایندهای مالی را تسهیل کرده و موجب تسریع در انجام پروژه‌ها شود. ایجاد کمیته‌های مشترک مدیریتی برای نظارت بر پیشرفت پروژه‌ها نیز می‌تواند به تضمین موفقیت این سرمایه‌گذاری‌ها کمک کند. این کمیته‌ها باید از نمایندگان هر دو طرف تشکیل شوند و وظیفه نظارت بر روند اجرایی پروژه‌ها، رفع مشکلات و حل اختلافات احتمالی را به عهده داشته باشند. این کمیته‌ها همچنین می‌توانند برنامه‌ریزی‌های لازم برای مراحل مختلف پروژه‌ها را انجام دهند و اطمینان حاصل کنند که پروژه‌ها به‌موقع و با کیفیت مطلوب اجرا می‌شوند. یکی از دیگر راهکارهای اساسی در پیاده‌سازی این نوع همکاری، پشتیبانی از پروژه‌های تحقیق و توسعه است. برای بهره‌برداری مؤثر از فناوری‌های جدید، لازم است که به‌طور مشترک در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری شود. تخصیص بودجه‌های لازم برای این بخش و ارتقاء ظرفیت‌های پژوهشی می‌تواند منجر به توسعه فناوری‌های بومی و بهبود کارایی پروژه‌ها شود. در نهایت، آموزش نیروی کار و توانمندسازی کارکنان داخلی در زمینه‌های تخصصی و تکنولوژیک امری ضروری است. در این نوع سرمایه‌گذاری، لازم است که کارگران و مهندسان ایرانی در دوره‌های آموزشی تخصصی شرکت کنند تا بتوانند از فناوری‌های نوین استفاده کنند و همچنین دانش فنی را در کشور حفظ نمایند.

برای انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین، رعایت الزامات قانونی هر دو کشور ضروری است. در ایران، این قرارداد باید مطابق با قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی باشد که شرایطی مانند اخذ مجوز از سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، تعیین دقیق حقوق و تعهدات

طرفین، و شفافیت در موضوع سرمایه‌گذاری و سهم طرفین را شامل می‌شود. همچنین باید مقررات مربوط به انتقال فناوری، بهره‌برداری از منابع طبیعی و رعایت ملاحظات زیست‌محیطی رعایت گردد. در ادامه مهم‌ترین نتایج و کاربردهای حقوقی سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری فی‌مابین ایران و چین با جزئیات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ساختار مالکیت مشترک

در مدل سرمایه‌گذاری مشترک، ساختار مالکیت مشترک یکی از اصول اساسی است که به طور مستقیم بر موفقیت و پایداری پروژه تأثیر می‌گذارد. این ساختار معمولاً شامل تأسیس یک نهاد حقوقی جدید است که در آن هر یک از طرفین، متناسب با میزان سرمایه، تخصص، یا منابعی که وارد پروژه می‌کنند، سهم مشخصی از مالکیت را در اختیار دارند. مدل سرمایه‌گذاری مشترک یکی از شیوه‌های کارآمد برای ترکیب منابع، دانش، و مهارت‌های مختلف جهت دستیابی به اهداف مشترک در پروژه‌ها است. در این مدل، دو یا چند طرف با همکاری یکدیگر، مسئولیت اجرای پروژه را به عهده می‌گیرند. یکی از ویژگی‌های کلیدی این مدل، ساختار مالکیت مشترک است که تعیین‌کننده سهم هر یک از طرفین در منافع، مسئولیت‌ها، و ریسک‌های پروژه است. این ساختار نه تنها زمینه‌ساز موفقیت و پایداری پروژه‌ها می‌شود، بلکه به افزایش شفافیت و تقویت اعتماد بین شرکا کمک می‌کند.

ساختار مالکیت مشترک، بر اساس تقسیم منافع و مسئولیت‌ها بین طرفین است. این ساختار معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شود که سهم هر طرف متناسب با میزان سرمایه‌گذاری، تخصص فنی، منابع یا دارایی‌هایی باشد که وارد پروژه می‌کند. برای مثال، اگر شرکتی سرمایه نقدی بیشتری وارد کند و شرکت دیگر فناوری یا دانش فنی پیشرفته ارائه دهد، سهم مالکیت هر یک باید به نحوی تعیین شود که میزان آورده آن‌ها را منعکس کند. این تقسیم‌بندی باید عادلانه باشد تا انگیزه همکاری و تعهد طرفین را تقویت کند. یکی از روش‌های رایج در سرمایه‌گذاری مشترک، تأسیس یک نهاد حقوقی مستقل است. در این حالت، شرکا با تأسیس یک شرکت جدید، نقش‌ها و مسئولیت‌های خود را به طور شفاف مشخص می‌کنند. این شرکت مستقل به عنوان موجودیتی جداگانه عمل می‌کند و هر طرف به عنوان سهام‌دار در آن مشارکت دارد. تقسیم سهام در این نهاد، به توافق طرفین و بر اساس ارزش‌آوری هر یک از شرکا بستگی دارد. در مقابل، برخی سرمایه‌گذاری‌های مشترک تنها به صورت توافق قراردادی انجام می‌شوند و نیازی به تشکیل نهاد مستقل ندارند. این نوع همکاری‌ها معمولاً

برای پروژه‌های موقت یا کوتاه‌مدت کاربرد دارند. برای مثال، دو شرکت می‌توانند برای انجام یک پروژه تحقیقاتی مشترک، بدون تشکیل شرکت جدید، تنها بر اساس یک قرارداد رسمی با هم همکاری کنند.

از مزایای مهم مالکیت مشترک، تقسیم ریسک‌ها بین طرفین است. در پروژه‌های بزرگ که هزینه‌ها و ریسک‌های مالی و عملیاتی بالاست، تقسیم این ریسک‌ها می‌تواند فشار را کاهش دهد و اجرای پروژه را تسهیل کند. علاوه بر این، دسترسی به منابع بیشتر یکی دیگر از مزایای این مدل است. هر طرف می‌تواند منابعی مانند سرمایه، شبکه‌های بازار، دانش فنی یا فناوری پیشرفته را وارد پروژه کند و به این ترتیب، امکان موفقیت پروژه افزایش می‌یابد. ساختار مالکیت مشترک همچنین شفافیت در تقسیم منافع و مسئولیت‌ها را تقویت می‌کند. وقتی نقش هر یک از طرفین به طور دقیق مشخص باشد، احتمال بروز اختلافات کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند روابط بلندمدت و پایداری میان شرکا ایجاد کند. خروج از سرمایه‌گذاری مشترک نیز یکی از موضوعات حساس در این مدل است. اگر یکی از طرفین بخواهد از پروژه خارج شود، نبود برنامه‌ای مشخص برای انتقال سهم مالکیت می‌تواند مشکلات بزرگی ایجاد کند. برای مدیریت این موضوع، باید از ابتدا در قراردادها شرایط خروج، انتقال سهام، یا انحلال نهاد حقوقی مشخص شود و ساختار مالکیت مشترک در مدل سرمایه‌گذاری مشترک، زیربنای همکاری بین شرکا را تشکیل می‌دهد و بر موفقیت و پایداری پروژه تأثیر مستقیمی دارد. طراحی دقیق و عادلانه این ساختار می‌تواند از بروز اختلافات جلوگیری کرده و زمینه‌ساز موفقیت بلندمدت باشد. با این حال، برای بهره‌گیری کامل از مزایای این مدل، باید به چالش‌ها و ملاحظات آن توجه ویژه‌ای داشت و توافقاتی حقوقی جامعی تنظیم کرد.

یکی از موفق‌ترین نمونه‌های سرمایه‌گذاری مشترک در چین، همکاری بین شرکت آمریکایی جنرال موتورز و شرکت چینی سایک موتورز است. این سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۹۷ با هدف تولید و فروش خودرو در چین آغاز شد. جنرال موتورز تخصص فنی و فناوری پیشرفته خود را به این سرمایه‌گذاری وارد کرد، در حالی که سایک موتورز شبکه گسترده بازار و دانش بومی خود از بازار چین را به اشتراک گذاشت. در ابتدا، جنرال موتورز و سایک موتورز هر کدام ۵۰ درصد از مالکیت این سرمایه‌گذاری مشترک را در اختیار داشتند. این تعادل در مالکیت، همکاری را شفاف‌تر و منافع را عادلانه‌تر کرد. این سرمایه‌گذاری به یکی از بزرگ‌ترین موفق‌ترین تولیدکنندگان خودرو در چین تبدیل شد. جنرال موتورز توانست از شبکه توزیع و درک عمیق سایک موتورز از ترجیحات مشتریان چینی بهره‌برداری کند. سایک نیز از فناوری و دانش فنی جنرال موتورز

بهره‌مند شد. تا سال ۲۰۲۳، این سرمایه‌گذاری همچنان فعال بوده و مدل‌های پرفروشی مانند بیوک و شورولت را در بازار چین تولید می‌کند. این موفقیت نشان‌دهنده اهمیت توازن در ساختار مالکیت و مکمل بودن منابع طرفین است. موفقیت سرمایه‌گذاری مشترک نیازمند تقسیم شفاف و متوازن مالکیت و مسئولیت‌هاست. وقتی یکی از طرفین سهم بسیار بیشتری از مالکیت داشته باشد، احتمال بروز اختلافات مدیریتی افزایش می‌یابد. در ادامه انواع مدل‌های توزیع مالکیت بررسی خواهد شد.

• سهام‌بندی شفاف

مالکیت طرفین در قالب سهام یا درصدی از پروژه مشخص می‌شود. برای مثال، یک شرکت ایرانی می‌تواند ۴۰٪ و یک شرکت چینی ۶۰٪ سهام را بر اساس سرمایه‌گذاری مالی یا تخصص فنی خود داشته باشند. این تقسیم‌بندی بر اساس توافق دوجانبه و مطابق با الزامات قانونی هر کشور تعیین می‌شود.

• ایجاد تعادل در مشارکت

ساختار مالکیت مشترک به گونه‌ای طراحی می‌شود که حقوق و منافع هر دو طرف به طور مساوی یا بر اساس سهمشان تضمین شود. این امر مانع تسلط یک طرف بر طرف دیگر می‌شود و محیطی متوازن برای همکاری ایجاد می‌کند. طرف چینی معمولاً توانایی‌های مالی، فناوری پیشرفته، و تجربه مدیریتی را وارد پروژه می‌کند، درحالی‌که طرف ایرانی دسترسی به بازارهای محلی، نیروی کار ارزان‌تر، منابع طبیعی، و شبکه‌های قانونی را تأمین می‌کند. این ترکیب منابع باعث تقویت مزیت رقابتی پروژه می‌شود.

• انعطاف‌پذیری در مدل مالکیت

مدل‌های مختلفی برای ساختار مالکیت مشترک وجود دارد. مالکیت برابر (۵۰-۵۰): مناسب برای پروژه‌هایی که طرفین به طور مساوی در سرمایه‌گذاری و مدیریت مشارکت دارند.

مالکیت نامساوی: در پروژه‌هایی که یکی از طرفین سرمایه یا فناوری بیشتری ارائه می‌کند، سهم بیشتری از مالکیت به او تعلق می‌گیرد.

تأسیس یک نهاد مستقل حقوقی: شرکت مشترک معمولاً به‌عنوان یک نهاد مستقل با شخصیت حقوقی جداگانه ثبت می‌شود. این نهاد مسئولیت اجرای پروژه، مدیریت عملیات، و رعایت تعهدات قانونی و مالیاتی را بر عهده دارد. ثبت این شرکت معمولاً در ایران تحت نظارت سازمان سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌شود و باید به قوانین داخلی و بین‌المللی پایبند باشد.

با توزیع ریسک میان دو طرف، فشار مالی و عملیاتی کاهش یافته و احتمال موفقیت پروژه افزایش می‌یابد. طرف ایرانی می‌تواند از آشنایی با بازارهای محلی، قوانین، و فرهنگ کاری استفاده کند، درحالی‌که طرف چینی منابع بین‌المللی و فناوری پیشرفته را به کار می‌گیرد. این نوع همکاری علاوه بر منافع اقتصادی، به تحکیم روابط سیاسی و دیپلماتیک میان دو کشور نیز کمک می‌کند. تمامی موارد مربوط به تقسیم مالکیت، مدیریت، و تصمیم‌گیری باید به طور دقیق در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک قید شود. این موضوع به کاهش احتمال بروز اختلافات کمک می‌کند. ساختار مالکیت مشترک با ایجاد تعادل در حقوق و مسئولیت‌های طرفین و بهره‌گیری از توانایی‌ها و منابع متقابل، یک مدل قابل اعتماد و کارآمد برای همکاری اقتصادی ایران و چین است. اگر این ساختار به‌درستی طراحی و اجرا شود، می‌تواند شراکتی سودآور و پایدار برای هر دو کشور فراهم کند.

تجربه‌های چین در تعیین ساختار مالکیت سرمایه‌گذاری مشترک نشان‌دهنده رویکرد انعطاف‌پذیر اما قانون‌مدار این کشور در مدیریت سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. چین از سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان ابزاری استراتژیک برای جذب فناوری، سرمایه خارجی، و تقویت صنایع داخلی استفاده کرده است. این کشور در طول دهه‌ها، مدل‌های مختلفی برای ساختار مالکیت سرمایه‌گذاری مشترک طراحی کرده که هر یک بر اساس نوع صنعت و سیاست‌های دولت تنظیم شده است. مدل‌های اصلی ساختار مالکیت در سرمایه‌گذاری مشترک چین در ادامه نام برده خواهد شد:

● مالکیت محدود

این مدل یکی از رایج‌ترین ساختارهای سرمایه‌گذاری مشترک در چین است و بر مبنای مشارکت دو یا چند طرف در یک نهاد حقوقی مستقل عمل می‌کند. در این مدل سهم مالکیت هر طرف بر اساس میزان سرمایه‌گذاری آن تعیین می‌شود. این مدل بیشتر در صنایع حساس مانند خودروسازی، کشاورزی، و برخی زیرساخت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرمایه‌گذاری مشترک فولکس‌واگن که یکی از قدیمی‌ترین و موفق‌ترین سرمایه‌گذاری مشترک‌های چین است نیز دارای این ساختار بوده است. فولکس‌واگن فناوری و نوآوری‌های خود را وارد کرد، در حالی که کشور چین مسئولیت تولید محلی و بازاریابی را به عهده گرفت.

- مالکیت کامل^{۸۷}

اگرچه مالکیت کامل یک سرمایه‌گذاری مشترک به معنای سستی نیست، اما در صنایع خاصی شرکت‌های خارجی می‌توانند مالکیت کامل داشته باشند. این مدل بیشتر برای شرکت‌هایی است که به دانش فنی یا بازار بومی نیاز کمتری دارند و می‌خواهند کنترل کامل بر فعالیت‌های خود داشته باشند. شرکت‌های فناوری اطلاعات، مانند Apple که برای کنترل کامل عملیات و حفظ استانداردهای جهانی از مالکیت کامل استفاده می‌کنند.

- مالکیت اکثریتی

در برخی صنایع که دولت چین به جذب فناوری خارجی یا سرمایه‌گذاری کلان علاقه دارد، شرکت‌های خارجی مجاز به داشتن مالکیت اکثریت (بیش از ۵۰ درصد) هستند. این مدل در سال‌های اخیر با باز شدن بیشتر بازار چین، به‌ویژه در صنایع خودروسازی و مالی، محبوبیت بیشتری پیدا کرده است.

۲. تعیین دقیق فناوری موضوع سرمایه‌گذاری مشترک

تعیین دقیق نوع فناوری در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک اهمیت فراوانی دارد. تعیین دقیق نوع فناوری به سرمایه‌گذاران و شرکت‌های سرمایه‌پذیر این امکان را می‌دهد که ارزش واقعی فناوری موردنظر را به طور

^{۸۷}Wholly Foreign-Owned Enterprise (WFOE)

دقیق ارزیابی کنند. فناوری‌ها معمولاً از نظر پیچیدگی، مرحله بلوغ و میزان پذیرش در بازار متفاوت هستند. بنابراین، برای یک سرمایه‌گذاری مشترک، دانستن ویژگی‌های دقیق فناوری به‌منظور ارزیابی ارزش آن در طول زمان و پیش‌بینی روند رشد آن بسیار مهم است. این ارزیابی می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند که تصمیمات مالی بهتری بگیرند، به‌ویژه در تعیین میزان سرمایه‌گذاری اولیه و بازگشت سرمایه‌ای که می‌توانند از آن انتظار داشته باشند. در همین راستا، استفاده از روش‌های مختلف ارزش‌گذاری فناوری نظیر مدل‌های مالی (نظیر مدل‌های تخفیف جریان نقدی) و روش‌های مبتنی بر دارایی‌های فکری می‌تواند با استفاده از اطلاعات دقیق درباره نوع فناوری، دقت پیش‌بینی‌ها را افزایش دهد. برای مثال، اگر فناوری در مرحله تحقیق و توسعه باشد، ممکن است ریسک‌های بیشتری داشته باشد که در ارزش‌گذاری آن باید به‌درستی لحاظ شود. این ارزیابی دقیق به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا قیمت منصفانه‌ای را برای فناوری تعیین کنند که هم حقوق مالکیت فکری را رعایت کند و هم از منافع طرفین حفاظت نماید.

نوع فناوری تأثیر زیادی بر ساختار قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک دارد. برای مثال، در صورتی که فناوری در مرحله‌ای باشد که نیاز به تحقیقات گسترده و آزمایشات بیشتری دارد، قرارداد باید شرایطی را برای تأمین مالی اضافی و زمان‌های مشخص برای توسعه بیشتر پیش‌بینی کند. در مقابل، اگر فناوری به بلوغ رسیده باشد، قرارداد ممکن است شامل بندهایی برای پشتیبانی و خدمات پس از فروش، آموزش کارکنان و شرایط انتقال فناوری به طور مستقیم به بازار باشد. این تمایزات باعث می‌شود که ساختار قراردادهای سرمایه‌گذاری به طور قابل توجهی بر اساس نوع فناوری تغییر کند.

این امر همچنین به تأمین نیازهای خاص هر طرف کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، ممکن است یک طرف قرارداد بخواهد تنها حق استفاده از فناوری را بدون حق توسعه آن داشته باشد، درحالی که طرف دیگر ممکن است خواستار حق توسعه و بهبود فناوری باشد. لذا، شناخت دقیق نوع فناوری به طرفین قرارداد کمک می‌کند تا تمام این جزئیات را از ابتدا تنظیم کرده و از بروز اختلافات احتمالی در آینده جلوگیری کنند.

ریسک یکی از عوامل اصلی در هر قرارداد سرمایه‌گذاری است. در قراردادهای انتقال فناوری، ریسک‌ها ممکن است شامل ناتوانی در به‌نتیجه‌رساندن فرایند توسعه فناوری، مشکلات مرتبط با مقیاس‌پذیری، نیاز به به‌روزرسانی‌های مداوم فناوری، یا چالش‌های مربوط به پذیرش بازار باشد. تعیین دقیق نوع فناوری می‌تواند به شناسایی این ریسک‌ها کمک کند و طرفین قرارداد را قادر می‌سازد که برای هر یک از آن‌ها راه‌حل‌های خاصی ارائه دهند. برای مثال، در صورتی که فناوری در مرحله آزمایش و تحقیق باشد، ریسک‌های بیشتری

وجود دارد که باید در قرارداد پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شود. این پیش‌بینی‌ها می‌تواند شامل الزام به تخصیص بودجه برای تحقیقات بیشتر، شرایط تغییر در قرارداد در صورت عدم موفقیت پروژه، و توافقات خاص در مورد مالکیت نتایج تحقیق باشد. از سوی دیگر، برای فناوری‌های بالغ‌تر، قرارداد می‌تواند شامل بخش‌هایی برای تضمین کیفیت، حفظ استانداردها و تعمیرات و پشتیبانی باشد. این شفاف‌سازی‌ها موجب کاهش ابهام و در نتیجه کاهش ریسک‌های مالی و عملیاتی خواهد شد.

انتقال فناوری فرایندی پیچیده است که نیاز به شناخت دقیق از ویژگی‌ها و قابلیت‌های فناوری دارد. تعیین نوع دقیق فناوری در قراردادهای انتقال، به‌ویژه در سرمایه‌گذاری‌های مشترک، نقش کلیدی در تسهیل این فرایند دارد. برای مثال، اگر طرفین قرارداد بدانند که فناوری در حال انتقال چه ویژگی‌هایی دارد و چه نیازهایی برای اجرا و بهره‌برداری دارد، می‌توانند الزامات لازم برای آموزش نیروی انسانی، نصب و راه‌اندازی تجهیزات و انجام آزمایشات را مشخص کنند. همچنین، آگاهی از نوع فناوری می‌تواند به طرفین این امکان را بدهد که مشکلات احتمالی در پذیرش و استفاده از فناوری را پیش‌بینی کنند. به‌عنوان مثال، ممکن است نیاز به تغییرات یا به‌روزرسانی‌های فنی در زیرساخت‌ها وجود داشته باشد که در قرارداد باید پیش‌بینی شود. این فرایند تضمین می‌کند که انتقال فناوری به طور مؤثر انجام شده و هیچ‌گونه چالشی در رابطه با کاربرد آن در طرف‌های مختلف ایجاد نشود.

حقوق مالکیت فکری بخش مهمی از قراردادهای انتقال فناوری را تشکیل می‌دهد. با تعیین دقیق نوع فناوری، می‌توان مسائل مربوط به حقوق مالکیت فکری، از جمله حق استفاده، حق به‌روزرسانی و توسعه و حق انتقال به طور واضح در قرارداد مشخص کرد. این امر به جلوگیری از اختلافات حقوقی در آینده و حفظ منافع هر دو طرف کمک می‌کند. برای مثال، در قراردادهای انتقال فناوری، ممکن است یک طرف بخواهد حقوق انحصاری بر استفاده از فناوری را به دست آورد، درحالی‌که طرف دیگر ممکن است تنها مجوز محدود برای استفاده از فناوری را بخواهد. این موضوع به‌ویژه زمانی مهم است که فناوری دارای پتنت یا حقوق مالکیت معنوی باشد. تعیین دقیق این حقوق در قرارداد به‌ویژه در پروژه‌های بلندمدت یا در صورت وجود نوآوری‌های جدید، از بروز منازعات حقوقی جلوگیری می‌کند.

یک عامل کلیدی دیگر در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک انتقال فناوری، برنامه‌ریزی برای توسعه و نوآوری‌های آتی است. اگر طرفین قرارداد از نوع فناوری آگاهی کامل داشته باشند، می‌توانند برنامه‌ریزی‌های استراتژیک بهتری برای نوآوری‌ها و تحقیقات آینده انجام دهند. به‌عنوان مثال، اگر فناوری از نوع پیشرفته و

نیازمند به‌روزرسانی‌های مداوم باشد، طرفین ممکن است توافق کنند که به طور دوره‌ای بودجه‌های تحقیقاتی و توسعه را به‌منظور حفظ و ارتقاء فناوری تخصیص دهند.

از سوی دیگر، این شفافیت می‌تواند به طرفین این امکان را بدهد که طرح‌هایی برای بهبود فرایندها و افزایش کارایی فناوری در آینده تدوین کنند. این برنامه‌ریزی می‌تواند شامل ایجاد پروژه‌های مشترک تحقیقاتی، شراکت‌های نوآوری یا حتی تأسیس واحدهای تحقیق و توسعه مشترک باشد.

بنابراین، تعیین دقیق نوع فناوری در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک انتقال فناوری می‌تواند نقش اساسی در کاهش ریسک‌ها، تعیین شفافیت حقوق و مسئولیت‌ها و تسهیل فرایندهای انتقال فناوری ایفا کند. این امر به‌ویژه در قراردادهایی که شامل بخش‌های پیچیده‌ای از مالکیت فکری، توسعه و نوآوری است، از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین، توصیه می‌شود که طرفین قرارداد از ابتدا به طور دقیق نوع فناوری و نیازمندی‌های مربوط به آن را مشخص کنند تا از بروز مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری شود و سرمایه‌گذاری‌ها به بهترین نحو ممکن انجام گیرد.

انتقال فناوری و دانش فنی یکی از ابعاد حیاتی مدل سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین است که می‌تواند تحول قابل توجهی در زیرساخت‌ها و صنایع ایران ایجاد کند. این انتقال شامل تأمین فناوری‌های پیشرفته در حوزه‌هایی مانند انرژی، حمل‌ونقل، و صنایع تولیدی است که از طریق واردات تجهیزات، راه‌اندازی خطوط تولید مشترک، و ایجاد مراکز تحقیق و توسعه صورت می‌گیرد. همچنین، دانش فنی از طریق آموزش نیروی انسانی و اشتراک‌گذاری تجربیات مدیریتی به ایران منتقل می‌شود. مزایای این فرایند شامل به‌روزرسانی زیرساخت‌های صنعتی ایران، افزایش بهره‌وری، کاهش وابستگی به واردات فناوری، و توسعه ظرفیت‌های بومی برای تولید و صادرات است. با این حال، چالش‌هایی مانند انتقال ناقص یا محدود فناوری، نبود زیرساخت‌های لازم برای جذب فناوری‌های پیشرفته، و مسائل مرتبط با مالکیت معنوی نیز وجود دارد. برای رفع این چالش‌ها، باید در قراردادهای سرمایه‌گذاری، تعهدات دقیق طرف خارجی در ارائه فناوری‌های به‌روز و تضمین آموزش نیروی کار محلی ذکر شود. در نهایت، انتقال فناوری نه تنها ظرفیت تولید داخلی ایران را ارتقا می‌دهد، بلکه با کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت، رقابت‌پذیری صنایع ایران را در بازارهای بین‌المللی افزایش می‌دهد. انتقال فناوری در همکاری بین‌المللی، مانند سرمایه‌گذاری مشترک با چین، علاوه بر تجهیز ایران به دانش و ابزارهای مدرن، فرصتی برای ایجاد تحول در فرایندهای تولیدی است. در این مدل،

تجهیزات پیشرفته، سیستم‌های نرم‌افزاری، و فناوری‌های تولید از سوی چین به ایران منتقل می‌شود و در کنار آن، مهارت‌های نیروی انسانی ایران از طریق آموزش و کار عملی تقویت می‌گردد. این امر به ایران امکان می‌دهد که به جای مصرف‌کننده فناوری، به یک تولیدکننده بومی تبدیل شود. درعین حال، راه‌اندازی پروژه‌های مشترک در حوزه‌های استراتژیک، مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و زیرساخت‌های هوشمند، علاوه بر رشد اقتصادی، به توسعه پایدار کمک می‌کند.

برای تضمین موفقیت این فرایند، باید پیش‌نیازهایی مانند زیرساخت‌های جذب فناوری و چارچوب‌های قانونی شفاف فراهم شود. با اجرای دقیق این مدل، ایران می‌تواند گامی بلند در مسیر استقلال صنعتی و ارتقای جایگاه اقتصادی خود بردارد.

باتوجه به اینکه فناوری مجموعه‌ای از عناصر اطلاعاتی و فیزیکی شامل دانش، تجربه، روند داده‌ها، تحقیق، توسعه و تحقق، محصولات، سخت‌افزارها، تجهیزات، نقشه‌ها و روندها است؛ به نظر می‌رسد در ابتدا لازم است که در پروسه طراحی مدل سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین، دقیقاً معین گردد که فناوری موضوع طرح شامل چه مواردی می‌شود. تعریف و تعیین دقیق فناوری به پیشبرد عملی طرح کمک شایانی می‌نماید و لازم است که در این تعیین، دقیقاً مورد اشاره قرار بگیرد که منظور از فناوری موضوع طرح، یک شیوه علمی در تحصیل هدفی عملی و کاربرد سیستماتیک دانش سازمان‌یافته در حل مشکلات عملی در حوزه ICT است و صرفاً شامل دانش مربوط به فناوری نیست. بنابراین، در این راستا، باید فناوری همراه با عناصر فیزیکی و انسانی و همراه با چهار رکن اساسی آن که شامل تکنیک‌ها و شیوه‌های خاص، دانش، سازماندهی و نحوه تولید موضوع انتقال قرار گیرد. همچنین لازم به ذکر است که در پیاده‌سازی مدل سرمایه‌گذاری مشترک با کشور چین، هدف صرفاً انتقال کالا یا تجهیزات فناورانه به ایران نیست؛ بلکه نیاز است در طرح سرمایه‌گذاری مشترک دقیقاً معین گردد که به منظور انتقال درست فناوری مقتضی است که علاوه بر دانش خاص مرتبط با فناوری، شیوه‌های خاص فناوری و همچنین نیروهای انسانی متخصص فناوری نیز جهت پیاده‌سازی طرح سرمایه‌گذاری مشترک در ساختار سازمانی-شرکتی طرح سرمایه‌گذاری مشترک حضور داشته باشند. پس از تعیین دقیق چارچوب فناوری موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک، لازم است که مفهوم دقیق انتقال فناوری معین گردد. در این راستا، لزوماً باید مورد اشاره قرار گیرد که انتقال فناوری صرفاً شامل واگذاری یا جریان‌یافتن فناوری از سوی کشور چین به کشور ایران نیست؛ بلکه منظور این است که انتقال فناوری یک انتقال فراگیر باشد و دانش سیستماتیک از سوی کشور چین به نحوی موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک قرار گیرد که در

نهایت فناوری با تمام اجزایش از کشور چین به کشور ایران وارد شود و به مرور زمان پیاده سازی و سازگار گردد. برای پیاده سازی این انتقال لازم است که شش مرحله مدرن مربوط به پیاده سازی انتقال به درستی صورت پذیرد. در پایان، مطلوب ترین شیوه انتقال فناوری، انتقال آن از طریق سرمایه گذاری خارجی است؛ مدلی که در آن با پیاده سازی طرح سرمایه گذاری مشترک در قالب مدل قراردادی-شرکتی امکان حضور فعال و مشارکت کشور چین در طرح سرمایه گذاری فراهم می شود و این شرکت ضمن انتقال فناوری در سود و زیان این طرح نیز مشارکت خواهد داشت. در نهایت، پس از بررسی تمامی موارد فوق، مناسب ترین شیوه انتقال فناوری که انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری است مورد توافق طرفین قرار بگیرد. در این مسیر، طرفین طرح سرمایه گذاری مشترک تلاش خواهند نمود که با پیاده سازی یک چارچوب درست قراردادی که تمامی قوانین و مقررات دو کشور ایران و چین را رعایت می کند، ساختار سازمانی-شرکتی ای طراحی نمایند که با انعقاد قرارداد، منجر به تأسیس یک نهاد حقوقی خاص با شخصیت حقوقی گردد و آن نهاد در کشور سرمایه پذیر (اعم از ایران یا چین) تمامی اقدامات لازم را با مشارکت طرفین، در طول طرح سرمایه گذاری مشترک، به عمل آورده و در نهایت فناوری مورد نظر طرح سرمایه گذاری در کشور سرمایه پذیر نهادینه شود.

چین به عنوان یکی از قدرت های اقتصادی و فناورانه بزرگ دنیا، تجربه های زیادی در زمینه تعیین دقیق نوع فناوری در فرایندهای انتقال فناوری دارد. این کشور در دهه های اخیر با اعمال استراتژی ها و سیاست های مختلف، توانسته است نقش مهمی در انتقال فناوری ایفا کند. اهمیت تعیین دقیق نوع فناوری در این فرایند به ویژه در پروژه های انتقال فناوری مشترک به وضوح در رویکردهای چین قابل مشاهده است. در اینجا برخی از تجربیات چین در این زمینه بررسی می شود. چین با راه اندازی برنامه ای تحت عنوان ساخت چین ۲۰۲۵ به دنبال تقویت خود در صنایع کلیدی و فناوری های پیشرفته بوده است. این استراتژی به ویژه بر روی فناوری های نوظهور مانند رباتیک، خودروهای الکتریکی، نیمه رساناها و هوش مصنوعی متمرکز بود. تعیین دقیق نوع فناوری در این برنامه از اهمیت ویژه ای برخوردار بود، زیرا این فناوری ها باید مطابق با نیازهای داخلی و بازار جهانی انتخاب و به درستی توسعه می یافتند. علاوه بر این، برای جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری، چین با دقت نوع فناوری های مورد نیاز خود را شناسایی کرده و سپس آن ها را در قراردادهای انتقال فناوری مشخص می کرد. این دقت در انتخاب فناوری ها کمک کرده تا چین بتواند به سرعت در این صنایع پیشرفت کند و خود را به عنوان یک بازیگر جهانی در فناوری های پیشرفته معرفی کند.

چین در فرایندهای سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال فناوری، به‌شدت بر اهمیت تعیین دقیق نوع فناوری تأکید داشته است. در این سرمایه‌گذاری‌ها، طرفین قرارداد باید به طور دقیق فناوری موردنظر را شناسایی و مستند کنند تا از بروز مشکلات و سوء تفاهم‌ها جلوگیری شود. به‌ویژه در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های خارجی، چین این ظرفیت را داشت که فناوری‌های پیشرفته را از شرکت‌های خارجی جذب کرده و با استفاده از این فناوری‌ها تولیدات داخلی خود را ارتقاء دهد. چین همچنین به‌منظور توسعه صنایع داخلی خود، از فناوری‌های خارجی به‌عنوان ابزاری برای ارتقاء سطح تکنولوژیکی کشور استفاده کرده است. چین برای مدیریت فرایند انتقال فناوری و جلوگیری از انتقال فناوری‌های بی‌کیفیت یا غیرضروری، سیاست‌های حمایتی خاصی را به کار برد. یکی از این سیاست‌ها ایجاد "پارک‌های فناوری" و "مراکز نوآوری" بود که در آن‌ها فناوری‌های پیشرفته شناسایی شده و مورد بررسی قرار می‌گرفتند. این مراکز علاوه بر اینکه به تسهیل فرایند انتقال فناوری کمک می‌کردند، از تحقیق و توسعه داخلی نیز پشتیبانی می‌کردند. دولت چین با تدوین قوانین و مقررات دقیق، تلاش کرده است تا فرایند انتقال فناوری تنها در راستای نیازهای واقعی صنایع داخلی کشور و به‌ویژه در راستای توسعه فناوری‌های نوین انجام شود. چین با تمرکز بر همکاری‌های دانشگاهی و صنعتی، فرایند انتقال فناوری را به‌ویژه در زمینه‌های نوآورانه تسهیل کرده است. دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی نقش کلیدی در تولید فناوری‌های نوین داشتند و دولت چین به طور ویژه این فرایند انتقال فناوری از دانشگاه‌ها به صنعت را حمایت می‌کرد. در این زمینه، تعیین دقیق نوع فناوری بسیار مهم بود، زیرا دانشگاه‌ها باید فناوری‌های مناسب برای نیازهای صنعتی را شناسایی می‌کردند. این روند به‌ویژه در صنعت‌های فناوری بالا، مانند نیمه‌رساناها و فناوری اطلاعات، حائز اهمیت بود. چین با ایجاد همکاری‌های مشترک بین دانشگاه‌ها و صنایع، توانسته است نوآوری‌ها را به سرعت در بازار به کار گیرد.

همچنین چین در چند دهه اخیر با تقویت قوانین مالکیت فکری و ایجاد سیستم‌های حمایتی برای ثبت پتنت‌ها و حقوق مالکیت، توانسته است به طور مؤثری فرایند انتقال فناوری را مدیریت کند. تعیین دقیق نوع فناوری و شفاف‌سازی حقوق مالکیت فکری در انتقال این فناوری‌ها، به‌ویژه در قراردادهای بین‌المللی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این قوانین به‌ویژه در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه انتقال فناوری مؤثر بوده است. شرکت‌های خارجی که تمایل به انتقال فناوری به چین دارند، با اعتماد به سیستم حقوقی چین و رعایت قوانین مالکیت فکری، می‌توانند از تضمین‌های قانونی

بهره‌مند شوند. چین با تمرکز بر تعیین دقیق نوع فناوری در فرایندهای انتقال فناوری، توانسته است یک چارچوب استراتژیک برای بهره‌برداری از فناوری‌های خارجی و توسعه توانمندی‌های داخلی خود ایجاد کند. این دقت در شناسایی نیازهای فناوری، از طریق سیاست‌های حمایتی، همکاری‌های دانشگاهی-صنعتی و تقویت قوانین مالکیت فکری، به تسریع در رشد اقتصادی و فناوری چین کمک کرده است. این تجربیات چین می‌تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند تا با تعیین دقیق فناوری‌های مورد نیاز و تدوین استراتژی‌های مناسب، فرایند انتقال فناوری را به طور مؤثر و بهره‌ور انجام دهند.

۳. پیاده‌سازی قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک

قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین می‌تواند به عنوان یک مدل موفق برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری در عرصه‌های مختلف عمل کند. این همکاری‌ها با ایجاد فرصت‌های شغلی، انتقال فناوری و بهبود زیرساخت‌ها می‌تواند به رشد اقتصادی ایران کمک کنند. با این حال، موفقیت این پروژه‌ها نیازمند تدوین قوانین و مقررات شفاف، تسهیل مبادلات مالی، نظارت مستمر بر پیشرفت پروژه‌ها و پشتیبانی از تحقیق و توسعه است. همچنین، اهمیت آموزش و توانمندسازی نیروی کار داخلی در کنار مدیریت کارآمد این پروژه‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های این همکاری‌ها باشد.

پیاده‌سازی قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به صورت ترکیبی شرکتی و قراردادی یکی از روش‌های کارآمد برای مدیریت پروژه‌های بزرگ و پیچیده است که می‌تواند منافع متعددی برای طرفین در برداشته باشد. این نوع ساختار به دلیل ویژگی‌های خاص خود در تقسیم مسئولیت‌ها، شفافیت مالی، و هماهنگی‌های مدیریتی، ابزار مناسبی برای رسیدن به اهداف مشترک در پروژه‌ها به حساب می‌آید.

یکی از مهم‌ترین مزایای این مدل ترکیبی، تقسیم مسئولیت‌ها و ریسک‌ها است. در این نوع قراردادها، معمولاً یک شرکت مشترک (جوینت ونچر) به عنوان نهاد اجرایی تشکیل می‌شود که تمام عملیات و مدیریت پروژه را بر عهده دارد. از سوی دیگر، قراردادها معمولاً تعهدات حقوقی و مالی هر یک از طرفین را در رابطه با سرمایه‌گذاری، سود و زیان، و حتی نحوه تصمیم‌گیری در مورد مسائل مختلف پروژه مشخص می‌کنند. این تقسیم وظایف باعث می‌شود که هر طرف تنها مسئول بخش‌هایی از پروژه باشد و ریسک‌ها به طور منطقی و منصفانه تقسیم شوند که این امر به کاهش استرس و بار مالی برای طرفین کمک می‌کند. انعطاف‌پذیری بالا

در پیاده‌سازی این مدل یکی دیگر از مزایای برجسته آن است. با وجود تشکیل یک نهاد شرکتی مشترک، طرفین می‌توانند در بخش‌هایی از پروژه که نیاز به انعطاف بیشتری دارند، همچنان از طریق قراردادهای مستقل تصمیم‌گیری کنند. این نوع انعطاف‌پذیری به‌ویژه در پروژه‌های بلندمدت و پیچیده که ممکن است شرایط بازار یا نیازهای فنی تغییر کند، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. به این ترتیب، طرفین می‌توانند باتوجه به تغییرات، قراردادها را به‌روزرسانی کرده و به سرعت خود را با شرایط جدید سازگار کنند.

شفافیت در امور مالی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت مدل ترکیبی است. در این ساختار، تمامی منابع مالی، نحوه تقسیم سود و زیان و مسئولیت‌های مالی به‌وضوح مشخص شده است. این شفافیت باعث می‌شود که طرفین دقیقاً بدانند چه سهمی از سود یا زیان پروژه به آن‌ها تعلق دارد و چه میزان از منابع مالی خود را به پروژه اختصاص داده‌اند. همچنین، شفافیت مالی می‌تواند به بهبود روابط بین طرفین کمک کرده و از بروز اختلافات مالی جلوگیری کند.

یکی از چالش‌های پروژه‌های بزرگ، هماهنگی در مدیریت و نظارت است. مدل ترکیبی شرکتی و قراردادی این امکان را فراهم می‌آورد که مسئولیت‌های اجرایی و مدیریتی به‌درستی تفکیک شود. در این مدل، شرکت مشترک وظیفه مدیریت روزانه و اجرایی پروژه را بر عهده می‌گیرد، در حالی که قراردادهای وظایف و حقوق طرفین را از جنبه‌های حقوقی و قراردادی مشخص می‌کنند. این تفکیک به هماهنگی بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت‌های پروژه کمک می‌کند و از پیچیدگی‌های اجرایی می‌کاهد.

کاهش تضادهای احتمالی یکی دیگر از مزایای این مدل است. قراردادهای دقیق و شفاف که در این ساختار وجود دارد، می‌تواند منافع و مسئولیت‌های هر یک از طرفین را به‌وضوح تعیین کند و از بروز اختلافات جلوگیری نماید. هر یک از طرفین با آگاهی کامل از نقش‌ها و مسئولیت‌های خود، در پروژه مشارکت می‌کنند و در صورت بروز هر گونه مشکل، می‌توانند از طریق چارچوب‌های قراردادی و حقوقی به حل آن بپردازند. در این مدل، طرفین معمولاً در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و استراتژیک پروژه مشارکت دارند. این مشارکت نه تنها به بهبود کیفیت تصمیم‌ها کمک می‌کند؛ بلکه منجر به بهره‌برداری بهتر از منابع موجود خواهد شد. هر طرف می‌تواند از تخصص و تجربه خود بهره‌برد و در عین حال، تصمیمات به‌صورت مشترک گرفته شوند تا همه طرف‌ها در نتیجه نهایی شریک باشند. این نوع تصمیم‌گیری مشترک همچنین می‌تواند به افزایش تعهد و همکاری بلندمدت کمک کند.

در نهایت، هم‌افزایی منابع و تجربه‌ها یکی دیگر از دلایل مهم استفاده از مدل ترکیبی است. هر طرف در این نوع قرارداد ممکن است دارای منابع و تجربیات خاص خود باشد؛ به‌عنوان مثال، یکی از طرفین ممکن است تجربه فنی بالا در زمینه اجرایی پروژه داشته باشد و طرف دیگر توان مالی بیشتری را در اختیار داشته باشد. ترکیب این منابع و تجربیات باعث می‌شود که پروژه با کارایی بیشتری پیش برود و مشکلات پیچیده‌تر به‌سادگی حل شوند. این هم‌افزایی باعث بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های طرفین و بهبود نتایج پروژه می‌شود. در مجموع، پیاده‌سازی قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به‌صورت ترکیبی شرکتی و قراردادی، به‌عنوان یک ساختار هماهنگ و منعطف، می‌تواند در پروژه‌های پیچیده و بلندمدت، موفقیت بیشتری به همراه داشته باشد و به طرفین کمک کند تا ریسک‌ها را مدیریت کرده، تصمیمات بهینه‌ای اتخاذ کنند و از منابع مالی و فنی به بهترین شکل استفاده نمایند.

برای پیاده‌سازی موفق یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین، اقدامات عملی باید به‌طور دقیق و مرحله‌به‌مرحله برنامه‌ریزی و اجرایی شود. در اینجا به چند راهکار عملی می‌پردازیم که می‌تواند به ایران و چین کمک کند تا این قرارداد را به‌طور مؤثر به مرحله اجرا درآورند.

اولین قدم برای پیاده‌سازی سرمایه‌گذاری مشترک، شناسایی و انتخاب پروژه‌های مشخص برای همکاری است. ایران و چین باید بر روی بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی که بیشترین پتانسیل برای همکاری دارند، توافق کنند. به‌طور مثال، پروژه‌هایی در زمینه‌های انرژی (نفت، گاز، برق)، حمل‌ونقل (راه‌آهن، بنادر)، صنایع سنگین، فناوری اطلاعات یا کشاورزی. این پروژه‌ها باید از لحاظ اقتصادی و استراتژیک برای هر دو طرف سودآور و قابل اجرا باشند.

برای تسهیل در اجرای پروژه‌ها، ایجاد نهادهای اجرایی مشترک ضروری است. این نهادها می‌توانند به‌عنوان کمیته‌های نظارتی و اجرایی عمل کنند که وظیفه دارند پروژه‌ها را نظارت و پیشرفت آن‌ها را ارزیابی کنند. این کمیته‌ها باید نمایندگان هر دو کشور را شامل شوند و مسئولیت تقسیم کار، تصمیم‌گیری در موارد اختلاف و مدیریت منابع را به عهده بگیرند. این نهادها همچنین می‌توانند مشکلات مالی و حقوقی را حل کرده و روند اجرای پروژه‌ها را تسریع کنند.

برای جلوگیری از بروز مشکلات حقوقی و مالی، تنظیم قراردادهای دقیق و شفاف ضروری است. این قراردادها باید شامل جزئیات مالی، حقوق و تعهدات هر یک از طرفین، زمان‌بندی پروژه‌ها، تقسیم منابع، شرایط پرداخت، و مقررات حل اختلافات باشد. به‌ویژه در شرایط تحریمی که ایران با آن مواجه است، قراردادهای مالی باید

به گونه‌ای تنظیم شوند که از تبادلات ارزی و مشکلات مالی جلوگیری شود. ممکن است ایجاد بانک‌های مشترک یا استفاده از سیستم‌های مالی دیگر به تسهیل این فرایند کمک کند.

یکی از چالش‌های بزرگ در سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین، مسائل مربوط به مبادلات ارزی و مشکلات مالی است. ایران باید با همکاری چین، راهکارهایی برای تسهیل پرداخت‌ها و مبادلات مالی ایجاد کند. این کار می‌تواند از طریق استفاده از ارزهای ملی دو کشور (ریال و یوان) یا ایجاد سازوکارهایی مانند ارز دیجیتال مشترک و یا ایجاد حساب‌های مشترک بانکی در کشورهای ثالث انجام گیرد. این مسئله می‌تواند به کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی غربی کمک کند و مانع از بروز مشکلات ناشی از تحریم‌ها شود.

برای موفقیت پروژه‌های مشترک، توسعه زیرساخت‌های فنی و آموزش نیروهای انسانی در داخل ایران و چین ضروری است. ایران می‌تواند از چین در زمینه‌های مختلف تکنولوژیکی مانند تولید تجهیزات صنعتی، فناوری‌های نوین و انتقال دانش فنی بهره‌برداری کند. علاوه بر این، باتوجه به اینکه پروژه‌ها ممکن است نیاز به مهارت‌های خاص داشته باشند، آموزش نیروی کار ایرانی در قالب دوره‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های تبادل دانش بسیار مهم است. این آموزش‌ها باید شامل مواردی مانند استفاده از تجهیزات پیشرفته، فناوری‌های جدید و شیوه‌های مدیریت پروژه‌های بزرگ باشد.

بسیاری از پروژه‌های مشترک ممکن است با موانع اداری و قانونی روبه‌رو شوند. ایران و چین باید با همکاری یکدیگر، فرایندهای قانونی را تسهیل کرده و از موانع بروکراسی جلوگیری کنند. برای مثال، کاهش زمان‌های لازم برای تأسیس شرکت‌ها، تسهیل اخذ مجوزها و باز کردن مسیر برای انجام مبادلات تجاری و مالی از طریق تنظیم قوانین مشترک بین دو کشور می‌تواند موجب تسریع در اجرای پروژه‌ها شود. یکی از این راه‌ها می‌تواند امضای توافق‌نامه‌های دوجانبه در زمینه قوانین تجاری و مالی باشد.

برای تشویق سرمایه‌گذاران چینی به حضور در ایران و بالعکس، باید تضمین‌هایی در زمینه امنیت سرمایه‌گذاری فراهم شود. این می‌تواند از طریق توافقات دوجانبه در خصوص حفاظت از سرمایه‌گذاران، جلوگیری از مصادره اموال و حل و فصل سریع اختلافات میان طرفین باشد. به عنوان مثال، تشکیل دادگاه‌های ویژه اقتصادی برای حل مشکلات قانونی و سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند به اطمینان خاطر طرفین کمک کند.

در کنار پروژه‌های زیرساختی و صنعتی، مشارکت در تحقیقات و توسعه می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت‌های بلندمدت در حوزه فناوری و صنعت باشد. ایران و چین می‌توانند با همکاری یکدیگر، مراکز تحقیقاتی مشترک تأسیس کنند که در آن‌ها به صورت مشترک روی پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف، از جمله انرژی‌های

تجدیدپذیر، فناوری‌های نوین، کشاورزی و بهداشت کار کنند. این امر می‌تواند باعث انتقال دانش و نوآوری‌های جدید به ایران شود.

در هر پروژه مشترک، ممکن است مشکلات و اختلافاتی به وجود آید. برای این‌که این مشکلات به موانع جدی تبدیل نشوند، باید یک مکانیزم حل اختلافات تعریف شود. این مکانیزم می‌تواند شامل سازوکارهایی مانند مذاکرات دوجانبه، استفاده از مشاوران خارجی یا داوران مستقل باشد تا در صورت بروز مشکلات، دو طرف بتوانند به سرعت و به طور عادلانه اختلافات خود را حل کنند.

در نهایت، برای پیاده‌سازی یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک موفق بین ایران و چین، لازم است که هر دو کشور از ابتدا تا انتها بر روی جزئیات پروژه‌ها، ملاحظات مالی، موانع قانونی و مسائل اجرایی هماهنگ عمل کنند. این اقدامات باید با برنامه‌ریزی دقیق، تنظیم قوانین شفاف، توسعه زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی و به‌ویژه تضمین امنیت سرمایه‌گذاری همراه باشد. اگر این فرایند به‌درستی پیاده‌سازی شود، می‌تواند منجر به یک همکاری پایدار و سودآور برای هر دو کشور شود.

مستند به اصل ۸۱ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، طرف سرمایه‌گذار چینی که با دستگاه‌های دولتی ایران از جمله وزارت دفاع قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک منعقد طبق ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. در این راستا، طرف سرمایه‌گذار چینی باید در راستای ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها در کشور چین یک شرکت به‌منظور اجرای طرح سرمایه‌گذاری مشترک ثبت نماید و سپس اقدام به ایجاد یک شعبه در کشور ایران نماید. این شعبه می‌تواند به‌عنوان نماینده قانونی طرف سرمایه‌گذار چینی در ایران پروسه طرح سرمایه‌گذاری مشترک را پیاده‌سازی نماید. البته لازم به ذکر است که به‌منظور اجرای این طرح سرمایه‌گذاری مشترک، به‌هرحال ثبت یک شرکت مشترک ذیل قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک لازم است که تمامی منافع دو طرف ذیل آن شرکت شکل بگیرد. در خصوص این شرکت نیز، به‌موجب اصل ۸۱ قانون اساسی، طرف سرمایه‌گذاری چینی ممنوعیتی بابت سهام‌داری در این شرکت نخواهد داشت و همان‌طور که در آینده توضیح داده خواهد شد به‌موجب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی محدودیتی نیز در خصوص میزان درصد سهام طرف سرمایه‌گذار خارجی وجود نخواهد داشت؛ با این حال، به نظر می‌رسد لازم است که به‌منظور جلوگیری

از انحصار طرف سرمایه‌گذار چینی، امتیازات و کنترل‌ها موجود در شرکت مشترک نیز به‌صورت مشارکتی فی‌مابین طرفین تقسیم گردد تا از انحصار طرف سرمایه‌گذار خارجی و کنترل ایشان جلوگیری شود.

مستند به اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، در ابتدا لازم به ذکر است که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به‌منظور انتقال فناوری با کشور چین اگرچه به‌صورت کلی یک قرارداد بین‌المللی است، با این وجود مصداقی از قراردادهای بین‌المللی مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نیست و نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد؛ چرا که منظور اصل ۷۷ قانون اساسی آن دسته از قراردادهای بین‌المللی است که میان دو کشور به‌منظور توافقات حقوق بین‌الملل منعقد می‌گردد و مصداقی از معاهده بین‌المللی دارد. در پروژه موضوع تحقیق، قرارداد فی‌مابین دو شرکت وابسته به دولت ایران و چین منعقد خواهد شد. در واقع پیشنهاد این است که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک جهت انتقال فناوری میان دولت ایران و چین، به طور مستقیم زیر نظر دولت‌ها منعقد نگردد؛ بلکه هر دو کشور اقدام به تأسیس یک شرکت وابسته دولتی نمایند و آن شرکت‌ها به‌عنوان شرکت‌های وابسته به یک نهاد دولتی برای مثال وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران و در راستای وظایف تصدی‌گری خود اقدام به انعقاد طرح سرمایه‌گذاری مشترک نماید. نظریات تفسیری قانون اساسی نیز این پیشنهاد را تأیید می‌نماید و در این نظریات صراحتاً قید شده است که انعقاد قرارداد از طریق وزارت‌خانه‌های کشوری مصداق قرارداد خصوصی است و مشمول اصل ۷۷ نیست. با این حال، به‌منظور جلوگیری از هرگونه اشکال در تنظیم این قرارداد، پیشنهاد این است که وزارت دفاع به‌صورت مستقیم اقدام به انعقاد این قرارداد ننماید؛ بلکه این وزارت‌خانه از طریق تأسیس یک شرکت سهامی خاص ذیل مقررات ایران با ترکیب سهام‌داری وابسته، اقدام به تأسیس یک شرکت مستقل خصوصی نماید و این شرکت به‌عنوان نماینده قراردادی وزارت اقدام به همکاری و مشارکت با طرف سرمایه‌گذار چینی نماید.

مستند به اصل ۱۳۹ قانون اساسی و همچنین نظریات حقوقی مذکور، باتوجه‌به اینکه به‌منظور تأمین اصل سرعت و کاهش هزینه‌ها در حل و فصل اختلافات ناشی از طرح سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه‌گذار چینی لازم است که شرط داوری در چنین قراردادهایی پیش‌بینی شود و چنین موضوعی با اصل ۱۳۹ تعارضی ندارد. در ابتدا لازم است که به‌منظور جلوگیری از هرگونه تردید، وزارت دفاع به‌صورت مستقیم اقدام به انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک ننماید؛ چون در این صورت مشارکت موضوع طرح سرمایه‌گذاری مشترک مصداقی از اموال عمومی و دولتی خواهد بود و تردیدهایی در خصوص اعمال اصل ۱۳۹ به وجود خواهد آمد. پیشنهاد می‌شود که وزارت دفاع به‌صورت غیرمستقیم اقدام به تأسیس یک شرکت سهامی خاص واسط

نماید و این شرکت به صورت مستقیم طرف طرح سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه‌گذار چینی باشد؛ چرا که طبق نظرات موجود شرکت‌های خصوصی وابسته به نهاد دولتی به دلیل اینکه اقدام به اعمالی تصدی‌گری و تجاری می‌نمایند، مصداقی از اموال دولتی و عمومی نیستند و اصل ۱۳۹ نسبت به آن‌ها اعمال نخواهد شد. در نهایت لازم به ذکر است که حتی اگر مشارکت سرمایه‌گذاری مشترک با طرف چینی چه با حضور مستقیم و چه با حضور غیرمستقیم وزارت دفاع پیاده‌سازی شود، به دلیل اینکه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳ موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری با کشور چین را تصویب نموده است و در این موافقت‌نامه حل و فصل اختلافات از طریق داوری پیش‌بینی شده است؛ مجلس شورای اسلامی به صورت ضمنی حق کنترل و نظارت خود بر داوری اموال عمومی موضوع سرمایه‌گذاری با کشور چین را از پیش مورد تصویب قرار داده است.

۴. تأسیس شرکت مشترک سرمایه‌گذاری (بنگاه اقتصادی)

طبق اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، کشاورزی، معادن و خدمات به بیگانگان مطلقاً ممنوع است». این اصل به طور کلی نشان‌دهنده سیاستی است که هدف آن حفاظت از اقتصاد داخلی و جلوگیری از تسلط بیگانگان بر بخش‌های حساس اقتصادی کشور است. در ابتدا، این ممنوعیت سبب ایجاد موانع جدی در برابر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شد. به طوری که اداره ثبت شرکت‌ها به استناد این اصل از ثبت شرکت‌های خارجی خودداری کرد و بنابراین سرمایه‌گذاران خارجی با چالش‌های جدی در خصوص ثبت و تأسیس شرکت‌های خود در ایران مواجه شدند. اما با گذشت زمان و با توجه به نیازهای اقتصادی کشور و همچنین ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مقامات و مراجع ذیصلاح در تلاش برآمدند تا با تفسیر این اصل و طراحی راه‌حلهایی عملی، موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاران خارجی را برطرف کنند. در واقع، تفسیری که از اصل ۸۱ صورت گرفت این بود که مقصود از «دادن امتیاز» تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به بیگانگان، لزوماً به معنای تصاحب کامل سهام و کنترل تصمیم‌گیری‌های شرکت‌ها توسط بیگانگان نیست، بلکه به طور مشخص‌تر، هدف جلوگیری از تسلط کامل بیگانگان بر شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در ایران بوده است.

این تفسیر به این معنا بود که در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی در قالب شراکت یا مشارکت با ایرانیان صورت گیرد و اکثریت سهام شرکت یا مؤسسه متعلق به ایرانیان باشد، و تصمیم‌گیری‌ها نیز تحت کنترل

ایرانیان باشد، این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند به‌عنوان یک استثناء از ممنوعیت‌های اصل ۸۱ پذیرفته شود. بنابراین، شرکت‌های مشترک یا شعبه‌های خارجی که تحت شرایط خاص و با رعایت قوانین داخلی ایران فعالیت کنند، می‌توانند در کشور ثبت شوند و به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند.

مراجع ذی‌صلاح برای تسهیل ورود سرمایه‌گذاران خارجی و تطبیق آن با چارچوب‌های قانونی کشور، اقدام به وضع قوانین و مقرراتی کرده‌اند که اجازه می‌دهند شرکت‌های خارجی در زمینه‌های مشخصی در ایران فعالیت کنند، مشروط بر اینکه این فعالیت‌ها به طور کامل با قوانین داخلی کشور هماهنگ باشد و هیچ‌گونه تسلط و سلطه بیگانگان بر بخش‌های کلیدی اقتصاد کشور نداشته باشد. به این ترتیب، در عمل راه‌های مختلفی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور باز شد، بدون آنکه اصل ۸۱ قانون اساسی نقض شود. در نهایت، این سیاست‌ها به منظور ایجاد تعادل میان حفاظت از منافع ملی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر صنایع پیشرفته، تکنولوژی، و خدمات مهم اقتصادی تدوین شدند. این گونه بود که با طراحی چارچوب‌های قانونی مناسب، موانع ثبت و تأسیس شرکت‌های خارجی در ایران برطرف گردید و در عین حال از تسلط بیگانگان بر منابع کلیدی اقتصادی کشور جلوگیری شد و باید بپذیریم که اصل ۸۱ جهت جلوگیری از انحصار خارجی بنا شده و کسب سهام شرکت‌های ایرانی توسط خارجی‌ان را منع نکرده است. در نتیجه، با توجه به اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصولاً دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات تجاری، کشاورزی، صنعتی، معادن و خدمات به خارجی‌ان ممنوع است. این اصل به طور خاص با هدف جلوگیری از تسلط بیگانگان بر اقتصاد ایران و حفظ استقلال اقتصادی کشور وضع شده است. در اصل ۸۱، تصریح شده که بیگانگان نمی‌توانند اکثریت سهام شرکت‌های ایرانی را در اختیار داشته باشند یا کنترل آن‌ها را به دست گیرند. این ممنوعیت، به‌ویژه برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی است که ممکن است منجر به نفوذ بیش از حد بیگانگان در امور اقتصادی و سیاسی کشور شود. با این حال، اصل ۸۱ به طور مطلق جلوی تمام فعالیت‌های اقتصادی خارجی در ایران را نمی‌گیرد. در واقع، این اصل بیشتر به دنبال جلوگیری از تسلط بیگانگان بر ساختار اقتصادی کشور است و در صورتی که یک شرکت خارجی با ایران قرارداد تجاری داشته باشد یا سرمایه‌گذاری مشترک در قالب شراکت با ایرانی‌ها انجام دهد که منجر به ایجاد مشارکت دوطرفه و کنترل مشترک شود، این فعالیت‌ها از محدوده ممنوعیت اصل ۸۱ خارج می‌شوند. بنابراین، وقتی که یک شرکت خارجی به‌عنوان شریک ایرانی‌ها فعالیت می‌کند، اصولاً مشکلی از نظر قانون اساسی وجود ندارد. در عمل، بسیاری از شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد کرده‌اند، مجاز به

ثبت شعبه‌های خود در ایران هستند. طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، شرکت‌های خارجی می‌توانند برای انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در ایران، طبق قراردادهای منعقد، شعبه‌های خود را ثبت کنند. در این مورد، فعالیت این شرکت‌ها با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد چرا که این شرکت‌ها کنترل اکثریتی بر شرکت‌های ایرانی ندارند و در قالب شراکت و همکاری مشترک با طرف ایرانی به فعالیت می‌پردازند. بنابراین، حتی اگر یک شرکت خارجی به‌عنوان شریک در پروژه‌های صنعتی یا تجاری در ایران سرمایه‌گذاری کند، این امر به‌هیچ‌عنوان با اصل ۸۱ مغایرت نخواهد داشت. در واقع، این نوع مشارکت‌ها در قالب سرمایه‌گذاری مشترک و مشارکت دوطرفه در بسیاری از موارد برای تحقق اهداف اقتصادی و پیشرفت‌های فنی و صنعتی مفید و ضروری هستند. یکی از زمینه‌های مهمی که به طور ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، موضوع انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صنایع پیشرفته است. بسیاری از کشورها به‌ویژه در حوزه‌های صنعتی، فناوری‌های نوین و مهندسی، تمایل دارند که در قالب سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های خارجی فعالیت کنند. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها شامل انتقال فناوری به داخل کشور، به‌ویژه در زمینه‌های صنعتی و فنی، می‌شود. بر اساس قوانین جدید، سرمایه‌گذاری‌های مشترک در قالب انتقال فناوری که توسط طرف‌های خارجی صورت می‌گیرد، مشکلی از نظر اصل ۸۱ قانون اساسی ندارند. به طور خاص، اگر شرکت خارجی در این زمینه شریک شود و در کنار طرف ایرانی در انتقال فناوری یا به‌روزرسانی صنایع داخلی ایران همکاری کند، این همکاری با اصل ۸۱ مغایرت ندارد. حتی اگر طرف خارجی اکثریت سهام را در اختیار داشته باشد، به شرط آنکه کنترل شرکت و تصمیم‌گیری‌ها در دست طرف ایرانی باشد، همچنان فعالیت‌های مشترک قانونی و مجاز است. در برخی موارد، ممکن است شرکت‌های خارجی به طور کامل سرمایه‌گذاری کنند و سهام‌دار صددرصدی یک شرکت در ایران شوند. این موضوع، طبق قوانین جدید به‌ویژه "قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی"، مشکلی با اصل ۸۱ قانون اساسی ندارد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه در صنایع و پروژه‌های خاص که نیاز به تخصص و فناوری‌های پیشرفته دارند، ممکن است ضروری و حتی مفید باشند. بنابراین، دولت ایران برای جذب سرمایه‌های خارجی و ارتقای تکنولوژی‌های داخلی، این امکان را فراهم کرده که شرکت‌های خارجی بتوانند بدون نقض اصل ۸۱، در ایران فعالیت کنند. در زمینه طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به‌ویژه آن‌هایی که به انتقال فناوری مربوط می‌شوند، اگر طرف خارجی در منافع تولید و بهره‌برداری از فناوری شریک باشد و این فناوری به طور مشترک میان دو طرف تقسیم شود، نمی‌توان این طرح‌ها را به‌عنوان "امتیاز انحصاری" و "نقض اصل ۸۱" تلقی کرد. حتی اگر قراردادها بلندمدت باشند و

طرف خارجی از سود حاصل از اجرای طرح‌ها بهره‌مند شود، این فعالیت‌ها همچنان تحت قوانین جمهوری اسلامی ایران و در راستای منافع دو طرف، یعنی طرف ایرانی و خارجی، قرار می‌گیرند و نمی‌توانند موجب نقض اصل ۸۱ شوند. در حقیقت، هنگامی که طرف خارجی تنها به‌عنوان شریک در پروژه‌ها و انتقال فناوری مشارکت می‌کند، این عمل نمی‌تواند به‌عنوان تسلط اقتصادی یا انحصار از سوی بیگانگان در نظر گرفته شود. بلکه هدف این است که ایران از این طریق بتواند به دانش فنی و فناوری‌های نوین دست یابد و از مزایای همکاری با شرکت‌های خارجی بهره‌مند شود. این نوع مشارکت‌ها در راستای توسعه صنایع داخلی و ارتقای توانایی‌های فنی و اقتصادی کشور است. در نهایت، باتوجه به تحلیل‌ها و قوانین موجود، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، به‌ویژه در زمینه‌های انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری مشترک، در صورتی که مطابق با قوانین ایران و با کنترل و مشارکت ایرانی‌ها صورت گیرد، با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرت ندارد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها از نظر اقتصادی برای کشور مفید است بلکه می‌تواند موجب ارتقای صنایع داخلی و جذب فناوری‌های نوین در ایران شود.

بنابراین، مستند به اصل ۸۱ قانون اساسی و همچنین نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، طرف سرمایه‌گذار چینی که با دستگاه‌های دولتی ایران از جمله وزارت دفاع قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک منعقد طبق ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. در این راستا، طرف سرمایه‌گذار چینی باید در راستای ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها در کشور چین یک شرکت به‌منظور اجرای طرح سرمایه‌گذاری مشترک ثبت نماید و سپس اقدام به ایجاد یک شعبه در کشور ایران نماید. این شعبه می‌تواند به‌عنوان نماینده قانونی طرف سرمایه‌گذار چینی در ایران پروسه طرح سرمایه‌گذاری مشترک را پیاده‌سازی نماید. البته لازم به ذکر است که به‌منظور اجرای این طرح سرمایه‌گذاری مشترک، به‌هر حال ثبت یک شرکت مشترک ذیل قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک لازم است که تمامی منافع دو طرف ذیل آن شرکت شکل بگیرد. در خصوص این شرکت نیز، به‌موجب اصل ۸۱ قانون اساسی، طرف سرمایه‌گذاری چینی ممنوعیتی بابت سهام‌داری در این شرکت نخواهد داشت و محدودیتی نیز در خصوص میزان درصد سهام طرف سرمایه‌گذار خارجی وجود نخواهد داشت؛ با این حال، به نظر می‌رسد لازم است که به‌منظور جلوگیری از انحصار طرف سرمایه‌گذار چینی، امتیازات و کنترل‌ها موجود در شرکت مشترک نیز به‌صورت مشارکتی مابین طرفین تقسیم گردد تا از انحصار طرف سرمایه‌گذار خارجی و کنترل ایشان جلوگیری شود.

اداره ثبت شرکت‌ها به عنوان مرجع ثبت کلیه شرکت‌ها و به عنوان مرجع کنترل‌کننده ورود شرکت‌های خارجی در مرحله ثبت شرکت، درصد مشارکت اتباع خارجی را در نظر می‌گیرد. به طور معمول کنترل دولت بر ورود شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی امری طبیعی است و همه کشورهایی که اجازه ورود خارجی را داده‌اند، کنترلی را به گونه‌ای متفاوت اعمال می‌نمایند.

لازم به ذکر است که اداره ثبت شرکت‌ها حداکثر تا ۴۹ درصد مشارکت خارجی جهت ثبت شرکت موافقت می‌نماید؛ اما این وضعیت در صورت اخذ مجوز سرمایه‌گذاری متفاوت خواهد بود. طبق جزء بند ب ماده ۴ آیین‌نامه قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیتی از نظر در صد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد. بنابراین سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند بدون هیچ‌گونه محدودیتی در این خصوص به اخذ مجوز سرمایه‌گذاری گذار خارجی به مشارکت با اتباع محلی تمایل ندارد، اخذ مجوز سرمایه اقدام نماید. بنابراین در چنین مواردی سرمایه‌گذار خارجی که به مشارکت داخلی تمایل دارد می‌تواند با اخذ مجوز سرمایه‌گذاری و با انتخاب درصد مشارکت به هدف خود نائل آید. شایان ذکر است پس از آن که سرمایه‌گذار خارجی مجوز سرمایه‌گذاری را اخذ نمود می‌تواند از خدمات سازمان سرمایه‌گذاری جهت ثبت شرکت بهره‌مند گردد. به عبارت دیگر مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی سازمان سرمایه‌گذاری که از جمله وظایف آن انجام هماهنگی‌های لازم در امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی بعد از صدور مجوز سرمایه‌گذاری شامل ثبت شرکت مشترک باشد، با معرفی وی به اداره ثبت شرکت‌ها شرایط ثبت شرکت سرمایه‌گذار را با درصد مقرر در مجوز فراهم می‌آورد و اداره ثبت شرکت‌ها با اخذ چنین معرفی‌نامه‌ای و اطمینان از صدور مجوز سرمایه‌گذاری به ثبت شرکت با درصد مشارکت خارجی طبق مندرجات مجوز اقدام خواهد نمود. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که باتوجه به این که هیچ‌گونه محدودیتی در درصد مشارکت آن دسته از شرکت‌های خارجی که در مناطق آزاد تجاری صنعتی به ثبت شرکت فرعی خود اقدام می‌نمایند وجود ندارد.

۵. تعهدات قراردادی طرفین طرح سرمایه‌گذاری مشترک

قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک (جوینت ونچر) یکی از انواع قراردادهای پیچیده است که به منظور ایجاد یک همکاری بلندمدت و سودآور میان دو یا چند طرف مختلف در نظر گرفته می‌شود. در این قرارداد، طرفین متعهد می‌شوند که منابع مالی، فنی، یا انسانی خود را در کنار هم قرار دهند تا به یک هدف مشترک دست یابند. این قرارداد به‌ویژه زمانی کاربرد دارد که طرفین به‌تنهایی قادر به دستیابی به اهداف بزرگ اقتصادی یا

فناورانه نباشند و نیازمند همکاری و تقسیم منابع هستند. برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم و اختلافات بعدی، ضروری است که تمامی تعهدات و مسئولیت‌ها در متن قرارداد به طور دقیق و شفاف بیان شوند. یکی از ویژگی‌های برجسته قراردادهای جوینت ونچر این است که تعهدات طرفین به طور همسان و متناسب با سهم آن‌ها از سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. در واقع، هیچ‌یک از طرفین نباید احساس کند که در این همکاری کمتر یا بیشتر از دیگران مشارکت دارد. به عبارت دیگر، میزان منافع و زیان‌ها به تناسب سرمایه‌گذاری و تلاش‌های انجام‌شده میان طرفین تقسیم می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از این قراردادهای حاوی شرایطی برای جلوگیری از رقابت ناعادلانه و سوءاستفاده از اموال و منابع یکدیگر هستند، زیرا اشتراک منافع و حفظ حسن‌نیت از اصول اساسی این نوع قراردادهای محسوب می‌شود. از دیگر تعهدات مهم در قرارداد جوینت ونچر، تسهیل مبادلات تجاری و همکاری‌های دوجانبه است. طرفین باید تضمین کنند که هیچ‌یک از طرفین از رفتارهای فرصت‌طلبانه یا منفعت‌جویانه برای بهره‌برداری از شرایط ناعادلانه استفاده نخواهند کرد. به علاوه، هم‌زمان با پیشبرد فعالیت‌های مشترک، حفظ اطلاعات محرمانه و حفاظت از دارایی‌های فکری از جمله اختراعات و تکنولوژی‌های جدید نیز از تعهدات اساسی است که باید به دقت تنظیم شود. در این راستا، اگر در طول همکاری اختراعات یا نوآوری‌های جدید حاصل شود، این دستاوردها باید به شکلی عادلانه و به نفع همه طرفین به اشتراک گذاشته شوند. معمولاً، این نتایج باید به شرکت مشترک واگذار شده و طرفین بتوانند با دریافت مجوزهای لازم از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

در نهایت، برای تضمین موفقیت یک جوینت ونچر، ایجاد سازوکارهای قانونی مناسب برای حل و فصل اختلافات و مدیریت ریسک‌ها ضروری است. طرفین باید توافق کنند که در صورت بروز اختلافات، از روش‌های مختلف مانند میانجی‌گری یا داوری برای حل مشکلات استفاده کنند تا از ورود به مراحل پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر مانند دادرسی اجتناب شود. همچنین، در قرارداد باید سازوکاری برای تخصیص مسئولیت‌ها و مدیریت ریسک‌های احتمالی پیش‌بینی شود تا در صورت بروز خسارات یا مشکلات غیرمنتظره، طرفین بتوانند از حقوق خود دفاع کنند و درعین حال تعهدات خود را در قبال یکدیگر حفظ نمایند.

از اهم تعهدات طرف سرمایه‌گذار و مشارکت‌کننده خارجی تأمین منابع مالی، تکنولوژیک و مدیریتی لازم است. سرمایه‌گذار خارجی باید تضمین دهد که منابعی که به خدمت می‌گیرد واجد صلاحیت‌های ضروری انجام کار هستند و شریک محلی را نیز در جریان انتخاب آن‌ها قرار دهد. همچنین سرمایه‌گذار خارجی باید در خصوص مناسب و کارآمد بودن ماشین‌آلات و تجهیزات به شرکای داخلی اطمینان دهد و در واقع

شریک خارجی موظف است در حیطه موضوع قرارداد آخرین داشته‌های تکنولوژیک موجود خود را در برابر بهایی مناسب و معقول به شرکت مشترک واگذار نموده و آن را مطابق اوضاع و احوال کشور میزبان به‌روز نگه دارد. سرمایه‌گذار خارجی باید در خرید ملزومات و مواد اولیه برای شرکت مشترک از بازار داخلی یا از بازارهای بین‌المللی مطابق با اصول متعارف عمل کرده و از صرف هزینه‌های غیرضروری بپرهیزد. همچنین شریک خارجی حسب موقعیت برتر خود متعهد می‌شود تا به آموزش نیروهای محلی شرکت مشترک پرداخته و نیروی متخصص را برای نظارت بر انجام مراحل فنی و ارائه خدمات فنی و مهندسی فراهم نماید. به‌طورکلی سرمایه‌گذار خارجی باید تضمین دهد که همه و تعهدات محوله را انجام خواهد داد.

در یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال فناوری، تعهدات طرفین به‌ویژه سرمایه‌گذار خارجی، نقش بسیار حیاتی دارند. این تعهدات باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که منافع هر دو طرف حفظ شده و از حقوق مالکیت فکری و تکنولوژیک محافظت شود. تعهدات سرمایه‌گذار خارجی می‌توانند شامل مجموعه‌ای از مسائل مالی، فنی، مدیریتی و قانونی باشند.

• تعهد به انتقال فناوری

یکی از مهم‌ترین تعهدات سرمایه‌گذار خارجی در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال فناوری است. این انتقال می‌تواند شامل فرایندهای تولید، دانش فنی، تجهیزات، نرم‌افزارها و حتی نیروی انسانی آموزش‌دیده باشد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است ظرف مدت ۶ ماه پس از امضای این قرارداد، کلیه فناوری‌های مربوطه که برای تولید محصول مشترک ضروری هستند، از جمله طراحی، فرایندهای تولید، تجهیزات و نرم‌افزارهای موردنیاز، به سرمایه‌گذار داخلی منتقل نماید. این انتقال باید به‌صورت کامل، دقیق و طبق استانداردهای بین‌المللی انجام شود».

• تعهد به آموزش نیروی انسانی

سرمایه‌گذار خارجی باید نیروی انسانی طرف ایرانی را در خصوص فناوری‌های جدید و روش‌های نوین تولید آموزش دهد. این امر به‌منظور اطمینان از توانمندی نیروی کار داخلی در بهره‌برداری صحیح از فناوری منتقل شده ضروری است.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است که در طول مدت اجرای این قرارداد، برنامه‌های آموزشی برای نیروی انسانی طرف ایرانی شامل دوره‌های آموزشی فنی، مدیریت تولید، کنترل کیفیت و سایر مهارت‌های مرتبط با فناوری‌های منتقل شده، برگزار نماید. این آموزش‌ها باید حداقل به مدت ۱۲ ماه و به طور مستمر برگزار شوند».

- تعهد به ارائه خدمات پس از فروش و پشتیبانی فنی

یکی دیگر از تعهدات مهم سرمایه‌گذار خارجی، ارائه خدمات پس از فروش و پشتیبانی فنی برای استفاده بهینه از فناوری است. این پشتیبانی ممکن است شامل مشاوره، تعمیرات، تأمین قطعات یدکی و به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری باشد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است به مدت حداقل ۵ سال پس از انتقال فناوری، خدمات پس از فروش شامل پشتیبانی فنی، تأمین قطعات یدکی و به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری را در اختیار طرف ایرانی قرار دهد. در صورت نیاز به تعمیرات، سرمایه‌گذار خارجی باید به‌صورت فوری تیم‌های فنی خود را برای انجام تعمیرات به محل اعزام نماید».

- تعهد به رعایت استانداردهای تولید و کیفیت

در انتقال فناوری، یکی از الزامات اساسی رعایت استانداردهای بین‌المللی تولید و کیفیت است. این تعهد به اطمینان از تولید محصولات با کیفیت بالا و مطابقت با استانداردهای جهانی کمک می‌کند.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است کلیه تجهیزات، فرایندها و فناوری‌های مربوط به تولید محصول مشترک را بر اساس استانداردهای بین‌المللی معتبر و مشخص شده در قرارداد، تنظیم و نصب نماید. همچنین باید تمامی مراحل تولید مطابق با استانداردهای کیفیت باشد».

- تعهد به حفظ حقوق مالکیت فکری

یکی از مسائل حساس در انتقال فناوری، حفاظت از حقوق مالکیت فکری است. سرمایه‌گذار خارجی باید تضمین دهد که حقوق مالکیت فکری، از جمله اختراعات، علائم تجاری و کپی‌رایت‌ها، محفوظ بماند و هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای از آن‌ها نشود.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است تمامی حقوق مالکیت فکری ناشی از فناوری‌های منتقل شده به سرمایه‌گذار داخلی، اعم از اختراعات، پتنت‌ها، طراحی‌ها، برندها و نرم‌افزارها، را حفظ نموده و هیچ‌گونه اقدامی که منجر به نقض حقوق مالکیت فکری طرف ایرانی شود، انجام ندهد. همچنین، طرفین توافق می‌کنند که در صورت استفاده از فناوری‌ها در پروژه‌های جدید، حقوق مالکیت فکری به طور شفاف و منصفانه تقسیم گردد».

- تعهد به تأمین منابع مالی

سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند موظف به تأمین منابع مالی برای خرید تجهیزات، نصب و راه‌اندازی خطوط تولید یا حتی تأمین هزینه‌های آموزش و مشاوره فنی شود.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است مبلغ معین را برای خرید تجهیزات، نصب و راه‌اندازی خطوط تولید، تأمین مواد اولیه و هزینه‌های آموزش نیروی انسانی سرمایه‌گذار داخلی تأمین نماید. این مبلغ باید طی دو سال اول اجرای پروژه به طور کامل تأمین شود».

- تعهد به حفظ منافع مشترک

در بسیاری از موارد، طرفین در نظر دارند که منافع حاصل از استفاده از فناوری‌های منتقل شده، به طور عادلانه تقسیم شود. این شامل سودآوری از تولید و فروش محصولات است که باید در قرارداد مشخص گردد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی و سرمایه‌گذار داخلی توافق می‌کنند که تمامی سود حاصل از استفاده از فناوری‌های منتقل شده و محصولات تولیدی بر اساس یک سیستم تقسیم عادلانه، به طور مساوی میان طرفین تقسیم گردد. این تقسیم‌بندی بر اساس شاخص‌های عملکردی مانند حجم تولید، کیفیت و سهم بازار خواهد بود».

- تعهد به تضمین استفاده از منابع و ظرفیت‌های محلی

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است موظف به استفاده از منابع و ظرفیت‌های موجود در کشور مقصد (ایران) باشد. این شامل استفاده از نیروی انسانی محلی، تأمین مواد اولیه از منابع داخلی، یا استفاده از زیرساخت‌های محلی است.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در صورت امکان، از منابع و ظرفیت‌های داخلی کشور برای تأمین مواد اولیه، قطعات و خدمات استفاده نماید. همچنین، در صورتی که نیروی انسانی محلی دارای مهارت‌های لازم باشد، سرمایه‌گذار خارجی موظف است از نیروی کار محلی به طور گسترده بهره‌برداری نماید و از واردات نیروی کار خارجی تا حد امکان خودداری کند».

- تعهد به رعایت قوانین و مقررات کشور مقصد

سرمایه‌گذار خارجی موظف است تمامی اقدامات خود را مطابق با قوانین، مقررات و الزامات اجرایی کشور مقصد انجام دهد. این تعهد شامل رعایت استانداردهای محیط زیستی، مالیاتی، کارگری، بهداشتی و سایر قوانین مرتبط است.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در تمام مراحل پروژه، از جمله انتقال فناوری، تولید، و توزیع محصولات، تمامی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، از جمله قوانین مربوط به محیط زیست، مالیات، کارگری و سایر الزامات اجرایی را رعایت نماید. نقض این تعهدات می‌تواند منجر به فسخ قرارداد و جبران خسارات ناشی از آن شود».

- تعهد به حفظ و تقویت برند و نام تجاری

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است موظف به حفظ اعتبار برند و نام تجاری خود در کشور مقصد باشد. این اقدام کمک می‌کند تا پروژه سرمایه‌گذاری از دیدگاه بازار و مصرف‌کنندگان نیز مورد توجه قرار گیرد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در تمام مراحل تولید و بازاریابی محصول مشترک، برند و نام تجاری خود را حفظ و تقویت کند. برای این منظور، طرفین توافق می‌کنند که تمامی محصولات تولیدی باید تحت برند رسمی و شناخته‌شده سرمایه‌گذار خارجی به بازار عرضه شوند و هرگونه تغییر در نام تجاری باید با موافقت طرفین صورت گیرد».

- تعهد به تحقیق و توسعه

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است ملزم به انجام تحقیق و توسعه برای بهبود مستمر فناوری‌های منتقل شده و ارتقای کیفیت محصولات تولیدی باشد. این تعهد به‌ویژه در صنایع با تکنولوژی پیشرفته اهمیت دارد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در طول مدت اجرای قرارداد، بخش معینی از سود خود (حداقل ۵ درصد) را به تحقیق و توسعه برای بهبود فناوری‌های منتقل شده و ارتقای کیفیت محصولات اختصاص دهد. این تحقیقات باید در زمینه‌های نوآوری‌های محصول، بهینه‌سازی فرایندها و کاهش هزینه‌های تولید باشد».

- تعهد به ایجاد و ارتقای زیرساخت‌های تولید

سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند موظف به تأمین و ارتقای زیرساخت‌های تولیدی در کشور مقصد باشد. این اقدام می‌تواند شامل خرید و نصب تجهیزات تولیدی، ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل و انبارداری، و همچنین تأمین انرژی و آب باشد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است در ابتدا و طی پنج سال اول پروژه، تمامی تجهیزات و ماشین‌آلات لازم برای تولید محصولات مشترک را تأمین و نصب کند. علاوه بر این، سرمایه‌گذار خارجی مسئول خواهد بود تا زیرساخت‌های موردنیاز مانند انبارها، سیستم‌های حمل و نقل و انرژی را تأمین نماید.»

- تعهد به اشتراک‌گذاری نتایج تحقیقاتی و فنی

در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک که فناوری‌های پیچیده و نوآورانه در آنها به کار می‌روند، اشتراک‌گذاری نتایج تحقیقات و دستاوردهای فنی بین طرفین اهمیت زیادی دارد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است نتایج هرگونه تحقیقاتی که در زمینه بهبود فناوری‌های منتقل شده و توسعه محصولات جدید انجام داده است، به صورت منظم با سرمایه‌گذار داخلی به اشتراک بگذارد. همچنین، هرگونه نوآوری جدید باید به طور عادلانه و مطابق با توافقات قرارداد، به طرف ایرانی منتقل گردد.»

- تعهد به ارزیابی و نظارت بر پروژه

سرمایه‌گذار خارجی ممکن است موظف به انجام ارزیابی‌های دوره‌ای و نظارت بر روند پروژه به منظور اطمینان از پیشرفت صحیح کارها باشد. این ارزیابی‌ها می‌توانند شامل بررسی میزان پیشرفت انتقال فناوری، کیفیت تولید، و عملکرد مالی پروژه باشند.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است به‌صورت دوره‌ای (حداقل هر شش ماه یک‌بار) ارزیابی‌هایی از روند اجرای پروژه، از جمله انتقال فناوری، تولید، کیفیت و امور مالی، به طرف ایرانی ارائه دهد. ارزیابی‌ها باید توسط یک تیم فنی مستقل انجام شده و گزارش آن در اختیار طرف ایرانی قرار گیرد.»

• تعهد به جلوگیری از رقابت ناعادلانه

سرمایه‌گذار خارجی باید تضمین دهد که فناوری منتقل شده برای تولید محصولات یا خدمات مشابه توسط رقبا در بازارهای داخلی یا خارجی استفاده نخواهد شد. این تعهد به‌ویژه در صنایع حساس و استراتژیک اهمیت دارد.

نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است هیچ‌گونه فناوری منتقل شده را به هیچ شخص یا سازمان ثالث در داخل یا خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران انتقال ندهد که ممکن است منجر به رقابت ناعادلانه با طرف ایرانی گردد. در صورت نقض این تعهد، سرمایه‌گذار خارجی باید تمامی خسارات ناشی از آن را جبران نماید.»

• تعهد به حفظ محرمانگی اطلاعات

سرمایه‌گذار خارجی باید به‌طور جدی تعهد کند که تمامی اطلاعات مربوط به فناوری‌ها، فرایندها، مشتریان، و سایر اطلاعات تجاری که در طول قرارداد به دست می‌آورد، حفظ خواهد شد. نمونه ماده قراردادی: «سرمایه‌گذار خارجی موظف است تمامی اطلاعات فنی، تجاری و مالی که در رابطه با انتقال فناوری و اجرای پروژه مشترک از طرف ایرانی دریافت می‌کند را به طور محرمانه حفظ نماید. این تعهد حفظ محرمانگی برای مدت ۵ سال پس از پایان قرارداد نیز ادامه خواهد داشت.»

در یک قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال فناوری، دولت میزبان باید به برخی تعهدات کلیدی پایبند باشد تا به نحوی مؤثر و مفید، شرایط لازم برای انتقال فناوری و توسعه اقتصادی را فراهم آورد. این تعهدات معمولاً به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و می‌توانند بسته به شرایط خاص هر کشور و پروژه متفاوت باشند. در اینجا مهم‌ترین تعهدات دولت میزبان را با جزئیات بررسی می‌نماییم.

- حمایت از قوانین و مقررات

دولت میزبان موظف است تا چارچوب قانونی و مقرراتی مناسبی را برای تضمین اجرای قرارداد و حمایت از حقوق سرمایه‌گذار و طرف‌های داخلی فراهم آورد. این حمایت شامل ضمانت‌های قانونی برای مالکیت معنوی، مالیات، واردات و صادرات و دیگر مسائل مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی است.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می‌کند که در مدت زمان اجرای این قرارداد، کلیه قوانین و مقررات داخلی خود را که بر انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر می‌گذارند، به طور منصفانه و شفاف اجرا نماید و از هرگونه تغییرات قانونی که ممکن است به ضرر سرمایه‌گذار باشد، جلوگیری کند».

- حمایت مالی و تشویق‌ها

دولت میزبان می‌تواند از طریق ارائه تسهیلات مالی؛ مانند معافیت‌های مالیاتی، تخفیف‌های تعرفه‌ای، یا حمایت‌های غیرمالی، پروژه انتقال فناوری را تشویق و تسهیل کند. این اقدامات می‌تواند در قالب تسهیلات مالی، کمک‌های غیرنقدی یا سایر تشویق‌ها ارائه شود.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که برای پروژه انتقال فناوری، از طریق ارائه معافیت‌های مالیاتی به مدت [تعداد] سال و نیز تخفیف در هزینه‌های گمرکی برای تجهیزات و مواد اولیه وارداتی که در انتقال فناوری مورد استفاده قرار می‌گیرند، از سرمایه‌گذار حمایت نماید».

- تضمین امنیت سرمایه‌گذاری

دولت میزبان باید تضمین‌هایی برای حفظ امنیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی در برابر خطرات سیاسی و اقتصادی ارائه دهد. این تضمین‌ها معمولاً شامل تضمین‌هایی در برابر مصادره یا ملی‌سازی دارایی‌ها و همچنین تضمین‌هایی برای حفاظت از مالکیت معنوی است.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که هیچ‌گونه اقدام غیرقانونی از قبیل مصادره، ملی‌سازی یا تصرف دارایی‌های سرمایه‌گذار یا هر یک از اعضای پروژه بدون جبران خسارت مناسب انجام ندهد. همچنین، دولت میزبان ضمانت می‌کند که از تمامی حقوق مالکیت معنوی انتقال‌یافته به کشور حمایت خواهد کرد».

- آموزش و توانمندسازی نیروی کار داخلی

دولت میزبان باید از انتقال دانش و فناوری به نیروی کار داخلی کشور حمایت کند. این شامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اعطای مجوزهای کار برای افراد متخصص، و فراهم آوردن شرایط مناسب برای ارتقای مهارت‌های نیروی کار است.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی و برنامه‌های توانمندسازی برای نیروهای انسانی داخلی، فرایند انتقال فناوری به نیروهای متخصص محلی را تسهیل کند و در این راستا، تسهیلات لازم را برای استخدام کارکنان محلی فراهم آورد».

- حمایت از تحقیق و توسعه

یکی از تعهدات کلیدی دولت میزبان، ایجاد شرایطی برای توسعه تحقیق و توسعه به منظور تسهیل نوآوری و ارتقاء ظرفیت‌های فنی کشور است. دولت میزبان باید شرایط لازم را برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک و تبادل علمی فراهم آورد.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان توافق می‌کند که از طریق تأمین منابع مالی، تسهیلات تحقیق و توسعه، و کاهش موانع قانونی، شرایط لازم را برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین طرفین فراهم آورد و همکاری‌های علمی و فنی را در راستای انتقال فناوری تسهیل نماید».

- تضمین‌های مربوط به بومی‌سازی فناوری

دولت میزبان ممکن است تعهد کند که در چارچوب پروژه‌های مشترک، فناوری‌های منتقل شده باید به تدریج بومی‌سازی شوند و استفاده از منابع داخلی و ظرفیت‌های محلی در مراحل مختلف تولید و توسعه افزایش یابد.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می‌کند که در طی اجرای پروژه، فرایند بومی‌سازی فناوری را از طریق ارائه تسهیلات مالی و فنی و نیز ایجاد شرایط مناسب برای افزایش سهم تولیدات داخلی، تسهیل نماید

و طرفین توافق می‌کنند که سهم تولید داخلی از فناوری منتقل شده در طول مدت زمان [تعداد] سال به [درصد] درصد افزایش یابد».

- تضمین زیرساخت‌های مناسب

دولت میزبان باید تضمین کند که زیرساخت‌های فیزیکی و فنی (مانند شبکه‌های ارتباطی، منابع انرژی، حمل‌ونقل، و امکانات تحقیقاتی) برای اجرای پروژه و انتقال فناوری در دسترس قرار دارد.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می‌کند که زیرساخت‌های ضروری برای انجام پروژه انتقال فناوری شامل تأمین منابع انرژی، شبکه‌های ارتباطی و سیستم‌های حمل‌ونقل را به طور کامل فراهم نماید و از هرگونه اختلال در تأمین این منابع جلوگیری کند».

- حمایت از حفاظت محیط‌زیست

انتقال فناوری باید با رعایت اصول زیست‌محیطی صورت گیرد. دولت میزبان باید تضمین کند که پروژه‌های انتقال فناوری با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی انجام می‌شوند و از آسیب به محیط‌زیست جلوگیری می‌شود.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان تضمین می‌کند که کلیه فعالیت‌های مرتبط با پروژه انتقال فناوری با رعایت کامل قوانین و مقررات محیط‌زیستی کشور و استانداردهای بین‌المللی انجام خواهند شد و در صورت نیاز به تغییرات زیست‌محیطی، از طرفین درخواست خواهد شد که اقدامات اصلاحی و جبرانی لازم را انجام دهند».

- دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی

دولت میزبان ممکن است تعهد کند که تسهیلاتی برای دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی فراهم آورد، از جمله از طریق قراردادهای ترجیحی یا توافقات تجاری بین‌المللی.

نمونه ماده قراردادی: «دولت میزبان موافقت می‌کند که به طرفین پروژه امکان دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی را فراهم آورد و از طریق توافقات تجاری با کشورهای ثالث، موانع تجاری را کاهش دهد».

این تعهدات دولت میزبان در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال فناوری، بستری را فراهم می‌آورد که هم‌زمان منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای کشور میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی به ارمغان می‌آورد.

۶. تقسیم سود و مسئولیت‌ها در طرح سرمایه‌گذاری مشترک

تقسیم سود و مسئولیت‌ها یکی از ارکان اساسی در مدل سرمایه‌گذاری مشترک است که تضمین‌کننده حقوق و تعهدات هر دو طرف در پروژه محسوب می‌شود. در این مدل، طرفین بر اساس میزان سرمایه‌گذاری، منابع ارائه‌شده، و نقش‌های عملیاتی، سهم خود از سود و زیان را تعیین می‌کنند. این تقسیم باید بر پایه شفافیت، عدالت، و اصولی مشخص تنظیم شود تا از بروز اختلافات جلوگیری کند. برای مثال، اگر یکی از طرفین سهم بیشتری از سرمایه یا فناوری را تأمین کرده باشد، معمولاً در تقسیم سود و حتی تصمیم‌گیری‌ها سهم بیشتری خواهد داشت.

سهم سود معمولاً بر اساس قرارداد اولیه و باتوجه به درصد مشارکت سرمایه‌گذاری یا منابع دیگر مشخص می‌شود. اگر طرف چینی ۷۰ درصد سرمایه مالی و فناوری پیشرفته را فراهم کند و طرف ایرانی ۳۰ درصد سرمایه مالی به همراه نیروی کار و زیرساخت‌ها را ارائه دهد، سود به همان نسبت ۷۰ به ۳۰ تقسیم خواهد شد. اما در مواردی ممکن است طرفین تصمیم بگیرند به دلیل اهمیت منابع خاص یک طرف، این نسبت را تغییر دهند. برای مثال، اگر دانش فنی یا دسترسی به بازار محلی از اهمیت بالایی برخوردار باشد، ممکن است طرف ایرانی سهم بیشتری از سود دریافت کند.

تقسیم مسئولیت‌ها معمولاً بر اساس توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر طرف انجام می‌شود. در مدل سرمایه‌گذاری ایران و چین، طرف چینی می‌تواند مسئولیت تأمین تجهیزات، فناوری‌های پیشرفته، و مدیریت فنی پروژه را بر عهده بگیرد، درحالی‌که طرف ایرانی می‌تواند وظایفی مانند فراهم کردن نیروی کار، زیرساخت‌های محلی، و تسهیل امور قانونی و بوروکراتیک را عهده‌دار شود. این تقسیم‌بندی باید به گونه‌ای باشد که هر طرف بر اساس تخصص و توانایی‌های خود عمل کند و از تداخل وظایف جلوگیری شود.

قرارداد سرمایه‌گذاری نقش محوری در تنظیم چارچوب تقسیم سود و مسئولیت‌ها دارد. این قرارداد باید تمام جزئیات مربوط به نحوه توزیع سود، مسئولیت‌های عملیاتی، و مکانیزم مدیریت اختلافات را به وضوح تعریف کند. برای مثال، باید مشخص شود که سود در چه بازه‌های زمانی (سه‌ماهه، سالانه) توزیع خواهد شد و چه

رویه‌ای برای تخصیص منابع در مواقع بحران یا زیان وجود دارد. همچنین، در قرارداد باید روش حل و فصل اختلافات، مانند رجوع به داوری یا محاکم بین‌المللی، قید شود. این شفافیت باعث جلوگیری از سوء تفاهم و تقویت اعتماد بین طرفین می‌شود.

تقسیم صحیح سود و مسئولیت‌ها تأثیر مستقیمی بر موفقیت سرمایه‌گذاری مشترک دارد. اگر این تقسیم‌بندی منصفانه و شفاف باشد، هر طرف انگیزه کافی برای ایفای تعهدات خود خواهد داشت و همکاری بهینه میان طرفین شکل می‌گیرد. در مقابل، عدم شفافیت یا نابرابری در تقسیم سود و مسئولیت‌ها می‌تواند منجر به بروز اختلافات و کاهش کارایی پروژه شود. از این رو، توجه دقیق به این بخش در مرحله طراحی قرارداد و مدیریت پروژه ضروری است تا شراکت استراتژیک میان ایران و چین به موفقیت بلندمدت منجر شود.

۷. تمرکز بر پروژه‌های استراتژیک فناوریانه در طرح سرمایه‌گذاری مشترک

تمرکز بر پروژه‌های استراتژیک در مدل سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین یکی از کلیدی‌ترین اصول برای موفقیت و بهره‌برداری حداکثری از منابع و فرصت‌ها است. پروژه‌های استراتژیک به آن دسته از پروژه‌هایی گفته می‌شود که نه تنها از لحاظ اقتصادی ارزش بالایی دارند، بلکه از نظر سیاسی، اجتماعی و توسعه‌ای نیز برای کشورها حائز اهمیت هستند. این پروژه‌ها می‌توانند بستری مناسب برای همکاری‌های بلندمدت و تأثیرگذار میان دو کشور فراهم کنند و به‌ویژه در تقویت زیرساخت‌ها، ارتقای فناوری، و دستیابی به رشد پایدار مؤثر باشند.

در زمینه همکاری‌های ایران و چین، پروژه‌های استراتژیک بیشتر در حوزه‌های زیرساختی مانند حمل‌ونقل، انرژی و ساختمان‌ها قرار دارند. به‌ویژه پروژه‌های مرتبط با حمل‌ونقل (راه‌آهن، مترو، جاده‌ها) و انرژی (گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر) می‌توانند به بهبود چشمگیر زیرساخت‌های کشور کمک کنند. این پروژه‌ها به دلیل نیاز به سرمایه‌گذاری کلان و فناوری پیشرفته، فرصت مناسبی برای همکاری‌های مشترک ایجاد می‌کنند. برای مثال، ساخت خطوط راه‌آهن سریع‌السیر و پروژه‌های انتقال انرژی می‌تواند به تسهیل تبادلات تجاری و انرژی بین دو کشور و کشورهای همسایه کمک کند.

باتوجه به منابع انرژی فراوان ایران و نیاز چین به تأمین انرژی، پروژه‌های مرتبط با توسعه منابع انرژی مانند نفت، گاز، و انرژی‌های تجدیدپذیر یکی از حوزه‌های مهم استراتژیک برای همکاری است. ایران می‌تواند به

چین دسترسی به منابع نفت و گاز خود را فراهم کرده و در عوض، چین می‌تواند با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، به توسعه و بهره‌برداری بهینه از این منابع کمک کند. علاوه بر این، پروژه‌های مشترک در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر نظیر انرژی خورشیدی و بادی می‌تواند در راستای اهداف توسعه پایدار و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی مؤثر باشد.

یکی دیگر از پروژه‌های استراتژیک که می‌تواند در این مدل سرمایه‌گذاری مشترک مورد توجه قرار گیرد، پروژه‌های فناوری و نوآوری است. در این بخش، چین می‌تواند فناوری‌های پیشرفته خود را در زمینه‌های مختلف مانند هوش مصنوعی، فناوری اطلاعات، رباتیک، و تولید صنعتی به ایران انتقال دهد. این نوع پروژه‌ها نه تنها به توسعه صنعتی ایران کمک می‌کنند، بلکه به‌ویژه در ارتقای رقابت‌پذیری صنایع داخلی و ایجاد اشتغال برای نیروی کار ماهر ایرانی بسیار مؤثر هستند.

فناوری و نوآوری در مدل سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و چین یکی از ارکان کلیدی برای ارتقای توان رقابتی، رشد اقتصادی و توسعه پایدار است. در دنیای امروز، فناوری و نوآوری به‌عنوان محرک‌های اصلی در تمام صنایع و بخش‌های اقتصادی شناخته می‌شوند. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر توسعه صنعتی و اقتصادی ایران داشته باشد و درعین حال، چین را در مسیر تقویت موقعیت خود به‌عنوان یک پیش‌تاز جهانی در زمینه‌های فناوری و نوآوری یاری کند. این همکاری‌ها می‌توانند در قالب انتقال فناوری‌های پیشرفته، ایجاد مراکز تحقیق و توسعه، و اشتراک‌گذاری تجربیات و تخصص‌های مدیریتی و صنعتی شکل گیرند.

یکی از بزرگ‌ترین مزایای همکاری در زمینه فناوری و نوآوری، انتقال فناوری‌های پیشرفته از چین به ایران است. چین در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های مختلف فناوری، به‌ویژه در صنایع الکترونیک، هوش مصنوعی، رباتیک، اینترنت اشیا، و تولید خودکار داشته است. این فناوری‌ها می‌توانند در بهبود فرایندهای تولیدی، افزایش بهره‌وری صنایع و به‌ویژه در صنایع با تکنولوژی پایین‌تر ایران، کاربرد زیادی داشته باشند.

برای مثال، انتقال فناوری‌های پیشرفته در زمینه رباتیک می‌تواند در صنایع خودروسازی و تولید قطعات صنعتی ایران تحول ایجاد کند و به افزایش دقت، کاهش هزینه‌های تولید، و بهبود کیفیت کمک کند. همین‌طور، استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی در مدیریت زنجیره تأمین، پردازش داده‌ها و تحلیل پیشرفته می‌تواند به تولیدات صنعتی و خدمات مختلف در ایران کمک کند.

یکی از راه‌های مؤثر دیگر برای توسعه فناوری و نوآوری، ایجاد مراکز تحقیق و توسعه مشترک است. این مراکز می‌توانند به عنوان پل ارتباطی بین دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و صنایع عمل کرده و به تولید فناوری‌های جدید و بومی‌سازی فناوری‌های موجود کمک کنند. چین به‌ویژه در زمینه توسعه فناوری‌های نوین و تحقیقاتی بسیار پیشرفته است و ایران می‌تواند از این فرصت برای ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک بهره‌برداری کند.

این همکاری‌ها می‌توانند در زمینه‌هایی چون فناوری نانو، مواد پیشرفته، انرژی‌های تجدیدپذیر، داروسازی، و حتی کشاورزی دقیق باشند. مراکز مشترک نه تنها می‌توانند منجر به تولید محصولات و فناوری‌های جدید شوند بلکه می‌توانند بستر مناسبی برای آموزش و تربیت نیروی کار متخصص نیز فراهم کنند.

در کنار انتقال فناوری، انتقال دانش فنی و تربیت نیروی انسانی متخصص یکی از ابعاد مهم همکاری در این بخش است. انتقال این دانش‌ها می‌تواند از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های تخصصی، و یا حتی اعزام متخصصین چینی به ایران و بالعکس انجام شود. این امر به‌ویژه در زمینه‌های پیچیده و تخصصی چون فناوری‌های نوین ارتباطی، تولید خودکار، و فناوری‌های سبز (مانند انرژی‌های تجدیدپذیر) اهمیت دارد.

ایران می‌تواند از این همکاری‌ها برای به‌روزرسانی نیروی کار خود و افزایش توانمندی‌های علمی و فنی بهره‌برداری کند. از طرف دیگر، چین نیز می‌تواند با آموزش نیروی متخصص ایرانی، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی خود را گسترش دهد و روابط اقتصادی خود را با ایران مستحکم‌تر کند.

نوآوری در فرایندهای صنعتی و تولیدی می‌تواند به تغییرات عمده در نحوه تولید و عرضه محصولات در ایران منجر شود. چین با برخورداری از تجربیات گسترده در استفاده از فناوری‌های نوین در فرایندهای تولید، به ایران این امکان را می‌دهد که با استفاده از این تجربیات، کیفیت محصولات خود را افزایش داده و فرایندهای تولید را بهینه‌سازی کند.

برای مثال، استفاده از فناوری‌های هوشمند در خطوط تولید می‌تواند موجب کاهش هزینه‌ها، افزایش سرعت تولید، و بهبود کیفیت محصولات نهایی شود. همین‌طور، به‌کارگیری سیستم‌های مدیریت هوشمند و اینترنت اشیاء در صنعت می‌تواند در مدیریت بهینه انرژی، کنترل کیفیت، و پیش‌بینی خرابی‌های ماشین‌آلات به ایران کمک کند.

فناوری و نوآوری تنها به حوزه صنعت محدود نمی‌شود. یکی از زمینه‌های نوآورانه‌ای که می‌تواند در سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین مورد توجه قرار گیرد، نوآوری‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است.

چین در زمینه توسعه فناوری‌های سبز، کاهش آلاینده‌ها و بهبود کارایی انرژی دارای تجربیات گسترده‌ای است که می‌تواند به ایران در تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کند.

پروژه‌های مشترک در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی، بادی، و هیدروژن)، مدیریت منابع آب، و کشاورزی پایدار می‌تواند در راستای حل چالش‌های زیست‌محیطی ایران بسیار مؤثر باشد. همچنین، نوآوری‌های اجتماعی در قالب فناوری‌های دیجیتال می‌تواند به بهبود زندگی روزمره مردم ایران، تسهیل خدمات بهداشتی، آموزش و دسترسی به اطلاعات کمک کند.

در نهایت، فناوری و نوآوری در سرمایه‌گذاری مشترک ایران و چین می‌تواند موجب تحول چشمگیری در صنایع مختلف ایران شود. انتقال فناوری‌های پیشرفته، ایجاد مراکز تحقیق و توسعه، ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی، و نوآوری در فرایندهای تولید و خدمات می‌تواند ایران را در مسیر رشد پایدار و افزایش رقابت‌پذیری در بازار جهانی قرار دهد. به همین ترتیب، این همکاری‌ها می‌توانند چین را در تقویت موقعیت خود در بازارهای جهانی و گسترش دامنه نفوذ اقتصادی و فناوری خود یاری کنند.

تمرکز بر پروژه‌های استراتژیک در سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و چین می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های پایدار باشد که علاوه بر بهبود زیرساخت‌های اقتصادی، موجب ارتقای روابط سیاسی، اجتماعی و فناوری دو کشور شود. این پروژه‌ها از آن جهت اهمیت دارند که با تأثیرات بلندمدت خود می‌توانند به طور مؤثری به رشد و توسعه هر دو کشور کمک کنند و در جهت منافع مشترک آن‌ها پیش روند.

۸. تصویب قوانین و مقررات حمایتی و تسهیلاتی در ایران با هدف حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی از طریق تصویب قوانین حمایتی، یکی از استراتژی‌های کلیدی برای جذب سرمایه‌های خارجی و تسریع رشد اقتصادی کشورها به شمار می‌رود. این قوانین با هدف ایجاد محیطی امن و جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی تدوین می‌شوند و می‌توانند تأثیر بسزایی در توسعه اقتصادی و فناوری کشورها داشته باشند. سرمایه‌گذاری خارجی به ورود منابع مالی، فناوری و دانش فنی از کشورهای دیگر به داخل کشور میزبان اطلاق می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم انجام شود و نقش مهمی در انتقال فناوری، ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی ایفا کند. برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی، کشورها نیازمند چارچوب‌های قانونی مشخص و شفاف هستند که حقوق و تعهدات

طرفین را تعیین کند. این قوانین باید تضمین‌کننده امنیت سرمایه‌گذاری، تضمین بازگشت سرمایه و سود، و تضمین انتقال آزادانه سود و سرمایه باشند.

قوانین حمایتی سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً شامل چندین ویژگی مهم هستند. نخستین ویژگی، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری است. این به این معناست که قوانین باید تضمین کنند که سرمایه‌گذاران خارجی در برابر خطرات سیاسی و اقتصادی محافظت می‌شوند و در صورت وقوع تغییرات ناگهانی در سیاست‌های اقتصادی، حقوق آن‌ها محفوظ می‌ماند. دومین ویژگی، تضمین بازگشت سرمایه و سود است. سرمایه‌گذاران باید اطمینان حاصل کنند که می‌توانند سرمایه و سود خود را به کشور مبدأ منتقل کنند. سومین ویژگی، حمایت از حقوق مالکیت فکری است. در این راستا، باید از اختراعات، علائم تجاری و حقوق مالکیت فکری دیگر محافظت شود. چهارمین ویژگی، شفافیت و سادگی فرایندها است. فرایندهای اداری و قانونی باید ساده، شفاف و سریع باشند تا سرمایه‌گذاران خارجی بتوانند به راحتی در کشور میزبان فعالیت کنند. کشورهای مختلف با تصویب قوانین حمایتی، موفق به جذب سرمایه‌های خارجی شده‌اند. به عنوان مثال، در ایران، «قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی» با هدف فراهم آوردن بستر قانونی مناسب برای جذب سرمایه و فناوری خارجی و تحقق بخشیدن به توسعه اقتصادی کشور تصویب شده است. این قانون با اعطای پوشش وسیع حمایتی به کلیه روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ارائه تسهیلات بیشتر در روند پذیرش و تصویب طرح‌های سرمایه‌گذاری، و سازماندهی یک ایستگاه واحد تحت عنوان «مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی»، سعی در تسهیل و تسريع امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد. با وجود مزایای فراوان، تصویب و اجرای قوانین حمایتی با چالش‌هایی نیز مواجه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به تغییرات مداوم قوانین، پیچیدگی‌های اداری، فساد، و نبود زیرساخت‌های مناسب اشاره کرد که می‌توانند مانع جذب سرمایه‌گذاران خارجی شوند. تصویب و اجرای قوانین حمایتی سرمایه‌گذاری خارجی، گامی اساسی در راستای توسعه اقتصادی کشورها است. با ایجاد محیطی امن و جذاب برای سرمایه‌گذاران، می‌توان به رشد اقتصادی، انتقال فناوری و ایجاد اشتغال دست یافت. با این حال، برای دستیابی به این اهداف، لازم است چالش‌ها و موانع موجود شناسایی و برطرف شوند تا قوانین حمایتی به صورت مؤثر و کارآمد پیاده‌سازی شوند.

تسهیلات مالیاتی برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی یکی از ابزارهای مهمی است که کشورها برای جذب سرمایه‌های خارجی به کار می‌برند. این تسهیلات با هدف کاهش هزینه‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد انگیزه برای ورود سرمایه به کشور میزبان طراحی می‌شوند. در واقع، تسهیلات مالیاتی به عنوان

یکی از راه‌های ایجاد یک محیط کسب‌وکار جذاب، تأثیر زیادی در جذب سرمایه‌گذاران دارند، زیرا هزینه‌های مالیاتی می‌تواند تأثیر زیادی بر بازده سرمایه‌گذاری داشته باشد.

یکی از رایج‌ترین تسهیلات مالیاتی که کشورها برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در نظر می‌گیرند، معافیت‌های مالیاتی است. این معافیت‌ها می‌توانند به طور موقت یا دائم برای سرمایه‌گذاران خارجی ارائه شوند و به کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها کمک کنند. برای مثال، در برخی کشورها ممکن است شرکت‌های خارجی از پرداخت مالیات بر درآمد یا مالیات بر ارزش افزوده برای مدت مشخصی معاف شوند. این معافیت‌ها معمولاً به شرکت‌هایی که در زمینه‌های خاصی مانند تحقیق و توسعه، فناوری‌های نوین یا صنایع زیرساختی فعالیت می‌کنند، تعلق می‌گیرد. علاوه بر معافیت‌های مالیاتی، برخی کشورها تسهیلات دیگری نیز مانند تخفیف‌های مالیاتی یا کاهش نرخ‌های مالیاتی برای مدت زمان معین برای سرمایه‌گذاران خارجی در نظر می‌گیرند. این تخفیف‌ها می‌توانند به شکل کاهش درصد مالیات بر سود شرکت‌ها، کاهش مالیات بر درآمد کارکنان یا حتی نرخ مالیات‌های تجاری برای شرکت‌های خارجی باشند. این سیاست‌ها به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا هزینه‌های مالیاتی خود را کاهش دهند و در نتیجه، جذابیت سرمایه‌گذاری در کشور میزبان افزایش یابد. در برخی موارد، کشورها برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی، سیاست‌های مالیاتی ویژه‌ای برای مناطق اقتصادی ویژه یا مناطق آزاد تجاری معرفی می‌کنند. این مناطق معمولاً شامل تخفیف‌های مالیاتی، معافیت‌های گمرکی و تسهیلات ویژه دیگر برای سرمایه‌گذاران خارجی هستند. به طور معمول، این مناطق به منظور ارتقای توسعه اقتصادی در مناطق خاصی از کشور یا ایجاد کانون‌های اقتصادی جدید، تشکیل می‌شوند و شرایطی را فراهم می‌آورند که در آن سرمایه‌گذاران خارجی بتوانند با کاهش هزینه‌های مالیاتی و اداری، به راحتی فعالیت کنند. یکی دیگر از تسهیلات مالیاتی که در برخی کشورهای جذب‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی دیده می‌شود، ارائه مالیات بر سود بازپرداختی است. این نوع مالیات به طور خاص برای پروژه‌هایی در نظر گرفته می‌شود که قصد دارند بخش بزرگی از سود خود را به کشور مادر بازگردانند. در این حالت، کشور میزبان ممکن است بخشی از مالیات‌های بازپرداختی را کاهش دهد تا هزینه‌های انتقال سود برای سرمایه‌گذار خارجی کمتر شود. تسهیلات مالیاتی می‌تواند همچنین در زمینه حمایت از تحقیق و توسعه و نوآوری نیز اعمال شود. بسیاری از کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش‌های فناوری و تحقیقاتی، تخفیف‌های مالیاتی خاصی برای هزینه‌های تحقیق و توسعه ارائه می‌دهند. این تخفیف‌ها به سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کنند تا هزینه‌های تحقیقاتی خود را کاهش دهند و در نتیجه،

انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های نوآورانه و فناوری‌های پیشرفته پیدا کنند. با این حال، ارائه تسهیلات مالیاتی باید بادقت و در چارچوب قوانین و مقررات شفاف انجام شود تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری گردد و اطمینان حاصل شود که این تسهیلات تنها به سرمایه‌گذارانی که قصد واقعی برای سرمایه‌گذاری دارند، تعلق گیرد. در غیر این صورت، ممکن است این تسهیلات به تضعیف سیستم مالیاتی کشور و کاهش منابع درآمدی منجر شود. در نهایت، تسهیلات مالیاتی برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی یکی از ابزارهای مؤثر در جذب سرمایه‌های خارجی است که می‌تواند تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، انتقال فناوری و افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی داشته باشد. با این حال، اجرای مؤثر این تسهیلات نیازمند رعایت قوانین شفاف و نظارت دقیق است تا از اثربخشی این سیاست‌ها در بلندمدت اطمینان حاصل شود.

همچنین قوانین مالکیت فکری برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نقش حیاتی در ایجاد محیطی امن و جذاب برای سرمایه‌گذاران دارند. مالکیت فکری شامل اختراعات، علائم تجاری، حقوق نسخه‌برداری، اسرار تجاری و دیگر حقوق مرتبط با نوآوری‌ها و ایده‌های خلاقانه است. این نوع مالکیت به سرمایه‌گذاران خارجی این اطمینان را می‌دهد که آثار و نوآوری‌های آن‌ها در کشور میزبان مورد حفاظت قرار می‌گیرند و از سرقت یا استفاده بدون اجازه آن‌ها جلوگیری می‌شود. تصویب و اجرای قوانین مؤثر در زمینه مالکیت فکری می‌تواند باعث جذب سرمایه‌های خارجی، ارتقاء انتقال فناوری و نوآوری، و ایجاد رقابت‌پذیری بیشتر در بازارهای جهانی شود. اولین و مهم‌ترین دلیل برای اهمیت قوانین مالکیت فکری در حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تأمین امنیت برای سرمایه‌گذاران است. سرمایه‌گذاران خارجی تمایل دارند که مطمئن شوند حقوق آن‌ها در قبال اختراعات و ابداعاتشان در کشور میزبان به‌خوبی محافظت می‌شود. برای مثال، یک شرکت خارجی که فناوری پیشرفته‌ای را به کشور میزبان منتقل می‌کند، ممکن است بخواهد از حقوق اختراع خود محافظت کند تا از رقابت غیرمنصفانه جلوگیری کند. اگر قوانین مالکیت فکری در کشور میزبان ضعیف یا غیرشفاف باشند، این شرکت ممکن است از ورود به بازار آن کشور خودداری کند. بنابراین، قوانین قوی و قابل اعتماد مالکیت فکری می‌تواند به عنوان یک عامل جذب‌کننده برای سرمایه‌گذاران عمل کند. در بسیاری از کشورها، سیستم‌های ثبت و حفاظت از اختراعات و علائم تجاری به طور خاص به گونه‌ای طراحی شده‌اند که حقوق مالکیت فکری را برای مدت‌زمانی مشخص، محافظت می‌کنند. این حفاظت به سرمایه‌گذاران این اطمینان را می‌دهد که از نوآوری‌های خود می‌توانند بهره‌برداری اقتصادی کنند و دیگران نمی‌توانند بدون مجوز از این نوآوری‌ها استفاده

کنند. این نوع حمایت‌ها می‌تواند به شکل ثبت اختراع، حقوق نسخه‌برداری، یا ثبت علائم تجاری و نام‌های تجاری باشد.

به‌علاوه، کشورها معمولاً با پیوستن به معاهدات بین‌المللی در زمینه مالکیت فکری، اعتبار خود را در سطح جهانی افزایش می‌دهند و از این طریق اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب می‌کنند. از جمله مهم‌ترین این معاهدات می‌توان به "کنوانسیون پاریس" و "توافق‌نامه تریپس" اشاره کرد. این معاهدات، معیارهای بین‌المللی را برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری تعیین می‌کنند و اطمینان می‌دهند که سرمایه‌گذاران خارجی از همان حقوق قانونی که در کشورهای خود دارند، در کشور میزبان نیز برخوردار خواهند بود. در نتیجه، این معاهدات نقش مهمی در تسهیل تجارت بین‌المللی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی ایفا می‌کنند. در این راستا، برخی کشورها برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی در بخش‌های فناوری و نوآوری، قوانین ویژه‌ای برای حمایت از مالکیت فکری تصویب می‌کنند. به‌عنوان مثال، برخی کشورها شرایط ویژه‌ای برای ثبت و حفاظت از حقوق مالکیت فکری در مناطق خاص یا نواحی اقتصادی ویژه ارائه می‌دهند. این مناطق معمولاً شامل حمایت‌های قانونی و تسهیلاتی برای حمایت از اختراعات و نوآوری‌ها هستند که سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با استفاده از آن‌ها به راحتی در این مناطق فعالیت کنند و حقوق مالکیت فکری خود را به طور مؤثری محافظت نمایند.

یکی دیگر از مهم‌ترین جنبه‌های قوانین مالکیت فکری، نظارت بر رعایت این حقوق است. کشورها باید سیستم‌های نظارتی و اجرایی کارآمدی برای شناسایی نقض حقوق مالکیت فکری و پیگیری موارد نقض داشته باشند. این شامل جلوگیری از کپی‌برداری غیرمجاز، استفاده از علائم تجاری مشابه یا نقض اختراعات ثبت شده می‌شود. به همین منظور، ایجاد دادگاه‌های ویژه یا نهادهای نظارتی برای رسیدگی به مسائل مالکیت فکری می‌تواند به سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان دهد که در صورت بروز مشکل، حقوق آن‌ها به طور مؤثر مورد حمایت قرار خواهد گرفت. در نهایت، قوانین مالکیت فکری برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، به‌عنوان ابزاری برای کاهش ریسک‌های تجاری و افزایش جذابیت بازار، می‌تواند تأثیر بسزایی در توسعه اقتصادی کشورها داشته باشند. با ایجاد اطمینان خاطر برای سرمایه‌گذاران خارجی در زمینه حفاظت از اختراعات، علائم تجاری و دیگر حقوق مالکیت فکری، کشورها می‌توانند جذب سرمایه و نوآوری را تسهیل کنند و به طور هم‌زمان به توسعه فناوری و ارتقاء رقابت‌پذیری اقتصادی خود پردازند.

منابع

الف. فارسی

کتاب و مقالات

۱. اسکینی، ربیعا، احمدوند، ولی‌الله، **بررسی تطبیقی ساختار حقوقی جوینت ونچر بین‌المللی**، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال نهم بهار و تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۲، ص ۱۸۱-۱۸۰.
۲. اسکینی، ربیعا، **حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری**، تهران، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷.
۳. امام، فرهاد، **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران**، تهران، انتشارات یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۴. امین ناصری، محمدرضا، نامدار زنگنه، سودابه، **بررسی و اندازه‌گیری نقش توانمندسازی سازمانی بر اثربخشی انتقال تکنولوژی در بنگاه‌های ایرانی**، نشریه علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، بهار ۱۳۸۷، شماره یک، صص ۱۴-۱.
۵. انتظاری، یعقوب، **کنترل بهینه نظام ملی نوآوری تکنولوژیک**، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، بهار ۱۳۷۵، شماره سیزده و چهارده، صص ۱-۲۲.
۶. پیران، حسین، **مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی**، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۷. جنیدی، لعیان، **اجرای آرای داورى بازرگانی خارجی**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۸. جنیدی، لعیان، **قانون حاکم در داورى‌های تجارى بین‌المللى**، تهران، نشر داد گستر، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۹. حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری**، تهران، انتشارات مؤسسه تیسسا ساغر مهر، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۰. حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری**، تهران، انتشارات مؤسسه تیسسا ساغر مهر، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۱. خزاعی، حسین، بدری اهری، رسول، **بررسی اجمالی مفهوم حقوقی J.V. در حقوق امریکا و حقوق بین‌المللی**، مجله حقوق دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، شماره ۱۳، ۱۳۶۹، صص. ۱۶۳-۵۱.

۱۲. خزاعی، حسین، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و اصل ۸۱ قانون اساسی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۶، شماره ۴ پیاپی، ۱۳۷۱، صص ۹۸-۱۱۵.
۱۳. رحمانی، تهمینه، راهنمای تنظیم قرارداد جوینت ونچر غیر شرکتی، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول ۱۳۹۱، صص ۳۴-۴۰.
۱۴. روزگاری آقبلاغ، خلیل، نیارورانی، صابر، آسیب‌شناسی سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری خارجی در نظام حقوقی ایران از منظر شخصیت حقوقی و تابعیت شرکت‌های سرمایه‌گذار، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۹، ۱۳۹۸، صص ۱۱۳-۱۳۴.
۱۵. زهتابچیان، محمد حسین، ناصری گیگلو، علی، انتقال تکنولوژی، سالنامه عصر مدیریت، بهار ۱۳۸۹، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۱۱۵-۱۱۰.
۱۶. ساسان نژاد، امیر هوشنگ، نمونه قراردادها، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. سالاری، مصطفی، رضایی‌زاده، محمدجواد، معیارها و شرایط عمومی قراردادهای جدید نفتی ایران از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۲۵، ۱۳۹۹، صص ۱۳۷-۱۱۷.
۱۸. شاپیرا، ژان، حقوق بین‌الملل بازرگانی، ربیعا اسکینی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۹. صفایی، حسین، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۰. طباطبائی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
۲۱. عرفانی، محمود، مشارکت تجاری بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۰، ۱۳۷۲، صص ۵۴-۸۴.
۲۲. علومی یزدی، حمیدرضا، چالش‌های حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲، صص ۶۵-۸۴.
۲۳. علیدوستی، ناصر، ظرفیت‌های اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۹ پیاپی، ۱۳۸۷، صص ۷۷-۹۸.

۲۴. عنایت، سید حسن، **تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران و مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر**، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۵، صص ۹۹-۱۹۴.

۲۵. غمامی، سید محمد مهدی، نصرالهی نصرآباد، علیرضا، **تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار برنامه‌ی اقدام مشترک با تأکید بر اصل حاکمیت قانون اساسی**، فصلنامه دانش حقوق عمومی، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره ۸ پیاپی، ۱۳۹۳، صص. ۸۹-۱۱۳.

۲۶. قامت، جعفر، **بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اثرات آن بر سرمایه‌گذاری خارجی**، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۸۰، ۱۳۹۰، صص. ۱۶۷-۲۰۶.

۲۷. کریمی، عباس، پرتو، حمیدرضا، **حقوق داوری داخلی**، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۷.

۲۸. کلايوم، اشتموف، **حقوق تجارت بین‌الملل**، بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۲۹. کلايوم، اشتموف، **حقوق تجارت بین‌الملل**، بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۳۰. ماندگار، مصطفی، **قراردادهای تجاری بین‌المللی انتقال فناوری**، تهران، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.

۳۱. میر عباسی، سید باقر، **مسئله قراردادهای بین‌المللی موضوع اصل ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۲، ۱۳۷۷، صص ۵۲-۲۵.

۳۲. نیکبخت، حمیدرضا، همتی کلوانی، احمد، **اصل ۱۳۹ قانون اساسی در پرتو رویه قضایی و داوری**، مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۳۰، ۱۳۹۹، صص. ۲۰۱-۲۳۰.

قوانین و مقررات

۱. آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱

۲. قانون اجازه تأسیس شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۸۱

۳. قانون اساسی

۴. قانون اصلاح موادی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

۵. قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳
۶. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱
۷. قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور مصوب ۱۳۹۰
۸. قانون مدنی
۹. قانون موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین مصوب ۱۳۸۳

ب. لاتین

۱. Abdul Wahab, S., Che Rose, R., Wati Osman, S.I. "Defining the Concepts of Technology and Technology Transfer: A Literature Analysis", International Business Research, Vol. 5, No 1, 2012, pp.61-71.
۲. Alkhazaleh, R., Mykoniatis, K., & Alahmer, A., "The Success of Technology Transfer in the Industry 4.0 Era: A Systematic Literature Review", Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity, 8(4), 2022, pp. 1-18. <https://doi.org/10.3390/joitmc8040202>
۳. Arthur, W. B., *The nature of technology: What it is and how it evolves*, Free Press, 2009.
۴. Asghari, M., and Rakhshanikiab, M. A., "Technology Transfer in Oil Industry, Significance and Challenges", Procedia - Social and Behavioral Sciences, vol.75, 2013, 264-271.
۵. Bennett, D., "Innovative Technology Transfer Framework Linked to Trade for UNIDO Action", UNIDO and the World Summit on Sustainable the World Development, United Nations Industrial Development Organization, Vienna, 2002.
۶. Blakeney, M., "Transfer of Technology and Developing Nations", Fordham International Law Journal, vol. 11, no. 4, 1987, pp.690-701.
۷. Chesnais, F., "Science, Technology and Competitiveness", OECD-STI Review, vol 1, 1986, pp.86-124.
۸. Chung, W., "Identifying Technology Transfer in Foreign Direct Investment: Influence of Industry Conditions and Investing Firm Motives", Journal of International Business Studies, 32 (2), 2001, 211-229.
۹. Dahlman, C. J., & Aubert, J. E., *China and the knowledge economy: Seizing the 21st century*, World Bank Publications, 2001.

١٠. Dunning, J. H., & De la Torre, S. M. M. P, *Innovation, technology and the economy*, Edward Elgar Publishing, 2004.
١١. Gopalakrishnan, S., Santoro, M. D., “Distinguishing Between Knowledge Transfer and Technology Transfer Activities: The Role of Key Organizational Factors”, *IEEE Transaction on Engineering Management*, vol. 51(1), 2004, pp.57-59.
١٢. Hill, Charles W. L., and Hult, G. Tomas M., *International Business: Competing in the Global Marketplace*.,12th edition, McGraw-Hill Education,2019.
١٣. Jackson, John H., *International Investment Law: A Critical Introduction*. Oxford: Oxford University Press, 2011.
١٤. Kalnins, H. J-R., Jarohnovich, N., "System Thinking Approach in Solving Problems of Technology Transfer Process", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, vol. 195, Elsevier, 2015, pp. 783-789.
١٥. Li-Hua, R., “Examining the Appropriateness and Effectiveness of Technology Transfer in China”, *Journal of Technology Transfer in China*, vol.1 (2), 2006, 208-223.
١٦. Nikièma, Suzy, *Performance Requirements in Investment Treaties*, International Institute for Sustainable Development, 2014.
١٧. Reisman, A., “Transfer of Technologies: A Cross-disciplinary Taxonomy”, *The International Journal of Management Science*, vol.33(3),2006, pp.189202.
١٨. Sayer, Stephen, *Negotiating International Joint Venture Agreements*, Sweet and Maxwell, London, 2004.
١٩. Sornarajah, M., *The International Law on Foreign Investment*, Cambridge University Press,5th Edition, 2021.
٢٠. Teece, D. J., "Enhanced Versus Lateral Technology Transfer: A Framework for Analysis." *Research Policy*, 35(4), pp. 507-524. DOI:10.1016/j.respol.2006.02.002.
٢١. Urata, S., & Baek, Y. “Technology spillover and absorptive capacity of firms and countries”, ADBI Working Paper Series No. 1323, Asian Development Bank Institute. <https://www.adb.org/publications/technology-spillover-and-absorptive-capacity-firms-and-countries>
٢٢. Watkins, William A. H., *Joint Ventures in International Business: A Comprehensive Guid*, McGraw-Hill, 1985.

୨୩. Zhoa, Z., Zhang, K. H., “Multinational corporations and technology transfer in developing countries evidence from china”, *Economic Integration and Economic Development*, vol.60(2), 2007, pp.249-264.
୨୪. Teece, D. J., "Enhanced Versus Lateral Technology Transfer: A Framework for Analysis." *Research Policy*,35(4), pp. 510-550.

نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۸۳۲۴۰

به تاریخ ۱۳۶۰/۱/۸

شورای محترم نگهبان

همان‌طور که استحضار دارند حسب اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر است "دادن اختیار تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است" و از طرفی به موجب ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها از تاریخ اجرای قانون مزبور به شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده خود به امور تجارتي و صنعتی و یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی در تهران به ثبت رسیده باشد، برخی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در رابطه با بهره‌گیری از متخصصین خارجی ناگزیر به انعقاد قرارداد با شرکت‌های خارجی می‌باشند و به همین لحاظ لازم است حسب ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها این شرکت‌ها شعب خود را در ایران به ثبت برسانند تا اولاً اقامتگاه قانونی آن‌ها معلوم و ثانیاً از نظر حقوق بین‌الملل بتوان در محلی که شعبه خود را به ثبت رسانده‌اند عنداللزوم علیه آن‌ها اقامه دعوی نمود و بدین ترتیب علی‌الاصول تعیین اقامتگاه قانونی و ثبت شرکت‌های طرف قرارداد با دولت ایران به منزله دادن امتیاز تأسیس شرکت نبوده بلکه ثبت شرکت در جهت انجام امور قانونی مربوط در حدود قرارداد منعقد خواهد بود. پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی با استناد به اصل هشتاد و یکم قانون اساسی از ثبت شرکت‌های خارجی امتناع می‌نماید که این امر برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که طرف قرارداد شرکت‌های خارجی می‌باشند مشکلاتی را به وجود آورده است و فعالیت برخی از این شرکت‌ها که طرف قرارداد با دولت ایران می‌باشند به لحاظ عدم ثبت آن‌ها در ایران تاکنون امکان‌پذیر نگردیده است. خواهشمند است با عنایت به اصل هشتاد و یکم قانون اساسی نظر شورای محترم نگهبان را در این مورد که آیا شرکت‌های خارجی طرف قرارداد با دستگاه‌های دولتی ایران که در کشور خود به ثبت رسیده و فعالیت دارند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد با دولت جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده و فعالیت نمایند یا خیر؟ اعلام فرمایند.

نخست‌وزیر _ محمدعلی رجائی

تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲

جناب آقای رجائی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۸۳۲۴۰ مورخ ۱۳۶۰/۱/۸: موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت. نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد؛ شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد طبق ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد.

دبیر شورای نگهبان _ لطف‌الله صافی

نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۸۵۱۱۴

تاریخ ۱۳۶۰/۸/۲

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه مقداری از طرح‌های پیشنهادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی در ارتباط با قراردادهایی است که یک طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارج است و تطابق و یا عدم تطابق مورد با اصل ۷۷ قانون اساسی که قراردادهای بین‌المللی را موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده مواجه با ابهام است لذا خواهشمند است دستور فرمایید موضوع با رعایت اصل ۹۹ قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته و نظر آن شورای محترم را در خصوص اینکه قراردادهای فوق‌الذکر از جمله قراردادهای بین‌المللی محسوب می‌گردند یا خیر اعلام نمایند.

احمد اشرف اسلامی _ معاون نخست‌وزیر در امور حقوقی و پارلمانی

شماره ۳۹۰۳ تاریخ ۱۳۶۰/۸/۷

عطف به نامه شماره ۸۵۱۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲: موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود. قراردادهایی که یک طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارجی است قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی ناست.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان _ حسین مهرپور

شماره ۵۸۱۱۰ تاریخ ۱۳۶۳/۸/۳

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه دستگاه‌های مختلف اجرایی در رابطه با اصل ۷۷ قانون اساسی دچار ابهاماتی هستند و همین امر موجبات رکود نسبی اقدامات این دستگاه‌ها را فراهم آورده، خواهشمند است نسبت به سؤال زیر که در نامه‌های شماره ۳۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۲/۱۷ و ۸۸۰۳۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۱ نیز آمده است نظر فرمایند:

آیا قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه، سازمان تابعه و یا شرکت دولتی ایران از یک طرف، با شرکت و مؤسسات دولتی خارجی از طرف دیگر منعقد می‌شود، قرارداد بین‌المللی محسوب و مشمول اصل فوق‌الذکر است؟ تسریع در اعلام نظر موجب امتنان خواهد بود.

شماره ۲۰۰۹ تاریخ ۱۳۶۳/۸/۱۶

عطف به نامه شماره ۵۸۱۱۰ مورخ ۱۳۶۳/۸/۳؛ موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح گردید و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌شود؛ اصل ۷۷ قانون اساسی باتوجه به اصل ۱۲۵ از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌های دولتی ایران و شرکت‌های خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می‌گردد منصرف است و موارد خاص این‌گونه قراردادها در صورتی که ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد. ولی قانون عادی می‌تواند انعقاد بخشی از این قراردادها را نیز به طور موردی موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی بنماید.

قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰

فصل اول - تعاریف

ماده ۱ - اصطلاحات و عبارات بکار برده شده در این قانون دارای معانی زیر است:

قانون - قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی.

سرمایه‌گذار خارجی - اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرایرانی و یا ایرانی با استفاده از سرمایه با منشاء خارجی که مجوز سرمایه‌گذاری موضوع ماده (۶) را اخذ نموده باشند.

سرمایه خارجی - انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیرنقدی که توسط سرمایه‌گذار خارجی به کشور وارد می‌شود و شامل موارد زیر می‌گردد:

الف - وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد، به کشور وارد شود،

ب - ماشین‌آلات و تجهیزات،

ج - ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی،

د - حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی،

هـ - سود سهام قابل انتقال سرمایه‌گذار خارجی،

و - سایر موارد مجاز با تصویب هیأت دولت.

سرمایه‌گذاری خارجی - به‌کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری.

مجوز سرمایه‌گذاری - مجوزی که برطبق ماده (۶) این قانون برای هر مورد سرمایه‌گذاری خارجی صادر می‌شود.

سازمان - سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران موضوع ماده (۵) قانون تشکیل وزارت امور اقتصادی و دارائی مصوب ۱۳۵۳، ۴، ۲۴.

هیئت - هیأت سرمایه‌گذاری خارجی موضوع ماده (۶) این قانون.

فصل دوم - شرایط عمومی پذیرش سرمایه خارجی

ماده ۲ - پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس این قانون و با رعایت سایر قوانین و مقررات جاری کشور می‌بایست به منظور عمران و آبادی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات بر اساس ضوابط زیر صورت پذیرد:

الف - موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش صادرات شود.

ب - موجب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط‌زیست، اختلال در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی نشود.

ج - متضمن اعطای امتیاز توسط دولت به سرمایه‌گذاران خارجی نباشد منظور از امتیاز، حقوق ویژه‌ای است که سرمایه‌گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار دهد.

د - سهم ارزش کالا و خدمات تولیدی حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی موضوع این قانون نسبت به ارزش کالا و خدمات عرضه شده در بازار داخلی در زمان صدور مجوز، در هر بخش اقتصادی از بیست و پنج درصد (۲۵٪) و در هر رشته، از سی و پنج درصد (۳۵٪) بیشتر نخواهد بود. تعیین رشته‌ها و میزان سرمایه‌گذاری در هر یک از آن‌ها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران برسد.

سرمایه‌گذاری خارجی جهت تولید کالا و خدمات برای صدور به خارج از کشور به جز نفت خام از این نسبت‌ها معاف است.

تبصره - قانون مربوط به تملک اموال غیرمنقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰،۳،۱۶ کماکان به قوت خود باقی است. تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه‌گذار خارجی در چارچوب این قانون مجاز ناست.

ماده ۳ - سرمایه‌گذاری‌های خارجی که بر اساس مفاد این قانون پذیرفته می‌شوند از تسهیلات و حمایت‌های این قانون برخوردارند. این سرمایه‌گذاری‌ها به دو طریق زیر قابل پذیرش هستند:

الف - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه‌هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز است.

ب - سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کلیه بخش‌ها در چارچوب روش‌های «مشارکت مدنی»، «بیع متقابل» و «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری» که برگشت سرمایه و منافع حاصله صرفاً از عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه‌گذاری ناشی شود و متکی به تضمین دولت یا بانک‌ها و یا شرکت‌های دولتی نباشد.

تبصره - مادام که سرمایه خارجی موضوع روش‌های «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری» مندرج در بند (ب) این ماده و سود مترتب بر آن مستهلک نشده است، اعمال حق مالکانه نسبت به سهم سرمایه باقی‌مانده در بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر توسط سرمایه‌گذار خارجی مجاز است.

ماده ۴ - سرمایه‌گذاری دولت یا دولت‌های خارجی در جمهوری اسلامی ایران حسب مورد منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است. سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های دولتی خارجی، خصوصی تلقی می‌گردد.

فصل سوم - مراجع ذی‌صلاح

ماده ۵ - سازمان، تنها نهاد رسمی تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور و رسیدگی به کلیه امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و درخواست‌های سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص امور مربوطه از جمله پذیرش، ورود، به‌کارگیری و خروج سرمایه می‌باید به آن سازمان تسلیم گردد.

ماده ۶ - به‌منظور رسیدگی و اخذ تصمیم در خصوص درخواست‌های موضوع ماده (۵)، هیئتی با نام هیأت سرمایه‌گذاری خارجی به ریاست معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی به‌عنوان رئیس کل سازمان و مرکب از معاون وزیر امور خارجه، معاون رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاون رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و حسب مورد، معاونین وزارتخانه‌های ذی‌ربط تشکیل می‌گردد.

در ارتباط با درخواست پذیرش، مجوز سرمایه‌گذاری پس از تصویب هیأت با تأیید و امضای وزیر امور اقتصادی و دارائی صادر می‌گردد. به هنگام پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی، هیأت موظف به رعایت ضوابط مندرج در ماده ۲ این قانون است.

تبصره - سازمان مکلف است درخواست‌های سرمایه‌گذاری را پس از بررسی مقدماتی حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ دریافت آن‌ها همراه با نظر خود در هیأت مطرح نماید. هیأت موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ مطرح‌شدن درخواست‌های مذکور به موضوع رسیدگی و تصمیم نهایی خود را کتباً اعلام نماید.

ماده ۷ - به منظور تسهیل و تسریع امور مربوط به پذیرش و فعالیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور، کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت کار و امور اجتماعی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران، اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی و سازمان حفاظت محیط‌زیست مکلف‌اند نسبت به معرفی یک نماینده تام‌الاختیار با امضای بالاترین مقام دستگاه به سازمان اقدام نمایند. نمایندگان معرفی شده به‌عنوان رابط و هماهنگ‌کننده کلیه امور مربوطه در آن دستگاه با سازمان شناخته می‌شوند.

فصل چهارم - تضمین و انتقال سرمایه خارجی

ماده ۸ - سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشمول این قانون از کلیه حقوق، حمایت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی موجود است به طور یکسان برخوردار می‌باشند.

ماده ۹ - سرمایه‌گذاری خارجی مورد سلب مالکیت و ملی‌شدن قرار نخواهد گرفت مگر برای منافع عمومی، به‌موجب فرایند قانونی، به روش غیر تبعیض‌آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت.

تبصره ۱ - تقاضای جبران خسارت وارده باید حداکثر در مدت یک سال پس از سلب مالکیت یا ملی‌شدن به هیأت تسلیم شود.

تبصره ۲ - اختلاف ناشی از سلب مالکیت یا ملی‌شدن بر اساس ماده (۱۹) این قانون حل و فصل خواهد شد.

ماده ۱۰ - واگذاری تمام یا بخشی از سرمایه خارجی به سرمایه‌گذار داخلی و یا با موافقت هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به سرمایه‌گذار خارجی دیگر مجاز است. در صورت انتقال به سرمایه‌گذار خارجی دیگر، انتقال‌گیرنده که باید حداقل دارای شرایط سرمایه‌گذار اولیه باشد، از نظر مقررات این قانون جایگزین و یا شریک سرمایه‌گذار قبلی خواهد بود.

فصل پنجم - مقررات پذیرش، ورود و خروج سرمایه خارجی

ماده ۱۱ - سرمایه خارجی می‌تواند به یک یا ترکیبی از صور زیر به کشور وارد و تحت پوشش این قانون قرار گیرد:

الف - وجوه نقدی که به ریال تبدیل می‌شود.

ب - وجوه نقدی که به ریال تبدیل نمی‌شود و مستقیماً برای خریدها و سفارشات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

ج - اقلام غیرنقدی پس از طی مراحل ارزیابی توسط مراجع ذیصلاح.

تبصره - ترتیبات مربوط به نحوه ارزیابی و ثبت سرمایه خارجی در آیین‌نامه اجرائی این قانون تعیین خواهد شد.

ماده ۱۲ - نرخ ارز مورد عمل به هنگام ورود یا خروج سرمایه خارجی و همچنین کلیه انتقالات ارزی در صورت تک‌نرخ بودن ارز همان نرخ رایج در شبکه رسمی کشور و در غیر این صورت نرخ آزاد روز به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ملاک خواهد بود.

ماده ۱۳ - اصل سرمایه خارجی و منافع آن یا آنچه که از اصل سرمایه در کشور باقی‌مانده باشد با دادن پیش‌آگهی سه‌ماهه به هیأت و بعد از انجام کلیه تعهدات و پرداخت کسورات قانونی و تصویب هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارائی قابل انتقال به خارج خواهد بود.

ماده ۱۴ - سود سرمایه‌گذاری خارجی پس از کسر مالیات و عوارض و اندوخته‌های قانونی با تصویب هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارائی قابل انتقال به خارج است.

ماده ۱۵ - پرداخت‌های مربوط به اقساط اصل تسهیلات مالی سرمایه‌گذاران خارجی و هزینه‌های مربوطه، قراردادهای حق اختراع، دانش فنی، کمک‌های فنی و مهندسی، اسامی و علائم تجاری، مدیریت و قراردادهای مشابه در چارچوب سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس مصوبات هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارائی، قابل انتقال به خارج است.

ماده ۱۶ - انتقالات موضوع مواد (۱۳)، (۱۴) و (۱۵) با رعایت مفاد بند (ب) ماده (۳) این قانون قابل انجام است.

ماده ۱۷ - تأمین ارز برای انتقالات موضوع مواد (۱۳)، (۱۴) و (۱۵) به روش‌های زیر میسر است:

الف - خرید ارز از نظام بانکی.

ب - از محل ارز حاصل از صدور محصولات تولیدی و یا ارز حاصل از ارائه خدمات بنگاه اقتصادی که سرمایه خارجی در آن به کار گرفته شده است.

ج - صادرات کالاهای مجاز طبق فهرستی که در اجرای این بند به تصویب هیأت وزیران با رعایت قوانین و مقررات مربوطه می‌رسد.

تبصره ۱ - به‌کارگیری یک یا ترکیبی از روش‌های فوق در مجوز سرمایه‌گذاری درج می‌گردد.

تبصره ۲ - در مورد سرمایه‌گذاری‌های موضوع بند (ب) ماده (۳) چنانچه وضع قوانین یا مصوبات دولت، موجب ممنوعیت یا توقف اجرای موافقت‌نامه‌های مالی، پذیرفته شده در چارچوب این قانون شود، زیان حاصل حداکثر تا سقف اقساط سررسید شده توسط دولت تأمین و پرداخت می‌گردد. حدود تعهدات قابل‌پذیرش، توسط هیأت وزیران در چارچوب این قانون به تصویب می‌رسد.

تبصره ۳ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است معادل ارزی وجوه قابل انتقال موضوع بند (الف) این ماده را با موافقت سازمان و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارائی تأمین و در اختیار سرمایه‌گذار خارجی قرار دهد.

تبصره ۴ - چنانچه مجوز سرمایه‌گذاری معطوف به بند (ب) و یا (ج) این ماده گردد، مجوز مذکور به منزله مجوز صادرات تلقی می‌گردد.

ماده ۱۸ - خروج آن بخش از سرمایه خارجی که در چارچوب مجوز سرمایه‌گذاری به کشور وارد شده اما به کار گرفته نشده باشد، از شمول کلیه قوانین و مقررات ارزی و صادرات و واردات مستثنی است.

فصل ششم - حل و فصل اختلافات

ماده ۱۹ - اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد در دادگاه‌های داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر آن که در

قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی، درمورد شیوه دیگری از حل‌وفصل اختلافات توافق شده باشد.

فصل هفتم - مقررات نهایی

ماده ۲۰ - دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مکلف‌اند در خصوص تعهدات متقابل در چارچوب صدور روادید، اجازه اقامت، صدور پروانه کار و اشتغال حسب مورد برای سرمایه‌گذاران، مدیران و کارشناسان خارجی برای بخش خصوصی مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشمول این قانون و بستگان درجه یک آن‌ها بر اساس درخواست سازمان اقدام نمایند.

تبصره - موارد اختلاف بین سازمان و دستگاه‌های اجرایی با نظر وزیر امور اقتصادی و دارایی حل‌وفصل می‌شود.

ماده ۲۱ - سازمان مکلف است امکان دسترسی همگانی را به کلیه اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران خارجی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، شرکای ایرانی موضوع فعالیت و سایر اطلاعاتی که در اختیار آن سازمان قرار دارد فراهم نماید.

ماده ۲۲ - کلیه وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و مؤسسات عمومی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است مکلف‌اند کلیه اطلاعات موردنیاز سرمایه‌گذاری خارجی و گزارش سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام شده را در اختیار سازمان قرار دهند تا این سازمان بر اساس ماده فوق عمل نماید.

ماده ۲۳ - وزیر امور اقتصادی و دارایی مکلف است هر شش ماه یک‌بار گزارش عملکرد سازمان در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی موضوع این قانون را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی ارسال نماید.

ماده ۲۴ - از تاریخ تصویب این قانون و آیین‌نامه اجرائی آن، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی - مصوب ۱۳۳۴، ۹، ۷ - و آیین‌نامه اجرائی آن لغو می‌گردد.

سرمایه‌های خارجی که قبلاً بر اساس قانون مزبور مورد پذیرش قرار گرفته‌اند تحت شمول این قانون قرار می‌گیرند. مفاد این قانون توسط قوانین و مقررات آتی در صورتی لغو یا تغییر می‌یابد که لغو یا تغییر این قانون در قوانین و مقررات مذکور تصریح شده باشد.

ماده ۲۵ - آیین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت دو ماه توسط وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر بیست و پنج ماده و یازده تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ نوزدهم اسفندماه یک هزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و صدر مواد (۱) و (۲)، بندهای (ج) و (د) ماده (۲)، بند (ب) ماده (۳) و تبصره (۲) ماده (۱۷) در جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۸۱، ۳، ۴ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

مهدی کروبی - رئیس مجلس شورای اسلامی

آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱

وزارت امور اقتصادی و دارایی هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱،۶،۲۴ بنا به پیشنهاد شماره ۲۹۷۷۸ مورخ ۱۳۸۱،۵،۲۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲۵) قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی - مصوب ۱۳۸۱-آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر تصویب نمود:

آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی

فصل اول - تعاریف

ماده ۱- کلیه اصطلاحات و عباراتی که در ماده (۱) قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی تعریف شده است در این آیین‌نامه نیز دارای همان معانی است. سایر اصطلاحات و عبارات به کار برده شده در این آیین‌نامه دارای معانی زیر است:

الف - آیین‌نامه: آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی.

ب - بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر: شرکت ایرانی جدید و یا موجود که سرمایه خارجی به یکی از روش‌های مندرج در قانون، در آن به‌کاررفته باشد.

ج - بخش غیردولتی: بخش‌های خصوصی، تعاونی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی.

د - مرکز: مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی که در اجرای ماده (۷) قانون در محل سازمان تشکیل می‌گردد. شبکه پولی رسمی کشور: نظام بانکی (بانک مرکزی و شبکه بانکی اعم از دولتی و غیردولتی) و مؤسسات و-مؤسسه حسابرسی: اعتباری غیربانکی که با مجوز بانک مرکزی به فعالیت‌های پولی و ارزی می‌پردازند. مؤسسه حسابرسی منتخبی که از میان مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، موضوع قانون «استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی» مصوب ۱۳۷۲ و سازمان حسابرسی، توسط سازمان انتخاب می‌شود.

فصل دوم - روش‌ها و ضوابط پذیرش

ماده ۲- سرمایه‌گذاری‌های خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون پذیرفته می‌شود، از تسهیلات و حمایت‌های مندرج در قانون برخوردار است. پذیرش این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها تابع شرایط

عمومیت‌پذیر سرمایه خارجی و مبتنی بر ارائه درخواست کتبی از سوی سرمایه‌گذار خارجی و رعایت ضوابط مقرر در این آیین‌نامه است.

ماده ۳- پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس قانون و ضوابط مندرج در این آیین‌نامه در چارچوب روش‌های زیر میسر است. جدول روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ویژگی‌ها و تسهیلات قابل ارائه در چارچوب قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و اعلام می‌گردد.

الف - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

ب - سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب ترتیبات قراردادی شامل انواع روش‌های «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری»، «بیع متقابل» و «مشارکت مدنی»

ماده ۴- روش‌های موضوع ماده (۳) این آیین‌نامه از حیث نحوه سرمایه‌گذاری و پوشش حمایتی قانون و آیین‌نامه دارای ویژگی‌ها و تسهیلات مشترک و یا خاص، به شرح زیر می‌باشند:

الف - ویژگی‌ها و تسهیلات مشترک:

۱ - سرمایه‌گذاران خارجی از رفتار یکسان با سرمایه‌گذاران داخلی برخوردارند.

۲ - ورود سرمایه نقدی و غیرنقدی خارجی صرفاً بر اساس مجوز سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد و به مجوز دیگری نیاز نیست.

۳ - حجم سرمایه‌گذاری خارجی در هر مورد تابع هیچ‌گونه محدودیتی نیست.

۴ - سرمایه خارجی در قبال ملی‌شدن و سلب مالکیت تضمین می‌شود و سرمایه‌گذار خارجی در این موارد حق دریافت غرامت را دارد.

۵ - انتقال اصل سرمایه، سود سرمایه و منافع حاصل از به‌کارگیری سرمایه به‌صورت ارز و حسب مورد به‌صورت کالا به ترتیب مندرج در مجوز سرمایه‌گذاری میسر است.

۶ - آزادی صادرات کالای تولیدی بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر تضمین شده و در صورت ممنوعیت صادرات، کالای تولیدی در داخل به فروش رسیده و حاصل آن به‌صورت ارز از طریق شبکه پولی رسمی کشور قابل انتقال به خارج است.

ب - ویژگی‌ها و تسهیلات خاص:

۱ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی:

۱-۱- سرمایه‌گذاری در کلیه زمینه‌های مجاز برای فعالیت بخش خصوصی امکان‌پذیر است.
۱-۲- محدودیتی از نظر درصد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد. ۲- سرمایه‌گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی:

۱-۲- جبران زیان سرمایه‌گذاری خارجی ناشی از ممنوعیت و یا توقف اجرای موافقت‌نامه مالی بر اثر وضع قانون و یا تصمیمات دولت حداکثر تا سقف اقساط سررسید شده توسط دولت تضمین می‌شود.

۲-۲- در روش‌های «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری» و «مشارکت مدنی»، خرید کالا و خدمات تولیدی طرح مورد سرمایه‌گذاری توسط دستگاه دولتی طرف قرارداد، در مواردی که دستگاه دولتی خریدار انحصاری و یا عرضه‌کننده کالا و خدمات تولیدی به قیمت یارانه‌ای باشد، در چارچوب مقررات قانونی تضمین می‌شود.
ماده ۵- اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی متقاضی سرمایه‌گذاری در کشور، به‌منظور برخورداری از تسهیلات و حمایت‌های قانون باید مستنداتی را که مؤید فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در خارج از کشور باشد، نیز ارائه دهند.

ماده ۶- سرمایه‌گذار خارجی که بدون برخورداری از پوشش قانون قبلاً در ایران سرمایه‌گذاری کرده است، می‌تواند با طی مراحل پذیرش، برای اصل سرمایه‌گذاری انجام شده از پوشش قانون برخوردار شود. پس از صدور مجوز سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار از کلیه مزایای قانون و از جمله امکان انتقال سود نیز برخوردار می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها کلاً سرمایه‌گذاری موجود تلقی شده و از ضوابط عمومی پذیرش سرمایه خارجی پیروی می‌کند.

ماده ۷- سرمایه‌گذاری خارجی در بنگاه‌های اقتصادی موجود از طریق خرید سهام و یا افزایش سرمایه و یا تلفیقی از آن‌ها با طی مراحل پذیرش از مزایای این قانون برخوردار می‌گردد، مشروط به این که سرمایه‌گذاری مزبور، ارزش افزوده ایجاد کند. ارزش افزوده جدید می‌تواند در نتیجه افزایش سرمایه در بنگاه اقتصادی و یا تحقق اهدافی از قبیل ارتقای مدیریت، توسعه صادرات و یا بهبود سطح فناوری در بنگاه اقتصادی موجود حاصل شود.

ماده ۸- هیأت به هنگام ارزیابی و صدور مجوز هر مورد پیشنهاد سرمایه‌گذاری خارجی، به ترتیب زیر نسبت‌های تعیین شده در بند "د" ماده (۲) قانون را بررسی و احراز می‌نماید.

الف - مشخصات طرح پیشنهادی شامل نوع و میزان تولید کالا و خدمات، زمان‌بندی اجرا و بهره‌برداری طرح و پیش‌بینی فروش داخلی یا صدور به خارج از کشور، در نمونه‌های درخواست سرمایه‌گذاری درج می‌گردد.

ب - آمارهای رسمی مراجع ذی‌صلاح در خصوص ارزش کالا و خدمات عرضه شده در بازار داخلی در زمان صدور مجوز، در بخش و رشته مربوط، توسط معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی اخذ می‌شود. مبنای تصمیمات هیأت آمارهایی است که تا پایان سه‌ماهه اول هر سال توسط معاونت مذکور به سازمان ارائه می‌گردد.

ج - تفکیک بخش‌ها و رشته‌های اقتصادی بر اساس فهرست منضم به این آیین‌نامه انجام می‌شود

د- میزان سرمایه‌گذاری در هر یک از بخش‌ها و رشته‌ها، با رعایت موارد مندرج در بندهای "الف"، "ب" و "ج" این ماده، با توجه به میزان ارزش کالا و خدمات عرضه شده در بازار داخلی و با رعایت معافیت محدودیت سرمایه‌گذاری برای صدور کالا و خدمات حاصله از سرمایه‌گذاری خارجی به خارج از کشور، توسط هیأت تعیین و در صورت تصویب طرح، مجوز سرمایه‌گذاری صادر می‌گردد.

تبصره - تغییرات در سهم ارزش کالاها و خدمات تولیدی حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی و یا تغییرات در ارزش کالاها و خدمات عرضه شده در بازار داخلی که در زمان صدور مجوز سرمایه‌گذاری ملاک تصمیم‌گیری هیأت قرار گرفته، بعد از صدور مجوز تأثیری در اعتبار مجوز سرمایه‌گذاری نخواهد داشت.

ماده ۹ - انتقال حقوق مالکانه به طرف ایرانی تعیین شده در قراردادهای "ساخت، بهره‌برداری و واگذاری" حسب توافق طرفین قرارداد، از طریق واگذاری تدریجی حقوق مالکانه در طول مدت قرارداد و یا واگذاری یک جای حقوق مکاتبه در پایان دوره قرارداد، عملی می‌شود.

ماده ۱۰- در قراردادهای "ساخت، بهره‌برداری و واگذاری"، واگذاری حقوق مالکانه سرمایه‌گذار خارجی به مؤسسه تأمین‌کننده منابع مالی طرح موضوع سرمایه‌گذاری، با تأیید هیأت قابل انجام است.

ماده ۱۱- درمورد آن دسته از طرح‌های سرمایه‌گذاری که یک دستگاه دولتی، خریدار انحصاری کالا و خدمات تولیدی است و همچنین در مواردی که کالا و خدمات تولیدی طرح مورد سرمایه‌گذاری به قیمت یارانه‌ای عرضه می‌شود، دستگاه دولتی می‌تواند خرید کالا و خدمات تولیدی را به میزان و قیمت تعیین شده در قرارداد مربوط در چارچوب مقررات قانونی تضمین نماید.

فصل سوم - نظام پذیرش

ماده ۱۲- سازمان ضمن انجام وظایف مربوط به پذیرش و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در چارچوب قانون، مسئولیت انجام و هدایت فعالیت‌های تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در داخل و خارج کشور و همچنین معرفی بسترهای قانونی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، انجام مطالعات و تحقیقات کاربردی، برگزاری همایش‌ها و سمینارها، همکاری‌های مشترک با مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط و ایجاد ارتباط و هماهنگی با سایر دستگاه‌ها در جمع‌آوری، تنظیم و ارائه اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی را بر عهده دارد.

ماده ۱۳- هیأت مسئولیت بررسی و اخذ تصمیم نسبت به کلیه درخواست‌های سرمایه‌گذاری اعم از درخواست‌های مربوط به پذیرش، ورود و به‌کارگیری سرمایه خارجی و خروج سرمایه و منافع حاصله را عهده‌دار است.

ماده ۱۴- اعضای ثابت هیأت، چهار نفر معاونین مشخص شده در ماده (۶) قانون می‌باشند و جلسات هیأت با حضور حداقل سه نفر از اعضای ثابت رسمیت‌یافته و تصمیمات با حداقل سه رأی موافق اتخاذ می‌گردد. معاونان سایر وزارتخانه‌های ذی‌ربط به دعوت رئیس هیأت با حق رأی در جلسات حضور خواهند یافت. در این موارد، تصمیمات با اکثریت آرا صورت می‌پذیرد.

ماده ۱۵- سرمایه‌گذاران، درخواست کتبی خود را به همراه مدارکی که در نمونه مربوط مشخص شده است به سازمان تسلیم می‌نمایند. سازمان پس از انجام بررسی‌های لازم و اخذ نظر وزارتخانه بخش ذی‌ربط، درخواست سرمایه‌گذاری را به همراه نظرات کارشناسی سازمان حداکثر ظرف مدت پانزده روز کاری در هیأت مطرح می‌نماید. عدم اعلام نظر وزارتخانه ذی‌ربط ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول استعلام، به منزله موافقت آن وزارتخانه با سرمایه‌گذاری مزبور تلقی می‌شود. بر اساس تصمیم متخذه که قبلاً نظر موافق سرمایه‌گذار خارجی نیز نسبت به آن اخذ شده است، مجوز سرمایه‌گذاری تنظیم و با تأیید و امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌گردد.

تبصره - مجوز سرمایه‌گذاری حاوی مشخصات سرمایه‌گذاران، نوع و نحوه سرمایه‌گذاری خارجی، چگونگی انتقال سود و منافع حاصل شده و سایر شرایط مربوط به تصویب هر طرح سرمایه‌گذاری، خواهد بود.

فصل چهارم - مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی

ماده ۱۶- به منظور تسهیل و تسریع در انجام وظایف قانونی سازمان در زمینه‌های تشویق، پذیرش و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در کشور، مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی در محل سازمان تشکیل و نمایندگان

دستگاه‌های ذی‌ربط در آن مستقر می‌گردند. این مرکز، کلبه مراجعات متقاضیان سرمایه‌گذاری خارجی به سازمان‌های ذی‌ربط خواهد بود.

ماده ۱۷- وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی کشور، گمرک جمهوری اسلامی ایران)، وزارت امور خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت صنایع و معادن، وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و سایر دستگاه‌های اجرایی که وزیر امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌نماید، نماینده تام‌الاختیار خود را با امضای بالاترین مقام اجرایی آن دستگاه به سازمان معرفی می‌نمایند. نمایندگان مزبور از نظر مقررات استخدامی جزو کارکنان دستگاه متبوع محسوب شده و برحسب نیاز و متناسب با حجم تقاضاهای سرمایه‌گذاری خارجی و مراجعه سرمایه‌گذاران، با اعلام سازمان در مرکز حاضر شده به‌نحوی که بتوانند بر طبق وظایف محوله در این

ماده پاسخگوی مراجعات باشند.

ماده ۱۸- نمایندگانی که ازطرف دستگاه‌های ذی‌ربط معرفی می‌شوند مجری کلبه امور اجرایی و خدماتی مربوط به آن دستگاه در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌باشند. دستگاه اجرایی ذی‌ربط مکلف است به‌منظور حسن انجام وظایفی که در اجرای قانون و این آیین‌نامه به نماینده محول گردیده است، وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات نماینده را به کلبه واحدهای زیرمجموعه خود ابلاغ نموده و هم‌زمان روند امور اجرایی مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه مسئولیت خود را به‌گونه‌ای بازبینی نماید که انجام وظایف نماینده در مرکز تسهیل گردد.

ماده ۱۹- دستگاه اجرایی ذی‌ربط، به‌منظور حفظ استمرار فعالیت‌های اجرایی و خدماتی خود در مرکز ترتیبی اتخاذ نماید تا علاوه بر نماینده معرفی شده، فرد دیگری با همان ویژگی‌ها به‌عنوان جانشین وی معرفی کند تا در غیاب نماینده آن دستگاه انجام وظیفه نماید. در صورت لزوم، دستگاه اجرایی می‌تواند حداکثر دو نفر را نیز در سطح کارشناس برای انجام امور اجرایی مربوط به آن دستگاه در مرکز مستقر سازد.

ماده ۲۰- وظایف مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- اطلاع‌رسانی و ارائه مشورت‌های لازم به سرمایه‌گذاران خارجی.

۲-انجام هماهنگی های لازم در امور مربوط به اخذ مجوزهای موردنیاز از جمله اعلامیه تأسیس، مجوز سازمان حفاظت محیط زیست، پروانه های انشعاب مربوط به آب، برق، گاز، تلفن، پروانه اکتشاف و استخراج معادن و غیره از دستگاه های ذی ربط قبل از صدور مجوز سرمایه گذاری.

۳-انجام هماهنگی های لازم در امور مربوط به صدور روادید، اجازه اقامت و صدور پروانه کار افراد مرتبط با سرمایه گذاری خارجی.

۴-انجام هماهنگی های لازم در امور مربوط به سرمایه گذاری های خارجی بعد از صدور مجوز سرمایه گذاری شامل ثبت شرکت مشترک، ثبت سفارش و امور مربوط به ورود و خروج سرمایه، مسائل گمرکی و مالیاتی و غیره.

۵-انجام هماهنگی های لازم توسط نمایندگان دستگاه ها بین واحدهای اجرایی دستگاه ذی ربط آنها در ارتباط با درخواست های سرمایه گذاری خارجی

۶-مراقبت در حسن اجرای تصمیماتی که در خصوص سرمایه گذاری های خارجی اتخاذ می گردد.

فصل پنجم - مقررات ورود، ارزشیابی و ثبت سرمایه خارجی

ماده ۲۱- ترتیبات مربوط به ورود، ارزشیابی و ثبت سرمایه خارجی اعم از نقدی و غیرنقدی به شرح زیر است: الف - سرمایه نقدی

۱ - وجوه نقدی ارزی موضوع بند "الف" ماده (۱۱) قانون که در یک دفعه یا به دفعات به قصد تبدیل به ریال به کشور وارد می شود، در تاریخ تبدیل به ریال، وفق گواهی بانک توسط سازمان به نام سرمایه گذار خارجی ثبت و تحت پوشش قانون قرار می گیرد. معادل ریالی ارز وارده به حساب بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر و یا حساب طرح موضوع سرمایه گذاری واریز می گردد

۲ - وجوه نقدی ارزی موضوع بند "ب" ماده (۱۱) قانون که در یک دفعه یا به دفعات به کشور وارد شده و به ریال تبدیل نمی شود، به حساب ارزی بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر و یا طرح موضوع سرمایه گذاری واریز می گردد. این وجوه در تاریخ واریز به نام سرمایه گذار خارجی ثبت و تحت پوشش قانون قرار می گیرد. وجوه یاد شده با نظارت و تأیید سازمان به مصرف خریدها و سفارشات خارجی مربوط به سرمایه گذاری خارجی می رسد.

تبصره - شبکه پولی رسمی کشور مکلف است در مورد حواله‌های ارزی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، مراتب را با ذکر نام حواله دهنده، مبلغ ارز، نوع ارز، تاریخ وصول، تاریخ تسعیر، نام بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر و در صورت تبدیل به ریال، معادل ریالی ارز وارده، مستقیماً به سازمان گواهی کند.

ب - سرمایه غیرنقدی خارجی شامل موارد مندرج در بندهای "ب"، "ج" و "د" ذیل تعریف سرمایه خارجی در ماده (۱) قانون است که مراحل ورود، ارزشیابی و ثبت آن‌ها به ترتیب زیر است:

۱- در مورد ارقام سرمایه‌ای غیرنقدی خارجی موضوع بندهای "ب" و "ج" فوق (شامل ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و قطعات یدکی، قطعات منفصله، مواد اولیه، افزودنی و کمکی) وزارت بازرگانی پس از اعلام موافقت سازمان با ورود ارقام سرمایه‌ای غیرنقدی خارجی، نسبت به ثبت سفارش آماری و اعلام مراتب به گمرک ذی‌ربط جهت ارزشیابی و ترخیص ارقام وارده اقدام می‌نماید. ارزشیابی گمرک در خصوص بهای ارقام وارده، به‌عنوان ارزشیابی قابل قبول تلقی شده و به درخواست سرمایه‌گذار، مبلغ ارزشیابی مندرج در پروانه ورودی به‌اضافه هزینه‌های حمل و نقل و بیمه، به نام سرمایه‌گذار خارجی ثبت و از تاریخ ترخیص تحت پوشش قانون قرار می‌گیرد. در صورت وجود اختلاف بین ارزشیابی گمرک و قیمت مندرج در فهرست تفصیلی مصوب هیأت، ارزشیابی گمرک ملاک ثبت سرمایه خارجی در سازمان و اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی قرار خواهد گرفت.

تبصره ۱- وزارت بازرگانی و سازمان مکلف‌اند ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه نسبت به تهیه نمونه ویژه‌ای برای ثبت سفارش آماری ارقام سرمایه‌ای غیرنقدی خارجی موضوع این بند اقدام و بر آن اساس عمل نمایند.

تبصره ۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است ارزشیابی بهای ماشین‌آلات و تجهیزات دست‌دوم مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به قیمت دست‌دوم انجام دهد.

تبصره ۳- چنانچه مشخص شود که سرمایه خارجی غیرنقدی وارده به کشور ناقص، معیوب، غیرقابل استفاده و یا با مشخصات اظهار شده در فهرست تأیید شده توسط هیأت منطبق ناست، موضوع در هیأت مطرح و ارزش آن قسمت از کالای وارده که مورد تأیید هیأت قرار نگیرد، از حساب سرمایه وارده کسر خواهد شد.

۲- در مورد ارقام سرمایه‌ای موضوع بند "د" ماده (۱) قانون (شامل حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی) سازمان پس از انجام بررسی‌های لازم، گزارش مربوط به ایفای تعهدات قراردادی موضوع قراردادهای فن آوری و خدمات را در هیأت مطرح می‌نماید و وجوه تأیید شده در چارچوب

دستورالعملی که هیأت تهیه و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رساند، توسط هیأت به‌عنوان سرمایه خارجی ثبت و تحت پوشش قرار می‌گیرد.

فصل ششم - مقررات خروج سرمایه و عایدات سرمایه‌ای

ماده ۲۲- کلیه درخواست‌هایی که منجر به انتقال سرمایه، سود، و عایدات ناشی از افزایش ارزش سرمایه موضوع قانون می‌گردد، باید مستند به گزارش مؤسسه حسابرسی عضو جامعه حسابسان رسمی ایران باشد. این‌گونه انتقالات پس از کسر کلیه کسورات قانونی به میزانی که مؤسسه حسابرسی یادشده تأیید می‌کند، میسر است.

ماده ۲۳- انتقال اصل، سود و عایدات ناشی از افزایش ارزش سرمایه موضوع سرمایه‌گذاری‌های بند "الف" ماده (۳) قانون به‌صورت ارز و یا به درخواست سرمایه‌گذار خارجی، از طریق صدور کالای مجاز صورت می‌پذیرد. خروج سرمایه و منافع مربوط به سرمایه‌گذاری‌های موضوع بند "ب" ماده (۳) قانون از طریق ارز حاصل از صادرات محصولات تولیدی و یا ارز حاصل از ارائه خدمات بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر و یا صادرات سایر کالاهای مجاز انجام می‌پذیرد. هیأت بر اساس گزارش مؤسسه حسابرسی پیرامون آخرین وضعیت اصل سرمایه، میزان سود سرمایه و عایدات سرمایه‌ای متعلق به سرمایه‌گذار خارجی، مجوز خروج وجوه مربوط در هر مورد را صادر می‌کند.

تبصره - در مورد سرمایه‌گذاری‌های موضوع بند "ب" ماده (۳) قانون، چنانچه در نتیجه عدم امکان صادرات، به نظر هیأت تأمین ارز برای انتقالات موردنظر، میسر و ضروری تشخیص داده شود، ارز موردنیاز از طریق نظام بانکی تأمین می‌گردد.

ماده ۲۴- چنانچه مجوز سرمایه‌گذاری معطوف به بند "ب" و یا "ج" ماده (۱۷) قانون گردد، مجوز مذکور در حکم مجوز صادرات است و بنگاه سرمایه‌پذیر می‌تواند ارز حاصل از صادرات خود را در یک حساب امانی نزدیکی از بانک‌های داخلی و یا خارجی واریز نموده و در حد مصارفی که در مجوز سرمایه‌گذاری تعیین شده است، مستقیماً از آن برداشت و به سرمایه‌گذار خارجی پرداخت نماید. هرگونه مازاد ارز نسبت به مصارف قابل‌برداشت، مشمول مقررات ارزی کشور است. در هر صورت بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر مکلف است پس از پرداخت وجوه مربوط ضمن ارائه گواهی انجام صادرات، مراتب را کتباً به اطلاع سازمان برساند.

ماده ۲۵ - ارز حاصل از صادرات سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حدود مصارف تعیین شده از سوی هیأت، از شمول هرگونه مقررات محدود کنند صادرات و مقررات ارزی ازجمله سپردن تعهد برای بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور بر اساس مقررات دولتی موجود و یا آنچه در آینده جاری می‌گردد، معاف است.

ماده ۲۶ - در صورت وجود محدودیت قانونی و یا اعمال شده از سوی دولت که در نتیجه آن بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌پذیر نتوانند تولیدات خود را صادر نمایند، مادام که محدودیت قانونی و یا تصمیم دولت برای عدم انجام صادرات جاری است، بنگاه‌های مزبور اجازه دارند تولیدات خود را در بازار داخلی به فروش رسانده و در مقابل تأمین معادل ریالی مصارف ارزی مندرج در مجوز سرمایه‌گذاری، ارز موردنظر را از نظام بانکی خریداری و منتقل نموده و یا مبادرت به صدور کالاهای مجاز نمایند.

ماده ۲۷ - وجوه قابل انتقال موضوع قانون پس از تأیید هیأت توسط سرمایه‌گذار خارجی از سیستم بانکی خریداری و حواله می‌شود و بدین منظور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارز لازم را در اختیار نظام بانکی قرار خواهد داد.

ماده ۲۸ - هرگاه سرمایه‌گذار خارجی وجوه قابل انتقال را ظرف مدت شش ماه از تاریخ خاتمه انجام تشریفات اداری مربوط، به خارج انتقال ندهد، وجوه مزبور از شمول قانون خارج می‌گردد. استمرار شمول قانون بر وجوه مزبور با تأیید هیأت امکان‌پذیر است.

ماده ۲۹ - سرمایه‌گذار خارجی در صورت تمایل می‌تواند تمام یا قسمتی از مبالغ قابل انتقال ناشی از مواد (۱۳)، (۱۴) و (۱۵) قانون را با اجازه هیأت به افزایش سرمایه‌گذاری خود در همان بنگاه اختصاص دهد و یا پس از طی تشریفات قانونی برای اخذ مجوز سرمایه‌گذاری، صرف سرمایه‌گذاری جدید بنماید.

ماده ۳۰ - دولت با رعایت اصل (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین حدود تعهدات قابل پذیرش موضوع تبصره (۲) ماده (۱۷) قانون را به وزیران عضو شورای عالی سرمایه‌گذاری تفویض می‌نماید. هیأت مجاز است میزان خسارت حاصل از ممنوعیت و یا توقف اجرای موافقت‌نامه‌های مالی مربوط را تا سقف تعهدات حال شده در محدوده تعهدات قابل پذیرش از سوی شورای عالی سرمایه‌گذاری که در مجوز سرمایه‌گذاری قید گردیده است، تعیین نماید. ملاک تصمیم‌گیری در خصوص اختیار موضوع این ماده، موافقت اکثریت وزیران عضو شورای یاد شده است. تصمیمات متخذه در صورت تأیید رییس جمهور با رعایت ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی هیأت دولت قابل صدور است.

ماده ۳۱- هرگاه سرمایه‌گذار خارجی، سرمایه‌گذاری خود در ایران را بیمه نماید و به‌موجب مفاد بیمه‌نامه، به‌واسطه پرداختی که بابت خسارت ناشی از خطرات غیرتجاری به سرمایه‌گذار صورت گرفته، مؤسسه بیمه جانشین سرمایه‌گذار شود، جانشین از همان حقوقی برخوردار است که به واسطه آن پرداخت خسارت صورت گرفته‌است. این جانشینی واگذاری سرمایه محسوب نخواهد شد مگر اینکه حسب مورد، مواد (۴) و (۱۰) قانون‌رعایت شده باشد.

فصل هفتم - مقررات عمومی

ماده ۳۲ - سرمایه‌گذار خارجی مکلف است از تاریخ ابلاغ مجوز سرمایه‌گذاری طی مدت مشخصی که به اقتضای شرایط طرح مورد سرمایه‌گذاری توسط هیأت تعیین می‌گردد، مبادرت به ورود بخشی از سرمایه خود به کشور که حاکی از عزم سرمایه‌گذار به اجرای طرح است، بنماید. در صورتی که سرمایه‌گذار در طی مدت مشخص شده مبادرت به ورود بخشی از سرمایه به کشور ننماید و یا با ارائه دلایل قانع‌کننده نسبت به تمدید مدت اقدام نکند، مجوز سرمایه‌گذاری وی باطل شده تلقی خواهد شد.

ماده ۳۳- سرمایه‌گذار خارجی موظف است هرگونه تغییر در نام، شکل حقوقی، تابعیت و تغییرات بیش از سی درصد (۳۰٪) در مالکیت خود را به اطلاع هیأت برساند.

ماده ۳۴- در مواردی که انجام سرمایه‌گذاری خارجی منجر به تشکیل شرکت ایرانی گردد، تملک زمین به نام شرکت متناسب با طرح سرمایه‌گذاری به تشخیص سازمان مجاز است.

ماده ۳۵- دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط از جمله وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت کار و امور اجتماعی و نیروی انتظامی، مکلف‌اند در خصوص صدور روادید، اجازه اقامت، صدور پروانه کار برای سرمایه‌گذاران، مدیران، کارشناسان خارجی و بستگان درجه یک آن‌ها در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌های مشمول قانون، بر اساس درخواست سازمان اقدام نمایند. وزارت امور خارجه مکلف است در خصوص روادید ورود حسب مورد به شرح زیر اقدام نماید:

الف - وزارت امور خارجه با تأیید سازمان مجوز صدور روادید کثیرالمسافره سه‌ساله، با حق ورود و اقامت سه‌ماهه، در هر بار برای هر فرد را به نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ابلاغ نماید.

ب - افراد معرفی شده پس از ورود به کشور می‌توانند با مراجعه به اداره گذرنامه و روادید وزارت امور خارجه و ارائه تأییدیه سازمان، اجازه اقامت خود را به مدت یک سال

تمدید نمایند. تمدید اقامت به صورت درج مهر کثیرالمسافره با اعتبار یک ساله صورت می پذیرد تا فرد موظف به اخذ روادید رفت و برگشت نشود.

ماده ۳۶- مسئولیت سازمان در قبال انتشار عمومی اطلاعات موضوع ماده (۲۱) قانون، در حدود اطلاعاتی است که در عرف تجاری قابل انتشار باشد. تشخیص قابل انتشار بودن اطلاعات به عهده هیأت است.

ماده ۳۷ - سازمان و هیأت مجازند برای انجام وظایف و تکالیف مقرر در قانون و این آیین نامه حسب مورد از خدمات تخصصی حرفه ای و مشاوره ای مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و سایر مؤسسات خصوصی و تعاونی واجد شرایط استفاده نماید.

ماده ۳۸- کلیه مقررات مذکور در تصویب نامه های هیأت وزیران در مورد سرمایه گذاری خارجی که مغایر با مفاد این آیین نامه است، از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه لغو می گردد.

محمد رضا عارف - معاون اول رئیس جمهور

قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰

ماده اول - هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.

ماده دوم - کلیه شرکت‌های ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی - ضمانتی - مختلط - تعاونی) که در تاریخ اجرا این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده‌اند باید تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند و الا به تقاضای مدعی‌العموم بدایت محلی که ثبت باید در آن جا به عمل آید محکمه مدیران آن‌ها را به یک صد الی هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی‌العموم حکم انحلال شرکت مختلف نیز صادر خواهد شد. در صورتی که مدت فوق برای تطبیق تشکیلات با قانون تجارت و تقاضای ثبت کافی نباشد رئیس محکمه ابتدایی محل به تقاضای شرکت تا سه ماه مهلت اضافی خواهد داد.

جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۹ هیات وزیران به سی (۳۰.۰۰۰,۰۰۰) تا شصت (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیون ریال تعدیل شد.

ماده سوم - از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجارتي یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.

ماده چهارم - هر شرکت خارجی که در تاریخ اجرا این قانون در ایران به وسیله شعبه یا نماینده مشغول به امور تجارتي یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف چهار ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید در صورتی که این

مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به اداره ثبت کافی نباشد رئیس محکمه ابتدایی تهران به تقاضای نماینده شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد.

ماده پنجم - اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت های خارجی در ایران اقدام به امور تجارتي یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضای موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدایی تهران محکوم به جزای نقدی از پنجاه تومان تا هزار تومان خواهند شد و به علاوه محکمه برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم متخلف را به تأدیه پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود.

جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۹ هیات وزیران در بخش اول به بیست و پنج (۲۵,۰۰۰,۰۰۰) تا شصت (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیون ریال و در بخش دوم به دو (۲,۰۰۰,۰۰۰) تا بیست (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیون ریال تعدیل شد.

ماده ششم - در مورد شرکت های خارجی که شرایط عملیات آنها به موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد شد؛ ولی جزای نقدی برای هر روز تأخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یک صد تومان است.

جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۹ هیات وزیران به پنج (۱۵,۰۰۰,۰۰۰) تا شصت (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیون ریال تعدیل شد.

ماده هفتم - تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند.

ماده هشتم - شرکت های بیمه اعم از ایرانی و خارجی تابع نظام نامه هایی خواهند بود که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود. قبول تقاضای ثبت شرکت های فوق و شرایط راجعه به ادامه عملیات آنها منوط به رعایت مقررات نظام نامه های مزبور خواهد بود.

ماده نهم - برای اجرا این قانون از طرف وزارت عدلیه نظام‌نامه‌های لازمه تنظیم خواهد شد در نظام‌نامه‌های مزبور باید راجع به مسائل ذیل صریحاً تعیین تکلیف شود:

۱- اشخاصی که باید اظهارنامه ثبت بدهند.

۲- نکاتی که باید در اظهارنامه قید شود.

۳- اوراق و مدارکی که عین یا ترجمه مصدق آن‌ها باید ضمیمه اظهارنامه شود.

۴- نکاتی که در صورت تغییر باید مجدداً به ثبت برسد.

۵- طرز ثبت شعب یا نمایندگان جدید.

۶- اعلاناتی که پس از ثبت باید به وسیله اداره ثبت اسناد به خرج شرکت به عمل آید.

۷- تعرفه راجع به ترجمه و تصدیق صحت ترجمه.

ماده ۱۰ (اصلاحی ۳۰/۱۲/۱۳۶۲ و ۲۸/۱۲/۱۳۷۳) - حقوق ثبتی برای ثبت شرکت‌ها و مؤسسات اعم از ایرانی و خارجی مطابق تعرفه زیر تعیین می‌شود:

الف - برای ثبت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری از مأخذ کل سرمایه بدین قرار:

۱ - تا دو میلیون ریال از کل سرمایه برای هر ده‌هزار ریال آن هفتاد و پنج ریال که در هر صورت از ۵۰۰ ریال کمتر نخواهد بود.

۲ - تا چهار میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد دو میلیون ریال هر ده‌هزار ریال چهل و پنج ریال.

۳ - تا هفت میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد چهار میلیون ریال هر ده‌هزار ریال سی ریال.

۴ - تا ده میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد هفت میلیون ریال هر ده‌هزار ریال پانزده ریال.

۵ - تا یک‌صد میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد ده میلیون ریال هر ده‌هزار ریال ده ریال.

۶ - از یک‌صد میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال مقطوعاً یک‌صد و هشتاد هزار ریال.

۷ - از پانصد میلیون ریال به بالا مقطوعاً دویست هزار ریال.

تبصره ۱ (الحاقی ۲۸/۸/۱۳۴۶) - در مورد تغییراتی که باید به ثبت برسد حقوق ثبتی هر دفعه تغییر یک هزار ریال است به استثناء تغییر مربوط به ازدیاد سرمایه که حقوق ثبتی هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای مقرر در این بند خواهد بود.

تبصره ۲ (الحاقی ۲۸/۸/۱۳۴۶) - قانون حق‌الثبت شرکتهای بیمه مصوب ۱۳۱۰/۹/۹ به قوت خود باقی خواهد بود.

تبصره ۳ (الحاقی ۲۸/۸/۱۳۴۶) - در مورد ثبت شرکتهای خارجی ماده ۱۵ آیین‌نامه قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب ۱۸ مهرماه ۱۳۳۵ رعایت خواهد شد.

ب (اصلاحی ۳۰/۱۲/۱۳۶۲) - حق‌الثبت مؤسسات غیرتجاری که بدون سرمایه می‌باشند شش هزار ریال و حقوق ثبتی مؤسسات غیرتجاری با سرمایه از این قرار است:

۱- حق‌الثبت مؤسسات غیرتجاری تا دو میلیون ریال سرمایه، مقطوعاً ۷۵۰۰ ریال.

۲- حق‌الثبت مؤسسات غیرتجاری از دو میلیون و یک ریال تا ده میلیون ریال سرمایه مقطوعاً ۱۱۲۵۰ ریال.

۳- حق‌الثبت مؤسسات غیرتجاری از ده میلیون و یک ریال سرمایه تا یکصد میلیون ریال سرمایه مقطوعاً پانزده هزار ریال. ۴- حق‌الثبت مؤسسات غیرتجاری از یکصد میلیون و یک ریال سرمایه به بالا مقطوعاً سی هزار ریال.

۵- حق‌الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازاء هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای فوق‌الذکر و حق‌الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر «به‌استثنای تغییر سرمایه» هزار و پانصد ریال است.

تبصره ۴ (اصلاحی ۳۰/۱۲/۱۳۶۲ و ۲۸/۱۲/۱۳۷۳) - در مورد تغییراتی که باید به ثبت برسد در مؤسسات غیرتجاری به غیر از افزایش سرمایه که تابع ترتیب مذکور در این بند خواهد بود حقوق ثبتی هر دفعه تغییر هفتصد و پنجاه ریال است.

پ (اصلاحی ۲۲/۸/۱۳۵۲) - شرکتهای تعاونی روستایی و سایر شرکتهای تعاونی که اساسنامه آنها طبق مقررات به تصویب رسیده باشد و همچنین سازمان تعاون و مصرف کادر نیروهای مسلح و واحدهای اقتصادی

تابع آن و شرکت‌های دولتی توسعه کشاورزی و شرکت‌های دولتی کشت و صنعت از پرداخت حقوق ثبتی معاف می‌باشند.

ت - حقوق ثبتی هر شعبه و تغییرات آن حسب مورد مطابق بندهای مقرر در این ماده خواهد بود.

ث - از تاریخ اجرای این قانون هیچ‌گونه حقوق دیگری اعم از عمومی و اختصاصی برای ثبت شرکت‌ها و مؤسسات مندرج در این قانون دریافت نخواهد شد و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود.

ماده یازدهم - نماینده هر شرکت خارجی یا مدیر شعبه آن که بر خلاف ماده ۳ قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجارتي یا صنعتی یا مالی نماید مطابق ماده ۵ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهد شد. در مورد شرکت‌های داخلی که پس از تاریخ اجرای این قانون تشکیل می‌شوند کسانی که مکلف به تقاضای ثبت شرکت بوده و در موعد قانونی به تکلیف خود عمل نکنند مطابق ماده ۲ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهند شد.

ماده دوازدهم - مواد ۶۶ و ۱۴۱ قانون تجارت ۱ و ماده ۲۴۱ قانون ثبت ۲ اسناد نسخ و این قانون از ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران

- ماده - ۱ - در این تصویب‌نامه واژه‌های زیر به‌جای عبارت‌های مشروح مربوط به کار می‌رود:
- بند - ۱ - سرزمین اصلی: کشور جمهوری اسلامی ایران به‌استثنای مناطق آزاد تجاری - صنعتی.
- بند - ۲ - سازمان: سازمان هر یک از مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران.
- بند - ۳ - منطقه: هر یک از مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران.
- بند - ۴ - سرمایه‌گذاری: به‌کارگیری سرمایه در اشکال مختلف در هر یک از فعالیت‌های اقتصادی به‌منظور تولید کالا و یا خدمت.
- بند - ۵ - سرمایه خارجی: کلیه سرمایه‌های موضوع ماده (۳) این مقررات (به‌استثنای وجوه ریالی) به‌توسط سرمایه‌گذار خارجی به مناطق وارد شود.
- بند - ۶ - سود ویژه: مازاد درآمد تحقق‌یافته یک بنگاه بر هزینه‌های واقع شده در یک دوره مالی که از فعالیت‌هایی که به قصد انتفاع صورت‌گرفته است ناشی و طبق اصول پذیرفته شده حسابداری شناسایی و اندازه‌گیری شود.
- ماده - ۲ - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و مؤسسات اعم از ایرانی و خارجی و سازمان‌های بین‌المللی طبق این مقررات می‌توانند مستقلاً و یا با مشارکت سازمان و شرکت‌های تابع آن یا با مشارکت یکدیگر در مناطق آزاد سرمایه‌گذاری نمایند و سرمایه پذیرفته شده آنان مشمول این مقررات می‌شود.
- ماده - ۳ - سرمایه از لحاظ این مقررات عبارت است از:
- بند - الف - وجوه ریالی و ارزهای قابل تبدیل در مناطق (هر منطقه)
- بند - ب - ماشین‌آلات، تجهیزات، لوازم و ابزار کار.
- بند - ج - حقوق مالکیت صنعتی شامل حقوق اختراع، دانش فنی و علائم و نام‌های تجاری.
- بند - د - وسایل حمل‌ونقل زمینی، هوایی و آبی مربوط به موضوع سرمایه‌گذاری.
- بند - ه - تمام یا قسمتی از سود ویژه قابل انتقال که در مناطق آزاد حاصل و به سرمایه اصلی اضافه شده یا در فعالیت مجاز دیگری که مشمول این مقررات باشد به کار انداخته شود.

تبصره - - - در موارد خاص قبول مورد اولیه و قطعات نیمه‌ساخته به تشخیص مناطق به‌عنوان بخشی از سرمایه خارجی امکانپذیر است.

ماده - ۴ - سرمایه‌ها تحت شرایط زیر پذیرفته شده و مشمول این مقررات خواهند بود:

بند - الف - در فعالیت‌های مجاز در هر منطقه به کار برده شود.

بند - ب - مراحل کامل اخذ مجوز سرمایه‌گذاری و ثبت سرمایه موضوع مواد ۶ و ۷ را طی کند.

بند - ج - مستلزم اعطای امتیاز حقوق انحصاری به سرمایه‌گذار توسط سازمان نباشد

ماده - ۵ - سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی منطقه به هر نسبتی مشارکت نمایند.

ماده - ۶ - سرمایه‌گذاران موضوع ماده (۲) این مقررات که می‌خواهند سرمایه خود را به هر یک از مناطق آزاد وارد کنند باید درخواست خود را به همراه پرسش‌نامه‌ای که توسط دبیرخانه و سازمان‌های مناطق تهیه و در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت به سازمان هر منطقه تسلیم نمایند. درخواست‌های واصله در هر منطقه توسط سازمان همان منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد و مجوز سرمایه‌گذاری توسط سازمان همان منطقه صادر می‌شود.

تبصره - ۱ - هرگونه تغییر در مشخصات درج شده در پرسش‌نامه و مجوز سرمایه‌گذاری با اطلاع سازمان و حسب تشخیص، با موافقت سازمان هر منطقه صورت می‌گیرد.

تبصره - ۲ - بهره‌برداری از فعالیت موضوع مجوز سرمایه‌گذاری منوط به صدور مجوز بهره‌برداری توسط سازمان است.

ماده - ۷ - دارنده مجوز سرمایه‌گذاری موظف است ظرف مدتی که در مجوز سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود درصد معینی از سرمایه را برای شروع عملیات اجرایی موضوع مجوز سرمایه‌گذاری به منطقه وارد نماید.

ماده - ۸ - ورود ثبت سرمایه در مناطق آزاد به ترتیب زیر صورت می‌گیرد:

بند - ۱ - سرمایه‌های موضوع بند (الف) ماده (۳) این مقررات به حساب واحد مورد سرمایه‌گذاری نزد بانک‌ها (مؤسسات اعتباری مجاز) واریز می‌گردد با احتساب معادل ریالی یا ارزی حسب مورد در تاریخ واریز طبق گواهی بانک (موسسه اعتباری مجاز) به‌عنوان سرمایه سرمایه‌گذار در دفاتر سازمان هر منطقه ثبت می‌شود.

بند - ۲ - سرمایه‌های موضوع بندهای (ب) و (د) ماده (۳) این مقررات در حدود مندرج در مجوز سرمایه‌گذاری بر اساس ارزش سیف آن‌ها به‌موجب اسناد و صورت‌حساب‌های مربوط پس از رسیدگی توسط سازمان هر منطقه مجموعاً به یکی از ارزش‌های قابل‌تبدیل، در تاریخ ترخیص تعیین و ضمن ثبت ارزش ارزی، معادل ریالی آن به نرخ روز بازار ارز منطقه، از همان تاریخ به‌عنوان سرمایه سرمایه‌گذار در دفاتر سازمان هر منطقه ثبت می‌شود.

بند - ۳ - سرمایه‌های موضوع بند (ج) ماده (۳) این مقررات بساز تأیید ارزش آن‌ها توسط سازمان هر منطقه قابل ثبت به‌عنوان سرمایه در دفاتر هر سازمان است. چگونگی زمان‌بندی اختصاص ارزش دانش فنی به حساب سرمایه به‌موازات انتقال دانش فنی صورت می‌گیرد.

بند - ۴ - سرمایه‌های موضوع بند (ه) ماده (۳) این مقررات پس از تأیید موسسه حسابرسی مورد وثوق سازمان هر منطقه به ترتیب زیر به‌عنوان سرمایه سرمایه‌گذار، در دفاتر سازمان هر منطقه ثبت می‌شود.

بند - الف - با هدف افزایش سرمایه به‌منظور توسعه سرمایه‌گذاری در همان واحد، پس از کسب موافقت سازمان هر منطقه.

بند - ب - به هدف افزایش سرمایه برای سایر موارد در همان واحد، با اطلاع سازمان هر منطقه.

بند - ج - با هدف سرمایه‌گذاری در فعالی دیگری غیر از فعالیتی که برای آن مجوز صادر شده است، پس از طی مراحل موضوع ماده (۶) این مقررات.

بند - ۵ - هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه غیرنقدی وارده طبق تشخیص سازمان ناقص، معیوب و یا غیرقابل استفاده باشد و یا با مشخصات اظهار شده در تقاضا منطبق نباشد و یا بیش از ارزش واقعی آن اظهار شده باشد، آن قسمت از بها که مورد تأیید سازمان قرار نگرفته است در حساب سرمایه منظور نمی‌شود.

بند - ۶ - چنانچه کالاهای سرمایه‌ای مصوب بندهای (ب) و (د) ماده (۳) این مقررات که متعلق به سرمایه‌گذاران خارجی بوده و قبلاً در سرزمین اصلی به کار انداخته شده است با اخذ مجوز از مراجع ذی‌ربط در سرزمین اصلی به مناطق انتقال یابند، انتقال این کالاها از موارد نقل و انتقال سرمایه داخلی محسوب می‌شود و تابع ضوابط این تصویب‌نامه خواهد بود.

ماده - ۹ - سرمایه‌گذار می‌تواند سرمایه‌ای را که به منطقه وارد می‌کند، بیمه نماید. در صورتی که به دلیل وقوع حادثه، موسسه بیمه مزبور طبق مقررات بیمه‌نامه جانشین سرمایه‌گذار شود، این جانشینی به واسطه پرداخت خسارت به بیمه‌گذار به رسمی شناخته می‌شود؛ اما انتقال سرمایه محسوب نمی‌شود.

ماده - ۱۰ - حقوق قانونی سرمایه‌گذاران خارجی مورد تضمین و حمایت است. سرمایه سرمایه‌گذاران خارجی چنانچه در مواردی به‌وسیله قانون به نفع عموم ملی شود و اینکه از سرمایه‌گذاران مزبور سلب مالکیت گردد جبران عادلانه خسارت به عهده سازمان است. در چنین مواردی سرمایه‌گذار بایستی ظرف شش ماه از تاریخ سلب مالکیت تقاضای جبران خسارت وارده را به سازمان تسلیم نماید. سازمان خسارت وارد را به قیمت روز محاسبه و ظرف سه ماه جبران می‌نماید. سازمان هر منطقه می‌تواند از طریق عقد قرارداد با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه نسبت به تضمین‌های یاد شده، اقدام نماید.

ماده - ۱۱ - کلیه واحدهایی که به موجب مجوز سرمایه‌گذاری، در منطقه ایجاد می‌شوند مکلف‌اند همه ساله گزارش عملکرد و صورت‌های مالی خود را به سازمان ارسال نمایند، صورت‌های مالی باید به تأیید موسسه حسابرسی مورد وثوق سازمان رسیده باشد.

ماده - ۱۲ - خروج سود ویژه و مبالغ مربوط به اصل و منافع حاصل از فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌های ارزی ایرانیان و همچنین مبالغ ناشی از فروش، یا واگذاری این گونه سرمایه‌ها از مناطق مجاز است. سازمان هر منطقه به درخواست این گونه سرمایه‌گذاران و پس از احراز اینکه مبالغ مورد درخواست برای خروج از مناطق، حاصل به کار انداختن سرمایه ثبت شده سرمایه‌گذاران در موضوع مجوز سرمایه‌گذاری است و حصول اطمینان از موارد مندرج در تبصره زیر، تأیید به لازم را ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست صادر می‌نماید.

تبصره - سازمان هر منطقه باید در بررسی‌های خود، ملاحظات مربوط به برخورداری سرمایه‌گذار از معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی، و نیز خالص بودن مبالغ مورد درخواست برای خروج را مورد توجه قرار دهد.

ماده - ۱۳ - پرداخت‌های مربوط به اقساط اصل وام و هزینه‌های متعلقه، قراردادهای حق اختراع، دانش فنی، کمک‌های فنی و مهندسی، علائم تجاری، مدیریت و قراردادهای مشابه در چارچوب طرح‌های سرمایه‌گذاری بر اساس قراردادهای مربوط و صورت‌های مالی با اطلاع سازمان مجاز است.

ماده - ۱۴ - سرمایه‌گذاران می‌توانند سهام یا سهم‌الشرکه خود را با موافقت سازمان منطقه به سرمایه‌گذاران دیگر واگذار نمایند. در این صورت انتقال‌گیرنده از هر نظر جانشین سرمایه‌گذار اول می‌شود.

ماده - ۱۵ - انتقال سرمایه از یک منطقه به منطقه دیگر تابع مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق مبدأ و مقصد است.

ماده - ۱۶ - موارد اختلاف بین سرمایه‌گذار خارجی و طرف ایرانی بر اساس قراردادهای و توافقات کتبی حل خواهد شد. این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۷۳/۳/۸ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. معاون

اول رئیس‌جمهور - حسن حبیبی

قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین

قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین در دومین نشست سیزدهمین کنگره ملی خلق چین در ۱۵ مارس ۲۰۱۹ به تصویب رسید، بدین‌وسیله برای اجرا از اول ژانویه ۲۰۲۰ ابلاغ شده است.^۸ در ادامه به‌منظور آشنایی با مفاد این قانون، ترجمه این قانون مورد اشاره قرار می‌گیرد.

فصل اول: مقررات عمومی

ماده ۱: قانون سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری خلق چین (که از این‌پس قانون نامیده می‌شود) مطابق با قانون اساسی جمهوری خلق چین در تلاش به‌منظور گسترش بیشتر توسعه و ترویج قابل‌توجه سرمایه‌گذاری خارجی، حفاظت از حقوق و منافع مشروع سرمایه‌گذاران خارجی، استانداردسازی مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی، شکل‌گیری الگوی جدیدی از توسعه همه‌جانبه و تقویت توسعه سالم اقتصاد بازار سوسیالیستی تدوین شده است.

ماده ۲: این قانون نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در قلمرو جمهوری خلق چین (سرزمین چین) قابل‌اجرا است.

از نظر قانون، منظور از سرمایه‌گذاری خارجی، فعالیت سرمایه‌گذاری است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط یک شخص حقیقی، مؤسسه یا سازمان دیگر خارجی (سرمایه‌گذاران خارجی) انجام می‌شود و شامل موارد ذیل می‌شود:

^۸https://en.ndrc.gov.cn/policies/202105/t20210527_1281403.html

۱. سرمایه‌گذار خارجی یک شرکت سرمایه‌گذاری خارجی را در قلمرو چین، به طور مستقل یا مشترک با هر سرمایه‌گذار دیگری تأسیس می‌نماید.

۲. سرمایه‌گذار خارجی سهام، اموال، دارایی‌ها یا هر حقوق و منافع مشابه دیگری از یک شرکت را در قلمرو چین به دست می‌آورد.

۳. سرمایه‌گذار خارجی برای شروع یک پروژه جدید در قلمرو چین، به طور مستقل یا مشترک با هر سرمایه‌گذار دیگری، سرمایه‌گذاری می‌نماید.

۴. سرمایه‌گذار خارجی به هر طریق دیگری که در قوانین، مقررات اداری یا مقررات شورای دولتی مقرر شده است، سرمایه‌گذاری می‌نماید.

از نظر قانون، شرکت سرمایه‌گذاری خارجی به شرکتی اطلاق می‌شود که تحت قوانین چین در قلمرو چین ثبت شده و به طور کامل یا جزئی توسط یک سرمایه‌گذار خارجی سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شده است.

ماده ۳: دولت باید به سیاست اساسی خود مبنی بر توسعه سرمایه‌گذاری پایبند باشد و سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری در قلمرو چین تشویق نماید.

دولت باید سیاست‌های آزادسازی و تسهیل سرمایه‌گذاری در سطح بالا را پیاده‌سازی نماید و مکانیزمی را برای ارتقای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد و بهبود بخشد و یک محیط بازاری باثبات، شفاف، قابل پیش‌بینی و یکسان ایجاد نماید.

ماده ۴: دولت باید سیستم‌های مدیریتی مربوط به رفتار ملی و فهرست منفی سرمایه‌گذاری خارجی را از قبل ایجاد نماید.

در خصوص این بند، رفتار ملی از قبل ایجاد شده، به رفتاری اطلاق می‌شود که با سرمایه‌گذاران خارجی و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها در مرحله سرمایه‌گذاری انجام می‌شود که کمتر از رفتاری است که با سرمایه‌گذاران چینی انجام می‌شود، نخواهد بود. فهرست منفی به اقدامات اداری ویژه برای دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه‌های خاص که توسط دولت تعیین می‌شود، اشاره دارد.

لیست منفی توسط شورای دولتی یا پس از تأیید آن شورا صادر می‌شود.

اگر طبق هر معاهده یا قرارداد بین‌المللی که جمهوری خلق چین منعقد کرده است یا به آن ملحق می‌شود، رفتار ترجیحی‌تری در مورد سرمایه‌گذار خارجی پیشنهاد شود، ممکن است مفاد مربوط در چنین معاهده یا موافقت‌نامه‌ای نسبت به سرمایه‌گذار خارجی حاکم باشد.

ماده ۵: دولت از سرمایه‌گذاری، درآمد و سایر حقوق و منافع مشروع سرمایه‌گذاران خارجی در قلمرو چین مطابق با قانون حمایت خواهد کرد.

ماده ۶: سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را در قلمرو چین انجام می‌دهند باید قوانین و مقررات چین را رعایت کنند و نباید به امنیت چین لطمه یا به منافع عمومی چین آسیب وارد نمایند.

ماده ۷: ادارات ذی‌صلاح بازرگانی و سرمایه‌گذاری زیر نظر شورای دولتی، بر اساس تقسیم وظایف، سرمایه‌گذاری خارجی را ترویج، حمایت و مدیریت خواهند کرد. سایر ادارات ذی‌ربط زیر نظر شورای ایالتی وظایف مربوط به ترویج، حمایت و مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی را در حیطه وظایف مربوطه به عهده خواهند گرفت.

اداره ذی‌ربط محلی در سطح شهرستان یا بالاتر از آن، کارهای مربوط به ترویج، حمایت و مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی را مطابق قوانین و مقررات و در راستای تقسیم وظایف تعیین شده توسط دولت مردمی در سطح شهرستان انجام خواهد داد.

ماده ۸: کارکنان شرکت سرمایه‌گذاری خارجی باید طبق قانون تشکیل اتحادیه صنفی، فعالیت صنفی و حفظ حقوق و منافع مشروع خود را انجام دهد. شرکت سرمایه‌گذاری خارجی باید شرایط لازم را برای فعالیت‌های صنفی خود به‌منظور انجام فعالیت‌های مربوطه فراهم نماید.

فصل دوم: ترویج سرمایه‌گذاری

ماده ۹: کلیه سیاست‌های ملی در مورد حمایت از توسعه شرکت‌ها به طور یکسان در مورد شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی مطابق قانون اعمال می‌شود.

ماده ۱۰: در تدوین قوانین، مقررات و ضوابط مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، نظرات و پیشنهادات شرکت‌های دارای سرمایه خارجی باید به نحو مقتضی مورد بررسی قرار گیرد.

اسناد سیاست‌گذاری و قانونی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی طبق قانون در موعد مقرر منتشر می‌شود.

ماده ۱۱: دولت باید سیستم خدمات سرمایه‌گذاری خارجی را ایجاد و توسعه دهد و به سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه قوانین و مقررات، سیاست‌ها و اقدامات، اطلاعات پروژه‌های سرمایه‌گذاری و سایر جنبه‌ها مشاوره و خدمات ارائه نماید.

ماده ۱۲: دولت سازوکارهای همکاری چندجانبه و دوجانبه را برای ترویج سرمایه‌گذاری با سایر کشورها، مناطق و سازمان‌های بین‌المللی ایجاد خواهد کرد تا مبادلات و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه سرمایه‌گذاری افزایش یابد.

ماده ۱۳: دولت می‌تواند در صورت نیاز، منطقه ویژه اقتصادی ایجاد نماید یا سیاست‌ها و اقدامات آزمایشی را برای سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق خاص به‌منظور ترویج سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش فضای آزاد انجام دهد.

ماده ۱۴: دولت می‌تواند بنا به مقتضیات اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری در صنایع، رشته‌ها و زمینه‌های خاص تشویق و راهنمایی نماید. سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است مطابق قوانین، مقررات اداری یا مقررات شورای دولتی از رفتارهای ترجیحی برخوردار شوند.

ماده ۱۵: دولت تضمین خواهد کرد که شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند به طور مساوی در تنظیم استانداردها طبق قانون، شرکت نمایند و افشای اطلاعات و نظارت اجتماعی بر تنظیم استانداردها را افزایش دهند.

استانداردهای اجباری تدوین شده توسط دولت به طور مساوی در مورد شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی اعمال می‌شود.

ماده ۱۶: دولت تضمین خواهد کرد که شرکت‌های دارای سرمایه خارجی می‌توانند از طریق رقابت منصفانه در فعالیتهای تدارکاتی دولتی شرکت کنند. محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده توسط شرکت‌های دارای سرمایه خارجی در قلمرو چین باید در تدارکات دولتی به طور مساوی مورد استفاده قرار گیرد.

ماده ۱۷: شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند از طریق عرضه عمومی سهام، اوراق قرضه شرکتی و سایر اوراق بهادار یا از طرق دیگر تأمین مالی انجام دهند.

ماده ۱۸: دولت‌های محلی در سطح شهرستان یا بالاتر می‌توانند طبق مقررات قوانین، مقررات اداری یا مقررات محلی، سیاست‌هایی را برای تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در مراجع قانونی مربوطه خود تنظیم کنند.

ماده ۱۹: دولت‌های محلی در تمام سطوح و ادارات مربوطه تحت آن، بر اساس اصل شفافیت، کارایی و تسهیل‌گری، رویه‌های رسیدگی به امور را ساده می‌نمایند، کارایی خود را بالا می‌برند و خدمات دولتی را بهینه می‌کنند تا خدمات ارائه شده به سرمایه‌گذاری خارجی را بیشتر بهبود بخشند.

ادارات ذی‌صلاح ذی‌ربط باید دستورالعمل‌هایی را برای سرمایه‌گذاری خارجی تهیه و منتشر کنند و خدمات و تسهیلات لازم را برای سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی فراهم نمایند.

فصل سوم: حمایت از سرمایه‌گذاری

ماده ۲۰: دولت حق ندارد سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران خارجی را سلب مالکیت نماید. در شرایط خاص، دولت می‌تواند طبق قانون سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران خارجی را به منظور حفاظت از منافع عمومی سلب مالکیت یا مصادره نماید. چنین سلب مالکیت یا مصادره‌ای باید طبق مقررات قانونی انجام شود و غرامت عادلانه و معقول به موقع به سرمایه‌گذار خارجی پرداخت شود.

ماده ۲۱: سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند طبق قانون، سهم، سود، عواید سرمایه، درآمد حاصل از واگذاری دارایی، حق الامتیاز حقوق مالکیت معنوی، خسارات یا غرامت قانونی به دست آمده، درآمد حاصل از انحلال و غیره را آزادانه در داخل چین یا به خارج منتقل نماید.

ماده ۲۲: دولت از حقوق مالکیت معنوی سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی حمایت می‌کند و از حقوق و منافع مشروع دارندگان حقوق مالکیت معنوی و دارندگان حق مربوط حمایت می‌کند. در صورت هرگونه نقض حقوق مالکیت فکری، مسئولیت قانونی، طبق قانون رسیدگی می‌شود.

در طول فرایند سرمایه‌گذاری خارجی، دولت باید همکاری‌های فناورانه را بر اساس اراده آزاد و قوانین تجاری تشویق نماید. شرایط همکاری‌های فناورانه باید توسط همه طرف‌های سرمایه‌گذاری پس از مذاکره بر اساس اصل برابری تعیین شود. هیچ بخش اداری یا کارمندان آن نباید هرگونه انتقال فناوری را از طریق ابزارهای اداری مجبور نمایند.

ماده ۲۳: ادارات اداری و کارکنان آن‌ها باید اسرار تجاری سرمایه‌گذار خارجی یا شرکتی سرمایه‌گذاری خارجی را که در حین انجام وظایف خود از آن مطلع باشند، محرمانه تلقی نمایند و از افشای آن یا ارائه غیرقانونی اسرار تجاری به دیگران خودداری نمایند.

ماده ۲۴: در تنظیم اسناد قانونی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی، دولت‌های محلی در تمام سطوح و ادارات ذی‌ربط آن‌ها باید قوانین و مقررات را رعایت کنند. در مواردی که قوانین و مقررات مربوطه در دسترس نباشد، دولت‌های محلی در همه سطوح و ادارات مربوطه آن‌ها نباید به حقوق و منافع مشروع شرکتی که دارای سرمایه خارجی است، لطمه وارد نمایند یا هیچ‌گونه تعهد اضافی را به یک شرکت سرمایه‌گذاری خارجی تحمیل نمایند یا شرطی را برای دسترسی به بازار و خروج از آن تعیین نمایند یا مداخله در هرگونه فعالیت عادی تولید و عملیات یک شرکت سرمایه‌گذاری خارجی را محدود نمایند.

ماده ۲۵: دولت‌های محلی در تمام سطوح و ادارات مربوطه آن‌ها باید تعهدات سیاستی خود را که در قبال سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی به‌طورجدی رعایت نمایند و کلیه قراردادهای منعقد شده را مطابق قانون اجرا نمایند.

در صورت نیاز به تغییر هر یک از تعهدات یا قراردادهای به دلیل منافع ملی یا منافع عمومی، مرجع قانونی و مقررات باید به‌شدت رعایت شود و سرمایه‌گذار خارجی یا شرکت سرمایه‌گذاری خارجی مربوطه باید خسارات وارده به آن را طبق قانون جبران کند.

ماده ۲۶: دولت باید یک مکانیسم شکایت برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد نماید و مشکلات گزارش شده توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی یا سرمایه‌گذاران آن‌ها را به‌موقع حل نموده و اقدامات سیاستی مربوطه را هماهنگ و بهبود بخشد.

در صورتی که یک شرکت سرمایه‌گذاری خارجی یا سرمایه‌گذار آن تشخیص دهد که هر اقدام اداری یک بخش اداری یا کارکنان آن حقوق و منافع مشروع آن را نقض می‌نماید، می‌تواند از طریق مکانیسم شکایت به دنبال هماهنگی و حل آن باشد.

در صورتی که یک شرکت سرمایه‌گذاری خارجی یا سرمایه‌گذار آن تشخیص دهد که هر اقدام اداری یک بخش اداری یا کارکنان آن حقوق و منافع مشروع آن را نقض می‌کند، علاوه بر هماهنگی و حل و فصل از طریق مکانیسم شکایت، سرمایه‌گذاری، می‌تواند بررسی اداری، یا طرح دعوی قضایی اداری را درخواست کند.

ماده ۲۷: شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند به طور قانونی اتاق بازرگانی یا انجمنی را تأسیس نمایند و داوطلبانه در آن عضویت پیدا کنند، اتاق بازرگانی یا انجمن باید فعالیت‌های مربوطه را طبق قوانین، مقررات و اساسنامه آن انجام دهد و از حقوق و منافع مشروع اعضای خود محافظت نماید.

فصل چهارم: مدیریت سرمایه‌گذاری

ماده ۲۸: سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌توانند در زمینه‌هایی که به‌موجب فهرست منفی، برای سرمایه‌گذاری خارجی ممنوع اعلام شده است (ازاین‌پس «فهرست منفی» نامیده می‌شود)، سرمایه‌گذاری نمایند.

برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که به‌موجب توسط منفی، سرمایه‌گذاری در آن‌ها محدود شده است، سرمایه‌گذاران خارجی باید شرایط سرمایه‌گذاری مقرر شده در فهرست منفی را رعایت نمایند.

زمینه‌هایی که به‌موجب فهرست منفی، سرمایه‌گذاری در آن‌ها ممنوع اعلام نشده است، باید به‌موجب این اصل که با سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی باید به طور یکسان رفتار شود، مدیریت می‌شوند.

ماده ۲۹: در فرایند سرمایه‌گذاری خارجی در مواردی که تأیید و ثبت پرونده یک پروژه سرمایه‌گذاری خارجی لازم باشد، مقررات مربوطه دولتی رعایت می‌شوند.

ماده ۳۰: در صورتی که سرمایه‌گذار خارجی در صنعت یا زمینه‌ای سرمایه‌گذاری نماید که طبق قانون الزاماً نیازمند مجوز است، تشریفات مربوط به صدور مجوز طبق قانون انجام می‌شود.

اداره ذی‌صلاح ذی‌ربط درخواست مجوز سرمایه‌گذار خارجی را بر اساس شرایط و رویه‌های مشابه سرمایه‌گذاری داخلی بررسی می‌نماید مگر اینکه در قوانین یا مقررات اداری خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۳۱: شکل سازمانی، چارچوب نهادی و استاندارد رفتار یک شرکت سرمایه‌گذاری خارجی تابع مقررات قانون شرکت جمهوری خلق چین، قانون مشارکت جمهوری خلق چین و سایر قوانین خواهد بود.

ماده ۳۲: شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در انجام فعالیت‌های تولیدی و بهره‌برداری باید مقررات مربوطه در خصوص حمایت از کار و بیمه اجتماعی مقرر در قوانین و مقررات اداری را رعایت نمایند و به امور مالیاتی، حسابداری، ارزی و سایر موارد مطابق قوانین، مقررات اداری و سایر امور رسیدگی کنند. مقررات مربوطه و نظارت و بازرسی توسط ادارات ذی‌صلاح ذی‌ربط، طبق قانون خواهد بود.

ماده ۳۳: سرمایه‌گذاران خارجی که شرکتی را در قلمرو چین از طریق ادغام و تملیک به دست می‌آورند یا به طرق دیگر در انحصار شرکت‌ها مشارکت می‌نمایند، مشمول بررسی تعهدات مقرر در قانون ضد انحصار جمهوری خلق چین خواهند بود.

ماده ۳۴: دولت باید یک سیستم گزارش‌دهی مربوط به اطلاعات سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد نمایند. سرمایه‌گذاران خارجی یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی باید اطلاعات سرمایه‌گذاری را از طریق سامانه ثبت شرکت و سامانه تبلیغات اطلاعات اعتباری شرکت به ادارات ذی‌صلاح بازرگانی ارسال کنند.

محتویات و انواع اطلاعات سرمایه‌گذاری خارجی که باید گزارش شوند، بر اساس اصل ضرورت تعیین می‌شود. اطلاعات سرمایه‌گذاری که از طریق اشتراک‌گذاری اطلاعات بین‌بخشی در دسترس است، نیازی به ارسال مجدد نخواهد داشت.

ماده ۳۵: دولت باید یک سیستم بررسی امنیت ملی برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد نماید که بر اساس آن بررسی امنیتی مربوط به هر سرمایه‌گذاری خارجی که بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارد یا امکان تأثیرگذاری بر آن را دارد، انجام شود.

تصمیم اتخاذ شده پس از بررسی امنیتی، طبق قانون قطعی است.

فصل پنجم مسئولیت حقوقی

ماده ۳۶: هرگاه سرمایه‌گذار خارجی در زمینه‌ای که به موجب فهرست منفی، سرمایه‌گذاری در آن ممنوع است، اقدام به سرمایه‌گذاری نماید، اداره ذی‌صلاح ذی‌ربط به سرمایه‌گذار مذکور دستور می‌دهد تا فعالیت سرمایه‌گذاری خود را متوقف، سهام و دارایی‌های آن را واگذار نماید یا اقدامات لازم دیگر را به منظور بازگرداندن وضعیت به آنچه قبل از سرمایه‌گذاری بوده، در مهلت مقرر انجام دهد. در صورت وجود هرگونه سود غیرقانونی، آن سود نیز مصادره می‌شود.

در صورتی که فعالیت سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار خارجی هرگونه تدابیر اداری ویژه برای دسترسی محدود مندرج در فهرست منفی را نقض کند، بخش ذی‌صلاح ذی‌ربط به سرمایه‌گذار دستور می‌دهد تا در مهلت مقرر اصلاحاتی را انجام داده و اقدامات لازم را برای برآورده کردن الزامات اقدامات فوق‌الذکر انجام دهد. در صورتی که سرمایه‌گذار خارجی در مهلت مقرر اصلاحات لازم را انجام ندهد، اقدامات مندرج در بند قبل اتخاذ می‌شود.

در صورتی که فعالیت سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار خارجی، موارد مندرج در فهرست منفی را نقض نماید، سرمایه‌گذار مذکور علاوه بر اینکه مشمول اقدامات مندرج در دو بند قبل خواهد شد، طبق قانون مسئولیت مدنی نیز بر عهده خواهد داشت.

ماده ۳۷: هرگاه سرمایه‌گذار خارجی یا شرکت سرمایه‌گذاری خارجی مفاد این قانون را نقض نماید و اطلاعات سرمایه‌گذاری خود را طبق نیاز سامانه گزارش‌دهی گزارش ننماید، اداره ذی‌صلاح بازرگانی به سرمایه‌گذار دستور می‌دهد در مهلت مقرر اصلاحات را انجام دهد. اگر چنین اصلاحاتی به موقع انجام نشود، جریمه‌ای نه کمتر از ۱۰۰۰۰۰۰ یوان و نه بیشتر از ۵۰۰۰۰۰۰ یوان اعمال می‌شود.

ماده ۳۸: سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت سرمایه‌گذاری خارجی متخلف از هر قانون یا مقرراتی، طبق قانون مورد تحقیق و تدابیر ادارات ذی‌ربط بوده و طبق مقررات مربوطه دولت در سامانه اطلاعات اعتباری گنجانده می‌شوند.

ماده ۳۹: هرگاه یکی از کارکنان یک اداره اداری در حین انجام کارهای مربوط به ترویج، حمایت و مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی از وظایف و اختیارات خود سوءاستفاده نماید، از وظایف خود غفلت نماید یا برای منافع شخصی مرتکب سوءرفتار شود یا اشخاص ثالث را از هرگونه اسرار تجاری را که در حین انجام وظیفه از آن مطلع شده است، آگاه نماید، مطابق قانون مجازات خواهد شد. در صورت وقوع جرم، مسئولیت کیفری خواهد داشت.

فصل ششم: مقررات تکمیلی

ماده ۴۰: هرگاه هر کشور یا منطقه‌ای اقدامات تبعیض‌آمیز بازدارنده یا محدودکننده یا سایر اقدامات مشابه را علیه جمهوری خلق چین از نظر سرمایه‌گذاری انجام دهد، جمهوری خلق چین می‌تواند اقدامات مربوطه را علیه کشور یا منطقه مذکور باتوجه به شرایط واقعی اتخاذ نماید.

ماده ۴۱: برای سرمایه‌گذاران خارجی که در صنایع مالی؛ مانند بانک، اوراق بهادار و بیمه سرمایه‌گذاری می‌نمایند یا هرگونه سرمایه‌گذاری را در بازارهای مالی؛ مانند بازار اوراق بهادار و بازار ارز در داخل قلمرو چین در قلمرو چین مدیریت می‌نمایند، در صورتی که دولت مقررات خالص دیگری در خصوص موارد فوق‌الذکر داشته باشد، چنین مقرراتی حاکم بر آن سرمایه‌گذاری خواهد بود.

ماده ۴۲: این قانون از ۱ ژانویه ۲۰۲۰ لازم‌الاجرا می‌شود. قانون جمهوری خلق چین در مورد سرمایه‌گذاری مشترک سهام چینی-خارجی، قانون جمهوری خلق چین در مورد شرکت‌های کاملاً با مالکیت خارجی و قانون جمهوری خلق چین در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک تعاونی چین و خارجی به طور هم‌زمان لغو می‌شوند.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی که قبل از این قانون، بر اساس قانون جمهوری خلق چین در مورد سرمایه‌گذاری مشترک چین و خارجی، قانون جمهوری خلق چین در مورد شرکت‌های کاملاً با مالکیت خارجی و قانون جمهوری خلق چین تأسیس شده‌اند، می‌توانند شکل اصلی تشکیلات و سایر جنبه‌های خود را به مدت پنج سال پس از اجرای این قانون حفظ کند. اقدامات اجرایی خاص توسط شورای ایالتی تدوین خواهد شد.

